**مجموعه مکاتيب حضرت عبدالبهاء٨٧**

اين مجموعه بااجازه محفل مقدس روحانی ملی ايران

شيدالله ارکانه بتعداد محدود بمنظور حفظ تکثير

شده است ولی از انتشارات مصوبه امری نميباشد

شهر المسائل ١٣٣ بديع

ص ١

هو

کتاب استنساخ الواح مبارک مرکز ميثاق حضرت عبدالبهآء ارواح من فی الوجود

لرمسه الاطهر فدا که باوامر مطاعه ولی امرالله شوقی ربانی ارواح ؟؟؟؟له الفدا

از روی اصل نسخه موجود در شيراز که بنظر اعضآء محفل مقدس روحانی رسيده

و تدقيق کامل نموده اند نوشته شده بتاريخ اول شهر الملک يوم البهآء سنه ٨٢

بيست و سوم رجب ١٣٤٤ هيجدهم دلو سنه ١٠٣٤

هوالله

شيراز بواسطه جناب حاجی محمد کريم جناب آقا ميرزا آقای طبيب عليه بهآءالله

الحمدلله الذی دلع لسان الوجود بمحامده و النعوت و انطق السن الکائنات بالثتآء

عليه فی خير الملکوت و تجلی بشئون اللاهوت فی عالم الناسوت فاقتبست افئدة

العارفين انوار العرفان من مطلع النور المبين و ذلت الاعناق و خضعت الرقاب و عنت

الوجود و خشعت الاصوات بجماله المجلله بنور الجلال فعجزت الابصار عن مشاهدة ذلک

الوجه المنير و ابدع تحية و ثنآء و تکبير تهدی الی کوکب الاسرار و النير البازع

فی افق الانوار مصباح الملاء الاعلی و الکلمة العليا و الحقيقة‌ة الساطعة فی

الابهی النقطة الاولی و السدرة المنتهی و المجسد الاقصی و علی الذين اتبعوا

بشاراته المستمرة فی الايات

ص ٢

الاسم الاعظم و الهيکل المکرم و شمس القدم عن مطلع العالم الساطعة علی افاق

القبائل الام الی ابد الاباد يا من اتاة الله الحکمة و البيان در اين عصر و اوان

که حضرت ان بصفت رحمانيت تجلی بر کيهان نموده و قلوبرا بفيض عرفان مه تابان

فرموده فضل وجود بعالم وجود احاطه نموده پس اهل سجود بايد قدر اين فضل مشهود

را بدانند و بشکرانه الطاف رب ودود چنان شور و ولهی در عالم وجود اندازند

شرق و غرب بجذب و طرب آيد و جنوب و شمال بنور جمال منور گردد

موهبت عظمی و حقيقت وفا و عبوديت آستان کبريا مانند اکليل جليل در

اوج ؟؟؟؟ سماء موجود و مهيا تا چه سری لايق اين افسر گردد و چه قامتی سزاوار اين

خلعت و چه زجاجی موقد اين سراج شود و چه افقی مطلع اين کوکب وهاج گردد

ای يار روحانی بجان بکوش تا پرتو نور مبين بر رخ افتد و بميمنت اين فيض قديم

شود قوه جاذبه اين موهبت انقطاع و انجذابست و روح و ريحان خضوع

است و محويت و فنا تبليغ امر الله است و نشر نفحات الله و اعلآء کلمة الله

و عليک التحية و الثنآء ع ع

ص ٣

هو الله

شيراز جناب ميرزا آقای طبيب عليه بهآءالله

هو الله

يا حبيبی قد حزنت لحزنک الشديد و ؟؟؟؟ عليک تحنن الصير الغريب الی الالف

السعيد و احببت ان اعزيک فی ندا البلآء الجديد و الخطب الجسيم و الماتم العظيم

و قد اضطرمت نار الحسرات و احاطت السکرات و نزلت العبرات من وقعه النعيم ؟؟؟؟

فلا تتبئس ان ربک قد هدی ذلک الطير الی سربه الجليل و وکره الرفيع فی فردوسه

البديع و الف طيور القدس الصادحة فی حديقة الانس علی لحن الحبيب فاستمع ؟؟؟؟

الجنان و ارتفع منهم الضجيج بالتهليل و التکبير علی رب الجليل و عليک التحية

و الثنآء ع ع

شيراز

هو الله

بواسطه جناب ميرزا حسن و جناب حاج محمد کريم جناب اقا ميرزا طبيب مناجات طلب

مغفرت بجهت من فاز بملکوت الابهی آقا ميرزا جلال عليه بهآءالله

هو الله

رب يا ذالمغفرت العظمی و الموهبة الکبری تغفر لمن تشآء وتعفو عمن تشآء و تبدل

ص ٤

السيئات بالحنات لمن تشآء الهی انی اتشبث باحداب رداء کبريائک

و الوذ بباب رحمتک و علائک و امرغ جبينی علی التراب تذللا الی عزتک و جلالک

و اناجيک ان تغفر لعبدک الذی غلبت عليه اسرارک و متکت له الاستار و کشفت

عنه الحجاب و رفعت له النقاب و رزقته لقآء وءهک عند الاياب الی دارالصواب

رب انه طير خافض الجناح طيره الی اوج الفلاح و اجعله کنور الصباح يلوح من

افق النجاح فی ملکوت الارواح حيث انقذته من ظلام الاشباح و قدرت

له کل خير خصصت به الاصفيآء فی الملاء الاعلی و ملکوتک الابهی انک انت

المقتدر الغافر العفو اللطيف الکريم الحنون المتعال ع ع

هو الله

ای دو فرقدان افق محبت الله حمد خدا را که آن دو برادر مانند دو پيکر يعنی جواز

از افق هدی لامعند و در انجمن احباء و سراج ساطع اخوت روحانی

و جسمانی هر دو موجود و الفت صوری و معنوی هر دو مشهود و اين از اعظم الطاف

عزت مقصود کنون بايد که آئينهه استعداد را مجلی نمود تا آناً فآناً انوار شمس

حقيقت

ص ٥

بيشتر بتابد و عليکما البهآء الابهی ع ع

شيراز جناب آقا ميرزا اقای طبيب عليه بهاءالله الابهی

هو الله

ای يار روحانی نامه شما رسيد از عدم فرصت بنهايت اختصار جواب مرقوم ميگردد

نامه نافه مشک بود معطر و معنبر بود رائحه محو وفنا در سبيل جمال ابهی از ان

منتشر بود بقول شاعر پرده چه باشد ميان عاشق و معشوق سد سکندر نه مانع است و

نه حائل قوه محبت الله قلبرا چون آينه صاف و براق و از هر زنگی ممتاز و آزاد

نمايد لهذا جمال و کمال ياران ازدو طرف در آن انطباع يابد و اقا العل؟؟؟؟ متين

لبلوغ العالم حال بيانش بايد مبهم باشد حکمت چنين اقتضا ميکند از روح و ريحان

احبای آن سامان و تشکيل محافل انس بسيار سرور حصول گشت بجناب اخوی ميرزا علاء

الدين تحيت ابدع ابهی برسان طلب غفران و عفو گناهان از برای والدين آن يار

مهربان گرديد بوالده فرزندان امة الله المهيمن القيوم و اقا ميرزا مصطفی و ميرزا

بها با نهايت اشتياق تحيت ابدع ابهی برسان و عليک البهآء الابهی ٢٨ ج ا ١٣٣٨

عبدالبهآء عباس

ای لوح از روی اصل نسخه که بمهر مبارک حضرت عبدالبهاء ارواح العالمين فداه مزين

بود نوشته شده

ص ٦

هو الله

ايبنده بها در خبر است که در يوم رستخيز زمين بيکديگر نزديک گردد اما

ندانستند که صنايع بديعه شرق و غربرا همدم نمايد و اکتشافات جديده جنوب

و شمالرا همراز کند گمان نمودند که بواسطه عصر و حصر اراضی نزديک يکديگر گردند و

حال انکه از آن چه ثمر بلکه ثمر در اينست که اقاليم شرق و غرب در نفسی از يکديگر

خبر گيرند و در يک محفل نشينند و مشورت و مصاحبت نمايند حال اين قربيت

محصور در اقاليم ارضيه نه بلکه امکان نزديک لامکان شده و مرکز ادنی قريب

ملاء اعلی گشته اتصالات بين عالم خاک و جهان پاک حاصل شده يکسر سيم در

مرکز صدور مرکوز و سر ديگر در ملکوت رب غفور وبرق الهام واسطه کلام و قوه

جاذبه محبت الله کاشف اسرار جهدی فرما که صدور مرکز الهام گردد و قلوب جولانگاه

قوهٴ جاذبه آسمان و عليک التحية و الثنآء ع ع

٧ ج ١/١٣٢٨ بواسطه جناب بشير الهی جناب اقا سيد محمد رضای بواناتی عليه

بهاءالله الابهی

هوالله

رب و رجآئی و غاية املی و منائی قد مس الضر عبدک الخاضع الی جبروت

ص ٧

الجلال المنجذب الی ملکوت الجمال المتوقد بنار محبتک المنشرح الصدر

بايات معرفتک رب اکشف الغمه و اسبغ النعمه و اکمل الرحمه ؟؟؟؟ المنحسه ؟؟؟؟

و انقذه من المحنه رب لا کاشف لها الا انت و لا مجير لعبدک الا انت و لا

غدير له الا انت و لا سمير له الا انت يا ملجاء المضطرين و يا ملاء المتبهلين

قدر له کل خير فی ملکوت الاسرار و احشره مع الابرار و احفظه من طوارق الليل

و جوارح النهار لا اله الا انت العزيز الجبار و عليک البهآء الابهی ع ع

بواسطه جناب بشير الهی

شيراز جناب ميرزا جلال زرقانی و اقا محمد صادق خباز عليهما بهآءالله الابهی

هو الله

ای دو بنده آستان جمال مبارک مکتوب مختصر شما بغايت مفصل بود اين ايجاز

اعجاز بود و اين اختصار مفيدتر از اطناب و اسهاب زيرا مضمون دليل جليل بر

استقامت بر امرالله بود و اليوم استقامت عين کرامت ؟؟؟؟ بلکه اعظم معجزه در

عالم بشريت در خصوص حضور ببقعه نور مرقوم نموده بوديد اين ايام محذورات

متعدده موجود لهذا مرهون بوقت ديگر نمائيد و اگر چنانچه بنشر نور مبين پردازيد

عين

ص ٨

تشرف بآستان مقدس است و اجر طائفين در حق شما مقرر جميع ياران الهی

را فرداً کمال اشتياق عبدالبهآء ابلاغ نمائيد و عليکما التحية و الثنآء ع ع

هو

رب وفق هولآء المنفقين علی کل خير فی ملکوت و الملکوت بما انفقوا اموالهم فی

تأسيس اول مشرق الاذکار فی قطب الديار و بدلوا ما اعطيهتم فی بنآء بيتک

المعمور بسعی مشکور و لهم الجزآء الموفور يا مؤيد کل عبد شکور رب وعدت عبادک

فی کل حسنة عشرة امثالها فقدر لهولآء اضعاف امثالها العشره و اجعل البرکة تحيط

بهم من کل الجهات يا رب الايات انک انت المعطی العزيز الوهاب انک انت الکريم

الرحيم و قد سبقت منک الکلمات فی حق کل من قام علی نصرة امرک من اهل الارض و

السموات يا رب الخيرات و قابل الحسنات و المبرات

هو الله

ای خباز پر نياز حضرت روح بحواريين ميفرمايد انا خبز الذی نزل من السمآء من

اکل من هذا ؟؟؟؟ لن يموت ابدا ميفرمايد حقيقت عيسويه مائده سمائيه است

و از ان مائده سمائيه هر نفسی بهره گيرد بحيات باقيه فائز شود و همچنين شئون

رحمانيه

ص ٩

که از ان مظهر فيوضات ربانيه ظاهر شد ان شئون نيز مائده سمائيه بيچون است

پس تو خباز الهی باش و سبب حصول و وصول و نزول اين مائده سمائيه گردد ع ع

هو الله

ای ياران رحمانی اين زندانی جناب اقا محمد صادق عليه بهآءالله الابهی بارض مقدس

وارد و بآستان مقدس ساجد گرديد فی الحقيقه شمعی بارق و بنور محبت الله رخی شارق

دارند در اوقات انس و الفت روحانی ذکر احبای رحمانی نمودند که الحمدلله ياران

فارس فارس ميدان عرفانند و حارس حصن حصين رحمان توجه بملکوت ابهی

کنند و تضرع بآستانه حضرت کبريا نمايند منجذبند و ناطق مشتعلند و بارق

و موانسند و موافق محفل توحيد بيارايند و شمع تجريد بر افروزند و آيات تقديس

ترتيل نمايند و بذکر بديع مشغول شوند هر يکی گلشن الهيرا کلی معطر و بوستان

رحمانيرا شکوفه ئی معنبر و حدائق قدسرا بلبلی گويا و سفر يوحنا را تعبير رويا شب

و روز بهدايت خلق کوشند و بيان حجج و براهين الهی نمايند و بگفتار و رفتار

سبب تنبه خلق گردند آيات توحيدند و رايات تجريد از اين اوصاف و نعوت نيست

فرح و سرور حاصل گرديد ما را نيز اميد چنين است و آرزو اعظم از اين و يقين است

ص ١٠

که موطن آن نور مبين بهمت دوستان الهی عنقريب تزيين يابد و غبطه بهشت برين

گردد ياران الهی هر يک بقوهٴ روحانی مويد و بپرتو شمس حقيقت فائز و آئينه چون

صفا بايد اشعه ساطعه جلوه نمايد لهذا از الطاف دلبر آفاق منتظريم كه آن خطه و

ديار را مشکبار فرمايد و آن اقليمرا روضه نعيم نمايد شيراز پر آواز گردد و ندای

الهی بلند شود و ياران الهی بساز و آوازی دمساز شوند که جميع اصوات خاشع گردد

و هر ضوضائی ساکت و صامت شود تا مصداق شعر اديب شيراز شود ولوله

در شهر نيست جز شکن زلف يار فتنه در آفاق نيست جز خم ابروی دوست

باری عبدالبهآء بياد ياران در نهايت روح و ريحان و بدل و جان جويای روی دوستان

دمی نگذرد مگر انکه تضرع و زاری نمايم و عجز و بيقراری کنم و بکمال تبتل طلب

تائيد نامتناهی نمايم البته ياران نيز با اين زندانی در عجز و زاری همدم و

قرينند و جانفشان در سبيل نور مبين و عليکم البهآء الابهی يا الهی و محبوبی

و مقصودی و مطلوبی ترانی متاجياً فی الايام و الليالی و متضرعاً اليک بقلبی

و لسانی و مبتهلاً الی ملکوتک بروح منجذب الی ملکوتک الرمانی ان تويد الذين

سمعو الندآء و لبو اللدعآء و انجذبوالی ملکوتک

الاعلی و اشتعلوا بالنار الموقدة فی سدرة سينا و وجهوا وجوههم اليک بين

ص ١١

الوری و رتلوا ايات الهدی بين ملاء الانشآء و نصقوا بالثنآء و رفعوا رايت

التقوی و سرعوا الی مشهد الفدآء بقلوب خافقة باحب و الولآء و قاموا الحجج و

البرهان بين خلقک علی اثبات امرک بقوت ارتعدت به فرائص اولی النهی رب اجعل

هولآء مصابيح الدجی و مفاتيح ابواب السمآء و رايات الکلمة العليا و ايات

الکتاب المبين فی زبر الاولين و صحف الاخرين حتی يتوکلوا عليک ويسرعوا اليک و

تيمنو الشهادة بين يديک انک انت الکريم انک انت العظيم و انک انت الرحمن الرحيم

ع ع

بواسطه جناب اقا ميرزا محمد صادق زائر شيراز احبای الهی عليهم بهآءالله الابهی

جناب عندليب جناب اقا سيد محمد حسين جناب حاجی ميرزا بزرگ جناب اقا ميرزا

جلال خياط جناب محمد تقی خان جناب اقا ميرزا غلامرضا جناب ميرزا سيف الله

جناب ميرزا مجمد جعفر خان جناب اقا ميرزا ابوالقاسم ساعت ساز جناب اقا علی

اقای اسانه دار جناب اقا محمد باقر نقاش جناب اقا ميرزا حبيب ؟؟؟؟

جناب ميرزا عبدالحسين ثابت جناب اقا ميرزا محمد جناب اقا ميرزا محمد رضا

جناب اقا ميرزا محمود عطار جناب اقا ميرزا عليخان جناب اقا ميرزا بهائی

جنابشاهزاده محبعلی ميرزا جنابشاهزاده غلامحسين ميرزا جناب حاجی محمد رضا

جناب اقا ميرزا شکرالله جناب اقا ميرزا سليمان

ص ١٢

جناب ميرزا عبدالحسنخان جناب ناظم دفتر جناب اقا ميرزا عليرضا خان جناب اقا

ميرزا نادعلی جناب عليمحمد بيگ جناب حاجی اسدالله بيگ جناب اقا ميرزا

ابوالحسن جناب اقا ميرزا بابا جناب اقا محمد اسماعيل جناب ميرزا مسيح الله

جناب اقا شيخ اقا جناب اقا ميرزا حسن جناب اقا ملا محمد رضا جناب اقا محمد

حسن جناب اقا علی اقا جناب اقا ميرزا يحيی خان جناب اقا ميرزا علی محمد خان

عليهم بهاءالله الابهی

هوالله ش جناب ميرزا محمد صادق عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايد

هو الله

ای مقتبس انوار هدی در اين قرن عظيم خداوند کريم تمسک بعهد قديم جو و تشبث بذيل

رب رحيم کن و در امرالله خدمتی و در نشر اثار الله همتی بنما اين ايام پر احزان

بپايان رسد و اين انفاس معدوده منتهی گردد بجان جويای حيات باقيه ابديه باش و

بدل اميد بلطف حضرت مجيد داشته باش لطف او عميم است و فضل او عظيم عنايت

او بينهايت است و موهبت او اساس هدايت باستعداد و استحقاق خويش نظر منما بلکه

بفيض و فضل رب ودود بنگر بر عهد و پيمان ثابت و متين و زرين و رصين باش ع ع

بواسطه جناب اقا ميرزا محمود زرقانی

ص ١٣

شيراز جناب آقا ميرزا ابوالقاسم ساعت ساز جناب آقا ميرزا يوسف نقاش جناب آقا

ميرزا عبدالحسين و جناب آقا ميرزا محمد صادق عليهم بهآءالل الابهی

هو الله

ای ياران عبدالبهآء الان در محفل احبا و انجمن اصفيا حضرت حيدر قبل علی حاضر

و ذکر شما گذشت از قرار معلوم از متولی باشی شاه چراغ نهايت اذيت و جفا ديده ايد

و محنت بيهمتا کشيده ايد بجان الله شاه چراغ روشن است ولی متولی بسيار تاريک

و مظلم اين نادان با وجوديکه پای چراغست عجيب است که در چنين است که در چنين

ظلمتی حالک هالک عيب ندارد و همواره چنين بوده است که خادمان محلات محترمه

معاندان بودند از جمله در ضريح حضرت رسول عليه الصلوه و السلام الان نفوسی

خادمند که شيريرترين مخلوقند در چند سال قبل حجاج ايرانيان ريختند جمعيرا زدند

و بستند و غارت نمودند حتی شش نفر را کشتند و اين ظلم و عدوان بسبب اين بود که

طمعی در مال ان بيچارکان داشتند مقصود اين است که شما دلگير نشويد اينها متولی

نيستند متعدی هستند از امل تولی نيستند از اهل تعنت و بغضا هستند عل يالخصوص که

معهود برشد موجود نيز موسوم است باری اگر آن ستمکار جفا آشکار نمود شما وفا

نمائيد و اگر وفا نمائيد و اگر تعدی کرد شما تولی جوئيد ؟؟؟؟

ص ١٤

آتش آنخصومت را بمآء خاموش نمائيد و آن تيغ تيز را صبر و تحمل سپر کنيد

تا توانيد مهربانی کنيد و رحمانی طلبيد و منتهای رعايت و عنايت مجری داريد

و عليکم التحية و الثنآء ع ع

شيراز بواسطه امة الله ورقه رحمانيه والده اقا ميرزا هادی حرم جناب اقا محمد

صادق خباز عليه التحية و الثنآء

هو الله

يا امة الله نهايت ستايش از ايمان و ايقان و وله و انجذاب تو نمودند لازم گشت

بلکه واجب شد که بتو نامه نويسم و تشويق بر تزييد مغناطيس نمايم امروز سبب سرور

قلب و تسلی خاطر مژدهٴ انجذاب و اشتغال نفسی که بگوش انتظار رسد زيرا شب و روز

در نهايت انتظارم که از کجا اهنگ خوشی برايد و نفحه معطری بوزد باری امة الله

نظر بضعف و ناتوانی ننما بلکه در اين ميدان بقوهٴ محبت الله جولان نما و سبب شور

و شوق در شيراز آنخلوتگه راز گرد تا اماء رحمانرا بجذب و وله آری و محافل نسا را

فخر مجامع رجال کنی اين موهبت اسم اعظم روحی لاحبائه الفدا را از برای هر يک از

آماء رحمان آرزو مينمايم و الله يختص رحمة من يشآءو الله ذوفضل عظيم و عليک

التحية و الثنآء ع ع

ص ١٥

هو الله

ش جناب شاعر ناظم اقا عبدالرحمن عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايد

هو الابهی

ای ناطق بثنای مححی عالم ای خوشا قريحه طبيعی که زلال محامد حق و سلسال ستايش

و ثنای حق از آن چون چشمهٴ حيوان بنعان نمايد ايخوشا زبانيکه بحمد و شکر جمالقدم

بنغمات منظوم و منثور و بر شاخسار احديت بسرايد ای فرخنده گوش که آن الحانرا

بميزان مقامات و آهنگ مزامير آل داود استماع نمايد قصيده بديعه که در بلاغت و

فصاحت چون ورای و لئالی مکنونه مخزونه بود به کمال روح و ريحان قرائت شد و بوفور

سرور تلاوت گرديد از عنايات مخصوصه ملکوت ابهی اميدوارم که آثار تحسين اين

ستايشرا از افق اعلی مشاهده نمائی و بعهد و پيمان ثابت و محکم مانی ع ع

هو الله

ورقه طيبه امة الله زهرا بی بی را از قبل اين طير هجران تکبير ابدع ابهی ابلاغ

نمائيد

هو الابهی

ش جناب عبدالرحمن عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايد

ص ١٦

هو الابهی

ای ناظر بمنظر اکبر در اينساعت که جمعی در اينمحضر از بيگانه و محرم حاضر و اين

عبد در محاوره و مکالمه مشغول و ناطق خامه برداشته که بنامه نگاشتن بان عاشق

جمال ذوالمنن پردازم چون قلم گرفتن دريای محبت و الفت چنان موجی بر ساحل دل زد

که رشحاتش موجی از مداد شد و بر اين صفحه هجوم چون فوجی برآورد ملاحظه فرما که

اين اثر مداد اصلش روحی جذابست که از فم روح القدس محبت الله دميده و عاقبت

در جميع مراتب جلوه نموده بهيئت حروفات در اين ورقه گرگشته و البهآء

عليک و علی کل ثابت علی عهد الله و ميثاقه فی هذا الکور العظيم ع ع

شيراز ضلع جناب آقا محمد صادق زائر و صبيهٴ محترمه شان

هو الله

ای ورقه جليله پرتو شمس حقيقت شامل است و فيوضات جمال مبارک

متواصل لهذا بنهايت اطمينان تضرع بملکوت ابهی کن و طلب شمول آن فيوضات بما

و عليک البهآء الابهی ع ع

هو الابهی

ص ١٧

ای خادم درگاه محبوب آفاق چندی بود که پاسبان آستان ابهی بودی و در

درگاه احديت بخدمت بکمال همت کوشيدی و باين موهبت عظمی که منتهی آمال

اصفياست فائز گشتی حال نيز باذن و اجازه بنده حق بسوی ايران عازم شو

خدا شاهد و گواه است و عبد واقف و آگاه که بفرايض عبوديت قيام نمودی

و در خدمت عزيز علام کمر همت بستی شکر کن خدا را که در ايام الهب مبعوث شدی و

بچنين فيض نامتناهی رسيدی اوليا اينمقامرا غبطه نمايند و اصفيا بمنتها آمال و

آرزو جويانند ع ع

هو الابهی

ای مظهر لسان صدق عليا فيوضات بهاءالله فی مبدک و مشواک در

جميع احوال توجه بمنظر اعلی مشرق ابهی کن و در هر امری استمداد و استضار از مدد

غيبی ان عالم الهی کن اگر جنود قوت و قدرت الهيه تائيد نمايد جميع فرق و دول و

ملل عالم جند ما هنا لک مهزوم من الاحزاب واضح و مشهود گردد و الا و ان يخذلکم

من ذا الذی ينصرکم من بعده ظاهر و لائح شود پس جهد نما که مويد گردی و موفق شوی

و البهآء عليک ع ع

هو الابهی

ص ١٨

الهی الهی انی عبد آمنت بک و باياتک و اقبلت الی وجه جمالک الاعلی و اخلصت

وجهی ملکوت الابهی و تشبثت بالعروة الوثقی و تمسکت بذيل ردآء الکبرياء و

استقمت علی شريعتک النورآء و ثبتت علی ميثاقک العظيم الذی اخذته فی ظل

الشجرة الانيسآء ايرب احرسی بعين رعايتک الوافية الاحبآء و انظر الی بلحظات

رحمانيتک التی يا رب الارباب انک انت الکريم الرحيم العزيز الوهاب ع ع

هو الله

ای کنيز با تميز رب عزيز جناب زائر از من رجای تحرير نامه نمود من با وجود عدم

مجال بنگارش اين ورقه پرداختم و از فضل و موهبت الهيه رجا نمايم که شما را در

کهف حفظ و حمايت خويش محفوظ و مصون فرمايد و بنفحات قدس مؤانس نمايد و بر عهد و

ميثاق ثابت دارد ع ع

هو الله

امة الله ضلع آقا سهراب عليه بهآءالله الابهی

ص ١٩

هو الله

ای ورقه مبتهله سهراب در اينمدت بچنگ افراسياب افتاده و بجنگ نفس در تب

و تاب بود و بمدد آفتاب فلک حقيقت غالب و برهوای خويش فائق وقاهر

گشت حال در نهايت تتبل و تضرع و غايت توکل و توجه عازم آن ديار گرديد

تا بموجب اوامر الهيه عمل نمايد در اين چند وقت که در اينجا بود بمنتهای خدمت

مشغول بود و در پرستش و عبادت حضرت يزدان نهايت کوشش را مجری داشت پس حمد کن

خدا را که بچنين موهبتی موفق و مويد گرديدی که منتسب بچنين شدی که پروردگار

حق مقبول است ع ع

شيراز بواسطه بشير الهی اعضآء محترمه مقدسه خادمين پيمان عليهم بهآءالله

الابهی

هو الله

ای نفوس مبارکه نامه شما رسيد نامه نبود نافه مشک غزالان بر وحدت بود زيرا

رائحه طيبه محبت الله از معانی و حقائق آن استشمام ميشد حمد خدا را که در آن

موطن صبح هدی و مسقط الراس جمال اعلی روحی له الفدا از چنين نفوس مبارکی چنين

محفل نورانی تشکيل شد که کل خادم صادق مجلب حور و آفتاب حقيقی جمال ابهی

ص ٢٠

روحی لاحبائه الفدا اين انجمن گلشن حقيقت گردد و گل و ريحان حقايق

و معانی و سنبل و ضميران الطاف رحمانی در نهايت تزيين در آن جلوه

نمايد رب ان هولآء عبادک البنهآء و اصفائک بين الوری و امرآء

نبلاء فی تلک البقعة البيضآء و عظمآء خلقک و کبرآء بريتک يتهللون بذکرک

و يتهللون بثنآئک و ينادون باسمک و يخضعون لکلمتک و يستشرون بالطافک

رب اجعلهم اوراق سدرة رحمانيتک و ازهار حديقة ربانيتک و سرج افق

محبتک و نجوم سمآء موهبتک انک انت الکريم الرحيم و انک انت البر الرؤف

العظيم عبدالبهآء عباس

شيراز بواسطه آقا حسين بلور فروش جناب آقا محمد رضای بواناتی عليه بهآءالله

هو الله

ای نفس مطمئنه الحمد لله نامه معانی بديعه داشت و نفحهٴ معصره جنت ابهی از ان

استشمام گشت اميد شديد اشت که البته تائيد و توفيق خواهد رسيد و عنايات اسم اعظم

از جهان قدم شامل و کامل گردد و او عدم فرصت مختصر مرقوم گرديد معذور داريد

عليک البهآء الابهی

حيفا رمضان ١٣٣٨ عبدالبهآء

ص ٢١

هو الله

ش امة الله والده جناب اقا سهراب عليه بهاءالله الابهی

هو الله

ای امة الله جناب اقا سهراب مدتی بود که در درگاه احديت بخدمت مشغول بود و از

غير حق غافل زحمت و تعب بسيار کشيد و مشقت بيشمار تحمل کرد از خدا ميطلبيم که

اجر جزيل مقدر فرمايد و نعم بی بديل مبذول کند حال اشتياق شما را دارد لهذا عازم

آنسمت گرديد و در اينمدت در اينجا دائما بياد و ذکر شما بود و بالنيابه از شما

طواف مرقد منور نمود و بر خاک افتاد و در خواست فيض وفور عظيم نمود ان ربک هو

الفضال العظيم و البهآء عليک ع ع

بواسطه آقا ميرزا هادی افنان شيراز بواسطه آقا محمد حسن بلور فروش عليه

بهآءالله الابهی

(هو الله )

ای بنده الهی چه عنوان شريفی مرقوم نمودی و چه خطاب پر حلاوتی نگاشتی در مذاق

اين آواره خطاب يا عبدالبهآء نهايت حلاوت دارد و ما دون ان تلخگام گرداند الحمد

الله ايام فترت منتهی شد و صبح مخابره و تبادل انجذابات قلبيه و عواطف وجدانيه

بدميد و باين موهبت موفق و مويديم اخبار خوش از فارس ميرسد که ياران بنهايت روح

و ريحانند

ص ٢٢

اين خبر جان پرور بود اميد چنانست که اينمژده پياپی برسد الهی الهی طيب قلوب

احبائک بصليب هاطل من فيوضاتک و انعم عيشهم برشحات سحاب رحمتک و اجعلهم ايات

الهدی بين الوری انک انت رب الآخرة و الاولی ای يار حقيقی چون طريق مغشوش

و سهولت سفر ممکن نه لذا صبر نمائيد و نيت زياراترا بوقت ديگر موهون نمائيد و

عليک البهآء الابهی عبدالبهآء عباس ١٢ شوال ١٣٣٧

بواسطه جناب ميرزا احمد روقانی جناب اقا استاد کاظم نبا عليه بهآءالله

(هو الله)

ای بنا بنائی نما که اساسش در ارض غبرا و شرفه اش در اوج سما و کنگره اش

متواصل بعرش اعلی از زبر حديد و پولاد شديد مرصوص و مشيد و مخصوص و مويد

اگر چنين نمائی مهندسی و معمار و بنائی در نهايت اقتدار و الا بنيان بشر قاعاً

صفصفا گردد و لئالي صدف امكان خزف شوند مگر پرتو شمس حقيقت تابد

و لطافت ولمعان بخشد و عليک البهآء الابهی ع ع

شيراز زرقان اعضای محفل روحانی و احبای الهی عليهم بهآءالله الابهی

جناب استاد عبدالحمد جناب ملا عباس بزاز جناب مشهدی احمد جناب اقا فتح الله

ص ٢٣

جناب سيف الله جناب آقا علی مشهدی سميع جناب استاد محمد کاظم بنا جناب آقا

يدالله جناب استاد محمد علی حداد جناب آقا فتح الله ابن مشهدی حسين جناب آقا

قاسم جناب استاد عباس جناب استاد حيدر جناب استاد رضا قلی جناب استاد فتح الله

جناب اقا لطف الله جناب ملا صفر جناب استاد حاجی علی جناب مشهدی عبدالله

خادم جناب استاد حبيب الله جناب اقا قنبر ابن مشهدی سميع جناب ملا گدای

قايض عليهم بهآءالله الابهی

( هو الله )

ای ياران عبدالبهآء نامه شما رسيد معانی احساس روحانی بود و مضمون مشحون

باسرار رحمانی زيرا دليل جليل بر توجه بملکوت ابهی بود و تبتل بملاء اعلی الحمد

لله رزقان روح و ريحان يافته جمعی از ياران در نهايت ثبوت و استقامت ناطق بحجت

و برهان گشتد انجمن مبارکی تشکيل يافته و جميع بموجب وصايا و نصايح الهی نمای

عبوديت آستان مقدس نمايند و بخدمت پردازند لسان تبليغ گشايند

و يرليغ بليغ الطاف نامتناهی جويند تا هريک افق ايمان و ايقانرا ستاره

درخشنده شنود و حدائق حقائق و معانيرا کل صد برگ خندان گردند من بدرگاه اسم اعظم

ص ٢٤

روحی لعتبة تربته الفدآء بکمال عجز و نياز تضرع و ابتهال کنم و شماها را هر يک

عزت ابديه و حيات سرمديه و توفيقات نامتناهيه و موهبت ربانيه طلبم و عليکم

البهآء الابهی اعانه مشرق الاذکار انشاءالله ارسال ميگردد ع ع

شيراز بواسطه جناب بشر

جناب اردشير و جناب شاهوير و جناب رشيد عليهم بهآءالله الابهی

(هو الله)

ای ياران پارسی من دوستان قديميد و هموطنان عزيز در اين قرن نازنين

آفتاب عليين از سپهر برين نور مبين بخشيد تا بپرتو ايزدی دلهای آن ياران

ديرين رشگ بهشت برين گشت پس هزاران شکرانه پروردگار يگانه را که اين

مرغان پراکنده را بر اين چشمه روح بخشنده جمع فرموده و آن آواراگان را سر و

سامان بخشيد پارسيانرا بآرزو رسانيد ايرانيانرا سر فراز کرد نام نياگانرا تجديد

فرمود پيام پيمبرانرا آشکار نمود راز و خشورانرا هويدا کرد پس بايد که قدر اين

نعمت بدانيم و ايزد دانا را بستائيم و از شدت محبت او بگرئيم و بزاريم وبملکوت

ربانی بناليم و بالطاف رحمانی بباليم هزار آفرين ای ياران دلنشين که پی باين

ص ٢٥

پيام برديد و صبحی نورانی پس از آنشام کدر آشام يافتيد خوشا بحال شما جانتان خوش

باد ع ع

دستخط مبارک

همه مهر جويان خو درخشنده رو مشکبو را بجان جويانم و پيام ميفرستم ع ع

بواسطه حضرت بشير الهی جناب اردشير شاهوير

و جناب رستم فولاد عليه بهآءالله الابهی

هو الله

ايدو نفس نفيس آفتاب جهان تقديس چنان اشراق بر آفاق نمود که هر شخص خسيس

از موهبت کبری نفيس گرديد و بيگانه آشنا شد کن ياران بايد زبان بشکرانه گشايند

که دوباره کوکب سعادت کبری از مطلع ايران در نهايت شعله و ضيآء درخشنده نام

مرده زنده گشت و جسم پژمرده تر و تازه گرديد هيکل ايرانی بعد از پيری دور جوانی

گرفت وپس از ناتوانی موهبت آسمانی يافت عنقريب خواهيد ديد و شنيد که خطه ايران

و اقليم پارسيان چگونه بنور ماه و خورشيد درخشنده و تابان گردند و عليکما

البهآء الابهی ع ع

بواسطه حضرت بشير الهی شيراز جناب اردشير شاهوير يزدی عليه بهآءالله الابهی

ص ٢٦

ای سودائی دلبر آسمانی نامه مفصل ملاحظه گرديد معانی بديع داشت و مضامين دلنشين

حمد خدا را که سراب اوهام رهيدی و بسر چشمه راز و نياز رسيدی از آب حيات نوشيدی

و جمال حقيقت پرستيدی بدرگاه داور مهربان دعا و نياز نمودم و ترا سکون و قرار و

استقامت و متانت و ثبوت و رسوخ طلبيدم و تائيد بر هدايت ديگران رجا نمودم و اميد

چنان است که اين حاجت روا گردد و اين دعا مستجب شود مهتر رشيد را بنواز شايد

بملکوت راز پرواز نمايد و همدم و هم آواز گردد و عليک البهآء الابهی ع ع

هو الله

جناب حسن همدانی عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

هو الله

ايها المتمسک بالعروة الوثقی چه نگارم که قلب در نهايت چوش و خروش است و جان

زنده بنفحه الهی چه که شوق و شعف جانبازان راه اله در اين صبحگاه ارکان وجود

را چنان احاطه نموده است که جان باميد وصل جانان يافته و دل بآرزوی مشاهده روی

دلبر حقيقی بوجد و طرب آمده و سرور و حبور جسته طير حديقه نورآء حضرت روح الله

ملاحظه نما که بچه انجذاب در حب رب الارباب جانباخت و از خير امکان بلا مکان

شتافت ع ع

ص ٢٧

جناب طير ناطق اقا محمد صادق و جناب شمع انجمن ابو الحسن تکبير ابدع ابهی ابلاغ

نمائيد ع ع

بواسطه جناب منشادی جناب آقا محمد حسن بلور فروش عليه بهآءالله

هو الله

ای ثابت بر پيمان نامهئ‌ی که بجناب منشادی مرقوم نموده بودی ملاحظه گرديد سبب

بهجت و انبساط شد زيرا مزاج نموده بودی و مداعبه فرموده بودی و از برای اولادهای

خويش نامه مخصوص خواسته بودی من نيز فرمايش شما را بجا آوردم و بنگارش نامه

پرداختم بقول ملا غير تسليم و رضا کو چارهئ‌ی زيرا ابداً فرصت ندارم مهلت نيابم

راحت نجويم استراحت نخواهم سکون و قرار ندارم راحت جان ندانم با وجود اين نامه

نگاشتم و عليک البهآء الابهی بجناب آقا محمد ضادق سليل

موحوم کقا محمد حنا ساب تحيت مشتاقانه من برسان هميشه در ياد و خاطر است ابداً

فراموش نشود مورد فضل الهيست و مشمول الطاف و عنايت رحمانی و عليه البهآء

الابهی ع ع

شيراز جناب آقا محمد حسن بلور فروش عليه بهآءالله

ص ٢٨

( هو الله )

ای ثابت بر پيمان نامه شما رسيد از مضمون چنان معلوم گرديد که آرزوی دل و جان

شما اينست که سبيل رب جليل جانفشانی نمايد و برفاقت

حضرت طراز و علی اکبر سير و سفر در بلاد نمايد لسان فصيح بگشايد و بثنای رب جميل

پردازد نطوق گردد و نصوح ظفر يابد و فتوح تشنگانرا بمعين هدايت

دلالت نمايد و از عين يقين بنوشاند و بحق القين برساند اين نيت بسيار

مبارکست و اين مقصد بی نهايت ارجمند اميدوارم که مؤيد و موفق گردد

امة الله المنجذبه حرم محترمه را از قبل من تحيت ابدع ابهی ابلاغ داريد ع ع

( هو الله )

جناب زائر مطاف روحانيان آقا محمد حسن عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

( هو الله )

ای طائف حول مطاف ملاءاعلی دو دست شکر را بدرگاه

احديت بلند نما و بگو ای منتهای آرزوی عاشقان ای دليل گمگشتگان

اين بنده ضعيف را بالطاف بی پايان بنواختی و اين بچاره

ص ٢٩

ذليلرا بدرگاه احديت رساندی اين تشنه سوخته را از عين عنايت نوشاندی

و اين بيجان افسرده را بنسيم رحمت تر و تازه نمودی شکر ترا که از فضل اکبر

نصيب اوفر عنايت فرمودی و بروضه مبارکه مشرف کردی از فيض ملکوت

ابهايت بهرهٴ بی پايان ميطلبم موفق فرما عنايت کن ع ع

جناب آقا محمد حسن بلور فروش عليه بهآءالله الابهی

( هو الله )

ای ثابت بر پيمان نامهٴ شما رسيد شکرانه بدرگاه الهی گرديد که الحمدلله ياران

فارس فوارس ميدان عهد و پيمانند و حارس حصن حصين امر الله شيراز

الحمدلله آوازش بلند شد حرکتی نموده و برکتی يافته امر الله را انتشاری

و احبآءالله را انتصاری عبدالهآء از خمودت و جمودت وطن حضرت

اعلی روحی له الفدآء محزون و دلخون بود حال الحمد لله مسرور

و خشنود است نهايت آرزو چنين بود و اميدم وطيد است

که روز بروز خوشتر ودلکشتر و شيرين تر شود حلاوت محبت الله

ص ٣٠

نداقها را شيرين کند و گامها را شکرين نمايد و عليک البهآء الابهی

يک دستگاه جار نه (٩) چراغ هديه جناب ارباب رستم ببيت مبارک مقبول درگاه

پروردگار گشت و عليه البهآء الابهی ع ع

شيراز جناب آقا محمد حسن بلور فروش عليه بهآءالابهی

( هو الله )

ای بهائی معروف و مشهور آن دل بلور الحمد لله مشکوة نور گرديده و چون

عرفان و محبت هر دو جمع شده نور علی نور آشکار و پديد گشته

جاهلان در پی حور و قصورند ولی عارفان مشتاق ديدار

رب غفور آنان عبدهٴ بطونند و اسير شهوات گوناگون

ولی عارفان آزادگانند و سالکان و آشفتگان يعنی شيفته

آرزوی تابانند و آشفته انزلف پريشان ديدار يار

بهشت برين است و مشاهده انوار روشنی چشم ابرار

و سرور دل احرار شکر کن خدا را که ديده حقيقی يافتی و در ملکوت

ديرين مشاهده جمال اندلبر نازنين نمودی و عليک الهحية و الثنآء ع ع

ص ٣١

( هو الابهی )

جناب آقا محمد حسن من اهل ها عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

( هو الابهی )

ای ناظر بمکلوت الهی آنچه موقوم نموده بوديد مخصوص مطالعه رفت

و ملاحظه گشت سبب ذکر خير در اين محفل رحمانی شد لحظات عين

رحمانيت متوجه شما و رشحات غمام مرحمت نازل بر شما الطاف

الهيه از جميع جهات محيط است و دريای موهبت رحمانيه

پر موج و فيض انگيز پس بجان مسرور و مستبشر باش و بدل

مشروح و منبسط که باين عين عنايت منظوری و باين لطف

و احسان مخصوص در نهايت استجعال مرقوم شد

و عليک البهآء ع ع

( هو الله )

ط جناب آقا محمد حسين همدانی عليه بهآءالله الابهی

ص ٣٢

( هو الابهی )

يا من آمن بالله و صدق بکلمات الله علم ميثاق در قطب جهان بلند است

و پرچمش از ارياح تائيد ملکوت پر موج و پر حمله و حرکت امم آفاق

در ظلمش داخل و جنود ملا اعلی در نصرتش متتابع پس ای ياران جانی کمر خدمت

بربنديد و سمند در اين ميدان برانيد تا مانند هوشمندان سبيل حق موفق بنشر

نفحات شويد ع ع

شيراز بواسطه غلامحسين ميرزا جناب آقا محمد حسن بلور فروش عليه بهآءالله الابهی

( هو الله )

ايبنده الهی جناب شهزاد غلامحسين بی شين و مين بنده ربانی در نامه خود

ستايش از تو نموده و بتعريف و توصيف زبان گشوده که امر الهيرا خادم

صادقست و احباي رحمانيرا غمخوار موافق و بجهة بيت مكرم دو ثريا و شش زجاجه

در نهايت لطافت تقديم نموده اين هديه بسيار مقبول افتاده و سبب حصول

مقصود گردد عبدالبهآء ترا محب صادق است و از درگاه سبحانی از برای

تو تائيد رحمانی جويد و عليک التحية و الثنآء ع ع

ص ٣٣

( هو الابهی )

جناب آقا محمد حسن همدانی عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

( هو الابهی )

الهی و غفار ذنوبی انی اتوسل اليک و اتضرع بين يديک و تشبث

بذيل غفرانک و ابتهل الی ملکوت عفوک و احسانک

ان تشمل عبدک الذی صعد اليک و وفد عليک بلحظات اعين رحمانيتک

و تخوض به فی بحار مغفرتک بسلطان فردانيتک و تجعله متکلاً باکليل

الصفح بموهبة ربانيتک و منور الوجه بعفوک و غفرک فی رفيقک الاعلی

يا ربی الابهی ای رب ندا ضيفک عامله برحمتک الکبری و ادخله فی جوار

الطافک يا راحم من فی الارض و السمآء انک انت

العفو الغفور الرحمن الرحيم و البهآء عليه من حضرة قيومتيک يا ربی الکريم

و غافر الذنب العظيم ع ع

هو الله

ط امة الله والده جناب آقا محمد حسن عليها بهآءالله الابهی

ص ٣٤

( هو الابهی )

ای امة الله بامداد است و هر کس بخيالی مفتون و دلشاد و من بقلم و مداد پرداخته

که شايد روح فئواد آماء و عباد الرحمن مهتز و مسرور گردد و بروح و ريحان آيد

و لز ايات محبت جمال قدم روحی جديد يابد ای امة الله شعله ميثاق است

که بحرارت عبوديت جمال ابهی در کبد افاق تاثير نموده ع ع

بواسطه جناب اقا محمد حسن بلوری سليل جليل اقا عبدالحسين عليه بهآءالله الابهی

( هو الله )

ای همنام من پدر مهربان بالحاح تمام و اصرار و ابرام

بلکه بقوت بازو از برای تونامه خواسته من هم جز تسليم

و تمکين و اطاعت واجرآء چه چاره توانم پدر را خاطر

عزيز است و در ملکوت الهی مقرب رب عزيز

پس تو قدر اين پدر بدان و پسر مهربان باش باطاعت

او بکوش و اسباب سرور باش تا الطاف جمال مبارک

احاطه نمايد و هر دمی شبنمی از دريای فضل بها بگلشن دل

ص ٣٥

و جان رسده عليک البهآء الابهی ع ع

( هو الابهی )

امة الله ضجيع آقا محمد حسن زائر مطاف ملا روحانيان عليها بهآءالله الابهی

ملاحظه نمايند

ای امة الله جناب آقا محمد حسن الحمدلله محفوظاً مصوناً بملجأ اعظم رسيدند

و در پناه جمال قدم مدتی مقر گزيدند و از رحيق مختوم نوشيدند

و از حلاوت عنايت حضرت معلوم چشيدند و در جميع

مواقع يادی از شما نمودند و در روضه مبارکه در خواست خير

فرمودند پس خدا را شکر کن که چنين ضجيعی داری و چنين

مونسی انيس که در چنين آستانی ياد تو نمود و در چنين انجمنی ذکر تو کرد ع ع

بواسطه جناب آقا محمد حسن بلوری نجل سعيد آقا عبدالله بهآءالله الابهی

هو الله

ای نهال باغ الهی اميدوارم که همواره از رشحات

ابر عنايت تر و تازه باشی و طراوت و لطافت بيمنتها يابی

ص ٣٦

برگ و شکوفه نمائی و فواکه مطلوبه ببار آری پدر را ملاحظه کن

که چقدر مهر پرور است که بقوهٴ بازوی التماس و گرز

رجا اين نامه را از عالم قوه بخير وجود آورد ديگر از اين مهربانتر

خواهی ممنون لطف او باش و متشکر عنايت او از خدا

خواهم که پسر اين پدر باشی و با اثر و ثمر گردی و عليک البهآء الابهی ع ع

( هو الله )

جناب آقا ميرزا عبدالحسين اگر بطرف هندوستان بجهت ترويج

تجارت شما سفر نمايد بتهر است و اگر ممکن نيست بامريکا اذن

زيارت بقعه مبارکه را دارد تا از قبل عبدالبهآء سر بر ان آستان

بنهد و طلب غفران خطايا از برای او در ان عتبه مقدسه بنمايد

و عون و صون طلبد زيرا عبدالبهآء عازم امريک است ع ع

ش جناب آقا محمد جواد عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمائيد

( هو الابهی )

ايشعله نار محبت الله عليک بهآءالله وجوده و عنايته فی کل الشئون اگر

ص ٣٧

بتوانی بقوت الهی دست از آستين برآر و در اين عرصه وجود

و عالم شهود يد بيضائی از محبت الله بنما انچه بينی و خواهی و دانی همه

وهم و خيال است و جهل و ظلال جز انچه من الحق ظاهر و الی الحق

راجع کل ما فی الکون وهم او خيال او عکوس فی المرايا او خلال

و البهآء عليم يا ايها المقبل الی الله ع ع

شيراز آقا محمد حسن بلور فروش عهديه عليه بهآءالله

هو الله

ای ثابت بر پيمان نامه اخير رسيد ولی نامه‌های پيش نرسيد حال

نامه‌ها از ياران با وفا مانند باران ميرسد لهذا جواب مختصر مرقوم ميشود

معدور داريد احبای آباده سزاوار اجر جزيل و موهبت رب جليلند

الحمد لله ثم الحمد لله جسماً ممنوع نشدند و روحاً فائز گشتند و ان عيد مبارکرا

در شيراز بنغمه و شهناز گذارندند جناب قابل را تحيت مشتاقانه برسان الحمد لله

سبب هدايت نفوس طالبه گرديدند و آهنگ ترتيل آيات از ميرزا نصرالله

ص ٣٨

بمسامع لاهوتيان در ارض اقدس رسيد امة الله المنجذبه المشتعله بنار محبت الله

صبيه ذبيح مليح ضجيع حاجي علي خان في الحقيقه ايت هدي است اميدم

چنان است که سلطان عبدالحسين نظير عم بزرگوار بخدمت امر الله

قيام نمايد امة الله ملوک و امة الله لقا و امة الله روح انگيز

را تحيت ابدع برسان و امة الله طيبه را بتحيت عبدالبهآء

روح و ريحان بخش و جناب عبدالحسين و عبدالله و بهآء الدين

و جلال الدين و امة الله حور جهان والدهٴ ايشان را نهايت

مهربانی از قبل عبدالبهآء ابلاغدار بشارت اهتزاز شيراز

بنسيم بهار روحانی و ترتيب محافل و يدخلون فی دين الله افواجاً

بسيار سبب مسرت گرديد جناب سلطان حبيب الله را

از قبل من بنواز و بگوئی الحقيقه تو سبيل پيک رحمانی هستی

زيرا منسوب بان قاصد امينی از عفو و غفران الهی اميدوارم

که متصاعدين الی الله سنگ تراشها بمقعد صدق عند عليک مقتدر فائز

و در جوار رحمت کبری بمشاهده کبريا واصل و عليک البهآء الابهی ١٢ شوال حيفا

عبدالبهآء عباس

٣٩

( بواسطه جناب محمد باقر خان ) (٩)

شيراز مغازه مدبر السطنه جناب اقا محمد حسن بلور فروش همدانی عليه بهآءالله

الابهی

( هو الله )

ای ثابت بر عهد نامهٴ اخير که ارصال نموده بوديد وصول يافت

مضامين دليل بر آن بود که الحمد لله احبای الهی در نهايت متانت و ثبات

بخدمت عتبه مقدسهٴ الهيه موفق قلوبرا منور و مشامها را معطر و ؟؟؟؟

معنبر مينمايند اين خبر سرور پرور بود که الحمد لله جمال قديم بندگانی مقيم

آستان دارد و بيدار و پاسبان که در نشر تعاليم الهيه بکمال همت ساعی و در تربيت

نفوس بکمال قوت جانفشان اين ايام که ابواب سرور مفتوح شد

و صدور مشتاقان منشرح بايات سرور و حبور گشت بايد بقوتی

اسمانی و قدرتی ربانی و تائيدی صمدانی و توفيقی سبحانی شب و روز

کوشيد و جوشيد و خروشيد تا اين ظلمات اسمآء بنورانيت کبری مبدل گردد و اين

نزاع و جدال در بين ملل عالم بقوه اسم اعظم زائل شود کوکب وحدت

عالم انسانی طلوع نمايد و علم صلح عمومی بر کل اقاليم سايه افکند

ص ٤٠

ترتيل آيات توحيد شود و بتجليل نفوس جليل گردد اين گلخن فانی گلشن باقی شود

و روی زمين بهشت برين گردد باری از برای نفوسی که مرقوم نموده بوديد

که بملاء اعلی شتافتند و بملکوت ابهی پرواز نمودند بنهايت ذلّ

و انکسار و عجز و نياز طلب عفو و غفران از حضرت بی نياز شد

و تجديد محفل روحانی بهمت جناب محمد باقر خان و ميراز محمد عليخان بسيار بموقع

طوبی لهم و حسن مآب انجناب بخدمت قائم و جناب ميرزا حبيب الله خان

مظهر تائيد بی پايان و بترويج تعاليم الهی موفق و بهدايت نفوس مويد

از الطاف الهی سائل و آمليم که اين نفوس مبارکه در جميع شئون

موفق بتائيد حضرت بيچون گردند از ملکوت غفران طلب عفو و

احسان بجهت متعارج افق تقديس مرحوم آقا حسين اقا گرديد و از

قبل عبدالبهآء نهايت مهربانی و محبت بی پايان باسلآء اجلآء برسانيد

و همچنين بميرزا سيد عبدالله نهايت اشتياق از طرف عبدالبهآء ابلاغ داريد

اسئل الله ان يجعلهم آيات الهدی بين الوری و مويدين بجنود من الملاء الاعلی

و عليک و عينهم البهآء الابهی عبدالبهآء عباس ٢٤ جمادی الثانی ١٣٣٧

ص ٤١

شيراز جناب آقا محمد حسن بلور فروش عليه بهآء الله الابهی

( هو الله )

ای ثابت بر پيمان اميدم چنانست که بلطافت اخلاق و رقت قلب و روحانيت

کبری و قوّه انجذاب الماس فروش گردی و ليس ذلک علی الله بعزيز

آنچه ارسال نموده بوديد از حقوق وصول يافت الحمد لله که در صدف قلب

جواهری موجود که هيچ سارقی دست ندارد از صعود حضرت عندليب حزن

و اندوه نصيب عبدالبهآء شد از ماتم بسيار محزون گرديدم زيرا

حضرت عندليب بدرگاه رب غفور خدمت موفور فرمودند و در محامد و نعوت

حضرت مقصود لسان فصيح بگشودند و قصائدی غرّا از قريحه جاری

فرمودند اين شخص جليل در نزد حق مقرب و مقامی بلند داشت

که حال معلوم نيست مجهولست بعد شمهود و مشهور خواهد گشت ببستگان ايشان

از قبل عبدالبهآء تحيت ابدع ابهی برسان و همچنين بياران ديگر که ثابت بر پيمان

ز راسخ در عهد و مسثتقند و عليک البهآء الابهی عبدالبهآء عباس

٢٠ جمادی الثانی سنه ١٣٣٨ حيفا

ص ٤٢

شيراز جناب آقا محمد حسن بلور فروش عليه بهآءالله الابهی

( هو الله )

ای ثابت بر پيمان نامه شما رسيد معانی دليل بر انجذاب روحانی بود

و جاذب تائيد سبحانی جواب اقا ميرزا محمد رضا در جوف است الحمد لله

فضلعلی خان بعد از صعود جناب عندليب الهی قيام نمودند و بازماندگان

آن بزرگوار را رعايت و معاونت ميفرمايند جناب اقا محمد باقر هشيار

فی الحقيقة در نهايت تبتل و تضرع و انکسار است طلب عفو و

غفران بجهت متصاعد الی الله پدر مهربان ايشان گرديد پروردگار آمرزگار

محمد هشيار موافق بود و از نار محبت افروخته و بيصبر و قرار مرکز خاک

بگذاشت و بعالم پاک شتافت و بدرگاه پناه برد امان بده غفران

مبذول فرما و در اوج عزت ابديه درخشنده و تابان

فرما از عدم فرصت مختصر مرقوم گرديد و عليک البهآء

رمضان ١٣٣٨ عبدالبهآء عبّاس

ص ٤٣

شيراز جناب آقا محمد حسن بلور فروش عليه بهآءالله

( هو الابهی )

ای ثابت بر پيمان نامه شما رسيد منطوق تضرع و ابتهال و انجذاب

و اشتعال بود الحمد لله که موطن حضرت اعلی روحی له الفدآء گلشن عرفان

گردديه و رائحه ايمان و ايقان از آن ناحيه مقدسه مشامرا معطر مينمايد هواره

رجای عبدالبهآء اين بود که ان اقليم جليل بنفحات قدس غبطه جنت

نعيم گردد و پرتو شمس حقيقت چنان بتابد که ابرهای تاريک بکلی متلاشی شود

صبح هدي ان ضفحاترا روشن كند حال الحمد لله فجر آن خطه مباركه

ساطع گشت و روز بروز روشنتر ميگردد و اين از علو همت و سمو خدمت

نفوس مبارکه‌ايست که در آن مدينه مؤيد و موفقند لهذا يقين جتمی است

که يوماً فيوماً نار موقده الهی شعله بيشتر زند و برودت غفلت و رطوبت

ضلالت رو باضمحلال گذارد و حضرات مبلغين فی الحقيقه قيام بر خدمت

نور مبين دارند و البته تائيد يابند بانفاس طيبه روح حيات دمند

و ببراين قاطعه زبان گشايند و نفوس مخموده را تر و تازه نمايند و حقائق جامده را

ص ٤٤

بحرکت آرند طوبی لهم و حسن مآب حضرت افنان سدرهٴ مبارکه حاجی

ميرزا محمد همتی فرمودند و از شما خواهش آئينه بجهت بيت مبارک شيراز خواشتند

انشاءالله عنقريب اطاق عرشهٴ بالئی بيت مبارک باين آئينه‌ها تزئين ميشود

مدرسه بنات که ءناب سلطان حبيب الله خان تاسيس نمودند عملی مرغوب و مقبول

و مبرور و مکافات اينخدمت از جمال مبارک موعود ان فضله مشکور و جزائه موفور

و ورقهٴ مطمنّه قرينه جليله ايشان الحمد لله مديره اين مدرسه است و تائيد

شامل و توفيق کامل و اما جارهای هوائی که سفارش بپاريس نموده‌ايد

از برای بيت مبارک بغداد بسيار مقبول ببغداد بفرستيد و از الطاف الهی

خواهم که راحت و شفا حاصل گردد و بجناب ميرزا محمد يزدی نامه مخصوص

مرقوم گرديد تائيد او را ازرب مجيد ميطلبم و همچنين ساير

احبا و عليک البهآء الابهی ليله ١٧ شوال ١٣٣٩ حيف عبدالبهآء عبّاس

هو الابهی

بواسطه آقا سيد اسدالله جناب آقا سيد محمد عليه بهآءالله الابهی ملاحظه فرمايند

ص ٤٥

ای ناظر بافق حقيقت چشم را بمشاهده انوار فيض احديت روشن

و منير و گوشرا باستماع الحان طيور قدس محفوظ و سمع دلرا ببشارت

غيب و فيوضات لا ريب خلد برين نما و هوشرا بالهام سروش پيک

امين عالم عليين اليوم لسان کل اشيآء از صقع ادنی تا ملاء اعلی

جميع بمحامد و نعوت و قصائد و مدائح و تسبيح و تقديس جمالقدم و اسم

اعظم مشغول تو ساکت و صامت منشين و مخمود و منجمد مباش

بلکه منجذب و منصعق محشور شو تا لوح منشور و کتاب مسطور رب غفور گردی ع ع

جناب آقا محمد حسن عليه بهاءالله الابهی اذن طواف ملأ اعلی را دارند ع ع

( هو الابهی )

جناب آقا سيد اسدالله عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

( هو الابهی )

الهی و محبوبی و مقصودی قد سعی عبدک هذا من بلاده الشاسعه و انحائها الواسعه

ص ٤٦

و قطع المسباب و المضار و القضار و مر علی الجبال و التلال و الديار و تمثل

بساحة قدس البقعة النورا و الخطة المبارکة البيضآء مطاف الملأ الاعلی روح

الوجود لتلک العتبة الساميه فدا و مرغ وجهه تبرتبه الطاهره وعفر جبينه بغيرته

الزکيه المسکية الفاخرة و قام لدی الباب خاضعاً خاشعاً متضرعاً و يطلب

فيوضات رحمتک و غيوث مغفرتک لاخيه الذی آمن باياتک

الکبری و صدق بکلمات صحفک الاولی و زبرک الاخری و انجذب

بنفحات جمالک الابهی و اشتعل بنار محبتک فی قميصک الاعلی

و صعد الی ملکوتک الاسمی و استظل فی ظلال سدرتک المنتهی فی جنتک

العليا ؟؟؟؟ ايرب شرفه باللقآء و اجلنه علی سرير موهبتک العظمی فی الرفيق

الاعلی و ثبت اقدام اهلهم و اولادهم و من تخلق

من احفادهم واسباطهم علی عهدک و ميثاقک الذی ما سبقه

عهد و ميثاق فی ملکوت الانشاء ع ع

ط جناب آقا محمذ صادق عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

(هو الابهی )

ص ٤٧

يا من صدق بکلمات الله جوهر صدق راستی شئونيست منبعث از حقيقت

اشيآء مطابق واقع چه از ملفوظ چه از منظور چه از مسموع چه از معلوم و در اين

لطيفهٴ ربانيه فکر دقيق بايد تا مفهوم گردد پس اعظم کل تصديق کلمات الله

است چنانچه از اعظم مناقب سيد حصور و مصدق بکلمة منه اسمه المسيح است

پس ای صادق انشاءالله در جميع مراتب صادق باشی لعمری ان

هذا لهو الفضل العظيم و الحمد لله رب العالمين ع ع

همت آباد ( هو الابهی )

جناب ميرزا ابوالحسن نيريزی معلم اطفال نخل محترمشان جناب

ميرزا محمد رضا ورقه موقنه ضلعشان بی بی سيده ورقه نورانيه صبيه شان

مريم و ديگری ورقه مومنه رضيه عليه و عليهم بهآءالله الابهی و عموم

احبای آباده و در غوک و همت آباد رجالاً و نسائاً عليهم و عليهم بهآءالله

الابهی

( هو الابهی )

ای احبآء الهی کوکب امر الله در جميع آفاق بشعاعی ساطع لامع وندآء

يا بهآءالابهی از حنجر کيهان بلامکان مرتفع نغمه سبحان ربی الاعلی

ص ٤٨

از حضيض ادنی بسمع ملاءاعلی ميرسد و بانگ و آهنگ سبحان ربی

الابهی بسموات علی متواصل با وجود اين کران محتجب و ناقصان چون کرم

مهين در زير زمين محتبس و اين الکلمة و علوها و اين الشريعة السمحة البيضآء

و سموها بر زبان ميرانند ع ع

( هو الله )

همت آباد جناب ميرزا ابی الحسن نيريزی مکتب دار عليه بهآءالله

( هو الله )

ای اديب دبستان جميع اهل زمين مهانند و فرزندان نادان

سبق خوان پس در مصطبهٴ معرفت بنشين و اديب عشق شو و درس ميثاق بده

و حقيقت اشتياق بنما و از فيض و اشراق نير آفاق بيان کن و از جور و

ستم فراق ناله و فرياد آغاز کن که آنروی چون مه تابات در پس پرده

غيب ملکوت پنهان شد و در جهان پنهان اشراق کرد ولی شکر حضرت

احديتش را که فيض عنايت مستمر است و سرير سلطنت مستقر اول تجلی

از عالم ملک يعنی در حيز امکان داشت حال اشراق از ذروهٴ لامکان له الحمد

و الفضل و الجواد علی کل موجود و له اسلم من فی الاسموات و الارض طوعاً اوکرها

ص ٤٩

و البهآء علی اهل البهآء جميع دوستانرا فرداً فرداً تکبير ابدع ابهی ابلاغ

نمايند وبگوئيد از دلائل وفا بآستان مقدس جمال ابهی اينست که بجميع شئون

يعنی گفتار و کردار و تقديس و تنزيه و تجريد و تفريد و اتحاد و اتفاق و خشية

الله و تقوی نصرت امرالله نمائيد و بخدمت بپردازيد تا آيات باهره سلطان احديت

گرديد و البهآء عليک ع ع

چون حضرت سلطان بعدالت در اين اوان حکمران است بايد در جميع محافل

و مجامع دعای تائيد سرير سلطنت نمايند ع ع

هو الله

جناب ابواحسن نيريزی امة الله بی بی سيده ضلعشان جناب ميرزا محمد رضا

ولدشان امة الله مريم صبيئه ايشان امة الله رضيه امة الله فاطمه عليها و عليهن

بهآءالله الابهی ( هو الله )

ای دو بنده الهی وای آمأ آستان عبدالبهآء را چنان آرزو که

بهر يک از احبای الهی و آماء رحمانی فرداً فرداً نامهئ‌ی مرقوم نمايد ولی جمال

مبارک شاهد حالست که ابداً فرصت نيست و اين قضيه در اين ايام ممتنع

ص ٥٠

و محال لهذا جمعاًمکتوبی مرقوم ميشود و مقصد ظهورانعطافات وجدانيه است و روابط

روحانيه و اينرا جمعاًو تفريقاًبنگارش بيان ممکن لهذا بيک نامه و التفا ميرود

و شما نيز بايد قناعت نمائيد باری در اين ايام بايد عباد الرحمن واماءيزدان

بروش و سلوکی بين خلق محشور شوند که آيات هدی گردند و بشارت

ملاء اعلی شب و روز بکوشند تا از اين جهان و جهانيان بکلی منقطع گردند

در هوای تقديس پرواز کنند و باواز و آهنگ جديد مقامات توحيد

بخوانند و بسرايند الحمدالله منظور نظر عنايت جمال ابهائيد و ملحوظ عين

الطاف حضرت اعلی هر موهبتی از برای شما مقدر است و هر فضلی ممکن

و ميسر بايد بجان و دل بشتابيد و روح وروان را نثار آن دلبر مهربان

کنيد تا خونبهای خويشرا از آن محبوب دلنشين در اعلی عليين

بيابيد وعليکم وعليکن البهاء ع ع مقابله شد

همت آباد وحوالی بواسطه جناب ابی الحسن معلم

هوالله

جناب کربلائی حسنخان جناب عباسخان و دوستان جناب حاجی عليخان جناب عبدالکريم خان

ص ٥١

جناب آقا ميرزا عطاءالله جناب بائی جناب مشهدی حسين جناب آقا حسين

وجناب فتح الله جناب ميرزا محمد رضا ابن ميرزاابی الحسن عليهم بهاءالله

خط مبارک٥٩ هوالله

ای ياران عبدالهاء وثابتان بر پيمان جمال ابهی جناب ابوالحسن عليه

بهاءالله در نامه خويش بافنان سدره مبارکه ذکر آن دوستان

حقيقی نموده که الحمدالله احبای جمال رحمن در نهايت استقامت

و اطمينان در عبوديت آستان يزدان قائمند وهيچ فکر و ذکری جزخدمت

عتبه مبارکه ندارند گهی از درد عشق جمال قدم چون ابر بهمن گريانند

وگاهی از بشارات حضرت احديت چون چمن خندان گهی در ميدان

عرفان جولان نمايند و گاهی در تبليغ امرالله در محافل چون عندليب

خوش الحان باری اينخبر مورث روح و ريحان گشت واين

اثر محرک حاسيات وجدان باری ای ياران روحانی

در پناه حضرت رحمانی از هر فتنه و آفتی محفوظ باشيد وهميشه مورد

عنايات ملکوت غيب جمال قدم گرديد و مهبت فيض اسم اعظم و

عبوديت

ص ٥٢

عبوديت در آستان جمال قديم و بندگی درگاه نقطه تقديس روحی لاحبائهما

الفدا شريک وسهيم عبدالبهاء گرديد ع ع مقابله شد

جناب آقا ميرزا ابوالحسن نيريزی عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ای يار شورانگيز الحمدالله از باده محبت الله جام لبريزی ومشام بنفحات

جنت ابهی مشگبيز نامه ات دلالت بر سرور وحبور وفتوح قلوب ياران خط کاتب ؟

سروستان مينمود بلدة طيبة و رب غفور بجميع ياران تحيت ابهی ابدع ابلاغدار

وفرط اشتياق عبدالبهاء را برسان اگر بدانند که اينقلب چگونه بياد وذکر

ياران آلهی در جوش و خروش است البته نهايت سرور حاصل نمايند

وعليهم البهاء الابهی عبدالبهاء عباس مقابله شد

٩

شيراز جناب آقاميرزا ابوالحسن نيريزی عليه بهاءالله الابهی

هوالله

آلهی آلهی ان عبدک التجا بباب احديتک مستغيثاً الی ملکوت رحمانيتک

ص ٥٣

خط کاتب ومهر مبارک ٦١

مستضيئاًمن شمس وحدانيتک مستجيراً بعتبة قدس فردانيتک رب

قدرله کل خير فی ملکوتک و وفقه مادام حياً علی تحرير آياتک وتنميق

کلماتک واحفظه فی صون حمايتک واحرسه بعين رعاتيک و کلائتک

انک انت القوی العزيز المقتدر المتعالی البر الروف الرحيم ع ع ؟

بواسطه جناب آقا محمد حسن بلور فروش شيراز جناب آقا ميرزاابوالحسن نيريزی

عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب وامضاء مبارک است ٦

ای مربی نورسيدگان آلهی نامه ات رسيد قلب مسرور شد که موفق

بر امر مبروری اطفال بيهمال کور بديعرا تعليم ميفرمائی ونهالهای تر

وتازه حديقه يزدانرا برشحات ابر معارف ميپرورانی اينخدمت

منقبت عظيم است و فوز مبين جاذب فيض رب کريم است

وجالب الطاف خداوند رحيم همت را ب‌گمار واين مشقترا زحمت

مشمار زيرا مورث قربيت درگاه است و منتج موهبت عظمی

محفل روحانی شيراز اميدم چنان است که بر جميع محفافل ؟ توفق يابد

زيرا

ص ٥٤

زيرا اين محفل در منبت شجره مبارکه تاسيس شده حضرت اعلی روحی له الفدا

تائيد ميفرمايد و جمالقديم روحی لاحبائه الفدا توفيق ميبخشد بجناب

کربلائی اکبر از اهل مسجد بردی مهربانی برسان ٢٩ ع ثانی ٣٨ حيفا

عبدالبهاء عباس مقابله شد

٩

بواسطه جناب آقا ميرزا محسن افنان عليه بهاءالله الابهی

نيريز جناب آقا ميرزا ابوالحسن نيريزی عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب

هوالله

يا من ايده الله علی الايمان و وجهه الی ملکوت الرحمن و اغرقه فی بحر الفضل

والاحسان وجعله آية حبه وناطقاًبذکره ومرتلاًلاياته واختاره للعرفان بين نوع

الانسان اشکرالله علی هذه الالطاف والاسعاف من الله العزيز المقتدر الوهاب

و عليک البهاء الابهی ٧ تموز ١٩١٩ عبدالبهاء عباس

٩

شيراز جناب ميرزا ابوالحسن نيريزی عليه بهاءالله الابهی

ص ٥٥

هوالله خط کاتب وامضاءمبارک ٦٤

ای ثابت بر پيمان نامه شما رسيد ولی فرصت مفقود با وجود اين بذکرت

مشغولم مژده ثبوت احباءو ترتيت محافل عليا چون شاهد رعناپی ؟ پرده

جلوه نمود امروز ملاء اعلی از مژده ثبوت و رسوخ احبا محظوظ گردد

جواب نامه بوالدهء آقا ميرزا حبيب الله در جوف است اميدم چنانست

که مسئول مستجاب گردد وآرزوی دل و جان حاصل شود و عليک

البهاء الابهی ٢٥ ع اول ١٣٣٨ عبدالبهاء عباس

مقابله شد

هوالله

بواسطه جناب سرتيپ بوشهر جناب آقا ميرزا مصطفی شيرازی عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

خط مبارک ٦٥

يا من استمسک بالعروة الوثقی لعمرالله سرب الورقاء فی ايکة السناء

وحديقه الثناء قدرفعت اصواتها بالتهليل والتکبير والتسبيح والتمجيد

للرب الجليل والسلطان الجميل و تغرد علی الفروع باصول الالحان

وابدع الانعام واطرب ترتيل والذيقطيع واحلی تفسير واطيب تاويل

ص ٥٦

سبحان ربی الابهی سبحان ربی الاعلی سبوح قدوس رب الجنود والمقام المحمود

والظل‌الممدود والرقدالمرفود والوردالمورود وانک انت فاستمع نغماتهاونقراتها

وابقاعها واعرف معانی کلماتها واستبشر بما فزت بالطاف ربک الکريم

الرحمن الرحيم تالله الحق ان الوجود يسجد لالطاف ربک فی هذا

اليوم المشهود ع ع مقابله شد

هوالله

ای هزار بوستان ذکر آلهی الحمدلله که عالم ارواح و قلوب بپرتو انوار نير

اعظم روشن وعرصه کور آلهی بفيض سحاب جود و موهبت غير متناهی گلزار و گلشن

بحر عنايت در موج است و شمس رحمت مشرق از اواج؟ نسائم کوی دوست

مشکبويست و روائح صبای احديت خوشبوی ودلجوی پس تا طاقت

و توان موجود بايد کوشيد و جوشيد و خروشيد که نصيبی ازاين رياض آلهی برد

و بهره از اين موهبت رحمانی والبهاء عليک ع ع

خط مبارک مخاطب معلوم نيست ٦٦

مقابله شد

هوالله

دهج ؟ جناب آقا غلامحسين بواناتی از اهل سريان عليه بهاءالله

ص ٥٧

هوالله

خط مبارک ٦٧

ايبنده اسم اعظم هرچند مشغله مانند باران بهمن است باوجود اين سرورياران

منظور است ومحبت دوستان موفور چه خوشدميست که بياد منجذبان

روی جمال ابهی همدمم و چه مبارک نفسی که نفحهٴ مشکبار گلشن ملکوت

ابهی در مشام هر ثابت قدم باری در هر آن حمد وثنا کن حضرت يزدان بينشانرا

که بچنين فيض و فوزی موفق گشتی والبهاء عليک ع ع مقابله شد

بواسطه جناب توانگر جناب ميرزا محمود خان عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ای محمود محمود دردرگاه احديت ممدوح و محمودی ودر آستان حضرت رحمانيت

محبوب و مقبول اميدوارم که مستفيض از مقام محمود گردی وبحيز شهود درآئی

و بسر وجود واقف شوی وباحلی ذروه صعود؟ فائز گردی وليس ذلک علی الله

بعزيز واينمقام بانقطاع و انجذاب و محو و فنا و محبت و مهربانی

و صلح و صفا بعموم نوع انسانی حاصل گردد اميدوارم که بان موفق

ومويد گردی ع ع خط کاتب ومهر مبارک ٦

مقابله شد

هوالله

ص ٥٨

هوالله

يامن اخلص وجهه لله اين شخص که فی الحقيقه مبتهل است چند صباحی يعنی بقدريک

ماه در اسکندريه متوقف خواهد بود اين چند روز در آنجا اورا در دکان

خياطی بگذاريد تا بخياطی مشغول گردد بعد بايد که اورا روانه ايران

يعنی شيراز نمائيم والبهاء عليک و علی جميع احباءالله ع ع

خط مبارک مخاطب معلوم نيست ٦٩ مقابله شد

هوالابهی

ايزنده بنفحات رحمن دراين عصر مجيد و عهد کريم جهدی کن و همتی نما

که منشاء خدمتی شوی و بعبوديتی قائم گردی دراينعالم فانی اثر جاودانی

گذاری و در اين حيات فانی زندگی باقی بيابی در اين خاکدان ترابی

از جهان آلهی خبر گيری در انجمن عاشقان شوری افکنی ودر جهان مشتاقان

فتنه و آشوبی اندازی دبستان عشق بيارائی و اطفال ملکوترا سبق

بياموزی سست عنصرانرا مرد ميدان کنی و کاهلانرا چابک و چالاک

نمائی بيمارانرا درمان شوی و مجروحانرا مرهم دل وجان گردی تشنگانرا منهل عذب

فرات شوی و گمگشتگانرا دليل نجات گردی پير سالخورده را جوان وبرنا نمائی

خط مبارک مخاطب معلوم نيست ٧٠

ص ٥٩

و عاجز ناتوانرا مقتدر وتوانا کنی اينمقام از فيوضات ملکوت ابهی ميسر گردد

والبهاء والروح عليک وعلی احباءالرحمن ع ع مقابله شد

هوالله

جناب زائر آقا علی آقا عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمائيد

هوالابهی

ای زائر مطاف ملاءاعلی شکرکن حضرت قيومرا که بچنين بخششی موفق ومويد شدی

که اين مسافت بيابانرا؟ بپيمودی وبساحل محيط الطاف رسيدی و در محط رحال

آمال جواهر مقدسه از رجال وضع رحال کردی و در انجمن روحانيان حاضر

شدی وبا مشتاقان و مسجونان الفت نمودی قسم بان جبين منور بنور مبين

اگر بدانی که بچه فضل وجودی موفق گشتی البته از فرح و سرور بر پری واز

کثرت شادمانی چون ابر بگرئی و چون برق و چمن بخندی بشری؟ لک

من هذا الفضل العظيم باری چون بديار آلهی مرورنمائی تکبير ابدع اينعبد را

برسان وبگو طوبی لکم يا احباء الله من هذا الفضل العظيم نشری لکم

ياارقاءالله من هذا الجودالمبين لعمرکم ان سحاب موهبت ؟الله تمطر؟ عليکم غثياً

خط مبارک ١٧ هاطلاً

ص ٦٠

هاطلاً مدراراً غدقاً طبقا والبهاء علی کل من ثبت علی العهد والميثاق الصراط

المستقيم ع ع مقابله شد

هوالله

ش جناب آقا علی آقا اخوی جناب آقا محمد حسن خياط عليه بهاءالله

هوالابهی

ايبنده آلهی اينعبد با کمال خجلت بتحرير اين نامه پرداخت زيرا جواب

شما تاخير افتاد اين قصور بر گردن اهل فتور است زيرا از هجوم وشرور مهلت

نميدهند که عبدالبهاء بجواب نامه احبا برسد ولی اينقدر بدان که دل

وجان مشغول و موانس ياد و خاطر دوستانست آنی فراموش

نشده ايد ع ع مقابله شد خط مبارک ٧٢

هوالله

بوشهر جناب آقا مصطفی عليه بهاءالله

الابهی ؟

هوالله

ای بندهء جمال ابهی شکر حی قدير را که در ملکوت عزيزش مذکوری و در انجمن

ص ٦١

دوستان شهير وجهی از نور عرفان منور داری و مشامی از رائحه ايقان معطر

و اين موهبت مخصوص خواص اهل بصرازبشر قدراين عنايت را بدان والبهاء عليک ع ع

مقابله شد

هوالله

بوشهر جناب مصطفی عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

يامن استنشق رائحة‌الوفاء اسمع نداء من يناجيک بروح و ريحان وقل اتی وجهت ؟

وجهی لمن دعانی الی ملکوته الابهی وذکرنی باياته الکبری و نطقئی بثنائه بين

العالمين وايدنی من ملکوت غيبه و رزقنی مائدة الثبوت علی الميثاق ع ع

خط مبارک ٧٣ مقابله شد

هوالابهی

آلهی آلهی هذا عبدک وابن عبدک تمسک بذيل عطائک وتشبث بحبل ولائک

وقام علی خدمة احبائک ايرب وفقه علی کل خير فی ملکک وکل خدمة فی حبک

و کل اشتغال بذکرک انک انت الکريم ع ع مقابله شد

هوالابهی

هرسه رو در يک صفحه

ای بنده حقيقی جمال قدم خلقت انسانی و خلقت رحمانی جناب شيخ نهايت

رضا

ص ٦٢

رضامندی را از شما دارند که در خدمات امر واحبای آلهی نهايت همترا دارند

اليوم سرور عالم نفسی بود که بخدمت ياران آلهی پردازد و در عبوديت

آستان مقدس قيام نمايد و عبوديت حق عبوديت عبادش ع ع

مقابله شد

هوالله

جناب آقا علی آقا من اهل شين رفيق جناب شيخ سلمان عليه بهاءالله الابهی

ملاحظه نمايند

هوالله

يا من تشرف بتمريغ وجهه بتراب العتبة الساميه در آستان حضرت

يزدان حاضر گشتی و روی ومويرا بان خاک پاک معطر نمودی و توجه بملکوت

کردی و مبتهل بساحت قدس شدی و در ظل سدره مبارکه در آمدی پس

بعزمی ثابت و نيتی خالص و توجهی تام وتضرعی وتعلقی وتعشقی توجه بديار

آلهی نما و تبتلی بدرگاه حضرت غير متناهی تا موفق بر خدمت امرالله

و عبوديت احباءالله گردی اينست فضل عظيم و جود مبين و صراط مستقيم

ونعيم مقيم وموهبت رب العالمين رب ايد هذا العبد علی الميثاق

٦٣

والثبات فی عهدک يا مالک يوم الطلاق ع ع مقابله شد

٩

بواسطه جناب بشير آلهی وآقا ميرزا جلال ابن عبدالله زرقانی احبای آلهی

جناب مشهدی ابوالقاسم جناب حاجی محمد رضای خياط مرحوم حاجی حسينعلی خياط

جناب ميرزا علی آقا جناب ميرزا محمد حسين ابن المرحوم آقا محمد حسن خياط

ضلع مرحوم حاجی حسينعلی صاحب سلطان ضلع مرحوم آقا عبدالوهاب

صفيه سلطان ضلع حاجي محمد رضاي خياط خانم ماه ضلع مرحوم حاجي حسينعلي

سکينه بی بی ضلع آقا علی آقا ابن مشهدی ابوالقاسم خانم نصرت صبيه مشهدی

ابوالقاسم خانم طلعت ضلع آقا محمد حسين خانم جمال دوصبايای مرحوم آقا محمد حسن

حانم حياء وخانم طوبی عليهم و عليهن البهاء الابهی

هوالله

خط کاتب ومهر مبارک ٧٦

ای ثابتان بر پيمان جناب جلال نامهای مبارک شما را نگاشته ونامه ئی

نام شما در آن مذکور فرستاده چون تلاوت نمودم نهايت مسرت يافتم

زيرا دليل بر انجذاب قلوب بود وانشراح صدور الحمدلله رويها بنور

محبت الله

ص ٦٤

محبت الله شمع انجمن وخويهااز شدت لطافت مانند گل گلشن اين دليل

بر شمول فيض ابديست و مواهب سرمدی شايان شکر انست ولايق صد هزار

حمد وثنا لله المنه آنخاندان و دودمان عموماًاز صهباءالست سرمستند

ودر خمخانه محبت الله پياله بدست و می پرست ايپروردگار اين نفوس

از ابرارند و سرمست جام سرشار آشفته روی تواند و آواره کوی تو

وپويان سوی تو فضل و عنايت روا دار واز قيد دون خودت برهان

بر عهد وپيمان ثابت بدار و درامرت مستقيم کن وبااين عبد در عبوديت

آستان شريک وسهيم نما و عليکم البهاء الابهی ايپروردگار برخی

از اين نفوس بکوی توشتافتند و سوی تو توجه نمودند و ضيوف

تو گشتند آنچه سزاوار بزرگواری و آمرزگاری درگاه تست رايگان

کن وعليهم البهاءالابهی ع ع مقابله شد

هوالله

جناب حاجی ابوالقاسم جناب آقا محمد حسن جناب حاجی محمد رضا جناب حاجی حسينعلی

جناب آقا محمد کريم جناب رجبعلی جناب آقا محمد جواد جناب آقا علی اکبر

ص ٦٥

جناب آقاميرزا محمود جناب منوچهر جناب حاجی عبدالله جناب حاجی ميرزافضل الله

جناب آقاميرزا عبدالحسين جناب آقاميرزا عليرضا خان جناب حاجی ميرزامحمد افشار

جناب آقا سيف الله جناب آقا ميرزا جلال جناب آقا محمد حسين جناب

آقا غلامرضا جناب آقا ميرزا اسدالله جناب محمد حسين عليهم بهاءالله

الابهی ملاحظه نمايند جناب آقا داراب بيک جناب آقا فلامرز

هوالله

خط مبارک ٧٧

ای ياران روحانی در اين عهد جليل و قرن عظيم که آفتاب ميثاق

چون نير اعظم آفاق ازاشراق ملکوت وجود رامنور نموده ومحيطاکبر

امواج فيوضاتش از ملکوت ابهی بساحل قلوب متواصل و نسيم

عنبرين وشميم مشکين از رياض آلهی منتشر وارياح فلاح از مهب عنايت

متهيج وبشارات الهيه ازافق اعلی متتابع بايد ياران ربانی و دوستان

آلهی بقوتی ملکوتی و قدرتی جبروتی وعونی آلهی وصونی ربانی ولسانی

ناطق و علوی شاهق و انقطاعی فالق و فيضی عظيم ونوری مبين وجذبی

شديد و ولهی ليس عليه مزيد مبعوث گردند چه که اين انتساب بدرگاه

آلهيرا

ص ٦٦

الهيرا اين شئون رحمانی لازم واين اکتساب عبوديت آستان جمال باقيرا

اجتلاب انظار عنايت نا متناهی واجب هرسبزهء که از فيض نيسان رحمت

نصيب بردالبته سبزو خرم گردد و هر شجرهء که از عين الطاف بهره گرفت

البته تروتازه شود و هر مشکاة که از انوار جمال رحمانی اقتباس کرد

البته منورومستضی گردد واين شئون مابه الامتياز بين الابرار والاشرار

در جميع قرون بوده فريق فی الجنة وفريق فی السعير پس حال بايد ما دست

به دامان حضرت يزدان زنيم و بر عهد وپيمان محکم شويم وبر صراط

رحمن ثابت و مستقيم گرديم و بعون و عنايت جمال قديم بکوشيم

و بجوشيم تا مراکز سنوحات رحمانيه شويم و مطالع انوار توفيقات

ربانيه بعروه وثقی تمسک و تشبث نموده جميع همترا حصردرنشر برهان الله

نمائيم و جميع اوقات را وقف سطوع رائحه رياض کبريا تا شرق

و غرب مطلع آيات توحيد گردد و جنوب و شمال مهبط اسرار

تفريد وجوه بنضره رحمن مزين شود و صدور بنور ايقان وآثار ظهور

در کل مراتب وجود ظاهر و باهر شود وعالم ملکی اينه ملکوت گردد آنوقت

ص ٦٧

جهان جنت ابهی شود ع ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک مخاطب معلوم نيست

قدرتل اهل الفردوس بالحان القدس تلک القصيدة الفريدة الغراءالفصحی التی خريدة

تيمة بديعة نوراء لله در ناظمها وفلشها وناطقها وثاقب تلک الليالی المتشرة

المکنوته والدرر المنصودة المخزونة ولمثله ينبغی ان يتنفس بنفس الرحمن

اذا عسعس ليل الهجران واحاط حنج الظلام و غسق الحرمان من فی الامکان

تالله الحق ان الملاء الاعلی يتباهی اليوم بنفس تقوم علی ذکرالله

وثنائه واعلاء کلمة الله و برهانه و اظهار قدرة الله و سلطانه و نشر

نفحات قدسه التی اذا عبقت تعطرت منها الافاق و عادت

الارواح الی اجساد الاموات فيا بشری للمخلصين ويا طوبی

للمجاهدين ؟ وياتباهاً للقائمين و يا حبذا للناشرين والناشرات

نشرا فالفا ؟ قات فرقا فالملقيات ذکرا وانی لا تبهل

تضرعاً و تبتلاًالی حضرة رحمانيته ان تقر عينی بمشاهدة وجوه نضره

ناظرة الی ربها يستضئی بانوار ملکوت الوجود من الغيب والشهود

ص ٦٨

بما توجهت الی شمس الهدی فی الملکوت الابهی واشتعلت

بنار الله الموقدة فی الشجرة‌المبارکه واستفاضت الانوار

من النير الاعظم الذی غرب من افاق الامم و هو مشرق

من افقه الاعلی و ملکوته الابهی علی اهل البهاء والسلام علی من اتبع الهدی ع ع

مقابله شد

بواسطه جناب آقا علی محمد

شيراز جناب آقا علی اکبر خادم عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ای آوارهء حق اگر از خانمان دور واز خاندان مهجور وبيسر وسامان

شدی ولی در پناه حق ايمنی ودر ملکوت ابهی منزل ومامنی اين بيوت

اوهن از بيت عنکبوتست هر معموری مطمور گردد و پناه حق اشرف

قصور الحمد لله آن ميسور وغير معسور وعليک التحيته والثناء ع ع

خط کاتب و مهر مبارک ٧٩

بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزا بزرگ عليه بهاءالله

شيراز جناب آقا علی اکبر خياط عليه بهاءالله

هوالله

ص ٦٩

خط کاتب ومهر مبارک ٨٠

هوالله

ای بندهء آلهی الحمدلله آگاهی و گواهی که عبدالبهاء را مشاغل وغوائل

غير متناهی موجود باوجود اين ملاحظه نما که جان ودل چگونه بمحبت

ياران در اهتزاز است که جميع کارها را گذاشته بياد تو پرداختم

واين نميقه را وسيله ساختم تا روح وريحان يابی و بفضل و احسان

حضرت يزدان بر سرور و فرح بيفزائی ذلک من فضل الله يوتيه من يشاء

والله ذوفضل عظيم و عليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

شيراز هوالله بواسطه افنان سدره مبارکه

جناب ميرزابزرگ جناب مشهدی علی اکبر خياط عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب ومهر مبارک ٨١

هوالله

ايخادم صادق جانفشان هرچه در خدمت ياران بيشتر کوشی کاس

عنايت بيشتر نوشی وآنچه بعبوديت شان بيشتر پردازی بالاتر پروازی زيرا

اين مجاز قنطرهء آن حقيقت است واين عجز ونياز رابطه قربيت ان

بينياز خدماتت مقبول و زحماتت ممدوح و بندگيت مشهود

دردرگاه

ص ٧٠

در درگاه رب ودود و عليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

هوالله

ش شاهزاده محب علی ميرزا عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٧٢

هوالله

ای بندهء آلهی يکی از احباب ذکر ترا در اين انجمن نمود و بستابشت

لب گشود که بمحبت دلبر حقيقی گريبانی چاک دارد و بتجلی عرفان سينه چون

آئينه افلاک اين سرگشته کوی آلهی نيز خامه برداشته و نامه نگاشته بلکه

نسيمی از رياض قلوب بوزد ومشام مشتاقانرا معطر نمايد پس ای طالب

روی حق مشام مستعد نما تا آن بوی جانپرور در دماغ آيد و روح حيات

تازه يابد والبهاء عليک ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش جناب شاهزاده محب عليه بهاءالله الابهی

ملاحظه نمايند

هوالابهی

ص ٧١

هوالابهی

خط مبارک ٨٣

ای محب مطلع انوار محبت را مراتب اربعه مذکور و مشهود اول محبت من الله

الی العبد است آيه يحبهم شاهد اين مطلب ثانی محبت من العبد الی الرب است

و يحبونه دليل اين مقام ثالث العبد الی العبد است آيه رحماد ؟ بينهم حجت

اينمقال رابعاًمن الحق الی الحقست فاحببت ان اعرف ثبت اين

مال محبت مظهر نفس الله ومطلع الهام هر چند من العبد الی العبد است

ولی بحقيقت من الخلق الی الخلقست چه که من احبه فقد احب الله پس چون

نامت دلالت برمحبت من سمی يعنی فی ملکوت الاسماء دارد اميد که بانچه

از لوازم اين اسم مبارک و خصائص اين رسم مجلل است قيام نمائی

وموفق گردی وآن همت بر نشر نفحات الله و غيرت در ثبوت و رسوخ

بر ميثاق الله است والبهاء عليک و علی کل ثابت علی العهد

القديم ع ع مقابله شد

هوالله

ش جناب محب علی مير عليه بهاءالله الابهی

ص ٧٢

هوالله

خط مبارک

ای محب بهاء نور حقيقت چون در زجاجه احديت اشراق نمود عاشق

و معشوق دست در آغوش گشتند و احديت حکمش چنان نافذ و قاطع

که گوئی معشوق بود نه عاشق يا عاشق بود نه معشوق واسماء وصفات

وتشخصات و تعينات ونسبت و اضافات شئون ذات بودند

بنحواشرف بکمال بساطت و وحدت و چون آن نور هويت در

زجاجه واحديت جلوه فرمود اسماء وصفات پديدار گشت و صورعليه

آلهی اعيان ممکنات نمودار گرديد پس بگوش و جانفشانی کن وجهد نما

وپريشانی تا حقيقت ناطقت وعين ثابتت از مقام واحديت

بصحرای دلگشای احديت توجه نمايد چه که سالک در آنمقام از کثرت

محويت و قوت فناازشئون حضرت بيچون گردد و کلمه انالله وانا اليه

راجعون گويد وجود شهود اوست و عبوديت مقام محمود او وانعدام

محض غايت مقصود او پس تا توانی پايرا در بندگی استوارکن

تابازادگی يگانگی پی بری وازبيگانگی بيزارشوی و شب وروز کمر خدمت بربندی

ص ٧٣

و ببيان آيات بينات پردازی و کار جهانی بسازی و باهنگ ملکوت نغمه پردازی

که حجاب از جميع ابصار براندازی ع ع مقابله شد

ش ش ا ه جناب م ح ب عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٨٥

هوالابهی

ای محب جمالقدم واسم اعظم هيکل عالم چون بحقيقت نگری بمثابه شخص انسانيست

يعنی قالب جسمانی وامر مبارک وآثار ظهوراعظم مثابه روح حيات دراين جسم عظيم

ومقناطيس اکبرقويم اگرجهان و کيهان باين جان که شئون و کمالات جانان و حضرت

رحمن است زنده نبود وباين نفحات الهيه تر وتازه نگشته بود حکم جسم ميت داشت

و سمت جيفه و جسد غير متحرک لطف روحست که هيکل عالم مظهر فتوحست

و قوت جانست که اين جسم در طيرانست ولی چون نشو ونمای کالبد

از فيض جان بتدريجست تا مدرج در مراتب خلقت از نطفه و علقه

ومضغه و کساء؟ لحم و انشاء خلق آخر و فتبارک الله احسن خالقين نمايد

لهذا هيکل عالم نيز ازاين روح مفخم در بدايت درجات خلقت است

عنقريب آثار باهره فيض روح القدس آلهيرا در اين هيکل نورانی بقسمی مشاهده

نمائيد

ص ٧٤

نمائيد که عقول حيران و ابصار خيره نگران گردد پس بجان ودل بکوش که تو بمنزله

گوش هوش گردی و بمثابه نظر وبصر اين عالم اکبر سوی ؟ قوای اعلم ؟ حيات

باشی و شفای نجات از اسقام و عوارض از ممات درياق اعظم حب

جمالقدم و داروی اکبر ثبوت و استقامت بر امر مبرم ومعجون

قوت و صحت ثبوت و رسوخ بر عهد و پيمان حضرت رحمن است

والبهاء عليک عبدالبهاء ع مقابله شد

جناب محب علی ميرزا

هوالابهی

يا من حی فواده بنفحات محبت الله قد انشرح الصدور بذکرک فی هذا

المحفل المشکور والمقام المبرور والمحضرالمشهوروالبيت المعمور فی هذا اليوم

المشهود و بسطت اکف الضراعة مبتهلاً متبتلاًالی الله ان يفيض علی

حدائق کينونات احباء الرحمن غمام فضله المدرار وسحاب جوده والطافه

فی هذا الاوان ع ع مقابله شد

جناب ميرزا هدايت الله خان

ص ٧٥

خط مبارک ٨٧

هوالابهی

يا من اشتعل بالنار الموقده فی السدرة الربانية بخ بخ لک يا ايها

الناطق بالثناء والناشر لشراع الوفا الشارب من رحيق الو لاء

الناظرالی الملکوت الابهی لمثلک ينبغی اليوم اطلاق العنان فی ميدان

العرفان والجولان فی مضمار البيان حتی تجعل الوجوده متوجهة الی

الحی القيوم فی الجبروت الاعلی والبهاء عليک ع ع مقابله شد

جناب ملا اميرخان

خط مبارک ٨٨

هوالابهی

ای امير کشور عرفان آن يار مهربان اگر بيد اراده پرده از رخ ياران

حقيقی خويش بر اندازد و کشف غطاء فرمايد آنوقت ان خيل دلبران

بينی که فتنه آفاقند و آشوب و ولوله دو جهان مطالع عالم از انوار

جمالشان روشن است و مشارق و مغارب امکان از فيض کمالشان

گلزار و گلشن اگر باين موهبت الهيه که درانجمن وجود رخ گشوده کماهی خقها

اهل عالم واقف گردند خيل عاسقان بينی کف زنان پا کوبن بقربانگاه

بشتابند

ص ٧٦

بشتابند ع ع مقابله شد

هوالله

خط کاتب ومهر مبارک ٨٩

ايبنده آلهی تاتوانی در هدايت خلق گوش و سقايت بوستان حق نما

يد عنايت در مزرعه آفاق تخمی پاک افشانده والبته اين کشت دهقان حقيقت

جهانرا بهشت نمايد واين تخم پاک ارضرا زينت افلاک بخشد واحبای آلهی

در اين جويبار آبيارند وآب فيض حضرت پروردگار پس تا توانی آبياری

کن تا فيض حضرت باری کامکاری بخشد و نور احديت بدرخشد

ويگانگی علم افرازد وبنيان بيگانگی براندازد محبت عموميه رخ بگشايد

و جهان آئينه فيض يار مهربان شود عليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

شيرازبواسطه حضرت افنان سدره‌مبارکه جناب آقاميرزابزرگ جناب حبيب الله

ميرزا ابن محب علی ميرزا عليه بهاءالله

خط کاتب مهرمبارک ٩٠

هوالله

ای نهال باغ محبت الله نامه درنهايت روح وريحان قرائت گرديد واز مضمون

مفهوم شد که خودرامهجوردانی ومحروم شمری ومحزون مانی ومغموم هستی زنها چنين

ص ٧٧

گمان منما زيرا بپرتو شمس حقيت مشمولی وبالطاف وعنايت مقرون غريق

دريای الطافی واسير روی آندلبر بديع الاوصاف فيض هدايت يافتی و فوز

رحمانيت جستی و در ظل حضرت احديت در آمدی جام سرشار محبت الله

نوشيدی وديده از ماسوی الله پوشيدی و حلاوت شهد محبت الله

چشيدی وبانچه منتهای آرزوی اصفيا بود رسيدی حال آئينه را هر چه جلا

بيشتر دهی پرتو فيض شمس حقيقت بيشتر تابد و فزون تر جلوه نمايد من در

حق تو به درگاه آلهی عجز و زاری نمايم والطاف بينهايت جويم جميع ياران

آلهيرا تحيت ابدع ابهی ابلاغداريد تا توانی بهدايت نفوس پرداز

و در تحصيل علوم وفنون بکوش و عليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

شيراز بواسطه حضرت افنان آقا سيد حسين امته الله الموقنه سکينه

والد باقر عليها بهاءالله الابهی

خط کاتب ومهرمبارک ٩١

هوالله

يا امته الله قد اتتنی الورقه الناطقة يتوجهک الی ملکوتی؟ مطمئنه بفضله

راضيته

ص ٧٨

راضية بحکمه مرضية ؟ لد؟ به صابرة علی البلاء ناطقة بالثناء وانی بملا

السرور اذکرک عند ما اناجی ربی الغفور واطلب لوالدتک التی رجعت

الی الله ان يکرم مثواها و يدخلها فی نزل کريم ويخلد ها فی جنة النعيم

و يشرح صدرها بمشاهدة انوار اللقاء فی مشاهد الکبرياء وبلغی تحيتی

الوافره‌الی امة‌الله الباهره فاطمه بی بی ثم القی کلمة التحية من قبلی علی

امة الله الرضيه رقيه سلطان و کذالک ؟امة الله المنجذبه بهيه ثم ضياءالله

المتربی فی حجر محبة الله ثم بلغی تحيتی وثنائی واشتياقی الی رفيع الرفيع

المترنم فی رياض المعانی بلحن بديع زاده الله عرفاناًو شغفه حبا و عليک

التحية والثناء ع ع مقابله شد

هوالله

شيراز ورقه موقنه امة الله سکينه بيگم عليها بهاءالله الابهی

خط مبارک ٩٢

هوالابهی

ای امة الله محزونه در اينخاکدان فانی بقا بجهة نفسی ممتنع و محال ومجال شبهه و

انکار نه اين کاس نصيب هر نفس واين صعود محتوم بلا سروجود کوکب ساطع روح

ص ٧٩

البته از افق امکان افول نمايد واينسراج وهاج البته از زجاج اکوان صعود

نمايد امريست محتوم و حکميست معلوم در اينصورت ديری و نزديکی را

حکمی نه و جوانی وپيريرا مدخلی نيست علی الخصوص آن سراج بزجاج عالم بالا

شتافت و آن نجم بافق بقاء شتافت وآن غنچه در گلشن ابدی

شکفت وآن آواره بوطن اصلی رفت چرا محزون و پريشانی و آشفته

ونالان توجه بملکوت ابهی کن و توسل بجبروت علی اعلی تسلی تام حاصل

ميشود و استراحت قلب ميسر گردد و انشاءالله اسباب راحت جان

وآسودگی ميسر ميگردد مقابله شد

ع ع

والده عيال حاجی هوالابهی

خط مبارک ٩٣

ربی و رجائی هذه امة آمنت بک وباياتک و اتبلت بمصائب السفر فی سبيلک

و اشتاقت جوار رحمانيتک وتاقت الی جمال وحدانيتک ايرب اسقها رحيق الطافک

بفظلک واحسانک انک انت الکريم الرحيم مقابله شد

ع ع

ص ٨٠

ز و ج حا جی هوالابهی

خط مبارک ٩٤

آلهی هذه ورقه حضرة فی رياض العرفان افض عليا من سحاب رحمتک غيث الفضل

والاحسان لتکن ريانة بمياه الوجود بين اهل السجود يا ذاالجود والامتنان و تصبح

متحرکة بنسائم الروح والريحان فی جنة الرضوان ع ع مقابله شد

ابن حاجی هوالابهی

خط مبارک اين سه لوح در يک صفحه است

اللهم يا آلهی هذا عبد نسبته الی عبدک الذی طرد و نفی فی سبيلک الی ارض

السودان ونحل جسمه من شدائد الحر کالنيران حتی نجية بفضلک ايرب

هذا ابنه اجعله آيت احسانک و رايت امتنائک و سراج حبک و نور محبتک

و ورد رياض عرفانک بين بريتک وريحان حديقة الايمان بک وباياتک

بين خلقک انک انت الکريم مقابله شد

ع ع

شيراز بواسطه حضرت بشير آلهی جناب آقا ميرزا ضياءالدين

خادم مشرق الاذکار عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ص ٨١

خط کاتب ومهر مبارک ٩٦

هوالله

ايبنده حق نامه شما رسيد مختصر جواب تحرير ميگردد بدرگاه احديت تضرع وزاری شد

که آنچه نهايت ارزوی تست حصول يابد ميسر گردد وقوه حافظه ترقی نمايد حضرت

اعلی روحی له الفدا گاهی کندر ونبات ميل ميفرمودند شما نيز متابعت نمائيد

وعليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

شيراز بواسطه جناب آقا محمد نبی فصاب جناب آقا ميرزا ضياءالدين خادم

مشرق الاذکار عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب ومهر مبارک ٩٧

هوالله

ای بنده بها نامه شمارسيد الحمدالله خبر هدايت ميرزافرخ خان داشت که‌آن مشتاق

دلبر آفاق راه طلب پيمود تا بسر منزل حقيقت پی برد واز نورانيت امر مبارک

ديده روشن نمود وازفيض ابدی ساحت خاطر را رشگ گلزار و چمن کرد نامه ئی مخصوص

بايشان مرقوم شد در جوفست برسانيد و بستايش شمس حقيقت پردازيد که بنور هدايت

آفاق قلوبرا روشن نموده وياران دليل اين سبيلند وهادی اينطريق بوالده

مهربان امة‌الله خديجه و برادر مهر پرور ميرزا بهاءالدين از قبل من

تحيت

ص ٨٢

تحيت ابدع ابهی برسان و عليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

شيراز جناب ميرزا فرخ خان عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب ومهر مبارک ٩٨

هوالله

ای فرخ آلهی الحمدلله رخرا فرخ نمودی و بنور هدايت روشن فرمودی

سعات کبری يافتی وميمنت عظمی جستی ديده مشاهده‌آيات کبری نمودوگوش

استماع ندای ملاءاعلی کرد دل بدلدار پيوست جان بجانان رسيد شايان

هزار شکرانه است و سزاوار نغمه وترانه پروردگاراآمرزگاراابوين فرخ ازاينجهان

ناسوت بخلوت لاهوت شتافتند واز اينجهان نيستی بفضای عالم هستی ابدی

پرواز نمودند زاد وتوشهء ندارند حرفه وپيشه ئی نداشتند توکل برتو نمودند

و بعتبه عاليه توجه کردند ايپروردگار بر نجل مومن ايشان منت گذار از

خطای آنان بگذر گناه بيامرز پناه بده ببارگاه در آر و در دريای

عفو و غفران مستغرق فرما توئی غفور و توئی ودود و توئی

رئوف و توئی بخشنده ذنوب و قصور

ع ع مقابله شد

ص ٨٣

بواسطه جناب زائر درويش روشن جناب ؟ قنبر

خط کاتب ومهر مبارک ٩٩

هوالله

ايبنده حق جناب روشن دراين انجمن بنور محبت الله مانند شمع روشن شد

حال مراجعت بوطن مينمايد از من خواست که نامه ئی تحرير نمايم و محبت قلبی

روحانی تقرير کنم اين بسی واضح که قوه جاذبه ملکوت وجود اين مفقود

و جميع ياران را در محفل تجلی جمع نمود از يک اشراق منوريم واز يک

نفخه معطر از يک بحر سيرابيم و از يک حرارت پرتب وتاب در اينصورت

بيان لازم عيانست و واضح و نمايان تودانی که در اينقلب آلان

چه هيجانست واگر مطلع نيستی از خدا خواهم که واقف گردی

وعليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

شيراز

بواسطه حضرت افنان سدره‌مبارکه جناب آقاميرزابزرگ عليه بهاءالله الابهی جناب

آقاميرزابهاءالدين عليه بهاءالله‌الابهی

خط کاتب ومهر مبارک ١٠٠

هوالله

يامن‌انجذب بنفحات‌الله قد تلوت آيات شکرک لله علی ماهداک ونجاک واجاب دعائک‌اعلم

ان

ص ٨٤

ان ربک لرحيم سيشمل لحظات عين رحمانية کل من اتی الله بقلب سليم و يجعله آية

الهدا وراية‌التقی وشهاباًثاقباًفی‌اوج العلی ونجماًبازغاًفی‌الافق الاعلی ولمثلک

يليق ان يداوی القلوب والارواح و يشفی النفوس عن مرض الجهل والعمی و يجعل

سبباًلهذه‌العطية‌الکبری والمنحة‌العظمی معالجة‌الاجسام مستمداًمن‌فيض‌الرحمن والتائيد

من العزيزالعلام ويتحقق لک ذلک اذاانجذبت الی الله انجذاباًتبذل الروح

للارواح والحيات للقلوب فيعالم الاشباح و ان کنت تحب التائيد العظيم

والموفقية فی هذاالامر الجسيم تخلق بهذه الاخلاق وهوالانقطاع والانجذاب

والاشتعال والرافة والثبوت والاستقامة والقيام بسر الفداء اللهم ياآلهی ايد

هذاالمنکسرالمتذلل بعتبه قدسک الساميه علی احياءالارواح وشفاء الاجسام

ونشر آثارک بين الوری واعلاء کلمة التقوی بفوة الهدی انک انت الکريم

العزيز المهيمن المقتدر المحبوب اگر چنانچه در آن صفحات امر معيشت صعب

و بقدر قناعت کفايت ننمايد مجرد به نيت نشرنفحات الله ببلاد ديگر عزيمت

نيز جايز ايدک الله وشيدک و عليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

شيراز

ص ٨٥

شيراز جناب ضياءالدين خادم سابق مشرق الاذکار عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب وامضای مبارک ١٠١

هوالله

ايثابت بر پيمان نامه ملاحظه گرديد عبارت پر حلاوت بود ودلالت بر استقامت

مينمود بامة‌الله خانم طلعت تحيت برسان وبشارت بموهبت آلهی ده تا سرور

موفوريابد و کنيز صبور وشکور ربانی شود از عنايات حضرت خفی الالطاف خواهش

آمرزش از برای ميرزا بهاءالدين و ميرزاآقا وامة‌الله خديجه مينمايم ايخداوند

بيمانند بهاءالدين را صدر نشين بهشت برين فرما و ميرزا آقا را در ملکوت ابهی

بموهبت کبری سرافراز کن ومرقد امة‌الله خديجه را دريچه بملکوت آلهی بگشا ای

آمرزگار اين بيچارگانرا در جوار رحمت کبری ملجاء و پناه ده واين ملتحبين را

بفروس برين در آر عفو و مغفرت مبذول دار وفضل و عنايت ارزان کن توئی

بخضنده وآمرزنده ومهربان و عليک البهاء الابهی مقابله شد

٢٢ رمضان ١٣٣٧ عبدالبهاء عباس

هوالابهی

جناب زائر حاجی حسنعلی عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

ص ٨٦

هوالابهی

خط مبارک ١٠٢

يامن احرم ليطوف بمطاف ملائکة القدس من الفلک الاعلی فاشکرالله ربک علی

هذه‌الموهبة‌التی هی اعظم فريدة وابهی جوهرة تتلئلا فی هامتک العليا حيث تشرفت

يالمثول بمقام هو مختلف الملائکة من الملاء الاعلی و عفرت و غبرت خدودک

بغبار هو کحل الابصار و شفاء علة الابرار وبرد لوعة الاحرار فيا طوبی لک

من هذا الفيض المدرار ويا بشری لک من هذا الشرف الذی تفتخر به بين اهل

الانوار ايرب هذا عبد توجه الی ملکوت رحمانيتک وتشبث بحبل ربانيتک

و تشرف بالبقعه المبارکه ايرب اجعله مشمولاً بلحظات عين رحمتک

انک انت الکريم الرحيم ع ع مقابله شد

٩

امة‌الله خانم طلعت عليها بهاءالله

خط مبارک ١٠٣

هوالله

آلهی آلهی ان عبک هذه تسترضيک بکل عجز وذل و انکسار متبهلة اليک فی

خفيات فواد ها رب وفقها علی ما تتمنی و ارض عنها وايدها علی الاستقامة علی حبک

ص ٨٧

انک انت الکريم الوهاب ع ع مقابله شد

هوالله

ورقه مومنه ضلع عبدالوهاب عليها بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ١٠٤ هوالله

ای امة الله هيچ دانی که کنيزی جمال مبارک را چه مقام است و چه درجه احترام

قسم بروی و موی و خوی دوست که تاج وهاج ملکه های آفاقست و سراج

زجاج قلوب بانوهای اعظم اينقدر و قيمت در ملکوت ابهی مشهود گردد

واين علويت در افق اعلی واضح شود والبهاء عليک ع ع مقابله شد

هوالله

شيراز مناجات طلب مغفرت بجهت راجع الی ملکوت الوجود حاجی رجبعلی خياط

خط مبارک ١٠٥

هوالله

رب ورجائی انی مع فرط عصيانی و وفور خطيئاتی و کثرة ذنوبی اتضرع الی رحبة

رحمانيتک وافزع الی فناءعتبة فردانيتک واشفع لعبدک الذی آمن بک وباياتک و دخل

فيظل راياتک وادرک حججک وبيناتک رب اغفرله خطيئات صدرت منه واعف عنه‌السئيات

وبدلها

ص ٨٨

بالحسنات والبسه حلل العطاء وارزقه اللقاءواکشف عنه الغطاء وادخله فی مشهد

الجمال ياربی المتعال انک انت الرحمن ع ع مقابله شد

بواسطه حضرت عندليب عليه بهاءالله الابهی

هوالله

جناب حاجی رجبعلی خياط عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

ايبنده مخلص حق از فضل جمال ابهی کنز ملکوت بجهة احبا مهيا لهذا اتفاق

سبب حصول برکت از نيرآفاق پس تاتوانی معاونت ياران نما و اعانت دوستان

لن تنالواالبرحتی تنفقوامماتحبون معاونتی که در حق جناب ميرزا عبدالغفار

مجری داشتيد بسيار محبوب واگر ممکن باشد که از مبرات بشماريد

ودر صورت عدم امکان امهال الی ميسره بسيار مقبول والبهاء

عليک

ع ع

مقابله شد

هوالله

ص ٨٩

هوالله

اخت حرم حاجی رجبعلی عليهما بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ١٠٧ هوالله

ای امة‌الله تمسک بعروه وثقی جو وتشبث بحبل متين حضرت کبرياءآن عروه محکم وحبل

وثيق ميثاق آلهيست و پيمان حضرت رحمانی بسبب جان و وجدان تمسک و تشبث

نما تا بمقام انجذاب رسی و ببارگاه قدس حضرت رب الارباب راه

يابی والبهاءعليک ع ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک مخاطب معلوم نيست

١٠٨

ای سرمست جام الست هنگام غروبست وليکن انوار صبح هدی از مطلع افق

ابهی ظاهروباهرنظربه عالم بالاوملکوت اعلا کن طلوعی مشاهده کنی که غروب ازپی

ندارد ونهاری ملاحظه نمائی که ليلی در عقب نيايد جميعش طلوع

و اشراقست و ظهور وانوار چه که شمس حقيقت مقدس از طلوع

و غروبست اين طلوع وغروب نظر بعالم خلقست

نه حق والبهاء عليک ع ع مقابله شد

ص ٩٠

هوالابهی

حرم حاجی حسينعلی عليها بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ١٠٩ هوالله

ايورقه طيبه اينجهان بسی عرصه تنگ و تاريک وآن جهان

بغايت روشن و وسيع و نزديک در طرفته العينی ازاين اقليم جسمانی بجهان

آلهی توان شتافت واز اين حيز تنگ بان عالم بيرنگ بتاخت

پس تا توانی در فکر آنجهان باش نه اين جهان واز آن جام

سرمست باش نه اين ساغر کدراشام والبهاء عليک ع ع مقابله شد

هوالله

داراب جناب آقامشهدی محمدابراهيم شيرازی جناب آقانصرالله ولد ايشان عليهما

بهاءالله الابهی

هوالابهی

ای دوبنده حق درايندم بدرگاه احديت اسم اعظم مناجات

مينمايم که ای پروردگار اين دونفس نفيس را موانس وانيس ذکرت نما

واين دو مشتاقرا بگلستان حقايق و معانی دلالت فرما اين دوماهی را

ص ٩١

ببحر عذب فرات هدايت نما واين دو غزال بر وحدترا بچمن

موهبت برسان توئی توانا و توئی مقتدر وبينا ع ع

مقابله شد

هوالله

امة الله ضلع حاجی حسنعلی عليها يهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالله

ای ورقه مبتهله شمع روشن است و شهد مکرر وآنشاهد؟ روحانی بربطی

در دست دارد و باهنگ خوش ملکوت ابهی در نغمه و آوازاست

چنگش قوه ملکوتی مضرابش بشارت الطاف جمال غيبی لاهوتی

آهنگش مردگانند در اين انجمن اندر ره دوست ايمسيحای

زمان هان نفسی گرم برار ع ع مقابله شد

بواسطه جناب طبيب آقاميرزا لطف الله هوالله

جناب آقا ميرزا محمد باقر عليه بهاءالله

هوالله

يامن توجه‌الی ملکوت‌التقديس انی‌اخاطبک من هذاه‌الناحية‌المقدسة‌المبارکه وانت فی تلک

ص ٩٢

العدوة‌القصوی واقول اطلق عنان اللسان بالثناء علی ربک الرحمن و اشکرالله

علی هذا الفضل العظيم بما هداک الی الصراط المستقيم والمنهج ؟ القويم

و استنرد ؟ فيکل ان وحين من فضل مولاک القديم والحمدلله رب العالمين ع ع

مقابله شد

هوالابهی

ش جناب آقامحمد کريم عليه بهاءالابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ١١٣ هوالابهی

ای ناظر بملکوت ابهی حضرت افنان در مکتوب خويش ذکرآنجناب نموده

وخواهش تحرير اين صحيفه کرده که ذکر آنجناب در اين انجمن گردد وبياد آن مشتعل

بنار محبت الله مشغول گرديم اينقدر بدان که در جميع احيان مذکور بوده و هستی

و در آستان مبارک مستدعی نزول الطاف و عنايت در حق آن منجذب

نفحات رياض احديت بوده و هستيم واز فضل عميم و کرم

جليل مستدعی هستيم که چنان سرمست صهبای محبت الله گرديد

که آتش بقلوب اهل امکان زنی وشعله در حقيقت اکوان افکنی و ولوله دراين ارض

و سما اندازی و بحر عالمرا بموج آری واوج ملکوت اعلی گيری و چون بملکوت

ص ٩٣

ابهی شتابی رخ برافروزی و چشم روشن باز کنی ومظهر الطاف بيپايان

گردی ومهبط طبقات انوار شوی واينمقام بثبوت بر عهد وپيمان آلهی

ميسر گردد وبتمسک بعروه وثقای رحمانی حاصل شود ع ع مقابله شد

ش جناب حاجی رجبعلی عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ١١٤ هوالابهی

ای آشفتهء روی دوست در اينجهان بسا عاشقان رخ رنگين

وموی مشکين و لعل نمکين که پرتوی از فيض جمال مبين است ؟ پديدار

و رسوای کوچه وبازار شدند جان فشانيرا راحت جان يافتند

وبيسر وسامانيرا مسرت وجدان ذلترا عزت کبری دانستند

و مصيبت و مشقت را موهبت عظمی توکه خريدار جمال يوسف آلهی هستی

وسودائی و شيدائی معشوق حقيقی آيابايد چگونه پاکباز وجان فشان

وبيباک وقربان و حيران وبيسر وسامان و رسوا و شيدا واسير

و حقير در سبيل جانان باشی ولی کار بسيار مشکل وپا در گل است

مگر آنکه ملکوت ابهی مدد فرمايد والبهاء عليک ع ع مقابله شد

ص ٩٤

هوالله

همشيره جناب آقا علی ضلع حاجی محمد رضا ايضاًامة‌الله طلعت امة‌الله

ضلع اخويشان امة‌الله ضلع حاجی رجبعلی امة‌الله ضلع حاجی حسنعلی امة‌الله ضلع

آقا عبدالوهاب امة‌الله ضلع حاجی غلامحسين عليهن بهاءالله‌الابهی ملاحظه نمايند

هوالله

ای اماء رحمن در هر کوری از مطالع مقدسه چند نساء منجذبه از مرقد عالم

طبيعت مبعوث شدند و در محشر روحانيت عظيمه محشور جام سرشار صهبای

هدايترا از يد ساقی عنايت نوشيدند وتائيدات آلهيه را از مظهر آثار قدرت

ربانيه گرفتند پس با نطقی فصيح وبيانی مليح و شوری يزدانی و شوقی رحمانی

در قطب عالم منتشر گرديدند پس ملاحظه فرمائيد که در عهد مظاهر

شمس حقيقت ؟ چون چنين نسائی مبعوث شدند حال که الحمد لله اين کور کور شمس

حقيقت است واين عهد عهد سلطان احديت که ذرات

موجودات در شور و شوقند وسرور و ذوق پس ورقات سدره

بايد بشئونی و آثاری و اطواری و انجذابی و اشتعالی

وبيانی وتبيانی ؟ و روحی و فتوحی ومتن وشروحی مبعوث گردند که قوت و نفوذ

ص ٩٥

وآثار وانوارايشان بر ورقات ساير؟ دورها فائق آيد و اينمقام عالی و عزت

قديمه بسهولت ؟ميسرنگردد شعله ناربايد که سبب اشتعال شودانوارساطعه شايد که

عالم روشن کند فيض ابر وباران لازم تا چمن و دمن سرسبز وخرم گردد ای اماءالرحمن

بکوشيد تا چون مردان در اين ميدان چوگانی زنيد وگوئی بربائيد قسم

بجمالقدم که جنود ملکوت ابهی چنان تائيد نمايد که در مضمار عرفان صفدر؟

وصف شکن گرديد و قوت تائيد شما را برجال عالم غالب گرداند واين

فيض بثبوت و رسوخ بر عهد وپيمان حاصل گردد ع ع مقابله شد

شيراز جناب ميرزامحمد باقر هشيار عليه بهاءالله

خط مبارک ١١٦ هوالله

ای حبيب روحانی نامه مشکين ملاحظه گرديد يريدون ان يخمدوانار محبة‌الله

بالبهتان العظيم فترذادالتهاباًوتاججاًواشتعالا درقرآن ميفرمايد کلمااوقدوا

ناراًللحرب اطفاهاالله باری شما مطمئن بفضل وموهبت حق باشيد آن

ربک يويد المخلصين باعمال نتيشر بها نفحات الله ولکن الفاسقين

فی خسران مبين عبدالبهاء عباس

ص ٩٦

هوالله

شيراز جناب ميرزا محمد باقر هشيار عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب وامضای مبارک بانگليسی ١١٧

هوالله

ايهوشيار بيدار سروش ياربود که بهوش آمدی وندا بگوش رسيد سمع اصم

البته ندای آلهی نشنود ونطق ابکم بثناء ربانی نپردازدالحمدلله قوه‌سامعه

شديد بود که‌اذن صاغيه کلمهء‌آلهی استماع نمود حمد خداراازسرگردانی نجات يافتی

و بمرکز هدی التجا نمودی البته پی در پی کشف اسرار گردد و واقف باثار شوی

و هتک استار نمائی وغلبه سر آشکار شود محوالموهوم گردد و جمال معلوم

جلوه نمايد اميدم چنانست که يوماً فيوماً ترقی نمائی تا بجوهر مقصود

رسی وغنای حقيقی يابی وبگنج روان پی بری وحجج وبرهان بنمائی و دليل

جليل اقامه کنی سئوال از لوح زبرجدی ولوح محفوظ نموده بودی اين

لوح زبرجدی کتاب عهد است ولوح محفوظ است که محفوظ بود ومکنون بود

ظاهر وآشکار گرديد ودربواطن کتاب عهد لوح زبرجدی مندرج و مندمج است و عليک

البهاء الابهی ٢٠ جمادی الاولی ١٣٣٨ حيفا ؟ ؟ ؟

مقابله شد

ص ٩٧

هوالابهی

ش جناب الشيح ؟ بهائی عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ١١٨ هوالابهی

ايسراج وهاج ايندم بوی جانبخش حدائق ملکوت قدم مشام روحانيانرا چنان مشکين

و عنبرين نموده که بی اختيار قلم بر داشته وبياد آن يار مهربان پرداخته که شايد

ازالفت قلب و روح و خامه ؟ ونامه نفحات انس قديم بساحت دل وجان ياران محض ؟

رب کريم رسد و حقيقت فواد از قيود هجران و حرمان برهد و حجاب مرتفع گردد

و پرده برافتد و گرفتار فراق خويشرا در وثاق بيند و مبتلای هجران خودرا در جنت

رضوان مشاهده نمايد اين مراتب فصل و وصل و بعد وقرب عنصری ابداًحکمی

نداشته بلکه وصلت حقيقت روح چون ميسر گردد حکمش چون روح در عروق

و شريان سريان کند و حجاب بکلی زائل گردد و جمال وصال

مشهود وآشکار شود والبهاء عليک علی کل ثابت بر علی الميثاق

ع ع مقابله شد

هوالله

ص ٩٨

هوالله

ش جناب بهاءالدين ونور المخلصين المنتسب الی من استقر فی اوج العلين

خط مبارک ١١٩

الله ابهی

يا من توجه بکلية الی ملکوت الابهی تالله الحق ان علياًمن‌الملاءالاعلی يناديک

و يخاطبک بصوت جهوری و يقول البشر؟ يا روحی وسبب سروری و مورث

حبوری بما حفظت حقوقی و اسمعت لوصيتی وثبت علی الميثاق و تنورت

باية الاشراق و انتبذت من اهل الشقاق ابعد عدوة فی الافاق و توجهت

الی النور المحمود و استظلت فی الظل الممدود و ثبت ونبت وخطوت وصبوت

الی الجمال المجلل بسحاب الغياب ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش ورقه طيبه موقنه بقية من عرج الرفيق الاعلی امة‌الله صبيه الشيخ عليهما بهاء

الله الابهی

الله ابهی

خط مبارک ١٢٠

ای امة‌البهاء عليک البهاء عليک الثناء يا بقية تلک النفس القدسية المتصاعدة‌الی

الله استبشر لی

ص ٩٩

بموهب ربک وافرحی بفضل مولاک القديم توجهی الی ملکوت ربک الابهی وناجی مولاک

وقولی لک الحمد يا نور السموات والارضين بما خلقتنی من صلب من شرحت صدره

بانوارالتوحيد واعليت درحبة‌فی‌العليين وجعلتنی بضعة منه تدکاراًمنه بين العالمين

و نورت وجهی بين آمائک يا مقصود العارفين آلهی ايدنی وضجيعی علی خدمة‌امرک

والتبتل اليک والتضرع الی باب احديتک و وفقنی علی الضجيج ؟فی محافل آمائک

بنعتک وثنائک ونشر نفحاتک انک انت الکريم الرحمن الرحيم

ع ع

ای امة البهاء تمسک بذيل کبرياء جو و تشبث يعروة وثقی و توکل بر خدا کن و شب

و روزدر ترويج امرالله باش چه که ايام بسر آيد و حيات دنيا نپايد و اعتماد

نشايد عنقريب فانی گردد و چون سراب بقيع شود پس در آنچه علو وسمو در ملکوت

انهبست؟ بکوش تا نجم بازغ گردی و کوکب شارق آيت باهره شوی

ورايت شاهره پرتو نور مبين گردی و جلوه آثار عليين والبهاء عليک

وعلی کل ثابت مستقيم ع ع مقابله شد

بلغی تحيتی الی الامة التی هی من بقية اسراءالله هناک وکذلک الامة الاخری التی

تنتسب الی جناب

ص ١٠٠

احمد علی النيريزی والبهاء عليهما ع ع

نسئل الله ان يهيااسباب تشرفک بالعتبة‌الساميه انه لعلی کل شئی قدير والبهاء

عليک ع ع مقابله شد

شيراز امة‌الله المنجذبه ضلع بهاءالدين صبيه شخص جليل حضرت شيخ علی ميرزا

عليها بهاءالله الابهی

خط کاتب ومهر مبارک ١٢١ هوالله

ايورقه طيبه وامة‌الله المهيمن القيوم پدربزرگوارترا در اين جهان يادگار

گذاشت همواره در خاطری و دراين محضر حاضر مطمئن بفضل وموهبت جمال ابهی باش

ومعتمد بر حرمت و رعايت عبدالبهاء از درگاه احديت طلب مغفرت بجهت

متصاعدين الی الله گشت واز آستان جمال مبارک استدعا مينمايم که بانچه

نهايت ارزوست مويد گردی و حسن خاتمه محقق و مقرر شود وانجال مظهر ؟

رضای حضرت پروردگار گردند و جناب بهاءالدين مقبول درگاه عليين

گردد و عليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش الورقة‌الطيبه‌الزکيه‌انبة ؟من صعدالی الرفيق الابهی عاليه خانم ضلع الشيخ بهائی

خط مبارک ١٢٣

ص ١٠١

عليهما وعليها بهاءالله الابهی هوالابهی البها عليک ايتها الورقه

المهتزة من نسيم رياض الابهی المستبشرة من نفحات غياض الافق الاعلی

الخائضة فی حياض الجنة الماوی لقد ثبت وظهر ظهورالشمس فی رابعة النهار

بانجذابک الی ملکوت الاسرار واشتعالک بالنار الموقدة فی سدرة العزيز

الجبار انک بضعة ذلک البطل الرشيد وفلذة کبد ذلک السری المجيد

ومن عنصر روحه الشديد و ذريته التی يتباهی بها فی ملکوت الابهی وينشرح بها

صدراً في لاهوت البقاء ويخاطبك من الملكوت الابهي بوجه متللئلاًلكوكب ؟

الضحی و ينادی باعلی النداء احسنت احسنت يا بعضتی وقطعة کبدی و نوربصری

بما وفيت بالميثاق واقتبست الانوار المشرقة علی الافاق و ثبتت ماقدک؟

علی الصراط و شربت کاساً دهاقاًفی محفل الاشراق والبهاء عليک

وعلی کل ثابت و ثابته علی امرالله ومتشبشة بالعروة الوثقی ع ع مقابله شد

شيراز امة الله المقربه صبيه من ادرک لقاءربه فی مقعد صدق عند مليک مقتدر شيخ

علی ميرزا ضجيع شيخ بهاءالدين عليها بهاءالله الابهی

هوالله

ص ١٠٢

ای يادگار آنشخص جليل پدر بزرگوار معدن اسرار بود ومهبط انوار در ساحت اقدس

مقرب بود ودرايمان وايقان ممتحن ومجرب نظرعنايت حق ازهر جهت شامل بود وموهبت

کامل حال تو يادگارآن بزرگواری واضحست که چقدر مقربی از صعود ميرزا نصرالله

نهايت حزن موجود ولی تسلی خاطر بانيست که آنطير چون باوج اعلی پرواز نمود باز

اشهب گشت و عقاب اعظم گرديد وآنقطره چون از حيز امکان بگذشت بفضای

لا مکان شتافت بحری بيپايان شد مطمئن باش که غريق بحر غفرانست ودر حق

تو از درگاه آلهی تائيد ربانی طلبم تا در جميع شئون مظهر فيوضات نا متناهيه گردی

وعليک البهاء الابهی ٢٩ ربيع الثانی ١٣٣٨ عبدالبهاء عباس مقابله شد

شيراز جناب احمد ابن بهاءالدين صبيه زادهء من صعد الله شيخ علی ميرزا عليه

بهاءالله الابهی

خط کاتب وامضامبارک ١٢٤ هوالله

ای يادگار آنشخص جليل ورق مسطور ملحوظ و منظور گرديد الحمدلله چراغی

در آنخاکدان روشن گشت و از سلاله آن نفس مبارک موفق بهدايت پيدا شد

جد بزرگوار قلبی پراز انوار داشت و مشامی مشکبار وجانی مستبشر بفيض حضرت

پروردگار در ساحت اقدس مذکور بود و در آستان مبارک مقبول از فم مطهر

ص ١٠٣

بکرات و مرات ذکرآنجان پاک استماع شد حال توباغ آمال اورانهال تازهو‌تر گرد

و گلشن آرزوی اورا گلی لطيف وطری؟ بايد بجان بگوشی تا آن گلشن را روشن کنی

وعليک البهاء الابهی عبدالبهاء عباس مقابله شد

هوالله

ش ورقه سدره مبارکه امة‌الله والده آقا ميرزا هادی عليهما بهاءالله الابهی

خط مبارک ١٢٥ هوالابهی

ای ورقهء مقدسه مبارکه صد هزار ملکه های آفاق آرزوی جارو کشی آستان اوليا

داشتند و فائز نشدند وتو از اوراق سدره مبارکه محسوب و معدودی ملاحظه کن

که بچه فضلی فائزشدی پس شکرانه الطاف حق در تقديس و تنزيه و عرفان وايقان

اماء رحمن بکوش ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش ورقات مطمئنات آماء الرحمن عليهن بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ١٢٦ هوالابهی

ای آماء رحمن و ورقات طيبه موقنه مطمئنه بفضل يزدان هزاران هزار دختران

شهرياران

ص ١٠٤

شهرياران وبنات سروران وبزرگان ترک پرند و پرنيان نموده واز آسايش و راحت

جان و کام دل وآلايش گذشته و از پدر ومادر چشم پوشيده واز هر شادمانی

و خوشی وکامرانی منقطع گشته ولباس رهبانيت دربرکرده راهبه گرديد و شب

و روز را بعبادت و رياضت و خلوت و ضراعت گذرانده که شايد مشاهده

پرتوی از نور حقيقت نمايد و در حسرت اين موهبت جان بداد وبلمعه از انوار

شعله طورفائزنگشت حال شمابشکرانه قيام نمائيد که‌الحمدلله نجوم اين نور مبين

را طالع از افق جبين داريد وظهور اين آثارباهره را حقيقت زاهره داريد

واکليل اين نعمترا برفرق مطالع محبت الله هستيد و مشارق موهبت الله

وانشاءالله ناشرات هدايت الله و شکراين فضل بيمنتها ثبوت و رسوخست

بر ميثاق الله بقسميکه بايد چون جبال راسيات ثابتات باشيد و مقاومت

طوفان اعظم نمائيد و چنان مشتعل و متوقد و منجذب گرديد که جميع نساءرا

منقلب نمائيد در آستان مقدس حضرت دوست آماءالرحمن بذکر شما مشغول

وما بدعای تائيد مالوف والبهاء عليکن يا اماآالله ع ع مقابله شد

ظهر پاکت ٩

ص ١٠٥

اين چند کلمه خط مبارک است

شيرازآماءرحمن عليهن بهاءالله الابهی بواسطه ورقه مبارکه امة الله والده‌آقاميرزا

هادی افنان بواسطه آقاميرزا هادی

شيراز آماء رحمن امة‌الله والده مرحوم اسکندر خان ضلع جناب افنان مرحوم آقا ميرزا

آقا با صبيه شان طوبی خانم امة الله ضلع جناب شيخ بهائی صبيه شان منيرهخ‌انم عيال

آقا ميرزابزرگ با صبيه شان روح انگيز خانم عيال جناب ميرزا محمد صادق خباز

با صبيه شان ميرزا بيکم سه همشيره زاده های مرحوم حاجی ملا کاظم نصر آبادی

خانم بهتری خانم شريعت طناز خانم عيال جناب عندليب با صبيه شان

نورا خانم و عيال برادرش بهيه خانم صبايای جناب ميرزا نصرالله

عليه و عاليه خاله جناب ملا احمد علی والده رحمت همشيره زاده والده

رحمت عيال حاجی حسينعلی صبيه حاجی محمد رضا خياط جماليه خانم فاطمه

خانم مريم سلطان سلطنت طلعت عيال حاجی حسنعلی ميرزابيگم

منيره عيال جناب عبدالوهاب صبيه آقا محمد حسن خياط حيا صبيه

آقا محمد جواد عليا صبيه مشهدی ابوالقاسم طلعت خانم حاجی بيگم خياط

مادر رحمت ورقه مبارکه امة الله والد آقا ميرزا هادی افنان

هوالله

ص ١٠٦

هوالله

يااماءرحمن ازقرار مسموع محفلی آراستيد و بخدمت استان مقدس بر خواستيد طوبی

ثم طوبی که در عصر رب بذکر حق پرداختيد ودر اين ميدان بجان و دل شتافتيد

تا بمنزل مقصود رسيديد و بسر وجود پی برديد و جمال موعود يافتيد و حقيقت شهود

ادراک نموديد پرتو انوار شمس حقيقت فائض والطاف جمال مبارک

شامل حال مومنات و موقنات در هر دمی موهبتی جلوه نمايد آماء رحمن بايد

فرصت اين ايام را غنيمت شمرند و هريک جهدی نمايد تا بدرگاه رب اله

تقرب جويد و استفاضه فيض از مبداء وجود کند حالتی پيدا کند

وبقوتی مويد گردد که هر شخص ذليل را بمجرد القاء کلمه نفس عزيز کند و محرومرا

محرم لاهوت نمايد ومايوسرا اميدوار نمايد وبی نصيب را از موهبت کبری

بهره و نصيب دهد و جاهل نابينا را دانا و بينا کند و غافل کاهل را بيدار

و هوشيار نمايد اينست صفت آماء رحمن اينست شيم کنيزان

درگاه کبريا ای ورقات موقنات در صفحات اروپا وامريکا آماء رحمن گوی

سبقت وپيشی را از ميدان رجال ربوده اند و در تبليغ و نشر نفحات الله

ص ١٠٧

يد بيضا نموده اند عنقريب طيور ملاءاعلی در اطراف واکناف دنيا بپرواز آيند

و هر نفسی را هدايت کنند و محرم راز گردانند شماها که ورقات مبارکه

شرقيد بايد بيش از آنان شعله زنيد و بنشر نفحات الله پردازيد و ترتيل

آيات الله کنيد پس تا توانيد بنصايح و وصايای جمال مبارک قيام نمائيد

تا جميع آرزوها ميسر گردد وآن جويبار و چمن گلشن احديت شود

و عليکم و عليکن البهاء الابهی ع ع مقابله شد

هوالله

خط حضرت ولی امرالله ومهر مبارک (شوقی) مخاطب معلوم نيست

ايدوستان جمال ابهی اگر بدانيد که اينخطاب چه قدر عظيمست ومخاطبها

چه قدر عزيز البته از کمال سرور وحبور مانند طيور پر بگشائيد ودر اين اوج

موهبت کبری پرواز نمائيد زيرا اينخطاب عنوان ملاءاعلی است واين عنوان

موهبت ملکوت ابهی چه قدربايد احبااز اينخطاب مسرور و مشعوف

و پر انجذاب گردند عنقريب پرتو حقيقت بر جهان بتابد و روشنائی

کونين گردد فسوف تری المخلصين فی فرح عظيم حيف صد حيف که بيهوشان

از بشارات اين سروش بيخبرند و بيوفايان از اين موهبت بی نصيب و ثمر

اين

ص ١٠٨

اين تاج وهاجرا بجوی فروختند واين اکليل جليلرا بنار غفلت سوختند

ياحسرةً‌عليهم بما بدلوا نعمته الله علی انفسهم و کانوا قوام ؟ سوء اخسرين

و عليکم التحية والثناء ع ع مقابله شد

بواسطه شوقی افندی شيراز ورقه مبارکه سدره رحمانيه زيور سلطان عليها

بهاء الله الابهی

هوالله

خط حضرت ولی امرالله وامضاء مبارک ١٢٩

ای ورقه سدره منتهی مدتی بود که راه مقطوع بود وابواب مسدود لهذا

نگارشی نشد ولی قلب و روح بذکر شما مشغول واز الطاف بيپايان حضرت

مقصود رجاء ميگشت که در صون حضرت احديت مصون و درسايه الطاف محفوظ

باشيد امة الله ضيادراين ايام زفاف بحضرت محمود شد الحمدلله بتمام سرور

اقتران وسور حصول يافت بسيار بموقع واقع شد واين از حسن نيت آنورقه مبارکه

گشت از الطاف آلهی اميدوارم که در نهايت ائتلاف با يکديگر زندگانی نمايند

بحضرت فرع سدره منتهی جناب آقا سيد حسين از قبل من تحيت محترمانه

برسانيد وهمچنين سايرياران وآماء رحمن را وعليک البهاءالابهی (عبدالبهاء عباس)

مقابله شد

ص ١٠٩

شيراز امة‌الله زيورسلطان عليها بهاءالله الابهی

هوالله

ياامة الله من الدوحة المبارکه اگرچه سالهای چند است پيک وپيامی ازبقعه مبارکه

بان اقليم رحمانی نرسيده ولکن هميشه تبتل وتضرع بعتبه مقدسه مينموديم وتائيد و

توفيق ميطلبيديم تا احباءالله وآماءرحمن در صون حمايت حق از سهام شبهات

محفوظ ومصون مانند و ثابت و مستقيم بر دين الله الحمد لله فضل شامل شد

و قوة ملکوت ابهی معجزه کبری نمود که جميع طوائف و امم در نائره حرب سوخته

و بنيانهای عظيم بر افتاد ولکن اينحزب مظلوم در جميع آفاق در صون حمايت

رب الميثاق در نهايت روح وريحان باقی و بر قرار جميع آماء رحمن را

تحيت ابدع ابهی ابلاغ داريد حضرت افنان سدره مبارکه جناب

آقاسيد حسين را احترامات فائقه ابلاغ

نمائيد و عليک البهاء الابهی

عبدالبهاء عباس ٣ اذار

١٩١٩ مقابله شد

شيراز

ص ١١٠

شيراز بواسطه جناب تيرانداز جناب آقا محمد صادق جهرمی عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب ومهر مبارک ١٣١ هوالله

ای بنده صادق حق جناب تيرانداز نامه شمارا پرواز داد تا بدست اين عبد

پرعجزونيازرسيد مضمون مشحون ببيان ايمان وايقان بود وبرهان ثبوت واستقامت

بر امر حضرت رحمن طوبی لک ثم طوبی و يا فوزاًلک من هذه البشارة الکبری

طلب غفران از برای پدر مهربان گرديد يقين بدان که از فضل جمال مبارک

مرحوم و مغفور خواهد بود زيرا پور غيور در نهايت تضرع وابتهال است

و بجناب استاد رضا تحيت ابدع ابهی برسان و جناب درويش

ابن شهيد ابلاغ دار يوم بعثت حضرت اعلی و يوم

هفتادم نوروز و روز بيست وهشتم شعبان و يوم اول محرم

ويوم ثانی محرم و يوم نوروز وسه روز رضوان اشتغال

بامور حرام است وعليک البهاءالابهی

ع ع مقابله شد

ص ١١١

بواسطه جناب قابل جناب رضاقليخان عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب ومهر مبارک ١٣٢ هوالله

ای مهتدی بنور هدی هرچند مرا مجال مفقود با وجود اين بذکر تومشغول شدم

تا وجد و سروری يابی و بشکرانه الطاف حضرت بيچون پردازی که بدرقه

عنايت رسيد و نور هدايت درخشيد و در شبستان دل و جان

سراج موهبت رحمن روشن گرديد از الطاف حضرت احديت اميدم

چنين است که روز بروز آن نهال تازه نشان حديقه هدی برشحات

ابرالطاف نشو ونما نمايد و بشکوفه وثمر رسد وعليک البهاء والابهی

ع ع

مقابله شد

هوالابهی ط ابن من صعدالی الله جناب آقا حسينعلی عليه بهاءالله‌الابهی ملاحظه

نمايند

خط مبارک ١٣٣ هوالابهی

ای مشتعل بنار موقده و سدره ربانيه جناب ابوی چند سال بود که در جوار جمال قدم

پناه يافته و در ظل سدرهء منتهی آراميده واز کاس قرب سرمست و مخمور شده وبفيض

اعظم

ص ١١٢

اعظم مخصوص گشته مدتی مديده دراکثر اوقات از موائد قربتيه ؟آلهيه محفوظ بود

و از شراب وصل مخمور وباحسن اخلاق و اطوار واحوال و اعمال در بين احباء

الرحمن محشور ومشهور جوهر سکون بود وساذج محبت جمال قيوم از نفحهء قدس

عرفان دماغی عطرناک داشت واز عشق جمال ذوالجلال گريبانی چاک در شب

وروز بذکر حق مشغول بود وبنسائم روح مانوس و مشعوف چشمی روشن داشت

و جانی چون گلزار و چمن تا آنکه مصيبت کبری و رزيه عظمی رخداد جميع کمرها

شکست و عظمها رميم شد ديده ها نابينا شد و لسانها گنگ ولال گرديد

جگر ها خون شد ودلها پاره پاره ومحزون آن متذکر بذکرالله چنان از حرمان

وهجران بر آشفت که در اکثر اوقات حيران وسرگردان بود عاقبت حرقت

فراق چنان شعله برافروخت که تب دائمی و حمای مطبقه ءمستمری عارض شد

در مدت بيماری در جميع اوقات بذکر آلهی مشغول بود و در شدت حرقت و

حرارت تب بياد حق سيراب و پرمسرت بود در نهايت زيادتی مرض و علت

در بستر صحت و راحت آرميده بود وهر نفسی بعيادت ميرفت آثار منتهای

مسرت در بشره و طلعتش مشاهده مينمود تاآنکه خندان ومژده خوان

ص ١١٣

با کمال بشاشت وبشارت بافق اعلی و ملکوت ابهی شتافت طوبی له و حسن

ماب بشری له ونعم الثواب عزاً وشرفاً و فخراً وسروراًله من هذالاياب

والبهاء عليک يا تذکار ذلک آنجناب عبدالبهاء ع

مقابله شد

بواسطه بشيرآلهی

جناب آقاحسينعلی سليل مرحوم آقامحمد جواد مهاجر اصفهانی وامة‌الله حرم محترمه

عليهما بهاءالله الابهی

خط کاتب ومهر مبارک ١٣٤ هوالله

ای سمی محبوب آفاق وای امة‌الله المقربه نامه شما مضمون بديعی داشت وسبب سرور

جديدی گشت که الحمدلله در امر آلهی ثابت و مستقيميد و در عبوديت آستان جمال ؟

مستديم ودر ظل عنايت مستريح از عدم فرصت مختصر محرر ميگردد سليل ثانی خويشرا

نام جد بزرگوار بنهيد و صبيه را خديجه ناميست مبارک وعليکما البهاء الابهی

ع ع مقابله شد

بواسطه جناب ميرزا طراز وآقا ميرزا علی اکبر

جناب محمد حسن خان عليه بهاءالله الابهی

ص ١١٤

خط کاتب ومهر مبارک ١٣٥ هوالله

ای ثابت بر پيمان الحمدلله نطقی فصيح داری و بيانی بليغ قلبی طيب وطاهر خواهی

وجانی مستبشر بملکوت باهرتوجه بجمال ابهی جوئی و تشبث بذيل کبريا طلبی يقين بدان

که چنين نفوس موفق و مويدند باری توجه بملکوت ابهی کن و نصرت و فتوح

از حضرت کبريا طلب تا ابواب گشوده يابی ودر کهف حفظ وحمايت آلهی آسوده

گردی حضرت منصور را مسرور کن وبشارت فضل موفور ده که رب غفور

مويد حضرت منصور است و عليک البهاء الابهی ع ع

مقابله شد

بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا سيد ميرزا عليه بهاءالله

جناب محمد حسن خان عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب ومهر مبارک ١٣٦ هوالله

ای يار حقيقی عبدالبهاء رامضمون نامه مسرور نمود زيرا دلالت بر شعله نور هدايت

مينمود که در زجاج دل و جان افروخته و نفحهء رياض معانيش بمشام رسيد الحمدلله

آن قلب مشکاة محبت آلهيست پس از هجوم بيگانه وخويش مينديش بلکه صبر وتحمل پيش

گيرالعاقبة للمتقين خويشان بيگانه عنقريب آشنا شوند وپشيمان گردند وبايمان و

ايقان آن

ص ١١٥

سرمست صهبای محبت الله افتخار کنند ومباهی شوند تفکر در حال پيشينيان نما

حقيقت جلوه نمايد وعاقبت آشکار گردد اولاد واحفاد از آباء واجداد گنه کار

بيزار شدند و از نسبت آنان ننگ وعار داشتند عنقريب خواهيد مشاهده نمود

که عزت ابديه در دنيا وآخرت بعبوديت آستان مقدس است وعليک التحية والثناء

ع ع

مقابله شد

بواسطه آقا ميرزاعزيزالله خان زائر

جناب منصورالسلطنه وجناب محمد حسن خان وامة‌الله المنجذبه والده ايشان عليهما

وعليها البهاء الابهی

خط کاتب ومهر مبارک ١٣٧ هوالله

ای مظاهر تائيدآلهی امروز قرن عظيم جمال مبين است وروزتائيد و توفيق حضرت

رب العالمين مقربين درگاه آلهی همواره آرزوی چنين روز مينمودند و نفوس مقدسه

درايام قديم تمنای ساعتی از اين عصر رحمان ورحيم ميفرمودند حال الحمدلله که

آن دوسالارآزادگان دراين ايام بالطاف حضرت يزدان مويد پس بايد از مشرق عرفان

چون مه تابان بدرخشند وسبب تربيت نفوس وبزرگواری نوع انسان گردند

جهان از نادانان مانند شب تارتاريک است بايد مردان ميدان چنان پرتوی

برافروزند

ص ١١٦

بر افروزند که اين ظلمت ضلالت مبدل بنور هدايت گردد و نفوسيکه مانند

بهائمند بتربيت آلهی چنان پرورش يابند که مدارافتخارومباهات قبائل عالم گردند

اخلاقی بجويند که جهان از نفحه اش معطر گردد و رازی بگويند که جان ودل زنده شود

وراهی بپويند که بسر منزل مقصود رساند و عليکم البهاء الابهی ع ع

مقابله شد

ش ورقه مبارکه والده جناب افنان حضرت حاجی ميرزا علی عليهما بهاءالله الابهی

ملاحظه نمائيد

خط مبارک ١٣٨ هوالله

ای ورقه مبارکه‌اگر چه آن کوکب نورانی ازافق امکان افول نمود ولی ازمطلع لامکان

طلوع فرمود آن بلبل گلشن آلهی در حدائق رحمانی آغاز نغمه نمود و آنشاخ

مبارک بسدره آلهيه متصل گشت وآن جوی دلجو بدريای حقيقت ملحق شد

آن ماهی لب تشنه بدريای وصال پی برد وآن طوطی شکر شکن بشهد وقند

مکرر رسيد آن عاشق دل سوخته بمعشوق رخ افروخته واصل شد و آن حبيب

نجيب بمحبوب دلفريب نصيب لقا يافت پس محزون مباش ومغموم مباش

وافسرده وپژمرده مگرد از خدا بخواه که تاسی باخلاق او نمائی ودر عهد

وميثاق چون او ثابت گردی ع ع

مقابله شد

حضرت افنان شجره مبارکه جناب حاجی ميرزا علی را تکبيرابدع ابهی ابلاغ فرمائيد

ص ١١٧

ازعنايات خاصه جمال مبارک سائليم که در جميع شئون موفق باشند

مقابله شد

هوالله

ش ورقه مبارکه والده جناب آقا ميرزاعلی افنان عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ١٣٩ هوالابهی

ای ورقه طيبه روحانيه تا توانی بکمال قوت بسدره آلهيه تمسک جو تا نسبت قدميه

و تعلق ابدی و تحقق سرمدی حاصل گردد دست بدامان ميثاق زن واز رب

الاشراق طلب تاييد نما تا از تزلزل واضطراب محفوظ مانی ع ع

مقابله شد

بواسطه جناب آقا سيد مهدی امة‌الله رخشنده عليها بهاءالله الابهی

خط کاتب وامضاءمبارک ١٤٠

هوالله

ای رخشنده بنور محبت الله تابنده باش و در گلشن معرفت الله سازنده و خواننده

شوتا حلقهء‌آماءرحمن را زيبنده گردی و بحيات ابديه پاينده شوی و عليک

البهاء الابهی عبدالبهاء عباس

مقابله شد

بواسطه جناب عندليب عليه بهاءالله الابهی

هوالله ش جناب اميرآقا خان عليه بهاء الله الابهی

ص ١١٨

خط مبارک ١٤١

هوالابهی ای اميراقليم اثير زيرا بندگان آستان حضرت يزدان امروز هريک جهانگيرند

وامير فلک اثير فجرمنيرند ونور بسيط وبحر محيط سلطنت جهان جان دارند

و کام دل رانند سريرشان عرش برين واکليلشان پرتو تائيد ملکوت رب

جليل سراجشان وهاج و تاجشان درخشان چون مه تابان پس ای

امير جهانگيرشو يعنی بقوه جنود حقايق و معانی هجوم برسپاه جهل نما وقلاع و حصون

قلوب را مسخر نما و سلطنت ملکوتی تاسيس کن که حکمش نافذ است و فيضش دائم

و غمامش فائض و عرقش نابض و سيفش شاهر و کوکبش باهر و حکومتش

قاهرفيا بشری لک من هذاالفضل العظيم ع ع مقابله شد

شيراز بواسطه محمد رضاميرزا رئيس پست جناب آقاخان عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب وامضامبارک ١٤٢ هوالله

ای بنده درگاه آلهی نامه سابق ولاحق هردو رسيد ولی کثرت غوامل مانع از سرعت

جواب شد دقيقهء ارام ندارم از کثرت قرائت وکتابت جسم وچشم بينهايت زحمت ميکشد

لهذا معذور داريد حال مختصراً جواب مرقوم ميشود که مطمئن باش که نهايت حب وتعلق

بشمادارم وازالطاف آلهی طلب تاييد وتوفيق مينمايم بعدازصعود جناب عندليب مناجاتی

ص ١١٩

مرقوم گرديد وارسال شد البته رسيده در فکر آنم که مبلغی بان صفحات ارسال

دارم مطمئن باش مطمئن باش وعليک البهاء الابهی ٤ رجب ١٣٣٨ حيفا عبدالبهاءعباس

مقابله شد

شيراز بواسطه شاهزاده‌محمدرضاميرزاعليه بهاءالله‌الابهی

جناب منصور آقاخان عليه بهاءالله‌الابهی

خط کاتب وامضامبارک ١٤٣ هوالله

ای بنده حق نامه شما رسيد وملاحظه گرديد الحمد لله درفکر وذکر حقيد وآرزوی

اعلای کلمة‌الله وانتشارنفحات الله مينمائيداميدم چنان‌است که بتمام قوامويد

گرديداليوم احبای‌آلهی بايد بگفتارپرحلاوت ورفتاردرنهايت تنزيه وتقديس ورافت

بهدايت کبری پردازندلسان بليغ بگشايند وروش بديع بنمايند تبليغ باعمال اعظم‌از

تبليغ به اقوال است زيرا اين سبب انتباه است وآن سبب انجذاب البته انجذاب فوق

انتباه‌است اعمال و رفتار واطوارحقيقت است وگفتارمجازاگراين مجاز مطابق حقيقت

باشد نارمحبت الله شعله زند وآن نفس مويد گردد ومانندنجم‌ازافق حقيقت درخشنده

شود اميدوارم که جميع ياران باين موهبت مويد گردند دراين اثناحضوربه اين کشور

نورانی صعب وپرزحمت و مشقت واز مسافرين که مراجعت مينمايند مطلع خواهيد شد

ص ١٢٠

بعداز رفع اين صعوبات جائز ازالطاف رحمانی استدعامينمايم که حسن خاتمه

عنايت شود و عليک البهاء الابهی ١٣صفر ١٣٣٨ حيفا مقابله شد

امة‌الله مقبله همشيره وامة‌الله ورقه منجذبه قرينه از قبل عبدالبهاء نهايت

مهربانی ابلاغدارالحمد لله‌مومنند وموقن ومشتعلند ومنجذب ودرمحافل نساءناطقند

ومبتهل و عليهما بهاءالله الابهی عبدالبهاء عباس مقابله شد

طهران جناب ميرزا حاجی آقا عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب وامضاءمبارک ١٤٤ هوالله

ای بنده آلهی نامه شمارسيد واز قرائتش اطلاع برمضمون حاصل گرديد

محافل بسيار مقبول ولی بايد جميع مجالس ومحافل تبليغ باشداين تاييددارداين

سبب اعلاء کلمة الله است واين سبب عزت امرالله محفلی که تو آراسته ئی

چون محفل ذکر آلهيست وتلاوت آيات و مناجات واميد است که نفوس

تبليغ گردند لهذااين محفل محفل سرور وحبوراست بجناب آقاميرزا نبی خان و جناب

آقاميرزاعلی خان تحيت ابدع ابهی برسان نامه‌ايشان نرسيد ولی من جواب مختصر در

همين نامه مينگارم زيرا عليلم ابداًدانايان تجويزتحريرکلمهء‌نمينمايند زيرا

اين سفر

ص ١٢١

بی پايان بنيان بدنرا متزلزل نموده الان بقوه تائيد ملکوت ابهی تحرير ميشود نه

بقوه عالم امکان بامة الله حديقه خانم تحيت ابدع ابهی برسان وعليک البهاءالابهی

عبدالبهاء عباس مقابله شد

هوالله

حضرت ميرزانبی خان وجناب آقاميرزا علی خان ای دويار مهربان جميع بنده آن درگاهيم

لهذا پيوسته ايم دل بسته ايم لهذا ارتباط از جميع جهات محکم گوشی باهنگ دل

وجان دهيد مسرور گرديد وقور گرديد موهبت موفور يابيد عبدالبهاء عباس مقابله شد

٢٧ربيع ١بواسطه‌آقاميرزا علی‌اکبرميلانی جناب آقاميرزا عليخان عليه بهاءالله‌الابهی

خط کاتب امضاءمبارک ١٤٥ هوالله

ايدوست حقيقی عبدالبهاء بهمت و خدمت و حسن سلوک و استقامت و حسن سياست

ثابت و محقق فرمودی که دوست حقيقی عبدالبهائی و در عبوديت آستان مقدس سهيم

و شريک و در نهايت ثبوت ورسوخ جاه ومنصب را محض خدمت باستان

احديت خواهی و عزت و رياست را بجهت قيام به عبوديت و حفظ و صيانت

خلق جوئی شخص خير خواه بهائی بايد چنين باشد و مقبلان درگاه ربانی را روش

وسلوک

ص ١٢٢

وسلوک موافقت بنور مبين لازمست الحمدلله تو بان مويد و موفقی لهذا اميد

چنانست که در ملکوت ابهی روشن نمائی ودر جنت ابهی گلشن شوی

وشاهدانجمن گردی وسبب راحت وآسايش دولت و ملت شوی وعليک البهاءالابهی ع ع

مقابله شد

طهران جناب ميرزا حاجی آقا عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب امضاءمبارک ١٤٦ هوالله

ای يار قديم نامهء‌که بجناب آقا سيد اسدالله مرقوم نموده بوديد ملاحظه گرديد

تفاصيل معلوم بوده و هست اميد چنانست که از شخص محترم معاونت در حق ميرزا

احمد عليخان مظلوم حاصل گردد جميع اين فسادها از صدرالبلهاء بوده او ريشه

فساد وفتنه بود که شب و روز آرام نداشت و ميکوشيد تا هرياررا بی ياور نمايد

وهر مانوسرا مايوس کند باری شما اميد وار باشيد ايام سختی ايشان البته

منتهی گردد وعليک البهاء الابهی عبدالبهاء عباس

مقابله شد

بواسطه حضرت حيدرقبل علی مناجات طلب مغفرت بجهة ورقه متصاعده حرم جناب

ميرزاحاجی آقا عليه وعليها البهاءالابهی

هوالله

ص ١٢٣

هوالله

خط کاتب امضاءمبارک ١٤٧

رب لک الحمد بمااشرق نيرالاحسان من افق الالعفو؟ والغفران واضاءوازال ظلام

الذنوب والعصيان و تموج بحور عنايتک علی العباد والاماء وهاج نسيم

الطافک علی اهل البهاء رب ان امتک الصادقة قد ترکت الثياب

الرثيث وتقمصت بقميص الصعود الی ملکوتک العظيم رب اخلع عنها ثوب الخطاء

والبسها رداءالفضل والعطاء واجعل لها مقعد صدق عليا رب آنها آمنت بک وباياتک

وتمکنت من دلائلک وبيناتک وسلکت فی سبيل هدايتک و وفدت علی باب

عنايتک فاغرقها فی بحور عفوک و غفرانک وظلل عليها شجرة رحمانيتک و جرعها

من اقداح موهبتک و نور وجهها بنور فضلک حتی يتهلل وجهها فی بحبوحة

الجنان ويتهلل لسانها بالثناء عليک فی جنة الرضوان انک انت الکريم انک

انت الرحمن الرحيم عبدالبهاء عباس

مقابله شد

طهران بواسطه جناب ميرزاحاجی آقا عليه بهاءالله الابهی امة‌الله حرم ميرزانبی خان

امة‌الله حرم حاجی سليمان کليمی مرحوم امة‌الله عطيه خانم امة الله حرم احمدعليخان

امة‌الله روحيه خانم امة‌الله قدسيه خانم عليهن بهاءالله الابهی

ص ١٢٤

خط کاتب وامضاءمبارک ١٤٨ هوالله

ايورقات منجذبات جناب ميرزاحاجی آقا خواهش نگارش نامه نمود که اين ورقات

مومنات انجمن آماءرحمن رازينتند وشمعهای افروخته بنارمحبت لهذاسزاوار خطابند

وشايسته صدور کتاب باری من چون اسمای آن آماء رحمن را متتابع خواندم شکست

خوردم فوراًبتحريراين نامه پرداختم تامقصود دل وجان آنان حصول يابد وسبب سرور

گردد ولی ازصعودامة‌الله سلطنت محزونم و طلب عفوو غفران مينمايم که ای مهربان

پروردگار اين ورقه منجذبه را در ملکوت خويش بزرگوار نما ودر دريای غفران غرق

فرما ودر زمره کنيزان نامدار محشور کن واز سلطنت ابديه نصيب بخش زيرادرايام

حيات بخدمات مالوف بود و بزحمات مشغول فی الحقيقه حق خدمت عظيمه دارد

پس مورد عنايت جليله فرما توئی بخشنده و آمرزنده ومهربان وعليکن

البهاء الابهی عبدالبهاء عباس

مقابله شد

بواسطه جناب بينش

شيراز جناب استاد غلامرضای ارسنجانی عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ص ١٢٥

هوالله

خط کاتب امضاءمبارک ١٤٩

ای مومن ممتحن الحمد لله آهنگ ملاء اعلی بگوش هوش رسيد بيدار شدی شنوا گرديدی

بينا شدی ازاين مصائب وبلايا که در سبيل جمال ابهی گرفتار شدی دليل بر تقرب

درگاه کبرياست چناچه شاعر ماهر گفته است هرکه در اين بزم مقرب تراست

جام بلابيشترش ميدهند شکرکن خدا را که زهر را مانند شهد نوشيدی طوبی لک

من هذا الفضل العظيم هر وقت ممکن شد که برفاهيت و راحت عزم کعبهء

مقصود نمائی ماذونی وعليک البهاء الابهی عبدالبهاء عباس

مقابله شد

هوالابهی

جناب آقا غلامرضای ارسنجانی عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ١٥٠ هوالله

يارب السموات العلی ان عبدک المتبلی فی سبيلک غلامرضايطلب الرضافی الصباح

والمساء ولا يفترفی ذکرالاحباء عشياًواشراقاًرب ثبت قدميه علی امرک واستقمه

علی حبک و اجعل له مقعد صدق عليا و عليه البهاءالابهی عبدالبهاء عباس

مقابله شد

بواسطه جناب زائر غلامرضای ارسنجانی جناب افنان حضرت عندليب آقاميرزا

ص ١٢٦

فضل الله خان ميرزا مصطفی خان فضلعلی خان شمس آبادی محسن خان شهرياروفادار

جناب بينش آقا محمد حسن بلور فروش آقا سيد محمد صادق آقاقا؟ علی آقا ميرزا

محمد رضا آقا محمد جناب ميرزا ابوالقاسم ساعت ساز جناب ميرزا ابوالحسن نيريزی

جناب نورالله سعدی جناب آقا ميرزارحيم جناب ميرزا محمود عطار استاد

علی کلاه مال جناب محمد رضا خان بواناتی جناب ميرزا عباس بواناتی

احبای فاروق وشمس آباد و مرودشت وسروستان وشيراز عليهم

بهاءالله الابهی

خط کاتب امضاء مبارک ١٥١

هوالله

ياران مهربانا جناب آقا غلامرضا وارد وبر علومنزلت وسمومنقبت دوستان شاهد

واستدعای نگارش‌اين نقيمه مينمايد گفتم‌ازقلم ميثاق خطاب به‌آن اهل وفاق مکرر صادر

ولی اوغير قانع که من در سبيل آلهی چوب زياد ميل فرموده‌ام و مورد توهين و تحقير

گشته ام وبلای شديد ديده ام لهذا اين نامه درمان درد من است وشير وشهد

من است و شعف و سرور من است و مرهم جرح موفور من من نيز بکمال

فرح وشادمانی بتحريراين نامه پرداختم که الحمدالله احبای فارس فارس ميدانند

ص ١٢٧

وپر روح و ريحان در امر جمال قديم ثابت و مستقيمند و در وجد وطرب مقيم

و مستديم اعلاءکلمه تفريد خواهند نشر آيات توحيد جويند لهذا احساس اهتزاز

جديد از شيراز ميشود واميد آنست که از آن کشور مبارک شهناز کلمة‌الله بافاق

رسد زيرا منبت شجره مبارکه است ای ياران مهربان جميع بساطهای وسيع عنقريب

منطوی گردد وانبساط شديد بماتم واندوه تبديل شود مگر بساط آلهی وانبساط رحمانی

لهذا هر چيز موقت ابداًاهميت ندارد ولودر نهايت جمال جلوه نمايد بلکه فيض ابدی

وفوز سرمدی اهميت دارد پس بکوشيد تا آفرينش را آرايش گرديد وجهان را سبب

آسايش اينست موهبت کبری اينست رحمت عظمی اينست الطاف بيمنتها

رب ان هولاءالاحباء من اخص الاصفيا واحب النقباءالنجباء قد اقبلوا الی الافق

الابهی و قاموا علی الحمد والثناء بقوة تحيرت منه اولی النهی باسطين اکف

الضراعة والابتهال متذللين ومنکسرين الی العتبة العلياء ومتوقدين بنار محبتک

بين الوری رب اجعلهم آياتک الکبری وراياتک الشاهرة فی الذروة‌العلياء

وجنوداًمجندة لحصن الميثاق وجيشاً عرمرماًلمعقل العهد والوفاءيرمون اهل النفاق

بسهام الاستقامة الکبری الکبری ويردون اهل الشقاق بسياط الثبوت

والرسوخ

ص ١٢٨

والرسوخ علی الملاءانک انت المقتدرالمويدالموفق العزيزالکريم ١٠ ربع الاول

١٣٣٨ حيفا عبدالبهاء عباس

مقابله شد

هوالله

ص جناب هاشم لنجاني صهرمرحوم متصاعدبملكوت ابهي آقاشيخ سلمان عليه بهاءالله‌ابهي

خط مبارک ١٥٢ هوالله

ای شاعر فصيح وبليغ قصيده ملاحظه گرديد فی الحقيقه اگر خواهی مذاق عبدالبهاء

شيرين گردد وروحش فرح خلد برين يابد قصيدهء‌انشانما ومنظومه بنظم آورکه سراپا

عبوديت ومحويت وتذلل وانکسار ونابودی ونيستی وخاکساری وفنای عبدالبهاء باستان

بهاباشد والاقسم بجمال قدم روحی لتراب اقدام‌احبائه الفداهيچ مدح وثنائی درکامم

شيرين نيست ومخالف عقائد دينيه اين عبد است بلکه محزون ميشوم باری بزودی غزلی

باين مضمون انشانما وبفرست تا جانم شادمان گردد و روحم باهتزاز آيد

ع ع

هوالابهی

جناب ميرزا هاشم عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمائيد

هوالابهی

ص ١٢٩

خط مبارک ١٥٣

ای متوجه بمنظراکبرآنچه مرقوم نموده‌بودی قرائت شد درانجمن ياران آلهی ذکرت مذکور

واحوال واشتعالت مشهود گشت ازلطف عظيم محبوب کريم منتظريم که باشراق انوار

شمس عنايت رويت روشن گردد ودل و جانت چون گلزار و چمن شود درظل کلمهء

جامهء‌توحيد که از آثار قدرت ربانيه است بهر مرادی واصل شوی و در تمسک

بشريعة‌الله القاهره بهر مقصدی نائل گردی عون آلهی مويد احبای رحمانيست

وفيض غير متناهی ناصر ياران حقيقی والبهاء عليک ع ع

هوالله

جناب ميرزاهاشم لنجانی عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ١٥٤ هوالابهی

ای بنده آلهی جناب شيخ رحمانی باکمال ناتوانی مسافات بعيده را قطع

نموده و زحمات و مشقات سفر را تحمل کرده تا آنکه بشاطی ساحل ارض مقدسه

وارد گشت وبتراب آستان روضه مقدسه بقعهء‌مبارکه مشامرا معطر نمود

و چون اين عبد بر عبوديت درگاه‌احديت قيام کرد حال متوکلاًعلی الله مراجعت

مينمايد قدراين پيرمردرابدانيد وچون پروانه دوراوبگرديدفی‌الحقيقه زحمت کشيده‌است

قصيده

ص ١٣٠

قصيده‌مرسوله ملاحظه گرديد بليغ وفصيح بودولی اگرکام مراشيرين خواهی ومذاقم را

شکرين قصيدهءدر عبوديت اينعبد وفقر و فنای بحت اين رقيق باستان

مقدس انشاءکن تا روح مهتز گردد وجانم روح وريحان يابد ديده روشن گردد

وصحن خاطر گلشن نسيم جانبخش بوزد ونفخه روح پرور منتشر شود قسم بان

روی و خوی جمال قدم که هيچ وصفی جز عبدالبها نخواهم وهيچ نعتی جز رقيق البهاه

نجويم خاک آستانم وادنی پاسبان باين ؟؟ ومتباهيم ومشتهر ومتناهی پس ايدوست

زبان بعبوديت محض اين عبد در درگاه جمال ابهی يک قصيده بساز وباهنگ

چنگ و دف ملکوت ابهی بنواز ع ع مقابله شد

بواسطه جناب آقاميرزا عنايت الله عليه بهاءالله الابهی اصفهان جناب ميرزاهاشم

صهر پيک رحمانی آقاشيخ سلمان عليه بهاءالله‌الابهی

خط کاتب امضاءمبارک هوالله

ای بنده حق نامه شما رسيد واز صعود حضرت اخوان صفا نهايت تاثر

حاصل گرديد زيراآن روح مجرد ايام خويشرا وقف نشر نفحات الله نمود

دمی آرام نگرفت نفسی راحت نيافت خدمات فائقه از او صدور يافت

لهذا ذکری مفصل از ايشان شد وزيارتی مکمل از برای سلطان الشهداء

ص ١٣١

و محبوب الشهدا وجناب وزير وحضرت‌اخوان صفامرقوم گرديد وارسال نزد خوانين شد

ترجمه حال‌ايشان که بقلم خود در روزنامهءخود‌شان نگاشته اند ارسال داريدازالطاف

آلهی اميدوارم که والد ماجد و والده محترمه شمارا غريق بحر عفوو غفران فرمايد

بجناب حاجی عبدالغفار تحيت برسانيد وبگوئيد عبدالبهاء فرصت تحرير يک

سطر ندارد باوجوداين چگونه بتفسير آيات پردازد مختصر اينست که مدلول آيه

مبارکه اينست که نار جحيم بشره را يعنی روی را دگر گون مينمايد تر وتازگی نمی

گذارد سوخته وبد رنگ مينمايد يعنی نيران اعراض وانکار روی انسانرا ميسوزاند و

تعرف المجرمون بسيماهم ميگردد لطافت وبشاشت ونظارت ونور ايمان نميگذارد

چنانچه درآيه ديگر ميفرمايد و وجوه عليها غبره تر هقهاقرة؟ ميفرمايد در يوم

قيامت بربعضی وجوه غبارمی نشيند وموکلين اين نار که نفوس مستحقه را در آتش

اندازند در يوم قيامت کبری ١٩ نفرند و آن ١٩ نفر ملائکه عذابند و عده

اين نوزده ملائکه عذاب نظير عده ملائکه رحمتند وخازن جنت رضوان

که حروف حيند بجناب حاجی ميرزا حسين وملا رمضان نهايت محبت

و مهربانی از قبل من ابلاغ دار واما تاريخ حضرت پيک رحمانی حالات اورا

در

ص ١٣٢

در اصفهان ودر شيراز تحقيق بنما که چه روشی وسلوکی داشت واز کجا بود ودر چه

زمان مومن و موقن گشت ودر چه سال پيک رحمانی شد ومدت حيات چگونه قاصد

امين بود اين تفاصيل را تحقيق بنما بعد بنويس اما خيلی دقت کن که حشو وزوائد

نداشته باشد از الطاف آلهی ميجويم که بازماندگان حضرت شيخ را مورد الطاف

بيپايان نمايد واما اعضای محفل روحانی بايد بانتخاب تعيين شود احبا هر کسی را

که موافق می بينند انتخاب نمايند خواه پير خواه جوان خواه توانگر و خواه

بيسر وسامان والسلام و عليکم البهاء الابهی عبدالبهاء عباس ٢ آب ١٩١٩

اين يک سطر خط مبارک است

ای صهرحضرت پيک‌ابداًفرصت يک کلمه تحريرندارم با وجوداين نامه مفصل مرقوم شد

وفاءً عبدالبهاء عباس مقابله شد

بواسطه محفل روحانی اصفهان و جناب آقاميرزاهاشم عليه بهاءالله

قريه چادگان فريدن جناب حسينقلی خان سرهنگ جناب بهاقليخان با اولاد

امجاد الله قليخان ومحمدقليخان جناب ارباب بهمن فارسی قريه پوده سيمرم

جناب ميرعلی محمد خان قريه طالخونچه جناب ميرزا عبدالکريم جناب احمد آقای

معلم جناب ميرزا ابراهيم خان قريه ننادگان فريدن جناب لهراسب خان

ص ١٣٣

قريه خونسار جناب مظفرخان قريه چال چهار محل جناب حيدرقلی خان

گلپايگان جناب مصطفی خان قريه قمشه دائی غلامرضا آقايدالله آقاحسين

محمد علی استادابراهيم درويش خداداد قريه اسفرجان کربلائی هاشم درويش

عوض قريه هوسنجان غلامحسين امة‌الله فاطمه جناب طاهر امة‌الله روحانيه

قريه قشقائی جناب سروعلی جناب نوروزعلی قريه قمبون ؟ سميرم جناب نايب

رضاقلی جناب ميرزا اسحق جناب عباسقلی سلطان قريه شريف آباد لنجان

سيد نورالدين سيدجلال سيد علی کربلائی مرتضی سيد مصطفی

سيد عبدالحميد کربلائی خليل سيد ابوالقاسم قريه ده نو سميرم سلطان باقر

کربلائی حسين حاجی آقانايب عبدالله قريه ريز درويش حسن درويش

نوران محمد جواد محمد رحيم قريه سده لنجان آقا سيد غفور آقاسيد مصطفی

سيد جواد استاد عباسقلی کربلائی کريم مهديقلی جناب آقا سيد عبدالغنی

برات علی کربلائی عبدالوهاب آقاسيد عبدالباقی قريه چال جناب

حيدر قليخان قريه چم گردان جناب اسدالله کدخدا جناب نعمت الله جناب

حاجی اسمعيل جناب مشهدی علی محمد جناب حيدرعلی جناب جليل آقا

قريه

ص ١٣٤

قريه کله سفلی مشهدی هاشم قريه باغ بادران سيد مجتبی قريه بن جناب

ميرزاباقر حکيم قريه سعيدآباد لنجان جناب حاجی ميرزا محمود جناب ميرزا رضا

جناب آقا محمد جناب ميرزامرتضی جناب ملا حسنعلی کرچکانی قريه

سامان جناب نيسان جناب اسکندر قريه چادگان جناب سيد هادی

جناب ميرزامحمد علی منشی جناب محمد امين اجودان جناب محمد قليخان

غلامرضا مشهدی محمد جناب الله قليخان جناب قليخان محمد باقر

و م کمری ميرزا ابوالفتح منشی جناب لهراسب ننادکانی جناب

ميرزا محمود صدر جناب جلال خان جناب استاد باقربنا غلامرضای

فروشانی خانهء ميرزای بختياری جناب اسکندر خان ضيغم الدوله

جناب ميرزا جعفر منشی جناب مهديقلی اردلی مشهدی آباد علوی

حاجی عباس سليمان نجف آباد علی ولد حسن ميرزانصرالله استاد

عبدالخالق عنايت الله وساير احباقريه قلعه سفيد جناب ميرزا امرالله جناب

شيخ جواد يزدی جناب آقا محمد يزدی قريه بروجن چهار محل

جناب ميرزامهدی خان ميرزامحمود خان جناب حاجی ميرزا ميرزا خليل منشی

ص ١٣٥

خدا کرم ميرزاعلی اکبر ميرزامحمود جناب محمد حسين جناب آقا محمد حسين ارباب؟

شيرلدنی و جناب اسفنديار عليهم بهاءالله الابهی

خط کاتب وامضاءمبارک ١٥٦ هوالله

آلهی آلهی لک الحمد بما رفعت راية فردانيتک واريت الکل آية رحمانيتک

وهديت هولاء النفوس الی الماء المعين و عين التسنيم فی رياض ربانيتک

رب لک الشکر بما نورت الابصار والهمت الاسرار و اسمعت آلاذان

والقيت کلمة الهدی علی قلوب الابرار فاقبلوا اليک بصدر مشروح و قلب

مجذوب وروح مستغرق فی بحار رحمتک و نفوس مستبشرة بايات وحدانيتک

رب ثبت اقدامهم علی هذا الصراط وقو قلوبهم باسرارالکلمات وايدهم بجنود

لم يروها فی نشر النفحات واحرسهم من الامتحان و احفظهم من السکرات

و اجعل لهم سبيلاًقويماًممدوداًالی ملکوت السموات انک انت الکريم انک انت

العظيم انک انت الرحمن الرحيم ای ياران مهربان عبدالبهاء چندی بود

چون باد باديه پيما بودم و آواره کوه وصحرا ودريا هيچ صبحی آرام نيافتم

وهيچ

ص ١٣٦

وهيچ شبی سروسامان نجستم محرم هر محفلی شدم ودر هر مجمعی درآمدم ودر هرانجمنی

فرياد نمودم و بملکوت ابهی بشارت دادم تا کوران بينا گردند وکران شنوا شوند

ذليلان عزيزگردند گمراهان پی بدليل برند بينوايان بانواشوند محرومان محرم راز

گردند غربيان شرقيان شوند نوميدان اميدوار گردند سه سالست که دقيقه ئی

آرام ندارم الحمدلله بفضل وعنايت جمال مبارک افواج تائيد مانند امواج پی درپی

رسيد و جنود ملاء اعلی نصرت نمود صيت امرالله بجميع مسامع رسيد وذکر آلهی

در جميع مجامع انتشاريافت يد غيبی و قوه معنوی تخمی پاک در آن کشت زار افشاند

وسحاب رحمت آلهی امطار نيسانی مبذول داشت وشمس حقيقت ضياو حرارت بخشيد حال

عبدالبهاء در نهايت خاکساری جبين بر زمين نهاده تضرع و زاری مينمايد که آن

کشت آلهی بعون و عنايت دهقان آسمانی بسرعت انبات گردد وآثار باهره اش

آفاقرااحاطه کند سبحان الله اهل باختربا وجود دوری بيدار گشتند وبيانيان ايران

بخواب غفلت گرفتار آنان فرياد يا بهاءالابهی زدند ايرانيان وبزرگان ايشان

اين الملاذ و اين المناص برآوردند شمس حقيقت از افق ايران طالع شد ولی ايرانيان

در جستجوی چراغی هستند ابر نيسان برايران فيضان نمود ولی ايرانيان درپی قطره ئی

ص ١٣٧

دوان اين چه بلاهت است اين چه بلادتست اهالی غرب چون نام شرق برند سجده

نمايند ولی شرقيان رانهايت آمال که قدمی در راه غربيان نهند وپيروی آنان کنند

تا ترقی نمايند کشور مطمور معمور گردد ملت مندرسه تازگی ووجود يابد هيهات هيهات

اين درختان کهن پوسيده ديگر ثمری نبخشد بلکه اين نهالان بيهمال تر وتازد ايران

عنقريب درجويبارحقيقت نشوونمانمايندوگل وشکوفه فرمايندوبرگ وباردهندوبرائحه طيبه

آلهيه جهانرامعطرنمايند ومشام‌اهل غربرامعنبر کنند زيراسلطان گل درگلشن ايران رخ

برافروخت ورسم تاجگذاری در گلزار پارسی اجری فرمود اول بلبلان ايران آشفته

آن گل شکفته گشتند وآهنگ ملاءاعلی بلند نمودند وجانفشانی کردند و بقربانگاه

عشق آلهی شتافتند از فيض عظيم رب جليل اميد چنانست که آن نفوس مبارکه در ارض

صاد وحوالي آن چنان حركتي مردانه وجنبشي فرزانه بكمال حكمت در خدمت امرالله

نمايند که جميع آفاق آن کشور منورگردد ببازماندگان پيک رحمانی حضرت سلمان

آلهی معاونت ونگهداری لازم وعليکم البهاءالابهی عبدالبهاء عباس مقابله شد

هوالله

بواسطه مريم سلطان صبيه پيک رحمانی شيخ سلمان امة‌الله فاطمه سلطان امة‌الله

حبيبه

ص ١٣٨

حبيبه سلطان امة‌الله فاطمه‌امة‌الله نورجان بکم امة‌الله عمه امة‌الله گوهر سلطان

امة‌الله خديجه سلطان‌امة‌الله بهيه سلطان امة الله مريم بکم‌امة‌الله ربابه سلطان

امة‌الله ام ليلی امة‌الله عطيه خانم عليهن بهاءالله الابهی هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ١٥٧

ای اماءرحمن شکر کنيد خدارا که در چنين عصر ميمنت حصری بعرصه وجود قدم نهاديد

ودر مهد وجود پرورش يافتيد که آفتاب انور قرون واعصار است الطاف بيپايان

انوارفيض عيان نوراحديت نمايان پس تاتوانيد در محافل ذکر بتسبيح وتقديس حضرت

يزدان زبان ولسان بيارائيد وعليکن التحية والثناء ع ع

مقابله شد

اسکندرونه بواسطه جناب آقامحمدمهدی اصفهان جناب آقاهاشم عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب امضاءومهر مبارک ١٥٨

هوالله ايثابت بر پيمان نامه شما رسيد واز مضمون فوت مرحوم ضياءمعلوم

گرديد سبب تاسف واحزان گشت ولی حرم مرحوم شيخ وامة‌الله مريم سلطان را

از قبل من تحيت محترمانه برسان وبگو دراين ايام اگرنفسی ثابت وراسخ بر پيمان

ازاين جهان بجهان ديگر شتابد اعظم موهبت آلهيه است زيراامتحان وافتتان بسيار

حسن خاتمه فاتحة الالطاف‌است لهذا شمامحزون مباشيد بلکه دل بالطاف آلهی بربنديد

واز فيوضات نا متناهی عفو وغفران بخواهيد من نيز بنهايت تضرع و خشوع طلب

ص ١٣٩

آمرزش ازبرای ضيانمايم مطمئن بعنايت آلهی باشيد جزع وفزع نکنيد انما يوفی

الصابرون اجرهم بغير حساب وجناب آقامحمد جواد وآقا محمد رحيم راازقبل اين

مشتاق تحيت‌ابدع ابهی ابلاغ داريدازصدماتيکه درسبيل آلهی کشيده‌اند بسيارمتاثرم

ولی ايشانرااگردومرتبه اخراج کردند مارا چهارمرتبه سرگون کردند تاسی بجمال مبارک

نموده‌ايداين موردشکرانه است که بچنين فيض رحمانی وموهبت آسمانی موفق شده ايد و

عليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

هوالله

اصفهان بواسطه آقاهاشم لنجانی جناب سيد محمد جواد جناب فتح الله جناب صادق جناب

جلال جناب سيد هاشم جناب محمدعلی ن جناب عطا جناب سيد اسدالله جناب سيد

زين العابدين جناب علی نقی خان جناب جعفر جناب علی خان جناب سيد تقی جناب يعقوب

بغدادی جناب علی اکبر خان ف جناب داراب جناب عبدالله ايضاً جناب عبدالله خان

جنای مشهدی جعفر ن جناب محمد جواد جناب ابوالقاسم جناب سيد محمد جناب سيف جناب

عبدالحسين جناب تحويلدار جناب محمد چاپار جناب يوسف جناب مصطفی جناب

سيد مهدی جناب حاجی حيدر ن جناب حاجی کلبعلی ن جناب اسدالله ن

جناب استاد مهدی عليهم بهاءالله الابهی

ص ١٤٠

خط کاتب امضاء ومهر مبارک ١٥٩

هوالله

ای ياران آلهی هر چند نامه های متعدده دراينمدت مديده باحبای قديمه وجديده

نگاشته شد ولی نامهء‌تازه وارد واسماءآن سروران کشور محبت الله درآن مذکوراز

قرائت‌آن اسماء حالتی دست داد که زمام‌ازدست رفت بی اختياربذکرابرارمشغول شدم تا

شوق وشعف اين قلب پرتوی برجهان دل وجان آزادگان زند وشرق وغرب روشن گردد اگر

بدانيد که بچه شوروشعفی الان باملای اين نامه پرداختم البته ازوجدوطرب درقميص

جسد نگنجيد ارواح بپروازآيد جانها همدم رازگردد ودلها بسرورابدی دمسازشوداين

نيست مگرازفضل واحسان حضرت يزدان وعليکم التحية والثناءآلهی آلهی ايد هولاء

والعباد علی رفع راية‌الميثاق واعلاءکلمتک فی آلافاق واغفرياربی الجليل لعبدک

عباسعلی من‌اهل زيرلنجان الذی شرب کاس الباساء والضراءفی سبيلک وابتلی باضطهاد

المبغضين من‌اعدائک وجرعوه کاس العذاب و زجروه‌اشد العقاب حتی عرج اليک ووفد

ببابک مبتهلاًاليک ساجداًبين يدک رب انزله نزلاًمبارکاًوقدر له کل خير فی

ملکوتک الاعلی انک انت الکريم المقتدر الوهاب ع ع

مقابله شد

هوالله بواسطه جناب آقاميرزاجلال و جناب ميرزاهاشم صهرپيک رحمانی

ص ١٤١

جناب حاجی ميرزا صادق جناب ميرزا محمد علی جناب ميرزا عبدالحسين محرر جناب ميرزا

عبدالحسين اردستانی جناب سيف الذاکرين جناب ميرزافتح‌الله خان جناب ميرزا عبدالله

خان جناب غلامحسن ميرزا جناب آقاسيد برکات جناب ميرزا عطا جناب ميرزاعبدالله خان

مشرف جناب ميرزا محمد خان ناينی استاد ابوالقاسم جناب ميرزا جعفرجناب ميرزا باقر

خان جناب سيد اسدالله جناب سيد هاشم جناب آقاسيد هادی جناب ميرزاعبدالحسين جناب

محمد جواد جناب آقاسيد مهدی جناب سيد اسمعيل خياط جناب امين الله جناب ضياءالله

جناب ميرزا اسدالله جناب آقامحمد مهدی عليهم بهاءالله الابهی

خط کاتب امضاء ومهر مبارک ١٦٠

هوالله

ايهاالمقربون ايهاالمنجذبون ايهاالمشتعلون بنار محبة‌الله فيهذا اليوم المشهود

الحمد لله بعون وصون وعنايت حضرت احديت ارض صادبنفحات قدس آباد شد بعد از سکون

بحرکت آمد وبعداز خمود شعله برافروخت بهشت برين گشت و جلوه گاه صور عالين احبا

هريک حياتی تازه‌يافتند واصفيابميدان فدا شتافتند آهنگ تقديس مرتفع شد و انوار

توحيد لامع گشت مطرب آلهی با چنگ ودف ونی نغمهء هی وهی چنان بنواخت که

هياکل روحانی را بوجد وطرب انداخت نسيم ارض صاد مشکبار است ورائحه

محبت

ص ١٤٢

محبت الله از آن گلشن منتشر دراين ديارشکر کنيد خدارا که در چنين عصری بچنين

نصری موفق ومويد گرديديد حقاکه ياران وفائيد وسزاوارفدا عنقريب چنان ولوله ئی

در آفاق افتد که نوراشراق از قلوب عشاق بدمد وناقوس آفاق فرياد يابهاء

الابهی برآرد وکوس شرق و غرب نغمه ياربی الاعلی بگوبد جهان جهان ديگر گردد

وکيهان کيهان ديگر شود روی زمين بهشت برين گردد و توده غبرا جنت ابهی شود

جبرئيل امين از ملکوت جليل جلوه نمايد وطاوس عليين شهپر تقديس بگشايد امرالله

مرتفع شود ورايت يابهاءالابهی بلند گردد از جميع آفاق نغمه يابشری بعنان‌آسمان

رسد واز شرق وغرب بانگ يا طوبی بر خيزد هنالک يفرح المومنون ويحزن

الخاسرون وتبيض وجوه ؟ ان هذالحق معلوم ووعد غيرمکذوب وعليکم التحية والثناء

ع ع

اصفهان جناب ميرزا هاشم صهر حضرت شيخ بزرگوار عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب امضاء مبارک ١٦١

هوالله مقابله شد

ای ثابت برپيمان نامه شما وصول يافت و جزع و فزع از فراق معلوم گرديد

اين ناله وفغان از جميع آفاق بلنداست ولی عبدالبهاءباقليم يوسف کنعان سفر نموده

انشاءالله بعد از رجوع اين آرزو حصول خواهد يافت از خبر التهاب نار محبت الله

ص ١٤٣

در آنصفحات نهايت روح وريحان حاصل گرديد اميدوارم که همواره بتائيدات آلهيه

بنشر نفحات رحمانيه واعلاء کلمهءر‌بانيه مشغول ومالوف باشند وعليک البهاءالابهی

ع ع

نجف آباد بواسطه آقاميرزاهاشم محمد جعفر صباغ قنبر علی حاجی آخوند شهيد حاجی

عبدالکريم آقا علی حسن حسن محمد آقا علی مشهدی رضا آقا ميرزا ولد مشهدی جعفر

آقاميرزاآقابکم خانم واعظه عيال مرحوم کربلائی محمد علی ريزی ؟ گوهر بگم منور

خانم مريم سلطان ربابه سلطان خانم کوچک عيال مرحوم آقامحمد حسن شهيد

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ١٦٢

هوالله

ای ياران روحانی وآماء رحمان اين خاکدان فانی جغدان نادانرا سزاوار واين گلخن

ظلمانی طيورترابيرا لايق بلبل معانی را آشيان گلشن آلهی است ومرغان اوج عزت را

لانه ومکان ملکوت رحمانی بيخبران چون نظر بالايش اين عالم فانی نمايند گمان

آسايش کنند ودر آزمايش افتند منجذب ظل وسايه گردند واز ذی ظل غافل مانند زيرا

جهان ناسوت ظل زائل ملکوتست وعالم ارضی اثری از عالم آسمانی سبحان الله شيفته

قطره گردند واز دريای محيط بی بهره شوند ومشتاق ذره گردند واز شمس حقيقت بی نصيب

مانند دل بحياة؟دنيوی بندند واز زندگانی سرمدی بگذرند باب وگل پردازند واز جهان

ص ١٤٤

جان ودل غافل مانند وصايا وتعاليم آلهيه انسانرا از شئون فانيه بيزارکند واز

جهان تاريک وتنگ فرار دهد وبعالم انوار رساند ملاحظه در جميع طوايف وملل وقبائل

ودول نمائيد که کل مانند موران در تحت اطباق تراب لانه وآشيانه نمايند

وآذوقه ئی اندوخته کنند بغتة بارانی آيد وسيلی برخيزد و خانه ولانه وآشيانه

وآذوقهء‌جميعراازميدان برد ومحو ونابود کنداينست مثل اهل دنيا چنانکه واضح وآشکار

مشاهده مينمائيد ملاحظه درايران ومجلسيان نمائيد که در مدتی قليله چه طوفانی و

چه‌انقلابی ظاهر وعيان شد باوجود اين باز غافلان و جاهلان وبيخبران دل باين دنيا

بندند وبفکر کم وبيش افتند ازاقبال بوجد وطرب آيند واز ادبار محزون و دلخون

شوند الا انهم فی خسران مبين پس عاشقان جمال رحمن و مشتاقان انوار طلعت

يزدان را لايق وسزاوار؟ چنانست که در جميع شئون از اين خلق ممتاز باشند ومحرم

راز ونياز گردند جميع کائنات را بظل خويش آرند در جهان ديگر پرواز کنند ودر

عالمی ديگر سير وتماشا نمايند آيات هدی گردند ورايات ملاء اعلی شوند مرغان

چمنستان حقيقت گردند ودر گلستان وحدانيت واحديت بابدع الحان بتسبيح وتقديس

حی توانا پردازند وعليکم البهاءالابهی ع ع مقابله شد

ص ١٤٥

بواسطه جناب آقاميرزاهاشم اصفهان جناب ميرزا مسيح خ جناب روفانوس ؟ جناب علی

اکبر جناب عباسقلی جناب ميرزاعبدالحسين جناب ميرزاعلی جناب ميرزا عطاءالله عليهم

بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب امضاءومهرمبارک ١٦٣

ای ياران من از خداوند ذوالمنن چنين آرزو نمايم وعجز وزاری کنم وناله وبيقراری

نمايم که آن نفوس مبارکه را موفق برضای مبارک نمايد وبانچه سبب سرور معنوی وفرح

آلهيست فائزفرمايد هريک را در افق هستی ستارهءرو‌شنی کند وهرکدامرا در اين جنت

ابهی درخت باروری نمايد و شکوفه وثمری بخشد رشحات سحاب عنايت الحمدلله رياض

قلوبرا شبنم است وفيض ابدی حضرت احديت مانند طمطام ويم چون چنين است

عاقبت موهبت نورمبين است در آغاز هر چند زحمت و مشقت وآزار است وسهام

کين از کمان نفوس بی دين درپروازاماانجام‌ايام سروروحبوراست بلکه نورعلی نوراست

اگر چنانچه ملاحظه نمائيد در اين اوقات افق وجود بغمامی تاريک پنهان ومستور است

بيقين بدانيد که عنقريب مشرق نورانی ازاين ابرهای کثيف ظلمانی پاک گردد وچنان

صفا ولطافت وروشنائي بنمايد كه آفاق نوراني گردد پس احزان وكدورترا بكنار نهيد

وبمسرت وبشارت موانس وهمدم شويد وعليکم التحية والثناء ع ع مقابله شد

ص ١٤٦

اصفهان بواسطه جناب خان وميرزا هاشم منسوب حضرت سلمان قميشه ميرزا عبدالمجيد خان

ميرزارحمت الله خان ميرزا محمود کردی؟ شريف آباد جناب سيدابوالقاسم جناب سيد

خليل جناب سيد احمد جناب سيد محمود جناب سيد علی جناب سيد مصطفی جناب سيد

ابراهيم جناب سيد جواد جناب سيد عبدالوهاب جناب سيد اسدالله جناب سيد ميرزا جناب

سيد نورالدين جناب کربلائی مرتضی جناب کربلائی عبدالخالق جناب کربلائی عبدالخليل

جناب مشهدی صادق جناب مشهدی عباس حکيم جناب استاد حسين جناب آقا علی جناب ميرزا

احمد سده جناب سيد عبدالغنی جناب کربلائی عبدالوهاب جناب ميرزا براتعلی جناب

جلال آقا جناب امين الله حناب حيدرعلی جناب اسماعيل جناب غلامحسين آماءرحمن

شيرين جان فاطمه بگم کوکب بکم خاتون جان ام ليلی فاطمه خانم فاطمه سلطان

سکينه سلطان بکم خانم

هوالله

خط کاتب وامضاءمبارک ١٦٤

سبحانک اللهم ياآلهی انک لتعلم ذلی وافتقاری وتری اضطرامی واضطراری وتسمع حنينی

وانينی وضجيجی ويناحی انی ابتهل الی عتبتک العاليه وساحة قدسک الساميه واتذلل

بکل ذل وانکسارالی ملکوت الملاسرار وادعوللابرارليتوفقوا علی الخدمة بين الاحرار

؟ و واالی کهف حمايتک من الاشرار رب انهم اسراء فی ايادی الاغيار يصوبون

ص ١٤٧

اليهم سهام الضربکل استکبار ويشرعون عليهم الاسنه ويطلقون عليهم الا عنه ولا

يخشون باسک ولا يخافون نقمتک هولاءالاوغاد الادغال رب ارحم احتبک واحفظ صفوتک

فی حصن حمايتک و معاقل حفظک وکلائتک وافتح علی وجوههم ابواب رحمتک واشرح

صدورهم بايات موهبتك وانزل عليهم بركة من عندك انك انت الكريم انك انت

العظيم وانک انت الرحمن الرحيم ع ع مقابله شد هوالله

خولنجان لنجان جناب آقا سيد مرتضی جناب عباسقلی جناب مشهدی حيدر جناب

آقا سيد علی جناب ميرزا محمد علی جناب آقا سيد ابراهيم جناب آقا سيد ميرزا جناب

ميرزامحمد جناب عبدالمطلب جناب آقاسيدمهدی جناب آقا سيد هادی عليهم بهاءالله

الابهی سده لنجان جناب آقاسيد عبدالغنی جناب آقا سيد برکات جناب

کربلائی عبدالوهاب جناب ميرزا جناب براتعلی جناب محمد باقر جناب مشهدی

اسماعيل جناب عبدالرحيم عليهم بهاءالله الابهی چم کردان لنجان جناب آقا محمد

مهدی جناب آقا عباسقلی جناب آقا مشهدی حسن جناب حاجی نوروز جناب حاجی محمد

عليهم بهاءالله الابهی ريزلنجان جناب جواد جناب محمد رحيم جناب درويش عبدالله

جناب درويش حسينعلی جناب مبرزا سيدمحمد جناب کربلائی فتح الله عليهم بهاءالله

الابهی

ص ١٤٨

جناب سلطان باقرده نوی جناب ميرزا عبدالمظفر تانحونچه جناب آقا حسينعلی کرچکانی

عليهم بهاءالله الابهی ص جناب ضياءالله جناب ميرزاهدايت الله جناب اوانس

عکاسی جناب اوانس من اهل جلفا جناب آقا سيد اسمعيل خياط جناب ميرزاآقا جناب

عبدالحسين جناب ميرزا عبدالجواد معلم عليهم بهاءالله الابهی هوالابهی

خط کاتب امضاءمبارک ١٦٥

ای احبای آلهی وياران عبدالبهاء جناب هاشم تحريری بافصاحت تقرير وابدع تعبير

ارسال نمودند وچون گشودم کتاب ابرار بود اسماء احرار واخيار در آن مذکور

از قرائت آن نهايت روح وريحان حاصل گشت زيرا نقشه ای بود که از کتاب

عليين حکايت ميکرد چه که اسماءمقربين در آن مسطور ودر ختام نامه خواهش نگارش

مکاتيب بجهة آن ياران آلهی نموده بود مشاغل ذهنيه و شواغل عظيمه وامور متفرقه

ووروداوراق غير متناهيه از شرق وغرب مانع وحايل که بهريک ازياران منفرداًمرقوم

گردد لذا مجبوراًمجتمعاًمرقوم ميشود ای ياران روحانی عبدالبهاءالحمدلله کل در

ملکوت ابهی وساحت کبريا مذکوريد ودرانجمن عالم بالا معروف ومشهور ودر قلب اين

مستغرق بحر فقر وفنا موجود هريک ازملکوت غيب منشوری از فيض درقلب وطغرائی از

موهبت کبری درصدرپرتوعنايت برسرداريد وخلعت هدايت دربر موردالطاف بی پايانيد

ص ١٤٩

و مهبط ملائکه رحمت بيکران نظر الطاف شامل است وفيض حضرت احديت کامل شکرانه

اين نعم جليله والطاف خفيه همواره بترتيل آيات توحيد پردازيد وبابدع الحان ترانه

عاشقانه بنوازيدوفريادی مشتاقانه برآريد ازبلا ومحن ملول نگرديد واز شماتت اغيار

اشکبار نشويد زيرا در سبيل محبت جمال ابهی بلاءرحمت کبری است و جفاموهبت عظمی

تالان وتاراج تاج وخراج است وزندان وزنجيرايوان و سرير فلک اثير سهم وسنان مرهم

دل وجان است وسم قاتل درياق ودرمان عاشق مجازی گفته هيچ صبحم خفته يا خندان

نيافت هيچ شامم باسروسامان نيافت گردرآتش رفت بايد چون خليل ورچه يحيی ميکنی

خونم سبيل ورچه يوسف چاه زندانم کنی ورزفقرم عيسی مريم کنی سرنگردانم ازتو من

بهرفرمان تودارم جان وسر اين صفت عاشقان وسمت مشتاقان است باری اميد از

فيض آلهی وموهبت ربانيه چنين است که از شدائد وبلايا و اعظم رزايا نار محبة‌الله

در قلوب افروخته تر گردد وانوار حقيقت روشن ترشود وجهان جلوه گاه وفای روحانيان

شود وهريک جان ودل بکف گيريم ونثارراه يار مهربان نمائيم وعليکم التحية والثناء

ع ع

هوالله مقابله شد

اسکندرون بواسطه جناب آقا عبدالمهدی جناب آقا ميرزا هاشم صهر

متصاعد الی الله پيک آلهی عليه بهاءالله مقابله شد

هوالله

ای بنده

ص ١٥٠

خط کاتب امضاء ومهر مبارک ١٦٦

ای بنده حق آنچه نگاشته بودی ملاحظه گرديد همين است که مرقوم نموده بودی از پيش

جميع وقايع چه دراصفهان وچه دريزد وچه دراطراف کل بتائيد جمال ابهی روحی لاحبائه

الفداازقلم عبدالبهاٍ جاری گشت وهنوزبساط امتحان منطوی نگشته باز در گوشه وکنار

هيجان حاصل خواهد شد ولی اگر استقامت گردد تاثيری ندارد درهر صورت کلمة‌الله نافذ

وامرالله غالب واحزاب شيطان مغلوب و حزب الله مويد ومنصور الحمد لله حکومت

عادله پادشاهی حامی مظلومانست ومعين ستمديدگان بايد احبا باعليحضرت شهرياری

دعا نمايند متعلقين آن پيک آلهی را از قبل من تحيت نوازشکارانه برسانيد

از حق ميطلبم که کل در پناه حق محفوظ ومصون مايند؟ وعليک التحية والثناء ع ع

مقابله شد

بواسطه آقا ميرزاهاشم حسين خان حسن خان مهدی خان ميرزاامين الله آقا

کمال نعمت الله حبيب الله عطا خان ميرزا ابوالفضل اطفال جناب هاشم

عليهم بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب امضاء مبارک ١٦٧

ای تلاميذ دبستان حمد خدارا که درامتحان حسن استعداد وقابليت ظاهر وعيان نموديد

اطفال بهائی بايد در تحصيل علوم وفنون از سائر اطفال ممتاز باشند زيرا مشمول نظر

عنايتند آنچه اطفال ديگر در مدت يکسال تحصيل نمايند تازه نهالان جنت عرفان

ص ١٥١

کودکان بهائی بايد در مدت يکماه تحصيل کنند آرزوی دل وجان عبدالبهای مهربان

اين است که نورسيدگان بهائی هريک در علم و عرفان شهير آفاق گردند والبته

نهايت همت و سعی وغيرت در تحصيل علوم وفنون خواهند نمود و عليکم‌البهاءالابهی

ع ع مقابله شد

هوالله

اصفهان جناب آقاميرزاهاشم عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب امضاء مبارک ١٦٨

ای يادگار پيک آلهی نزدمن بسيار مقربی آنی فراموش نشوی وهمچنين جميع بستگان

حضرت سلمان در حق شماها دعا نمايم وعنايت طلبم واميدم چنانست که اندک وسعتی

حاصل گردد البته بهيچوجه قصور نشود وعليک البهاءالابهی عبدالبهاء عباس

هوالله

اصفهان جناب ميرزا هاشم داماد حضرت پيک رحمان عليه بهاءالله

خط کاتب امضاء ومهرمبارک ١٦٩

ای ثابت بر ميثاق از فضل و موهبت پروردگار اميدوارم که همواره موفق بخدمت دربار

آمرزگار باشی دمی نياسائی و نفسی براحت نکشی بلکه مدت حيات در سبيل نجات بکوشی

و هر طالبی را کاس هدايت بنوشانی امة‌الله المقربه مريم سلطان را تحيت عبدالبهاء

برسان و همچنين آقا ضياء وامة الله طوبی وامة‌الله قدسيه و امين الله را کلاً از

قبل اين مسجون نوازش نما و جناب کربلائی حسين را تحيت مشتاقانه عبدالبهاء ابلاغ

نما حال حکمت اقتضای حضور نمی نمايد وبيش ازاين فرصت نگارش نه

وعليکم

ص ١٥٢

عليکم التحية والثناء ع ع مقابله شد

اصفهان

جناب خان جناب آقاسيد محمد جواد جناب ميرزا احمد شيخ جناب ميرزا احمد؟ جناب

ميرزا عبدالحسين محرر جناب آقا سيد زين العابدين جناب آقا سيد عبدالغنی جناب

ميرزاعبد الحسين جناب ميرزا فرج الله جناب ميرزا عبدالله خان جناب سيد هاشم

جناب ميرزا ضياءالله جناب ميرزاهاشم صهر شيخ سلمان جناب آقا سيد هادی جناب

آقاسيد مهدی عليهم بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب امضاءمبارک ومهر مبارک ١٧٠

هوالله

ای ياران مهربان عبدالبهاء چندی بود که خاطر اين آوره؟ از

بلايای وارده براوليای حق آزرده بود وهر دم بملکوت قدم ناله وزاری مينمود و ره

عجز وبيقراری می پيمود که ای پروردگار جمعيت ابرار پريشان گشت و محافل

انس از بنيان بر افتاد چه شود که فضل جديدی بنمائی و تائيد بديعی بفرمائی تا

ياران انجمن گردند ومحفل انسرا بسراج ذکرت روشن نمايند ای خداوند اين پراکنده

گی مپسند وای مهربان اين حزب پريشانرا مجتمع فرما تا آنکه بريد جديد رسيد و مژده

الفت آن انجمن سبب خفت حزن شديد شد از رب فريد آرزوی اين قلب

جريح آنست که ياران محترم هر دم در کمال حکمت در محفل قدس همدم گردند

ص ١٥٣

وبذکر جمال قدم حيات تازه يابند وسبب شوق و ذوق و طرب يکديگر گردند

تابشارت جهان انسانيت را خلعت جديد بخشد وهيکل عالمرا ردای بديع بپوشد

ای ياران اين عبدالبهاء همواره از مصائب وبالای شديد محزون و مغمومست

ولی اين موهبت نصيب هر محروم نگردد زيرا اين بلا بهره اهل وفاست

واين محن وآلام مخصوص کرام اصفيا هرچه هست بگذرد ولی عاقبت موهبت

بهر عاشقان جمال کبريا ومشتاقان روی جمال ابهی روحی لاحبائه الفدا

ای هاضم منتسبين پيک ربانيرااز عبدالبهاء نهايت محبت و مهربانی ابلاغ نما

وبگو هر چند ايامی چند بتنگی گذرد عنقريب گشايش رخ دهد و راحت وآسايش

خواهيد يافت و عليکم التحية والثناء ع ع مقابله شد

اصفهان جناب حاجی يدالله سه دهی عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب امضاءمبارک ١٧١

ای ثابت بر پيمان نامه شما رسيد مضامين دليل جليل بر ثبوت بر امر مبين بود

الحمدلله در چنان موقعی که جولانگاه بيخردان بود نفوسی مبعوث گشته که بعون

وعنايت حق در نهايت ثبوت واطمينان آن قريه در ايام حضرت مقصود

مورد الطاف بود حال نيز اميد شديد است که بهمت و روحانيت ياران با وف‌ا

ص ١٥٤

معمور ومظهر الطاف موفور گردد تا توانيد بکوشيد که سه ده صد ده گردد ونفوسی در

نهايت انقطاع و مقتدر وتوانا و منجذب ملکوت ابهی و مروج دين الله

مبعوث شوند اما مسئله اقتران صبيه آقا ميرزاهاشم بميرزا فضل الله سليل سيد

برکات بسيار مبارکست وهر چه در پيش شما از حقوق موجود بتمامها صرف

اين عروسی نمائيد حضرت شيخ سلمان ثانی اثنين سلمان فارسی بود بلکه در خدمت

بيشتر موفق آنچه در حق خاندان او مجری گردد؟

بدرگاه احديتست وبشما در اين سالهای حرب ستمکاران دست تطاول

گشودند و آنچه توانستند قصور ننمودند وعبدالبهاء متاثرازاين وقايع جانگداز

ولی هرچه واقع درسبيل دلبر آفاق بوده لهذا شما در سبيل تسليم و رضا سلوک

نمائيد در اين سالهای جدال و قتال جميع اهل عالم در اشد وبال علی الخصوص

ايرانيان که مورد جميع آفات شدند ولی مشقات آنان در سبيل نفس وهوی

واما زحمات احباء در عبوديت درگاه کبرياء آن رزايا محسوب بشئون دنيا

و اين محن وآلام معدود از جانفشانی در راه حضرت بهاءالله ببين تفاوت

ره از کجا تا بکجا وبجميع احباء فرداً از قبل من نهايت اشتياق ابلاغ

داريد و عليک البهاء الابهی ٢٤ صفر ٣٣٩ عبدالبهاء عباس

ص ١٥٥

اصفهان بواسطه جناب ميرزاهاشم فريدن احبای آلهی عليهم بهاءالله الابهی

جناب ميرزااحمد خان جناب لهراسب جناب حسين خان جناب شيخ حسين جناب

محمد علی جناب درويش علی جناب آقا رضا جناب محراب بيک جناب آقا باقر

جناب ملا حسين جناب محمد رضا جناب ملا محمدعلی جناب ميرزا محمود صدر

جناب ميرزا علی کاتب جناب علی اکبرخان عليهم بهاء الله الابهی

هوالله

خط کاتب امضاءمبارک ١٧٢

ای ياران آلهی شکرکنيد خدارا که مورد نظر عنايت شديد

و مظهر الطاف حضرت احديت از پرتو هدی روشن گشتيد و برشحات سحاب

عنايت پرطراوت ولطافت اندراين گلشن فيض عظيم را ملاحظه نمائيد که مانند نسيم

بهشت برين اين کشت زار را سبز وخرم نمود و هريک آن نفوس را از اشجار

جنت فرمود هر چند اين موهبت هنوز چنانکه بايد وشايد در معرض شهود جلوه گر

نگشته وقدرش معلوم نيست اما عنقريب فراز ونشيب عالم ازاين نور مبين

بهره ونصيب گيرند آنوقت معلوم و مشهود شود که سر وجود چه موهبتی در عرصه

شهود ظاهر فرمود وهريک از ياران مانند مه تابان در افق عزت جاودان

رخشنده و درخشنده وظاهر و عيان گردند قسم بان روی روشن وجبين ساطع

بنور

ص ١٥٦

بنور مبين تاجهائی برسرنهاده‌ايد که گوهرولئالی آن اعصاروقرونرا روشن ومنور

نمايد شکر کنيد خدارا وعليکم التحية والثناء ع ع مقابله شد

هوالله

اصفهان داماد پيک رحمانی آقامحمد هاشم عليه بهاءالله الابهی

خط کانب امضاومهرمبارک ١٧٣

هوالله

ای بنده آلهی از کثرت مشاغل ابداً فرصت ندارم چند روز

پيش نامهء خطاباًبحرم پيک رحمانی ارسال شد در خصوص بناء مرقد آن قاصد

امين سئوال نموده‌بوديد چون بشيرازبرسيد بادوستان محترم‌آلهی مشورت نمائيد هرنوع

که احبای آلهی مصلحت بدانند بناء نمائيد ومصروف بنارااين عبد بعدارسال ميدارد

اين يکسطر دستخط مبارکست ع ع مقابله شد

ازقرارمکتوب سابقاًازشيرازمرقد طاهرآن قاصدآلهيراتعميرنموده‌اند ع ع مقابله شد

بواسطه جناب آقامحمد هاشم صهر جناب سلمان جناب مشهدی حيدر جناب آقا مرتضی

جناب آقامحمد جواد جناب‌آقامحمد رحيم جناب آقا عبدالوهاب جناب آقا سيد عبدالغنی

جناب آقا محمد مهدی جناب آقاسيد حسن جناب ميرزاعبدالجواد جناب ميرزاآقا جناب

عبدالحسين عليهم بهاءالله الابهی

خط کاتب وامضاومهر مبارک ١٧٤ هوالله

ای ياران عبدالبهاء حمد خدارا که از کاس عنايت سرمست و در بزم الست

محرمان می پرست گشتيد ازجام عنايت نشئه يافتيد واز صهبای موهبت

ص ١٥٧

حيات تازه جستيد ثابت عهديد و راسخ ميثاق ومشتاق مشاهده‌انوار نيرآفاق هرچند

سرحلقه عشاق پراحتراقيد و مبتلای بنارفراق ولی الحمدلله بعداز صعودازاين عالم

فانی وصال دائمی مقدر وخلود در جنت لقاابدی محتوم ومقرراز حوادث اين جهان

ظلمانی محزون نگرديد واز؟مصائب اين حيات فانی دلخون نشويد بالطاف

رحمانيه مسرور گرديد و بموهبت ربانيه خوشنود شويد الحمدلله درظل ظليليد ودر پناه

رب جليل اينست رحمت عظمی اينست موهبت کبری وعليکم التحية والثناء ع ع مقابله شد

اصفهان جناب آقاميرزا هاشم داماد آقاشيخ سلمان عليه بهاءالله

خط کاتب امضاومهرمبارک ١٧٥

هوالله

ای بنده بها مکتوب واصل گشت ومضمون معلوم گرديد ياران

آلهيرا تحيت عبدالبهاء برسان که درنهايت بحران بذکرياران مشغولست چنديست

که ازارض صاد هلهله بشارات و غلغله مناجات بسمع مشتاق نرسيد هر چند ستمکاران

نه چنان جفائی روا داشتند که تحمل بتوان نمود بالطبع آن جمع آزرده اند ودلشکسته

ومظلومند وبال وپر بسته با وجود اين اميد چنان است که اين سختی سبب سستی نگردد

واين تطاول وعدوان سبب سکون واطمينان شود زيرا هميشه عادت چنين بود

وقرار براين که آب سبب شعله آتش عشق گردد وجفا علت ازدياد وفا شود و حال نيز

چنين است

ص ١٥٨

چنين است اين مظلوم در هردمی هدف هزار سهم مسموم با وجود اين سينه آئينه گردد

وانوار محبت الله بيشتر جلوه نمايد ازعسرت خاندان پيک امين حزن حاصل شد ودرآنچه

بايد وشايد قصور نخواهد گشت و عليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

اصفهان جناب ميرزاهاشم داماد پيک روحانی عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب امضا و مهر مبارک ١٧٦

هوالله

ای صهر حضرت سلمان نامه شما رسيد هيچ ميدانی که عبدالبهاء بچه درجه غريق

دريای مشاغل و غومل و شواغل است باوجود اين از کثرت محبت مجبور برجواب و

اجرای خواهش شماست حضرت محترم مقرب درگاه اسم اعظم جناب وزير فی الحقيقه

آيت هدی وموفق بخدمت وعبوديت جمال ابهی و شريک و سهيم عبدالبهاءست

من ازاو بسيار راضيم الحمدلله اصفهان بفوران آمده آن برودت و خمودت

زائل وشعله و حرارت حاصل شده از عنايات حضرت خفی الالطاف اميد چنانست

روزبروزاين شعله روشن ترگردد واين حرارت محبت الله شديد ترشود وبه امين الله

وقدسيه خانم وطوبی خانم و منيره خانم ازقبل عبدالبهاء نهايت مهربانی ابلاغداريد

وبگوئيد حال برنظام وقواعد موجوده مرعيه درمدارس تحصيل نمايند انشاءالله هروقت

فرصتی شد دراينخصوص چيزی مرقوم ميگردد حال ابداًمهلت نيست فی الحقيقه در اصفهان

ص ١٥٩

تاسيس مدارس بجهت اطفال بهائی فرض وواجب است اگرياران آلهی در اين خصوص همتی

مينمودند سبب وصول برضای حضرت رحمانی است اطفال چون در مدارس ديگر بتحصيل علم

وهنر پردازند هم مشرب وهم خوی بی ادبان گردند و عليک البهاء الابهی ع ع

اصفهان جناب مرتضی قلی جناب شيخ حسين جناب جلال جناب اجودان جناب

ميرزا خليل جناب ميرزا مهدی جناب اسفنديار جناب حاجی ميرزا جناب اسدالله

جناب حاجی احمد جناب حاجی عبدالغفار جناب الياهو جناب فرج الله جناب

عبدالخالق جناب عذرا جناب موسی جناب هرمز جناب آقامحمد جناب عبدالرسول خان

جناب استاد علی جناب سيد حسين جناب ميرزاهاشم صهر پيک رحمانی عليهم

بهاءالله ابهی

خط کاتب امضاءومهرمبارک ١٧٧

هوالله

ای ياران آلهی حمد خدارا نورهدی

از افق ارض صاد درنهايت تلئلا پديدار گشته در قلوب شوق و شوری جديد

افتاده ودرنفوس اهتزازتازه ئی آشکار گشته مدتی بود درنهايت سکون بود حال

بحرکت منتهی شد ياران آغاز آوازی نمودند ودر اين گلشن تقديس شهنازی زدند

انسان اگر بکلی مفقود گردد بهتر ازآنست که مخمود شود مرده‌البته بهترازافسرده

پژمرده است زيرا مرده معذوراست حول وقوتی ندارد ولی افسردگی وپژمردگی

ازسيئات

ص ١٦٠

از سيئات سابقه ولاحقه حاصل گردد حال حمد خدارا که اين تيرگی مبدل بروشنائی شد

واين افسردگی بافروختگی منتهی گشت ايام جميع انام درنهايت ظلام ميگذرد درظلمات

ثلاث که درقرآن مذکوراست مستغرقند لايعلمون المبدء والاالمنتهی ولا يطلعون

بحقايق الاشياء والعاقبة يرجعون الی الحفرة الظلماء والدرکات السفلی قد خسروا

الحيوة الدنياء وحرموامن النشئة الاخری فيا اسفاًلهم من هذه الغفلة العمياء

اسئل الله بان يهديهم الی سبيل الرشاد و ينورالبصارهم بالنورالساطع من الافق

الاعلی باری ای ياران اين اوان وقت همتست وسعی و اجتهاد تابجهد بليغ آن اقليمرا

باهتزازآرند وبفحات قدس زنده نمايند ترويج وحدت عالم انسانی کنند

وتاسيس يگانگی بشری نمايند يار واغيار بنوازند و کار هر دردمند بسازند ودر اين

گلشن جنت ابهی بابدع الحان نغمه وآوازی بنوازند که گوشها محرم رازگردد و جميع

بشر همدم وهم آواز شود تائيدات غيبيه پياپی ميرسد و توفيقات صمدانيه متتابعست

اگر نفسی کلال آرد ويا آرام جويد خودرا محروم نمايد وعليکم البهاء الابهی ع ع

مقابله شد

اصفهان جناب ميرزاهاشم صهر حضرت پيک رحمانی شيخ سلمان هنديانی

عليه بهاءالله الابهی

هوالله ای بنده آستان آلهی نامه شما رسيد

ص ١٦١

خط کاتب وامضاءمبارک ١٧٨

وتالان وتاراج معلوم گرديد اين سنين گذشته ايام انقلاب بود در ايام انقلاب سراب

آب شمرده ميشد لهذا سختی و پريشانی از لوازم ايام نا؟امانيست هرچه بود گذشت

بمتعلقين حضرت شيخ نهايت مهربانی از قبل من ابلاغ داريد شما بايد تاسيس مکتبی

در اصفهان يا در دهات بفرمائيد وبتربيت اطفال مشغول گرديد اين امرمهم

را از مهام امور شمريد و چون راهها؟باز شود و مخابره متتابع گردد سفارش در حق

باز ماندگان حضرت شيخ خواهد شد ٩ جمادی الثانی ١٣٣٧ عبدالبهاء عباس مقابله شد

بواسطه جناب حسنعلی خان جناب رضاقلی ميرزای شيرازی عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ١٧٩

هوالله

ای مهتدی بنور هدی فافرح بذکر مولاک بما ايدک

وهداک وانقذک و نجاک و اسمعک و احياک وانعم عليک و اعطاک

و اکرم مثواک ان ربک يهدی من يشاء الی صراط مستقيم طوبی لک من هذه الهداية

الکبری بشری لک من هذه الموهبة العظمی و طوعاًلک من هذه المنحة التی يبتعها

اولی النهی وفرحاًلک من هذه العطية التی هی کنز لاتفنی وسروراًلک من هذه الاشراق

الذی انار آلافاق فاشکر ربک العظيم علی هذاالفضل الجليل والفوز المبين والفيض

القديم ان فضله عليک کالغيث الهاطل المدرار من سحاب رحمة ربک الرحمن الرحيم

وعليک

ص ١٦٢

و عليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

جناب ميرزا علی خام حرم هوالابهی خط مبارک ١٨٠

ای خادم درگاه حق اين خادمی تو از شهنشاهی عالم برتر است واين بندگی تو از

سلطنت جهان بهتر زيرا اين شهرياری جهان سراب بقيع است بلکه سم نقيع ولکن

خادمی تو سلطنت باقيه است و حکومت سماوات عاليه فنعم ما قال عبيد و لکن

الملوک عبيدهم و عندهم اضحی له الکون خادما باری اين جامه عبوديت رداء عزت

قديمه است واين خاک بندگی تاج وافسر شهنشاهی جهان باقی اينست که اکليل

جليل اين عبد ذليل در درگاه جمال ابهی مقام عبوديت است و اعظم مباهات قيام

بر بندگی اين عتبه علياست اللهم وفقنی علی ذلک و حققنی بذلک انک انت

الموفق القدير ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش جناب سليمان عليه بهاءالله الابهی خط مبارک ١٨١

هوالله

ای سليمان وقت سليمانيست و هنگام

کامرانی و دم شادمانی چه که کشور الطاف در نهايت وسعت و حشمت عرفان

در غايت عظمت و سرير محبت الله در کمال رفعت بفضل جمال ابهی بر اين

سرير جلوس نما و تاج سروری برسر نه اينست سليمانی اينست شهرياری اينست

بزرگواری ع ع مقابله شد

هوالابهی

انوش ه ر جناب علی ن ق ی بيک

ص ١٦٣

عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی خط مبارک ١٨٢

سبحانک اللهم يا آلهی انت الذی بتجلی من انواراحديتک احييت الموجودات وباشراق

من مطلع رحمانيتک ؟ نورت الممکنات اسئلک باسمک الاعظم ونورک الاقدم و جمالک

الانوروصراطک المستقيم ومنهجک القويم و واسطتک العظمی ووسيلتک ؟العليا وآيتک

الکبری ان تويد عبدک هذا علی التمسک بعروتک الوثقی و موهبتک الجلاء ومنحتک

العلياءثم قدرله کل خير قدرته لخيرة خلقک وهية؟ لبررة عبادک واعطيته لسفرة کرام

لکلماتک واجعله ثابتاًمستقيماًعلی امرک و حبک انک انت الکريم ذوالعطاء والرحيم

بالارقاء تفعل ما تشاء وتحکم ماتريد وانک انت الغفور العظيم ع ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ١٨٣

ای حمامه حدائق معانی تجلی الله عليک بالشراق انوار

جمال بهائه الابهی اگر چه بظاهر در وادی فرقت و هجرانی ومبتلای حرقت وحرمان

لکن فی الحقيقه در محفل ياران آلهی و دوستان معنوی يادت ذکر وفکر انجمن است

وروی دلجوی محبان حقيقی حاضر چون شمع روشن پس ای ياران بجان مستبشر باشيد

و بقلب خوش و اميدوار که فضل ملکوت ابهی عظيم است عظيم وروابط بين احباءالله

از فيوضات رب قديمست وشديد والبهاء عليک يا من اشتعل بنار محبة الله ع ع

مقابله شد

ص ١٦٤

خط مبارک ١٨٤ هوالله ای بنده آستان آلهی از فضل حضرت بيچون دردوآستان

پاسبانی وهردومقبول درگاه‌احديت ولی دريکی پاسبان حقيقی وديگری مجازی ازحق

ميطلبم که مجازت را نيز حقيقت نمايد وليس هذا علی فضل ربک بعزيزازخدا بخواه

که توفيق برعهد وميثاق عنايت فرمايد ع ع مقابله شد؟

خط مبارک ١٨٥ هوالله ای خادم قبر مستور

آن جدث مقدس و رمس مبارک را محافظه نما وملاحظه دار چه که صد هزار چراغ

آن مصباح را طائف وصد هزار شاه بنده آن درگاه مرتفع اگر چنانچه حال

نور آن مصباح از انظار مستور است و از اشرار محجوب اما عنقريب آن نور

جهان افروز شود وآن شعاع حرارتش عالم سوز قدراين فضل وجود را بدان وبشکرانه

قيام نما والبهاء عليک و علی کل ثابت علی ميثاق الله ع ع مقابله شد

هوالله

خط مبارک ١٨٦

شيراز جناب ميرزاشکری عليه بهاءالله

هوالابهی

ای بنده شکور رب غفور عناياتش غير متناهی والطافش بيپايان عواطفش محيط است

و رحمتش منبسط در بسيط نورش ساطعست ونيرش لامع از جمله الطافش ايمانست

ايقانست عرفانست پس چگونه بشکرانه اين عنايت بی نهايت قيام توان نمود

ص ١٦٥

مگربقدر وسع بشر و مقدار طاقت زبان و بيان چون در وگهر پس بقدر مقدور بشکرانه

بپرداز ع ع مقابله شد

خط مبارک ١٨٧ هوالله شيراز جناب ميرزا علی عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

ای بنده آلهی علو وسمو جسمانی امر تصوری واعتباريست بلکه نسبی واضافی علوحقيقی

در عالم جانست وسمو واقعی در جهان وجدان پس توجه بملکوت ابهی کن تا بلندی حقيقی

مشاهده نمائی وارتفاع ذروه اعلی مشاهده کنی ان ربک لبا؟لافق الاعلی والبهاءعليک

ع ع مقابله شد

هوالابهی

جناب آقا ميرزا علی خادم عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ١٨٨ هوالابهی

يا من اشتعل بالنار الموقدة فی برية السيناء هرچند در کمال استعجال

مرقوم ميشود چه که بهيچ وجه مجال نيست ولی انجذابات قلبيه بمحبت احباءرحمن نچنان

در شدت فورانست که امواج بحر اعظم مشغوليات ازذکراحباء رحمن مانع و حائل گردد رب

ايد عبدک هذا علی الابتهال الی باب احديتک والضراعة الی سماءالوهيتک والاشتعال

بذکرک والانجذاب بنفحاتک والتمسک بعروتک والثبوت علی عهدک و ميثاقک والاستقامة

علی صراطک والاستضاوة من انوارک والتبليغ لامرک والنشر لطيب ذکرک وثنائک

انک انت الکريم الرحيم الوهاب وبعبادک روف ؟ رحمن ع ع مقابله شد

ش جناب ميرزا علی خادم حرم ربانی عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

ص ١٦٦

هوالابهی

خط مبارک ١٨٩

ای خادم حرم مطلع انواراسم اعظم درپيش چيزی مرقوم شد وحال نيز

اين نامه نگاشته ميشود شکرکن حضرت احديت را که باين موهبت مفتخر گشتی وباين

عنايت مشتهر خادم درگاهی که مزارنفوس مقدسه‌است ومطاف ارواح مجرده نفحات انقطاع

از ترابش استشمام ميگردد و نسائم روح بخش حيات از غبارش استنشاق ميشود مطلع

انوار حب آلهيست ومشرق الطاف غيرمتناهی طوبی لنفس زارذلک المقام المقدس طوبی

لمشام تعطر من النفحات المعطرة المنتشرة من ذلک الموقع الاقدس و بشارة

لنفس قد تدندن حوله بقلب خاضع وهيکل خاشع وقلب محترق و حشاء ملتهب و دموع

منجسم وکبد مضطرم علی تلک المظلومة المقدسة التی احترقت بنار محبة ربها وذابت من

شدة حرقة الفراق عبدالبهاء ع مقابله شد آنچه منتهاآمال مقربين وغايت مقصود

ملائکه عليين‌است جناب شيخ بالوکاله مجری نمودازقبل شمادر روضه مبارکه بالنيابه

شمعها روشن کرد وهمچنين ماکل در يوم مخصوص بالنيابه از جناب رفيع رفيع وشما و

جميع دوستان وياران ارض شين در روضه منوره زيارت مخصوص نموديم فاستبشر والهذه ؟

البشارة العظمی وهذه المنحة الجلاء؟ وهذه العطية النوراءوالبها عليک و علی

احباءالله عبدالبهاء ع مقابله شد

هوالابهی جناب ميرزا محمد

ص ١٦٧

عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند هوالابهی خط مبارک ١٩٠

آلهی وربی ورجائی و غاية امالی

اسئلک بفضلک و رحمتک التی خصصت بها خيرة خلقک ونزلها علی اعزة عبادک

وبموهبتک الکبری التی استضاء بها وجوه احبائک وبنورک القديم وجمالک الذی تجلل

بغمام الخفی عن الابصارالناظرين و يموج؟ ويضئی فی الملکوت الاعلی رفيعة الابهی

جبروت الغيب لاهوته الاسمی بان تنزل علی عبدک هذا کل رحمتک و جودک

واحبائک و تويده علی الاستقامة علی امرک والثبوت علی کلمتک وتوتبه؟ حسنة‌الدنيا

والاخره وتبارک له فی کل شئونه و تجعله محفوضامصونا فی صون حمايتک ومشمولا؟

بلحظات عين رحمانيتک انک انت الفضال الجواد الکريم الرحيم رب ثبت قدمی

واشدازری علی خدمة امرک و اجعلنی من عبادک الراسخين عبدالبهاء ع

وبلغ تحيتی و تکبيری الی حضرت رفيعی الرفيع واسئل ربی ان يوفقه علی اعلاء کلمة

بين العالمين عبدالبهاء ع مقابله شد هوالله شيراز جناب کربلائی حاجی

عليه بهاءالله الابهی الله ابهی

خط مبارک ١٩١

ای هادی سبيل هدايت پيک عنايت است

اعظم موهبت وثمره شجره رحمت چه بسيار نفوس که در طلب هدايت گريستند

ولی چون خلوص نبود محروم ماندند وبسا ونفوس که بمجرداستماع درشاهراه هدی دويدند

ص ١٦٨

واز کوثر عطا نوشيدند واز شهد صفا چشيدند چون تواز آن نفوسی شکرکن ع ع مقابله شد

خط مبارک ١٩٢ هوالله

بواسطه آقا ميرزا علی خادم حرم مبارک جناب خواجه محمد اسمعيل عليه بهاءالله

هوالله ای مهتدی بنورهدی دودست شکرانه بدرگاه خداوند يگانه بلند نما وستايش

نما که بثمره‌آفرينش فائز گشتی وديده بينش گشودی و روش ياران آلهی پذيرفتی ودرظل

عنايت پرورش يافتی حال سزاواراينست که دمی نياسائی و نفسی براحت نجوئی شب و روز

مانند شمع بسوزی ونورهدايت بجميع مبذول داری بجان ودل درفکرنشرنفحات الله باش

ع ع مقابله شد هوالابهی جناب عبدالکريمخان عليه بهاءالله‌الابهی ملاحظه نمايند

هوالله

ای بنده درگاه آلهی چشم بگشا تا مشاهده آيات

کبری نمائی و گوش بگشا تااستماع نغمات ورقا کنی فجر وجود بسيار روشن ومنيراست

و کوکب عزت امرالله در شدت سطوع چون نير فلک اثير بحرالطافست که مواجست

و نسائم يزدانست که متحرک از مهب احسانست اين ايامرا غنيمت شمار واين

فرصت را از دست مده عنقريب طيور وحدت باشيان رب احديت پرواز نمايد

والبهاء عليک ع ع ازفضل ملکوت الهی اميدواريم که آنجناب

چون شمع روشن در انجمن عالم بنور هدی ساطع ولامع گردد و بنفحات قدس محبس ؟

ص ١٦٩

انس بيارائيد فی الحقيقه انتساب عنصر جسمانی و عنصر روحانی داشته ايد لهذا بايد

بعون وعنايت جمالقدم چنان بشوروجوش و وله وشوق آئی که هر نفسی را ملاقات فرمائی

روح بخشی و جان عطا نمائی وبروح و ريحان آری والبهاء عليک ع ع مقابله شد ٩

شيراز جناب آقا ميرزا ضياءالدين خادم مشرق الاذکار عليه بهاءالله الابهی

مهر وامضاءمبارک ١٩٤ هوالله

ای ثابت برپيمان نامه ئی که در نهايت عجز وانکسار مرقوم نموده

بودی واصل باين ديار شد معانی صرف تبتل وتضرع بود ومقصد وآمال

موفقيت بر خدمت امرذوالجلال واين اعظم موهبت عالم انسان الحمد لله نور هدايت

کبری را اباًعن جد ميراث داری وبر منهج قويم وصراط مستقيم سالکی ازکاس تسنيم

سر مستی و از ماء معين سيراب وبخدمت مشرق الاذکار مشغولی واز مادون حق بيزار

جناب آقاميرزاآقا عم کامکاررابالطاف رب مختاراميدوارکن وهمچنين کنيز عزيزآلهی

والده محترمه خديجه را بنفحات قدس بيدار کن واخوی ميرزا بهاءالدين را بالطاف

دلبر نازنين مژده ده واميد از رب کريم چنانست که جد بزرگوار ميرزا محمد درجهان

ابد سرمد غرق بحرالطاف رب واحد احد گردد وهمچنين پدر مهرپرورميرزاباقر درانوار

ملکوت عفو و مغفرت مستغرق شود باری تو وبرادرمهربان بايد هردو چنان بخدمت

قيام

ص ١٧٠

قيام نمائيد که روح مقدس آن دو جان پاک در عالم تابناک مسرور وفرحناک شود

و عليکما البهاء الابهی ع ع مقابله شد

ش جناب ميرزا ؟ ابو ق ا س ساعت ساز عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ١٩٥

هوالابهی ای مشتعل بنارمحبت الله

ساعت که جسم منجمد وفلز متطرقست بسبب نظم وترتيبی ماهرانه حرکت منتظمانه دارد

باوجود آنکه ثقيل است اوقات انتقالات کوکب جليل را معين نمايد وبشير قرب

طلوع نير فلک اثير گردد و چون حرکتی خفيف و ضعيف در جسم ثقيلی حاصل شود چنين

ثمر جليل حصول يابد پس اگر حرکت شوقی روحانی در جسم انسانی که بمثابه روح اين

عالم عنصريست ظاهر شود چه آثار باهره وکمالات لامعه تحقق يابد پس از خدا بخواه

که ترتيبی آلهی وقوه ئی روحانی سبب حرکت وجدانی هياکل انسانی گردی ورصد حرکات

کواکب ملاء اعلی ونجوم ملکوت ابهی شوی و چون روح پرفتوح علت حرکت واهتزاز

جسم عالم امکان باشی والبهاء عليک وعلی کل من ثبت علی عهدالله وميثاقه عبدالبهاء

ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ١٩٦

ايعاشق جان سوخته جمال رحمانی ايدک ربک علی ابتغاء مرضاته

واعلاء ذکره در سبيل حق جان ومال و عزت و منال اگراز دست رود اعظم توفيقات

آلهيه است واکبر تائيدات ربانيه چه که اينمقام رتبه فداء کلی است که اعظم آمال

اولياء

ص ١٧١

آلهيست اينست که حضرت اعلی روح العالمين فدا دراحسن القصص قيوم‌الاسماء؟ خطاباً

بالجمال ؟الله‌الابهی ميفرمايد ياسيدناالاکبرقد فديت بکلی لک وماتمنيت الاالقتل

فی سبيلک والسب فی محبتک وانت الکافی بالحق والروح والبهاء عليک ع ع مقابله شد

ش جناب ميرزا ابوالقاسم ساعت ساز عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمائيد

خط مبارک ١٩٧

هوالابهی

ای بنده حق هرچند بظاهر تو در شينی مادرسين يعنی ولايت سوريه اما فی الحقيقه

در ظل يک شجريم ومتنعم بيک ثمر در محفل انسيم واز جام عهد سرمست در جنت ابهی

داخليم ودر گلشن الطاف وارد پس حمد کنيم خدارا براين همدمی والبهاء عليک ع ع

مقايله شد

هوالله

خط مبارک ١٩٨

جناب ميرزاابوالقاسم ساعت ساز عليه بهاءالله الابهی

الله‌ابهی

آلهی انت تعلم حالی وتری تشتت شملی وتفرق جمعی وتلهف قلبی فی هجرانی من قربک

ووصالک وبعدی عن ملکوتک وحسراتی وسکراتی فی بيداء الحرمان من قرب جوارک

ايرب ايدنی علی ذکرک وثنائک وانطقی بمحامدک ونعوتک بين خلقک واخلص وجهی

لوجهک الکريم ياربی العظيم انک انت الرحمن الرحيم ايرب هذا عبد توجه بملکوتک

الابهی ونطق بالثناء واعرض عن الهوی وسرع الی شاطی بحرالهدی وشرب کاس الوفاء

ادرکه بفضلک وجودک ياربی الاعلی ع ع مقابله شد

ص ١٧٢

از سر تنکيس لرمزالرئيس سئوال نموده بوديد اين عبارت ازجمله عبارات شيخ مرحومست

که در جواب سئوال ازقائم مرقوم فرموده‌اند جميع فقرات درآن ورقه جوابيه جناب شيخ

مفصل شرح ؟ تفصيل وتسفير شده‌است وموجوداست ؟ ومقصود آنست که روسای شيخيه اقرار

نمايند؟ که اين بيانات شيخ را نميفهمند آنوقت آن شرح و تفسير نشر شود يا آنکه

شرحی ؟ روسای شيخيه مرقوم کنند در هرصورت جهلشان ثابت گردد حال شما

باين روسامثل پسرحاجی محمد کريمخان و غيره متصل و متتابع مراجعت نمائيد که شرحی

دراين بيانات جناب شيخ مرقوم نمايند وياآنکه‌اعتراف برعدم فهم کنند چه که مشهورشد

که‌ازحاجی محمد کريمخان سئوال نموده بودند گفته بود که من نميفهمم وهرکس بفهمد من

خاضع ميشوم ولی لساناً گفته بود بايد خطاً بنويسد ع ع مقابله شد

هوالله

جناب زائر آقا ميرزا ابوالقاسم عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ١٩٩ هوالابهی

ای زائرمطاف ملاءاعلی شکرکن جمال قديم رب کريم را که مسافت بعيده راطی نمودی تا

بظل ممدود ومقام ؟ ودآستان حضرت معبود وارد شدی وبصررا بمشاهده آيات کبری درآن

عتبه مقدسه روشن فرمودی پس حال ارمغانی از نفحات قدس اين روضه مقدسه بردار

؟ بلادالله توجه نماوهريکراازپيام آلهی که درصحائف عهد وميثاق ربانی مندرج ومندج

است ؟ ه مند کن يعنی کل را بثبوت برميثاق دلالت فرماتاجيوش تائيدات ازملکوت ابهی

؟ ش آيد ع ع مقابله شد هوالله جناب آقاميرزاابولقاسم عليه بهاءالله الابهی

ص ١٧٣

خط مبارک ٢٠٠ هوالابهی

آلهی آلهی انی عبد آمنت بک وباياتک واقبلت الی وجه جمالک الاعلی

واخلصت وجهی لملکوتک الابهی وتشبث بالعروة الوثقی و تمسک بذيل رداء

الکبريا واستقمت علی شريعتک النوراءوثبتت علی ميثاقک العظيم‌الذی اخذته

فی ظل الشجرة‌الانبياءايرب احرسنی بعين رعايتک الواقية للاحباءوانظرالی بلحظات؟

رحمانيتک التی احاطت الاشياء واحفظی من کل البلاء و ؟ ؟ لزل والاضطراب

يارب الارباب انک انت الکريم الرحيم العزيز الوهاب ع ع

هوالابهی

شيراز جناب ميرزا ابوالقاسم عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٢٠١ هوالابهی

ای جناب ابوالقاسم درارض مقدس بودی ومشاغل عظيمه دمبدم مرا ديدی باوجود اين

هنوز بمنزل نرسيده‌استدعای مکاتبه نموده‌ايد ولی چه چاره بايد بقدر امکان سبب

سرور و حبور قلب ياران و حکمشان را مجری داشت واين قوت وقدرت

وسطوت و سلطنت را بفيوضات محبت جمال قدم يافته اند نعم الاقتدار

هذا الاقتدار ع ع مقابله شد

هوالله

جناب حسين سليل جناب آقاميرزا ابوالقاسم عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٢٠٢ هوالابهی

ای حسين جانهافدای اسم تو اين نام محترم در کور فرقان علم بر مظلوم

ص ١٧٤

مکرم بود ودراين کور کن اول ازاسم اعظم ملاحظه کن که چقدر مبارک است هر چند

بظاهر تصغير حسن است ولی در حقيقت شمس افق کبرياء وعظمت جميع اسماء

طائف حول اين اسم وکل صفات مشتق از لفظ اين اسم تفکر لتعرف اسرارالله

المقتدر المهيمن القيوم ع ع مقابله شد

هوالله

امة‌الله ضلع جناب آقا ميرزا ابوالقاسم عليها بهاءالله الابهی

خط مبارک ٢٠٣ هوالابهی

ای امة‌الله ورقه موقنه با جناب آقاميرزا ابوالقاسم

در کمال روح وريحان وارد بقعه نوراءارض بيضاءگشت وچون خاک در نهايت

خضوع وخشوع در آستان مقدس حول روضه مبارکه نشست وبغايت تضرع

وتبتل طلب الطاف بجهة‌احباء واستدعای مغفرت بجهة متصاعدين نمود ودر

جميع احوال بياد متعلقان بود وبالنيابه نيز زيارت نمود ازدرگاه احديت

بمنتهای عجز ونياز استدعای قبول زيارت اورا مينمائيم ولابه وزاری

کنيم انه يقبل الشفاعه ويتوب علی عباده‌المخلصين والحمد لله رب العالمين ع ع

مقايله شد

هوالله

ورقه مهتزه صبيه آقاميرزاابوالقاسم امة‌الله لقائية عليها بهاءالله الابهی

ص ١٧٥

خط مبارک ٢٠٤ هوالابهی

ای ورقه مهتزه شکرکن حضرت رب عزت را که چنين پدری بتو

عنايت فرموده که از عشق آلهی گريبانی چاک دارد وهمتی بلند ترازکواکب افلاک با

وجواين در خضوع و خشوع چون مرکز خاک؟اين نيست الافيض الطاف مخصوصه رب قديم اولاً

سبب وجود توبود ثانياًعلت هدايت بنورشهود وتوجه بمقام محمود ودرحول مرکز دائره

غير متناهيه بياد تومشغول بود ديگربهترازاين پدر تصورتوان نمود لاوالله والبهاء

عليک ع ع مقابله شد

هوالله

جناب محمدرضا ابن مرحوم اختر عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٢٠٥ الله ابهی

يا من تعلق باهداب رداء الکبرياء سبح وقدس وهلل باسم ربک ابهی القديم وقل سبحان

من انشاءالنشاة‌العظمی و قدرالاخرة والاولی سبحان من اقام القيامة‌الکبری

سبحان من خلق فسوی سبحان من مدالصراط ورفع السموات العلی سبحان من

وضع الميزان و حشرمن فی‌الوجود فی‌النشاة‌الاخری وادخل‌الذين آمنوفی رحمة والغافلين

فی جحيم وعذاب وبئس عقبی الذی کذب وافتری ع ع مقابله شد

هوالله

ش جناب آقا محمد رضا عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٢٠٦ هوالابهی

ای بنده راضی بقضاء حقيقت رضاءاعظم موهبت جمال ابهاست ولی تحقق اين صفت

ص ١٧٦

که اعظم منقبت عالم انسانست مشکل است چه که بسيار صعب وسخت است حين امتحان معلوم

و واضح گردد اسئل الله ان يوفقک علی هذاالفضل العظيم والحمد لله رب العالمين

والبهاء عليک ع ع مقابله شد هوالابهی

ش جناب آقامحمود ابن اختر عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٢٠٧ هوالابهی

ای محمود محمود مخمود مباش محسود مباش ثلج ذر يخچال وبرف درقلل جبال فراوان

وبهائم بارده ووحوش شارده در کوه وصحرا وخشکی ودريابيحد وحساب ولی سمندر آتش

خوار وققنس آتش خواه نادر و کمياب بيا تو سمندر پرسوز سازشو وققنس آتشکده

راز آتشی بجان مخمودان زن وصلائی بر محتجبان اگرچه مخمودان ومنجمدان در يوم

ميثاق چنان افسرده ويخ کرده ومرده اند که جز نيران شعله ئی درآنها تاثير ننمايد

والبهاء عليک ع ع مقابله شد

شيراز جناب آقا ميرزاابوالقاسم ساعت ساز عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب ومهر وامضاءمبارک ٢٠٨

هوالله

ای ثابت برپيمان نامه رسيد ومضامين معلوم گرديد حمد کن خدارا که در سبيل

آندلبر نازنين منزوی وخانه نشين گرديدی واقات عزيز را بتحرير کلمات وترتيل آيات

محصور فرموده ئی اين نعمت عظمی شايان هزار شکرانه است نامه های سابق ازجهت

عدم امنيت راه نرسيد والا لابد جوابی مختصر اقلاًبريکی ازآنان مرقوم ميگرديد

ص ١٧٧

حال الحمدلله اين نامه رسيد واز معانی حلاوت روحانی حاصل شد کام جان شيرين گشت

ومذاق وجدان شکرين شد آلهی آلهی ان عبدک هذا قد تجرع کاس البلاء؟فی سبيلک

وذاق تمر؟الرزايا فی محبتک قداستهدف سهام الجفاءوصبر؟علی حمرالغضاء واضطرم ؟

بنارمحبتک بين الملاءمنسجم‌الدموع من‌العيون حباًبجمالک الاعلی رب انه منزومن ؟

الخلق ؟ منجذب الی الحق متوجه الی ملکوت الجمال شائق تائق الی محفل الوصال رب

ايده فی جميع الشئون والاحوال ويسر له آلامال واحشره مع الابراروانطقه بثنائک

بين الاحرار انک انت العزيز المختار وانک انت الرحمن الرحيم وعليه بهاءالابهی

ع ع هوالله بواسطه آقاميرزا هادی شيراز

وتوسط امة‌الله زيورسلطان حرم جناب ميرزاابوالقاسم ساعت ساز عليها بهاءالله

خط کاتب ومهر وامضاءمبارک ٢٠٩ هوالله

ای امة الله محزون مباش مغموم مگرد روی مخراش وسرشک ازديده

مپاش آه وانين مکن وفغان وحنين منما آزرده مگرد افسرده مشو پژمرده مباش

زيرا فرزند دلبندت باغوش پدر آسمانی شتافت ودر ملکوت رحمانی رخ بتافت

و حضرت رب قيوم اورا بکمال نوازش بنواخت طول حياترا اهميتی نه اصل نجاتست

ص ١٧٨

الحمدلله به نتيجه زندگانی درملکوت رحمانی فائز گشت چه که مقصد حيات جسمانی

حيات روحانی وزندگی جاودانی درعالم يزدانيست آنموهبت ميسرشد وآنمنقبت مقررگشت

اينست اعظم شادمانی واتم کامرانی درجهان ربانی و عليک التحية والثناء ع ع

مقابله شد

هوالابهی

ش جناب محمد الشهير باقابزرگ عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

يامن احترق من نارالفراق قدتلوت‌الورقة الناطقه بمحبة محبوب آلافاق وثبوتک علی

العهد والميثاق وتحريک؟من کاس الوفاق وتجنبک ماهل النفاق واشتياقک للعروج الی

الملاءالاعلی والصعودالی ملکوت الابهی وتبتلک وتضرعک الی الحضرة الرحمانيه ان

يطيرک فی هواءالقدس وفضاء الانس ويجيرک فی جوار رحمته الکبری

ونيز لک فی نزل الوفا فی جبروته الاسمی طوبی لک من هذه النية الخالصة

والهمة‌العلية‌الکبری ولکن يا حبيب اشد وظهرک وقوازرک وشمرذيلک لاعلاء

کلمة‌الله و نشر نفحات الله وسطوع انوارالله واحاطة کلمة‌الله وبعد مايويدک الله

علی هذه‌المنحة‌العظمی ويوفقک علی هذه‌الموهبة‌الکبری فانشرالاعلام ونقرفی الناقور

واقصد ملکوت ربک بجنود الخدمة فی امرالله وادخل الرفيق الاعلی والحديقة‌الغلبا

ص ١٧٩

والروضة الغناء بوجه نورانی وقلب رحمانی وروح ربانی والبهاء عليک وعلی کل من

تشبث بعهدالله وميثاقه الغليظه ع ع مقابله شد

هوالله

ش جناب محمد الشهير باقابزرگ عليه بهاءالله

خط مبارک ٢١١ هوالله

ای مهتزازاهتزازاوتارمحبت الله آنچه مرقوم نموده بوديد ملاحظه گرديد و حقيقت

مقصود مشهود بود احبای آلهی الحمد لله در جميع اقطار بخدمت آستان

مقدس قائم ودر نشر رايحه قميص يوسف رحمن جان فشانی مينمايند وتائيد از

کل جهات متواصل متتابع يويد من يشاء بفضله وجوده واحسانه و ينصر من يشاء؟بجنود

الهامه وحيوش فيضه وانعامه؟

انه هوالقوی القدير ملاحظه نمائيد که عبارت بان صريحی که فرموده وناعق را معين

کرده باز اين محتجبان در حجبات غفلت محتجب ذرهم فی خوضهم يلعبون ودعهم

فی غمراتهم يخوضون ع ع مقابله شد

امة‌الله ضجيع محترمه را تحيت برسان و همچنين دونهال بوستان محبت الله ع ع

جناب آقا ميرزا خليل حبيب عبدالبهاءست وخليل اهل ملاءاعلی تحيت ابهی برسانيد

وبه عنايت حضرت کبرياء مطمئن باشيد والبها عليهما ع ع

هوالابهی ش جناب حاجی ميرزا اسدالله عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

ص ١٨٠

خط مبارک ٢١٢ هوالابهی

ای ضرغام اجمهء‌ملکوت جمال قدم واسم اعظم روحی لاحبائه فدا در جميع اوقات

ذکراقليم فارس وشهر شيراز ميفرمودند وکمال عنايت ونهايت مرحمت رااظهارميفرمودند

که اهالی يعنی احبای آلهی فديتهم بروحی و ذواتی وکينونتی

مظهررحمتند وملحوظ بلحاظ عين عنايت وميل مبارک هميشه دراين بود که‌آن نفوس مبارکه

مظاهر آيات توحيد باشند ومطالع آيان تجريد دراعلاءکلمة‌الله رايات منشوره باشند

ودر نشر نسائم محبت الله آيات معروفه حال بايد احبای آلهی بر نصرت امرالله يعنی

هدايت نفوس چنان قيام نمايند که ندای تحسين وآفرين ازملکوت ابهی متتابع برسد که

طوبی لکم ياجنودالملاءالاعلی طوبی لکم ياهدات الوری طوبی لکم ياکمات ميدان التقی

ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش جناب حاجی ميرزااسدالله عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٢١٣ هوالابهی

ای ناطق بثنای آلهی لسان را ذکری و عقول را فکری لازم لکن اذکاروافکار مختلف

ومتفاوت قومی بذکر حقائق موهومه وانعکاسات شبحيه مشغول گردند چون

آن اوهام زائل و آن انعکاسات ظليه آفل گردد خائب وخاسر شوند وجمعی

آن اوهامرا از بدايت زائل وآفل بينند وحقيقت شاخصه و ذاتيت قائمه وکينونت

ص ١٨١

باقيه طلبند و بکوشند وبجويند وبشتابند تابرسند والبهاء عليک ع ع مقابله شد

بواسطه ورقه مبارکه والده آقاميرزا هادی افنان عليها بهاءالله الابهی

شيراز امة‌الله صبيه آقا ميرزا اسدالله شيرازی عليها بهاءالله الابهی

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٢١٤ هوالله

ايکنيز عزيزآلهی نامه تو رسيد بسيار خوش مضمون بود زيرا دليل براشراق نورهدی

وتائيدات ملکوت ابهی وانجذاب بنفحات الله و خلوص نيت وپاکی فطرت بود

لهذا بدرگاه‌احديت تضرع نمودم وترا موهبتی آسمانی خواستم ونعمتی جاودانی طلبيدم

تا مشمول الطاف وعنايت باشی و منظورنظر حضرت احديت گردی از عدم فرصت

مختصر مرقوم شد و عليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

خط مبارک ٢١٥ هوالابهی

ای مدهوش جام خلت آلهی عليک بهاءالله وفضله وجوده‌المتوالی آفتاب دم غروب

و افول است وهوا تاريک و چشم از صدمات مصيبت کبری بکلی ضعف برآن مستولی

گشته باوجود اين محبت احبای آلهی چنان محيط و مستوليست که بحرکت دست اين نامه

مرقوم ميشود چه که بذکرشما قلب ؟را روح وريحانست ديگر ملاحظه کن چقدرعزيزيد وچه

مقدار مکرم ومحترم والبهاء عليک ع ع مقابله شد

هوالله

شيراز جناب آقامحمد الشهير باميرزا بزرک عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ص ١٨٢

خط کاتب ومهر مبارک ٢١٦

ای ثابت بر پيمان نامه آن روحانی ملحوظ اين بنده فانی شداز صعود آن فائز بمقعد

صدق در جوار رحمت كبري يعني چراغ بها محزون مباشيد زيراآنسراج در زجاج مغفرت ؟

عظمی برافروخت ودر انجمن لالا روشن گشت مناجاتی در طلب مغفرت تلاوت شد

بنجل مجيد ايشان برسانيد امااز جهت فتور درارسال رسائل اينعبد را البته معذور

خواهيد داشت زيرا ندانيد که چه طوفانی و چه موج و هيجانيست البته منشيان

و حمليان ؟ چند وکتبه و سفره کرام برره از عهده قرائت اوراق وارده بر نيايند

تا چه رسد بتحرير جواب يا خطاب من دون سئوال ولی جمال قديم آگاه اين قلب

سليم است که لحظهء‌از ياد ياران فراغت نه ودمی از همدمی ذکر دوستان غفلتی نه

اصل اينست و چنين است لهذا خودرا محروم مشماريد و مرا معذورداريد نامه من

مسلسل الورود والوصول بان يار مهربانست در وقت فراغت در حالت توجه

ببقعه مبارکه دقت فرما که چگونه نامه های روحانی وکتاب مبين بواسطه پيک امين

ميرسد وهذا حق لاريب فيه اسئل الله بان يجعل التوفيق رفيقک والتائيد محيطاًبک

حتی تنال المنی فی آلاخرة والاولی وبلغ تحيتی الوافره واشواقی المتکاثره الی

سليلک السعيد والق کلمة‌التکبير من قلبی علی ضجيعک المحترمه المذکورة عند ربک

المجيد

ص ١٨٣

و عليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

هوالله

مناجات طلب مغفرت بجهت چراغ بها عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب امضاءومهر مبارک ٢١٧ هوالله

ربی ربی وملاذی وموئلی؟ ومعتمدی انی اتضرع اليک بروحی وقلبی وفوادی ان تدرک

عبدک چراغ البهاء برحمتک الکبری وتحفظه فی زجاج عفوک من ارياح العذاب

وقواصب العقاب رب رب انا خطاة وانت الغفور الرحيم ونحن عصاة و انت

العفوالکريم فلاتعافل بما نستحق وعاملنا؟ بعفوک وصفحک وفضلک يا رحمن ويارحيم

رب رب ان عبدک الوافد عليک القاصد باب حظتک ؟ م يزل عاشق ؟

متعطشاًلکاس لقائک مشتاقاًلمشاهدة جمالک مهتزاً بنفحاتک متمنياً

استماع خطابک راجياًالوصول الی اعتابک رب رب قدرله الفوزالعظيم

واطفح کاسه بالماءالمعين وارزقه مشاهدة النورالمبين وادخله فی فردوسک العظيم

وآنسه بلطفک الجليل واجعله مستغرقاًفی بحار رحمتک يا روف يا کريم ويا غفور يا

رحيم ع ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٢١٨

ای شارب سبيل عنايت آلهی نورالله جبينک بنضرة

النعيم بين وجوه العالمين قد تشرف رقيمک بساحة قدس محبوبک ومحبوب العارفين

انه يخاطبک من ملکوته الابهی و جبروته الاعلی ويقول ونريکم من افقی الابهی

ص ١٨٤

وننصر من قام علی نصرة امری بجنود من الملاءالاعلی وقبيل من الملائکة المقربين

اليوم يوم استقامت کبری وثبوت و رسوخ برامرالله است و حفظ و صيانت حصن

امراست از نعيق ناعقين وتمسک تام بعهد وميثاق آلهی فطوبی لمن لاتاخذه فی الله

لومة لائم والبهاء عليک ع ع مقابله شد

نيريز سروستان محله تزنک جناب آقا مرتضی زائر عليه بهاءالله

هوالله

خط مبارک حضرت شوقی افندی وامضای حضرت عبدالبهاء ٢١٩

ای ثابت برپيمان نامه که چند سال پيش فرستاده بودی امسال رسيد از مضمون مفهوم شد

که احبای سروستان وآن صفحات جميع خاضع و خاشع بملکوت آيات وعبدالبهارا در عبوديت

آستان مقدس شريک وسهيم اميد شديد آنست که آن نفوس نفيسه اوراق شجره

طيبه باشند وهمواره محفوظ از روايح خبيثه وراسخ و مستقيم در بين بريه ضلع محترمه

وصبايای مکرمه و عبدالکريم کريم و عبدالخالق فائق را تحيت ومهربانی برسان

از خدا خواهم که همواره مويد و موفق باشی واز درگاه احديت مغفرت خطايا

از برای والدين شما طالب وآملم و همچنين نهايت محبت و اشتياق را بنبده نير

آفاق جناب آقامحمد علی مکتب دار برسانيد وعليک التحية والثناء ٢٤ ک ١٩١٩

عبدالبهاء عباس مقابله شد بواسطه جناب آقا مرتضی زائرسروستانی

ص ١٨٥

اخوی ايشان جناب آقا محمدنبی و اخوی ايشان جناب حاجی بابا و اخوی زاده ايشان

جناب آقا اسمعيل واخوی زادگان ايشان وامة‌الله خيرالنساء وامة‌الله صغری

وامة‌الله ضلع شاه بی بی وامة‌الله بنت گلشاء وامة‌الله بی بی لقا عليهم و عليهن

بهاءالله الابهی هوالله ای منتسبين جناب زائر آقا مرتضی

خط کاتب امضاء ومهر مبارک ٢٢٠

برضای آلهی فائز وبفضل وموهبت ربانی فائز؟ از خدا خواهم که مانند آقا مرتضی شهيد

روحی له الفداء جانفشان گردد و بقربانگاه عشق شتابد تا در جهان ديگر علم افرازد

و موهبت ديگر بيند واز جام ديگر نوشد ودر عالم بالا ملکوت ابهی بياسايد در اينجا

بعتبه مقدسه التجا نمود واز برای هريک از شما موهبتی جديد رجاءوآرزو نمود من از

فضل اسم اعظم روحی لاحبائه الفدا نيز اميد وطيد دارم که هريک ازشما آيت کبری

گردد ونشانه ئی از ملاءاعلی شود بارخی منور وقلبی مطهر وروحی مبشربا خلق معاشرت

نمايد وباياران آميزش کند تاجميع مشامهای باز رايحه جنت ابهی استشمام نمايند وکل

ناظرين آثار ملاءاعلی مشاهده کنند اللهم ياآلهی ومحبوبی ومنائی قدشاع ذکرک وذاع

امرک فی اقليم انتسب الی مظهر رحمانيتک وتوطن فيه مطلع فردانيتک واهتدی

فيه نفوس طيبة طاهرة فانجذبت بانوار الجمال و اشتعلت بنار الوصال و خضعت

ص ١٨٦

لايات الجلال ونطقت بالثناء ونادت باعلی النداء وترنحت من صهبا الوفاء

رب اجعلهم مستغرقين فی بحارالعطاء وخائضين فی غمارالموهبة‌الکبری ليخرجوالئالی

الحقائق والمعانی من اصداف هذالبحر الذاخرالمواج علی الشواطی انک انت

المقتدرالعزيزالمتعال لااله الاانت السبوح القدوس العزيزالکريم ای اجبای زائر

عليک بهاءالله وثنائه صبيه صغيره را عطيه نان نه ع ع مقابله شد

شيرازوسروستان بواسطه جناب‌آقاميرزامحمد علی زائراحبای‌آلهی عليهم بهاءالله الابهی

جناب آقا ميرزا عبدالوهاب جناب آقا ميرزا کوچک جناب حاجی محمد ابراهيم

جناب آقا عبدالغفار جناب آقا ميرزا محمود جناب آقا ميرزا احمد علی

جناب آقا منوچهر فارسی جناب آقا رستم فولاد جناب محمد باقر

آقا ميرزا فتحعلی خان آقا حيدرعلی آقاميرزا عليمحمد آقاعلی نقی

آقا محمد حسنخان آقاميرزا حسنعلی آقاغلامعلی آقا مصطفی

آقاعلی نقی آقا مشهدی اسدالله آقا محمد حسين آقا عباسعلی

آقا محمد حسن آقا فيروز آقاسليمان آقاعلی آقا محمدباقر

آقا مصطفی آقاميرزاباقر حاجی محمد حاجی خان

ص ١٨٧

آقا محمد رضا آقابقا آقا محمد حسن استاد حسين

کربلائی شکرالله آقاسبزعلی آقاملا محمد علی آقاقربانعلی

آقا علی حاجی محمد شفيع آقاعلی حسين آقاميرزا حسين

آقا علی محمد آقا صادق علی آقا عزيزالله آقا مشهدی صفر

آقا محمد باقر عبدالله بهائی آقا عوض آقا قباد خان

آقا استاد حسن آقا علی محمد آقا محمدعلی آقا ميرتاج الدين

آقا ميرزااسمعيل آقا مير کريم آقا ميرغفار ميررسول خواجه زين العابدين

ملاآقااصطهباناتی جهانگير جهرمی عبدالرحيم آقا حسن

آقا عباسعلی آقاحاجی آقا عطاءالله آقا مسيح آقا عنايت الله

والده‌قباد خان والده‌مسيح الله والده‌ميرزا محمد علی صبيه حاجی محمدابراهيم

صبيه مرحوم حاجي عبدالباقي همشيره زاده

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٢٢١

ای ياران آلهی خطه شيراز منسوب بحضرت بينياز وموطن کاشف اسرار

براهل راز از آنکشور ماه منور طلوع نمود واز آن اقليم صبح منير سطوع يافت

مبشر جمال مبارک ندای آلهی را ازآن ارض نورانی بلند فرمود ومژده موعود بيانرا

ص ١٨٨

دراحسن القصص بابدع تبيان گوشزد شرق وغرب کرد اول ندا درآن خطه وديار

اوج گرفت ونفوس مبارکه نعرهء ربناانا سمعنا منادياًينادی للايمان ان‌امنوابربکم

فامنا برآوردند حال الحمد لله آن کشور بنورعرفان منوراست وآن خاک بپرتو

عنايت حق تابناک نفوسی درآن ولايت مبعوث شده اند که منعوت مخلصند

ومبغوط جميع روی زمين حال نهايت آمال عبدالبهاء چنان که در جميع شئون مظاهر

موهبت حضرت بيچون گردند علمی برافرازند که موج بر آفاق زند پری باز کنند که باوج

اعلی رساند نطقی بگشايند که بعظام رميمه جان بخشد روحی بدمند که نفوس ميته را

حيات جاودان مبذول دارد شجره غرس نمايند که سايه برامکان افکند خبائی بلند

نمايند که آفاقرا در ظل آرد موجی بزنند که در مکنون ولولو مخزون نثار کند

گلشنی بيارايند که بنافه اسرار مشام مشتاقانرا مشکبار کند شمعی بر افروزند

که روشنی ابدی بخشد جيشی برانگيزند که مدائن قلوب فتح نمايد عيشی مهيا سازند

که فرح وسرورابدی مبذول دارد پس بايد هريک ازاحبای آلهی عود

و رودی در دست گيرد وباهنگ بديع در اين گلشن آلهی نغمه وسرودی زند

و ولوله وشوری انگيزد ناطق باشد و منادی ناظرباشد در کمال فرح وشادی

ص ١٨٩

ترتيل آيات هدی کند وتفسير کلمات منزله‌ازسماء تهليل وتکبيربملکوت ابهی رساند

وتسبيح و تقديس بعالم بالاابلاغ دارد و عليکم البهاءالابهی‌آلهی‌آلهی‌ان احبائک

الاصفياءواولائک ؟الاتقياء مشتيتن الشمل فی البلاد ومغرقين الجمع بين العباد

يضطهدهم اهل الجفا ويضرط فيهم‌اهل الضغينة والبغضاءلم يزل ياآلهی يکمنون لهم ؟

بالمرصاد؟ ويرمونهم ؟بسهام حداد ويرشقون عليهم النبال ويسلون؟ عليهم السيوف بکل

عناد رب احفظهم بملائکة کلائتک واحرسهم تحت رعاية عين عنايتک واشهدهم ؟

بلحظات طرف رحمانيتک وايدهم علی هداية خلقک ووقفهم علی خدمة عتبة

قدسک و انصرهم بجنود الغيب واکفهم شرور اهل الريب وطيبهم بصميب ؟

سحاب عنايتک انک انت الکريم انک انت الرحيم وانک انت الله

ذوالفضل العظيم ع ع مقابله شد

هوالله

شيرازامة‌الله جماليه صبيه من‌ادرک لقاءربه مرحوم حاجی ميرزاعبدالحميد عليها

بهاءالله خط مبارک ٢٢٢ هوالله

ای ورقه موقنه نظم ونثر که از کلک وقريحه آن سر گشته و سودائی دلبر

آفاق جاری شده بود ملاحظه گرديد فی الحقيقه در نهايت ملاحت بود بثنای جمال

ابهی پرداز که ترا موفق بر نغمه سرائی در گلشن عشق آلهی نمود وهذا من فضل

ص ١٩٠

من الرب الودود فيهذااليوم المشهود فيظل المقام المحمود امة‌الله منجذبه والده

را تحيت ابدع ابهی برسان و همچنين سائر آماء رحمن را وبگو؟ اليوم روز فيروز

اشتعال و انجذاب و خرق حجباتست ع ع مقابله شد

شيراز جناب حاجی محمد علی زائر عليه بهاءالله الابهی

٢٢٣مهروامضاءمبارک هوالله

ای بنده آستان حق نامه شما رسيد ولی از عدم فرصت مجبوربر اختصار

جوابم ومعذورم ای ثابت برپيمان نامه جناب رستم فولاد وجناب بهرام رسيد محض

حبورشما وسرورايشان چند سطری جواب مرقوم ميگردد بجناب ميرزا علی آقا تحيت ابدع

ابهی ابلاغ داريد هر چند عبدالبهاء نهايت اشتياق بملاقات ايشان دارد ولی چون

موسم تابستانست وگرمای اين صفحات شديد لهذا بوقت ديگرمرهون دارند بجناب آقاعلی

اصغر وجناب آقا شکرالله و جناب آقا غفار و جناب آقامحمد ابراهيم زائر و جناب

آقا محمود عصار وجناب عبدالحسين خياط ازقبل من نهايت اشتياق ابلاغداريد و تحيت

ابدع ابهی برسانيد و بگوئيد ای ياران ايام ايام امتحانست وثبات واستقامت

مانند آب حيوان سبب زندگی سرمديست و حيات ابدی الحمدلله شما ازباده ثبوت

سرمستيد ودر بزم استقامت ساغرعهد و پيمان در دست لهذا بدرگاه احديت

ص ١٩١

شکرانه نمائيد که بچنين موهبتی موفقيد وبچنين عنايتی فائز ايجناب زائر يکسفری

بسروستان بنمائيد ويارانرا از صهباءميثاق نشئه بديعی ببخشيد وتحريص و تشويق

استقامت برامرنورمبين بنمائيد وتحريص برتبليغ و نشرنفحات الله بفرمائيد بلکه

انشاءالله سروستان جنت سروهای بيهمال باغ آلهی گردد وآن کشور بنفحات قدس معطر

وبنورهدی منورشود وعليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

سروستان بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا سيد حسين عليه بهاءالله

جناب حاجی محمد علی زائر عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٢٢٤ هوالله

ای ثابت برپيمان نامه شمارسيد مضمون چون دلالت بر عبوديت حضرت

بيچون مينمود سبب فرح وسرور گرديد ازالطاف حضرت حی قيوم اميدوارم که روز بروز

براستقامت وثبوت بيفزائی اما حضرت منشادی از اينجهان فانی آزادی يافت

و بجهان آلهی شتافت از شدت احتراق و کثرت اشتياق سراج در زجاج امکان

گنجايش نيافت لهذا بجهان بيپايان عروج نمود ياليت کنت معه فافوز فوزاً

عظيما باری فرشهای حاضر مقام اعلی را ارسال داريد ويک قالی بزرگ که منقوش

باين کلمه باشد مقام‌اعلی بافته بعدارسال داريد اماالوان قرمز وزرد درآن نباشد

ص ١٩٢

و طرح هرنوع که مصلحت ميدانيد وجناب تاج الدين صباغ بادوسليل اجازه آن دارند

که يکقطعه فرش بجهت مقام اعلی ارسال دارند وجناب محمود را تحيت ابدع ابهی

ابلاغ داريد وجناب ميرکريم ماذون حضورند وعليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

هوالله

ش جناب عبدالغفار عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب ومهروامضاءمبارک ٢٢٥

هوالابهی

ای بنده حق بعبوديت آستان جمال ابهی چون عبدالبهاء قد بفراز وبه بندگيش

قيام کن تا پيام آلهی بگوش جان بشنوی و پيک سروشرا متتابع الورود بينی

قسم باسم اعظم روحی لاحبائه الفداء عبدالبهاء آرزوی عبوديت آستانش

مينمايد ولی افسوس که چنانچه بايد وشايد تا حال موفق نگشته بلکه بدعای دوستان

وتضرع ياران موفق براين موهبت عظمی گردد استدعای حضور زيارت

تربت پاک نموده بودی آلان قدری موانع حاصل علی العجاله بنشرنفحات

مشغول شويد تا زمانش آيد وعليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا ميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

جناب آقا عبدالغفار شيرازی عليه بهاءالله الابهی

هوالله ای بنده جمال ابهی مکتوبت واصل شد وفرياد و فغانت مسموع گشت

ص ١٩٣

خط کاتب امضاء ومهر مبارک ٢٢٦

جميع مراتب وشئونرا فدای حضرت بيچون کن واز جميع قيود وارسته باش وبتائيد

جنود حق دلبسته ايام ميگذرد و هر حالی منقضی شود وهر عزت وراحتی منقرض گردد

جان و جنان و وجدان وروح وريحان وفضل حضرت يزدان باقی ؟ و ؟ برقرار ؟

جناب آقامحمد علی عمورا تکبير ابدع ابهی برسان و عليک التحية والثناء ع ع

مقابله شد

هوالله

بواسطه آقاميرزا هادی شيراز جناب آقا عبدالغفار عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب امضاو مهر مبارک ٢٢٧ هوالله ای بنده آلهی آنچه مرقوم نموده

بودی ملحوظ گرديد الحمدلله مومن بحضرت پروردگاری و موقن بخداوند بيهمتا

ثابتی و مستقيم ومتضرعی ومستديم دلگير مشو اسير مگرد زيرا رب خبير ترا

دستگير شود واجر جزيل عنايت فرمايد تاتوانی رضای پدر بطلب واز عدم

التفات ملال مجو زيرا حقوق ابوين مقدس است ولو جفا روا دارند ونظر

بقدر دانی منما بلکه اعتماد بر وعد پروردگار کن او خبير است وعليم ان ربک

لعلی صراط مستقيم ازحق ميطلبيم که آنچه خيراست از برای تو مقدر فرمايد

وبالطاف خداونديش بنوازد واجر خدمت مهيا سازد ولی توبايد چنان

آتشی از محبت الله در دل برافروزی که در هيچ حالتی ملال نياری چه که عالم کون

ص ١٩٤

اساسش بر تبدل وانقلابست وبسبب کون و فساد ازحالی بحالی انتقال نمايد

واستمرار ممتنع ومحال کن ناراًموقدة نورانية تحرق کل جاب ؟ و تلتهبت فی ارکان

العالم هذا هوالفوز الاعظم و عليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

شيراز بواسطه جناب بشير آلهی

جناب عبدالغفار شيرازی عليه بهاءالله الابهی

٢٢٨خط کاتب مهروامضاءمبارک هوالله

ای ثابت برپيمان نامه شما رسيد ونهايت سرور حاصل گرديد الحمدلله ياران آلهی

در وجد و طربند وبخدمت مشغول و ميکوشند تا قباله خانه حضرت حجت عليه بهاءالله

را از ورثه بهر وسيله است ابتياع نمايند و ارسال کنند قضيه خانه حضرت حجت

بسيار مهم است ومراد ما چنين است که مشرق الاذکار گردد لهذا البته همت

فرمائيد در خصوص مکاتيب مرقوم نموده بوديد اينعبد تا بحال بجان عزيزت فرصت

نيافته انشاءالله عندالفرصه قصور نخواهد گشت مطمئن باش ع ع مقابله شد

هوالله

شيراز سروستان جناب حاجی محمد علی عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ای ثابت بر پيمان نامه مسطور ملحوظ شد مژده ترقی وانتشار امرالله در سروستان

ص ١٩٥

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٢٢٩

داده بودی که بشت برين شده وباغ عليين گشته واحبای آلهی جمعند؟ وترتيل آيات

ميگردد ومستمعين درنهايت وله وانجذابند اميداست که سروستان بوستان سرو روان

گردد و گلستن حقايق و معانی شود و حديقه انيقه اسرار گردد همواره فقرا در ساحت

کبريا معزز ومحترم بوده و هستند زيرا مورد بلا و معرض انواع ابتلا هستند

با وجود اين در يوم ظهور صابر وشکور ودر نهايت سرور و حبورند امة‌الله الموقنه

والده را تحيت ابدع ابهی ابلاغ داريد و همچنين ضلع محترمه را ذکر سيدابرار

شعله انوار حضرت آقا مرتضی نموده بوديد آن نام مبارک چون قرائت گرديد

چنان حالتی دست داد که بی اختيار بتحرير جواب پرداختم والاابداًفرصت نداشتم

اين از برکت نام مبارک آنشهيد سبيل جمال ابهی است عليه التحية وعليه البرکة

و عليه السلام وعليه والثناء وعليه البهاء فی الملا الاعلی مناجاتی در ذيل اين

نامه بخط خود مينگارم وهذه من برکة ذلک الشهيد السراج الوهاج المتلئلاًفی

الزجاج الابدی علی القرون والاعصار و عليک البهاء الابهی ع ع

هوالابهی

يارب العهد والميثاق تری عبدک اسير الاشواق ملتهب الاحشاء

ص ١٩٦

مناجات خط مبارک‌است

بنارالفراق فی اشد احتراق قريب المحاق قليل الخلاق خليع الغداربحبک فی آلافاق

حليف الجوی عظيم الاسی سميراهل الاشراق رب ثبت قدمی علی صراط الوفاق واحفظنی

من النعاق واجعل لی مخرجاًوارزقنی واحبتک من رحمتک و احرسنی فی کهف حمايتک

وهل لناغيرک من واق رب اجعل‌المعسور ميسورا والبيت المطمور معمورا واليد المغلوله

مبسوطة والقلب المکسور مجبورا والسراج المخمود موقوداًانک انت

المقتدر العزيز الکريم ع ع مقابله شد

سروستان جناب حاجی محمد علی زائر عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٢٣٠

هوالله

ای يار مهربان نامه مسطور وصول يافت و مضامين دلنشين سبب فرح

وسرور قلوب مشتاقين گشت زيرا دليل بر خلوص نيت و سمومقصد وارتباط قلبی

وانجذاب وجدانی بود يقين است که مورث شادمانيست قاليهائی که بجهت مقام

اعلی ارسال نموده بوديد رسيد ومتممش انشاءالله نيز ميرسد جميع ياران را

تحيت ابدع ابهی فرداًفرد برسان وبيان اشتياق کن تضرع بملکوت ابهی شد

وازبرای جناب ملا محمد رفيع رجای عفووغفران گشت و همچنين بجهت امة الله زکيه

ص ١٩٧

طلب بخشش و آمرزش گرديد و عليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

شيراز بواسطه جناب بشير آلهی

جناب حاجی محمد ابراهيم زائرشيرازی عليه بهاءالله الابهی

٢٣١ خط کاتب مهر وامضاءمبارک

هوالله

ايزائر مشکين نفس نامه شما رسيد بشارت بهبودی از عليلی ؟سبب سرور

قلبی گرديد درپناه حفظ وحمايت حق همواره محفوظ ومصون باشيد هيچ قصوری

نداری وفتوری ننمودی مظهرالطاف موفوری و مشمول نظر عنايت رب غفور عدم

ارسال مطلوب ازکثرت مشاغل و غوائل است بجان عزيزت قسم که ابداً فرصت

ندارم واين نامه ئی که الان مرقوم ميشوداز کثرت محبت است والامجال معدوم

جميع ياران آلهی را تحيت ابدع ابهی برسان و عليک البهاءالابهی ع ع مقابله شد

سروستان جناب ميرزاآقا بابا عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٢٣٢

هوالله

نامه شمارسيد وچون قرائت گرديد بدرگاه احديت تضرع وزاری شد وطلب

تائيد نامتناهی گرديد مطمئن باش و معتمد برالطاف حضرت رحمان آقاسهراب اجازه

ص ١٩٨

زيارت بقعه مبارکه دارد ولی درزمستان آينده وعليک البهاءالابهی ع ع مقابله شد

١٥ ج ١ سنه ١٣٢٨ سروستان جناب ميرزا حسينعلی عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٢٣٣

هوالله

ای يار حقيقی لوح مسطورمنظورگرديد وقلب مشتاق فرح وانبساط يافت الحمدلله

آن نفس نفيس منجذب ملکوت انوار شد ومطلع اسرار گرديد پرتو شمس حقيقت مشاهده نمود

ومائده‌آسمانی آماده يافت از چشمه حيات ابديه نوشيد واز الطاف مليک وجود

بهره ونصيب برد ديده بينا گشود و مشاهده آيات کبری کرد وبانچه منتهی آمال اوليا

واصفيا بود فائز گرديد طوبی لک من هذاالفضل العظيم بشری لک من هذاالفوزالمبين

وعليک البهاءالابهی ع ع مقابله شد

ای پروردگار پدراين بنده جديد رادرملکوتت عزيزنما ومادراين محرم راز را دراوج

اسرارپروازده غريق دريای غفران نما ورفيق اهل‌ايمان کن پرتو عنايت بخش وفيض عفو و

احسان رايگان فرما توئی آمرزنده و غفور وعفو وروف ومهربان لااله الاانت الرحمن

الرحيم جناب ميرزامحمدعلی خانرااز خوان نعمت آسمانی برخوردار کن وتحيت مشتاقانه

عبدالبهاءبرسان و جناب ميرزانظام رابالطاف عزيزعلام نويد بخش وبعنايت مخصوصه

ص ١٩٩

اميد ده‌اميدم چنانست که جناب آقامحمد صادق نخلی باسق گردد ونوری بارق شود ونجمی

بازغ گردد و جناب جهانگيرخان راطالع کوکب منيراست وحی قدير مجير ودستگير جناب

آقا سلمان ثابت برعهد وپيمان ومظهرالطاف رب رحمان و جناب خليل دراين بساط جليل

است ومشمول الطاف حضرت رحمان ورحيم ميرزا علی آقا موردالطاف بيمنتهی ومشمول عنايت

جمال ابهی ع ع مقابله شد

شيراز و سروستان بواسطه جناب بشيرآلهی

جناب حاجی محمد علی زائرشيرازی عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٢٣٤

هوالله

ای ثابت برپيمان نامه مرسول رسيد دلالت بر مسرت دل وجان وفرح

وشادکامی وجدان داشت بدرگاه احديت بشکرانه پرداختم اما شکايت فرموده بوديد که

مدت چهارماه‌است بنامه ئی موفق نگرديدم ای يار عزيزاين قصورازمن نيست از کثرت

اشتغال جمهوراست اگربدانی که عبدالبهاء درچه دريامستغرق البته معذور داری اگر

جميع اوقات خويش حصردر قرائت نامه نمايم البته از عهده برنيايم ديگر ملاحظه فرما

که مشاغل وشواقل و مشاکل سائره چه خبراست اجازه حضور از برای جناب غلامرضا وجناب

آقا حسين واولادامجاد خواسته بوديد حال وقت مناسب نه انشاءالله درسنه آتيه اجازه

داده خواهد شد جناب آقا شکرالله وجناب آقا ميرزا محمود عصار و جناب آقاميرزااحمد

و جناب آقا ميرزا علی محمد و جناب حاجی محمد ابراهيم و جناب

ص ٢٠٠

آقاميرزا رجبعلی وجناب آقاميرزا علی‌آقا وجناب ميرزاابوطالب عصار وجناب آقاميرزا

سيد علی جميعراازقبل من بانهايت اشتياق تحيت ابدع‌ابهی ابلاغ داريد ع ع مقابله شد

بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاسيد حسين

سروستان جناب حاجی محمد علی زائرشيرازی عليه بهاءالله ابهی

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٢٣٥

هوالله

ای ثابت برپيمان نامه شمارسيدالحمدلله دليل جليل براستقامت درسبيل آلهی بود و

برهان شوق واشتياق جانفشانی درسبيل نيرآفاق سئوالی نموده بوديد درقرآن ميفرمايد

خذ واحذرکم؟ اگر قافله ئی کوه وصحرای پرخطری طی خواهدالبته بايد محافظه خويشرا

ملاحظه نمايد وآنچه سبب حفظ است منظوردارد احبای آلهی بايد با جميع ملل وطوائف

عالم بنهايت محبت ومهربانی جانفشانی کنند وبا کمال صبروتحمل حذرازتعرض ناگهانی

نمايند خلق بغايت بی انصافند وطينتشان مجبول ؟ ظلم واعتساف احبای سروستان فی

الحقيقه از راستانند وعاکفان آستان عبدالبهاءنهايت رضاازآنان دارد که بکمال

حب و خلوص بخدمت آوارگان نيريز پرداختند فی الحقيقه جان عزيز فدا نمودند و در

جميع موارد از هيچ بلائی خوف وپرهيز ننمودند اينست صفت ثابتان اينست سمت

راسخان بر عهد وپيمان جناب آقا محمدباقر وجناب ميرزارجبعلی وجناب ميرزاعلی آقا

وجناب ميرزااسمعيل راازقبل من نهايت اشتياق ابلاغ داريد روزی بالنيابه ازايشان

ص ٢٠١

بزيارت روم وسر باستان نهم وطلب عون و عنايت کنم که تائيدی جديد رسد وتوفيقی

بديع حاصل گردد وهمچنين جناب حيدرعلی سروستانيراازقبل اينفانی محبت ومهربانی

مجری داريد وعذرنامه مخصوص منفرداًبخواهيد بجان عزيز او که ابداًفرصت ندارم

والامکتوب مفصل مرقوم مينمودم وعليهم وعليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

بواسطه بشيرآلهی سروستان جناب حاجی محمد علی زائرشيرازی ساکن سروستان

عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٢٣٦ هوالله ای زائر مشکين نفس نامه شمارسيد

ومضمون مفهوم گرديد معلومست سزاوار ياران عبوديت آستان است و خدمت

بعتبه مقدسه مبشر جمال رحمان چهارپارچه فرش که بجهت مقام اعلی فرستاده‌ايد ميرسد

وانشاءالله ببافتن خامس موفق ميشوی مرقوم نموده بودی که سروستان گلستان

بهائی شده اين خبر روح و ريحان آورد اميد وطيد است که روز بروز اين موهبت

مزداد گردد جناب آقا ميرزا اسماعيل را از قبل من نهايت اشتياق ابلاغ داريد

وامة‌الله بهيه خانم را تحيت ابدع ابهی برسانيد وامة‌الله والده بهيه خانم را

احترامات لازمه مجری داريد وجناب کربلائی آقاشکرالله و جناب علی آقا و جناب عطا

و جناب فيروز و جناب آقاميرفتحعليخان و جناب آقاميرزا رجبعلی وجناب آقا ميرزا

آقا و جناب

ص ٢٠٢

آقا غلامحسين رااز قبل من نهايت محبت ومهربانی و غايت اشتياق وجدانی ابلاغداريد

دائماًبذکر ايشان مشغولم واز الطاف خفی الالطاف اميد عنايت دارم اين ايام

حکمت اقتضای حضور ننمايد انشاءالله در وقتش اذن داده ميشود ای ثابت بر پيمان

نامه شما در خصوص اعانه بازماندگان شهداءقرائت گرديد بموجب دستورالعمل

جناب افنان آقاميرزا آقا خود به نيريز برويد وآنمبلغ اعانت را باطلاع جناب

حاجی محمد رحيم واعضای محفل روحانی تقسيم بين فقراء بازماندگان شهدا نمائيد

و هرچه زودتر تقسيم وتوزيع گردد بهتراست واما حرکت بعضی از دوستان يزدان باين

سمت حال موافق حکمت نيست دونفر در موسم بهار بيايند تا پيش از تابستان مراجعت

کنند ای پروردگار علی ناکام هدف رصاص گرديد اورا بدخول درملکوت خويش

بزرگوارکن بيامرزوببخش ودر جهان خويش سرافرازکن انک انت الکريم العزيز الوهاب

ايثابت برپيمان سئوال نموده بودی که اگر نفسی چيزی نذر عبدالبهاء نمايد نتايج

ومداخل آن بايدارسال شود يابفقرا توزيع گردد صرف آن بايد درهرصورت باذن واجازه

باشد وهمچنين صرف حاصلات اوقاف حال بايد باذن واجازه عبدالبهاءباشد

بجناب والد ووالده تحيت ابدع ابهی ابلاغ دار وعليک البهاءالابهی ع ع مقابله شد

ص ٢٠٣

٢٣٧ خط مبارک هو ايزائرمشکين نفس نصف شب است اندک فرصتی ؟حاصل چند کلمه تحرير

ميگردد آنورقه مظلومه مقتوله در پناه حضرت مقصود مرحومه ومغفوره است اما انقلاب

احزاب عاقبت نماند ولضطراب زائل گردد ولی بعد از مشقات زياد ع ع ؟

ش جناب حاج محمد ابراهيم عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

خط مبارک ٢٣٨

آلهی تری ان اسراء سبيلک عطاشاً ظماء بسلسبيل عنايتک فقراء باب احديتک

جياعاً؟ لنوال نعماءالتی نزلت من سماء رحمتک ايرب ايد عبدک هذا علی ماتحب

و ترضی والانقطاع عماسواک بحولک و قوتک ونور وجهه بين ملاء الانشاء بنورک

الذی تختص برحمتک من تشاء و اجعله آية توحيدک و راية تفريدک ومنشاء انوار

حبک بين خلقک انک انت العزيزالمقتدر المحبوب والبهاءعليک ع ع مقابله شد

هوالابهی

بواسطه حضرت عندليب جناب عبدالغفار شيرازی واحبای سروستان

جناب استاد نجف جناب آقا علی جناب آقا محمد باقر جناب آقا محمد حسنخان جناب

مشهدی نظر علی جناب مشهدی خسرو جناب آقا غلامحسين جناب مشهدی صفر علی

٢٠٤

جناب حاجی محمد ابراهيم عليهم بهاءالله الابهی

هوالابهی

خط مبارک ٢٣٩

ای ثابتان ای راسخان فيض ميثاق آفاقرا زنده کرد واهل اشراقرا بشوق وشعف

آورد ولی اهل شقاقرابلاء عظيم وعذاب اليم بود چون بوم مشئوم بانگ شوم بلند

نمودند ودر زوايای خرابه ها يعنی قلوب اهل نفاق القای شبهات نمودند پس شماها

که بازهای سپيد اوج اعظميد و عقابهای کهسار ميثاق جمالقدم نگذاريد که

اين جغدان بيحيا ميدان گيرند وصوت مشئوم را درآن مرزوبوم بلند نمايند اگرچه

جنود ملکوت جمال معبود مهاجم براين قوم عنوداست و عنقريب لا تسمع لهم صوتاً

وذکراً ولا همسا وترونهم فی خسران مبين ع ع مقابله شد

شيراز بواسطه بشيرآلهی جناب آقاميرزا ابوالحسن نيريزی جناب آقا عطاءالله

جناب آقاامان الله جناب آقا عزيز الله عليهم بهاءالله‌الابهی

مناجات طلب مغفرت بجهت ابوی اين نفوس مبارکه

خط کاتب وامضاءمبارک ٢٤٠

هوالله

آلهی آلهی هذا عبدک الذی اشتعل بنارمحبتک وانجذب بنفحات قدسک ولبی لندائک

خدم عتبة رحمانيتک وترک سلالة طيبة متضرعة الی ملکوتک فصعد اليک

ص ٢٠٥

راجياًفضلک و عطائک متمنياًقرب جوارک مستغفراً ؟ معتمداً علی عفوک

ياعزيزويا علام رب اغرقه فی البحرالغفران وطهره‌من وضر؟ العصيان و احفظه من

النيران وادخله فی بحبوحة الجنان و افلده ؟ فی جنة الرضوان ارزقه لقائک ياعزيز

ويامنان وانزل علی سلالته الطيبة واجعلهم خير خلف لخير سلف واحفظهم من سهام

الشبهات واشرح صدورهم بالايات البينات وانطقهم بالثناء عليک والتوجه‌اليک والتضرع

بين يديک انک انت الکريم انک انت الرحمن الرحيم عبدالبهاء عباس مقابله شد

بواسطه بشيرآلهی جناب حاجی محمد علی عليه التحيةو‌الثناء

خط کاتب امضای مبارک ٢٤١

هوالله

نامه شما رسيد ذکر مطلوب خويشرا نموده بودی که هزار وپانصد تومان سند

در دست داری اگر چنين است يقين است که آنشخص در حق شما بنهايت تمکين و

خوشرفتاری مينمايد وبکمال خوشی دين شما را ميدهد زيرا حسن رفتار دارد والبته

شما بحسن رفتار موفقيد دراينصورت ميان شما واو خلافی نخواهد ماند من ايشانرا

سفارش مينمايم که بهيچوجه کوتاهی ننمايند وعليک التحية والثناء عبدالبهاء عباس

بواسطه جناب بشيرآلهی جناب حاجی محمد علی زائر عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ای بنده جمال مبارک نامه شمادرپاريس رسيد دروقتيکه نهايت‌اشتغال موجود باوجوداين

ص ٢٠٦

خط کاتب‌امضاءمبارک ٢٤٢

مختصر جواب مرقوم ميگردد شش پارچه قالی مقام مبارک حضرت اعلی را بفرستيد بايک

پارچه يک ذرع ونيم ولی بواسطه شخصی که بهمراه خود نقل نمايد اگر تسليم کشتی شود

دوسال طول ميکشد تابرسد وشايد نيز گم شود بجناب ميرزا محمود عصار وجناب رستم

جوانمرد و جناب فريدون رستم و جناب حاجی محمد ابراهيم وجناب شهريارفارسی جميعاً

تحيت ابدع ابهی بانهايت اشتياق ابلاغ داريد وعليک البهاءالابهی عبدالبهاء عباس

مقابله شد

شيراز بواسطه جناب آقا سيد حسين افنان عليه بهاءالله جناب حاجی عبدالغفار

عليه بهاءالله الابهی

مناجات طلب مغفرت بجهت مرحوم حاجی محمدابراهيم وحاجی محمد علی وامة عشرت بيگم

عليهم بهاءالله الابهی

خط کاتب امضاءمبارک ٢٤٣

هوالله

آلهی آلهی ان هولاءتبتلواالی ملکوتک الابهی وتضرعواالی جبروتک الاعلی و تمنوا

الفناءشوقاًللقا وترکواالحضيض الادنی توقاًالی الاوج الاعلی رب انهم ضعفاءقوهم

بقدرتک وفقراءاغنهم بموهبتک واذلاءعززهم بسلطنتک ليس لهم ملجاء الاانت ولا ملاذ

الاانت انت کهفهم المنيع وملجاهم الرفيع آلهی ارجوک الرحمة والغفران لاناس ترکوا

الاوهام وتطهروا من العصيان وتبروا من اهل الطغيان وتنزهوامما لا ينبغی فی ايام

ظهورک بين الانام رب اکرم لهم المثوی ووسع لهم الماوی واقص لهم المارب وهياء

ص ٢٠٧

لهم الرغائب ولاتحرمهم من‌الالطاف ولاتجعلهم محرومين من‌ابدع‌الاوصاف عليهم ياآلهی

وکملهم ؟وادف بعهدک وتمم وعدک وخض بهم فی بحارالغفران واعرقهم فی ؟ الاکبر

بالفضل والاحسان حتی يرتلواآيات عفوک فيملکوت الاسرار و ينشرحوا بالفيض المدار؟

فی عالم الانوار انک انت العزيز الغفار عبدالبهاء عباس ٢٨ ع ثانی ١٣٣٨ حيفا

جناب حاجی محمد علی شيرازی عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٢٤٤

هوالله

ای ثابت برعهد الحمدلله موفق بر آن شدی که خدمتی بمقام اعلی نمائی اين فرش

درساحت عرش مفروش شد وتا ابدالاباد خدمات معروف ومذکور فاشعرالله ؟ علی هذا

الفضل المشهود و عليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

هوالله

بواسطه حضرت رفيع عليه بهاءالله جناب حاجی محمد حسين بزاز عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٢٤٥

هوالابهی ای بنده حق شفقت خداوند را دقت نما که يارانش فراموش نکردند

تفقد دلها کند و تطييب خاطر ياران مدد فيضش رسد وجان پژمرده را تر وتازه فرمايد

سکوترا تبديل بنطق کند و سکونرا مبدل بانجذاب و شوق در خت اميد را طراوت

ولطافت جديد احسان کند و فقدان شديد را وجدان بديع بخشد مرغ سحررا دوباره

نغمه روح پرور بخشد وخزان حرمانرا بنو بهار گل وريحان مبدل فرمايد شکرکن خدارا

ص ٢٠٨

که بازطوطی شکرشکن گشتی ويعقوب آسا ديده‌ازيمن پيرهن گشودی وبرائحه قميص يوسف

آلهی مشام معطر نمودی وعليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

هوالله

جناب ملا قاسم کناره ئی عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٢٤٦ هوالله

ای بنده آستان مقدس درنامه آرزوی خدمت ياران آلهی نموده بودی ازاينجهت جواب

نامه بخط خود بکمال تعجيل وسرعت مرقوم مينمايم زيرا اين آرزو نهايت آمال

عبدالبهاءست اميدم چنانست که هردو موفق باين موهبت گرديم ع ع مقابله شد

هوالله

جناب زائر آقامحمد حسين عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٢٤٧

هوالله آلهی آلهی هذا طير طار من اوکارالاوطان قاصداًمطارطيور القدس

فی البقعة النوراء وکلت اجنحته وتعبت قوادمه واباهره حتی نزل بهذه‌الحديقه‌الغلبا

وتشرف بالانتقال الی هذه‌الغياض والرياض المبهتجه للاعين والابصارايرب هذاالطير

منکسرالجناح خافض الاباهروالخوا فی لاحبائک فيکل الاوان اجعل له وکراًفی فروع

ايکتک التی اخفيته عن ابصارالغافلين عن الطافک الظاهرة‌للابرارايرب خصصه بنعمتک

السابعة و رحمتک السابقه انک انت الکريم الرحيم الوهاب ايرب ثبته علی دينک وايده

علی الاستقامة‌الکبری انک انت المويدالموفق العزيزالرحيم‌الوهاب ع ع مقابله شد

ص ٢٠٩

بواسطه حضرت بشيرآلهی جناب آقافضل علی شمس آبادی عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٢٤٨ هوالله

ايثابت بر پيمان نامه رسيد وبدرگاه احديت عجز وزاری گرديد که اسباب راحت

وآسايش دل وجان ازبرای تومهيا گردد تعلق باينعالم جائزنه وتعمق ؟دراين دريا

لزوم ندارد بايد بانقطاع الی الله تعلق يافت تا راحت جان وآسايش دل وفراغت قلب

واطمينان نفس حاصل گردد ازبرای ايامی چند زندگانی اندوه وغم وناکامی جائزنه

فنعم ماقال بگذرد اين روزگارتلختراز زهر باردگر روزگار چون شکرآيدازفضل حق

راحت اينجهان نيزازبهرتو طلبم وعليک البهاءالابهی ع ع مقابله شد

شيراز بواسطه جناب بلور فروش جناب فضلعلی عليه بهاءالله

هوالله

خط کاتب امضاءمبارک ٢٤٩

ای ثابت بر پيمان نامه رسيد دست تضرع وابتهال بدرگاه ذوالجلال بلند گرديد

واز برای آن ثابت راسخ طلب عفو وغفران ازدرگاه احديت شد وطلب تائيد گرديد

تا موفق بخدمت ياران آلهی شوی ومويد بفيض نامتناهی اين‌ايام سفربسهولت ممکن نه

لهذا مرهون بوقت ديگر فرمائيد واز درگاه حضرت رحمن عفو وغفران ازبرای ابوين

وقرينه محترمه وامها شد اميدوار بفضل حق باشيد ازاحبای شمس آباد ستايش زياد

نموده‌بوديدمن نيزازالطاف خداطلب موهبت وعنايت ازبرای ياران شمس آباد مينمايم

ص ٢١٠

بفريدون پسررستم ازقبل من تحيت محکم برسان زيرا بسياراورا دوست دارم واميدم

چنانست که فيض وبرکت حاصل گردد وعليک البهاءالابهی ١٢شوال ١٣٣٧ عبدالبهاءعباس

مقابله شد

شيراز بواسطه حضرت بشيرآلهی جناب فضلعليخان عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٢٥٠

ای ثابت برپيمان نامه رسيد وازوقايع مولمه شمس آباداطلاع حاصل گرديدالحمدلله

بيک درجه بعضی ازياران محفوظ ماندند والبته تا بحال دست تطاول اهل عدوان

کوتاه گشته بقول سعدی پلنگان رها کرده خوی پلنگی اين عصبه اشقياايرانرا

ويران نمودند وعنقريب بزيان وخسران مبين مبتلا گردند عبدالبهاء نتايج جميع

اين بلايا ومحن ورزايا را دربدايت انقلاب مشروح ومفصل بکل نگاشت حتی باعاظم

رجال و وزراء طهران ولی گوش اگر گوش من وناله اگر ناله تو آنکه البته بجائی

نرسد فرياداست چنانکه درقرآن ميفرمايد فما لهولاءالقوم لايکادون يفقهون حديثاً

آنچه مابيش گفتيم آنها کمترشنيدند عاقبت بخسرن مبين افتادند علماءرسوم يعنی

آيات متشابهات غير محکمات و حجج غيربالغه مداخله درامور جمهور نمودند ودر

سياست رياست يافتند وعاقبت کارراباين درجه رساندند هنوزمردم متنبه نميشوند ضعف

الطالب والمطلوب ويعبدون من دون الله مالاينفعهم ولايضرهم بئس‌المولی وبئس العشير

ص ٢١١

وعليک البهاءالابهی ع ع مقابله شد

بواسطه امة‌الله زائره جميله عليها بهاءالله الابهی

شمس آباد تخت جمشيد جناب فضلعليخان جناب کربلائی عباسعلی جناب ميرزا آقا

جناب ميرزا ابوالحسن جناب ميرزا عبد الحسين جناب حسنخان جناب محمد حسن

جناب آقا محمد جناب آقا محمد ابراهيم جناب شاه مراد جناب محمد ميرزا

جناب استاد جعفر جناب حمله ؟ وسعدی ونوروز علی وکربلائی خليل و کربلائی

ملک محمد ومحسن وسيد کاظم وقربان وقاسم ومصطفی خان ومرتضی خان وضياءالله خان

عليهم بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب امضاءمبارک ٢٥١

ای ياران مهربان عبدالبهاء نامه جمعی از شما وصول يافت وسبب حصول سرور

گرديد در نهايت حلاوت وملاحت بود زيرا دليل بر رقت قلوب و انشراح

صدور بود وعبدالبهاء بنهايت خاكساري بحضرت باري عجز وزاري مينمايد كه آن نفوس

بزرگوار مورد الطاف پروردگار گردند واله وشيدا و سرگشته وپرسودا اهنگ عشق

جمال ابهی بنوازند و در آن اقليم شور و ولهی اندزند وبتبليغ پردازند تا نفوس

مرده زنده گردند وگياههای پژمرده برشحات ابر عنايت تر وتازه شوند وعليکم البهاء

الابهی ٩ محرم ١٣٣٨ عبدالبهاء عباس مقابله شد ٩

ص ٢١٢

بواسطه جناب آقاميرزا هادی افنان و حضرت محمد رضا ميرزا شمس آباد صهر حضرت

عندليب جناب ميرزا فضلعلی عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب امضاءمبارک ٢٥٢

ای ثابت بر پيمان از عدم مجال مختصر مرقوم ميگردد مطمئن بفضل و عنايت حضرت

مقصود باش که زراعت پربرکت گردد وعاقبت نهايت راحت حاصل شود

تا توانی بر ثبات و استقامت بيفزا از امتحانات فتور ميار پرسرور وحبورباش

واميد بفضل موفور دار بامة‌الله روحا صبيه جليله حضرت عندليب تحيت ابدع ابهی

برسان وبصبايای صغيره واولاد کوچک آنمقرب درگاه کبريا نهايت نوازش

نما ازالطاف آلهی اميدوارم که موفق بپرورش و نوازش آنان گردی و عليک

البهاء الابهی ٢٧ محرم سنه ١٣٣٩ بهجی عکا عبدالبهاء عباس مقابله شد

هوالابهی

بواسطه عليرضاخان ش جناب فضلعليخ‌ان

شمس آبادی عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک است ٢٥٣

ای بنده حضرت احديت ناری از محبت الله در دل و جان برافروختی تا جهانی را

پرشعله نمائی مطمئن باش که چون شعله طور دليرا بوله و شور آرد چنان حرارتی ظاهر

نمايد که عاقبت آن شعله جهانگير گردد وآن روشنائی بفلک اثير رسد پس ای يار

ص ٣ا٢

رحمانی تاتوانی آتشرا مدد ازنفحات قدس ملکوت ابهی خواه وشدت حرارت

بطلب تاتاثيرش بدورتررسد وبحر وبررااحاطه کند والبهاء عليک ع ع مقابله شد

هوالله

امة‌الله ضلع حاجی ميرزا عليها بهاءالله ابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

خط مبارک است ٢٥٤

ای ورقه طيبه آماء آلهی وکنيزان حريم رحمانی بايد بصفتی وسمتی؟در بين نساءعالم

محشور گردند که مشاربالبنان باشند و مشهوره بين طوائف نسوان يعنی بعفتی

فائق و عصمتی ثابت وايمانی کامل و بيانی واضح ونطقی فصيح وبرهانی بديع

وعلوی رفيع معاشرشوند توازخدا بخواه که جميع‌اين مواهب رادريابی ع ع مقابله شد

هوالله

ش جناب اسدالله عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک است ٢٥٥ هوالله

ای متوجه الی الله شمع هدايت چون بفضل جمال مبارک در زجاجه امکان

روشن شدانوارساطعش آفاقرا احاطه نمود وشعاع لامعش ابصار را بصائر کرد

قوت قديمه قدرت حادثه راالبته فائق آيد وتجلی نور ظلمات ديجور را مهلک وکاشف

گردد والبهاء عليک ع ع

هو رب وفق هولاءالمنفقين علی کل خير فی الملک والملکوت بما انفقوا

ص ٢١٤

اموالهم فی تاسيس اول مشرق الاذکارفی قطب الدياروبذلوامااعطيتهم فی نباءبيتک

المعمور بسعی مشکور ولهم الجزاء الموفور يا مويد کل عبد شکور رب وعدت عبادک

فيکل حسنة عشرة امثالها فقدر لهولا و اضعاف امثالها العشره واجعل البرکة

تحيط بهم منکل الجهات يارب الايات انک انت المعطی العزيز الوهاب و انک

انت الکريم الرحيم وقد سبقت منک الکلمات فيحق کل من قام علی نصرة امرک

من اهل الارض والسموات يارب الخيرات وقابل الحسنات والمبرات ع ع مقابله شد

هوالابهی

جناب افنان آقا سيد آقا عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٢٥٧

ای افنان سدره منتهی چنديست که بهيچوجه خبری از شما نرسيده وروشنی ازافقتان

ندميده البته مشغوليت زياد داريد الحمدلله از خمودت نيست زيرا افنان

اين شجره مبارکه بايدانشاءالله بثمراتی مثمرباشند که مظهرمن اثمارهم تعرفونهم

گردند ای شاخ شجره لا شرقيه ولا غربيه بکوش و بجوش که شئون تقديس اين

اصل مبارک در اين فروغ بجميع فنون ظاهر وهويدا گردد تا لطائف وبدايع

و کمالات اعراق بشهادت اخلاق مثبوت و محقق شود والبهاءعليک

و علی اخوتک ياافنان شجرة‌مبارکه ع ع مقابله شد جناب افنان ميرزابزرگ

ص ٢١٥

ابن حضرت افنان آقاميرزاآقا عليهما بهاءالله الابهی ع ع

هوالابهی

خط مبارک ٢٥٨

ای فرع بديع لطيف سدره مبارکه اگرچه بظاهرازاين سجن اعظم وعتبه مبارکه

جمال قدم روحی لافنانه فدا دوری لکن فی الحقيقه در اين بهشت برينی وشب

و روز موانس و همنشين آنی ازيادت فارغ نيستيم واز حضرت مقصود

مسئلت مينمائيم که آن فرع محبوبرا گل گلشن روحانيت جمال اعلی

روحی له فدا فرمايد و نهال بيهمال روضه الطف اعلی از خدا بخواه که موفق

باطوار وکردار و رفتار و گفتار گردی که در درگاه جمالقدم و اسم اعظم

فديت افنانه بروحی وذاتی مقبول و محبوب گردی والبهاء عليک ع ع مقابله شد

هوالله

خط مبارک ٢٥٩

ای افنان شجره مبارکه نامه شما وصول يافت با وجود عدم مجال بجواب

سئوال پرداختم البته عکس بيت مقدس را بجهت جناب شيخ علی اکبر قوچانی

بکمال سرعت ببادکوبه بفرستيد ورقه مبارکه والده و همشيره را تحيت ابدع

ابهی ابلاغداريد ع ع مقابله شد

هوالله

خط مبارک ٢٦٠

ای افنان سدره مبارکه در خصوص اجازه طواف رمس مطهر مرقوم فرموده بوديد

ص ٢١٦

از کثرت مشاغل فرصت جواب نشد حال مختصر مرقوم ميشود که ماذونيد جناب

آقا ميرزا حبيب الله را تکبير ابدع ابهی ابلاغ فرمائيد والبهاء عليک ع ع

مقابله شد

هوالابهی

پورتسعيد حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا ميرزا بزرگ و جناب ميرزا

حبيب عليهما بهاءالله الابهی

خط مبارک ٢٦١

ای دوشمع روشن اگر فتوری در ارسال سطور رود از کثرت اشتغالست

وشدت احزان نه حصول نسيان دائماًدر خاطر بوده وهستيد جواب

نامه های حضرت ابوی ان شاءالله اين روز ها خواهد رفت تا خود ايشان

تشريف نيارند امور انتظام نيابد والبهاء عليکما يا افنان سدرة‌المنتهی ع ع

مقابله شد

هوالله

خط مبارک ٢٦٢

ايهالفرع اللطيف من السدرة الالهيه پوست در حرکت است

و جناب آقا سيد تقی مستعجل فرصت تفصيل نيست مکتوب جوف را سريعاً

ارسال داريد ودر نزد شخص امينی بفرستيد که برساند ومکتوب را سکورته نمائيد

چه که مکتوب مهمست بايد احتياط نمود که مبادا نرسد جناب ميرزا حبيب را تکبير

ابدع ابهی ابلاغ نمائيد ع ع مقابله شد

هوالابهی

جناب افنان سدره بقا حضرت ميرزابزرگ عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

ص ٢١٧

هوالابهی

خط مبارک ٢٦٣

ايها الفرع المتوجه الی الشجرة الرحمانيه فيا ؟ لک من هذه

النسبة التی تلوح انوار ها وتتموج بحارها وتطفح کوءسها وقاطعة نصوصها

وانت يا ايها الفرع النجيب والقضيب المجيد فاتبع السدرة المنتهی فی نضارتها

وطراوتها وريانيتها وبهجتها واطلب من الله ان يجعلک آية باهره در ؟ امره واسع

لکی تکون ناطقاًمضيئاًبصيرا سميعا عليماًبليغا کريما ثابتاً علی العهد والميثاق

ع ع اذن طواف روضه مبارکه را خواسته بوديد که بااخوی حاضرشويد ماذونيد ع ع

مقابله شد

هوالله

حضرت افنان سدره منتهی جناب ميرزابزرگ عليه بهاءالله الابهی

ملاحظه نمائيد

خط مبارک ٢٦٤

هوالله ای شاخ شجره عنايت آنچه مرقوم نموده

بوديد ملاحظه گرديد مکتوب حضرت والد نيز مطالعه شد فی الحقيقه در مصيبت عظيمه

گرفتار شدند ولی حق عنايت وحمايت فرمود عاقبتش خيربود انشاءالله از اين بهتر نيز

خواهد شد جواب مطالبشان در همين پوسته راساًخواهد رفت حضرت اخوی را تکبير

برسانيد وهمچنين سائردوستان را والبهاء عليک ع ع مقابله شد

هوالابهی

اسکندريه حضرت افنان سدره منتهی جناب ميرزا بزرگ عليه

بهاءالله الابهی ملاحظه نمائيد

هوالابهی

ص ٢١٨

خط مبارک ٢٦٥

ايها الفرع البديع من السدرة الالهيه اگر چه بهيچوجه فرصتی نه که بيان محبت

والفتی شود دقيقهء راحتی نه وآنی آسايش نيست باوجود اين نفحات قدس سدره آلهيه

چنان حقيقت وجود را مهتز ومنجذب دارد که بی اختيار بذکر وفکر وياد فروع

مجبور مينمايد لعمرالله هذا من اعظم مواهب الله آنچه مرقوم نموده بوديد معلوم

گرديد از الطاف سلطان وجود اميد چنانست که يوماًفيوماًدر جميع شئون ترقی نمائيد

تا بالفعل مشهود و واضح گردد که از سدره مقدسه روئيده ايد فرصت بيش ازاين

نگاشتن نيست خدايا اين شاخ تر وتازه را در حديقه روحانی پرطراوت ولطافت فرما

ع ع مقابله شد

هوالله

شيراز محفل روحانی خط کاتب ومهر وامضاء مبارک ٢٦٦

ای ياران عزيز عبدالبهاء نامه شما رسيد

از مضمون معلوم گرديد که عکس بيت مبارکرا از بادکوبه خواسته اند در نهايت

اتقان عکس برداشته وازبرای ايشان بفرستيد زيرا از پطرسبرغ خواسته اند

ديگران نيز در اينخصوص استيذان نموده بودند جواب مرقوم گرديد که عکس گرفتن

ودادن ضرری ندارد الحمدلله شما بتائيدات ملکوت مويديد و بتوفيقات

ربانيه موفق بجان ودل بکوشيد تا کاس الطاف آلهی ازيد ساقی عنايت

بنوشيد هر چه در خدمت همت نمائيد بيشتر موفق ومويد گرديد وبدرقه

ص ٢١٩

مواهب عالم بالا بيشتر رسد وسرور وفرح بيمنتهی حاصل شود فرصت بيش ازاين

نيست معذور بداريد و عليکم البهاء الابهی ع ع مقابله شد

بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه آقا ميرزا بزرگ شيراز جناب آقا علی

ولد مرحوم حاجی محمد صادق عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٢٦٧

ای منجذب بنفحات الله حمد کن خدارا که پرتو هدايت کبری بر بصيرت وديدهء

بينا زد ظلمت ضلالت زائل ونور موهبت روشن ولائح گشت دل آگاه شد

وجان انتباه حاصل نمود اين اشراق اولست پس بجان ودل آرزوی

اشرقات متتابعه فرما تاانوارتائيد ساحت قلب را گلشن توحيد نمايد واينباب

عنايت وقتی گشوده گردد که قميص موهبت تجديد شود وخلق جديد گردد واعظم

وسيله حصول اين الطاف نشر نفحات آلهيه در جميع اطراف زيرا امروز

فيروزاست پس بنغمه جان سوزآتش عشق آلهی در قلوب بر افروزد تا جهان افروز

گردی ومبين اسرار و رموز شوی تا توانی همترا در تحصيل اين موهبت مبذول

دار تائيدات ملکوت ابهی بينی ومظهر تحسين ملاءاعلی گردی وعليک التحية

والثناء ع ع مقابله شد هوالله

قطر مصر

ص ٢٢٠

قطر مصر دوفرع سدره مبارکه حضرت آقاميرزابزرگ و حضرت آقا ميرزا حبيب

عليهما بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٢٦٨ هوالله

ايهاالفرعان المحترمان من السدرة‌المبارکه مکاتيب آن دوفرع لطيف واصل

واز مضمون ثبوت مشحونش روح و ريحان حاصل گرديد نظر عنايت هميشه

باشمابوده وخواهد بود مطمئن باشيد درنزد من مکرم ومحترميد وازخدا ميطلبم که

در ملکوت ابهی سبب روسفيدی جميع افنان سدره آلهيه گرديد وبثبوت ورسوخی

مبعوث شويد که ندای تحسين ازملاء اعلی بسمع ظاهر بشنويد وليس ذلک

علی الله بعزيز از جهت آن واقعه محزون مباشيد اينگونه امور عرضيست

و چون سراب فانيست ميگذرد آنچه در ملکوت آلهی مقدر بجهت شما باقی و مقرر

مکتوبی به آقا زين العابدين مسطور شد ونزد آقاسيد علی اکبر فرستادم

باو برسانيد در اينخصوصات بحضرت ابوی چيزی مرقوم ننمائيد قابليت ندارد

باری بکمال استقامت بر امرالله مشغول تحصيل کمال شويد و بکسب وتجارت

خود بپردازيد والبهاء عليک وعلی کل ثابت راسخ علی عهدالله وميثاقه ع ع

مقابله شد

هوالابهی مصر حضرت افنان

ص ٢٢١

جناب ميرزابزرگ عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٢٦٩ هوالقيوم

ايشاخ لطيف ازسدره آلهی آنچه مرقوم نموده بوديد مشاهده گرديد وملاحظه شد

سبب روح و ريحان شد وباعث اميدواری حصول موهبت رحمن زيرا فروع

شجره مبارکه بايد در جميع احوال واحيان بنفحات تقديس اصل دوحه مقدسه

مهتز باشند تا فرع تابع اصل باشد و جزء متضرع از کل هر عضوی آيت

باهره هيکل مکرم گردد ومظهر موهبت روح مجشم تا فرعيت اخلاق با عضويت

اعراق جمع گردد ومتفرع از عنصر جان ودل شود آنوقت موهبت و رفعناه

مقاماًعليا جمال بگشايد و کوکب عنايت از مشرق الطاف رخ بنمايد والبهاء

عليک و علی کل من ثبت علی الميثاق ع ع مقابله شد

هوالابهی

رب اجعل صدر هذاالافنون منشرحاًمنکل شئون بنفحات قدسک يا حی ياقيوم

ونور وجهه بشعاع ساطع لائح من فيض نيرک الاعظم واحی ؟ قلبه بنسيم منبعث

من حدائق قدسک ياربی الاکرم واجعله قابتاًعلی عهدک ثبوتالايزعرفه‌الزوابع ؟

فيهذا اليوم المشهود ياربی المعبود انک انت العزيزاالمحبوب ع ع مقابله شد

هوالابهی

حمداً لمن اشرق ولاح وظهر وباح وقدر واتاخ

ص ٢٢٢

وسبمح واباح لکل کينونة نورانيه و حقيقة رحمانيه ان تستفيض من فيض غيوث

رحمته و تزئر کالليوث فی غياض موهبته وتسيح کالحتيان فی حياض نعمته

وتترنم کالهزار فی رياض عنايته والنور الساطع من الافق الابهی يغشی

و يحف بالسدره المنتهی والشجرة الثابته الاصل المرتفعة الفرع المستمرة

الزهرالدائمة الاکل وآلها و اوراقها واثمارها ع ع مقابله شد

هوالابهی

يا ايها القضيب الرطيب ان شئت ان ترتفع

الی الملاء الاعلی وتنشا وتنموا نمواًشاهقاتمسک بالعروة‌الممدودة‌بين الارض

والسماء و اخضر باوراق ذکر ربک لزهر بازهار تعبق رائحة فی شرق الارض وغربها

وتحی افئدة الذين انجذبوا بنفحات الله واستبشروا ببشارات الله وتنورت

وجوههم بانوار الله المهيمن القيوم ع ع مقابله شد

مثل کلمة طيبة کشجرة طيبة اصلها ثابت وفرعها فی السماء اعلم ان حسن

الاخلاق ولطف الشيم الشائعة الذائعة فی الافاق اذا وافق شرف الاعراق

النسبة کلية رحمانيه والبضعية حقيقة نورانيه فالفرع مطابق الاصل فجميع الشئون

والاحوال والجزء موافق الکل المراتب والاسرار عند ذلک يظهر ظهور الشمس

ص ٢٢٣

فی رابعة النهاران‌الفيض ممتدآلاثار وان النورالفائض من شمس‌الحقيقة نورالنجوم

والاقمار ع ع مقابله شد

شيراز جناب آقا ميرزافضل الله ابن بنان الملک

عليه بهاءالله الابهی

اصل اين سه سطربخط مبارکست ٢٧٠

يک نسخه ازاين نامه را بجهت جناب ايادی حضرت ابن ابهر ارسال داريد

زيرا ايشان نيز از مسئله حضرت صادق وسابقيت ؟ سئوال نموده

بودند بعضی اوقات از کاتب اوراق سهو حاصل ميشود يا کلمه ئی حذف ميگردد

ولی معلوم ميشود ع ع ايبنده آستان مقدس نامه بيست ونهم

ذی حجه ١٣٢٨رسيد ونامه های ديگر بواسطه سفر و حرکت و اغتشاش

راه چاپار نرسيد ولی چندی پيش بشما نامه ئی نگاشته گشت وسفارش و توصيه

تامه گرديد که با شخصی که مستخدم در نزد او هستيد نهايت امانت وديانت

وصداقت وهمترا در حق او مجری داريد زيرا ازآنان در خراسان در حق جناب

فروغی نهايت رعايت مجری گرديده در مقابل اين انسانيت شماهم بايد بصدق و

نيت وهمت سلوک وحرکت نمائيد عجيب است که آن نامه نرسيده از

عنايات رب الالطاف استدعا ميشود که محفل درس اطفال منتظم گردد

و متعلمين ترقی و نجاح وفلاح بيابند مرقوم نموده بوديد که الحمدلله در شيراز

ص ٢٢٤

قلوب در پروازاست وانشاءالله درآينده با ملاءالاعلی هم آهنگ وهم آواز

سئوال از رئيس که درآيه مبارکه مذکوراست نموده بوديد اين رئيس عالی پاشاست

که سبب نقل از عراق به حدود ايفلاق وازآنجا بسجن عکا شد ومقصودازجبل تينا و

زيتا دو جبل مقدس است که درقرآن به تين وزيتون ناميده شده ودرارض مقدسه واقع

شده اند واما ک و ظ حروف مقطعه که بدايت لوحی از الواح مبارک

صادر مقصد اسم كاظمست وارض حمرا و كثيب احمر مقصد مقام قضاست زيرا

در اصطلاح اهل الله بيضا مقام مشيت است و خضرا مقام قدراست

و حمرا مقام قضاست و صفرا مقام امضاپس ارض حمرا مقام شهادت

کبراست اينسکه حضرت اعلی روحی له الفداء دراحسن القصص خطاباً

بجمال مبارک ميفرمايد يا سيدناالاکبر قد فديت بکلی لک و ما تمنيت

الاالقتل فی سبيلک وامامقام فنا در نزد صوفيه آنانرا گمان چنان که حقيقت

حادثه ممکن است تجرد از عالم حدوث نمايد وباوصاف قديم متصف گردد نظير

آتش آتش وآهن که از صفت حديدی تجرد حاصل نمايد و صفت نار در او

ظاهر وآشکار گردد واينمقامرا گويند برياضت وسلوک حاصل گردد و ظهور

ص ٢٢٥

آنرا بتوهم تصور در خود مينمودند لهذا اناالحق ميگفتند وحال آنکه حادث ازصفت

حدوث که لازمه ذاتی اوست تجرد نتواند چه که لزوم ذاتی اوست ولزوم ذاتی

انفکاک از ذات شئی ننمايد در الواح آلهيه ذکر مقام فنای از خود وبقای بالله

هست مقصود ازفنا در الواح آلهيه اينست که انسان بکلی خود را فنای حق کند

يعنی منقطع از هر چيز گردد و روح وقلب وجسم وراحت وسرور ونعمت و عزت

جميع شئون شخصی خويشرا فدای حق نمايد واز لذائذ و هواجس عالم ناسوت

در گذرد و تجرد ازشئون بشری خويش نمايد وبنار محبت الله بر افروزد

ولسان بذکر وثنای حق بگشايد وباوصاف تقديس و تنزيه متجلی گردد وبتربيت

خويش و هدايت نفوس پردازد يعنی جميع شئون متعلق بخودرا فدا وفنا

نمايد چون باين مقام رسد البته پرتو عنايت برافروزد وحجبات بيگانگی بسوزد

و اراده ومقصدی از برای اونماند در تحت اراده آلهی متحرک گردد و بنفثات

روح القدس زنده شوداما آتش و حديد هردواز عالم عنصراست ممکن است

متصف بصفات يکديگر شوند ولی قدم و حدوث را اتصال و اتحاد ومشابهت

تمنع و محالست واما مسئله امام جعفر صادق که سابع چهارده معصوم است

ص ٢٢٦

چون از حضرت رسول حساب نمائی سابع ميشود واما کلمه موسی ابن جعفرابوموسی

جعفر بوده ابو حذف گشته واما مسئله قائميت ايشان وبدا در بحار الانوار

از عثمان ثوری روايت شده از حضرت صادق که فرمودند اين امر در خصوص

من بود يعنی از مشيت آلهی چنين گذشته بود که من خروج کنم و زمين را

پراز عدل وداد نمايم ولکن بدا واقعشد و همچنين مجلسی در بحا از حضرت

صادق روايت كرده كه فرمودند وقت اين امر در سال صد و چهلم بود لكن

آنوقت بشما خبر داده شد شما آنرا فاش نموديد از اينجهت بود خداوند

آنرا يعنی آنوقت را تاخير نمود وايضاًروايت کرده که حضرت صادق عليه السلام

فرمودند يا ابا اسحق اين امر در باره من بود وقتش بتاخير افتاد و اما در

خصوص حضور من بشيراز هذا امر موکول علی تائيد ربک الرحمن ع ع مقابله شد

بواسطه جناب بشير آلهی جناب آقا ميرزافضل الله خان شيرازی

عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٢٧١ هوالله

ای بنده اسم اعظم نامه مفصل با عدم فرصت بدقت ملاحظه گرديد لهذا

مختصر جواب مرقوم ميشود بايد بکوشيد که بجهت حضرت شاهزاده کار

ص ٢٢٧

ديگر پيدا نمائيد بلکه انشاءالله موفق گرديد ع ع

هوالابهی

ش جناب جواد عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٢٧٢ هوالله

ای ناظر بملکوت وجوداهل سجود را جبينی روشن چون‌آفتاب انورازفيض

مقام محمود بايد وموقنين بايات کبری را رخی نورانی ازالطاف سبحانی

شايد سرمست جام آلهيرا نشئه وسرور لازم و مستبشر بمواهب ؟ملکوترا

فيض وجود واجب های وهوی سرمستان لازم و جوش و خروش عاشقان

واجب والا سنگ سخت به‌از دل مرده و وجود افسرده والبهاء عليک ع ع

هوالابهی

ش جناب حاجی عبدالله عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالله

خط مبارک ٢٧٣

ای ناطق بذکرآلهی گويندانسان ناطقست يعنی مدرک حقايق کليه

و واقف اسرار معانی معقوله ولی درنزد حکمای حقيقی آلهی دردرگاه حضرت

نامتناهی نطق ثنای جمال قدمست وبيان اوصاف اسم اعظم والا حيوان

صامت به ازانسان ناطق نادان فخر دانايان وسرگشته و حيران به‌از مدعي

علم وعرفان رب زدنی فيک تحيرا والبهاء عليک وعلی کل ثابت علی ؟

ص ٢٢٨

بمبائی بواسطه جمشيد خداداد بلوچستان کويته ميرزا فضل الله خان

عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٢٧٤

ای يار مهربان نامه ئی بجناب منشادی مرقوم نموده بودی ملاحظه گرديد

چون آن ثابت پيمان بجهان پنهان شتافت واز پيمانه

لقا نشئه يافت لهذا اين آواره جواب مينگارد چندی پيش جواب نامه شماارسال

گرديد عجبست که تا حال نرسيده دراين ايام‌از تائيدات ملکوت الله الحمدلله

بند و زنجير از گردن آوارگان بر خواست و سلاسل واغلال بر رقاب اهل عدوان

قراريافت ستمکاران گرفتارناکامی شدند وظالمان مقهوراًمذموماًمدحوراًاسير زندان

شدند حال ببقعه مبارکه از هر طرف ياران ازايران وترکستان وشرق وغرب واروپا

وآمريک متتابعاًوارد وبهيچوجه مانع وحائلی نه کل بزيارت عتبه مقدسه در نهايت

تضرع وابتهال با عبدالبهاء ساجدند واستفاضه فيوضات نامتناهی مينمايند ياران

در سرور وحبور وبد خواهان مايوس و مذموم ومدحور از فضل وعنايت حق اميد چنانست

که شما نيز مشمول نظر عنايت شويد ودر نهايت فرح و مسرت ايام بسر بريد بجناب

آقا ميرزا عزيزالله تحيت مشتاقانه برسان اميدوارم که در جميع امور موفق و مويد

گردند وعليک البهاء الابهی ع ع ٩ مقابله شد

ص ٢٢٩

جناب آقا ميرزا فضل الله خان زائر عليه بهاءالله

هوالله

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٢٧٥

ای اسير محبت آندلبر آسمانی شکر کن خدارا که ببقعه نورا رسيدی و بتراب عتبه

مقدسه جمال ابهی تيمن وتبرک جستی مطاف روحانيان را يافتی و مرکز ربانيان را

شناختی وايامی باآوارگان الفت نمودی وبا مشتاقان همداستان گشتی حال بايد بطهران

شتابی و درس تبليغ بخوانی و در براهين و حجج آلهيه چنان مهارت يابی که اهل علوم

فنونرا عاجز نمائی چون چنين اکليل جليل بر سر نهی سبب فخر و مباهات پدر گردی

و علت سرور و حبور جميع خاندان شوی و چنان ثبات و استقامتی بنمائی که ديگران

حيران شوند و جميع بصوت واحد گويند که اين جوان خلق جديد است واين نهال

نو رسيده سرو آزاد جويبار رب مجيد جميع ياران را از قبل من تحيت ابدع ابهی

برسانيد و عليک البهاءالابهی ع ع مقابله شد

بواسطه آقا ميرزا فرج الله خان

اصفهان جناب ميرزاباقر خان عليه بهاءالله

هوالله

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٢٧٦

ايجناب باقر ماهر برنفس قاهری و بقلب طاهری و بديده ناظری

وبروح حاضری خوشا بحال تو که از کثرت بواحد حقيقی پی بردی و از حجبات

ضلال نجات يافتی وبسر چشمه حيات رسيدی و کاس هدايت کبری نوشيدی

ص ٢٣٠

و بموهبت عظمی موفق شدی پس روش وسلوکی گير که سبب هدايت ديگران گردی

وعليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

جناب ميرزا عزيزالله خان وجناب ميرزافضل الله خان

و جناب آقا ميرزا عبدالصمد خان عليهم بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالله

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٢٧٧

ای ياران مهربان وثيقه اتحاد واتفاق که بانشاء

يکی از بندگان مقرب کبريا مرقوم شده بود تقديم عبدالبهاء نمودی

لهذا اين عبد در نهايت سرور وتضرع بملکوت وجود نمود که اين اتفاق واتحاد

الی الابد در جميع عوالم آلهيه باقی وبرقرارماند آلهی آلهی ثبت قلوب هولاء

علی الحب والوفا واجعلهم آيات الواحدة والانقه والثبات بين الکائنات

حتی يرتلوا کلمات الحب فی سائرالجهات و يدعواالکل الی الحی القيوم فيهذااليوم

المشهود ويرفعوا راية الوداد بين العباد ويصبح الاقانيم الثلاثه نفساً واحدة

فی جميع الشئون والاحوال رب ايدهم علی الوفاق و جنبهم عن النفاق واحفظهم

من الشقاق وثبتهم علی الميثاق واجعلهم منجذبين الی نير آلافاق وطائفين

حول کوکب الاشراق انک انت الکريم الرحيم العزيز المنان ع ع مقابله شد

شيراز بواسطه بشير آلهی بواسطه جناب آقاميرزا جلال ابن مرحوم ملا عبدالله

ص ٢٣١

زرقانی بهائی جناب ميرزامحمد باقر خان اصفهانی عليه بهاءالله الاابهی

هوالله

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٢٧٨

ای بنده صادق جمال ابهی شکرکن خدارا که بعون وعنايت حق موفقی و بخير

خواهی احبای آلهی مويد يارانرا شايان چنان که جان رايگان ؟ در سبيل

يکديگرفدا کنند و بخدمت و اعانت و صيانت پردازند شمع را روشنی بايد

و طاوس عليين را جلوه در بهشت برين شايد تا شهپر تقديس گشايد و گلزار

وگلشن بيارايد حمد کن خدارا که مومنی و موقن وثابتی و راسخ وانشاءالله ؟

جور وجفای ستمکارانرا سد حائلی امروز هريک ازاحبای آلهی بايد حفظ وحمايت

ديگری نمايدوبقدرامکان کوشد که قلوب را شادمانی بخشد ونفوسراانشراح روحانی دهد

و عليک البهاء الابهی ع ع

بواسطه جناب آقاميرزا محرم عليه بهاءالله الابهی

جناب باقر ماهر من اهل الصاد عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٢٧٩

ای ثابت بر پيمان نامه ات رسيد آنچه آه وفغان نمائی و مضطرب وپريشان

باشی حق با تست ولی سزاوار اينست که در نهايت اطمينان و ثبوت وايقان

خدمت باستان رحمانی نمائی زيرا اين محن وبلايا در سبيل کبرياست وتحمل

ص ٢٣٢

اين جام تلخکام درمحبت جمال ابهی بايد بنهايت سروروشادمانی نوشيد وبدرگاه

يزدانی ستايش ونيايش و شکرانه نمود که الحمد لله موهبت هدايت بخشيد و فضل

عنايت فرمود و در سبيل محبتش گرفتار بلايا ومصائب کرد واين عين موهبتست

و مقام يختص برحمته من يشاء وعليک البهاءالابهی ع ع مقابله شد

شيراز بواسطه حضرت افنان جناب آقا ميرزا بزرگ جناب محمد باقرخان

من اهل الصاد عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٢٨٠

ای بنده‌آلهی صدمات شديده ديدی و مشقات عظيمه کشيدی حمد کن خدارا

که لائق وسزاواراينموهبت بودی که مورد عقوبت درسبيل حضرت احديت شدی

جهانيان کلاً وطراً نشانه تير قضايند وهدف سهام بلا شاعر ترک گفته

يوقدرسپربو کنبد فيروزفامده ذرات جمله تيرقضايه نشانه در اعظم ملوک امپراطور

روس بود وباطبل وکوس ملاحظه نماکه چگونه مايوس شد و جميع خاندان

سلطنت باخون دل همدم ومانوس وهمچنين سائر بزرگان وسروران نوبت هريک

رسد مقصود اينست که اول رجال عالم ملوکند وملوک چنين مملوک ديگر قياس

حال ديگران نما اماتفاوت اينجاست که جهانيان در سبيل هوی وهوس آزرده گردند

ص ٢٣٣

و دل وجان پژمرده وافسرده دارند هر يک مورد بلا ومبتلای آلام و جفا؟ گردند وشما

نيزهدف تيربلاولکن‌اين درسبيل جمال‌ابهی وآن درره نفس وهوی ببين تفاوت ازکجاست

تابکجا مقصود اينست بايد از بلايای وارده شکرانه نمود زيرادرره جانان بودنه جان

ودرعشق گل بود نه تعلق بگل اميدوارم که انجال اجلاء در کهف حفظ وحمايت ربی

الاعلی محفوظ ومصون مانند و پرتوی از نور هدايت ؟بر بصر وبصيرت

والده شان زند وليس ذلک علی الله بعزيز و عليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

شيراز جناب آقا ميرزا فضل الله خان ابن بنان الملک

هوالله

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٢٨١

ای يارمهربان نامه شما رسيد بجان عزيزت قسم که عبدالبهاء فرصت تحرير

يک سطر ندارد اين سئوالاتی که شما فرموده بوديد يک کتاب جواب ميخواهد

لهذا گذاشتيم بلکه انشاءالله وقتی ملاقات حاصل شود شفاهاًجواب داده شود

والابتحرير ممکن نيست وعليک البهاءالابهی ع ع مقابله شد

بواسطه جناب آقا رضا شيراز جناب ميرزا عبدالصمد بن رفيع البديع

جناب ميرزا ابراهيم جناب ميرزا مسيح جناب ميرزا فضل الله خان

جناب ميرزا عزيزالله خان عليهم بهاءالله الابهی

هوالله

ص ٢٣٤

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٢٨٢

اناجيک يا مناجی فی خبح الليالی واذکرک فيصباحی ومسائی واتضرع اليک

يارب الاسرار فی القدو والاسحار بعين باکية ونار حاميه و دمع وافق

وقلب خافق و روح شائق ان تويدالمخلصين علی التاسی بالنورالمبين والانجذاب

الی مرکزالانوار والالتهاب بالنارالموقدة فيقلوب الابرار رب اجعلهم مراکز

للسنوحات الرحمانيه و مصادر للشئونات الربانيه ومطالع للانوار الرحمانية

ومهابط للالهامات الصمدانيه وانطقهم کطيورالقدس فی روض مشکور و وفقهم علی

کل عمل مبرور حتی تشرق منهم الوجوه‌اشراق النوربسطوع موفور رب اجعلهم آيات

الهدی وکلمات‌التقوی واشجاراًطيبة‌اصلهاثابت وفرعهافی السماءفزيد باوراق الاسرار؟

مونقة بازهارالتذلل والانکسار محلية باثمار آلاثار دانية القطوف مرتفعة

الفروع خضره نضرة ريانة بفيض الملکوت ورشحات سحاب فضلک فی يوم

النشور انک انت الکريم الغفور وانک انت العزيزالرحيم علی کل عبد شکورلااله

الاانت الکريم المجيد المشکور ع ع

شيراز بواسطه آقا ميرزا علی اکبر وآقا ميرزا طراز عليهما بهاءالله الابهی

جناب آقامحمد باقر مهاجر ازاهالی اصفهان عليه بهاءالله‌الابهی

هوالله

ای ثابت بر پيمان نامه تورسيد مضمون آيت استقامت بر امر حق بود ونشانهء

ص ٢٣٥

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٢٨٣

شناسائی ياربی نشان جميع بشر هر چند بطراز خلعت انسانی مزين ؟ ولی از حقيقت

آن بيخبر اين مواهبت کليه در حقيقت انسانی جلوه نموده ولی انسان غافل ؟ يک

معنی‌ازمعانی آيه مبارکه‌انه کان ظلوما جهولا اينست الحمدلله احبای ؟ باين

الطاف واحسان ومنجذب اين موهبت بيپايان اذن حضور خواسته بودی ؟ بنهايت روح

وريحان ممکن ودر حضور و رجوع راحت دل و جان مهيا ماذونی والاتا آنکه اسباب

فراهم آيد و عليک البهاء الابهی ع ع

هوالله

شيراز عطاءنظام محمد حسن ميرزا عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٢٨٤

ای عطاءنظام حمد کن خدا را که عطاء عزيز علام گرديدی وشهد بقا چشيدی

صبح هدي ديدي اشراق انوار بها ملاحظه نمودي خواموش بودي روشن شدي

مدهوش بودی هوشيار گرديدی مخمود بودی پر جوش و خروش شدی اين

از مواهب عظيمه حضرت پروردگار است شکر نما وعليک البهاء الابهی ع ع

طهران بواسطه جناب حاجی ميرزا عبدالله

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٢٨٥

جناب فضل الله شيرازی جناب عبدالحسين بنا جناب محمد علی قمی جناب لطف الله بزاز

جناب سيدابراهيم بنا جناب عزيزالله شيرازی جناب ميرزا حسين بروجردی عليهم

بهاءالله الابهی

هوالله

ص ٢٣٦

هوالله ای ثابتان بر پيمان نامه مبارک ياران با نهايت رقت تلاوت

گرديد وبدرگاه حضرت احديت تبتل و تضرع شد که ای پروردگار اين ياران صادق را

از امتحان فارغ کن و اين بندگان لائقرا بعنايت خويش فائق نما هريکرا جبل

راسخ فرما وطورباذخ کن تاج عبوديت بر سر نه وسلطنت ابديه احسان کن

وسعت معيشت بخش و عزت ابديه ارزان فرما توئی دهنده و بخشنده و مهربان

وتوئی آمرزنده و پذيرنده و عزيز ومستعان ع ع بمبئی لاهور

جناب عزيزالله خان وجناب ميرزافضل الله خان وجناب هندوی بهائی عليهم بهاءالله

الابهی خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٢٨٦

هوالله ای ياران روحانی مکاتيبی که بجناب منشادی من ادرک لقاءربه

و بعبدالبهاء مرقوم نموده بوديد ملاحظه گرديد از عدم مجال باختصار جواب مرقوم

ميشود که اگر چنانچه اسباب سفر مهيا من استطاع اليه سبيلا که در کمال راحت

و خوشی ومسرت بارض مقصود مشرف شويد و بروح وريحان مراجعت نمائيد

و ببشارات پردازيد و نشر نفحات الله در آنصفحات کنيد ماذون حضوريد

وعليکم البهاء الابهی ع ع بواسطه آقا محمد حسن بلوری

جناب آقا ميرزافضل الله خان عليه بهاءالله الابهی هوالله

ص ٢٣٧

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٢٨٧

ای بنده حق نامه شما ملاحظه گرديد ومطلب معلوم شد ولی عبدالبهاءبايد خيرشما

خواهد نه ميل شما خير شما دراينست که در شيراز ويا طهران بقدر امکان بکار و

؟ ودرضمن در لسان انگليسی نهايت مهارت پيدا کنی واگر ممکن در دستگاه

انگليسهاولو ماموريت جزئيه باشد قناعت نمائيد تا لسانرا چنانکه بايد وشايد تحصيل

نمائيد بعد به مسافرت پردازيد ارض مقصود دائماًمنقلب است ناقضان هر روزی فسادی

نمايند اسباب سکون وقرار نه تا انسان تحصيل لسان نمايد؟ ويا آنکه بخدمت

پردازد در آنجا بهتر بخدمت توانی پرداخت نيت خدمت بنما ؟ اسباب

فراهم آيد وتائيد ميرسد مطمئن باش و عليک البهاء الابهی ع ع

هوالله

خط مبارک ٢٨٨

سروستان جناب استاد حسن کوزه گر عليه بهاءالله الابهی هوالابهی

ای منجذب روی بها هر چند خانه بتالان دادی وکاشانه بتاراج لانه ات

برفتند وآشيانه ات بسوختند غم مخور وآزرده مشو تو مرغ آشيانه

توحيدی لانه در شاخسار سدره منتهی داری و بيسر وسامان در سبيل رحمانی

خانه وکاشانه در جواريزدان خواهی اين تالان نبود چه که خانه رامعمور وآبادان کرد

تاراج

ص ٢٣٨

تاراج نبود معراج خواهد گشت چه که خفيف خواهی شد لطيف خواهی شد در اوج

انقطاع عروج خواهی نمودمالی که درراه حق بتالان وتاراج رفت گنج روان خواهدشد

وکنز آسمان خواهد گرديد ع ع مقابله شد

جناب زائر آقا غلامحسين خان سروستانی

زيارت من استشهد فی سبيل‌الله جناب کربلائی صادق اخوی کربلائی حسنخان

عليهمابهاءالله الابهی

خط کاتب مهر مبارک ٢٨٩

هوالله

التحية والثناء من الملاء الاعلی عليک يامن استشهد فی سبيل الله و انجذب

بنفحات الله وصدق بکلمات الله وآوی الی الرکن الشديد والحصن الحصين والکهف

المنيع واحتمل فی سبيل البهاء کل مشقة وبلاء وشماتة‌الاعداءوشتائم‌الزنمساء؟

وما اخذته سطوة الظالمين ولاخوفته صفوف الملحدين بل دعا الی سبيل ربه

تحت سلاسل المشرکين ونطق بالحق فی محافل المنکرين اشهد بانک اقمت الحجة

وحدثت بالنعمة وقومت المحجة و احتنبت النقمة وما وهنت فی الثبوت

و استقامه و استهدفت السهام والاسنة ؟ ولم تفترفی

التحديث بالرحمة قد قاموا عليک اولواالنفاق وظلمک اهل الشقاق و لم

يترکوااذی الااجروه علی جسمک العزيز وعذبوک العذاب الشديد فيهذاالسبيل

ص ٢٣٩

وادعوک فی السجن العظيم وضربوک بالسياط لحبک ؟ ربک الوحيد الفريد ؟طوبی لک من

هذاالفضل العظيم بشری لک من هذاالجودالمبين اسئل الله‌ان يجعل مشامی معطراً؟

بالمسک الذی ؟الذائع من مرقدک المنير وعليک البهاءالابهی وعلی اخيک الذی نبذ

الهوی واخذ بالتقوی وآمن بربک الاعلی وانجذب الی الملکوت الابهی وما نجل نبدل

الروح وماخوله ؟الله من متاع الدنيا وعليه البهاء وعليه الثناء وعليه التحيتة‌فی

النشاة‌الکبری وعليکما البهاء الابهی ع ع

بواسطه جناب آقا ميرزا اسد الله جناب آقا مرتضای سروستانی

عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٢٩٠

هوالله

ای ثابت بر پيمان الحمدلله نفحات رحمن در انتشار است وصيت

ملکوت ابهی دراشتهار دوستان مانند گشت پربرکت درازديادند؟ وياران

ماننداوراق وازهارشجره‌مبارکه درنشو ونمااز جمله سروستان چنانکه مرقوم نموده‌ايد

در باره‌آن نفوس مومنه جديده از محله تزنک ومفتوکه درازديادند بدرگاه

جمال مبارک عجزونيازنمايم آنانرا فيض بيمنتها خواهم فضل بيمثال جويم

عون و عنايت طلبم جود وموهبت خواهم بشارت ايندعا؟را بايشان برسانيد

بامة‌الله المحترمه ضلع ودو صبيه مکرمه گلشاد و عطيه تحيت بهيه؟ابلاغ داريد

ص ٢٤٠

انشاءالله مانند پدر ومادرآن دو دختر نيز منجذب محبت الله باشند و مشتعل بنار

هدايت الله بجناب آقا ميرزا آقا و جناب امرالله و جناب شکرالله و جناب

ذکرالله و بديع الله بنهايت اشتياق تحيت ابدع ابهی ابلاغ داريد وعليک

البهاء الابهی ع ع جناب حاجی محمد باقر را از قبل من تحيت

مشتاقانه و تکبير محترمانه برسان ع ع مقابله شد

سروستان جناب مير کريم زائر عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٢٩١

ايثابت برپيمان نامه شما رسيد وازمضمون واضح وپديد گرديد که‌الحمد الله ياران

سروستان در بوستان محبت الله سرو روانند و در گلستان معرفة‌الله

گل و رياحين در نهايت روح و ريحان قدمی ثابت دارند وقلبی راسخ ولسانی

ناطق فی الحقيقه ياران آنديار مستفيض از انوار الطافند و مستنير از مصباح

يوقد و يضئی من شجرة مبارکة فيکل الديار اينعبد نهايت سرورازآنحزب مشکور دارد

و در شام وبکور بدرگاه رب غفور عجز و زاری نمايد وآن ياران را نجاح و فلاح

و رستگاری خواهد اميدم چنانست که سروستان لانه و آشيانه طيور

آسمانی گردد و چمنستان اهل حقيقت شود وليس هذا علی فضل ربی الرحمن ببعيد

ص ٢٤١

جناب ميرتاج از خدا خواهم که تاج موهبت بر سر نهد وامة‌الله ؟ بنورمحبت‌الله

درنهايت تلئلاگردد وميرمحمداسمعيل آرزوی قربانگاه عشق نمايد و مير عبدالغفار

از حزب ابرار محسوب شود ومير عبدالرسول درآستان مقدس مقبول گردد

و مير محمد مهدی آيت هدی شود وکربلائی شکرالله بشکرانه خداوند يگانه

پردازد که بخدمت امر موفقست و ملااعلی مظهر؟ لطف خفی و جلی گردد

وجناب آقا حيدرعلی زائر در ميدان عرفان صفدر شود وآقا رضا برضای حق

موفق گردد وآقا غلامحسين خان مرحوم در دريای رحمت پروردگار مستغرق

شود وبرورود مورود وارد وبر رفد مرفود فائز واز کوثر عفو سيراب و در عتبه

رب الارباب مغبوط اولی الالباب گردد و جناب درويش ابن محمد علی شهيد

ابن شهيد راازقبل من نهايت مهربانی مجری داريد ازالطاف مربی حقيقی جمال

مبارک رجا مينمايم که خلعتی بديع عطا فرمايد تا هردم خلقی جديد گردد وعليک

البهاء الابهی ع ع

شيراز سروستان جناب آقامحمودابن آقاشکرالله عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ای بنده حق نامه شما رسيد وبدرگاه حضرت احديت تبتل وتضرع گرديد

ص ٢٤٢

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٢٩٤

وطلب آمرزش بجهت پدرومادرآن بنده آلهی شدای پروردگاربنده درگاه محمود آرزوی

غفران پدر ومادر کند ودر نهايت شرمساری و خجلت رجای آن دارد که ابوين

غريق بحر رحمت گردند و برفيق موهبت مويد شوند پروردگارا عبدالبهاءنيز اين

رجا نمايد پس حاجت دو ذليل را در ملکوت جليل قبول فرما ای بنده حق

بجناب درويش ابن شهيد ابن شهيد نهايت نوازش از قبل من بنما که دعا نمايم

و اورا راحت از زحمات و مشقات ديون خواهم بامة‌الله ضلع محترمه

تحيت ابدع ابهی ابلاغ نما وعليک البهاءالابهی ع ع مقابله شد

بواسطه جناب بشير آلهی

جناب حاجی خان وجناب خان بابا سروستانی و جناب عليخان ونوريجان

وبديع الله وقدسيه خانم وملا محمد علی معلم و مرتضی وستاره خانم وآسيه خانم

وشمائل خانم وعطاءالله وحاجی‌آقاوکربلائی‌امام‌قلی عليهم وعليهن بهاءالله‌الابهی

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٢٩٣

ای ياران واماء رحمن مفتون محبت آلهی حاجی خان

وخان بابا نامه نگاشتند وذکر جميع شمارا داشتند تائيد وتوفيق طلبيدند

وبر تحرير نامه بنام کل رجاء وتشويق نمودند عبدالبهاء با وجود مشاغل

ص ٢٤٣

نامتناهی مجبوربرآنست که جميع را بيک نامه ياد وذکرنمايد والبته ياران معذور

ميدارند زيرا مجبورم مقصوداينست که بايد از جميع افکار واطوار وآراء در کنار

بود وفکر دل و جانرا محصور در خدمت حضرت پروردگار کرد زيرا آن دلبر

آفاق نه چنان جلوه نموده که انسانی با وجود انتباه و اشتياق آشفته

و سودائی نگردد اگر نفسی تکاهل کند يا تجاهل نمايد دليل مردگی وپژمردگی

وافسردگيست چشم بينا البته مفتون آفتاب گردد و گوش شنوا يقين است

که متلذذ از نغمات ملاء اعلی شود تشنه بيتاب البته آب گوارا جويد

وعليل دانا لابد طبيب حاذق توانا خواهد اميدوارم که کل مويد و موفق

باين موهبت عظمی گرديد وعليکم وعليکن البهاء الابهی ع ع مقابله شد

بواسطه جناب بشير آلهی

سروستان جناب حاجی محمد علی ابن استاد حسن فخار

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٢٩٤

ای ثابت برپيمان نامه ئيکه بجناب بشير تحرير نموده بودی ملاحظه گرديد

و معلوم شد که جواب نامه شما که چندی پيش ارسال شده بودازناامنی راه‌از ميان

رفته ضرری ندارد تا قوت تحرير موجود وفرصت ميسر تقصير نخواهد شد

ص ٢٤٤

وتلافی خواهد گشت در جميع احيان بياد يارانيم ومشتاق جمال دوستان

اگر فتوری در مکاتبه حاصل شود اين از عدم فرصت است ملاحظه فرمائيد

يکزبان ويک بنان بايد با جميع احبای جهان رافرداًفرداًمکاتبه ومخابره

نمايد البته شير ژيان و پيل دمان نيز از عهده بر نيايد تاچه رسد اين لسان

وبنان فانصفوا يااهل الانصاف عسل ونسل زنبور منذور ؟ بفروشيد

وثمن بفقرا دهيد بيت مسکون در هر صورت مال بکر است خواه از ميت

چيز ديگرباقی ماند يانماند وولد بکرازساير اموال نيز سهم خويش ميبرد هذا

ما فرضه الله ولی خود مورث قبل از وفات مختار است در تصرف اموال

که بهر قسم بخواهد مجری دارد و همچنين ولد بکر بايد خود ملاحظه وراث ديگر را

لله بنمايد و انصاف دهد وفی الحقيقه هرانسانی بنص قاطع آلهی بايد وصيت نامه

بنگارد تا بموجب آن بعداز او مجری شود هذا هوالحق المبين واگر بمح الله ؟

اطاعت امر نکرد يعنی وصيت ننمايد بايد چنين مجری داشت ع ع مقابله شد

سروستان جناب حاجی محمد علی ابن استاد حسن عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ص ٢٤٥

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٢٩٥

ای دوست عزيز من نامه شما را بنهايت دقت قرائت نمودم واز قلم شما

نهايت بشاشت حاصل گشت لهذا جواب مرقوم ميگردد هر چند در اين جهان

فانی شادمانی نيافتی و کامرانی ننمودی وهيچ صبحی خفته وخندان نبودی وهيچ شامی

با سروسامان نگشتی ولی خبر نداری که همه رفقا گرفتار اين بلا گمان مفرما که در

اين دنيا نفسی نفس راحتی کشيد ويا دمی شبنمی از دريای راحت يافت حوادث

زمان و وقايع مکان امکان همواره در کمين است وصياد تقدير وقضا گوشه نشين

با وجود اين چگونه انسانی غريق آسايش و راحت گردد علی قول شاعری پاری

نوک خاری نيست کز خون شهيدان سرخ نيست آفتی بود آن شکار

افکن کز اين صحرا گذشت و شاعر ترک گفته يوقدر سپر وکنبد فيروزفانده؟

ذرات جمله تير قضايه نشانه در شاعر عرب گفته عشق خاليا فاتحسب

راحته عناًفاوله سقم وآخره قتل باری الحمدلله ياران تسلی عظيم دارند و تشفی

صدور در موارد بلاءعقيم زيرااز راحت جان و كام دل در اينجهان منقطعند؟ً

بجهان ديگر پی برده اند در مورد بلا چون الطاف جمال ابهی بخاطر آرند هر تلخی

شيرين گردد وهر سم نقيع شهد وانگبين شود اميدن چنانست که دعای شما نيز

ص ٢٤٦

مستجاب گردد يارانی مبعوث گردند که هريک شمع روشن شوند وگل گلشن گردند ودر حدائق

آلهی بلبل معانی گردند و گلبانگ معنوی زنند و سبب انتشار نفحات الله در آن

اقطار گردند ع ع مقابله شد

بواسطه آقامرتضای سروستانی

آحبای قديم وجديد تزنگ وهفتو واحبای سروستان محله شيخ يوسف

جناب مشهدی محمد حسين جناب کربلائی باقر زائر جناب آقا بابا جناب شکرالله

جناب محمد رضا جناب غلامرضا جناب محمد جناب محمد نبی جناب حاجی بابا

جناب حاجی حسين جناب مشهدی قربانعلی جناب فتحعلی جناب آقا بابا

جناب بابا خان جناب گلعلی جناب حاجی علی جناب مصطفی جناب

زين العابدين جناب قربان جناب مشهدی ناد علی جناب آقا جان جناب

اسمعيل جناب نجف جناب محمد ابراهيم جناب عبدالرضا جناب مرتضی

جناب آقا جان جناب نوروز جناب عليخان جناب اکبر جناب قربان

جناب عليحسين جناب فتح الله جناب محمد رضا جناب حسن جناب سليمان

جناب رمضان جناب عليجان جناب محمد جعفر جناب فتحعلی جناب

مهر علی جناب غلامعلی جناب لطفعلی جناب سياوش جناب ابوالقاسم

ص ٢٤٧

جناب خداداد جناب موسی رضا جناب حسينقلی جناب خداداد خادم احباءالله

جمال جناب کربلائی شکرالله جناب محمد علی جناب عليجان جناب مرتضی

جناب قربانعلی جناب محمد حسن جناب ملا محمد علی معلم جناب سبزعلی

جناب فتح الله جناب زينل جناب ابوالقاسم جناب کاکاجان جناب مرتضای زائر

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٢٩٦

ای ياران عبدالبهاء جناب آقا مرتضی نامه نگاشته ونامهای مبارک اهل بهاء را

در آن درج نموده چون نظر بان دفتر افتاد ملاحظه شد که ماشاءالله دفتر ماکان

ويکون است قلم اعلی بايد که باصابع قدرت حضرت بيچون از عهده نگارش آن

بر آيد والا اين کلک شکسته عبدالبهاء البته از عهده بر نيايد که بجميع مکتوب

بنگارد لهذا جميعرا بيک نامه خطاب مينمايم که ای احبای آلهی گويند که عليين

کتابيست که اسماء مقربين در آن مثبوتست وحقايق مخلصين در آن موجود

پس بيقين بدانيد که نامهای مبارک شما در ملکوت ابهی در لوح محفوظ ورق منشور

مثبوت و مسطور وهريک بمبارکی عبوديت مليک وجود در مکتوب شهود

بعزت ابديه مزروق ستايش خداوند آفرينشرا که لوح محفوظ عالم امکانرا

ص ٢٤٨

واوراق منشور اکوانرا بنامهای مبارک ياران مزين فرمود اين قيد ابديست

واين ثبت سرمدی قرون واعصار منتهی گردد ونامهای فرخنده ابرار باقی وبرقرارماند

وعليکم البهاء الابهی ع ع مقابله شد

هوالابهی

سروستان جناب خواجه لطفعلی جناب آقاهادی جناب‌آقاميرزاعبدالله جناب‌آقاعبدالرزاق

جناب حاجی علی جناب آقا محمد علی جناب آقا علی جناب آقااحمد جناب آقا فتح الله

جناب حاجی خان جناب باباخان جناب آقا محمد اسمعيل جناب آقا عبدالکريم

جناب آقا عبدالغفار جناب آقا عبدالله جناب آقا عبدالرسول جناب آقا محمد مهدی

جناب‌آقامحمد رضا جناب آقاميرزا عليخان جناب آقامبرزا عبدالباقی جناب آقاعزيزالله

جناب آقاعلی جناب مشهدی محمدتقی جناب مشهدی محمد قاسم جناب آقا حسن الله

جناب آقاميرزاآقا جناب لقاءالله جناب آقا عباسعلی جناب آقا صادقعلی جناب

آقا قنبر علی جناب عبدالبهاء الشهير به عوض آقا عليهم بهاءالله الابهی

هوالابهی

خط مبارک ٢٩٧

ای ياران معنوی اهل ملاء اعلی وسکان ملکوت الابهی در صباح ميثاق بشکرانهء

الطاف زبان گشودند و در ساحت قدس سر بسجده نهادند که ای پروردگار مهربان

ستايش ونيايش تراست که مرجع مخصوص را منصوص فرمودی ومرکز ميثاق را مشهور

ص ٢٤٩

آفاق نمودی آيت عهد قديمرا ثابت کردی ورايت عظيمت را بلند ومرتفع نمودی شمع

روشنترا شاهد انجمن کردی و سرو گلشنترا طراوت و لطافت و نضارت بخشيدی

ای پروردگار جانها را بشارتی بخش ودلهارا مسرتی عنايت فرما ابصار را روشنائی

ده و بصائر را ضياء رحمانی عنايت نما انک انت الکريم وانک انت الرحمن القديم

ع ع

سروستان جناب آقا غلامرضا

هوالله

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٢٩٨

ای بنده حق نامه شما رسيد و بدرگاه جمال مبارک لابه وانابه گرديد تا بعنايت حق

بقدر امکان وسعتی حاصل آيد وبخدمت ياران پردازيد و جناب ميرزا ابوالفضل را

از قبل من تحيت ابدع ابهی ابلاغ داريد و عليک البهاء الابهی ع ع

شيراز بواسطه بشير آلهی سروستان

جناب حسن ابن حاجی حسين عطار عليه بهاءالله

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٢٩٩

ای بنده حق نامه شما رسيد مضمون تبتل بدرگاه حضرت رب الملکوت بود عبدالبهاء

نيز بعتبه مقدسه جمال ابهی عجز ونياز نمود وازبرای تو عون وعنايت وصون وحمايت

طلبيد تادر کهف منيع وملاذ رفيع خداوند مهربان از شر اهل طغيان درحفظ و امان ؟

ص ٢٥٠

وثابت برپيمان باشی نجل مجيد آقا عطاءالله راازقبل عبدالبهاء تحيت وثنابرسان تا

مانند غصون رياض بنسيم جنت احديت باهتزاز آيد و بمثابه طيور حدائق بالحان معانی

و حقايق پردازد وعليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

بواسطه جناب ميرزامحمد حسين ابن ميرزااحمد علی نيريزی جناب آقامحمد حسن ابن

جناب حاجی حسين سروستانی عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٣٠٠

ای ثابت برپيمان شکرکن خدارا که کاس هدی از دست ساقی بقا نوشيدی

وبمنتها آمال آمال مقربين رسيدی چشم بينا گشودی ومشاهده‌آيات کبری فرمودی

وبکعبه مقصود پی بردی و در ظل مبارک حضرت مقصود راحت جان وآسايش

وجدان يافتی حال بايد در آنصفحات بنشر نفحات قدس پردازی و نفوسرا

بملکوت وجود هدايت فرمائی بعداذن حضور ببقعه مبارکه داده ميشود و جناب

آقا علی محمد وجناب حاجی خان وجناب جاجی آقا را از قبل اين عبد تحيت

ابدع ابهی ابلاغ دار با نهايت اشتياق ذکر ايشانرا مينمايم و عليک البهاء

الابهی ع ع مقابله شد

شيراز بواسطه بشير آلهی

جناب حاجی خان وجناب خان بابای سروستانی عليهما بهاءالله الابهی

ص ٢٥١

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٣٠١

ای دوبنده صادق جمال مبارک الحمدلله درگاه احديت را پاسداريد ؟

وسر باستان منجذب دلبر آفاقيد و مفتون آنزلف مشکبار از شدت ؟ نی چاک

و چشمی گريان وموئی آشفته وپريشان وآهی پنهان وداغی نمايان شاهدانجمن شديد

وسرگشته وسودائی وپرشوروشيدائی دلبر آسمانی گشتيد تا بجانفشانی برخواستيد ومحفل

مشتاقان آراستيد وسرخيل عاشقان گشتيد حال وقت آنست که از حضيض صمت وسکوت

پرواز نمائيد ودر اطراف نغمه وآواز بلند فرمائيد بهر چمنی بگذريد ومرغان خوش

الحان را بنغمه وآهنگ آريد و عليکماالبهاءالابهی ع ع مقابله شد

بواسطه مير عبدالکريم زائر

جناب ميرتاج الدين جناب ميراسمعيل جناب ميرعبدالغفار جناب ميرعبدالرسول

جناب مير عبدالمهدی جناب آقا جلال جناب ملامحمد جعفرامة‌الله والده زائر

آماءرحمن همشيره های زائرامة‌الله ضلع آقامحمداسمعيل امة‌الله ضلع آقا عبدالغفار

عليهم وعليهن البهاءالابهی

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٣٠٢

ای ياران وآماءرحمن جناب ميرعبدالکريم مسافهء‌بعيد طی نمود تاباقليم نباء؟ عظيم

رسيد الحمدلله بتقبيل آستان حضرت يزدان فائزشد وبزيارت تربت مقدسه مشرف گرديد؟

ص ٢٥٢

همواره بياد ياران بود وباچشمی گريان وقلبی سوزان طلب تائيد بجهت احبای رحمان

نمود البته اين عجز ونياز مقبول درگاه حضرت بی نياز گرديد لهذا عبدالبهاء منتظر

آنست که آثار باهره اين تضرع وزاری وتبتل وبيقراری ظاهر وآشکار گردد الحمدلله

خاندان هر شهيد مجيد ودودمان هر رجل رشيد مشمول نظر عنايت رحمن و رحيمند

واميد چنانست که جميع منتسبين شهدا در ظل رايت کبری در آيند وبفضل و موهبت

جمال ابهی سرافراز گردند گلستان توحيد را گل ورياحين گردند و بوستان تقديسرا

اشجاری پرشکوفه وثمر جديد شوند تا سبب خوشنودی شهيدان ومحل تحسين اهل

ملاء اعلی گردند عبدالبهاء بياد ياران وآماء رحمان مشغول وبذکر ايشان مالوف و

بمحبتشان مانوس همواره سر باستان نهد واز حضرت يزدان عون وعنايت بيپايان طلبد

امروز جهان وجهانيان کل دربحراوهام مستغرقنداما بهائيان الحمدلله باچشمی بينا

وگوشی شنوا ودلی آگاه وجانی مهتز از بشارت کبری در ظل شجره مبارکه

سدره منتهی محشورند بايد بشکرانه اين الطاف چنان رفتار نمائيد که سبب حيرت

ديگران گردند وعليکم وعليکن البهاء الابهی ع ع مقابله شد

بواسطه جناب مير عبدالکريم زائر

ص ٢٥٣

سروستان احبای‌آلهی زرقان احبای‌آلهی مسجد بردی ؟احبای‌آلهی شمس آباداحبای‌آلهی

شيراز احبای آلهی آباده همت آباد کوشکيک چنار وزيرآباد در غوک علی آباد

احبای آلهی عليهم بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٣٠٣

وانی ياآلهی قد قدرت لی السير بفضلک فی ملکوت الانفس وآلافاق ووفقنی ؟ علی

امعان النضر فی مراتب الوجود حيز سطوع انوارالاشراق فاستغرقت ؟ فی بحارالحيرة

والذهول بما رايت آثاراًو شئوناًتذهل منها العقول رب اننی رايت ؟فی يوم

الظهور الحشر والنشور والطامة‌الکبری قائمة فيکل ربوع وحدود وثغور وسمعت

صوت النفخ في الصوروالنقر في الناقور واريتني قيام الاموات من القبور وشاهدت ؟

امتداد الصراط الممدود وميزان القسط الموضوع وکشفت نائق ؟الرياض و تدفق

الحياض وتسعرالنيران وتزين الجنان و اجتليت ؟ملايکة‌الرحمه وغدت بک

من زبانية‌النار وابصرت الافق المبين وقرت عيناهی مشاهدة الجمال المنير

و کشفت الاحجاب و رايت اسراب الاحزاب ثلة مستغرقة فی الفيض

العظيم وعصبة والهة غی المشاهدة فی يوم الدين وقوم سابح فی بحرالقديم

و حزب منجذب هائم من حبک الشديد وفرقة خائضة فی بحور من الاوهام ؟

ص ٢٥٤

و زهط غريق فی بحارالاعلام وانس ذاهلة عن الادراک ساقطه فی بيداءالضلال

ولکنی سائنی ياآلهی منهاالمناظرالموحشه والظلمات المدهشه‌التی‌احاطت‌النفوس‌المحجة

فی يوم اشرقت الارض والسماء بانوار سطعت ولاحت بها آلافاق قد الظمت ؟

منهم الابصار وعميت منهم البصائر من مشاهدة الانوار و صمت آذانهم عن

نفحات ملکوت الاسرار و ضاقت صدورهم بما سقطوا فی حفرة‌الظنون والاوهام

و وقعوافی زاوية‌النسيان رب اننی اتذلل اليک ان تکشف الاستار عن البصائر

والابصار وتنفذالنفوس من الغر والاستکبار وتنجی الخائضين فی غمار

الظلمات رب کل عبادک وسکنة بلادک قد انشئتهم بانشائک وبرئهتم

بقوتک و اقتدارک رب قد خلقتهم آيات ربوبيتک وآثار الوهيتک ودلائل

قدرتک و براهين قوتک فکيف تترکهم ان يخوضوا فی بحر الاوهام وودعتهم

يهيمون فی وادی الخسران و ودعتهم فی بادية النسيان ولم تجعل حظاًمن الفضل

والاحسان اسئلک برحمتک التی سبقت الاشياء ان تجعل لهم نصيباً

من انوار الهدی واهدهم الی سبيل الرشاد واجعلهم آيات حبک انک انت الکريم ؟

انک انت الرحيم انک انت العظيم انک انت العزيز الوهاب ع ع

؟ ؟ ؟ ؟ ؟ ؟ ؟ ؟ ؟

ص ٢٥٥

بواسطه جناب آقامرتضای زائر سروستانی

جناب آقامحمد جناب آقابابا عليهما بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٣٠٤

ای دو بندهدر‌گاه کبريا جناب مرتصی مراجعت بان صفحات مينمايد وارمغانی از

عبدالبهاء ميخواهد چون متوجه بملکوت ابهی وناظر بعتبه حضرت کبريا هستند و ثابت

بر پيمان وناطق بثنای حضرت رحمان خواهش ايشان مقبول علی الخصوص در حق آندو شخص

متعارج باوج قبول اين ايام قرن اول است وعصر جليل اکبر نفوس بايد

بترتيل آيات جلال مانوس گردند و بمشاهدهء‌ملکوت جمال محفوظ شوند عين

تسنيم در جريانست و جنت احديه در نهايت تزئين مشهود وعيان حکمت

آلهيه در نبعانست وکوثر آلهی در فيضان وطيور قدس در نغمه و فنون

الحان پس ناسرا بيدار وهوشيار کنيد تا از اين فيض بحرالبحور نصيب موفور

برند واز اين نغمه و آهنگ نشئه کاس کان مزاجها کافور يابند وعليکما البهاء

الابهی ع ع

سروستان جناب ميرکريم زائر عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب امضاءمبارک ٣٠٥

هوالله

ای زائر مشکين نفس رويا تعبيرش آنست که نفوسی قصد

آن نمايند تانارالله‌الموقده خاموش گردداز جهد و کوشش آنان شعله عظيمتر گردد ؟

ص ٢٥٦

و نفوذ کلمة‌الله بيشتر شود حضرت مسيح سالم ماند وماقتلوه وما صلبوه ولکن

شبه لهم واضح و مشهود گردد جمال مبارک بر سرير سلطنت آسمانی جلوس فرمايد

وسطوت وشوکت امرالله آفاقرا احاطه کند وعليک البهاء الابهی

٢٨ ربيع الثانی ١٣٣٨ عبدالبهاء عباس مقابله شد

عراق بواسطه جناب آقا محمد مصطفی وآقا محمد علی سروستانی احبای آلهی

در سروستان ملاحظه نمايند

هوالله

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٣٠٦

ای ياران روحانی من وقت افول آفتابست و من بينهايت خسته وناتوان باوجود

اين اين دل وجان چنان در هيجان ومهربانست که بی فتوربتحريراين سطورپرداخت

مقصوداينست که غافلان وبيخردان دست تطاول بظلم وستم گشودند وهجوم عمومی نمودند

زيرا از مقاومت حجت وبرهان عاجز گشتند ودست بسلاح عجزه زدند و مقصدشان

اينست که بدرندگی وخونخواری مانند گرگان‌اغنام‌آلهی رابدرند وسراج‌آلهی را خاموش

نمايند هيهات هيهات اين سبب شود که شعله شديدتر شود وشعاع بيشترتابد ونسيم جان

پرور جنت ابهی شديد تر وزد لهذا بايد احبای آلهی باستقامتی مقاومت اين طوفان

نمايند که عجز جاهلان ظاهر وعيان گردد در آنسامان بايد هريک ازياران مانند عقاب

ص ٢٥٧

اوج عزت ابديه بپرواز آيد وصيد مرغان پراکنده و پريشان نمايد تا جميع طيوردر؟

حديقه رب غفور راه يافته بنغمات بديعه ترانه آغاز نمايند وآوازی سازبکنند؟ که

اهل فردوس در بارگاه قدس بوجد وطرب آيند وهلهله وولوله برافرازند وعليکم التحية

والثناء ع ع مقابله شد

هوالله

بواسطه جناب يونسخان جناب آقامحمد علی سروستانی عليه بهاءالله

هوالله

خط کاتب مهروامضای مبارک ٣٠٧

ای زائر مشکين نفس آنچه بجناب خان نگاشتی ملاحظه شد سخن گفتی ودرسفتی والحمدلله

خانه دلرا از خس و خاشاک غفلت ونسيان رفتی ودر دبستان عشق نزد اديب آلهی درس

محبت آموختی رويائيکه ديده بودی دليل بر آنست که بعون وعنايت جمال ابهی

بعبوديت درگاه کبريا موفق خواهی شد وامرالله را عنقريب انتشاری عجيب

حاصل خواهد گشت صيت ظهور مجلی طور جهانگير خواهد شد وارض غبراء روشن

و منير خواهد گشت و عليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

شيراز بواسطه بشير آلهی

جناب حاجی محمد علی ابن استاد حسن فخار سروستانی عليه بهاءالله الابهی

ص ٢٥٨

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٣٠٨

هوالله

ای متمسک بعهد وميثاق نامه اخير شما بجناب آقا سيد اسدالله رسيد وبدقت ملاحظه

گرديد ازدرگاه جمال مبارک طلب عفو ازبرای حرم محترمه شماشد که اورا غريق بحر

غفران فرمايد وابرای والد ماجد ووالده مقربه شما نيزالطاف بينهايت از درگاه

احديت طلبيدم تادر دريای فضل واحسان غوطه ور گردند مکتوب ياران که در جوف بود

جواب مرقوم گرديد ودرطی اين مکتوبست برسانيد شب وروز يادتو از خاطر نرود دراين

انجمن مذکوری ودر بين ملاءاعلی عالم بالا آستان مقدس جمال ابهی روحی بعتبة

تربته الفدا مشهوری و عليک البهاءالابهی ع ع مقابله شد

بواسطه جناب آقا محمد مصطفی وجناب آقامحمد علی سروستانی

سر ق ؟ ابوی محترمشان عليه بهاءالله

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٣٠٩

ای بنده يزدان پسر پاک گهرت باديه پيمود تارخ بخاک پاک آستان مقدس

بسود ومشام معطر فرمود درآن مقام نورانی زبان بعجز ونياز گشود وطلب عون

وعنايت از برای تو نموداين پسراز عهده شکرانه الطاف پدر بدرآمد حال بايد

پدر بغايت باو مهربان گردد ولطف بيپايان مبذول دارد و شب وروز

ص ٢٥٩

دعا کند و طلب توفيق نمايد تاپسر مانند اشجار فردوس درختی پربارور گردد وببرگ

وشکوفه وثمر مزين شود و در جويبار جنت ابهی در نهايت ؟ تازگی جلوه نمايد

وعليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

سروستان بواسطه بشيرآلهی جناب حاجی محمد علی باقر زائر جناب آقابابا

جناب خداداد جناب حاجی حسين جناب مشهدی قربانعلی جناب فتحعلی جناب

ابوالقاسم جناب آقاجمال جناب غلامرضا جناب مشهدی ناد علی

جناب حاجی علی جناب مصطفی جناب زين العابدين جناب قربانعلی جناب

شکرالله جناب قاسم جناب رمضان جناب عليرضا جناب استاد ربيع

جناب قربانعلی جناب اکبر جناب عبدالرضا جناب استاد مرتضی جناب

ايتاد علی حسين جناب باباخان جناب عليخان جناب فتح الله جناب حسينعلی

جناب سليمان جناب مهرعلی جناب محمد جعفر جناب فتحعلی جناب درويش عزيزالله

جناب محمد ابراهيم جناب اسد جناب آقاجان جناب آقاجان جناب کربلائی

شکرالله فرزند ايشان محمد علی جناب محمد تقی جناب سبزعلی جناب

ملامحمد علی جناب محمد حسن جناب فتح الله سليل ايشان روح الله جناب

ص ٢٦٠

محمدعلی جناب مرتضی عليهم بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب امضاءمبارک ٣١٠

ای ياران عزيز عبدالبهاء چون نام مبارک آن روحانيان تلاوت شد

حالت عجيبی دست داد بقول سعدی اين مطرب از کجاست که بر گفت نام دوست

جان و وجدان شادمان گرديد که الحمدلله در جويبارسروستان در نهايت طراوت

ولطافت سروهای روان ميخرامند و ميبالند ومانند مرغ سحر مينالند وچون

عندليب بر شاخسار معنوی گلبانگ آلهی ميزنند انشاءالله سروستان جنت

ابهی گردد وگلشن ملاء اعلی شود وعليکم البهاءالابهی عبدالبهاء عباس

بواسطه جناب بشيرآلهی

جناب استاد حسن فخار وحرم محترمه اش عليهما البهاءالابهی

خط کاتب امضاءمبارک ٣١١

هوالله

ای دو حمامه همدم وهمراز الحمدلله در گلشن آلهی پرواز نموديد و بملکوت راز

پی برديد ومظهرالطاف حضرت بينياز گشتيد اما شماتت و ملامت بد خواهان

شنيديد واذيت زياد کشيديد وسم مار ستمکار چشيديد ولی چون در سبيل

رب جليل بود اين زهر شهد بود واين درد درمان نظر بپايان حال نمائيد

اين بلايا را نتيجه عطايای الهی است واين ملامت وشماتت را ستايش و نيايش

ص ٢٦١

و پرستش درپی عاقبت واضح وآشکار گردد و بنجل مجيد قنبرعلی تحيت ابدع ابهی

ابلاغ داريد آن اشعارآبدار بود ومانند آب زلال ؟ ؟ جليل

حاجی محمد علی را مع ضجيع وعباسعلی را مع ضجيع ونصرت الله ومرتضی راباصبايای

روحانی نهايت مهربانی برسانيد وعليکما البهاءالابهی عبدالبهاءعباس

بواسطه حضرت بشير آلهی

شيراز جناب آقامرتضی زائر سروستانی ملاحظه نمايند مناجات طلب مغفرت

بجهت آقا عباس ومشهدی رحيم وکربلائی محمد حسن عليهم بهاءالله الابهی

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٣١٢

هوالله

آلهی آلهی وسيدی ورجائی انی ابتهل الی ملکوت رحمانيتک واتذلل الی جبروت

فردانيتک والوذ بباب احديتک واستفيض من سحاب رحمتک ان تشمل

هولاء العباد لحظات عين رحمتک والطافک وتغرقهم غی بحر عفوک

وغفرانک وتجعلهم آيات فضلک واحسانک انک انت الحنون انک انت

الغفور انک انت العفوالمقتدرالکريم الروف ع ع مقابله شد

هوالله بواسطه بينش عمادآبادی

سروستان جناب کربلائی باقر عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ص ٢٦٢

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٣١٣

ای سرمست باده پيمان نامه مخصوص ارسال ميگردد تا سبب شعله نار محبت الله گردد

اينعبد را نهايت آرزو اينست که در هر نفس بصد کس از احبای آلهی نامه نگارد

واين ميسر نگردد ولی بخامه روحانی در هر آنی نامه رحمانی نگارد واين در نهايت

سرعت انجام پذيرد زيرا عالم جسمانی تنگنای عجيبی است جميع امورش

بطئی است نهايت در هر نفسی چند قدمی طی شود ولکن روح شرق وغرب را

در لحظهء‌بپيمايد ملاحظه کنيد که چقدر متفاوتست باری مقصود چنين است

که آن سرمست پيمانه پيمان در ميان ياران آلهی بجان ودل بکوشد تا هميشه

التيام روحانی دوام نمايد والفت رحمانی جلوه فرمايد وعليک التحيةو‌الثناء ع ع

بواسطه جناب زائر کربلائی محمد باقر

جناب آقابابا وجناب آقا شکرالله ودوسليل جليل ودوصبيه محترمه وامة‌الله حرم

موقنه ايشان عليهم وعليهن بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٣١٤

ای مشتاقان جمال دلبر مهربان معشوق عالميان ومحبوب روحانيان

ومقصود ربانيان وموعود بيانيان چون از عراق اشراق فرمود ولوله

در آفاق انداخت وپرتوی نورانی بر اخلاق زد کون بحرکت آمد

ص ٢٦٣

امکان مسرت يافت حقايق اشياء معانی آلهی جست ذرات کائنات دلبر

ربانی يافت شرق مطلع انوار شد وغرب افق اش ؟ ؟ زمين

آسمان شد وخاک تيره تابناک گشت جلوه ملکوت درملک ؟ ناسوت

انتباه‌از عالم لاهوت يافت جهان جهان ديگر شد وعالم وجود حياتی ديگر يافت

اين آثار روز بروز ظاهر وآشکار شود واين انوار يوماًفيوماًبتابد واين نفحه

مشکبار آناًفاناًبراقطار عنبربار گردد ولی افسوس که ايرانيان هنوز مانند کوران

و کران بخواب غفلت گرفتار نور نبينند وندا نشنوند وانتباه نيابند وهوشيار نگردند

جهدی کنيد سعی نمائيد که ايران موطن دلبر مهربانست وفارس مبدء طلوع

صبح تابان بلكه بهمت دوستان اهل آنسامان مشاهده پرتومه تابان نمايند

واز فيوضات رب الايات بهره ونصيب برند وعليکم البهاء الابهی ع ع

١١ ج ١ سنه ١٣٢٨ بواسطه جناب بشيرآلهی شيراز

جناب غلامرضای سروستانی عليه بهاءالله

هوالله

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٣١٥

ای بنده آلهی نامه شما رسيد جوابی جوابی بملا جهانزير؟ مرقوم گرديد البته خواهد

رسيد ولی آيا امتحان عبدالبهاء جائزاست لاولله مطلوب امتحان طالب نمايد

ص ٢٦٤

نه قاصدامتحان مقصود عبدالبهاءبايد ديگران راآزمايش نمايد تاخلوص‌آرايش قلوب گردد

مرقوم نموده بودی که سوادی‌ازقرآن دارند پس چگونه صريح قرآن ملاحظه نگرديد جمال

محمدی بنص قرآن ميفرمايد لوکنت اعلم الغيب لا ستکثرت من الخير وما ادری

ماذايفعل بی وبکم غداباچنين نص قاطعی چگونه‌امتحان بميان آيد حضرت اميرعليه‌السلام

در محل بلندی ايستاده بودند شخص منکری گفت يا علی مطمئن بحفظ آلهی هستی فرمودند

بلی پس گفت خودرااز آن محل مرتفع بينداز واعتماد بحفظ آلهی نمادر جواب

فرمودند مرا نرسد که امتحان حق نمايم بلکه حقرا سزاوارامتحان عبد کند باری با

وجود اين چيزی مرقوم گرديد اگر چنانچه بصر بصيرت باز شود ادراک شود قناعت

حاصل گردد وعليک البهاء الابهی ع ع

بواسطه حضرت عندليب گلبن معانی

شيراز جناب مشهدی محمد حسين سروستانی عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب ٣١٦ هوالله

ای بنده حق عون وعنايت حضرت احديت چون شامل گردد هر نقصی

کامل شود وهر شخصی غنی ومتمول چون تائيد رسد ولوانسان هردم گنجی بخشد

ثروت افزون گردد وغنا مانند رود جيحون شود واگر مدد منقطع شود دريا بخشکد

ص ٢٦٥

وفرات وسيحون سراب دشت وهامون شود پس مدد از او طلب و تاتوانی

احبای آلهی را معاونت کن تا عون وعنايت حقرا مستمريابی و ربح؟ وبرکت

مشاهده نمائی اگر ممکن است در مسئله خانه با جناب محمد باقر اعانه نمائيد

وعليک التحية والثناء بواسطه جناب بشيرآلهی

جناب کربلائی باقر سروستانی وآقامحمد رضا وآقاعبدالله وآقا شکرالله

وآقابابا و جناب آقامرتضی وآقاحسين اصطهباناتی عليهم بهاءالله

الابهی ملاحظه نمايند

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٣١٧

هوالله

ای پروردگار مفتون جمال خويش محمد حسن را در جوار رحمت کبری پناه ده

وباسرار ملکوت ابهی آگاه کن باب غفران بگشا و بعفو واحسان معامله نما

بپرتو الطاف ظلام آثام زائل کن وبنور موهبت جبين روشن ومنيرنما

ايخداوند باقر زائر را شمع باهر کن ومحمد رضا را برضای خويش موفق فرما

وعبدالله را مظهر موهبت الله کن وآقابابا وشکرالله را شمع هدی فرما

وآقامرتضی را غرق دريای الطاف نما وحسين را از آوارگی نجات ده

وآزادگی بخش وعون وصون خويش را شايان کن توئی مقتدر وتوانا ع ع

ص ٢٦٦

بواسطه حضرت عندليب هوالابهی

جناب حاجی محمد وجناب هادی سروستانی عليهما بهاءالله الابهی

هوالابهی

خط کاتب ٣١٨

ای دوبرادر يکروح دردوپيکر الحمد لله اخوت جسمانی ومعنوی وجسدی و روحانی

در آن دوبرادر جمع شده است اين اخوت صحيحه صميمه است مبارک

و متيمن است باری مکتوب شما بواسطه جناب عندليب واصل وملاحظه گرديد

از ضيق حال وتسلط اهل وبال شکايت فرموده بوديد اين ضيق وتنگی عمومی

در جميع جهات واقع وباکثراشخاص وارد حکمتی دراينست انشاءالله زائل ميگردد

قدری صبر وتحمل لازم انما يوفی الصابرون اجرهم بغير حساب واما تسلط

مشرکين سيرنله ؟الله بقدرته وقوته والعاقبة للمتقين والروح والبهاء عليک

وعلی کل من ثبت علی الميثاق ع ع

هوالله

جناب آقا غلامعلی جناب آقا مصطفی جناب آقا مرتضی جناب عباسعلی خان

عليهم بهاءالله الابهی

خط کاتب ٣١٩ هوالابهی

ای دوستان حقيقی درايندم که نفس رحمانی ازملکوت ابهی مشام عبدالبهاءرا

معطرنموده‌بذکر شماپرداختم ملاحظه نمائيد که درچه مبارک دمی بياد شمامشغول شدم

ص ٢٦٧

قسم بروی وخوی دلبرابهی که قلب بمحبت احباء چنان دروله وانجذابست که وصف

نتوانم واز فضل قديم ولطف عميمش ملتمس هستم که چنان آتش محبتی ؟در دل

وجان شماافروزد که چون عبد حقيرش عبدالبهاء جهانيرا پرشعله وآتش نمائيد

وهر متزلزليرا ثابت وراسخ کنيد والبهاء من الله علی اهل البهاء ع ع

بلوک سروستان وتزنگ

احبای آلهی عليهم بهاءالله الابهی هوالله

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٣٢٠

ای پروردگار مهربان اين عاشقان آواره کوی تو آشفته موی تو دلداده

خوی تو پوينده سوی تو جوينده روی تو لب تشنه جوی تو وشب و روز

در جستجوی تو نظر عنايتی فرما عاطفتی کن موهبتی بده نعمتی مبذول دار

تااز حسرت فراق بياسايند و بحلقه وصال درآيند آواره‌اند سروسامان يابند

بيچاره‌اند آسايش جان يابند درد مندند درمان جويند آزرده‌اند شادمان

گردند همدم آهو‌فغانند بروح وريحان رسند انيس ناله وآهند ببارگاه رسند

آلها توآگاهی که پناهی ندارند ودر هر شام وصبحگاهی بگريند وبزارند وفضل

وموهبت تو خواهند خدايا مهربانا رحيما کريما آنچه شايان موهبت است را ؟

ص ٢٦٨

رايگان فرما وهر چه مقتضای رحمتست ارزان کن نسيم جانبخش بوزان و نفحه مشک

اذفری بفرست تادماغ مشتاقان باغ جنان گردد ومشام آزادگان پر گل و ريحان

شود قوتی بده که بخدمت پردازند قدرتی عطاکن که از عهده شکر آن بدرآيند وفرياد

برآرند طوبی لنا بشری لنا وفرحاً لنا وطوعاًلنا وفوزاً لنا من هذه المواهب

التی اشرفت بها آلافاق وتلئلئت باشد اشراق وجمعتنا علی الوفاق وازالت

عن اهل الارض النفاق واسال السيول من آلاماق حباًوشعفاًبجمال تجلی

فی يوم التلاق رب ادر عليهم کاساًدهاق ورنحهم بصهباالفضل والعطاء عهداًوميثاقاً

انک انت القوی المتين لااله الاانت الغفور الروف العلی العظيم ع ع

هوالله

بواسطه بشير روحانی ش جناب استاد جواد سلمانی من اهل الصاد عليه بهاءالله

هوالله

خط کاتب ٣٢١

ای آواره من دشت وصحرا پيمودی واحرام کوی دوست بستی و بقدر مقدور

رجوع نمودی ضررندارد من بالنيابه ازتو درآستان پاک روی ومويرا بخاک

مشگبوی خوشبوی مينمايم وازالطاف غيبی رجاميکنم که مشام تونيزمعطر گردد

اصل محبت الله است چون مويد بانی انشاءالله بهر عنايتی موفق و مويد ميشوی

ص ٢٦٩

وهذا من فضل ربی تاتوانی بذکر حق مشغول باش وازمادون بيزارومحرم‌اسرار وسرآلهی

عبوديت درگاهست ومحويت وفنا انشاءالله باين فائز ميگردی ع ع

حضرت افنان سدره مبارکه الفرع الجليل جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله

هوالله

خط مبارک ٣٢٢

حضرت افنان سدره ربانيه حسب الارادة‌المطلقه آنکه چون جناب ابراهيم افندی از

نفوسی هستند که تازه بشريعه آلهيه وارد وبرشاطی بحراحديت نازل قلبشان بانوار

هدايت کبری روشن و روحشان بنفحات خوش رياض موهبت حضرت ربوبيت گلشن

لهذا بايد که آنجناب بجميع وصائل ؟ متشبث که سبب ازدياد روح و ريحان واشتعال

نارمحبت الله درکينونتشان گرددالبته اوراراضی وممنون فرمائيد والروح والبهاء

والعز والثناء عليک وعلی سليلک الذی هومذکور فيقلوب اهل الله ؟وسائر الاحباء

ع والسلام مقابله شد

هوالله

پورتسعيد حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

البشاره محرمانه هوالابهی

خط مبارک ٣٢٣

ای فرع جليل سدره مقدسه مبارکه جمال قدم واسم

اعظم روحی لاحبائه الفداء دروقتيکه در حيفا تشريف داشتند موقعيرا در جبل کرمل

ص ٢٧٠

بکرات و مرات تعريف فرمودند که آنمحل بسياربا صفا ولطافت ونضارت

ونظارت است وامر فرمودند که آنمحل را بهر قسمست بگيرند بسياربسيارميل مبارک

بگرفتن آن محل بود چهارسال پيش بهر وسيله بود آن محل گرفته شد وجزئی ترتيبی داده

شد ومهيا گشت پس سفارش مخصوص برنگون داده شد ومکاتيب متعدده

مرقوم گشت ونقشه صندوقی از رخام آنصفحات که در جميع جهات معروفست

کشيده شد وارسال گشت و بمشقت زياد يکپارچه منبت اتمام شد

وبوسائط چندی حمل باينجا گشت والبته در بين راه در ورود ببعضی ازشهرها چه شد

مسموع آنجناب گشته خلاصه باصندوقی از بهترين خشب هندوستان چندی

پيش وارد گشت و يکسال قبل از اينجا جناب آقاميرزا اسدالله را مخصوص

فرستاديم تا آنکه با تخت روان جسد مطهر وهيکل مقدس وعرش عظيم روحی لتربته

الفدا را از ايران با کمال توقير وخضوع وخشوع واحترام باچند نفر احباب

حمل نموده وارد ارض مقدس نمودند حال در جبل کرمل مشغول ببناء مقام مقدس

هستيم وانشاءالله شمارا نيز ميخواهيم تا بامادر سنگ وگل کشی در آنمقام

مقدس مبارک شريک وسهيم گرديد واقتباس فيوضات غير متناهيه نمائی

ص ٢٧١

وبان شرف‌اعظم موفق گردی وهذه‌بشارة لاتقابلها سلطنته الملک والسموات فی الحقيقه

چنان سرور و حبوری دست داده که وصف نتوانم زيراآن عرش ؟ مقدس

بسيار مورد اهانت اهل ظلمت شده بود الحمد لله بعون وعنايت جمال قدم

چنين اسباب فراهم آمد که در نهايت عزت جميع اسباب مهيا گشت که محل حيرت

کل خواهد شد والبهاء عليک وعلی افنان السدرة‌المقدسة هناک ع ع مقابله شد

هوالابهی

پورتسعيد حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

خط مبارک ٣٢٤

ايها الفرع الجليل من السدرة المبارکه خبر وصول محفوظ

ومصون سبب فرح وسرور گرديد هذامن فضل ربی لعلی صراط مستقيم

در خصوص امور متوکل بر خدا باشيد ومطمئن بفيوضات ملکوت ابهی عنقريب

ملاحظه خواهيد کرد که آثارتائيد از جميع جهات احاطه خواهد نمود در خصوص ارسال

حضرات حال ورقه مقدسه قدری تکسر پيدا نموده بود الحمدلله رفع شد ولی هنوز

قدری ضعف باقی وازاين گذشته هوا گرم انشاءالله هواها معتدل شود

وشما درست تمکن حاصل نمائيد وامور منتظم گردد مشغوليت زياد؟ نداشته باشيد

ص ٢٧٢

وقتش خواهد آمد والبهاء عليک ع ع مقابله شد

هوالله

پورتسعيد حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

خط مبارک ٣٢٥

ايهالفرع الجليل من السدرة المبارکه چند هفته پيش مکتوب مفصل مرقوم گشت

وارسال شد وتابحال خبر وصول نرسيد چون مکتوب مهم بود لهذا تکرار مرقوم

ميشود مقصد اينست که اينعبد بدرجهء مشغول که بوصف درآيد با وجود اين

مرقوم گشت شما ملاحظه مرا ننمائيد خواه بنويسم و خواه فرصت نکنم البته

شما هميشه مرقوم داريد ع ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٣٢٦

ايندگان آلهی تمسک بذيل تقديس جوئيد ودر ظل مليک توحيد باهنگ

ملاء اعلی بتهليل وتکبير مشغول گرديد ودر خدمت دوستان جانفشانی نمائيد

هريک خادم يکديگر شويد زيرا خدمت احباءالله خدمت حقست احبای

پورتسعيد فی الحقيقه سبب سرور اينعبد هستند زيرا بخدمت ياران قائمند

ودر نصرت امرالله مشغولند طوبی لهم وحسن ماب والبهاءعليکم يا احباءالله

واودائه ع ع

هوالابهی

ص ٢٧٣

حضرت افنان جناب آفاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

خط مبارک ٣٢٧

ايهاالفرع الکريم من الشجرة‌المبارکة‌التی اصلها ثابت وفرعها فی السماء ؟؟ ؟

وتوتی اکلها؟ فيکل حين آنچه مرقوم فرموده بوديد ملاحظه شد نوايای آن ؟ نيست

که خالص لله بوده ورقه مفصله مخاطباً للعموم مرقوم شد وارسال گشت ملاحظه

خواهيد فرمود حال مقصد اينست که انشاءالله آنحضرت نوعی موفق گردند

که تعديل و تحکيم امور حاصل و ضبط وربط وصيانت در جميع شئون ظاهر ومحافظه

حقوق ومراعات مراتب لائح وملاحظه عواقب باهر وصيانت کمپانيه در جميع

مراتب کامل ورضايت قلوب وروح وريحان نفوس حفظش ؟ بقدر امکان

واضح گردد و يقين است بعون آلهی وهمت آنحضرت جميع اينها حاصل ميشود

والبهاء عليک ع ع مقابله شد

خط مبارک ٣٢٨

هوالابهی

ايفرع منشعب از سدره مبارکه عليک بهاءالله وجوده وعنايته اگر چه جواب

نامه آنجناب ازپيش ارسال شد ولکن حال چون جناب حاجی عازم موطن

وقاصد آن ارض هستند وبخاطر داشتم که چون روانه شوند مکتوبی مرقوم شود

که حکايت از کتاب قلوب کند و راز درون بنمايد لهذا باين چند کلمه پرداختم

ص ٢٧٤

وبرزحمت شما بيفزوديم آنی نميگذرد که بخاطر دوستان معنوی نگذری و دمی نرود

که بياد محبان حقيقی نيائی در هر محفلی بيادتو مشغوليم واز عنايات سابقه وفضل

وموهبت لاحقه مسئلت مينمائيم که آن افنان دوحه بقا را در جميع احيان بفيضان

ابر رحمت سبزو خرم دار وباثمار طيبه مثمرو بارور سبب اعلاءکلمه آلهيه نمايد

و واسطه نشر اخلاق رحمانيه گشايش قلب عنايت کند و فسحت و وسعت

دل وجان ارزان فرمايد تا در انجمن ياران بانوار فضل رحمن رروشن ومنور

باشد وباثار موهبت يزدان مشهود ومصور والبهاء عليک ع ع مقابله شد

هوالله

ش احبای آلهی عليهم بهاءالله الابهی

خط مبارک ٣٢٩ هوالله

رب ومنائی وآلهی ورجائی هولاءعباد سمعموا النداء ولبوا بکل ولاءو وفاء

وآمنوا وصدقوا باياتک الکبری و انجذبوابالاشراق وتوجهوا الی نيرالافاق

و ثبتوا علی الميثاق ولم يکترثوا بمافی اوراق الشبهات من النفاق والشقاق

بل ثبتوا ونبتوا واستقاموا واستفاضو من حياض موهبتک التی شاعت

و ذاعت آثارها وسطعت و لمعت انوارها وماجت وهاجت بحورها

ص ٢٧٥

و فاضت وامطرت غيومها وانهمرمت والسنجمت غيوثها ايرب اجعل مجاوری ؟

بيتک الحرام مجاری ماء فيضک النازل من غمام الفضل ؟ ثم اجعلهم

خدمة عتبتک المقدسة السامية‌المقام وساعين فی اعلاءارکانه المعطرة‌الارجاء

ومکبين علی تربة‌المغسرة‌الشذا واجعلهم خضعا خشعارکعا سجدافی تلک اخضرة‌الرحمانيه ؟

العالية النباء انک انت العزيز القدير ع ع مقابله شد

هوالله

حضرت افنان سدره مقدسه جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٣٣٠

هوالله

ايها الفرع الجليل من السدرة المبارکه مدتيست که بانحضرت

چيزی ننگاشتم هرقدر گله وشکوه نمائيد حق با شماست زيرا اقلاهرماهی

ارسال نامه ئی واجب ولازم ودر هر دمی پيغامی فرض ومتحتم ولی اگر

بدانی که عبدالبهاء در چه طوفان جفا مبتلاودر چه بحران مصائب وبلايائی گرفتار

البته دردهری بسطری قناعت نمائی ومعذور داری با وجود اين هجوم الان

که عازم تشرف باستان مقدسم که روحی جديد يابم بياد شماافتادم وبنگارش

اين نامه پرداختم وبوکالت شما برخاک آستان تربت پاگ افتاده بالنيابه

زيارت خواهم نمود حضرات افنان سدره مبارکه را تکبير وتحيت ابلاغ فرمائيد

ص ٢٧٦

وهمچنن ساير دوستان را ورقه مقدسه کبری و صغری را تکبير برسانيد ع ع مقابله شد

هوالله

ش حضرت افنان سدره‌مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٣٣١

هوالله ايها الفرع الجليل من السدرة المبارکه آلهی آلهی هذا فرع من الشجرة

المقدسة‌التی اصلها ثابت وفرعها فی السماء و توتی فيکل حين اکلها ايرب اجعله

ممتداًمرتفعاًمخضراًغضاًرطباًبوامل المواهب وهاطل سواکب السحائب ايرب

ايده علی نشرالنفحات و وفقه علی ترويج الکلمات و تفريح القلوب بالمسرات و تفريح

الکروب بالبشارات ايرب ثبت به القلوب و رکز به الامور وفرج به الهموم واجعله آية

الروح والريحان بين ملاءالايقان واجعله مشغولاًبما يزيده عزاًفی‌الامکان احصر

اوقاته علی اعلاء کلمتک بين اهل الاکوان انک انت الکريم المنان ع ع مقابله شد

هوالله

ايهاالفرع المحترم اليوم بجميع قوی بکوشيد که احبای آلهی نهايت اتحاد و اتفاقرا

حاصل نمايند که از اعظم فرائض زيرا ارياح تزلزل بشجره ميثاق احاطه نموده است

ذرهء‌اختلاف ياران سم مارانست بهر وسيله باشد بايد جميعرا بظل کلمه وحدانيت دلالت

باکه مجبور کرد والبهاء عليک ع ع مقابله شد

هوالله

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله

هوالله

ص ٢٧٧

خط مبارک ٣٣٢

ايهاالفرع‌الرفيع من الشجرة‌المبارکه مکاتيب آنحضرت رسيد معانی ؟ ثبوت برپيمان

آلهی بود اميد از تائيد رب مجيد چنانست که در جميع امکنه وازمنه واحوال موفق

بعبوديت آستان مقدس گرديد وخدمت امرالله واحباءالله نمائيد ايتست ثمره وجود

وجوهر مقصود حضرات افنان شجره مقدسه چندی بود در نزد مابودند وبزيارت تربت

طاهره مشرف مقصود اينبود که بيش ازاين در اينجا بفوز عظيمه طواف موفق باشند

ولی تنهائی آنحضرت وبخصوص که ميرزابديع ذکر اندک کسالتی نموده لهذا حضرات

خواهش مراجعت نمودند اينعبد نيز بملاحظه اينکه شايد تنهائی سبب صدمه

ودلتنگی باشد اجازه را داد انشاءالله بنهايت سرور و بشارت مراجعت ميفرمايند ع ع

هوالله

ش حضرات افنان سدره مقدسه مبارکه سينا عليهم بهاءالله الابهی

خط مبارک ٣٣٣ هوالله

ای افنان سدره منتهی وای احبای جمال ابهی بيت مقدس ومطاف

مالاءاعلی را بايد از هر جهت درکمال حکمت حفظ وصيانت نمود و بحرمت و خدمت

کوشيد اينعبد از خدام آن آستانست ملاحظه نمائيد در ملکوت ابهی آن مطاف

روحانيان چه قدر اهميت دارد باری اهل فارس کل در ظل آن مقام مقدسند واما

ص ٢٧٨

بقعه مقدسه معطره منوره حضرت حرم روحی تشتاق استشمام رائحه قدس ترابها بايد

در نهايت احترام آنرا محافظه نمود تا وقت ارتفاعش آيد وآن مقام مطاف ارواح

قدسيان را بايد افنان سدره مبارکه ازقبل اينعبد طواف نمايند وبقعه معطره

مقدسه حضرت حرم کبريا را زيارت نمايند ع ع مقابله شد

هوالله

ش حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا ميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک

هوالله

ايها الفرع المکرم من السدرة المبارکه چندی بود که حضرات افنان عليهم بهاءالله

الابهی را احضار نموده بودم در ارض اقدس بودند از قضا اين ايام بلايای اينعبد

در شدت و هيجان بود بقسميکه شب از روز ممتاز نه اينعبد نتوانست که از هر جهت

ملاحظه اسباب روح و ريحان نمايم باری ارض مقصود بقسمی منقلب که وصف

نتوانم ثبوت و رسوخ اينغبد وسکون ثابتين نگذاشته ؟ است و چون اسباب تشتت

و گرفتاری از هر جهت مهيا بود مبادا عند حدوث الصعوبات والشدائد مشکلات

حاصل گردد مصلحت چنين ديده شد که اقلاًحضرات نيز مبتلا نگردند ايشانرا روانه

بقطر مصر نموديم که تا جواب ازآنجناب برسد درآنجا صبرنمايند باری مختصراينست

ص ٢٧٩

که امور آنجناب وايشان ترتيب و تمشيتش بدون تشريف آوردن شما ممکن نه

و از پيش نيز مرقوم گرديد از ثبوت ورسوخ احبای آلهی و تمسک وتشبث

بعهد وميثاق مرقوم نموده بوديد معلومست نفوسيکه مومن بالله و موقن

بايات الله هستند اگر جميع من علی الارض قيام نمايند و بخواهند مقدار ذره ؟ ؟

البته عاجز مانند چه که اين نفوس از کاس عنايت سرمست گشتند جز بنفحات

قدس الفت نجويند و جز بانوار آلهی منجذب نگردند والبهاء عليک ورقه مقدسه

والده افنان را تکبير ابدع ابهی ابلاغ فرمائيد و همچنين جميع دوستان آلهی را از

فبل اين عبد کمال اشتياق نمائيد والبهاء عليهم اجمعين ع ع

٩

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٣٣٥

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ايهاالفرع الرفيع من دوحة البقاء نورانيت امرالله جهانرا بصبح منير و نور مبين

روشن نموده ونسيم رخيم حيات بخش جنت ابهی شرق و غرب را معطر فرموده صوت

تهليل وتکبيراست که بملاء اعلی ميرسد و آهنگ تنزيه وتقديس است که روحانيانرا جذب

ووله ميدهد قلزم کبريا چنان موجی انگيخته که سواحل کائنات رامستغرق نموده و نار

الله

ص ٢٨٠

الموقده چنان شعله زده که قلوب اهل ملکوت را محترق کرده جهان جهان ديگر شده و

اقليم و کشورحيات بشرنکهت روح پرور يافته لهذا همواره عبدالبهاءازکل جهات منتظر

ظهورانوار شوق وشعف است ومترصد بروز آثار جذب و وله اميدوارم که آن اقليم بنسيم

آلهی رشگ بهشت برين گردد و آنکشور از فضل و موهبت جليل اکبر فخر ومباهات

عالم بشر شود لهذا بايد جميعاًشب و روز بکوشيم تا هر روز نو روز گردد و هر دم

ساعت فيروز ونورانيت وجوه ياران شمع شب افروز جميع احبای آلهيرا بالطاف نامتناهی

بشارت دهيد تا کل از اين بشارت رحمانيه باهتزاز آيند ودر ارض الفت

ومحبت الله محشور گردند وعليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

آخر لوح ٣٣٥ اين پنج سطر خط مبارک است

ياحضرت افنان مکتوبيکه از پيش مرقوم شد ودلالت براحزان عبدالبهاء مينمود سببش

اين بود که‌اول گاه گاهی بعضی ازياران ازيکديگر شکايت ضمنی مينمودند وعبدالبهاء

سکوت ميکرد و مناجات مينمود ورب وفق بين عبادک برزبان ميراند تاآنکه دريک پوسته

مکاتيب متعدده ازاشخاص چند وارد ومعاذالله باشنع عبارات مذمت احباء چنان حالتی

دست داد که بی اختيار آن مکتوب مرقوم شد والااين گمگشته صحرای فنا از ياران

شيراز شکايتی ندارد بلکه نهايت محبت را دارد ع ع مقابله شد

ص ٢٨١

خط مبارک ٣٣٦ هوالله

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ايهاالفرع‌الرفيع در ايندم که از احزان مظلوميت شهدا چنان آتش حسدتی؟

دردل اين مسجون مظلوم افروخته که ابداًمجال تحريروتقريرنگذاشته معذلک اينعبد

بنگارش اين نامه پرداخته زيرا مقصود اين بود که مبلغی تدارک شده بجهت تعمير

بيت مقدس ارسال گردد والاتاثر وتحسرنه بدرجه که قلم تحول ؟ ولسان تکلم تواند

واين نظر بصدمات وبليات وارده بر حضرات شهدا روحی لهم الفداست

والاچه موهبتی‌اعظم ازاين وچه الطافی اکمل از آن که جان در ره جانان فداشود

وتن در محبت آن گل پيرهن در خاک وخون غلطد عنقريب کل ترک دغدغه اين جهان

ظلمانی مينمودند وبدرگاه احديت بی زاد وتوشه وارمغان وهديه توجه ميکردند حال

هريک باارمغانی ازسرفدا وهديه خون شهادت کبری بدرگاه کبريا توجه فرمودند

چه قدرفرق درميانست حضرت اعلی روحی له الفداء دراحسن القصص ميفرمايد يا سيدنا

الاکبر قد فديت بکلی لک وما تمنيت الاالقتل فی سبيلک باری از برای

شهداموهبتی اعظم‌ازاين نه که روحرادرسبيل آن محبوب بيهمتا فدانمايند رب وفقنی

ص ١٨٢

علی هذا انک انت الرحمن الرحيم واماازجهت امرالله واعلاءکلمة‌الله شجره مبارکه

سقايه کامله شد و عنقريب چنان نشوونما نمايد که امتداد وارتفاع جويد که عقول

حيران گردد وقوعات پيش برهان عظيمست خلاصه موازی پنجاه ليره فرنساوی

ارسال گرديد يعنی هزارفرنک حال بيش ازاين ممکن نشد شايدازطهران جناب

امين اگر ممکنشان بشود نيز خواهند فرستاد ع ع مقابله شد

هوالله

ش حضرت افنان سدره‌مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٣٣٧ هوالله

ايها الفرع المحترم من السدرة‌الرحمانيه آنچه مرقوم نموده بوديد

ملاحظه گرديد از روايات و حکايات نه مسرورشويد ونه محزون حرف همان حرفست

ولن تجدلسنة‌الله تبديلا ان الله مع الصابرين اين ايام عبدالبهاء

سجنش تجديد شده ودر طوفان بلا چنان مستغرق که وصف نتوان در بحران عظيمست

حضرات افنان سدره مبارکه را تکبير ابدع ابهی برسان در يوم اول رضوان

از قبل عبدالبهاء زيارت بيت مقدس نمائيد ع ع مقابله شد

هوالابهی

جناب افنان سدره مبارکه آقا ميرزاآقا عليه بهاءالله

خط مبارک ٣٣٨ هوالله

ايها لفرع الجليل من‌السدرة‌المبارکه يک نسخه ازبيان بجناب آقا سيد مهدی بدهيد

ص ٢٨٣

واگرچنانچه‌موجودنه حضرات افنان تقسيم نموده‌مرقوم نمايند وتسليم کنند والبهاء

عليک وعليهم ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش حضرت فرع رفيع جناب آقا ميرزا آقا عليه بهاءالله‌الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٣٣٩ هوالابهی

ايهی الفرع الرفيع من السدرة المبارکه مدتيست که آنجناب

واردارض شين گشته‌ايد وتابحال يک تحريروارد فوراًجواب مرقوم وارسال گرديد مامنتظر

آن بوديم که بورود شما آثار اشتعال نمودار گردد واحبای آنسامان درشوروشوق وفوران

وذوبان آيند ورود آنجناب چون دخول موکب موسم ربيع باشد که در تلال وديار؟

خيمه افرازد ودر صحرا ودشت با سپاه فيوضات بتازد وهنوز خبری نرسيد واثری

ظاهر نشد باری ظهور وبروزی لازم و آثار ورود ووفودی واجب اينعبد در آستان

مقدس شب وروزمتضرع ومتبهل که جنود تائيد ظهيرگردد وملائکه ملکوت نصيرانشاءالله

من بعد تلافی مافات خواهد شد حضرت ميرزا حبيب الله وحضرت ميرزابزرگ

مکاتبشان ميرسد فی الحقيقه در بعضی شئون ترقی نموده اند وحالاتشان بسيار موافق

و جواب هرمکتوبشان مرقوم شد اين روزها احضارشان نمودم عنقريب وارد خواهند

گشت مصائب وبلايای وارده براهل آن اقليم فارس شديد شدهاست وامتداد يافته است؟

ص ٢٨٤

اگر چنانچه رفع اين بلاودفع اينمصائب بيمنتهی را بخواند بايد مسجديرا که جنب بيت

مقدس است تعمير نمايند ودرآنجا تضرع وتبتل وابتهال و توجفی ؟و عجز ونيازی مجری

دارند ورفع بلا خواهند وکشف ضراءجويندتير دعادرهدف استجابت کارگر گردد وبکلی اين

بلايا مندفع شود وذلک وعد غيرمکذوب بل مسطورفيلوح محفوظ عند ربک العزيز القيوم

ای فرع رفيع ملاحظه کن که عواقب تجارت وزراعت وصناعت چه بود و چه ثمرداشت سم

هلاک بود ياشهد نجات مضرت جان بود يا مسرت وجدان فاعتبروايااولی الابصار

پس درفکرتجارت وزراعت وصناعتی باشيد که ثمرش شيرين ورايحه اش عنبرين وربحش عظيم

و رواجش درملکوت عليين باشد ع ع مقابله شد

هوالله

خط کاتب وامضاءمبارک ٣٤٠

ش حضرت افنان جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالله

ايهاالفرع الجليل من السدرة المبارکة مکاتيب متعدده واصل وبر مضامين اطلاع

حاصل شد تاخير جواب از شدت تاثير بلاياست نه از مسامحه در قضايا مختصراينست

که دقيقه فرصت وراحت وآسوده گی خواطرنه تامکاتيب چنانکه بايد وشايد مرقوم گردد

لهذا بعهده تاخير افتد شماملال وکلال نياريد وهمچه بدانيد که عبدالبهاء نهايت

آمالش سرور وفرح قلوب احبا وبالاخص افنان سدره مبارکه است وشب وروزبجان ودل

ص ٢٨٥

کوشد که سبب روح وريحان دل وجان گردد وچون ازآنجناب کمال اطمينان حاصل لهذا

تحريرمکاتيبرابوقت روح وريحان مرهون مينمايم تابکمال‌انشرح مکتوب مرقوم گردد

از ضوضاءعلمامرقوم نموده بوديداين امريست مقررکه آن نفوس تحمل‌انتشارنفحات الله

ننمايند وبتمام قوی مقاومت خواهند حمد خدارا که در مقابل تعرض شديد آنان ثبوت

ورسوخی بياران عطا ميفرمايد که مقاومت سيل شديد کنند وچون بنيان حديد

متانت عظيم بنمايند حضرت رئيس الحمدلله بنفس نفيس مقاومت هر خسيس را نموده

ومينمايند جهلای قوم در آنمدينه البته تحمل نفوذ کلمه‌ايشانرا ننمايند لهذا بايد

که احبا نوعی بحکمت باآنان برآيند وحرمت ورعايت کنند که بقدر امکان نائره

حسد ساکن گردد زيرا اين نفوس مبتلای حب رياستند چون رعايت بينند

از همه چيز چشم پوشند و چون اندک رخنه دررياست خويش مشاهده کنند بمثابه

آتش شعله زنند حضرت رئيس فی الحقيقه کمال سلوکرا دارند ولی مقتدای شهر صيت

وشهرت طلبد و چون مخالف آرزوی خويش بيند بشرارت بر خيزد بهر قسمست تسکين

شعله‌او بنمائيد وصبر وتحمل فرمائيد وکال حکمترا مجری داريد باری الحمدلله

اعليحضرت شهرياری درنهايت بردباری وبعدالت وانصاف مقاوم ظلم واعتسافند وهمچنين

ص ٢٨٦

ارکان سلطنت قاهره و وزرای حکومت باهره البته راضی بتعديات و ستمکاری

بيخردان نگردند ودرامنيت و راحت و آسايش رعيت کوشند دعا نمائيد که اعليحضرت

مظفر ومنصور گردد واعدايش مغلوب و مقهور زيرا فی الحقيقه پادشاه مهربانست

و شهريار رعيت پرور پر احسان اميدواريم که احقاق حق فرمايد ودست تطاول

درندگانرا مقطوع فرمايد جناب ميرزاعبدالحسين که در لسان انگريزی ماهرند

ماذون حضورند از برای بعضی مکتوب خواسته بوديد مرقوم ميشود مقام مقدس

حضرت اعلی روحی له الفدا ءدر کمال گرمی روز بروز بلند ميشود و عنقريب يکطبقه

جسيمه عظيمه که محاط باماکن متعدده در کمال متانت باتمام رسد ولی نميدانيد

که بيوفايان چه قدر معارضه کردند وچه قدر فساد نمودند که تا اين بنيان بلند

نگردد واينمقام مرتفع نشودالحمدلله بعون وعنايت آلهی بساختن مشغوليم تا بعد چه

شود الامربيده ونحن راضی بقضائه حضرات افنان سدره مبارکه را تکبير برسانيد وهم

چنين جناب عندليب را از هر جهت نهايت محبت و الفت با ايشان مجری فرمائيد

واز وقوعات علما محزون نباشيد اين يقين است سبب علويت امرالله گردد

وذل و هوان ستمکاران فسوف تری هولاء فی ذل عظيم واگر تحريک وفساد

ص ٢٨٧

آنان نباشد صيت امرالله بلند نگردد ان فيذلک لحکمة لاولی والابصار وعليک

التحية والثناء ع ع مقابله شد

هوالله

ش حضرت افنان جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٣٤١ هوالله

يامن يسمع يناحی وصياحی و نوحی وحنينی اليه فی حنيح ؟الليالی وصباحی واسحاری

وبکوری وضحائی و زوالی واصيلی و عشائی متذللاًبباب احديتک وحضرت رحمانيتک

و حافظاً؟ جناحی للذين آمنوابک وآياتک وثبتوا علی امرک و تمسکوا بدينک ؟

وتشبثوا بذيل رداء احديتک واخلصوا وجوههم لک وترکوا کل شهواتهم

وتقدسوا عن کل الشبهات فی عهدک وميثاقک وتنزهوا عن کل ظن و ارتياب

فی محجتک البيضاء وشريعتک السمحاء ربی ربی انت ترانی وشدت بلائی

وهجوم اهل الخصوم علی حمائی عن يمينی ويساری وجنوبی وشمالی من سائرالاديان

وطغاة اهل البيان ايرب انی وحيد فانصرنی ذليل عزرائی ؟ حقير احفظنی

فقير اعطنی ضعيف قونی عطشان فاسقنی سقيم فاشفنی ارحمنی يا آلهی خلصنی

من هذه البليات ونجنی من هذه المصيبات واجرنی من هذه الوعده؟

ص ٢٨٨

فی جوار رحمتک و ارجعنی اليک وارفعنی الی ساحة عزک وادخلنی فی ظلک

فی عوالم التی غفلت عنها طغاة خلقک وعصاة بريتک ايرب ضاقت علی

الانحاء وسدت علی ابواب الرجاء وتبدلت بالشدة الرخاء وتعسر کل ميسور

وظهر کل غم وهم معسور ايرب ايرب اسئلک بقدم ذاتک و عزة قيومتک؟

ان لا تترکنی ياآلهی مع هذه الحالة التی يرق ويرثی لها الصخرة الصماءانک

انت الکريم الرحيم المقتدر الحنان المنان الرحمن ع ع مقابله شد

آلهی الهی هذا فرع من فروع سدرة ربانيتک وآية من آيات ملکک ؟ وفردانيتک

احفظه عن سهام الشبهات و ظنون اهل الاشارات وادخله فی حصنک الحصين

و رکنک المشيد المتين وصنه بقوتک القاهره وقدرتک الباهره واجعله بنداء

منيعامقاوماًللسيول المنحدره و ممانعاًشديداًلهجوم الجيوش الفاتکة‌الجابرة

الهاتکة لستر حرمتک بين الوری الشاکية السلاح باشد القوی ايرب ثبت اقدامنا

علی الميثاق و حفظنا عن الشقاق و اجعلنا متمسکين بعروتک الوثقی و منقطعين

عما سواک يا مالک آلاخرة واولالی انک سميع الدعاء ع ع

حضرت افنان جناب ميرزابزرگ و حضرت افنان ميرزا حبيب را اجازه حضورداده

ص ٢٨٩

وارد شدند وبنفحات قدس مطاف اعلی مشامرا معطر نموده چندی اينجا بودند و مراجعت

کردند فی الحقيقه بسيارمعقول ومحجوب بودندازفضل وموهبت جمال قدم روحی لاحبائه

الفداءاميدوارم که درجميع مراتب وشئون روزبروزترقی نمايند در خصوص اشتغالو‌تجارت

ميل داشتند که خود وبرادربکاری عليحده مشغول گردند وآزاد باشند واين عبد گفت که

مراجعت بانجناب نمايند واستيذان کننداگرچنانچه شماراضی باشيد ضرری ندارد درخصوص

تعمير بيت مرقوم فرموده بوديد که سبب ضوضاءخواهد شد فی‌الحقيقه حضرت‌آقاميرزاآقای

افنان عليه بهاءالله‌الابهی نهايت شکاتراازبلايای متتابعه برفارس ويزدمرقوم نموده

بودند واستدعای دعا در روضه‌مبارکه کرده‌بودند اينعبد رامنظورچنان بود که‌اين بلايا

باسبابی رفع شود که سبب علوامرالله واعلاءکلمة‌الله باشد لهذا تعهد اين کيفيت را

نمودم که چون آن بيت معمورومطاف جواهروجود آباد ومعمورگردد اين بلايا بتمامها

زائل شود وتا اليوم نفسی درهيچ عهد باين قسم واضح ومشهود تعهد اينگونه امور

ننموده مراد اينبود تاحجت آلهيه بالغ شود وشرف ومنقبت آن بيت عظيم مقدس ظاهر

وباهر گردد حال که اسباب ضوضاء وفساد اهل طغيان است البته ملاحظه حکمت لازمست

پس تدبيری بايد نمود که فی الجمله تسهيل وتخفيف دربلا حاصل گردد

ص ٢٩٠

وتااين بلايا خدا نکرده‌استمرارنيابد وآن‌اين‌است که گفته شود که مسجدی جديدی که

قرب آن بيت رب جليل است وخرابست شخصی از اولياء که در جفر؟ جامع ماهر؟ است

استخراج کرده‌است که‌اگر چنانچه آن مسجد تعميرتام گردداين بلايای مبرم تخفيف يابد

واين غيوم مظلمه کشف شود چاره‌اکنون آب و روغن کردنست زيرا اين مسجد

شرف قرب جوار دارد بقدر اين جواريت حکم وتاثير دارد بنيان بيت معمور نيست

ولی آب پاشی آستانست و جاروب کشی ميدان همچو بنظر نمی آيد که از اين

چندان حرفی حاصل شود واگر ملاحظه فرمائيد که اين نيز منجر بروايات و حکايات

و فزع ناس و جزع خلق و ضوضاء ميشود بايد سر تسليم داشت البته حکمت

ازاوامر آلهيه است ملاحظه لازمست ومحافظه الزم وآنچه اليوم اهم امور است

ثبات واستقامت کل بر عهد وميثاق آلهی است اما نچنان ثبات بعضی که عبارت

از لفظ است وبس چون شهادت برسالت حضرت رسول از بعضی والله

يشهد انک لرسوله وان المنافقين لکاذبون ع ع مقابله شد

هوالابهی

حضرت افنان جناب آقا ميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

ص ٢٩١

خط مبارک ٤٤٢

ايهاالفرع الجليل من السدرة‌المبارکه قد تلوت کتابک الذی بکتب العيون حين اطلاعی

علی مضمونه واحترق قلبی من حرقة نارک وشدة نيرانک وکثرة احزانک و ابتهل الی

الملکوت الابهی ان يفرغ عليک الصبر فی البلاء والتحمل فی الفراق اذ اشتد الساق

بالساق واقترب يوم الميثاق وان يجعلک فرحاًلاحبائه وسروراً لاودائه و سکوناً

لارقائه و مسليا لاصفيائه کلمات پرحزن آنجناب سبب هجوم آلام واحزان گشت هر چند

ازاصل ناراحتراق در شدت اشتعال بود و جنود هموم در نهايت هجوم ولکن از قرائت

محررات شعله اش شديد تر شد وصولتش قويتر گشت بعد از صعود جمال مقصود ديگر

طوفان بلاست که بر پاست راحت جستن وآسايش خواستن و آرامی طلبيدن

دربحراعظم خشکی تحری نمودن ودرآتش سردی وتری جستجو نمودنست بايدابداًاميد راحت

ومسرت ومحفوظی نداشت باری هچنان که خواسته بوديد بدرگاه احديت تضرع

و ابتهال رفت که توفيقی عنايت فرمايد که بکلی از زحمات و مشغوليت بعالم حسرات ؟

خلاص شويد تا فارغ و خالی و خالص بر خدمت امرالله قيام نمائيد و بشئونی موفق

گرديد که از لوازم اين فروع مکرم است محزون مشو دلخون مگرد هربلائی چون

سيف زنجيرهای تعلقرا قطع مينمايد فی الحقيقه اين بلا نيست عطاست جای شکوه نيست

ص ٢٩٢

جای شکراست تا بدانی که در جميع شئون اينعالم جز حسرات وخسارات نبوده ونيست

والبهاء عليک ع ع مقابله شد

خط کاتب ومهر وامضاءمبارک ٣٤٣

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ايهاالفرع الکريم من السدرة‌المنتهی از کثرت مشاغل وقوت مصائب وعدم فراغت جواب

قدری تاخيرافتاد سبب خجلت گشت ولکن المسجون معذور نامه آنحضرت که بتاريخ

بيست ودويم صفر هزار سيصد نوزده بود واصل گرديد وبرمضمون اطلاع حاصل شد

شرحی مفصل از عدالت وانصاف حضرت ملک منصور مرقوم نموده بوديد سبب

سرور وحبور شد والبته سبب عون و عنايت رب غفور خواهد گشت وآوازهء

اين عدل موفور شهرت اعصار ودهور گردد ازخدا ميطلبيم بجنود لم تروها موفق شود

و بخدمت اعليحضرت شهريار خلدالله ملکه مويد گردد اينعدالترا شکرانه بايد واين

داد پروريرا خير خواهی شايد پس بايد جميع ياران بدل وجان اطاعت و خدمت نمايند

احبای آلهی بايد مانند اغنام رحمانی مطيع شبان باشند وبکمال صبر وبردباری حرکت

نمايند از تشرف شهريار وتير انداز فارسی بطواف بيت مکرم مرقوم نموده بوديد

بسيار سبب سرور گشت يا ليت کنت معهم فانوز فوزاً عظيماً مکتوب جناب

ص ٢٩٣

شهريار وتيرانداز قرائت شد سبب روح وريحان گرديد وجواب مرقوم شد ودر طی

اين مکتوبست برسانيد حضرات افنان سدره مبارکه مع ورقه نوراء؟ والده شان

تکبير ابدع ابهی ابلاغ فرمائيد وعليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٣٤٣

حضرت افنان جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی ملاحظه فرمايند

هوالابهی

وانت تعلم يا آلهی مبلغ حبی وفرط هيامی ؟ وعظيم ودادی وشدة تعلقی بافنان سدرة

رحمانيتک و شعوب دوحة فردانيتک فو عزتک الظاهرة التی ذلت الاعناق

لعلوها و عنت الوجوه لسموها و خضعت الرقاب لسلطانها اننی مستغرق

فی بحر محبة کل ورقه من اوراق شجرة ربانيتک فکيف فنن اخضر وانتشا و نظر

وازهر واثمر فی فردوس حبک واستروی ؟ من انهار الطافک وعاش بنفحات

رياض احسانک ايرب ايده علی خدمة امرک وثبته علی کلمة وحدانيتک و ايده

بتائيداتک و اشدد ازره علی القيام بطاعتک ونور وجهه بين معشر الافنان

بشدة ثبوته و رسوخه حتی لا تاخذه لومة لائم فی امرک ولا تحرکه شدة العواصف

القاصفة للاصول والاروم فيکل الازمان ولا تزعزعه الزوابع الخاطفة؟

ص ٢٩٤

للرواسخ من الاساس فيکل الاحيان انک انت الکريم العزيز المنان رب اجعل

الفروع النابتة من هذا الافنون خضرة نضرة ريانة بفضلک وجودک الذی احاط

العالمين ع ع مقابله شد

ايهاالفرع الرفيع من السدرة‌الرحمانيه آنچه مرقوم شد ملحوظ افتاد وآنچه مسطورگشت

منظور گرديد از خبر حزن آنجناب نهايت احزان حاصل گرديد چه که اين عبد را منتهی

آمال سرور و روح و ريحان افنان سدره رحمانيت است و حال اين اثر حزن

بسيار سبب تاثر اين عبد شد وآنمکتوب که بجهت آنجناب ارسال گرديد ملفوف

و محکم بود چگونه باز شد وقرائت گرديد بسيار سبب استغراب شد فتح مکتوب

و قرائت پيش از صاحب اصلی ابداً جائز نه بلکه ممنوع ومخدور وگذشته از آن

مقصدی ومرادی نبود و تعلقی بانجناب ندارد گفتگو و رواياتی در مصرشده بود

و رفع شد ومحو شد والبته جناب فرع لطيف افنان سدره رحمانيه حضرت

آقا ميرزا حبيب الله وآقا ميرزابزرگ عليهما بهاءالله الابهی بشمامرقوم نموده‌اند

قابليت اين نداشت که من چيزی بنويسم وخبر هم لهذا اشاره شده بود

مقصداينست که شمابايد درامور عظيمه فکرنمائيد اليوم يوميست که بايد کل اذکاررا

ص ٢٩٥

فراموش نمود وجميع فکر و هوشرا متوجه امر واحد نمود وآن اعلاء کلمة الله ونشر

نفحات الله است درهرعهد و عصر امری مويد اليوم جنود ملکوت ابهی ناصر نفوسيست

که بکلی از خود وخويش وبيگانه بيخبرند چون شمع در جمع آفاق روشنند وچون گل

معطر احمر زينت هر گلزار و چمن شب و روز جز ذکر دوست وردی ندارند وصباح

و مساء بغير از حی علی الفوز والفلاح ذکری نکنند اين نفوس مويد بفريق

ملائکه ملاءاعلی هستند و منظور بلحظات عين رحمانيت طلعة نوراء در ملکوت ابهی

الان تکليف جميع احباء رحمن اينست فکيف افنان سدره منتهی باری بموجب تعليماتيکه

وقت رفتن تلقين شد بقوه يقين قيام نمائيد ابواب کل خير را مفتوح يابيد

باری آنحضرت درجه محبت من را بخود ميدانيد با وجود اين نبايد چنين متاثر شويد

هميشه در قلب و جان خويش ملاحظه نمائيد از آن ميزان وجدان من بدست

ميايد اين عبد را مقصد چنانست که هريک از افنان سدره الهيه شجر مبارکی شوند

که مظهر آيه مبارکه اصلها ثابت وفرعها فی السماء گردند من بشئون جزئيه از آثار

علووامتناع ازحقيقت افنان دوحه بقاقناعت و کفايت نمينمايم بلکه ميخواهم وبدرگاه

احديت عجز ونياز ميکنم که مظهر آيات کليه گردند تا روح من مستبشر گردد وبرهان

ص ٢٩٦

اين مطلب مکاتيبی که بافنان دوحه ربانيه مرقوم نموده‌ام منجمله بعدازشما چند

مکتوب بجناب ميرزاحبيب وجناب ميرزابزرگ عليهما بهاءالله‌الابهی مرقوم شد سوادش

درطی اين مکتوبست ملاحظه فرمائيد آنمکتوب که درآن بجهت بعضی مکاتيب خواسته بوديد

نرسيده است لهذا اسماء مجدداًمرقوم داريد انشاءالله بجهت کل مرقوم شده

ارسال ميشود از خبر تعمير بيت معظم محترم نهايت مسرت حاصل است

اميدوارم که باين موفقيت مويد بظهور آثار عنايت الهيه در جميع شئون گرديد

اگر خالی بودن آنمحل پاک مقدس ممکن وميسر و موافق حکمت نباشد بقدر

امکان در طهارت ونظافت و لطافت و احترام آن بکوشيد واين بسيار مهم است

وزيارتيکه از قبل اين عبد نموده ايد بينهايت سبب سرور وحبور گرديد درسالی

يکمرتبه اين نيابترا بايد بکمال دقت اجری فرمائيد ايرب هذا افنون من افنان

سدرة رحمانيتک و فرع من فروع شجرة وحدانيتک قد قام نيابة عن عبدک

وزاربيتک الحرام وطاف حول حرم قدسک ياربی العزيز العلام ايرب

قدرله الاجرالجزيل والفضل العظيم فی ملکوتک الابهی و رفيقک الاعلی انک انت

الکريم المتعال ديگر در خصوص آنجهات مرقوم نموده بوديد واجازه تفصيل و تحرير

ص ٢٩٧

خواسته بوديد البته مرقوم داريد در خصوص جمع نمودن الواح آلهيه که تخصيص بانجناب

دارد مرقوم نموده بوديد بسيار خوبست و موافق ولی طبع وچاپ آلان ابداً

موافق نيست زيرا بسيار نفوس باين فکر ميافتند وازاين مشکلات حاصل ميگردد

ولی شما يک نسخه جمع نمائيد و بخط بسيار خوشی مرقوم نمائيد وارسال نزد اين عبد

نمائيد بعد ملاحظه خواهيد فرمود که چه خوش واقع خواهد گشت وحضرت آقا ميرزا حبيب

عليه بهاءالله الابهی بقاًلشان درپورت سعيد خوشتراست در خصوص امورات

شمابجناب‌اسمين عليهمابهاءالله‌الابهی مرقوم ميشودبجناب فاضل عليه بهاءالله الابهی

وثنائه تکبيرابدع ابهی ابلاغ فرمائيد وازلسان اين عبد تبليغ نمائيد قد جاءموعدک

واتت دولتک وحانت ازمة صولتک وهذا ميدان جولتک فاطلق الا عنه

واشرع الاسنة ببيان فصيح بليغ بديع مليح تالله الحق هذه اسنة تخرق الصخرة

و تثفب الجبال من جلمود الشدة ع ع مقابله شد

هوالله

ش حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا ميرزاآقای افنان ابوی آقای ميرزا جلال

عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٣٤٥ هوالابهی

ايها الفرع الرفيع من السدرة‌المبارکه آنچه ازقلم تحرير تسطير شد ببصر دقيق

ملاحظه گرديد

ص ٢٩٨

مضامين سبب تسلی قلب اين حزين بود چه که ملاحظه گرديد که در احزان فی الجمله

سهيم دارم وازجهتی سبب تاثروتحسرشد که بلاياءمتواتره ومشاکل امورمصر واسکندريه

بکلی شمارا غمگين وپرآه وانين نموده واينعبد خداوند بيچون گواه آگاه است که

امورآنجنابرا بيش از شئون خويش اهم ميشمارد ودرفکرآسايش شما وجميع احوال بوده

از يوم مسافرت تابحال مکاتيب ومراسلات را فر عين سدره مبارکه مستمر داشته

باوجود مشاغل ومشاکل عظيمه وصدمات وبليات کليه وهجوم اعدااز جميع جهات وتزلزل

متزلزلين درعهد وميثاق ولی بغايت تدابير خفيه وتوهين امرالله باز دقيقه غفلت

ننموده ونخواهد نمود وانشاءالله در تربيتشان بقوه رحمانيه ميکوشم ولی آنجناب

از تفصيل مطلع نيستيد چون آندوافنان غريبان باينجا آمدند ذکرنمودند که بما آنچه

تخصيص فرموده اند نميرسد وامور منتظم نيست وملاحظه ميشود که اگر مدت عمر برمنوال

حاضر بگذرد بهيچوجه ثمره حاصل نخواهد شد اگرمصلحت باشد ماخود بکاری مشغول گرديم

و دکانی اداره نمائيم البته ثمری بخشد مختصراينست که شکايت زياد از بيثمری حال

حال حاضرشان نمودند اينعبد نيز ملاحظه نمود که زيرک هستند در ابتدا هرچند معامله

مختصرنمايند دراستقبال توسيع حاصل خواهد شد باری آنچه مرقوم شود حقيقت محبت

ص ٢٩٩

اينعبد بايشان بيان نشود وتابحال دراموراحدی مداخله ننموده‌ام اما درامورايشان از

هر جهت مداخله خواهم کرد لهذا علی العجاله بايدايشانرا درمعيت نزديک آرم که از

جميع حالاتشان متصل استفسارشود واينرامحرمانه مرقوم مينمايم که بجهت انتظام

امورشان وترقيشان درباطن وظاهرحتی تجارتشان بهتراينست که علی العجاله به بيروت

بيايند وآنچه سهم آنهادرشرکت است بگيرند ودر بيروت مشغول کسب گردند واين قضيه را

مستور بداريد وخودتان اگرمصلحت بدانيد بايشان مرقوم نمائيد واما در خصوص شرکتشان

باحضرات اوراق ملاحظه کرديد حق باشماست حضرات بايد بموجب اوراق حساب بدهند وربح

معلوم گردد وبرمن تفصيل واضح وازهرجهت محافظه حقوق آنجنابرا ميخواهم ولی کار اين

عبد بسيار دشوار و مشکل شده است و زمام اموراز دست رفته است بقسميکه بنفسی

نميتوان کلمه مخالف رضايش ذکرنمود اگر چنانچه فی الجمله تضييق نمائی آن نفسرا

افوراًمتزلزلين ميثاق بکمال تدابير و خداع متزلزل مينمايند بلکه ميکوشند تاآنرا

بکلی از عهدآلهی بری نمايند بلکه القا بغضا درقلبش مينمايند اين سبب ميشود که آن

بيچاره بکلی محروم ميگردد لهذااينعبد تضييق نميشود که بکسی نمايم ولوبجهت محافظه

حقوق دوستان باشد الغدر عند کرام الناس مقبول واينکلمه رامحرمانه بانجناب نوشتم

ملاحظه فرمائيد

ص ٣٠٠

که اين عبد وحيد فريد غريب در گوشه طبرياافتاده بچه بلايا مبتلا قسم بجمال قدم

که ذرات اشياء گريه وناله وندبه مينمايند پس مادام که چنين قرارميان شما وشرکاست

بموجب تفصيل که مرقوم نموده بوديد حساب بخواهيد تا معلوم شود چه عايد وحاصل شده

اينعبد بقدرامکان درامورآنجناب ميکوشم وبحضرات مينويسم واز حق ميطلبم که حقوق آن

جناب محفوظ ماند حضرات نيزالبته درصيانت حقوق فتور نخواهند کرد واگر قصوری حاصل

شود ازفتور جبريست که درامور واقعشده است اسباب چنين فراهم آمده‌ايشان البته بقدر

مقدور قصورنخواهند کرد ديگرآنکه بفرعين محترمين هميشه توصيه درثبوت ورسوخ نمائيد

چه که بعضی تاويلات در محکمات حاصل شده است واهل شبهات متصل در القاءآت

هستند واليوم نفسی بقدر سم الخياط گوش را بکلمات اهل شبهات باز کند چنان بلغزد

که‌ابداًخويشرا ضبط نتواند از جمله القاآت اهل شبهات اينست که بنفسی ميگويند که

بايد مراجعت بايات کرد يعنی اجتهاد نمود باينمعنی که هرکس مستغنی است آنچه

بخواهد استباط ميکند يعنی احتياج بمبين نيست ملاحظه نمائيد که اينکلمه چقدر سبب

تضيع امرالله ميشود وچه قدر سبب اختلاف خواهد شد با وجود کتاب عهد آلهی مبين

معلوم ومنصوص مع هذا چه کلمه القاميشود واين کلمه را عمرذکر نمود وقتيکه حضرت

رسول روح العالمين

ص ٣٠١

له الفدادر حين وفات فرمودند اتونی بقلم وقرطاس لا کتب لکم شيالا تضنون ؟بعده

گفت يکفينا کتاب الله حال يکفينا کتاب الله ؟ تبديل بکلمه فدا کل را غنی فرمود

و مراجعت بنوشتجات کن شده است يعنی تمکين از مبين مکن وسئوال منما وبرضای او

حرکت وبدلالت او سلوک ومعرفت لزوم ندارد خود مجتهد باش ودر اين ضمن مقصد

که از عهد ميثاق بری گردد باری مقصد اينست که آنجناب بايد چون جبل راسخ ثابت

مقاومت نمايند ومگذاريد که قول متزلزلين موسوسين سدی درقلوب سادگان تاثير نمايد

اليوم افنان سدره مبارکه بايد اول خادم عهد و ميثاق آلهی باشند تا امرالله درظل

کلمه وحدانيت ازجميع ؟ جهات محفوظ ماند هريک دراين ره يکقدم بيش نهد پيشی يابد

ومظهر تائيدات ملکوت ابهی گردد ودرجميع شئون موفق شود والاقسم بحضرت قيوم که در

کل مراتب وشئون سرنگون گردد عنقريب متزلزلين را در خسران مبين مشاهده خواهيد

نمود ان تنصروالله ينصرکم والبهاء عليک ع ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٣٤٦

ش حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

هو الاعلی الابهی

آلهی هذا فرع من افنان شجرة الاثبات وفنن من فروع دوحة وحدانيتک قد اقبل اليک

متذللاًبباب احديتک ومتشبثاً بذيل رداء فردانيتک ومنجذباًبذکرک وناطقاًبمحامدک

فاحفظه بعين حفظک

ص ٣٠٢

وکلائتک واحرسه فيظل وقايتک و وفقه علی رضاک فی جميع الشئون واحفظه عن ريب

المنون وايده‌بعون السرالمصون يا حی يا قيوم انک انت الودود مسطورات محفوظه

واوراق منشوره آنجناب کل واصل و بر مضامين وقوف تام حاصل گرديد در خصوص

بعضی روايات مرقوم فرموده‌بوديدالحمدلله دراين بساط جزنفحات قدسرامروری نه وجز

انوارانسرا سطوعی نه اگرانتشاريست صيت ولوله شکن زلف يار است واگراشتهاريست

ذکرفتنه چشم دلبروبوی خوش کوی دلدار شب وروزبنسيم عنايت زنده‌ايم وبشنيم عبيررياض

عنايت پاينده وشما مطمئن بفضل حق باشيد ودلبسته بالطاف غير متناهی ملکوت

ابهی اين تاثرات را فراموش کنيد واين احزانرا در زاويه نسيان نهيد وقت هوش

و گوش است وخاموشی از هر ذکری جز نعت وستايش حضرت دوست دع هذه الروايات

واتل علی السامعين آلايات البينات واکشف الغطا عن ابصار اهل الشبهات واشتعل

بالنارالموقدة‌فی السدرة‌الرحمانيه واطلق اللسان بالذکرالحکيم وادخل فی جثه النعيم

واهدالی الصراط المستقيم ودل علی النيرالمنير فی الافق المبين واحق الطالبين من

ماء معين حتی يخاطبک ربک من ملکوته الاعلی طوبی لک ايهاالفرع الرفيع من هذا

الفضل العظيم وبشری لک ايهاالقضيب الرطيب من هذا الجود البديع والبهاء عليک

ص ٣٠٣

و علی کل ثابت علی العهدالقديم ع ع مقابله شد

خط مبارک ٣٤٧ هو

ش بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا ميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

ای افنان سدره مبارکه در خصوص مکتوب آقاسيد ميرزاآنچه مرقوم نموده بود کل کذب

ووسائس ومفتريات بود آن شاعر ماهری که ميگويد نميشناسد آن ميرزاعبدالله است

که شب وروز مجالس و موانس اوبود دعهم وشئانهم قابل خطاب و نصيحت ودلالت نيست

شمااورا ميشناسيد که بمنع قطعی جمال قدم کراراًازبيع افيون نگذشت ومخالفت

نمودتاکن وفکون شد حال ديگرمعلومست که چه عنادی دارد نسئل‌الله بان يجعله راجعا

الی الميثاق قضيه متصاعدالی الله جناب ميرزاحسينخان و دفنشان در خانه شان بسيار

بجا واقع وجناب افنان سدره مبارکه آقا ميرزا جلال بسيار موافق حرکت نموده اند

وخدمت کرده اند در خصوص بيت مقدس درفارس ازشيراز جميع احباء نهايت جزع

وفزع را مينمايند ودوماه‌پيش جمعاًکل نوشته واستدعای تبصردرامربيت مبارک نموده

اند بقسميکه ملاحظه شد که‌اگرسواد آن ارسال نزد آنحضرت شود بسيارسبب حزن ميگردد

لهذا نفرستادم ولی بايد آنحضرت در اين خصوص همت عظيمه بفرمايند زيرا اين امر

بيت بسيار مهمست اهميتش بدرجه که وصف نتوانم لابد بايد يا ؟ انجناب

ص ٣٠٤

ويايکی ازاولاد های آنجناب درآنجا باشيد نميشود تسليم زنی نمود ولومحافظه نمايد

باری بنوعی احباءفرياد ميکنند که اينعبد عاجز مانده بهرقسمی است يکی ازحضرات

افنان سدره مبارکه که همراه هستند بفرستيد بفارس که مواظب بيت مقدس درنهايت

احترام باشد بسيار در اينخصوص همت نمائيد تاخير ابداًجائزنه حضرت افنان شجرهء

مبارکه آقا ميرزا جلال منصب دارند هرروز مامور بجائی ميشوند اختيارشان بدست

خودشان نيست شما بايشان مخابره نمائيد هريک از افنان اخوانشانرا مصلحت

بدانيد وبدانند معين نمائيد وبفرستيد تا جميع احباءبدانند که ايشان محض خدمت بيت

درفارس هستند وکارديگرندارند ديگر انکه احتراماتی که در حق مسافرين ومسافرات

امريکا مجری فرموديد بسيار سبب سرور و روح و ريحان گرديد ولمثلک ينبغی هذا

الشان العظيم جميع دوستان که ازآنسمت عبورمينمايند کلرا کمال مهربانی بفرمائيد

در خصوص تاخيراجوبه محزون مشويد زيرا نميدانيد که در چه بلائی گرفتارم قسم بجمال

قدم که‌ازاول ابداع تابحال چنين محن ومشاقی ديده نشده‌است ملاحظه فرمائيد که اعدا

خارجه بچه درجه درصددند و حضرات ناقضين ازآنها صد درجه گذشته اند ومتصل با

مامورين حکومت در تحريک فسادند ومفتريات چندی هر روز ايجاد نمايند

ص ٣٠٥

حال منتظراننيد که‌ازفسادشان که باسلامبول نموده‌اند يااينعبد رادردريااندازند

ويا بفيزان برند اينرا بدانيد آنچه براينعبد وارد شود کل ازناقضين است هيچکس

مدخلی ندارد واز جهتی اين مشاغل داخل و خارج مخابرات و سئوال و جواب

واز جهتی خدمت آستان مقدس وابلاغ وتبليغ لازم واجب ديگرملاحظه فرما که در چه

دريائی مستغرقم فاعتبروا يا اولی الابصار ع ع

وامادر خصوص مراجعت آنحضرت بوطن مالوف مرا مقصد چنين بود که در اين صفحات

بلکه‌انشاءالله تمکن يابيد واموربرمحورمطلوب دوران نمايد وبعضی زحمات عبدالبهاءرا

ولو درآنصفحات باشد تحمل نمائيد چنانچه درورود مخدرات امريکانيها تحمل فرموديد

حال هم اگر ممکن باشد باز موافقست واگراسباب متشتت ومتفرق وبقای شما بالذات

مشکل و بجهت امور وتمشيت اسباب رجوع واجب ولازم جناب افنان سدره مبارکه

آقا ميرزابزرگ وآقا ميرزاحبيب را در آنجا بگذاريد که مشغول بشغلشان باشند من خود

متوجه آنها ميگردم و تربيتشان مينمايم وشما باين ارض يعنی زيارت آستان مشرف شده

بعد حرکت ميفرمائيد ودر خصوص بيت مقدس نيز قراری مناسب وموافق ميدهيم

والبهاء عليک ع ع

ص ٣٠٦

هوالابهی

جناب افنان سدره منتهی حضرت آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٣٤٨

هوالابهی

ايفرع رفيع سدره مبارکه آنچه

آنچه مرقوم فرموده بوديد تلاوت وقرائت گرديد ومکاتيب جوف نيزملاحظه شد جواب

مرقوم گشت درطی اين مکتوبست بجهة جناب حاجی حسنعلی وحاجی لطفعلی اجازت زيارت

روضه مطهره داده شد مکاتيب سابقرا انشاءالله جواب ارسال مينمائيم تاخير ازکثرت

مشغوليت حاصل اگر اينجا باشيد ملاحظه ميفرمائيد که دستگاه چاپخانه انگليس

اينقدر اوراق طبع ننمايد که اينقلم مرقوم مينمايد اين گذشته از امورات جسيمه

ومشاغل عظيمه ومقاومت اعدا در جميع نقاط ارض ومشغولی دائمی در امور دا خل و

خارجست والبهاءعليک ع ع مقابله شد

خط مبارک ٣٤٩ هو

در خليج سعيد مصر جناب افنان آقاميرزاآقا ملاحظه فرمايند

هوالمعزی

ايها الافنون الشامخ الرفيع عليک بهاءالله ونوره وضيائه وفضله وعنايته وجوده

واحسانه والطافه و عطائه و شملک فيکل الشئون بلحظات اعين رحمانية خبر محزنی

دراين ايام وارد وقلوب مضطرب ونفوس متحسر وارواح متاسف گرديد چه که نار فراقرا

حرقت شديده است ومصيبت هجرانرا حسرت عظيمه و لکن چون آنروح لطيف

ص ٣٠٧

باوج عز تقديس عروج نمود وآن شعاع ساطع بافق قدس توحيد راجع شد در جميع

شئون بايد بحبل محکم متين صبر تمسک نمود وبقضای آلهی راضی بود؟ انی يوفی‌الصابرون

اجرهم بغير حساب ويقين است که آن افنان سدره آلهيه وآن شجره روضه

عنايت رحمانيه در اين مصيبت محزون ومغموم نخواهند ماند بلکه بشکرانه حسن

خاتمه آن متصاعده الی الله زبان گشايد ومناجات کنند ربی و رجائی

ترانی متضرعاًبباب رحمانيتک ومبتهلاً الی ملکوت وحدانيتک ان تنزل علی اننی ؟

شرفتها بمجاورة بيتک و ايدتها علی معرفتک و سقيتها من اقداح صهبا محبتک

و نسبتها الی شجرة صمدانيتک بان تجيرها فی جوار رحمتک الکبری و تسکنها

فی حدائق عنايتک العظمی و تخلد ها فی فردوس لقائک و تدخلها فی زمرة

الهائمين ؟ فی نور جمالک انک انت الکريم الرحيم ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٣٥٠

مصر حضرت افنان آقاميرزا آقا عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

حضرت افنان سدره منتهی عليه بهاءالله الابهی آنچه بقلم روحانی برصفحه

وجدان مرقوم نموده بوديد بلسان محبت الله تلاوت شد نفحه خوش انجذاب استشمام

گرديد و حلاوة ذکر محبوب حقيقی مذاق ياران معنويرا شيرين نمود حمد و شکر

ص ٣٠٨

جمال قدمرا که افنان شجره مبارکه را به گلهای ذکر وبيان واوراق مخضره شئون

روحانيه مزين فرمود واز رحمت بيپايان آن مليک وجود وسلطان غيب

وشهود آمل وسائليم که آن سرمست صهبای محبت الله را در انجمن عاشقان

جمال رحمن بانجذابی عظيم ظاهر فرمايد که کل را بحرارت شديده آن مشتعل شوند

تادرهرجمعی چون شمع برافروزند وبرهر شاخساری چون طيور حديقه توحيد بنغمات ذکر

رب مجيد مشغول گردند شئون روحانيه اين رتبه بلند اعلاست اللهم ياوله قلوب

الموحدين ايد افنان سدرة توحيدک علی اعلاءکلمتک بين بريتک ونور وجوههم بانوار

الانقطاع عما سواک والتخلق ؟ بشئون تجريدک واخفظهم فيظل جناح حمايتک واثبت

کلمتهم فی صحائف عوالم الانشاء بحولک وقوتک وسلطانک واقتدارک لانک انت القوی

القدير ع ع مقابله شد

هوالابهی

حضرت افنان سدرهءر‌حمانيه جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٣٥١ هوالابهی

ايها الفرع الرفيع من السدرة الرحمانيه

چند روزقبل رقيمهء‌ارسال گرديد ومراتب شوق واشتياق بيان شد حال چون جناب حاجی

عليه منکل بهاءابهاه عازم باين مختصر اظهار ميرود که يکدقيقه ازخيال شما فارغ

نيستم شب وروز تضرع بافق اعلی ميگردد که اسبابی فراهم آيد که قدری راحت وآسايش

بجهت آنجناب فراهم آيد

ص ٣٠٩

اگر چه دراين عالم عنصری آسايش ممکن نه لکن کثرت وقلت مشقات ممکن است جناب

حاجی عليه بهاءالله‌الابهی چندی که درآنجاهستندانشاءالله موفق بررفع اختلافات

خواهند شد آنحضرت چون از افنان سدره آلهيه هستيد بايد نظرتان همه بر ارضاء

کل باشد هرچند زحمت حاصل گردد ومشقت پيش آيد ومشکلات رخ دهد تحمل نمائيد

وبضرر راضی شويد ان لربک فضل عليک عظيم عظيم قدری در مشکلات و مشقات

اين عبد ملاحظه فرمائيد جميع مشقات و متاعب آسان ميشود و جميع افنان سدره

رحمانيه راازقبل اينعبد تکبيرابدع ابهی ابلاغ فرمائيد والبهاءعليک ع ع مقابله شد

هوالابهی

حضرت افنان سدره منتهی جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٣٥٢

هوالابهی

آلهی ومحبوبی قد خلقت شجرة‌مقدسة رحمانيه ودوحة کريمة ربانيه وسدرة جليلة صمدانيه

اغرستهافی الفردوس الاعلی ونصبتهافی جنتک الابهی وسقيتها من انهارتوحيدک الطافحة

فی حديقتک الغلبا ومررت عليها بالنسائم المنتشرة من ملکوتک الاسمی واشرقت

عليها بشمس حقيقتک النوراءوانشئتها بقوة وشعاع وحرارة‌مثبة من نيرک الاعظم الابهی

وانبتهانباتاًحسناًبموهبتک العظمی واعليتهابقدرتک التی‌اعجزت مظاهرالتقی فی ملکوت

ص ٣١٠

الانشاء وآنميت ونشرت ورفعت افنانها الی اوج العلی وبسطت فروعها واوراقها حتی

تمتد وتملاالارض والسماءوازهرت تلک الفروع باوراد طرية لطيفة بهرآء واثمرت

باثمار شهية جنية حمراء ونفحت نفحاتها وانتشرت روحها وعبقت انفاس طيبها و مرت

نسائم حبيبها وارتفعت واعتلت وتشامخت وبسقت وتشاهقت حتی وصلت

الی الرفرف الاعلی وهواء عماء بهاء الاوج الاسمی ايرب فبماوهبت واعطيت

واکرمت و احسنت احفظ افنانها من کل الارياح الهابة بغير رضائک والاعصار

المنتشر المار من شبهات اهل الاشارات بصونک وحراستک نابتين ثابتين

راسخين علی عهدک وميثاقک انک انت المقتدر العزيز القيوم القادرالحافظ العظيم

ع ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٣٥٣

مدينه حضرت افنان جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

ايهاالفرع المتدرج فی اعلاء کلمة‌الله ازقرارمسموع ازبغداد عزيمت بصفحات سرمن

رای فرموديد و مقصد اين بود که با شخص معهود در کمال حکمت گفت وشنود گردد

آنشخص هرچند دردرجه‌انحطاط کلی جسمانيست ولابد نشاط وانبساط؟ مکالمات ومحاورات

قليل ولی نفحه آلهی راقوتی ديگراست و جذبه رحمانيرا نفوذی ديگرارض هامده را

حديقه

ص ٣١١

نابته نمايد وخطه مية يابسه رامونقه فرمايد فيض روح القدس مسيحائی عظم رميمراحی

قوی نمايد وريزش باران نيسانی در عمق بحارلولو فريد ودرنصيد ؟ پرورد وتری الارض

هامدة واذا انزلنا عليها الماء امترت وربت وانتبت من کل زوج بهيچ باری اميدوارم

که آنجناب درآن حوضه القای کلمه حقی بنمائيد ونفحه درآن خطه وديار نشرنمائد که

رائحه عطريه‌اش مشام جمعيرا معطرنمايد واجسام ميته را جان بخشد والبهاء عليک وعلی

کل من ثبت علی العهد والميثاق ع ع مقابله شد

هوالابهی

حضرت افنان سدره منتهی جناب آقا ميرزا آقا عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٣٥٤

هوالابهی

ايهاالفرع الرفيع من السدرة المبارکه از جهت بلايا و مشقات آنجناب نهايت تاثر

وحزن را دارم حقيقة اسباب چنين فراهم آمد که زحمت ومشقت زيادی کشيديد ولکن اگر

جميع زحمات ومشقات را قياس باين بلايای بيپايان وداغ نمايان اينعبد نمائی حکم

قطره وبحر دارد وقياس ذره وشمس باشد قسم بجمال قدم که جميع مشقات وزحمات

خويشرا فراموش نمائی وشب و روز بدعا دهان گشائی که خدايا عونی عنايت کن

وطاقتی احسان فرما چه که جبل حديد اين حمل ثقيل را حمل نتواند وقواء اعظم وجود

تحمل نکند پس خدايا توتوانائی بخش وقوت وقدرت ربانی عطا فرما در خصوص ورقه طيبه

ص ٣١٢

راضيه عليهما بهاءالله الابهی مرقوم فرموده بوديد بسيار خوب فکری کرديد حقيقة در

آين ممالک بجهتشان راحت وآسايش محالست باز ايران از برای نسوان قياس بجای ديگر

نتوان نمود وطنست واقربا ودوستان بسيار اسباب مشغوليت است تنها فريد

وحيد در خانه در مصر معلومست چه ميگذرد باری حال بجهت زيارت روضه مبارکه

وتغيير هوا باينجا بفرستيد و بعد از تشرف بزيارت و حصول راحت و صحت قصد

ايران نمايند والبهاء عليک وعلی اشبالک واهلک وعلی کل الاحباب ع ع مقابله شد

هوالابهی

حضرت افنان جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٣٥٥

هوالابهی

ايهاالفرع النظرانحضل من الشجرة‌المبارکه چندی پيش بنفثات

روح و جذبات قلوب تحريری ارسال شد وحال نيز چون جناب حاجی عازم

بکلماتی چند پرداخته که بنفحات ذکر مجلس ومحفل را خوشبوی و معطر نمايد چنديست

که از آنحضرت خبری نرسيده کثرت مشاغل وپريشانی خواطر گويا مانع

و حائل گشته ازاين وقايع محزون مشو و متفکر مگرد عنقريب جميع اين امواج

ساکن و مشغوليت ذهن زائل خواهد شد فاما الزيد فيذهب ؟ جفاًواما ماينفع

الناس فيمکث فی الارض آنشاخه سدره طوبی بايد در فصل بهار و تابستان

ص ٣١٣

و خزان و زمستان يعنی در جميع فصول سبز وخرم وتر و بارور باشد تا واضح ومشهود

گردد که از فضل جمال ابهی در بهار دائمی واقع بلکه ربيعی که خزان ازپی ندارد باری

اثر کلک آنحضرت گاه گاهی اسباب روح وريحان بود واينعبد باوجود قلزم اکبر مشغوليتها

وطوفان بلايا باز بذکر شما مشغولم والبهاء عليک و علی فروعک الکريم ع ع مقابله

شد

هوالابهی

پورتسعيد حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٣٥٦

هوالابهی

ايهاالفرع المنجذب بنفحات القدس المنتسب الی السدرة المبارکه آنچه مرقوم نموده

بوديد ملاحظه گرديد الحمدلله بهمت آنجناب بخوشی منتهی شد ولمثلک ينبغی هذاالمقام

الرفيع فروع سدره بايد در جميع شئون آيت انقطاع باشند ونور اهتداء واقتداء باصل

شجره رحمانيت نمايند تا نسبت حقيقی خويشرا در کل بمراتب باعمال وافعال وکردار

ورفتار ثابت نمايند ملاحظه فرمائيد که آنشمس حقيقت وحقيقت ربوبيت روحی وکينونتی

وذاتی لجسده الفدا چه مقاميرا بجهت خود اختيار نمود که برملاءدر ميدان آويختند

وهزار گلوله برسينه مبارکش زدند ديگر معلومست که مابايد بچه درجه منقطع ازماسوی

باشيم باری الحمدلله بروح و ريحان گذشت از فضل وتائيد جمال وحيد فريد اميد است

که در جميع امور موفق

س ٣١٤

و مويد گرديد و حضرات افنان سدره آلهيه را تکبير ابدع ابهی ابلاغ فرمائيد و هم

چنين ورقه مبارکه را در خصوص بيت معظم مطاف عالم روحی لترابه الفدا مرقوم نموده

بوديد اين مسئله بسيار مهم است بل اهم جميع امور حال از قراريکه مرقوم فرموده

ايد ازبرای رجال زيارت ممتنع ومحال اينقضيه بسيار سبب حسرت ياران صادق ومشتاقان

طواف آن بيت معظم گردد البته بهر قسم باشد اسبابی فراهم آيد که گاه گاهی

بعضی داخل شوند واقلاًزيارت عادی بتوانند والا قليلا قليلا عدم زيارت

عادت شود واهميت عظمی از خاطرها برود بايد احبائی که درشيراز هستند در ماهی

اقلاًيکدفعه زيارت بيت را فرض قاطع دانند و واجب شمرند چنانچه اگر اين عبد در

فارس بود هفته يکمرتبه البته طواف ميکرد ولو آنکه مخالفان سنگسار نمايند باری

چون شما محافظ وناظر بيتيد بايد دراين خصوص بسيار همت فرمائيد والبهاءعليک ع ع

جواب مکتوب تاخيرش بسبب کثرت مشاغل وهجوم امور وتعرضات

جمهور اهل فتور است لهذا معذورداريد باحبای امريکان در وقت ورود بان صفحات

نهايت رعايترا ملحوظ داريد واحبای آلهی را تکبير برسانيد ع ع

هوالله

پورت سعيد حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا ميرزا آقا عليه بهاءالله الابهی

ص ٣١٥

هوالله

خط مبارک ٣٥٧

ايهاالفرع الجليل من السدرة المبارکه آنچه مرقوم نموده بوديد مطابق واقع بود

دراين خصوصات مطمئن باشيد انشاءالله بعون وعنايت جمال قدم نميگذاريم که نفسی

نفسی درامرالله بهوای خويش کشد زيرا حصن حصين امرالله رصين ومتين‌است مقصود دل

وجان جانفشانی درسبيل جانانست باوجوداين ديگرچه ملاحظه درميان ؟ ولوصد هزارتير

و سنان برهدف دل و جان خورد در خصوص بيت مکرم آستان مقدس روحی بعتبة

الفدامرقوم فرموده‌بوديد درهردم‌ازواردين قارين ؟آن مدينه مقدسه مفصل التماس ورجا

دارد تفصيل سبب حزن وکدورت وآلام آنجناب ميگردد مقصود اينست که اين آستان اهميتش

از روح عبدالبهاء بيشتر ديگر ملاحظه فرمائيد که چه قدرمعززومکرم‌است لهذا آنجناب

بايد اين امررا چنان مجری فرمائيد که روح عبدالبهاء مهتز ومسرور گردد قسم بروح

مبارک حضرت مقدس منزه آن شمس حقيقت رب البيت روحی وذاتی و کينونتی

لتربته الفداء که منتهای آمال و جان آنست که بان خاک پاک مشرف گشته بمژگان

آن آستان را جاروب کنم پس جناب ضيا افنديرا ارسال داريد بروند وآن آستانرا

از بيگانه مقدس نمايند وبالوکاله ازاينعبد بخدمت مشغول گردند حضرات افنان سدره

مبارکه جناب آقاميرزابزرگ وجناب آقاميرزاحبيب وجناب آقاميرزا ضياءرا تکبير ابدع

ص ٣١٦

ابهی ابلاغ نمائيد و همچنين ورقات مقدسات سدره رحمانيه را ع ع مقابله شد

هوالله

پورتسعيد حضرت افنان سدره مبارکه عليه بهاءالله

خط مبارک ٣٥٨

هوالمهيمن القيوم

آلهی آلهی انی عبدک البائس اليائس عن نفسی وفرط خطائی وعظيم حولی وشديد عصيانی

و غلو طغيانی وليس لی الاجل احسانک و عميم غفرانک رب رب ترانی متحيراً

فی امری ومتشتتاً شملی ومتفرقاًجمعی ومتشعشاًلمی و مضطرباً قلبی ومضطرماًاحشائی

و منسجماًاد معی ومتوجهاًاليک وجهی ارحمنی بفضلک و جودک وکرمک واغفرلی خطايائی

واعف عنی بزلاتی و عتراتی وادخلنی فی حصن عفوک وصونک وارفقنی عونک واقطعنی

عن دونک واخلص وجهی لوجهک الکريم انک انت الرحمن الرحيم ايرب ايدنی بتائيداتک

و وفقنی بتوفيقاتک و اجعلنی من عبادک المخلصين ع ع مقابله شد

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط مبارک ٣٥٩

ايهاالفرع الرفيع من السدرة‌المبارکه مکتوب واصل ومضمون معلوم گرديد کشفيه بجهت

عمارت بيت مقدسه ملاحظه گشت بسيار موافق بواسطه جناب معماباشی در فکر کار باشيد

و تهيه وتدارک ببينيد و جناب معمار باشی بايد نهايت همترا مبذول دارند والبته

صد البته دقت کلی نمائيد که مقدار راس شعری از اساس وترتيب ووضع وهندسه

ص ٣١٧

ومساحت واندازه‌اصلی تجاوز ننمايد ودر نهايت ظرافت ولطافت واتقان ساخته شود

وانشاءالله متدرجاًمبلغ ارسال ميگردد حال شما درتهيه وتدارک باشيد يايک ماه

مبلغی ارسال ميشود و زود زود اخبار دهيد که چه کرديد زيرا اينعبد جميع امور را

دروقت مرهون بنهايت اتقان متوکلاًعلی الله تمشيت ميدهد دقيقهءو‌احده تاخير جايز

نداند مطمئن باشيدازحق ميطلبم که موفق گردم وتهاون ننمايم وعليک التحية والثناء

ع ع

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٣٦٠

هوالله

ايهاالفرع الرفيع من السدرة‌المبارکة چندی ازپيش در خصوص تعمير مطاف ملکوتيان

و کعبه رحمانيان مرقوم نموده بوديد جواب مرقوم شد خبری هنوز از وصول جواب نرسيد

تعمير بيت مکرم ازفرائض فوريه است طرفة‌العين تاخير جائزنه‌اما بربنيان اصلی بايد

باقی وبر قرارماند قطعياًتغيير وتبديلی نيابد پس بايد آنحضرت بکمال سرعت کشفيه

تعميرات بيت مکرم نمائيد وبزودی ارسال بارض مقدس فرمائيد تاازاينجا بهرقسمی باشد

آنمبلغ ارسال گردد که بزودی بتعمير بيت مبارک مطاف روحانيان پردازيد دقيقهء

تاخير جايزنه بسيارمهم است تاثيرات روحانيه و جسمانيه اش شديدست البته بوصول

اينمکتوب دقيقه فتور ننموده وبزودی کشفيه را ارسال داريد وضعيت بيت

ص ٣١٨

ازجهت ترتيب اطاقها وديوارها و وسعت وهندسه ابداًذره تغيير وتبديل جايزنه وعليک

التحية والثناء ع ع مقابله شد

اين دوسطر عقب لوح بخط مبارک است ٣٦٠

تعمير بيت مقدس مبارک ملاحظه فرمائيد که چقدرمهم‌است که اينعبد تعهد نمود که اهل

فارس اگر تعمير نمايند آفات مستوليه بکلی زائل گردد ومرقوم نمود که اينقضيه را

مدار حقيقت وبطلان قرار دهند ع ع

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٣٦١

ايهاالفرع الرفيع من السدرة‌الرحمانيه آنچه نگاشتيد معلوم وواضح شد حمد خدارا

که مامور به بنای بيت مکرم گرديد قدراينموهبت رابدانيد والله‌الذی لااله هو که

حقايق روحانيه نفوس مقدسه در ملاءاعلی طوبی لک من هذا ندا مينمايند ويا حبذا

فرياد برآرند آنچه احبای آلهی بجهة تعمير بنای بيت معظم تقديم نموده اند مقبول و

مرغوب وهمچنين اگرمن بعد نفسی بنهايت آرزو چيزی تقديم نمايد بجهت آن بنای مقدس

قبول نمائيد ومرقوم داريد هرچند دراين ايام وله درآفاق افتاده وزلزله درارکان

عالم انداخته ابواب بلايا ومصائب مفتوح وطوفان امتحان وافتتان موجود در چنين قيامی

بنای بيت محترم عظيمست وسبب فرح وسرور هر قلب حزين کاراينست زيرا در وقت امن و

امان هرکس هرکاری تواند ولی وقتيکه باد وباران شديد وبرف وتگرگ ورعد وبرق وصاعقه

عظيم از هرجهت پی در پی وگرد باد محيط در چنين مصيبتی در قطب دريا وطوفان اعظم

اگرناخدا شراع بگشايد قوتی عظيم بنمايد

ص ٣١٩

والادرسکون دريا هربينوا بادبان بازکند وکشتی براند ان هذا من فضل ربی الرحمن

الرحيم ع ع مقابله شد

(٩) شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا ميرزا آقا عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٣٦٢

هوالله

ايهاالفرع الکريم من السدرة‌المبارکه مکتوب مورخ بيست وپنجم جمادی الثانی واصل

گرديد وبه مضمون اطلاع حاصل شد عبدالبهاء ازاهل شيراز ياران آلهی بهايت سروررا

دارد ولی ازاهل آن خاک پاک توقع اينست که برجميع اقاليم در شوق و وله و جذب و

طرب تفوق جويند وگوی سبقت وپيشی را ازميدان محبت الله بربايند زيرا آن اقليم

موطن رب کريمست وآن کشور مشرق آفتاب انواراگر چنانچه کلمه ازقلم صادر گردد نظر

باين توقع است وديگرآنکه بعضی سراًبمذمت ديگران بدون سبب پرداخته بودند واين اشخاص

کم کم تعدد يافت وروزبروز درتزايد بود ملاحظه گرديد که اگر حال براين منوال پايد

اينحال سرايت بعموم کند ودراين يوم معلوم چنين حال نبايد ونشايد بلکه جميع ياران

نهايت ستايشرااز يکديگر نمايند تا سبب فرح قلب عبدالبهاء گردد والاحزن غلبه

نمايد وبی اختيارازقلم نصايح صادرگردد وامادر خصوص بيت مقدس البته بايد طاهر و

مطهرباشد محلی در جوار باشد که مسکن خادم ومحفل زوار گردد وبيت معمور خالی و

فارغ ومقدس ماند مکتوبی در جوفست بحضرت افنان سدره آلهيه آقاميرزا آقا نجل

محترم حضرت فرع شجرهء‌آلهيه الفائز بالرفيق الاعلی جناب حاجی ميرزامحمد علی

برسانيد وعليک التحية والثناء ع ع

هوالله

ص ٣٢٠

شيراز حضرت افان سدره مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله

خط کاتب ومهر وامضاء مبارک ٣٦٣

هوالله

ايها الفرع الرفيع من السدرة المبارکه در خصوص خانه که در جوار بيت معظم مبارک

محترم مرقوم نموده بوديد واز پيش نوشته بوديد بمجرد وصول بحضرات افنان عليهم

بهاءالله الابهی مرقوم شد هنوز جواب نرسيده جواب خواهد رسيد بعد بشما اخبار

خواهم داد وعليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٣٦٤

ايهاالفرع المنشعب من السدرة‌المبارکه نورالله بصرک بالفيوضات المقدسه‌المنزلة من

غمام الفضل نوشته آنجناب تلاوت شد کمال روح وريحان حاصل گشت از فضل وجود

سلطان وجود اميدواريم که در کل احيان بنسائم الطاف حضرت رحمن تازه وتر باشيد

ودر جميع شئون سبب ثبوت ورسوخ کل گرديد مکاتيبيکه ارسال نموده بوديد جوابش مرقوم

شد ودر جوف اينمکتوب ارسال ميشود والبهاءعليک وعلی الافنان الرشيقة‌الخضرة‌النظرة

الطريه وعلی احباءالله ع ع مقابله شد

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه

جناب آقاميرزابزرگ وجناب آقاميرزا حبيب عليهما بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

زيارت من فاز بالرفيق الاعلی حضرت افنان سدره‌مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه

بهاءالله الابهی

هوالله

النفحات المعطرة التی نفحت من رياض الملکوت الابهی والنسمات

ص ٣٢١

خط کاتب مهر وامضاء مبارک

المغبرة‌التی تهب من حدائق ؟الماوی تمرعلی قبرک المنورومرقدک المشتهرايهاالافنون

الکريم والقضيب الرفيع المتفرع من السدرة‌الرحمانيه اشهدانک قدانتبهت من الرقاد

وهديت الی الرشاد وبعثت من مرقدک وسرعت الی مشهد التقاء؟ وادرکت ايام ربک

وتوجهت الی الجمال الابهی وآمنت بربک الاعلی وقمت علی خدمة مولک فی هذه

النشئة‌الاولی وتحملت مشقة‌الطعن فی سبيل الله وابتليت بشماتة الاعداء وجفاء

اهل البغضاء وهاجرت من وطنک الی البقعة‌المبارکة لمشاهدة آيات الکبری و

خطوت بالوفود علی عتبة ربک الودود ودخلت مشهد التقاء وسمعت الخطاب

من الفم المبارک الاعلی طوبی لک من هذا الفضل العظيم بشری لک من هذا العطاء

الجليل اسئل الله ان يرزقک فيملکوته الغيب الاخفی ما يغنيک عن کل شئی ويجعلک

متحلياًبحبل العطاءو يعطيک ربک فترضی ويشرق عليک بانوارالمشاهدة‌فی الجنة‌العليا

طوبی لمن يزوررمسک لنسبتک الی العتبة العليا حباًبالجمال الابهی وعليم التحية

والثناء ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش حضرت افنان سدره منتهی جناب ميرزا ج ل عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

ص ٣٢٢

خط مبارک ٣٦٦

ياايهاالفرع النضيرمن الشجرة‌المبارکة درجميع احيان درظل الطاف وعنايت جمال قدم

روحی لاسمه الاعظم فدا بوده‌ايد وچون خازن بيت الله و خادم آستان حل وحرم کبرياء

بوده‌ايد هميشه مورد عنايت مخصوصه آلهيه بوده و هستيد لحظات عين عنايت شامل است

وتوجهات فضل ورحمت ربوبيت متواصل چون بنظر دقيق ملاحظه نمائيد مشهود گردد که چه

تاج وهاجی برسر وهامه نهادی که ازتلئلا جواهرمکنونه‌اش عنقريب چشم يارواغيار خيره

گردد وشايد عزت پايدار رخ بگشايد پس از خدا بخواه وتضرع وابتهال نما که چنانچه

سزاواراينموهبت است باحترام وخدمت آن بيت مقدس موفق ومويد گردی تا ديده ابرار

روشن گردد وقلوب اشراردرحرقت وحسرت افتد واين عباد رائحه خوش خدماترا دراين

بقعه مبارکه‌استشمام نمائيم والبهاءعلی کل من قام بقلبه وروحه وذاته لخدمة بيته

الحرام عبدالبها ع

هوالابهی

جناب متصاعدالی الله آقاميرزا عبدالحميدازانوارايقان قلبی روشن داشتند وتا نفس

آخرثابت وراسخ بردين‌الله بودند ودرخدمات افنان سدره‌آلهيه مشغول عليه بهاءالله

الابهی عليه ثناءالله‌الابهی عليه نفحات‌الله‌المتهيجة من رياض الملکوت الابهی حال

بازماندگان ايشانراازجميع جهات بايد رعايت احترام نمود بقسميکه سبب مسرت ياران

ص ٣٢٣

وعبرت بيگانگان گردد والبهاءعليک وعلی کل من قام علی خدمت بقيات احباءالله

عبدالبهاء ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٣٦٧

ش حضرت افنان جناب ميرزا جلال عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

ايخادم درگاه آلهی مکاتيب متعدده مرقوم شد وارسال گشت اين مظاهر لطف

وعنايت بانجناب مستديمست ومستمراگربدانی درچه آستان پاسبانی ودرچه درگاه دربان

يقين کنی که برسراکليل جليل داری وبرتن خلعت سروری ازملکوت عليين بر سرير

بزرگواری جالسی وبرتخت شهرياری مستقر چه که جاروکش بارگاهی که منزلگاه

مليک ملکوت اسما وصفات بود وبندهءدر‌گاهی که ملجاء وملاذ طالبان ديداررب

البرهان والايات الواضحات بود روحی وذاتی وکينونتی وحقيقتی له فدا شکرکن

حضرت احديترا که بچنين فضلی موفقی وبچنين عنايتی مويدی شيبه که خادم حرم

کعبه بود درآنزمان بنده حقير بنظرميامد حال هريک از سلاله او بر کرسی عزت

برقراروافتخاربجدنامدارخويش مينمايند والبهاءعليک وعلی کل زائر ؟ عبدالبهاء ع

هوالابهی

ش حضرت‌افنان سدرهر‌حمانيه جناب آقاميرزا جلال عليه بهاءالله‌الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

ص ٣٢٤

ايهاالفرع النضيرمن السدرة‌الرحمانيه حضرت والد عليه بهاءالله الابهی دريوم لقا

بشرف مثول بحضور حضرت کبريافائز ودرساحت اقدس باصغای کلمات ازفم مطهر ونويه ؟

خطاب جمال قدم واصل و حائز وبانواع الطاف آلهيه ومواهب جليله ربانيه مويد بعد

باذن واراده‌بسمت مصرحرکت فرمودند مدتی بود که مصريوسف ازبرای‌ايشان کنعان يعقوب

وبيت احزان شده بود لهذادراين ايام ازآنجابجهت زيارت آستان مقدس باينمطاف ملاء

علی شتافتند وازتربت عتبه طاهره بصررامنور و دماغرا معطرفرمودند بعداز حصول

اينموهبت ووصول باين عنايت باميد نشرنفحات الله واعلاءکلمات حال بانصفحات مراجعت

ميکنند ازفضل وتائيد ملکوت ابهی سائل وآمليم که افنان سدره‌منتهی رابراموری موفق

فرمايد که سبب انتشار شئون رحمانيه در عوالم امکانيه گردد وعلت انتباه غافلين

واشتعال منجذبين و طراوت ولطافت قلوب وارواح گردد علی الخصوص آنشاخ بلند شاخسار

احديت که خادم بيت سلطان وحدانيت هستيد بايد از جميع جهات در حرمت ورعايت بيت چنان

قيام نمائيد که محسود گنجوران آسمان ومغبوط حاملان وطائفان حول عرش گرديد لعمرالله

ان هذالشان عظيم ومقام رفيع والحمدلله رب العالمين ع ع مقابله شد

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزا بزرگ عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ص ٣٢٥

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٣٦٩

ای افنان سدره منتهی عليک البهاء الابهی وعلی اخوتک وذوی قرابتک الثابتين علی

الميثاق من هذاالعبد المتضرع الی الله العزيزالوهاب قضيه فرع جليل شهيد سبب حزن

شديد شد ومورث مصيبتی جديد در وقتيکه آلام ومحن محيط باين انجمن بغتة اينخبرمدهش

موحش وارد ديگر معلوم است چه تاثيری نمود و چه احزان حاصل گشت ولی چون

آنفرع مجيد فی الحقيقه شهيد سبيل آلهی گرديد ودر ايام حيات بخدمات پرداخت

وبعبوديت آستان مقدس موفق لهذا نتيجه زندگانی حاصل شد پس اين وفات عين حياتست

واين شهادت حقيقت سعادت ايکاش جميع ما در راه خدا جان فدا نموديم وکاس فنا

نوشيديم هذا منتهی آمال المقربين وغاية مقصد المخلصين مناجات وزيارتی مرقوم شد

حضرت فرع رفيع جليل ارسال خواهند نمود جميع احبارااز قبل عبدالبهاء تحيت

مشتاقانه ابلاغ داريد در خصوص اختلال واختلاف احزاب در آن اقطار مرقوم نموده

بوديد حزب الله بايد از کل کناره گيرند وابداًمداخله ننمايند ذرهم فی خوضهم

يلعبون مارا کار بجان و دل است نه باب و گل وعليکم البهاء الابهی ع ع مقابله شد

هوالله

خط مبارک ٣٧٠

قطر مصر حضرت افنان سدره مبارکه جناب ميرزا بزرگ عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ايهاالفرع البديع من الشجرة‌المبارکه عليک بالتوکل علی ربک والمتوسل بذيل الکبريا

ص ٣٢٦

والتعلق باهداب رداءالانقطاع عماسوی الله والتشبث فی الامور والتبتل الی العزيز

الغفور وترتيل اللوح المحفوظ والرق المنثور والبها عليک ع ع مقابله شد

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٣٧١

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا ميرزا بزرگ عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ای افنان آلهی مکتوبيکه بجناب آقاسيد تقی مرقوم نموده بوديد ملاحظه گشت از تفصيل

مجلس ذکر آلهی نهايت روح و ريحان حاقل شد هرمحفلی که بذکر حق آراسته گردد پرتوش

شرق وغربرا منورنمايد ونفحاتش مشام حاضرين وغائبين را معطر کند باری جميع ياران

که در آنمحفل انس حاضربودند مظاهر الطاف حضرت رحمانند ومويد بجنود افق اعلی در

کمال حکمت وملاحظه اوقات هروقت ميسر گرديد بايد مجلس تذکر وتبتل آراسته شود

وترتيل آيات توحيد گردد تا ذائقه ملااعلی متلذذ شود قلوب اهل ملکوت ابهی مسرور

ومشعوف گردد در يوم شهادت حضرت اعلی روحی لتربته الفداءاز قبل اينعبد طواف حرم

مطهر نما وبکماع تضرع وزاری طلب تائيد وتوفيق بجهت عبدالبهاء کن زيرا جنود نقض

در هجومند وبيوفايان درنهايت جفا اينعبد را تاثر وتحسرازجهت ضرامرالله است والا

آنچه بلا وارد بجان ودل آرزو نمايم واز سن رضيعی تمنای صدهزار بلا وهر گونه

مصيبت وابتلا؟ در سبيل بها نموده تاآنکه الحمدلله اين کاس طافح گشته واين جام

سرشار شده وله الحمد علی ذلک احبای آلهی را تکبير

ص ٣٢٧

ابدع ابهی برسان ع ع مقابله شد

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٣٧٢

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا ميرزا بزرگ عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ايفرع شجره رحمانيت جناب آقا عبدالغفار مکرر نهايت شکايت ازابويشان حاجی محمد

ابراهيم مينمايد وناله وفرياد ميکند بقسمی جزع وفزع ميکند که وصف ندارد دراين

ايام نيز بواسطه شما شکايتنامه ئی نگاشته وناله وفغانی نموده حضرت افنان سدره

مبارکه جناب ابوی خوبست دراين قضيه همتی بفرمايند تا ميانه آن پسر وپدرالتيامی

حاصل گردد وعليک التحية والثناء ع ع

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا ميرزا بزرگ عليه بهاءالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٣٧٣

هوالله

ايشاخ شاخسار روحانی مکاتيب متعدده که بجناب منشادی مرقوم نموديد ملاحظه گرديد

از خبراتمام بيت مکرم اطمينان قلب حاصل الحمدلله موفق بان شديم وشديد دفتر

حسابرامکمل ومنتظم ومصدق ازبعضی از نفوس مهمه حتی خال مکرم نمائيد ودر نزد خود

محفوظ داريد اين لازم است وبکار شما خواهد خورد وجناب معمار باشی در اينخصوص

نهايت همترا خواهند نمود جناب آقا ميرزافخرالدين عليه بهاءالله بايد در تحصيل

لسان‌انگريزی نهايت همترابنمايند ومطالب انجيلراازبدايت تانهايت ضبط درذهن کنند

جواب

ص ٣٢٨

جواب حضرت مويدازپيش مرقوم وارسال گرديد البته واصل شده است وعليک التحية و

الثناء ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش جناب ميرزابزرگ عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

خط مبارک ٣٧٤

ايفرع لطيف سدره منتهی هرچند بظاهرازبصر ونظردوری وازاين بساط مهجور لکن قسم

بنور مشرق ازملاءاعلی که جميع افنان شجره طوبی فی الحقيقه در کل احيان در اين

انجمن رحمن حاضر ودر محفل روحانيان موجود ومشهودند در آستان مقدس مطاف جواهر

وجود درکل حين بذکر شمامشغوليم وبياد روی شما مالوف وبلسان قلب مناجات مينمائيم

رب ايدافنان سدرةر‌حمانيتک وفروع شجرةو‌حدانيتک علی التمسک بذيل فردانيتک والتشبث

بعروة وحدانيتک ايرب نور وجوههم بانوار تقديسک واشرح صدورهم بايات توحيدک

وقدس قلوبهم بمياه تمجيدک واجعلهم آيات ملکوتک و رايات جبروتک انک انت الکريم

الرحيم الروف الفضال عبدالبهاء ع مقابله شد

هوالله

مصر حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزا بزرگ عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٣٧٥

هوالله

ايهاالفرع البديع من السدرة‌المبارکه ازاينجهت که در اين سفر چنانچه بايد وشايد

بجهت آن افنان سدره راحت وآسايش حاصل نگرديد بسيار محزون ومغمومم والبته معذورم

چه که بلايای متتابعه ورزايای مترادفه وهجوم عمومی بی انصافان از خارج وداخل

ص ٣٢٩

نچنان زمام از دست برده بود که ديگر بتوان بخدمت دوستان پرداخت ويا بمحبت

باياران مشغول شد و چون ملاحظه گرديد وقوعات ناگهانی محتمل لهذا مصلحت

چنان بود که تشريف ببرند ولی دائما دراين انديشه ام که درآن غربت بشما چه

ميگذرد البته تفصيل احوالرا مرقوم داريد ع ع

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا ميرزا بزرگ عليه بهاءالله

هوالله

خط کاتب مهروامضاء مبارک ٣٧٦

ای افنان شجره مبارکه آنچه مرقوم نموده بودی ملحوظ گرديد دراين طوفان بلا که

ابداًمهلت تنفس نيست وآرامی درميان نه باوجود اين جواب نامه ها نگارم ملاحظه

فرما که نظر عنايت بچه درجه است شکر کن خدارا واينفضل و احسانرا فراموش منما

در خصوص خانه متعلق بحضرت فرع رفيع شجره مبارکه آقا سيد مهدی مرقوم نموده

بوديد آن خانه تعلق بايشان دارد هر نوع که مصلحت دانند وامرفرمايند مجری داريد

ابداًسئوال ازاينجانب لزوم ندارد مال ايشانست ودر تصرف ايشان

وعليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

هوالله

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا ميرزابزرگ عليه بهاءالله

هوالله

ايثابت برپيمان مکتوب شما رسيد وبر مضمون اطلاع حاصل شد الحمدلله

ص ٣٣٠

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٣٧٧

دلالت بر فرح ومسرت مينمود وفرصت تفصيل نيست مختصرمرقوم ميشود جناب علمدار

را تحيت برسان اميدوارم که از کاس سرشار محبت الله سرمست باشد

جناب آقاميرزا محمد خباز را بموهبت حضرت بی نيازاميدوارکن دراين ايام در حضور

بارض مقدس مخدور انشاءالله در وقتش اجازه داده ميشود حضرت افنان

جناب والد و جناب اخوانرا تکبيرابدع ابهی ابلاغ نما ع ع مقابله شد

بتاريخ ٥ شعبان ١٣٢٣ شيراز حضرت افنان سدره مبارکه آقا ميرزابزرگ عليه بهاءالله

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٣٧٨

هوالله

ای بنده جمال ابهی مکتوب مورخ ٢٣ شهر جمادی الاولی ١٣٢٣

که بجناب آقاسيد تقی مرقوم نموده بوديد رسيد از مصرفرستاده بود مطالعه گرديد

فرصت جواب مفصل نه مختصر اينست که مکاتيب ؟ رسيد جميع احبای آلهی را بتحيت ابدع

ابهی درکمال اشتياق ذاکريم و از خدا خواهيم که کل بکمال استقامت برامر قيام

نمايند و بتبليغ مشغول شوند وهر چه درارض اقدس وارد گردد سبب فتور و قصور

در تبليغ نشود بايد ياران آلهی هريک مانند علمی در کشوری بنفحات قدس موج زنند

و بخدمت امر پردازند بلکه آنچه در بقعه مبارکه طوفان اضطراب بيشتر شود ياران ؟

قدم استقامت وثبات بيشتر نهند وعليک التحية والثناء قبوضات رسيد ع ع مقابله شد

ص ٣٣١

خط مبارک ٣٧٩ هوالله

فارس حضرات افنان سدره مقدسه جناب آقا ميرزابزرگ و جناب

آقاميزرا حبيب الله وجناب آقا ميرزاضياءالله عليهم بهاءالله الابهی

هوالله

ای افنان سدره مبارکه چنديست که از کثرت مشاغل وغوامل ومصائب ومتاعب

فرصت تحرير رسائل نبود وازاينجهت جنود احزان وآلام هاجم وصائل حال که دم

صبحست وانوار فيض شمس حقيقت از هر جهت ساطع بياد افنان سدره مباركه

افتادم وبخط خود بنگارش اين نامه پرداختم تا بدانيد که در خاطريد وهمواره در پيش

نظر حاضرازفضل و جود حضرت مقصود اميدوارم که شيراز را بنغمه وآواز آرد وياران

را مسرور و خندان و شادمان و کامران فرمايد ورقه مبارکه امة‌الرحمن والده محترمه

را تحيت ابدع ابهی ابلاغ داريد رب ايد افنان سدرة رحمانيتک علی خدمة عتبة

قدسک انک انت القوی القدير ع ع مقابله شد

هوالله

مصر حضرات افنان سدره مبارک جناب آقاميرزابزرگ وجناب ميرزاحبيب الله عليهما

بهاءالله

خط مبارک ٣٨٠ هوالله

ای دو شاخ خرم سدره مبارکه فی الحقيقه روزگار بشما ؟ بسيار تلخ ميگذرد

وايام در نهايت حزن وآلام ولی اين حزن و حرمان قطرهء‌از دريای آلام اينعبد است

لابد بايد شماهانيزنصيب داشته باشيد وبهره‌بريد چه که مقتضای وفااينست که در خوشی

ص ٣٣٢

وناخوشی و زحمت و راحت و عزت وذلت شريک وسهيم بود البهاء علی اهل البهاء ع ع

مقابله شد

شيراز حضرات افنان سدره منتهی جناب آقا سيدآقا وجناب ميرزاجلال وجناب ميرزابزرگ

وجناب ميرزا حبيب الله وجناب ميرزا ضياء و ورقه مبارکه طوبی خانم عليهم وعليها

البهاءالابهی

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٣٨١

هوالله

ای افنان مبارک سدره منتهی نامه شما با صورت وصيتنامه حضرت افنان

سدرهء بقا المتصاعد الی الله جناب ابوی ملاحظه گرديد الحمدلله ايشان اطاعة

لامرالله پيش از صعود وصيتنامه بخط خويش مرقوم نموده اند و جميعرا راحت

و آسوده گذاشتند اطاعت اوامر آلهی سبب آسايش آفرينش است وهمين

يکفقره را ملاحظه کنيد که وصيتنامه چه قدر سبب آسودگی قلوب و راحت

جان ودل است هنيئاًلمن اطاع امر مولاه وترک نفسه وهواه وشکر خدا را که وراث

آن نفس مبارک مقدس نيز موفق برعمل بموجب وصيت ايشان شدند طوبی لکم

بما وفقتم علی هذا الامر المبرور و رضيتم بما وصی به ذلک الشهم الغيور وانی

ادعوالله ان يرشدکم الی الخير فيجميع الامور ويهياًلکم من جميع شئونکم رشدا

و عليکم البهاء الابهی رب و رجائی و غاية املی و منائی ان هولاء عباد انبتهم من

سدرة فردانيتک واخترتهم

ص ٣٣٣

لحبک واجتبيتهم لذکرک واصطفيهتم لعبودية عتبة قدسک رب وفقهم علی الاستقامة

فی امرک والثبوت والرسوخ فی خدمتک والخلوص فی طاعتک والانقطاع

عن هذا النشئة الدنيا والتجرد عن کل ذکر وفکر يتعلق بالحضيض الادنی رب اجعلهم

خضعةً لجلالک خشعةً‌لاحبائک متذکرين بذکرک متنبهين فی امرک منبتهين

لصون حصن ميثاقک منجذبين الی جمالک محفوظين فيظل سدرة فردانيتک

انک انت القوی الکريم الرحمن الرحيم ع ع مقابله شد

خط مبارک ٣٨٢

شيراز حضرات افنان آقاميرزابزرگ وآقاميرزاحبيب الله عليهما بهاءالله الابهی

ای افنان سدره مبارکه عبدالبهاء دراين دو روزه عازم بلاد بعيده است ابداً

وقت تحرير نيست شمارا در صون حمايت مليک احديت وديعه ميگذارم با نهايت

ناتوانی مصمم چنين سفری هستم ولی اعتماد برتائيد صمدانيست اهالی امريک

از آشنا وبيگانه کل در نهايت الحاح خواهش حضور عبدالبهاء مينمايند يمکن

بيش از هزار اوراق ازاحبا ومجامع گوناگون امريکا حتی از بعضی کشيشهای

کليسيا رسيد لهذا مجبورم براين سفر کشتم واز برای شما گشايش ازحق خواستم

جار زمينی که جناب اردشير تقديم نموده بسيار مقبول گرديد تحيت

ص ٣٣٤

ابدع ابهی ابلاغ داريد ع ع مقابله شد

شيراز افنان سدره‌مبارکه جناب آقاميرزابزرگ جناب آقاميرزا حبيب عليهما

بهاءالله الابهی

خط کاتب امضاء مبارک ٣٨٣

هوالله

ای دوفرع رفيع دوحه مبارکه نامه شما رسيد ومعانيش دلالت بر ثبوت و رسوخ

احبای‌آلهی برپيمان ربانی ميکردالحمدلله درموطن حضرت اعلی روحی وقلبی و جسمی

له‌الفداء حرکت روحانی حاصل شده ونفوس مبارکی باهتزاز آمده اند بنهايت

تضرع ونياز بدرگاه‌آلهی ابتهال مينمايم ورجا ميکنم که آن اقليم گلستان گردد

وآنشهر بهارستان شود وآن مدينه مانند آسمان بنجوم ساطعه مزين گردداينست

نهايت آمال اين آواره قبوضاتی که خواسته بوديد ارسال ميشود و عليکما البهاء

الابهی عبدالبهاء عباس مقابله شد

بواسطه جناب قابل زائر عليه بهاءالله الابهی

شيراز جناب آقاسيد حسين جناب حاجی ميرزابزرگ جناب حاجی ميرزا حبيب الله

جناب حاجی ميرزا ضياء جناب آقا ميرزا عبدالوهاب جناب آقاميرزا محمد علی

اخويشان جناب ميرزا محمد حسين جناب ميرزا رحيمخان جناب ميرزا محمد باقر

صبيه زادهء‌مرحوم آقاميرزا آقا عليهم بهاءالله الابهی

هوالله

يابادی الاکوان وبديع الامکان ومليک الملک والملکوت ومالک العزة

ص ٣٣٥

خط کاتب امضاءمبارک ٣٨٤

والجبروت لک الحمد بما خلقت کينونات نورانيه و هويات رحمانيه وحقايق سماويه

ومطالع اشراقيه من النفوس الزکيه ذی القلوب الطيبة الطاهرة والوجوه الباهره

والبصائر النورانيه والاسرارالصمدانيه وجعلتهم آيات التوحيد والويتاالتجريد؟

والجوار المنشأت فی الحجج التفريد تلک نفوس آمنت بر بهاء واطمنت

بفضل بارئها و رضيت بقضاء مبدعها ونبتت من الشجرة‌المبارکه والدوحة

المقدسه ونشئت وطالت وتفرعت وادرقت وازهرت و اثمرت اکلها

دائم واصلها ثابت ونفحاتها فائحه خضلة نضرة ريانة بفيوضاتک القدميه ورشحات

سحائب الطافک العميمه وانی ابتهل اليک مکباًبوجهی علی الارض مفضراًجبينی

بالتراب و اقول يارب الارباب ومهياالاسباب و حافظ هذه الشجرة المبارکه

مجلله بالانوار يغشيها اشعة ساطعة من ملکوت الاسرار ولک الشکرياآلهی بما جعلت

هؤلاءالابرار من افنان سدرة المنتهی وفروع دوحة البقاء و شعوب شجرة طوبی

اصلهاثابت فی الارض وفرعها فی السماء رب ادم عليهم فيضک العظيم واجعلهم آيات

تقديسک فی سفرک الجليل وحججک وادلائک وائمة المخلصين حتی ينتشروا آثارک

ويرتلوا کلماتک ويثبوا دلائلک ويشرحوا بيناتک بين الخلق اجمعين رب اشرح

ص ٣٣٦

صدورهم ونورقلوبهم وارح ارواحهم بفيوضاتك العامة الغدقة علي ملكوت السموات

والارضين انک انت الکريم انک انت الرحيم وانک لذو حصل عظيم ايها الفروع

الرفيعة الجليله من السدرة‌الربانيه ان عبدالبهاء يشتاق‌اليکم اشتياق‌الظمان‌الی

آلماءويحن اليکم حنين الحمام الی الرياض والحيطان المتعطشته الی الحياض

وارجوالله ان ينوربصری بمشاهدة وجوهکم‌النورانيه ويلذذ سمعی باستماع احايثکم

الروحانيه ويجمعنی واياکم فی محفل السرورالعتبة‌الرحمانيه بکل روح وريحان‌ان ربی

يويد من يشاءعلی مايشاء وهواللطيف القديرايفروع سدرهء‌منتهی عبدالبهاءرا درعبوديت

آستانه حضرت اعلی و عتبه جمال ابهی سهيم وشريکيد وانيس و جليس چون اين موهبت

شامله وعنايت کامله از اعظم مراتب وجود است وفيض عظيم مليک معبود لهذا

هردم هزار شکرانه بايد ومحامد ونعوت شايد شکرانه جانفشانی ودرجانفشانی کامرانی

يعنی ترويج دين آلهی هريک بان موفق شويد تاجی مرصع از مواهب آلهی برسر نهيد

خلعتی ازالطاف نامتناهی در بر کنيد از مقتصدين نباشيد بلکه از سابقين

لخيرات گرديد اينست که ميفرمايد ومنهم مقتصد ومنهم سابق الی الخيرات

عليکم ازکی التحيات والصلوة الطيبات من رب الارضين والسموات

ص ٣٣٧

٦ محرم ١٣٣٨ عبدالبهاء عباس مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٣٨٥

مصر حضرت افنان سدره تقديس جناب آقا ميرزا حبيب الله عليه بهاءالله الابهی

ملاحظه نمايد هوالابهی

ايفرع رشيق سدره‌آلهيه حضرت ابوی عليه بهاءالله الابهی بااخوان وارده بتراب

آستان مقدس فائزوبطواف مطاف ملاءاعلی مشرف گشتند وشب وروز بملاقاتشان مشغول و

مونسشان ؟ مالوف هستيم وازحق ميطلبيم که آنچه مشقت دراينمدت کشيده‌اند من بعد

مبدل براحت وروح وريحان گردد واگرچنانچه اسباب تجارت غيررابحه بهم خورداميددارد

که وسائط ؟ تجارت الهيه ومشاغل روحانيه که سبب ربح عظيمست فراهم آيد اين کسب و

تجارت حطام دنيا عاقبتش خسران مبين است وآن تجارت سبب حصول کنزعظيم در ملکوت

عليين موسس اين تجارتها سبب سقيم است ومروج آن تجارت جمال ابهی بسلطان مبين

پس شکرکن خدارا که اسبابی بجهت حضرت ابوی فراهم آورده که بتواند بان تجارت

پردازد والبهاء عليک وعلی کل ثابت علی عهد الله ع ع مقابله شد

ازتوقف درآن ارض محزون ومغموم مباشيد ذلک تقديرالعزيزالعليم گردر عطابخشد

اينک صدفش دلها ورتيربلاآيد اينک هدفش جانها واميدوار بفضل جمال مبارک هستيم

که اين تعب را سبب راحت عظمی فرمايد واين مشقترا وسيله راحت کبری مطمئن

ص ٣٣٨

بعنايت اوباش لان فضله علی افنان سدرته لعظيم عظيم ولطفه لجليل جليل والبهاء

عليک ع ع مقابله شد

خط مبارک ٣٨٦ هوالابهی

حضرت افنان سدره ربانيه جناب آقاميرزاحبيب الله عليه بهاءالله الابهی ملاحظه

نمايند هوالابهی

ايفرع لطيف ازسدره رحمانيه آنچه مرقوم نموده بوديد ملحوظ شد وآنچه مسطور بود

مشهود گرديد از فضل جمالقدم وعنايت اسم اعظم اميدواريم که منشعب از عنصر جان

ودل سدره مقدسه شوی ومتصل از حقيقت روحيه ظاهره درکلمه قدسيه تا فرع در جميع

شئون تابع اصل گردد وجزءبرسيرت وروش کل ظاهرشود قطره‌موج بحريابد وثمره حکايت

از شجر نمايد هرفکری و هر ذکری را فراموش نمايد و بذکر و فکری مشغول شود

که جان جهان باشد و روح عالم امکان بنظرالطاف منظوری وبلحظات

عين التفات ملحوظی ع ع مقابله شد

خط مبارک ٣٨٧ هوالله

حضرت افنان سدره‌الهيه آقا ميرزا حبيب عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ايهاالافنون من السدرة‌المبارکه مکاتيب شما رسيد وملاحظه گرديد هميشه کمال ملاطفت

در حق شما بوده و خواهد بود مطمئن باش ازالطاف حی قديم اميداست که در کل فصول

چونشاخ سرو آزاد سبز و خرم باشی هر چه ارياح شديده بوزد و حرارت تموز بتابد

ص ٣٣٩

باز تر وتازه مانی تاخير جواب سئولات ازاينست که جواب مفصل بحضرت ابوی عليه

بهاءالله الابهی مرقوم شده است ولی موجود دراينجاست نميشود که فرستاد چه که

امنيت راه و سکون وقرار مجهولست انشاءالله عنقريب راحت وآسايش حاصل ميگردد

و جواب ارسال ميشود حضرت اخويرا تکبير ابدع ابهی ابلاغ نمائيد وهمچنين سائر

دوستانرا والبهاء عليک ع ع مقابله شد

خط مبارک ٣٨٨

حضرت افنان ميرزا حبيب عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

ايشاخ کاخ حديقه آلهی اگر بحقيقت الطاف جمال آلهی و عنايات غيبيه رحمانی

در حق خود و اخوان خويش پی بری البته چون حمامه فردوس بال و پر بگشائی

و در اين رياض قدس در اعلی الفروع بنغمات بديعه والحان جميله نغمه بسازی

ونعره برافرازی والبهاء عليک ع ع مقابله شد

خط مبارک ٣٨٩

جناب افنان ميرزا ضيا عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

ای تازه نهال حديقه آلهی ازفضل محبوب عالم جمال قدم روحی و کيينونتی وذاتی

لاحباء فدا اميدوارم که در رياض عنايت شجری بار ور و در حدائق رحمت درختی

پرثمر گردی واز نسائم وجود سلطان وجود دائماًدراهتزاز باشی واز فيضان ابر

ص ٣٤٠

رحمانيت تر وتازه گردی ع ع مقابله شد

خط مبارک ٣٩٠ هوالابهی

حضرت افنان سدره منتهی جناب آقاميرزا حبيب عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

آيهاالفرع اللطيف الحبيب من السدرة‌الرحمانيه قداطلعت بمضامين کتابک

الکريم وتلوته ملتذاًبعبارته واشاراتيه ؟التی کانت ناطق باجيج نارک فی محبة‌الله

وضجيج سرک من بعدک من مطاف الملاءالاعلی وفرط ثبوتک فی دين الله و شدت رسوخک فی

شريعة‌الله ولمثلک من انتسب الی ارومة الرحمانيه والبحر ثومة الفردانيه ينبغی

الاستقامة والثبات والبصيرة المودية الدالة‌الهادية‌الی النجات حتی يامن من کل

الجهات من طوارق الشبهات لعمرالله ايهاالفرع الرطيب قد قدرلافنان سدرة‌الالهيه

مقامات سرت عن الاعين والابصار ومراتب لاترقی اليه طيورافکار العقلاء من

ذوی النهی والوصول اليها منوط بالثبوت فی دين الله والقيام علی خدمة امرالله

وانی اتضرع الی ربی البهی الابهی ان يمن علی عبده‌البائس المضطرالمستجير بالعروة

الوثقی ان يری افنان دوحة‌المبارکة اشجارطيبة ناشئه ثابته الاصل مرتفعة الفرع

خضرة نضرة خضلة ريانة من غيوث الفيض الاعظم ومثمرة بفواکه مالارات عين

ولا سمعت اذن انه کريم وهاب ع ع در خصوص مشق وتحصيل خط

ص ٣٤١

شبها همت کنيد وهمچنين در تحصيل علم وانشاء بقدرامکان چون تائيدآلهی ظهير

ونصيرافنانست زود در جميع جهات ترقی نمايند در خصوص مشرف شدن در اين ايام

چون هواء تابستان اينصفحات از شدت رطوبت تغيير ميکند وامراض متنوعه

مسلط بر غرباميگردد حال زيارت را بايام خنکی وزمستان تاخير فرمائيد والبهاء

عليک وعلی جميع افنان السدرة‌المنتهی فی سائرالجهات ع ع مقابله شد

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٣٩١

شيراز بواسطه جناب آقاميرزابزرگ افنان امة‌الله ورقه مبارکه همشيره شان عليها

بهاءالله هوالله

ايورقه مبارکه حمد کن خدارا که از سدره مبارکه روئيدی و منتسب عتبه مقدسه ئی

حال بايد بشکرانه‌اينفضل وعطا بمحبت ووفاپردازی و شب و روز بذکر حق مشغول گردی

وبه تبتل وتضرع پردازی آيات توحيد ترتيل نمائی وبجوهر تقديس مبعوث شوی و عليک

البهاءالابهی ع ع مقابله شد

هوالله

خط مبارک ٣٩٢

ورقه مبارکه سدره رحمانيه امة‌الله طوبی خانم عليها بهاءالله‌الابهی

هوالله

ای امة‌الله ملاحظه نما که پرتو عنايت چگونه بر تو درخشيده وفيض الطاف چگونه

برتو باريده در عصر ظهور وقرن مجلی طور موجود شدی و در ظل لوا ميثاق محشور گشتی

ص ٣٤٢

وقميص ايقان دربرنمودی وتاج انتساب بسدره‌مبارکه درسرداری و متمسک بذيل عبد

مليک ممالک غيب و شهودی والا جميع هباء منثبا گردد وکان لم يکن شيئا مذکورا

ميشد زيراپيمان يزدان ميزانست وسفينه نجاتست من دخل فيها نجی ومن تخلف عنها

هلک ع ع مقابله شد

خط کاتب امضاءمبارک ٣٩٣

شيراز همشيره حضرت‌افنان‌الورقة‌المبارکة طوبی خانم عليها بهاءالله الابهی

هوالله

ای ورقه مبارکه نامه شمارسيد هميشه منظورنظر بوده‌ايد ومشمول بمهربانی نامتناهی

اگر درارسال نامه يا جواب تاخيرافتد اين از کثرت اشتغال ووفورمصائب وبلايای

صوري ومعنوي صدوريافته اينقلم بايد بجميع آفاق مخابره كند زيرا دائره امرالله نه

چنان اتساع يافته که تصور توان نمود هرروز اوراقی بيشمار مانند امطار ازاطراف می

ريزد ده نفرازقرائتش عاجزماند تا چه رسد بنگاشتن جواب بامة‌الله ؟ صبيه غفران

آقاميرزا محمد صادق از قبل من تحيت ومهربانی برسان بجهت آمرزش پدر ومادر او تضرع

ونياز بدرگاه بينياز گرديد که ای رب کريم سراج بازغ جناب صادق را در گلشن ملکوت

نخل بازغ فرماودرانجمن جهان پنهان شمعی بارق نما گناه ببخش پناه بده حيات جاودان

ارزان فرماايورقه مبارکه‌ازدرگاه‌بارآله ترا شفا طلبم بمحفل اماءالرحمن آنسامان

تحيت

ص ٣٤٣

تحيت ابدع ابهی ابلاغ داريد عبدالبهاء عباس مقابله شد

شيراز ورقه نورانيه سدره رحمانيه طوبی خانم عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٣٩٤

هوالله

ايورقه سدره مبارکه اين رويا صادقست زنجير کنيزی جمال مبارکست ومربوط

باسم اعظم يعنی منسوب بان و کليد هااشاره بانست که‌اين زنجير کنيزی سبب فتوح

ابوابست وجميع حرزدل وجانست وحفظ روح وروان امة‌الله المحترمه والده جليله را

بالطاف حق خورسند نما وامة‌الله صبيه ميرزا محمدصادق خباز را بعنايت

الهيه اميدوار کن و عليک البهاءالابهی ع ع فرصت تحرير ابداًنبود ع ع

هوالله

شيراز بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه جناب ميرزا حبيب الله دربيت تلاوت شود

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٣٩٥

مناجات طلب مغفرت بجهة امة الله خادمه بيت عليها بهاءالله الابهی

هوالله

آلهی آلهی هذه امة اقبلت الی جوار رحمتک وتوجهت الی عتبة قدسک اسئلک بفضلک

و جودک ان تکرم مثواها وتنزلها فی نزل مغفرتک وحدائق عفوک وفردوس رحمانيتک

ايرب انه خدمت عتبتک المقدسه وتعبت وتحملت وقاست المشقات فی سنين ؟

معدودات ولم تزل کانت ترجو رضاک محتمية الی حماک و متوسلة الی ملکوت

علاک متشبثة بذيل رداء نداک حتی انتهت انفاسها وکسرت اقفاسها؟ وطار

ص ٣٤٤

روحها الی فضاءرحمتک الکبری واوج عفوک وغفرانک يامن سبقت رحمته کل الاشياء

ايرب عاملها بفضلک و جودک انک انت الکريم اللاحيم الغفورالعفو الوهاب وانک

انت الرحمن المنان الحنان المستعان ع ع مقابله شد

شيراز محفل تبليغ نساء عليهن بهاءالله الابهی

خط کاتب امضای مبارک ٣٩٦

هوالابهی

ای اماء رحمن نامه شمارسيد وجان ودل شادمان شد که جناب منير تاسيس

محفل تبليغ نمود ازاينخبر نهايت شادمانی رخ داد و اميد چنانست که اين محفل باقی

وبر قرارباشد و جميع نساء ياران بهره ونصيب از ملکوت اسرار برند ومقتدر برتبليغ

ديگران شوند تائيدات جمال مبارک شامل شود و نصرت ملکوت ابهی جلوه نمايد

عالم نساء در دوره سابق بسيار تاريک بود دراين دوره بالعکس روشن گردد و گوی سبقت

را از ميدان بربايند نطق فصيح بگشايند و بيان بليغ جويند ودر نهايت

شجاعت صف جنگ بيارايند وبقوت برهان وسطوة عرفان ممالک قلوب را

مسخر نمايند و عليکن البهاء الابهی فرصت بيش از اين نيست رمضان ١٣٣٩

عکا بهجی عبدالبهاء عباس مقابله شد

هوالله

پورتسعيد ورقه مبارکه امة‌الله ضلع حضرت افنان سدره مبارکه عليها بهاءالله الابهی

ص ٣٤٥

خط مبارک ٣٩٧ هوالله

ايورقه مبارکه شجرهء‌سيناء شکرکن خدارا که در ظل ممدود داخل شدی

ودر تحت لواء معقود رايت ميثاق محشور گشتی واز مسجد حرام مطاف ارواح روحانيان

بمسجد اقصی قبله ملاءاعلی توجه نمودی وبتربت مقدسه معطره معنبره جبينی ؟انور

مبين بخشيدی و بتقبيل آستان حيات بدل و جان بذل نمودی حال در نهايت بشارت

مراجعت بان عتبه مقدسه نما واز قبل ورقات مبارکه بالنيابه روی ومويرا

بتراب آن عتبه مقدسه بمال واماءالرحمن را در آن کشور بشارت رب البشر بده

تا کل در کمال وجد و طرب و جذب و فرح بذکر حضرت احديت مشغول و مالوف

گردند و الطاف و عنايت جمال قديمرا بخاطر آرند و در هدايت آماء مستعده

با کمال حکمت کوشند و در تربيت اطفال بموجب احکام آلهی جهد نمايند وبنماز

و نياز و صيام و قيام بموجب امر قطعی آلهی برخيزند ع ع مقابله شد

هوالابهی

ورقه مبارکه ضلع حضرت افنان جناب آقاميرزا آقا عليه بهاءالله الابهی ملاحظه

نمايند

خط مبارک ٣٩٨ هوالابهی

يا امة الله الورقة النابتة علی سدرة المنتهی عليک بهاءالله

و فضله وجوده و احسانه فی اولاک و آخريک فی الحقيقه چون تصور مشقات

وبليات ومحن وآلام وغربت وکربت آنورقه مبارکه را مينمايم نهايت غموم

ص ٣٤٦

و هموم حاصل ميشود ولی ايورقه مطهره محزون مباش زيرا حضرت اعلی روحی له

الفداء وجمال قدم کينونتی وذاتی لاحبائه فدا دراينعالم ملاحظه نما چه بلايا

ورزاياء تحمل فرمودند جميع مصائب ماحکم قطره وشبنم دارد وآن حکم بحراعظم عنقريب

مثوبات اين زحمات و حسنات ؟ اين مشقاترا ببصر ممنونيت مشاهده خواهی

نمود ملحوظ عين عنايتی و مشمول توجهات رحمانيت مطمئن باش ومستريح شو

والبهاء عليک وعلی اولادک واحفادک فی القرون آلايته ع ع مقابله شد

هوالله

خط مبارک ٣٩٩

ش حرم حضرت آقاميرزاآقای افنان ورقه مبارکه عليها بهاءالله الابهی ملاحظه

نمايند هوالله

ای ورقه مبارکه شکرکن که بالطاف جمالقديم درظل علم عظيم درآمدی وبحبل متين تشبث

نمودی وبنور مبين هدايت يافتی حال وقت آنست که بميثاق قويم تمسک شديد نمائی تا

يرصراط مستقيم ثابت مانی حضرات افنان در ظل لحاظ عنايتند و مشمول الطاف بينهايت

دستورالعمل بحضرت افنان جناب آقاميرزاآقا مرقوم شد اميد از رب مجيد چنانست که

موفق ير آنچه اليوم لازم است شوند والبهاء عليک ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش ورقه مبارکه افنان سدره رحمانيه امة الله حرم جناب آقا ميرزاآقای

ص ٣٤٧

افنان عليها بهاءالله الابهی

خط مبارک ٤٠٠ هوالابهی

ای ورقه مقدسه مبارکه سدره‌آلهيه دربحبوحه فردوس رحمانيه بلند شد وشرق و غرب

آفاق را احاطه نمود تاتوانی باصل دوحه آلهيه تعلقرا محکم کن تااز مدد فيوضاتش

هميشه سبز وخرم مانی واز نفحات تقديسش تازه ومعطر گردی شکر که باين فضل ومواهبت

متباهی ومفتخر شدی ع ع مقابله شد

هوالابهی

پورتسعيد ورقه مقدسه نوراءمريم سلطان بگم عليهابهاءالله

خط مبارک ٤٠١ هوالابهی

رب و رجائی ان هذه‌امة من آمائک و ورقة من ورقات شجرة رحمانيتک

نبتت من سدرة فردانيتک واسئلک بکلمتک العليا التی جعلتها آية وحدانيتک

ان تنبتها نباتاً حسناًوتوفقها علی الرضاعة من ثدی ربانيتک وتربيها فی مهد

رحمة و حدانيک وتنشيها فی حصن رحمانيتک وتستميها من ملکوتک روحيه لتکن

مستبشرة‌بروح العرفان انک انت الکريم الرحمن ع ع مقابله شد

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا ميرزا بزرک وجناب آقا ميرزاحبيب عليهما

بهاءالله الابهی هوالله

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٤٠٢

ای دوقضيب رطيب سدره مبارکه نامه شما رسيد واز اتمام بيت مکرم

ص ٣٤٨

وانتهای حساب نهايت روح وريحان حاصل گرديد حضرت مويد فی الحقيقه مويدند

ومظفرموفقند ومنورالحمدلله که در چنين طوفانی وچنين هجوم عمومی که جميع قلوب

مشوش و نفوس مضطرب عبدالبهاء در نهايت اطمينان وسکون وقرار شمارا بعمار

بيت مکرم واداشت وحضرت افنان سدره مبارکه جناب حاجی ميرزا محمد تقی

را ببنای مشرق الاذکار مشغول نمود در چنين وقتی امری که در زمان نهايت سلامت

وامان وآسايش دل وجان مخلصين سابق پرداختند ما در چنين بلای ناگهان

بارزوی دل وجان قيام نموديم اين نيست مگراز فضل بيمنتهای جمال مبارک روحی

لاحبائه الفداء لهذا بجهت موفقيت باين امر عظيم بايد بشکرانيت درگاه رب قديم

پردازيم که موفق بر چنين خدمتی فرمود له الحمد وله الشکر علی ذلک ازاشتداد مرض

امة‌الله الموقنه والده‌آقاميرزابهاءالدين متاثرشديم ودرکمال تضرع وتاسف مناجاتی

درطلب مغفرت بدرگاه احديت نمودم نص آن مناجات در جوفست امامبلغی که آن محترمه

وصيت نموده‌بود رسيد ولی بسياربموقع درارض اقدس کارتنگ شده‌بود واعدا در نهايت

هجوم درمحلی بسيار لازم وبشخصی بسيار سزاوار تقديم شد اين نيز دلالت بر خلوص

آنمحترمه مينمايد وعليکما التحية والثناء ع ع مقابله شد

هوالله

ص ٣٤٩

خط مبارک ٤٠٣

ايهاالفرعان‌النابتان من‌السدرة‌الرحمانيه ورقه مسطورهو‌ارد ومضامين معلوم ومفهوم ؟

گرديد اذن حضور باستان مقدس خواسته بوديد ماذونيد ولی در عيد رضوان چون

جمعيت است قدری برشما زحمتست اگر تحمل زحمترا داريد بسيار خوب والا بعداز

رضوان والبهاء عليکم وعلی کل ثابت راسخ علی الميثاق ع ع مقابله شد

شيراز حضرات افنانهای سدره مبارکه جناب آقا ميرزا بزرگ جناب آقا ميرزا

حبيب جناب آقا ميرزا ضياء عليهم بهاءالله الابهی

خط کاتب‌امضاءمبارک ٤٠٤

هوالله

ای افنان شجرهر‌حمانيه نامه شمارسيد وبدقت مطالعه گرديد اين خانه که الان

ميفروشند البته بايد بزودی خريد زيرا بسيار مهمست البته شما واحبای آلهی

دراين مسئله مهمه نهايت کوشش را مينمائيداگرچنانچه دراين جانقداًموجودبود

فوراًجميع مبلغ ارسال ميگشت ولی مصارف اينجا بيحد وشمار واين مبلغ حاضرنه

ولی هزارتومان بهرقسم است ماميرسانيم بلکه‌انشاءالله‌احبای‌آلهی ومحفل روحانی

دراين امرمهم جانفشانی نمايند ياشماموفق بان گرديد که اين مبلغ راتقسيط بدوسال

نمائيد واين هزارتومان به حاجی امين تلغراف شد که فوراًبرسانند واينمبلغ

هزارتومان بهرقسمی است ارسال خواهد شد مطمئن باشيد واما مصارف بيت

ص ٣٥٠

مبارک هرسال مرقوم داريد ازاينجاارسال ميگردد وازالطاف حضرت مقصوداميدوارم

که حضرات افنان سدره مبارکه در جميع شئون ممتاز باشند وسبب ترويج ايمان

وپيمان تاتائيدات جمال مبارک احاطه کند وآنچه ثمره وجوداست حصول يابد وعليکم

البهاءالابهی جناب استاد محمد بنا بخدمات مبروره مويد وموفق نهايت

مهربانی و خلوص نيت ومحبت از قبل عبدالبهاء برسانيد ازعدم فرصت مختصر

مرقوم گرديد العذر عند کرام الناس مقبول عبدالبهاء عباس مقابله شد

شيراز حضرات افنان سدره مبارکه جناب آقا ميرزابزرگ وجناب آقا ميرزا

حبيب عليهما بهاءالله الابهی

خط کاتب امضاءمبارک ٤٠٥

هوالله

ايهاالفرعان من السدرة‌المبارکه نامه شمارسيد ازمضمون مفهوم گرديد که الحمدلله

دراين سنين انقلاب خطه شيراز بثبوت واستقامت دمساز و وهن ؟ وفتوری

حاصل نگشت واين سبب فرح قلوب شد اگر چه بعضی نوهوسان همهمه ودمدمه انداختند

ولکن اين چون کف دريا فاماالزبد فيذهب جفاً واماماينفع الناس فيمکث فی‌الارض

باوجود صريح الواح آلهيه که تا الف سنه ظهوری نه و عبدالبهاء بعبوديتی قائم

که خودرا تراب اقدام ميشمرد ونفسی جزاز خوف و خشيت حضرت کبريا بر نيارد

ص ٣٥١

چگونه نفوسی ضعيفه بلند پروازی نمايند واظهار هستی کنند اقلاً عبوديت محضه بی

تاويل رااز عبدالبهاء تحصيل کنندالی‌الان کلمه که دليل بروجود باشدازفم او صادر

نشد تاچه رسد بشئونی ديگر لابد وقوعاتی احياناًچنين واقع خواهد گشت ولکن احبا

بايد چنين اشخاصرا بحال خود بگذارند نه پيروی نمايند ونه پرده دری کنند وبالتی ؟

هی؟ حسن معامله نمايند باری افنان بايد درنهايت ثبوت واستقامت باخلاق آلهی ناسرا

تشويق وتحريص نمايند نظر عنايت آلهيه شامل ونتايج وآثارش ظاهر وباهر خواهد گشت

ازصعود نفوسی ازاحبا که بملاءاعلی شتافتنداز جهتی احزان هجوم نمود زيرا افراقشان

بر ياران سخت واقع شد ولی از جهتی ديگراطمينان بعفو و غفران حضرت رحمن است که آن

نفوس مقدسه درجهان نامتناهی مظاهرالطاف ربانی گشتند وآنچه درجهان عنصری

کشتند درعالم آلهی خرمنی اندوخته يافتند ازاينجهان سست عناصر رها يافتند

وحقيقتی از عنصر رحمانی جستند ومستغرق بحر انوار گرديدند اسئل الله ان يشملهم

بلحظات اعين رحمانيه فی عالم الانواران ربی بغفور رحيم و عليکماالبهاءالابهی

٣آذار ١٩١٩اين آيه قرآنراتلاوت نمائيد فسوف يعطيک ربک فترضی مطمئن بفضل مخصوص

باشيد عبدالبهاء عباس مقابله شد

ص ٣٥٢

شيراز حضرات افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزابزرگ و جناب آقا ميرزا حبيب عليهما

بهاءالله الابهی

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤٠٦

هوالله

ای دوافنان شجره‌مقدسه مکاتيب شما رسيد ولی جواب تاخير افتاد

زيرا کسالت مزاج بشدتی بود که تحرير جواب ممکن نه البته معذور خواهيد

داشت بجهت بناء بيت موازی صد ليره فرنگساوی يکماه پيش ارسال شد خواهد رسيد

وهمچنين قبوضاتی که خواسته بوديد هر چند از پيش ارسال شده بود معلومست نرسيده

لهذا نسخه ثانی ارسال ميشود واما در خصوص بيت بعضی سئوالات نموده بوديد

اين سئوالات ابداًلزوم ندارد همانست که ازپيش مرقوم شد بايد از هيئت

اصليه ابداً تغيير ننمايد مقصود تزيين نيست مقصود اينست که جمال اعلی حضرت

نقطه اولی روحی له الفداء وقتيکه درآن بيت محترم بودند همان وضع و کيفيت

عيناً باقی وبر قرار بماند بهيچوجه من الوجوه از جميع خصوصات جزئی وکلی تغييری

نيابد البته اين لازمست والا اگر خشتی از ذهب و خشتی از فضه ومرصع بناشود

سزاواراعظم ازآنست شما نظر باين داشته باشيد مقصود حفظ هيئت اصليه است

بهم نخورد و همچنين نقوش وابواب وساير متفرعات واما درخصوص زمين

پورت سعيد در زمانيکه حضرت والد مرحوم در پورت سعيد بودند و خيال مراجعت

ص ٣٥٣

بشيراز داشتند بمن نوشتند که شما بجناب آقا احمد امر کنيد که زمين ميرزاآقا را

بخرند زيرا مامحتاج بمصروف راه هستيم من نيز همانوقت باقا احمد نوشتم

وآقا احمد آنزمين را خريد واوراق متبادله و رسميه را پيش من فرستادند

وآن در دريای اوراق من است بعد از رفتن حضرت افنان آقا احمد

آن اوراق را خواست نوشتم که من فرصت ندارم که اين اوراق را که با کتب

والواح در محلی مستور گذاشته شده است حال بدست آرم لهذا شما

دوباره بحضرت افنان بنويسيد که از جناب آقا ميرزا آقا سندی گرفته

ارسال دارند و همانوقت حضرت افنان گرفته ارسال نمودند واينمعامله بواسطه

من اجرا شد وآن اوراق اول در ميان اوراق من محفوظ ولی مهلت

لازمست که در وقت فرصت جستجو شود وارسال گردد والان اوراقی

که دوباره در زمان حضرت والد بواسطه خود حضرت والد از جناب آقا ميرزاآقا

گرفته شده است در نزد آقا احمد موجود است واين باطلاع من شد اينست

حقيقت واقع از قرائن چنين معلوم ميشود که حضرت افنان اين مسئله را

از شما مکتوم داشتند البته گمان مفرمائيد که جناب آقا احمد در اين خصوص

ص ٣٥٤

دسيسه ئی نموده اند يابا جناب اخوی آقاميرزا آقا مواطئه ئی کرده اند اينمعامله

در نهايت کمال مجری شده و حضرت افنان کردند واگر قصوری واقع در بدايت

واقع که اطلاع بشما ندادند و جواب شما در اينخصوص بجهت ضعف مزاج

تا بحال تاخير افتاد شما که افنان سدره مبارکه هستيد بايد در امور نهايت

دقت را مجری داريد و در حق نفسی تا توانيد گمان نبريد از خدا خواهم

که روز بروز بر ايمان وايقان و خضوع و خشوع و فقر وفنا ومحويت تام

بيفزائيد وعليکما التحية والثناء ع ع مقابله شد

شيراز حضرات افنان سدره مبارکه آقاميرزا بزرگ و آقا ميرزا حبيب الله وآقاميرزا

ضياءالله عليهم بهاءالله الابهی

خط کاتب امضاء مبارک ٤٠٧

هوالله

ايها الفروع من السدرة الرحمانيه دو نامه ازشما رسيد که الحمدلله دليل جليل

بر ثبوت و رسوخ بر امر رب کريم بود الحمدلله موفق بخدمات بيت هستيد

وباين موهبت کبری مويديد و در ملکوت ابهی مذکور و در نزد عبدالبهاء مقبول

قدر اين عنايت آلهيه را بدانيد وبشکرانه جمال مبارک روحی لاحبائه الفداء

بپردازيد الحمدلله صيت امرالله شرق وغرب را احاطه نموده ورايت يابهاءالابهی

ص ٣٥٥

در خاور وباختر موج ميزند من بعد زحمت شما ازکثرت زوار بسيار خواهد شد

از حالابايد که خودرا حاضرنمائيد تا جميع زائرين و واردين نهايت سروروفرح

وروح وريحان حاصل نمايند اميد چنانست که مبلغين در آنخطه وديار موفق

بخدمات فائقه گردند جناب منير نجم ساطع اثيراست فی الحقيقه چنانچه بايد وشايد

بخدمت پرداخته جناب ناطق سراجی بازغ است در هدايت نفوس ميکوشد جناب روشن

بنيتی صادق وفکری ثاقب ورخی بارق بهدايت نفوس ميپردازد قدر اين مبلغين

را بدانيد زيرا درامرالله جانفشانند هر مبلغی که بموجب نصايح و وصايای الهی

سلوک و حرکت مينمايد کوکب درخشنده افق عنايتست مسائلی که در ميان

شماومحفل روحانی اندک اختلافيست حواله بجناب ميرزامحمد باقرخان کرده که ايشان

بنهايت روح وريحان التيام دهند وسبب راحت وآسودگی قلوب گردند زيرا اختلاف

روزبروز سبب نقار ميگردد وعليکم البهاء الابهی ٩ شعبان ١٣٣٩ عبدالبهاءعباس

مقابله شد

هوالابهی

خط کاتب امضاءمبارک ٤٠٨

ايفروع نابته ازسدره منتهی نامه اخير شما رسيد که خانهء

معهود را در ٢٢ ماه رمضان به دوهزار ششصدتومان نقد با مبلع يکصدوهفتاد و

پنج تومان بعنوان مصالحه حق غبن که جمعش دوهزارهفتصد و هفتاد وپنج تومانست

ص ٣٥٦

اتمام يافت اين هفصدوهفتاد وپنج تومان اخيربهر وسيله باشد انشاءالله ارسال

ميگردد حساب خريد خانه را ناطق مرقوم داريد که درست داده شود اما مسئله

قباله خانه بغداد را دومرتبه است که ما خريديم بازازدست درکاراست ميرود

يکدفعه بنام آقا سيد احمد مرحوم ويکدفعه بنام حاجی حسين بعدازفوت هردوباز خانه

ازدست رفت نوعی مجری نمائيد که در آينده مشکلاتی حاصل نگردد و عليکم

البهاء الابهی ٢٦ ذی حجه ١٣٣٨ حيفا عبدالبهاء عباس مقابله شد

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤٠٩

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه آقا ميرزاحبيب الله عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ايفرع شجره حقيقت مقبول درگاه حبيب حقيقی گشتی ومقرب درگاه طبيب روحانی

ومظهر عواطف حضرت سبحانی زيرا مورد تعذيب واذيت ستمکاران شدی ومعرض

جفای جاهلان از سنگ پرتاب مبغضان اثری در چشم و جبين حاصل شد وضرری

چون ربح عظيم اين سنگ هر چند ننگ ستمکاران بود ولکن دليل بر هوش وفرهنگ

آن مظلوم مهربان چنانکه گفته اند وکم فی الارض من خضراء ويابسته وليس يرجم

منهاالا ماله ثمر در وقت اذان در کور فرقان دست به بناگوش نهادن سنت قديم

و عادت ديرين موذنان است زيرا دربدايت انتشار دين الله در مدينه چون بانگ

ص ٣٥٧

بلند شد ازاطراف موذنرا سنگسار نمودند لهذا هرکس اذان گفتی دو دست

را دربناگوش نهادی تا سرازسنگ هربداختر محفوظ ومصون ماند باری اين جفا را

در راه وفا کشيدی واين محنت واذيت را در محبت حضرت احديت تحمل نمودی

شکر کن خدارا که باين عطيه کبری موفق ومويد شدی حضرت افنان سدره تقديس

جناب ابويرا تکبيرابدع ابهی ابلاغ نمائيد وهمچنين سائر اخوان و ورقات

مبارکه را و عليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

هوالله

خط مبارک ٤١٠

حضرت افنان سدره مبارکه جناب ميرزا حبيب عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ای فرع سدره مبارکه از روزی که شما رفته ايد همه بفکر شما هستم که دراين سفر

بهيچوجه فرصت معاشرت والفت با شما ننمودم اگر چه درهردمی همدم بودم ودرهرنفسی

مونس ومحرم ولی چون اين ارض منقلب واينعبد در صد هزار گرفتاريها وبليات سری

و جهری مبتلا بظاهر شب وروز مصاحبت نتوانستم ومجبورابزودی خوف از وقوعات

ناگهانی چون واقعه روز صعود که حاضر بوديد شمارا هرچند فرستادم ولی درقلب هميشه

بياد شما هستم وفراموش ننمودم از فضل جمال قدم واسم اعظم روحی لاحبائه الفداء

اميدوارم که در ظل عنايت محفوظ ومصون باشيد وشب وروز بحالتی باشيد که آناًفاناً

٣٥٨

در مراتب قرب ترقی وصعود فرمائيد ايفرع لطيف تکليف اليوم عظيم است عظيم

بايد دامن خدمت برکمر زد ودر مراتب عرفان يوماًفيوماًترقی نمود تابعون وصون

حضرت قيوم چون سراج نورانی در زجاجه امکان بر افروخت والبهاء عليک وعلی

کل ثابت علی الميثاق ع ع مقابله شد

شيراز حضرات افنان سدره مبارکه آقا ميرزابزرگ وآقا ميرزا حبيب الله وآقا

ميرزا ضياءالله عليهم بهاءالله الابهی

خط کاتب‌امضاءمبارک ٤١١

هوالله

آيها الافنان للشجرة الرحمانيه نامه شما بتاريخ ٧ ربيع الاول ٣٣٩ وصول يافت

ولی عبدالبهاء در جواب مجبوربراختصاراست شخصی ازلی اگر خواهش زيارت بيت الهی

نمايد واين نيتش صادقه باشد نه اينکه مقصد عناد و جدال والقای شبهات

باشد مساعده زيارت بنمائيد اين نفوس هرچند طواف بيت خواهند

ولکن از رب البيت غافلند باری بکمال رافت هدايت اين نفوس را بخواهيد

و چون جبل راسخ شبهات اين نفوسرا مقاومت نمائيد ولکن ملايمانه صحبت

بداريد از روزيکه مقام اعلی مرتفع وديده عموم اهل ايمان روشن وعلم عزت

امرالله بلند شده يکنفر از اين نفوس غافله بزيارت نيامد لهذا ازاين آمدن

ص ٣٥٩

بزيارت بيت مقصدی دارند شايد القاء شبهاتی نمايند ديگرفکر نميکنند که کارازاين

درجات گذشته زيرا صيت وصوت امرالله شرق وغرب را احاطه نموده ودرقطعات خمسه عالم

خاور وباختر نعره يا بهاءالابهی يا علی الاعلی بلند است و علم جاءالحق و زهق

الباطل موج ميزند ملاحظه کنيد که چقدر دسيسه است اهل شبهات بيانی يک عکس وهمی درست

کرده اند وبحضرت اعلی روحی له الفداء نسبت ميدهند وحال آنکه شمايل صحيح حاضر

وموجود وشما ديديد که اين عکس موهوم چه قدر نامناسب مثل شمس واضح که شمائل مبارک

نيست وسواد اين نامه رابه نيريز وشهرهای ديگر شيراز نزد محرمان عاقلان بفرستيد

وسفارش ستر ومحافظه بنمائيد در فقره بيت مکرم محترم مطاف ملاءاعلی که از پيش مرقوم

شد مقصود اينست که حال چنان مجری داريد که در استقبال شايد ازاولاد واحفاد نفسی

بمبارزه بپردازد ومراحمه ئی بکنند وبگويد من وارثم ميخواهم بفروشم مقصوداين

ملاحظه بود وعليکم البهاءالابهی ٧ جمادی الاولی ١٣٣٩ عبدالبهاء عباس مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٤١٢

حضرت افنان مناجاتی چند ماه پيش طلب عون والطاف بجهت عموم افنان سدره

تقديس وذکراوصاف فروع شجره رحمانی از درگاه احديت گرديد ولی خبر وصول نرسيد

وهمچنين هزارتومان حواله بجهت خريد خانه جوار حواله گرديد ازشيراز دراينخصوص

ص ٣٦٠

نيز خبری نرسيد حال مقصد تفصيل آنخانه واز امين تا بحال چه رسيده مرقوم داريد

ولی بکمال عجله واگر چنانچه فرصت نداريد بکس ديگر ممکن است که مرقوم دارد باو

تکليف کنيد مدتی است که از هيچيک از حضرات افنان سدره مبارکه شيراز بکلی نه خبری

ونه نامه ئی بمن نرسيده باری با وجود اينکه من از کثرت غوائل ومشاغل ومهالک و

مفتريات و مخابرات با جميع اقاليم عالم دقيقهءئ‌ی وقت ندارم باز بخط خود مينگارم

ملاحظه کنيد که چقدر مواظبت دارم مقصود اينست که بلکه انشاءالله آن خانه جوارحرم

مقدس خريده شود و کسی نه شفاهاًو نه خطاًجسارت القائی دارد مانند بنيان زرين

رصين الی الابد بعون و عنايت جمال مبارک ثابت و مستقيميم و حضرات افنان

سدره مبارکه را هر دم فوزی عظيم وفيضی مبين خواهيم من چنين وعليکماالبهاءالابهی

عبدالبهاء عباس مقابله شد

آلهی آلهی انک تعلم باننی احب بکل قلبی افنان سدرة رحمانيتک و فروع شجرة

وحدانيتک و ارجوک ان تويد هم علی الوصول الی اعلی الدرجات فی النشاة الاولی

والنشاة الاخری رب اجعل وجوههم توقد وتضيئی کالسراج فی الطف زجاج

نور علی نور انک انت القوی القدير عبدالبهاء عباس مقابله شد

هوالله

ص ٣٦١

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزا بزرگ عليه بهاءالله

خط کاتب امضاءمبارک ٤١٣

هوالابهی

ايهاالافنان النابته من السدرة المبارکه نامه مورخ به ٢٠ محرم سنه ١٣٣٩ رسيد از

مضامين نهايت انبساط وانشراح حصول يافت زيرا دال بر آن بود که در خصوص خانه

الحمدلله تمشيت حاصل وآنخانه ملحق به بيت مبارک گرديد اليوم سرور عبدالبهاء باين

اموراست که تعلق بحضرت اعلی ونقطه اولی روحی له الفداء دارد يا تعلق بعتبه مقدسه

مبارکه حضرت بهاءالله روحی لعباده الفداء باری حمد کنيد خدارا وشکرنمائيد که

بچنين موهبتی موفقيد وبچنين خدمتی مويد دو هزارتومان بواسطه جناب امين حواله شد

الحمدلله رسيد ازالطاف آلهی اميدوارم که در جميع مراتب موفق ومويد شويد حسابی که

ارسال نموده بوديد ناطق و واضح بود عبدالبهاء عباس ٢٠ ع ٢/١٣٣٩ حيفا مقابله شد

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزا بزرگ عليه بهاءالله

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤١٤

ای افنان شجره بقا جناب آقامحمود عصار مکتوبی بواسطه شما ارسال نمودند واستدعای

اذن حضور به بيت معمور نمودند ماذونند خبر کسالت وانکسار مزاج حضرت

افنان سدره بقا بسيار سبب حزن وتاسف گرديد ازحق ميطلبيم که بانچه رضای

جمال محبوبست بان برسيم درسبيل او جام فدا طلبيم و راه هدی پوئيم و روی او جوئيم

ص ٣٦٢

وستايش او گوئيم وهرسو که روان گرديم توجه باو نمائيم هرچند از خبر بنای مطاف

عالميان بيت مقدس بسيار روح وريحان حاصل شد ولی حوادث تکسر مزاج

حضرت افنان بسيار سبب حزن شد اميدوارم که اين حزن مبدل بسرور گردد

وعليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

هوالله

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا ميرزا حبيب عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤١٥

هوالله

ای بنده حق آنچه بجناب آقا سيد تقی مرقوم نموده بوديد ملاحظه گرديد مطمئن بفضل

وعنايت حضرت احديت باشيد آنچه تقدير فرمايد خير عموم باشد حکمت بالغه آلهی

بسياراست لابد ظاهرخواهد شد حرکت جناب بشيرآلهی هر چند سبب حزنست اما حکمتی در

آنست شما توکل بخدا کنيد واز هيچ امری محزون و مشوش نگرديد جوهر توکل حيات

روحانيانست و حقيقت توسل سرمايه رحمانيان حضرت والد جليل را تحيت روحانيه ابلاغ

داريد وهمچنين حضرات اخوانرا بابدع بيان تحيت مشتاقانه‌ابلاغ داريد وهمچنين سائر

احبای آلهيرا کمال اشتياق ازقبل اينعبداظهارفرمائيد وعليک التحية والثناء ع ع

هوالله

قطرمصر حضرت افنان جناب ميرزا حبيب عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

ايهاالفرع اللطيف من السدرة‌المبارکه استبشر بنفحات انتشرت من حديقة‌التقديس

ص ٣٦٣

خط مبارک ٤١٦

واستسق من‌الغبث‌الهاطل من سحاب فيض ربک وامش بين‌الخلق باطوارانجذب بهاقلوب اهل ؟

التوحيد وعاشر کل حبيب يدعوک الی ربک الجليل ع ع مقابله شد

هوالله

بواسطه جناب آقاميرزا علی اکبر زائر جناب آقاميرزا حبيب الله افنان واخوانشان

عليهم بهاءالله الابهی

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٤١٧

هوالله

جناب زائرحاضر خبرندارد که‌آنجناب نامه های متعددازعبدالبهاءدارد ؟ باز خواهش

نگارش اين نامه مينمايد محض خاطر ايشان بازخامه بحرکت آمد وبتحرير پرداخت تا

بدانی که دراين انجمن رحمانی مذکوری ودرعتبه حضرت سبحانی مشهوروعبدالبهاءدرجميع

احيان بيادت مالوف وعليک التحيته والثناء ع ع مقابله شد

هوالله

آباده جناب افنان آقاسيد آقاابن حضرت افنان سدره مبارکه آقاميرزا آقا عليهما

بهاءالله الابهی

خط مبارک ٤١٨ الله ابهی

ای نابت‌ازسدره‌مبارکه چون بشرف‌انتساب فائزی بايدبصفت کمال درکل مراتب ممتاز باشی

تاانشاءالله سلاله جان ودل گردی وازآب وگل بکلی منقطع شوی وآن شئون فائضه از

تجليات حی قيوم است بکوش تاازآن انوار مقتبس گردی وازآن آيات

مهتز والبهاء علی کل ثابت علی الميثاق ع ع مقابله شد

هوالله

ص ٣٦٤

ش حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاسيد آقا عليه بهاءالله

خط مبارک ٤١٩ هوالله

ای افنون سدره رحمانيه درجميع احوال واحيان بياد شما مشغوليم وازفضل حضرت ودود

اميدواريم که بخدمت مربی غيب وشهود موفق ومويد گردی وبانچه سزاوار عبوديت

آستان مقدس است موفق ومويد شوی تا در خضوع و خشوع وتضرع وتبتل وتذلل ونياز

انباز ودمساز عبدالبهاء گردی تلک سجية کل عبد منيب اخلص وجهه لله رب العالمين

اسئل الله ان يوفقک عليها ع ع مقابله شد

هوالابهی

پورتسعيد حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزاضياءالله عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٤٢٠

هوالابهی

ای فرع سدره مبارکه ورقه مکتوبه ملاحظه گرديد نفحه خوشی

استشمام شد اليوم نفوسی در ظل سدره آلهيه مستظل گشته اند که عنقريب حرارت

قلبشان جهانرا باشتعال آرد اميدوارم که آنفرع بديع يکی از آن نفوس قدسيه

وهياکل روحيه گردد زيراازشجره مبارکه نابت لهذااولی باين منقبت عظمی والبهاء

عليک ع ع مقابله شد

هوالله

پورتسعيد حضرت افنان سدره مبارکه جناب ميرزا ضياء عليه بهاءالله

خط مبارک ٤٢١ هوالله

آلهی آلهی انت الذی غرست شجرة رحمانيتک فی فردوس فردانيتک

ص ٣٦٥

و سقيتها من معين صمدانيتک حتی انتشت ونمت وطالت وتفرعت وتشعبت وامتدت

وملئت شرق الوجود وغربه ومن فروعها هذا الافنون الثابت الراسخ علی ميثاقک

المتشبث بذيل عهدک ايرب انت تعلم بانی احب هذالافنون ؟ من کل قلبی ومن کل روحی

ومن کل فوادی وانی راض منه اسئلک بفضلک و جودک ان ترض عنه واجعله آية فضلک

انک انت الکريم الرحيم العفو الغفور ع ع مقابله شد

شيراز جناب افنان سدره مبارکه حضرن ميرزا ضياءالله عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤٢٢

يامن انتسب الی الشجرة‌المقدسه نامه رسيد واز معانی وکلمات تبتل بملکوت رب آيات

واضح گرديد دليل ايمان وايقان وثبوت برعهد وپيمان بود اليوم استقامت عين کرامتست

و سسب مقاومت امتحانات شديده وثبوت برعهد وپيمان تو چون درگلشن آلهی نابتی البته

ثابتی خوشابحال توکه خالصی ومخلصی ازخبر مولود جديد سروری جديد پديد شد که الحمد

لله اين طفل درظل عنايت تولد يافته انشاءالله ازثدی محبت الله پرورش خواهد جست

ودرمهد معرفت الله نشو و نما خواهد کرد نام ميرزاآقا بنهيد تا يادگاری آن افنان

سدره رحمانيه ومقرب درگاه حضرت احديه گردد امة‌الله الموقنه الورقه المبارکه

والده وسايرين را تحيت محترمانه برسان و عليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

هوالابهی

ص ٣٦٦

ش حضرت افنان سدره منتهی جناب ميرزاابراهيم عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

خط مبارک ٤٢٣

ايها الفرع الجميل من السدرة المبارکة اليوم شان نفوس منتسبه

بشجره آلهيه اينست که چون ستاره صبحگاهی ازافق عالم ومشرق امم بدرخشند و چون

آيت باهره ورايت ظاهره بر اتلال وجود لامع ومشهور باشند امواج بحر اعظم

لئالی مبين نثار نمايد وفيضان غمام اکرم غيث جليل احسان کند سدره ايقان ثمار

لطيف بارآورد وارض طيبه طاهره و رياحين بار آورد از فيض قديم رب جليل

اميدواريم که افنان دوحه بقا موفق باستفاضه از ملکوت ابهی فرمايد ودر کهف حمايتش

ازجميع طوارء ؟و موارد محفوظ ومصون دارد که درکمال ظهور محفوظ مانند عبدالبهاء ع

مقابله شد

جناب سلطان محمد خان جناب سلطان باقرخان جناب شاهزاده غلامحسين ميرزا جناب

حاجی ميرزا بزرگ افنان جناب احسان الله پسر جناب آقاميرزااسمعيل خان جناب آقا

ميرزا اسمعيل خان جناب حاجی ميرزا حبيب افنان جناب آقا ميرزاابوالقاسم ساعت ساز

جناب حاجی ميرزا ضياء جناب آقا ميرزا باقرخان اصفهانی جناب ميرزا عبدالحسين جناب

آقاميرزا علی آستانه دار جناب استاد ميرزا خياط جناب آقاميرزا محمد صادق خباز

جناب آقاميرزااسدالله جناب خادم باشی جناب نايب رضاقلی جناب آقا علی اکبر جناب

ميرزا حسين

ص ٣٦٧

پسر آقا ميرزاابوالقاسم جناب آقا محمد برادرايشان صبيه ايشان جناب آقاميرزايحيی

خان جناب آقاميرزا عليمحمد خان جناب آقا ميرزاابراهيم خان پسرجناب آقاميرزا

اسمعيل خان جناب آقاميرزامحمد جعفر خان عليهم بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٤٢٤

ايبندگان جانفشان جمال ابهی صفحه نورانی ونقشه شمائل رحمانی ياران روحانی

ملاحظه گشت ازنورانيت آن وجوه روحانيت حاصل شد وسروروفرح در قلوب جلوه نمود؟

هرچند شمائل جسمانی بود ولی بحقيقت جمال روحانی مشهود زيرا در جبين محبت نورمبين

آشکار يا حبذاتلک الوجوه‌النورانيه يافرحاًلتلک النفوس الرحمانيه وياسروراًلتلک

الحقائق الروحانيه انی اتوسل بالعروة‌الوثقی واتشبث بذيل رداءالکبريا وارجوالله

ان يويد تلک الذوات المستبشرة ببشارات الله علی اعظم مواهب قدره فی ملکوته

الابهی ويجعلهم آيات باهرات و نقوشاً ثابتة فی اللوح المحفوظ والکتاب المسطور

و يجعل الوجود خالصة التوجه الی الجمال الابهی فی النشئة الاولی والحيات الاخری

و عليکم التحية والثناء

آلهی آلهی هولاء قد بعثتهم من مرقدالهوی و حشرتهم فی يوم اللقاء تحت لواءالعطاء

واجتبتيهم لمحبتک بين الوری واخترتهم لظهور مواهبک علی الملاء ؟رب رب اجعل تلک

الوجوه الناضره مراياء انوار موهبتک الکبری وتلک الاعين الناضرة قريرة بمشاهدة

ص ٣٦٨

انوار الافق الاعلی انک انت تويد من تشاءعلی ما تشاء وانک انت المعطی الکريم

العزيز الرحيم الوهاب ع ع مقابله شد

بواسطه جناب بشير شيراز اعضای محفل روحانی عليهم بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهروامضاء مبارک

آلهی آلهی هولاء عباد اجتبتيهم لخدمة امرک واعلاء کلمتک و نشر نفحات قدسک

رب اخلص وجوههم بوجهک الکريم و ثبتهم علی صراطک المستقيم واقمهم علی خدمة

نبأک العظيم واجعلهم آيات الهدی بين الوری لينشروآثارک ويقتبسوا انوارک

ويطلعوا باسرارک ويتنور بهم موطن نورک المبين ومقر جمالک العلی العظيم رب

اعمل درجاتهم وبشر ارواحهم وثبت کلماتهم وانشرآثارهم بين خلقک انک انت

المقتدر العزيز القوی القدير ع ع

هوالله

آخر لوح ٤٢٥ اين دوسطر خط مبارک است

ای ياران عزيز شيراز موطن حضرت بی نياز است بايد مطلع انوار اسرار گردد وانجمن

عاشقان بايد درآن ديار آهنگ وجد وطربرا بملکوت انوار رسانند ع ع مقابله شد

شيراز اعضای محفل روحانی عليهم بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤٢٦

ايبندگان مقرب درگاه جمال مبارک شکرکنيد خدارا که در موطن حضرت اعلی

روحی له الفداء انجمن آراستيد والفت ويگانگی خواستيد محفل روحانی تاسيس نموديد

ص ٣٦٩

وبخدمت آستان ربانی قيام کرديد آن اقليم جنت النعيم‌است وآنکشورمنورومعطرازنسيم

گلشن عليين آن خاک پاک است وآنحدود وثغور تابناک زيرا موطن آفتاب

افلاکست شما چون درآنخطه قيام بر خدمات نموده ايد ودر عبوديت آستان شريک

وسهيم اين گمنام گشته ايد بايد بينهايت شادمان باشيد وکامران گرديد

ومفتخر ومباهی بفضل نامتناهی آلهی که بچنين امر عظيمی موفق شديد که نهايت آمال

مقربين است ومنتهی آرزوی عليين اما عبدالبهاء را نهايت آرزو وآمال خادمی آنمحفل

روحانيست تابالطاف ربانی وفيض صمدانی ونفحه رحمانی مصدرخدمات ياران آسمانی؟ گردد

دفتر اعانات اطراف بجهت ستمديدگان نيريز رسيد وبنهايت سرورقرائت گرديد

وقبوضات ارسال ميشود وعليکم البهاء الابهی ع ع مقابله شد

شيراز اعضای محفل روحانی عليهم بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤٢٧

ايبندگان جمال ابهی نامه شمارسيد مضمون مفهوم گرديد وهمچنين نامه ئيکه بحضرت

افنان سدره مبارکه عليه بهاءالله‌الابهی مرقوم نموده بوديد وهمچنين جواب نامه از

آنحضرت بشما کل بنهايت دقت قرائت شد از عدم فرصت مجبوربر اختصارم ازتائيدات

غيبی جمالقدم روحی لاحبائه الفداءالحمدلله بيت مکرم ازحالت اندراس بيرون آمد

ص ٣٧٠

تکراربراساس اصلی وترتيب قديم بنا وانشاشد وبقدرامکان تفرعات تزييد يافت

وبتائيدات‌اسم‌اعظم کم کم توابع آن بيت معظم مانند شفاخانه ؟ ومدارس‌ايتام وبيت

عجزه وغيره کل نيزاتمام وتکميل ميشود خانه ئی که تعلق بافنان سدره مبارکه جناب

حاجی سيد مهدی عليه بهاءالله دارد بايد خودايشان تعميربفرمايند سهيم وشريکی در

آن تعمير نداشته باشند لهذا خدمت ايشان مرقوم فرمائيد تا بهر نوع مصلحت دانند

مجری فرمايند تاخيرابداًننمائيد دراينگونه امورتهاون وتسامح جائزنه وازفضل وافی

جمال قدم روحی لاحبائه الفداء اميدوارم که آن حرم مبارک درنهايت عظمت در مستقبل

جلوه نمايد وبرداء عزت ابدی مخلع گردد شمول الطافرا ملاحظه نمائيد که نهايت آمال

نير ملکوت صبح هدی نقطه اولی حضرت اعلی روحی له الفداءاين بود که طلعت مقصود

جمال معبود شمس حقيقت حضرت من يظهره الله در يوم ظهورذکری ازآن شجره طورفرمايد

حال درظل عنايتش حتی ترابی که منتسب بحضرت اعلی روحی له‌الفداست ارتفاع يافت

و روز بروز معمورتر گردد وتوابع حرم معظم اتساع يابد و عليکم البهاءالابهی ع ع

مقابله شد

شيراز اعضای محفل روحانی عليهم بهاءالله‌الابهی

هوالله

ای مقربان درگاه کبريا نامه شمارسيد ورقه ئی که جوف بود بسيارسبب سرورگرديد

ص ٣٧١

خط کاتب امضاءمبارک ٤٢٨

که‌آنشخص محترم چنين اقدامی فرمود وچنين انفاقی نمودآنچه درمدت حيات همت فرمودند

ومجری داشتند ومبذول کردند جميع فراموش ميشود اين امريست طبيعی ولکن اين همت

که تعلق بماوراءالطبيعه دارد هرگز فراموش نخواهد شد والی الابد در مرور قرون و

اعصار مشامها را نافه مشکبار نثار خواهد کرد زيرااين قضيه درظل وجه واقع کل من

عليها فان ويبقی وجه ربک ذوالجلال والاکرام وهمچنين سبب عزت ابديه در دو جهان

خواهد گشت سليل جليل ايشان در پاريس ملاقات شد ونهايت الفت حاصل گشت فی الحقيقه

شايان وسزاوار وبزرگواراست و همچنين ملاحظه نمائيد که قوه‌امرالله چگونه درظهور

وبروزاست که همچنين شخص جليلی ازبرای چنين موقعی که آن جسد معطر يک شب دوشب

در آنجاامانت گذاشته شده بود اين جسد مطهريکه از خوف اهانت اعداء پنجاه سال

ممکن نشد در جائی قراريابد زيرا اعدا درصدد بودند واگر بدست اعدا افتاده بود

آتش ميزدند حال بمقامی رسيده که چنين نفس محترمی در موقعی که رائحه ئی ازآن جسد

معطر وزيده چنان جانفشانی مينمايد وهذا من فضل ربی فاعتبروا يااولی الابصار

وعليکم البهاءالابهی عبدالبهاءعباس ١٠رجب ٣٣٨ حيفا مقابله شد

هوالله

ص ٣٧٢

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤٢٩

آلهی آلهی ترانی فائضاًفی غمارالبلاء وغريقاًفی بحارالباساءوالضراءهدفاللنصال ؟

مطعموناًبرماح الجوروالجفامجروحاًبظباءالشدة والبغضاءولم يبق ياآلهی موقع من ؟

؟الا هو ؟ يح السهام ولم يبق موضع من کبدی الاوهوقريح الرماح ولم ينزل علی هذه

المصيبة‌الدهماءولاالزرية؟ العمياء؟الالتبتلی وتضرعی الی حضرت احديتک وتوجهی الی

ملکوت رحمانيتک وما نقموامنتی الاان آمنت بک وباياتک وماانزلته من کتبک وصحفک

وماارسلته من رسلک هذا جرمی وخطائی وکربتی وبلائی مع ذلک ادعوک بلسانی وارجوک

بخبانی ان تعفوعن اقربائی الذين افترواوجارواعلی واعتدوابی وهتکواوفتکوا رب اغفر

ذنوبهم واکشف کروبهم وسهل امورهم وانزل عليهم رحمتک ولا تحرمهم عن موهبتک لانهم

جهلوا وغفلوا ولوعلموالم يفعلوا فينبغی لرحمانيتک ان تسترعيوبهم وتعفوعن ذنوبهم

انک انت الرحمن الرحيم ثم ادعوک ان تحفظ اوليائک فی صون حمايتک وتحرس اصفيائک فی

کهف رعايتک وتشمل ارقائک بلحظات اعين رحمانيتک لانهم تحت الهجوم واهداف للرجوم

احاط بهم الغافلون وهم من کل حدب ينسلون ثم انی اعفروجهی بتراب الذل والفناء

متمنياًالقرب واللقاءراجياًجواررحمتک الکبری فاجرنی ياآلهی وقرب يوم بقائک و

انقذنی يا مولائی ويسرلی مشاهدة جمالک ان کان رای يليق لعطائک فاجعله يتهادی

علی اتفتاه فی سبيلک وان

ص ٣٧٣

کان دمی حقيق ان يهدرفی سبيلک فاجعله مسفوحاًمرشوشاًمسفوکاًعلی التراب فی محبتک

وان کان صدری حری ان يشتبک فی ولائک فاجعله هدفاًللسهام بقضائک انک انت الکريم

الرحيم العزيزالوهاب وانک انت العلی العظيم التواب ای عزيز آلهی درايندم که

زلزله امتحانات بقعه مبارکه را بحرکت آورده وطوفان عظيمی برپاست نامه روحانی شما

قرائت شد ونهايت مسرت حاصل گشت ازفضل يزدانی مستدعيم که روزبروزترانورانی فرمايد

تامظهرالطاف رحمانی گردی وموفق برخدمت آستان شوی مختصراينست که از يوم صعود الی

الان اخوی مهربان بهروسيله تمسک جست وبهراسبابی تشبث نمود که سراج محبت الله را

خواموش نمايد دربدايت بنشرالواح شبهات پرداخت وشرق وغربرا بکلمات موتفکه ملوث

ساخت بگمان اينکه القاءشبهات نسخ آيات باهرات کند مدتی دراين قضيه جهد بليغ نمود

تايرليغ جاءالحق وزهق الباطل ان الباطل کان زهوقا درجميع حدود وثغور منشور گشت

و چون ازاين خائب و خاسرشد بدسيسه ئی ديگر پرداخت و زبان بمفتريات گشود وباطراف

واکناف آنچه توانست تهمت وبهتان انتشار داد که اين عباد را معاذ لله نسبت بعموم

نيتی غير خيرمضمرآنچه نوشت بوسائطی ابلاغ نمود ولوائحی ترتيب داد که معاذالله

اينعباد بادشمنان پادشاهی رابطه ومخابره دارند وآنلوائح ارسال بحکومت اينسامان

شد

ص ٣٧٤

تکذيب گشت بعد باجمعی ازبدخواهان اينعبد دراين شهر همدم وهمداستان شد وشب وروز

عاکف آستان آنان گشت تاآنکه دراين ايام باآنان لائحه ترتيب داده که درهرصدی

هشتاد وپنج ازاهالی اينصفحات بهائی گشته اند وبااجنبی روابطی بسته‌اند تربت مقدسه

را کعبه اتخاذ نموده‌اند ومقام کرمل را روضه مطهره حضرت رسول عليه السلام قرار

داده‌اند دراينجا طواف کنند ودر آنجا سجده نمايند وازاينقبيل بسيار باری جمعی

بجهت تفتيش اينوقايع مامورگشتند وازاسلامبول باينجا آمدند آنان سراًتفحص و

جستجو نمودند ولی ازبد خواهان يعنی کسانيکه شريک درآن لايحه بودند وازاين

آوارگان ابداًسئوالی نکردند توضيحی نخواستند ومراجعت باسلامبول نمودند لهذاارياح

امتحان در بقعه مبارکه روزبروز دراشتداد است سبحان الله اگر ديگران ندانند الحمد

لله ياران واقف اسرارند ومطلع بر وصايا ونصائح جمال مبارک درجميع الواح بوصيت

صريحه ونصيحت صحيحه واوامر قطعيه كلرااز فساد كه سبب هدم بنياد عباد است منع

نموده وباطاعت ودولتخواهی وانقياد وصداقت بسريرپادشاهی امرقطعی فرموده که هرکس

فسادی نمايد ويااينکه دراطاعت شهريارفتور وقصورکند از رحمت پروردگار محرومست واز

نظر عنايت حق دور ومهجور هادم بنيانست نه بانی نوميد از رحمت پروردگار است نه

راجی محرومست نه محرم مجرمست نه ؟مکرم والحمدلله اين نصوص قاطعه درجميع اقاليم

منتشر ودر نزد جميع دانايان مسلم حتی بنص صريح فرموده اند ياران ؟ آلهی بايد با

سائر طوائف وملل درنهايت مهربانی رفتار کنند جفارا بوفا مقابله نمايند وخطارا

بصواب

ص ٣٧٥

ستر کنند تيغ وشمشير را بشهد وشير مقابلی کنند وسم نقيع را بشربت بديع مکافات

فرمايند هردرديرا درمان باشند وهر زخميرا مرهم دل وجان دشمنانرا يار وياوری کنند

وعوانانرا غمخواری کنند وانتقامرا خونخواری ودرندگی شمرند سبحان الله ما سالک در

اين سبيل وخلق مشغول بچه بهتان عظيمه ولی اگر بيگانگان بکذب وبهتان پردازند تعجب

نبود عجب دراينست که بيگانگان حسن شهادت دهند ولی آشنايان بدخواه در نهايت شکايت

باری با وجود اين مااميدواريم که بنهايت تمکين تحمل اين جورعظيم نمائيم واز صراط

مستقيم مقدارجوی تجاوزننمائيم متوکل بر خدائيم ومتشبث بذيل کبرياء و دراين طوفان

بلا صابريم وشاکر و جان درکف گرفته بجان فشانی حاضريم واز برای کل رحمت و موهبت

طلبيم وعفو ومغفرت جوئيم رب ارحم الخطاة واعف عن الشنات ولا تاخذهم بالسيئات و

بدلها بالحسنات انک انت رب آلايات البينات وانک انت الرحمن الرحيم ع ع مقابله شد

هوالله

شيراز بواسطه حضرت افنان آقاميرزا حبيب الله ميرزاابوالقاسم

و جناب ميرزا سيد حسن افنان عليهما بهاءالله الابهی

هوالابهی

ای دونهال بوستان آلهی شکرکنيد خدارا که از شجره مبارکه انبات شديد

و برشحات سحاب عنايت در آغوش انتساب بشجرهء حقيقت نشو ونما مينمائيد

ص ٣٧٦

اين موهبت عظمی است واين عطيه کبری قدر آنرا بدانيد وبانچه لازم و واحب اين

نسبت است قيام نمائيد و عليکما البهاءالابهی ٢٠ ربع الثانی ١٣٣٩ حيفا

عبدالبهاء عباس مقابله شد

شيراز بواسطه بشير آلهی جناب آقاميرزا محمد حسين نويسنده عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب ٤٣١

ای مهتدی بنورهدی جناب آقامحمد حسن فی الحقيقه حيات معنوی و زندگی ابدی مبذول

داشت ازنفثات روح القدس استفاضه نمود و دردل وجان تو دميد وجدان گلشن رحمانی

شد و ضمير سرير مليک جليل گشت مقام اطمينان فوق ايمانست وحق اليقين فوق

علم اليقين حال چون از عين اليقين نوشيدی ازفيوضات نامتناهی آلهی

البته بحق اليقين خواهی رسيد تا در دو جهان مظهر الطاف بيپايان گردی وعليک

البهاءالابهی مقابله شد

هوالله

امة‌الله شيرين عليها بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط کاتب ٤٣٢ هوالله

ای شيرين حلاوت شهد وشکر صفرا افزايد و علل ايراث کند اما حلاوت جمال

آلهی روح بخشد وسبب فتوح گردد پس شيرينی دلنشينی در غرفات فردوس است

و حلاوت وملاحت نضره رحمن در وجهات انس وابهاء عليک ع ع مقابله شد

ص ٣٧٧

شيرازبواسطه بشيرآلهی سيرجان بواسطه جناب آقاسيد مهدی نيريزی حضرت آقا سيد

علی اکبر حفيد حضرت وحيد جليل مجيد عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب ٤٣٣

ای حفيدآن نورمبين الحمدلله با نسبت جسمانی زاده عنصر جان ودل آنشخص جليل

هستی ودليل براين اينکه بخدمت پرداختی وشمع آن بزرگواررا روشن نمودی ولمثلک

ينبغی هذا منتسبان آن بزرگوار در نزد عبدالبهاء عزيز ومقرب درگاه پروردگار

عين عنايت ناظربانانست والطاف بيمنتهی شامل حال هريک تاسی بانسرورابرارنمايد

شمع روشن شود وستاره درخشنده گردد وثابت نمايد که از عنصر پاک

آن کوکب تابناکست لهذا تا توانی پيروی آن نما ودر نشرنفحات آلهی بکوش

جميع احبا وياران واماءالرحمن را تحيت ابدع ابهی برسان و عليک البهاءالابهی

مقابله شد

شيراز بواسطه جناب آقامحمد حسن بلورفروش و بواسطه سلطان عبدالحسين خان برادر

زاده‌من ادرک لقاءربه فی مقعد صدق عند مليک مقتدر جناب آقا سيد ابوالقاسم خان

جناب آقاميرزا هدايت الله خان جناب آقاميرزا عبدالحسين بهمنی جناب آقاسيد

عبدالله خان جناب آقاميرزانصرالله خان افنان جناب آقاميرزافتح الله خان‌افنان

جناب استاد تقی نجارجناب آقا ميرزامحمد حسين جناب آقاميرزا عبدالحسين عندليب

ص ٣٧٨

جناب آقا علی آقای ناظر عليهم بهاءالله الابهی

هوالابهی

خط کاتب امضاءمبارک ٤٣٤

ای ثابتان ای راسخان در روز غوغا وضوضا که جمعی بدون بينه وبرهان هجوم

بمحل ثابت برپيمان نمودند شما بحمايت وصيانت پرداختيد وبتمام توکل درقلوب

مهاجمين خوف وخشيت انداختيداين جانفشانی بود وازقوت وصلابت ايمانی بيخردان

در کمينند تا فرصتی يابند ودست تطاول بگشايند وبظلم وعدوان پردازند اين سلاح

عاجزان است چون از قوت برهان بی نصيب گردند و در اقامه حجت عاجز

و ضعيف وگنگ ولال گردند دست تطاول بگشايند هميشه اين روش اهل بطلانست

ومسلک اهل طغيان اين آخرالدواءالکی شمرند ولی بخسران مبين افتند وضرر وزيان

شديد يابند اين تعرضات سبب ظهور آيات بينات واين اعتساف تمهيد مقدمات

وسبب انتباه غافلان وجستجوی طالبان گردد البته‌اگرآنی تفکری بنمايند ابداًتعرض

ننمايند بلکه ساکت وصامت گردند ودر حفره ظنون واوهام خزيده خودرا از پرتو شمس

حقيقت محروم ومحجوب نمايند وقتيکه شهناز آلهی منحصردر شيراز بود ستمکاران سبب

شدند که اين صيت عظيم باصفهان وطهران رسيد وچون بيشتر کوشيدند واذيت وجفا

کردند وسياست شديده روا داشتند بجميع صفحات ايران سرايت کرد نفوذ کلمة‌الله

ص ٣٧٩

در خراسان علم افراخت و چون باطفاءاين سراج کوشيدند وبقتل وغارت پرداختند

وخون مظلومان ريختند وسرها برنيزه نمودند مردان شهيد کردند اطفال‌اسيرنمودند

نساء را ذليل کردند ومانند دشت بلا صحرای کربلا بخونريزی مظلومان پرداختند

وباسارت صبيان ونسوان دست گشودند صيت امرالله بسائر بلدان در اطراف واکناف

عالم رسيد وچون کوشيدند که نور مبين ازايران نفی وسرگون گردد علم مبين در عراق

بلند شد وچون در عراق بنفاق پرداختند سبب شد که جمال قديم بشهرشهير نفی وتبعيد

شد وکوس اعظم ونقوس اکبر دراسلامبول کوبيده شد وچون از مرکز سلطنت عثمانيان

با نهايت ظلم و عدوان بروميلی ارسال نمودند آن اقليم نيز پرتو نورمبين يافت

و چون ازآنکشور بسجن اکبر نقل گرديد وقلعه ويران سجن محبوب امکان شد ونهايت

ذل وهوان حاصل گرديد صيت امرالله وصوت کلمة الله در ممالک اروپ وامريک

انتشار يافت زلزله در آفاق انداخت واهل نفاق خائب و خاسر گشتند

وهنوز دست بر نميدارند اين تهکم وتعرض سبب شد که ندای آلهی در جميع آفاق

بلند گرديد هنوز در خواب غفلتند وگمان ميکنند که اينحرکت مذبوحانه سبب قلع وقمع

اساس خداوند يگانه است هيهات هيهات جمال مبارک روحی له احبائه الفداء ميفرمايد

ص ٣٨٠

که اين جوش وخروش علمای جاهل برمنابر وفرياد ونعره‌های وادينا وامذهبا درمسالک و

معابرندای بامرالله‌است اين نفوس منادی حقند ولکن لايشعرون ذرهم فی خوضهم يلعبون

باری الحمدلله شما بانچه بايد وشايد قيام نموده ايد ومدافعه از هجوم يغما گران

فرموديد طوبی لکم من هذه المنقبة العظمی وعليکم البهاءالابهی عبدالبهاء عباس

١٢صفر ١٣٣٩ حيفا مقابله شد

٩ شيراز جناب آقا ميرزا فضل الله بنانی عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب امضاءمبارک ٤٣٥

ای بنده صادق آستان مقدس نامه اولرا جواب کافی مرقوم گرديد فی الحقيقه مضمون

مورث سروربود ودليل بر حظ موفوراميد چنانست که آهنگ وشهنازاحبای شيراز بملکوت

رازرسد ودربارگاه قدس ملاءاعلی را باهتزاز آرد وحال اين جواب نامه ثانيست آن نيز

بابرات ملفوف رسيد ازالطاف رب الاسعاف تمنا چنان که ابواب برکت بازشود ووسعت

رزق آشکار گردد وعليک البهاءالابهی ٩ شوال ١٣٣٧ عبدالبهاءعباس مقابله شد

٩ بواسطه جناب آقا ميرزاقابل زائر عليه بهاءالله الابهی

جناب ميرزافضل الله خان بنان عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب امضاءمبارک ٤٣٦

ای حضرت بنان حقا عضد يارانی وبازوی قوی ربانيان ايام لقا درخاطراست

همواره روی دلجويت دراين محضر حاضر هميشه بياد تو هستم که درنهايت تبتل بدرگاه

ص ٣٨١

حضرت احديت تضرع مينمودی وطلب عون وصون ازبارگاه رحمانيت ميفرمودی وبا

عبدالبهاء شب وروزانيس وجليس بودی ودرانجمن ياران نفسی نفيس الحمد لله ابواب

مفتوح وتائيدات ملکوت ابهی در نهايت شمول اميد وطيداست که آيت باهره

گردی وقوتی قاهره درهر دمی شميمی از جنت ابهی بمشام رسد ودرهرنفسی رشحاتی ازسحاب

عنايت بگلشن دل وجان ببارد وعليک البهاء الابهی ٦محرم ١٣٣١؟ عبدالبهاء عباس

مقابله شد

شيراز بواسطه جناب عندليب حديقه توحيد عليه بهاءالله جناب آقا محمد

صادق خباز عليه بهاءالله

هوالله

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٤٣٧

ای صادق موافق چه اسم مبارکی داری هرنفسی مظهر معنای اين اسم باشد يعنی صادق

گردد کوکب شارقست ونيربارق وسيف فارق صفتی محبوبتر ازاين نيست وطريقهء

مقبولتر ازاين کلمه نه بسا کلمه صدقی که سبب نجات ملتی شد وبسا شخص خسيس را کلمه

راستی عزيز ونفيس نمود و چه بسيار که شخص عزيز محترمی را يک کلمه کذب بکلی از

انظار ساقط کرد وازدرگاه احديت محروم نمود پس ای جان پاک پی صادقان گير وپيروی

راستان کن تا بصدق بمقعد؟ صدق رسی وبراستی بعزت ابديه فائز گردی جميع معاصی بيک

طرف و کذب بيک طرف بلکه سيئات کذب افزونتراست وضرش بيشترراست گووکفرگو بهترازآن

است

ص ٣٨٢

که کلمه ايمان برزبان رانی و دروغ گوئی اين بيان بجهت نصيحت من فی العالم است

شکر کن خدا را که تو سبب صدوراين نصيحت بجميع نوع انسان شدی هميشه ؟ قدس؟

مشغول گرد و ناس را بانچه سبب علو و سمو انسانست واز اخص فضائل و خصائل

اهل ايمان دلالت نما تا مربی نفوس گردی و هادی هر گمره پرقصور شوی اذن

حضور خواسته بودی اين ايام بسيار مشکل چه که بيگانگان در صدد اين آوارگانند

وهر روز کتابی تاليف نمايند واز هر قبيله افترائی بزنند وطبع ونشر نمايند و

آشنايان نيز ناقض پيمان درسر سر نهايت فساد را ميکنند ديگر معلومست با اين

دو مهاجم چه قدر کارمشکل است انشاءالله قدری سکون حاصل ميشود آنوقت شمارا

ميخواهيم حضرت عندليب را ازقبل من تحيت مالانهايه برسان که همواره بياد وذکر

ايشان مشغولم و عليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

شيراز جناب فضل الله خان بنانی عليه التحية والثناء

هوالله

خط کاتب امضاءمبارک ٤٣٨

ای ثابت برپيمان نامه آنجوان نورانی والفتی الرحمانی رسيد وبسيار مختصر ومفيد

بود تحارير بايد چنين باشد درالفاظ بايجاز پردازند ودرمعانی اعجاز نمايند جميع

يارانرا بدل و جان مشتاقم واز جشن عظيم در ايام رضوان مسرور وشادمان ولی

ص ٣٨٣

حکمترا ازدست مدهيد وپرده دری مفرمائيد هر چيز اعتدالش مرغوب تا سبب حقد و حسد

ديگران نگردد اما سه فقره عکس لوله اش وصول يافت ولکن عکسها مفقود معلومست که

عکسها را ربوده اند ولی ضررندارد انشاءالله سبب اعلاء کلمة الله است سرورکامکار

داد پرورآن ديار فی الحقيقه آن اقليم را سايه عدل بلد امين فرمودند احبا بايد

قدر امير جليل بدانند وستايش برزبان برانند واز خدا بخواهند که پايدار فرمايد

وباقی وبرقرار دارد اميدوارم که صيت دادپروری ايشان درمرور قرون واعصار ورد زبان

اخيار واحرار گردد واين خاندان ودودمان محترم ايشان در نزد ابرار پرقدر واحترام

در جميع قرون واعصار باشند و عليک البهاءالابهی ٣ شوال ١٣٣٧ عبدالبهاء عباس

بواسطه جناب بشير محفل خدام امرالله

هوالله

خط کاتب ٤٣٩

ای ياران روحانی درجهان محافل بسيار تشکيل شده محافل سياسی محافل تجاری محافل

صناعي محافل معارف محافل جغرافي محافل بري محافل دفن اموات غرباء محافل تغيش ؟

مسا کين وضعفاء وقس علی هذا ولی محفل روحانی نورانی ربانی مجمع احبا زيرا اين

نفوس بمعشوق حقيقت دل بسته واز قيود عالم فانی رسته واوضاع زاهدان ؟

درشکسته وبملاء اعلی پيوسته با جميع ملل ونحل ابواب صلح وآشتی گشوده و؟ ؟

ص ٣٨٤

انسانی بصدق و راستی بر خواسته وباخلاق رحمانی آراسته بقسميکه بيگانه را آشنا

شمرده واغيار را يار دانسته مقصودی جزخدمت بعموم عالميان ندارند وراز ونيازی جز

ترقی عالم انسان نخواهند تا توانند خويش وبيگانه را يار يگانه شمرند ودشمنرا

دوست ممتحن دانند يعنی عدوی تصورننمايند وبدخواهی بخاطر نيارند بجميع بشر بنهايت

محبت نظر کنند ولودر خطر افتند بجفا کار وفا نمايند اگر اذيتی بکنند ستمکار را

راحت ونعمت طلبند اگر باين موفق گرديد محفل رحمانيست ومجمع نورانی

وانجمن سبحانی اميدوارم که چنين باشيد وعليکم البهاءالابهی

اين پنجسطر واند عقب لوح ٤٣٩ خط مبارک است

ای بهائيان اين بابيان يعنی ازليها که خودرا بابی قح ميدانند مقاصد وعقائد

آنانراميدانيد قطع ريشه انسانست علی الخصوص شما زيرااساس‌اينفرقه خون خواريست

واساس شما مظلومی وعليمی وسليمی حتی خيرخواهی هردشمنی ونيکوئی با هراهرمنی ومحبت

با نوع انسانی هردين ومذهبی وصداقت با جميع بشر از هر آئين وملتی حضرت بهاءالله

خطاب بجميع ملل ونحل واديان ميفرمايد همه بار يک داريد وبرگ يک شاخسار ولی خود

رااز شرشيخ الملک ازلی حفظ نمائيد زيرا بينهايت خفيا درصدد تعرض است ع ع

مقابله شد

شيراز بواسطه بشيرآلهی جناب آقا ميرزا عيسی عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ص ٣٨٥

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٤٤٠

ايخادم محفل ملاقات نامه شمارسيد چون معلوم نمود؟ که درشيرازفوج وموج است اين

از خطاهای ؟ حجج غيربالغه وفتاوای آيات غيرباهره‌است ملاحظه کنيد که برسرايران چه

آوردند قومی را که چنين پيشوايان نادان وزمام امور جمهوربدست آنان بهترازاين

نخواهد شد وهنوزآرام نگرفته اند بازدر امور سياسی مداخله ميکنند تاايران رابکلی

بباد ندهند دست بر نميدارند شما بموجب عقل وفکر حرکت وروش نمائيد عربده بيفايده

چه ثمردارد مشغول بکار خود باشيد زيرا بتبتل ونشر تعاليم آلهی ايران را سود بی

پايان حصول دهد واز خسران وزيان برهاند محفل ملاقات بيارائيد وشب و روز بنشر

نفحات مشغول گرديد آن جمع محترم را از قبل من نهايت اشتياق و مهربانی و رضا

و خوشنودی ابلاغ داريد وعليک البهاءالابهی ع ع مقابله شد

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤٤١

ش جناب آقاميرزا علی محمد خان عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ايهاالحبيب الروحانی انی اخاطبک بلسانی واحبک بقلبی وجنانی واتضرع الی الملکوت

الربانی ان يويدک فی کل الشئون علی خدمة احبائه فيهذا العالم الامکانی فاستبشر

بهذاالدعاءالذی يتلوه عبدالبهاء بهذا الاثناء ليقربک ربک الی ملکوته الابهی و

عليک التحية والثناء ع ع

فارس شيراز بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه آقا ميرزابزرگ جناب آقا علی محمد

عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ص ٣٨٦

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤٤٢

ای بنده آستان مقدس آنچه نگاشتی ملاحظه گرديد وبر تفصيل اطلاع حاصل شد هفت وادی

يجهت سيروسلوک نازل شده وسير وسلوک بسيار محبوب اگر اهل فقر عبارت ازنفوسی باشند

که دراين وادی سلوک نمايند وباين اخلاق متخلق شوند روش راستان گيرند وسلوک

آزادگان جويند هرنام که عنوان گردد ضری ندارد درويش که از قلم اعلی تحرير يافت

معنيش فحوای رساله سلوکست وبسيار مقبول ولی جمعی الان دراينجهانند و بظاهر وباطن

سرگشته وپريشان ومهمل ومعطل وبار گران برسائرناس بصنعتی مشغول نشوند وبکار وکسبی

مالوف نگردند وخود را از آزادگان شمرند و حال آنکه ازبرای توت شمران و فواکه

توسرگان وموسم خرمای عربستان دويست فرسخ طی نمايند اينگونه نفوس مهمله البته مقبول

نه زيرا هر نفسی بايد کاری و کسبی و صنعتی پيش گيرد تااو بار ديگرانرا حمل نمايد

نه اينکه خود حمل ثقيل شود و مانند علت کابوس مستولی گردد باری سير و سلوک در

وادی عشق و محبت الله بسيار محبوب و ذکر حق مقبول واز شدت فرح و سرور غزلخوانی و

نغمه سرائی مطلوب و مادون آن اوهام و عيوب و عليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

هوالله

ای دوست حقيقی بعضی از دوستان که حال صفت درويشی را بهانه نموده اند در گوشه

و کنار و کوچه و بازار يرمز واشاره بستايش جمال قدم مشغول وبتشويق ناس مالوف

ص ٣٨٧

آخرلوح ٤٤٢ اين پنج سطر خط مبارک است

غزلخوانی نمايند ونغمه روحانی سرايند اين نفوس من بعد ترک اين وضع خواهند؟ نمود

ولی حال سبب تشويق ناسست کسی نبايد تعرض بانان کند ولی اگر چنانچه پرسه زنی کند

اين بسيار مذموم است و مخالف دين الله ومنافی استغنا وسبب ذل امرالله ع ع

مقابله شد

فارس شيراز بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه آقاميرزا بزرگ جناب آقا علی محمد

عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤٤٣

هوالله

ای سمی حضرت اعلی چون باين اسم مبارک تسميه گشتی بايد بهره ونصيبی ازفيض او جوئی

و مانند پروانه حول شمع روشن ملاءاعلی بال وپر سوزی آنسراج هدی جمال ابهيست ؟

که در ملاء اعلی ساطع برآفاق است حضرت اعلی روحی وذاتی له الفداء ملاحظه نما که

چگونه جان بان سراج وهاج باخت وعاشقانرا بجان فشانی وقربانی دلالت وهدايت فرمود

روحی و کينونتی وذاتی و حقيقتی وهويتی وسری وعلانيتی لقطرة من دمه المطهر الفداء

و عليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

بواسطه جناب بشير آلهی جناب ميرزا محمد علی منشی عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب ومهروامضاء مبارک ٤٤٤

هوالله

ای بنده درگاه بها نامه شمارسيد و ملاحظه گرديد و باستان مقدس جمال قدم واسم

اعظم عجز و زاری گرديد که تائيدی جديد رسد وشفای عاجل حاصل گردد ودلبر آرزو در

نهايت صباحت و ملاحت جلوه نمايد و عليک البهاءالابهی ع ع مقابله شد

ص ٣٨٨

رب ايد عبدک المنشی علی انشاء آيات حبک فی عالم الانشاء ع ع مقابله شد

٩ بمبای جناب آقا ميرزا علی محمد خان شيرازی عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٤٤٥

ای ثابت بر پيمان نامه شما رسيد واز مضمون معلوم گرديد که اينسفر باثمر بوده

زيرا نفسی از آزادگان هندوستان را از قيد احتجاب آزاد نمودی وسبب بينائی وشنوائی

و حيات ابديه او گرديدی حضرت رسول عليه الصلوة والسلام بحضرت امير عليه السلام

ميفرمايد يا علی لان يهدی الله بک نفساًخيرلک من خيرالنعم مقصود اينست اگر نفسی

را هدايت نمائی بهتراز آنست که نهايت ثروت ونعمت وغنا يابی حال الحمد الله توبان

فائز گرديدی واميدوارم که موفق بهدايت ديگران شوی نامه ئی در جواب سعيد الحسن

خان مرقوم گرديد در جوف است برسانيد و عليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

طهران بواسطه حضرت اديب جناب آقا ميرزا علی محمد شيرازی عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهرو امضاء مبارک ٤٤٦

هوالله

رب رب ترانی ان صلاتی ونسکی لک يا ملجئی وملاذی انی اتبهل اليک متضرعاً بعتبة

رحمانيتک ومتبتلاًالی ملکوت ربانيتک ان تشمل عبدک الصادق لحظات عين

عنايتک وتختصه برحمتک وتويده بموهبتک رب ضاق من الشدة ذرعاً واشتدت عليه الازمة

فقراً وابتلی بالضراء بعد السراء والضيق بعد الرخاء وليس له صبر

ص ٣٨٩

علی هذالبلاء فافتح عليه ابواب السماء وارزقه برحمتک من النعماء وبدل عسرباليسر

والغنا وارفع درجة بين الامرا واجعله آية موهبتک الکبری بين الوری حتی يحسده

القرنا؟ وينسر به الاقرباءانک انت المقتدر المعطی الکريم الوهاب ای يارمهربان

نامه های متعدده ارسال نمودی ولی فرصت جواب نشد از فقر منال وبتوانگری مبال

واز عسرت در معيشت محزون مباش واز تنگی دست دلخون گرد ايامت در ؟

گذراست وحياتيست بی اثر وثمر مگر نفوسيکه بنفس رحمان زنده گردند وقلوبيکه

بذکر حق مشغول شوند وحيات ابديه يابند وموهبت سرمديه جويند انصاف ربانی بينند

عواطف سبحانی مشاهده نمايند آيات هدی ترتيل نمايند تائيد ملاءاعلی ملاحظه

فرمايند اين نفوس بزرگوارند وبموهبت پروردگار باقی وبر قرار خواه غنی باشند

وخواه فقير خواه‌اسير باشند و خواه‌امير ولی در حق شما دعا نمودم تااين ضيق را

وسعتی واين تنگی را گشايشی حاصل گردد اميدوارم که ابواب برکت مفتوح شود ودل وجان

مسرور ومشروح شود و عليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

٩ بواسطه جناب آقا ميرزامحرم هندوستان جناب آقا ميرزا علی محمد شيرازی

عليه بهاءالله‌الابهی

هوالله

ص ٣٩٠

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٤٤٧

ای بنده حق نامه شما رسيد نامه مشکباربود که مشام جانرا معطر کرد زيرا دليل بر

عبوديت صرفه درگاه آلهی وبرهان روح وريحان جان و وجدان نسيم ؟ جانپرور حدائق

رحمانی بود مطمئن بالطاف حضرت بديع الاوصاف باش زيرا عنايتش شامل است والطافش

محيط برعالم آفرينش تاتوانی ازعالم نفس وهوی بيزار شو وبملاءاعلی دمساز وهمراز

گرد تااز فيوضات ملکوت ابهی نصيب بری وسبب هدايت جمی غفير گردی وعليک البهاء

الابهی ع ع مقابله شد

٩ بوشهر اداره گمرک جناب ميرزا علی محمد شيرازی عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٤٤٨

هوالله

ای بنده ثابت حق نامه که باقاسيد اسدالله مرقوم نموده بوديد ملاحظه گرديد آقاسيد

اسدالله بتبليغ ؟ رفته مطمئن بعنايات خاصه آلهيه باش وازوقايع حادثه محزون مگرد

اما مجلس فرض نيست مقصود خدمت بامرالله است وآن بحسن سلوک وگفتگوی شيرين و

مهربانی حقيقی بهترحاصل ميگردد واگر چنانچه احبا مجلس مينمايند بايد بسيار خفی

وپنهان باشد تا ضوضاءبلند نگردد زيراناس ضعيفند بايد مدارا کرد عبدالبهاء عباس

مقايله شد

بمبائی بواسطه جناب آقاميرزا علی محمد شيرازی زائر شيراز

جناب ميرزا يحيی خان و جناب آقا علی اکبر خياط عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ای دوبندهء‌آستان آلهی الطاف نامتناهی شامل گشت تا حامل‌امانت عظمای آلهی گرديديد

ص ٣٩١

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤٤٩

وآن محبت دلبر آفاق است فيضی در عالم وجود اعظم از حب نيست اينست آيت کبری اينست

امانت عظمی ولی چون شرائط و شواهد آن بسيار عظيمست لهذا جميع کائنات تحمل آن

نداشت واستعداد وقابليت ظهور آنرا نيافت لهذا ازحمل آن عاجز وقاصر بود اين موهبت

تخصيص بعالم انسان يافت اگر چنانچه بايد وشايد شرائط و شواهد در نفسی تحقق يابد

فتبارک‌الله احسن الخالقين ظاهروآشکار گردد وعليکماالبهاءالابهی ع ع مقابله شد

٩ بمبائی بواسطه جناب آقاميرزا علی محمد شيرازی زائرامة‌الله ضجيع محترمه ايشان

عليها بهاءالله الابهی

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٤٥٠

هوالله

ای امة الله قرين عزيز بارض مقدس حاضرگشت وبزيارت تربت مبارکه مشرف گرديد

دراين بقعه نوراء ذکر تونمود ورجای تحريراين نامه فرمود بايدازاو درنهايت رضايت

باشی که در چنين موقعی ارض مقدسی بياد وذکرتو افتاد ودر روضه مبارکه تمنای الطاف

از حضرت بديع الاوصاف نمود درعالم وجود محبت ورعايتی اعظم ازاين ممکن نه

وعليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

٩ بواسطه جناب ميرزا علی محمد خان شيرازی جناب سعيد الحسن خان

عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ص ٣٩٢

خط کاتب وامضاءمبارک

ای سعيد دوجهان شکرشکن شوند همه طوطيان هند زين قند پارسی که به بنگاله ميرود

حمد کن خدارا که تو ازآن طوطيان شکرشکن شدی واز مرغان خوش الحان اين گلزار

و چمن سبحان الله گوش شنوااز هزار فرسنگ ندای آلهی بشنود و درباختر چشم بينا

انوار مشرقه از خاور مشاهده نمايد ولی نابينا درنفس مشرق پرتواشراق نه بيند و

گوش ناشنوا در گلشن وفا نغمه بلبل معانی نشنود وآهنگ ملاءاعلی استماع ننمايد پس

حمد خدارا که نورهدی مشاهده نمودی وگلبانگ بلبل معانی استماع نمودی وندای الست

را بجان ودل بلی گفتی وباين موهبت کبری فائز گشتی از لطف خدا اميدم چنين است که

سراج هدی گردی وجمعی رااز خويش وبيگانه ويار واغيار بملکوت اسرار هدايت فرمائی

و يقين بدان که تائيد وتوفيق پياپی رسد و عليک البهاءالابهی ع ع مقابله شد

شيراز جناب آقاميرزا فضل الله خان بنان عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب وامضاء مبارک

هوالله

ای ثابت بر پيمان نامه شما رسيد هرچند مختصر بود ولی مخابرات قلوب مفصل است

پيک روحانی وقاصد وجدانی متصل در عبور ومرورالحمد لله که ياران شيرازبدرگاه

احديت پرعجزونياز؟ وبايکديگر محرم ودمسازازاينجهت هيچ خبرمکدری ازآن کشورنميرسد

واحساسات قلوب بايد روز بروز کاشف کروب گردد در جميع اوقات حکمترا منظور

ص ٣٩٣

بداريد زيرا غزالان بروحدت را کلابی در کمينند که بلکه فرصتی يابند ودست تطاول

بگشايند اميدم چنانست که ياران در صون حمايت رحمن محفوظ ومصون مانند مدتی پيش

نامه ازشما رسيد وجواب مرقوم گرديد ووصول هديه نگاشته شد حال نيز آنچه ارسال

نموده بوديد وصول يافت و عليک البهاء الابهی ١٩ سبتمبر١٩٢٠ حيفا عبدالبهاء عباس

هوالله

جناب آقا محمد باقر کوهنجانی عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٤٥٣؟

هوالله

ای مشتعل باتش محبت الله شعله ئی در آن مجمر زن تابوی خوش عود وعنبر مشام

سکان آن کشور را معطر نمايد شب وروز در تهذيب اخلاق و تقديس نفوس اهل وفاق

ونصيحت معشرآفاق و تثبيت ميثاق بکوش تاازسروش ملکوت غيب ابهی ندای وابشری

يابشری شنوی وچنان بجوش وخروش آئی که خروس سحری گردی وبانگ حی علی الصلاح

حی علی الفلاح حی علی النجاح درصباح ميثاق برآری والبهاء عليک وعلی احباءالله

ع ع

لوح امنع اقدس ذيل که ظاهراًدر ايام توقف حضرت مولی الوری عبدالبهاء روح ماسواه

فداه در قطر مصر بافتخار احباءفارس نازل گرديده وبحکمت بالغه در آن ايام ارسال

وعنايت نگرديده ونا تمام هم هست در اين اواخر دربين اوراق و نوشته جات

ص ٣٩٤

مبارک پيدا شده وتوسط حضرت بشير آلهی عليه بهاءالله ايفاد شيراز گرديده است و

اينک عيناًطبع وانتشار مييابد

محفل روحانی شيراز

شيراز بواسطه جناب قاسمعلی فاروقی احبای آلهی عموماً عليهم بهاءالله الابهی

خط کاتب ٤٥٤

هوالله

ای ياران عزيز عبدالبهاء جناب فاروقی بعد از زيارت عتبه مقدسه و طواف

مطاف ملاء اعلی ذهاباًواياباًوارد بر عبدالبهاء شد وايامی چند مونس وانيس بود

درنهايت تبتل بملکوت ابهی وتضرع بملاءاعلی بود وياران آلهی را يک يک بخاطر

آورد وبا دلی پر درد جميعرا فرداًفرداًنامه مخصوص مطالبه کرد وبا چشمی اشکبار

اصرار نمود ولی عبدالبهاء را نه دمی سکون ونه آنی قرار وفرصتی ابداًدرکارندارد

اگراوقات خويشرا بجزءلايتجزی تقسيم نمايد وهرجوئی را بمخاطبه ومکاتبه گروهی تخصيص

کند بازازعهده برنيايد الحمد لله بهائيان درشرق و غرب مانند دريا موج زنند اقلاً

ده فوج کاتب لازم تا تواند جواب رسائل ايشانرا کما هو حقه بنگارد دراينصورت

خواهش هرزائر را بتمامه مجری داشتن ازقبيل ممتنعاتست لهذا شرمسارم وبخجلت و حيا

گرفتار که بچه زبان بجناب فاروقی بيان اعتذارکنم چاره ئی جزاين نديدمم که يک

نامه مفصل بجميع

ص ٣٩٥

ياران نگارم تااين نامه را نسخ متعدده نموده بهريک ازياران نسخه ئی تقديم نمايند

چاره اکنون آب وروغن کردنست مثلی است مشهورالقليل بدل علی الکثير والقطرة تدل؟

علی الغدير باری دراين ايام که نارموقده‌الهيه شعله بافاق زده وپرتو اشراق شرق و

غربرا روشن نموده ونفوذ کلمة‌الله ذوی العقول را حيران کرده وامرالله احاطه کبری

يافته وخوف وخطری نمانده مدعيان فرصت يافته ومردميدان گشته خواموشان زاويه نسيان

و خفاشان خائف هراسان که برروس منابردراصفهان وطهران تبری از حضرت اعلی روحی له

الفدا ءنمودند بيرون دويده اند وادعای اصالت مينمايند وبيخبرانی چند را خفياً

اقناع نموده‌اند وبالقاءشبهات پرداختند درسرسرپاپی اين وآنند که هر يکرا بوسيله

ئی ازصراط مستقيم بگردانند ويا اذيتی برسانند رئيس قوم را جميع آشنا وبيگانه می

دانند که درايام خطر بلباس درويشی بهربوم وبر سفر ميکرد ودرهر رهگذر کشکول بدست

شيئأ لله ميگفت وقتيکه حکايت صادق وناصرالدين شاه شد جميع احبابرا در تحت شمشير

و زنجير دربلوک نور گذاشت و خود فوراً؟ فراربمازندران و گيلان نمود و رشته بر

سربست وپوست درويشی در بر ونام خويش را؟ علی نهاد ودر کوه و دشت سرگردان بود

تا آنکه جمال قدم نفی وسرگون بعراق عرب گرديد او نيزازپی ببغداد بپناه مبارک

سفرکرد ولی مخفی و خائف از جميع بشر پس جمال مبارک سفر

ص ٣٩٦

بکردستان فرمودند و در ايام غيبوبت اسم اعظم جميع ياران عراق وايران ازقدمای

احباب ميدانند که گاهی در صفحات سوق الشيوخ وبصره بلباس تبديل سفر مينمود ونام

او حاجی علی بود و دسته از کفشهای عرب در دست داشت ومشهور بحاجی علی کفش فروش

گرديد بعد بنجف شتافت و در آنجا لاص خريد و بلاص فروش مشهور گشت حتی

بلباس عرب بود واسم ايرانی را از خود سلب نمود وبکلی در آن دوسال غيبوبت جمال

مبارک نام ونشانی از امر نماند و بعد از شهادت حضرت اعلی و غيبت حضرت مقصود

آن غير حصور همتی مشکور نمود که حتی غيور بغدادی مشهور از آن عمل منفور بود

و آن اينست که بعد از شهادت کبری ازدواج بحرم حضرت اعلی ام المومنين که بصريح

بيان حرام بر جميع است نمود و چون مطبوع طبع نيافتاد کفايت باين تحقير نگشت

بلکه آن محترمه يعنی خواهرملا رجبعلی حرم حضرت اعلی بسيد محمد اصفهانی احسان شد

اين بود همت و اقتدار و قوت و اشتهار او که شب و روز بتعدد زوجات

اشتغال گرديد حتی خواهر حرم خويش مسمی برقيه خانم ازمازندران طلب شد و باو نيز

ازدواج گرديد و جمع بين الاختين شد و خواهر ميرزا نصرالله تفرشی

نيز بعقد و نکاح آمد و والده ميرزا احمد نيز زوجه مشروعه بود و به بنت

ص ٣٩٧

عربی نيز اقتران حاصل گشت و تجاوز از نص صريح بيان گرديد اين تزوجات

متعدده بغداد است ما عدای زوجات طهران و مازندران اگر تحقيق شود اين بيت

واضح و مشهور گردد آفتی بود آن شکارافکن کزين صحرا گذشت ما شرح وبسط دراينخصوص

ننمائيم مقصود اينست که سيد حصور اجرای چنين امور مخالف نص قاطع رب غفور فرمود

وشب وروز باين امر موهوم مشغول بود يالله دراين مدت چه نصرتی شد وچه خدمتی بامر

حضرت اعلی گشت آيا يکنفس هست که بگويد او مرا تبليغ نمود ياآنکه در مدت چهل ؟سال

در قبرس توانست که نفسی را هدايت نمايد بلکه از تربيت اطفال خويش نيز عاجز ماند

ديگر آيا عچزی اعظم از اين ميشود يدعون من دون الله مالا ينفعهم ومالا يضرهم

لبئس المولی ولباس العشير؟ جمال مبارک وقيکه ازکردستان مراجعت فرمودند درايران

ياران عدتی معدود بودند و عراق منجمد و مخمود نه صدائی نه ندائی واگر نفسی در

اطراف بود درنهايت ياس و خوف و حذر بود ولی اسم اعظم محض ورود ببغداد در را

گشودند و صلای عمومی زدند و ندای آلهی بلند شد وصيت امرالله در اطراف منتشر گشت

روساء وعلمای جميع ملل شب و روز در محضر حاضر وسئوال و جواب مستمر و جميع بقناعت

از جواب معترف تا کار بجائی رسيد که خوف وهراس ناصرالدين شاه را بيصبر وقرارنمود

و بجميع وسائل

ص ٣٩٨

تشبث کرد وبخط خويش بسلطان عبدالعزيز نامه نوشت ورجای نفی جمال مبارک از بغداد

کرد که‌ايران درخطراست وحکومت پرغدر؟ وعاقبت ضرربهردودولت رسداين بود که فرمان

عبدالعزيز وارد وقراربرسفر جمال مبارک گرديد باوجودآنکه مسئله نفی وسرگون بود

ولی درنهايت اقتدار بباغ نجيب پاشا نقل مکان فرمودند ودوازده روز درآنجا بقسمی

امرالله‌اعتلايافت ووالی نامق پاشا وجميع ارکان اردو وولايت وعلمای مملکت ووجهای

ملت شب وروز بزيارت ميامدند ومشرف ميشدند و حال آنکه بظاهر سرگونی بود ولی از

نفوذ امرالله درآن ايام معدوده وعلو کلمة‌الله وانتشار نفحات الله آن ايام چنان

بسرور و حبور گذشت که عيد رضوان شد وبکمال اقتدار حرکت فرمودند و جميع خلق عراق

گواه و شاهدند اما حضرت حصوربالباس درويشی باظاهرنامی عرب گاهی سفرهند خواستند

و گاهی مسافرت بممالک مصرانديشه نمودند نهايت خبر فرستادند که من بعدازرفتن شما

خائفم لهذا پيش از شما بموصل شتابم ودر آنجا منتظرهستم وچون در آن اوقات شهرت

داشت که جمال مبارک وجميع احبا را در کرکوک که ميانه بغداد وموصل است ونزديکی

حدود عجم تسليم بدولت ايران خواهند نمود لهذا شخص معلوم ميفرمود که من در موصل

بشما ملحق خواهم شد زيرا ملاحظه مينمود که هرواقعه ئی واقع شود پيش‌ازموصل واقع

ص ٣٩٩

خواهد شد باری چون بموصل رسيديم ودر کناردجله سراپرده بلند شد وبزرگان موصل از

مامورين وغيره دسته دسته بحضور مبارک مشرف ميشدند همه شب ظاهر عرب

مذکورآمد که جناب معلوم درخانی بيرون شهر منزل وماوی دارد وبايکی ملاقات خواهد

جناب ميرزاموسای عمو نيم شب رفتند واورا ملاقات کردند سئوال ازاهل و عيال خويش

کرد گفتند که همراهند وخيمه ئی مخصوص آنها گرديده اگر ميل داريد بيائيد گفت

من ابداً مصلحت خويشرا در اين نمی بينم ولی قافله ئی موجود که با شما حرکت

خواهد کرد من در ميان آن قافله هستم تا آنکه بديار بکر رسيد و بر همين منوال

رشته سياهی درسر و کشکولی در دست ودر ميان قافله معاشر ومجالس ترک وعرب بود

چون بديار بکر رسيديم خبر فرستاد که من شبها نزد متعلقين خويش خوام آمد وصبح باز

مراجعت بقافله نمايم آن نيز مجری شد و چون حاجی سيد محمد اورا ميشناخت ديده

ودريافت و بعنوانيکه اين درويشی است ايرانی وآشنای منست ملاقات نمود ولی ساير

احباب چون اورا نديده بودند اول نشناختند تاآنکه درميان اووسيد محمد نزاعی حاصل

گشت و جناب حصور درحضوراحبا که الان هستند آمد وشکايت ازسيد محمد نمود چون سيد

محمد حضوريافت عرض کرد در مسئله ئی ميان من واواختلافست اوميگويد که مرات هميشه

ص ٤٠٠

روشنست من ميگويم ميشود که مرات محتجب از شمس گردد تا مقابل است روشن است

و چون منحرف گردد تاريک شود بعد جمال مبارک سيد محمد را زجر فرمودند که چرا نزاع

و جدال ميکنی و دراين خيل ابرار منازعه برپا مينمائی بعد در کمال اقتدار موکب

رحمانی وارد مقر سريرسلطانی گرديد درنهايت استغناء حرکت شد اسم اعظم ابدا بوزراء

و وکلاء ملاقات نفرمودند واعتنائی نکردند مقابله شد

هوالله

حيفا جناب آقا ميرزا حيدرعلی عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٤٥٥

هوالله

ای يارمهربان حضرات فارسيان وفاروقی عازم سمت مقصودند تا روی وموی

بتراب تربت پاک معطر نمايند در حق ايشان رعايت ومحبت طبيعی مجری خواهيد

فرمود ولی اقامت زياد لزوم ندارد زيرا بايد مراجعت نمايند جناب آقا محمد حسن

وسائر احباب را تحيت مشتاقانه برسانيد وعليکم البهاءالابهی ع ع مقابله شد

شيراز بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا سيد حسين

جناب قاسمعلی فاروقی عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤٥٦

ای فاروقی الحمد لله حقراازباطل فاروقی ودربوستان محبت الله نخلی باسق ودر محفل

محبت الله شمعی بارق لهذا همواره پيش منی وبزبارت آستان مقدس فی الحقيقه فائزی

زيرا

ص ٤٠١

جان و دلت دراينجاست روحت در پرواز وهيشه درسوز وگدازطوبی لک من هذه‌الحالة التی

يختص بها من يشاء رب السموات العلی و عليک البهاءالابهی ع ع مقابله شد

واشنگتن جناب مستر ريمی عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب امضاء مبارک ٤٥٧

ای جوان نورانی و عزيز روحانی من نامه تورسيد واز قرائتش چنان مسرتی حاصل شد

که وصف نتوانم زيرا دليل بر علو فطرت و قوت همت وخلوص نيت تو است عبدالبهاء

را سرور باينگونه اموراست اگر جميع لذائذ جسمانی جمع شود بخاطر عبدالبهاء خطور

ننمايد که راحت ولذتی در جهان هست ولی چون نفحه مشکباری از گلشن قلوب ياران

بمشام برسد چنان فرحی دست دهد که بی اختيار بشکرانه جمال مبارک پردازد که چنين

بندگانی تربيت فرموده است باری ازنامه شما بينهايت مسرورم اينفکرشما بسيار موافق

اميدوارم که يک اهتزاز جديدی در قلوب احبا حاصل گردد وثبوت واستقامتی عظيم حصول

يابد وسبب هدايت ديگران شود پس با قوتی رحمانی و عزم واراده ئی آسمانی ولسانی

ناطق وقلبی سرشاراز محبت الله الواحرا بدست گير وبجميع ديارسفرکن حتی بجزائر

هونولولودر جميع شهرهای امريک سفر نما و جميعرا برثبوت برميثاق بخوان وجميعرا از

باده ميثاق سرمست کن وبنشرنفحات الله دلالت نما فرياد يابهاءالابهی بلند کن و

نعره ياعلی الاعلی بزن

ص ٤٠٢

بزن ويارانرا بيدارکن که امتحانی عنقريب بميان آيد شايد نفوسی ظاهرثابت وباطن

مذبذب بانصفحات رود تا يارانرا درميثاق آلهی سست کند بيدارباشند هوشيارياشند

بمجرد اثرنقض کناره گيرند شب وروز بکوشند تا انوار ملکوت ابهی جهانگير گردد و

ظلمات ضلالت بکلی زائل شود جميعرا تحيت ابدع ابهاابلاغ دار علی الخصوص امة‌الله

مسس پارسنز وامة‌الله مسس ديکسن وامة‌الله مس بنن وامة‌الله مسس هنی وساير احبای

آلهی واماء رحمن را و عليک البهاء الابهی عبدالبهاء عباس مقابله شد

؟ ؟ ؟

بواسطه جناب قابل فاروق جناب آقا قاسم وجناب آقامنصور عليهما بهاءالله الابهی

خط کاتب مهروامضاء مبارک ٤٥٨

هوالله

ای دوبنده باوفای جمال ابهی مدتی بود که ازفاروق ---------- مشاهد نشده

بود تادراين ايام يکی ازياران ستايشی از دوستان آنسامان نمود سبب سرور وحبور گشت

و صدور اين نامه مشکور واميد است که رق منشور گردد يعنی آن دوبنده پروردگار را

عنوان انجذاب شود وسبب قيام بر خدمت امرالله ايام مانند اوهام ميگذرد وحيات

کل نفوس ساقط النتيجه ميشود ملاحظه کنيد که هيچيک ازملوک ومملوک را نتيجه حيات

سطراول لوح مبارک ٤٥٨ جائی که خط کشيده شده اصل لوح يک دو کلمه همين جا محوبود

که معلوم نبود چه بوده نوشته نشد

ص ٤٠٣

باقی لاولله مگر نفوسيکه درظل ملک الملوک درآيند و دامن بالايش اين جهان فانی

نيالايند و درسايه اميد بياسايند محفل محبت الله بيارايند وسرمست صهبای معرفت

الله گردند و در نشر نفحات الله کوشند وباعلاء کلمة‌الله پردازند اين نفوس از

حيات خويش بهره ونصيب گيرند ونتيجه تحصيل نمايند آثارباهره در ملک وملکوت

بگذارند وبحيات ابديه سرمديه موفق ومويد شوند پس ای ياران عزيزمياسائيد ونيارميد

تا آنکه يک شعله نورانيه بزنيد وروح بان کشور واقليم ببخشيد تا علم مبين خافق

گردد ونور بديع بارق وشارق شود وعليکما التحية والثناء ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش حضرت افنان سدره منتهی جناب آقا سيد حسين عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٤٥٩

هوالابهی

ايها الفرع الرفيع من السدرة‌الرحمانيه جناب آقا سيد هادی امنا وسالماًواصل ودرظل

آستان مقدس مستريح ومرتاح وفائز از فضل حضرت يزدان اميد است که توقيفات ؟

بر خدمت امرالله يابند اليوم افنان بايد بجان و دل بکوشند و شب و روز

در تبتل وتضرع آيند که شايد تخم پاکی دراين مزرعه عالم بپاشند تا بفيوضات

ابر بهمن ملکوت ذوالمنن آن خطه و ديار سبز و خرم گردد رب ايد افنان سدرة

ص ٤٠٤

فردانيتک علی نشر نفحاتک و عبوق طيب فوحاتک وسطوع مسک جذباتک

و شروق انوار برکاتک وبزوغ کواکب مواهبک وحصول ابصاق الملاء

الادنی بصور ملکوتک الابهی انک انت المويد والموفق والمعطی الکريم الرحيم

ع ع مقابله شد

هوالله

حضرت افنان جناب آقاسيد حسين عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٤٦٠

هوالله

حضرت آقا سيد هادی در ظل عنايت جمال مبارک مستريح واز هر غائله فارغ ومطمئن دعا

در حق اونمائيد که بخدمت موفق گردد ويوماًفيوماًدر مراتب عبوديت ترقی نمايد وما

بترتبيت او مشغول وآنجناب بايد در جميع احوال ملاحظه خدمات امرالله را بنمائيد

احبای آلهی را بسيار مراعات وملاحظه فرمائيد علی الخصوص جناب عندليب را که در

آن ارض غريب است اليوم بايد افنان سدره منتهی بخدمت امر مشغول گردند و خدمت

امر در خدمت احباءالله است اين عبد بذاته و روحه وقلبه و جسده وقلمه ولسانه

بخدمت احبای آلهی مشغول ع ع

والده جناب آقا ميرزاهادی را تکبير ابدع ابهی ابلاغ فرمائيد وهمچنين سائر

دوستانرا وجميع ورقات را واز عدم فرصت بسرعت دو کلمه مرقوم گرديد ع ع مقابله شد

ص ٤٠٥

هوالابهی

حضرت افنان جناب آقاسيد حسين عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٤٦١

هوالابهی

ايها الفرع المنجذب الی الاصل الکريم اگر چه اين مصيبت شديده

بود وبليه عظيمه در قلوب مشتاقان آتشی بود سوزان واندوهی فراوان علی الخصوص چون

بمصيبتی اعظمتر توام گشت وبحسرتی تازه منضم عبرات و زقرات و حسرات بمقامی تتابع

يافت که قلوب در سکرات افتاد بحر احزان هيجان نمود وانهار غم بی پايان جريان

يافت چشم حکم چشمه گرفت و جگر کانون اخگر ولی چون شمس حقيقت در سماء تقديس

صعود نمود و نير اعظم بملكوت تفريد عروج اين نجوم زاهره نيز بصعود آن اوج مقامات

باهره منجذبند واين اختران بافق ملکوت آسمان منعطف اجزاء متمايل مرکز کلند

و بلبلان مشتاق لقای جمال گل بعد از صعود جمال قدم ممات حياتست وفنا حقيقت بقا

زندگانی اين حيات فانی هبوطست و هراميدی وسيله اعظم قنوط اين عباد

که بحسب ظاهر باقی چه ثمره و چه فائده و چه نتيجه فتمنواالموت ان کنتم صادقين

حکمش يتمامه آلان نافذ ومجری والبهاء عليکم ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش حضرت افنان سدره منتهی جناب آقا سيد حسين افنان عليه بهاءالله الابهی ملاحظه

نمايند

هوالابهی

ص ٤٠٦

خط مبارک ٤٦٢

ايهاالفرع الرفيع من السدرة‌الربانيه درشب و روز وصباح ومساء بلکه درظلمات ليال

و اوساط نهار بدرگاه احديت بنهايت تضرع و ابتهال التماس مينمايم که خدايا اين

نفوس افنان سدره رحمانيت وفروع شجره فردانيت هستند خدايا بنسائم جود ورحمتت و

نفحات تقديس و موهبت وفيض سحاب لطف و مکرمتت و حرارت آفتاب عنايتت سبز و خرم

فرما ولکن هرموهبتی رااز قوه جاذبه و هر عنايتی را قوه طالبه واجب مغاطيس مواهب

آلهيه دراين ايام اشتغال بنشر نفحات است قسم بجمال قدم که جسم تيره خاک نور پاک

گردد و ظلمت شديد شعاع مبين شود عبدالبهاء ع مقابله شد

هوالله

ش حضرت افنان سدره رحمانی جناب آقا ميرزا سيد حسين عليه بهاءالله الابهی ملاحظه

نمايند هوالله

خط مبارک ٤٦٣

ايهاالفرع الرفيع من السدرة‌الالهيه چنديست که نظر بحکمت کليه ابواب مکاتبه را

باکل جهات مقطوع نموده بوديم حال جناب آقاميرزاهادی حاضر وخواهش تحرير اين نامه

نمود لهذا مجبوراًمرقوم ميگردد جميع دوستانرا تکبير ابدع ابهی ابلاغ فرمائيد وکل

را مشام بنفحات آلهيه معطرنمائيد وبگوئيد ای ياران آلهی و دوستان معنوی وقت ثبوت

ورسوخ برعهد وپيمان آلهی است وهنگام تمسک وتشبث بحبل متين ميثاق رحمانی

ص ٤٠٧

چه که جنود شبهات است که منتشر در جميع جهات است وناقضين سری در القای توهمات

واليوم حامی ميثاق نفس مبارک اسم اعظمست که از ملکوت غيب ابهايش بجنود لن تروها

قاصم ظهور متزلزلين است هرمتزلزلی يوماًفيوماًباسفل جحيم سرنگون وهرثابتی مويد

بقبيل ملائکه حی قيوم يک متزلزل سری درآن بلد موجود عنقريب خويشرا در خسران مبين

خواهد يافت وهذا وعد غير مکذوب مگر آنکه نادم و پشيمان گردد وتوبه نمايد باری

اليوم ملاءاعلی حامی ثابتين است و جنود غضب جبروت اسمی قاطع ؟ وقامع متزلزلين

عنقريب کل اين نفوس رااز جميع جهات خائب و خاسر مشاهده خواهيد نمود والبهاء علی

کل ثابت علی عهد الله وميثاقه العظيم ع ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٤٦٤

ايهاالفرع المنشعب من السدرة المبارکه عليک بهاءالله ونوره وضيائه ونور وجهک

بنضرة الرحمن فی قطب الامکان انه علی کل شئی قدير جناب ميرزا هادی مدتی بود

در ظل سدره رحمانيه ساکن وتحت لحاظ عنايت واقع و بکتابت آثار آلهيه مشغول

و حرکت و سلوکش معقول و مقبول حال از ساحت مقر ومستقر عرش اعظم مرخص شده

بانصفحات رجوع مينمايد ما از او راضی و خوشنوديم از الطاف عنايت آلهيه

مستدعی هستيم که اورا موفق برضای خود در جميع احيان نمايد و در کهف صون

ص ٤٠٨

و حمايتش حفظ فرمايد انه لطيف حفيظ ای افنان دوحه بقا وشاخه های سدره منتهی زبان

بدعا بگشائيد و عجز وابتهال نمائيد واز ملکوت ابهی استمداد طلبيد و عون و توفيق

جوئيد که فيوضات شمس حقيقت در جميع احيان نازل گردد وامطار غمام عنايت هاطل و

باغبان آلهی تربيت فرمايد تا اين فروع بهره ئی از الطاف اصول برد ونصيبی از شئون

شجره مبارکه يابد وآيتی از نير اعظم گردد از اينجهان فانی بايد منقطع شد بلکه

منخلع گشت تا جهان آلهی رخ بگشايد وازاين سراب وهمی چشم بايد پوشيد تاشراب معنوی

از خمخانه آلهی بنوشاند حضرت اعلی روح ماسواه فداه ميفرمايد لوتجعل الارض ومن

عليها فی ظلک فانک اذاً قد وفيت بعهدی والا ذلک لاينبغی لله ربک و رب آبائک

الاولين رب وفق هذا الافنون الکريم المنشعب من شجرة وحدانيتک علی رضائک

فی جميع الشئون و الاحوال انک انت الکريم العظيم المتعال ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش حضرت افنان جناب آقاسيد حسين عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٤٦٥

هوالابهی

ايهاالفرع الکريم من الشجرة‌المبارکه دراينجهان فابی ملجاء ومامنی مجو ودر اين

خاکدان ترابی ملاذ ومسکنی مخواه اگر طير فردوس بقائی جز در حدائق آلهی آشيانه

منما واگر حمامه

ص ٤٠٩

رياض قدسی جز در گلشن رحمانی لانه مجو در سبيل جمال قدم روحی لاحبائه فدا خار

مغيلانرا بستر پرند وپرنيان کن و در راه خدا سجن اعظم را گلزار نسرين وسوسن بدان

ثقل حديد را موهبت تائيد ببين و زنجير وشمشير را رحمت رب قدير ملاحظه نما زهر

هلاهل را شهد فائق بدان وسم قاتل را ثمر نخل باسق ببين ای منتسب آن نورمبين

ملاحظه فرما که آنجمال اعلی بچه مصائب وبلا گذراند هرمشقت ومصيبت واسارت ومسجونی

وشهادت را درمحبت حق بجان ودل قبول فرمود والبهاء عليک ع ع مقابله شد

هوالله

خط ومهر مبارک ٤٦٦

حضرت افنان کار جناب حاجی ميرزا حسن عليه بهاءالله بطول انجاميد البته زود اتمام

نمائيد و حضرت را حرکت دهيد منتسبين مقربترين درگاه احديت در نزد اين عبد بسيار

عزيزند البته کمال احترام ورعايت مجری خواهد شد مطمئن باشيد و عليک البهاء ع ع

هوالله

خط مبارک ٤٦٧

ای ثابت برپيمان حضرت يزدان مدتيست که نامه مرقوم نگرديد ومکتوبی ارسال نگشت

اين از کثرت احزان و مشقت بيپايان و هجوم ستمکاران و ايذا و اذيت بی وفايانست

که فرصت نميدهند که کلمه نگاشته شود ولی مکاتبی که نهايت لزوم را پيدا کند

ص ٤١٠

بهر قسم هست نوشته ميشود مقصود اينست که آنحضرت هميشه در نظريد ولودرمکاتبه فتور

واقع گردد از عون و عنايت جمال احديت متوقعم که در کل احيان در صون حمايت يزدان

محفوظ باشيد و ورقه مبارکه امة الله والده آقا ميرزا هادی را تکبير برسانيد ع ع

مقابله شد

ش حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا ميرزا حسين عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

خط مبارک ٤٦٨

ايها الفرع المجيد من السدرة‌المبارکه اتضرع وابتهل الی الملکوت الابهی والجبروت

الاعلی ان يجعلک منقطعاًعما سوی الله و يهيا لک من امرک رشدا ويجعلک کقبته نار

ملتهبة؟ بحرارة محبت الله حتی تنفق روحک و جسمک و مالک و عليک فی سبيل الله

آلهی هذا فنن من افنان سدرة رحمانيتک فاجعله خضراً نضراريانا بفيض واهل الانقطاع

عن دونک والابتهال اليک والاشتعال بنار شجرة وحدانيتک ايرب اجعله بکليه ؟ ؟

و مشغوفا بحبک و متذکراًبذکرک و منقطعاً عن دونک و مستغثيا ببابک ولانداء

بجنابک انک انت المقتدر العزيز القيوم اليوم اعظم امور اتحاد واتفاق احبای

الهيست بهر وسيله باشد کل بايد در جميع احوال متحد گردند ع ع مقابله شد

هوالله

ش حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا سيد حسين عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

ص ٤١١

خط مبارک ٤٦٩

ايهاالفرع الرفيع من السدرة‌الرحمانيه تالله الحق ان حوريات القدس فی غرفات

الفردوس اخرجن رئوسهن من الحجرات وصدحن کالطيور بمزاميرآل داود وقلين ؟البشروا

ايهاالروحانيون واستبشرواايهاالربانيون افرحواايهاالنورانيون سرواايهاالثابتون

الراسخون بنصرة ربکم‌الرحمن ونزول جنود موليکم ؟الحی القيوم من ملکوته الابهی و

جبروته الاسنی تالله قد خرقت الصفوف وارغمت الانوف وتشتت شمل الاحزاب ؟ وتفرق

جمع ملل آفاق ونتبت الاباهر فی جناح العقاب ونسل ريش ؟ الغراب واشتدت الريح

الذارته علی البعوض والذباب قد سطع النور وانکشف ظلام الديجور

ودارت کاس مزاجها کافور وظهرت آيات يوم النشور وانتشرت اجنحة‌النسور

وفتحت ابواب السرور والثابتون فيما اشتهت انفسهم خالدون ويشکرون ربهم

بما آتاهم وهم فی جنة الخلد داخلون ومن نغمات ورقاء الاحدية يستبشرون

ونعمة ربهم يتلذذون ع ع

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا حسين عليه بهاءالله

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٤٧٠

هوالله

ايهاالفرع الرفيع من السدرة‌الرحمانية مدتيست اين خامه بانحضرت نامه ننگاشته

سبب عدم فرصت ومهلت بوده والاهمواره مرا آرزو چنانست که درهر روز بافنان

ص ٤١٢

سدره مبارکه طوماری بنگارم وبيادشان مشغول ومالوف گردم وهرچند بظاهر بخامه ومداد

نپردازم ولی در قلب وفواد بياد شما همدم وهمرازم آنی فراموش نکنم ودمی نياسايم

از خدا ميطلبم که جميع افنان سدره مبارکه را با عبدالبهاء در عبوديت آستان جليل

رفيع شريک وسهيم فرمايد تا کل بجان ودل خدمت نمائيم و عبادت کنيم راه عبوديت

پوئيم و رضای حق جوئيم وسر حقيقت گوئيم ان ربی يهدی من يشاء علی مايشاء وانه

لهوالقوی القدير در خصوص خانه که لانه وآشيانه حضرت الفرع المقدس الشهيد خال

جليل جناب آقا سيد علی روحی له الفداء مرقوم نموده بوديد آنخانه لانه حمامه قدس

بود و مجاور مسقط راس نيرملاءاعلی نقطه اولی روحی وذاتی وکينونتی له الفداءلهذا

آنخانه ازبقاع مقدسه محسوب واحترامش امرمفروض جناب فرع روحانی حضرت ميرزا

عليمحمد خانرا ازقبل عبدالبهاء تحيت مشتاقانه برسان وبگوايفرع بديع بتمام همت و

رغبت واهميت بکوش تا آن بيت معمور را از دست اغيار در آری و مشرق الاذکار ابرار

نمائی اگر واضح و آشکارسبب اغبراراغيار وضوضاءاشرار شوداين راز را مستور وپنهان

نمائيد وآن بيت محترم را از دست غير برهانيد و خفياًدر آن محفلی بيارائيد

وباذکار در اسحار ونماز ونياز ورا بکار مشغول گرديد تا بمبارکی اين عمل مبرور

ص ٤١٣

فضل موفور حاصل گردد و قلوب مشغول ذکر رب غفور گردد فرحی رخ بگشايد ؟ ونشئه ئی

در دماغ آيد که نارمحبت الله شعله زند وشوری ديگر درسرها اندازد چنانکه درسائر

ديار مشرق الاذکار سبب فوران نار محبت الله شد وشوق وشعفی عظيم در دلها انداخت

وبشارتی آلهيه بجانها بخشيد ولی در شيراز بايد در نهايت حکمت واحتياط مجری گردد

که ابداًاغياراطلاع نيابند حتی در ميان احباب محفل روحانی عنوان کنيد واگر

چنين نباشد ارازل قوم بر رذائل قيام نمايند وسبب وحشت قلوب شود حضرت

افنان سدره مبارکه جناب ميرزاابوالحسن رااز قبل عبدالبهاء تحيت مشتاقانه برسان

وبگو که ما همواره بياد تومشغوليم وبذکرتو مالوف اميدوار از فضل پروردگاريم که

همواره بنفس رحمانی مانوس باشی وبنفحات قدس مالوف سبب عزت امرالله باشی واسباب

روح وريحان ياران گردی و عليه التحية والثناء ع ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٤٧١

ای فرع سدره مبارکه بازاز باختر بخاور باز گشتيم تا باستان مقدس دوبقعه مبارکه

فائز شويم باری هميشه در خاطر بوده وهستيد از الطاف جمال ابهی آرزونمايم که

در نهايت روح و ريحان مشتعلاً بنار محبت الله بعبوديت صميمی آلهی موفق شوی

ورقه مبارکه والده آقا ميرزا هادی را تحيت ابدع ابهی ابلاغ داريد

ص ٤١٤

وهمچنين جناب آقا ميرزا رحيمخان را عبدالبهاء عباس مقابله شد

شيراز حضرت آقا ميرزا محمد حسين عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب امضاءمبارک ٤٧٢

هوالله

ايهاالفرع الرفيع من السدرة‌المبارکه نامه شمارسيدالحمدلله دليل برنشاط وانبساط

وجود شريف بود ازالطاف بی منتهای حضرت احديت ملتمس چنانم که همواره در صون

حمات او محفوظ ومصون باشيد واما قضيه قطع علاقه از آن ديار وحضور ببقعه انوار

حال سزاوار نه زيرا بايد در آنصفحات بخدمت امرالله مشغول باشيد وقتش خواهد آمد

الامور مرهونة باوقاتها هنوزازشيراز چنانکه بايد وشايد آهنگ ملاء اعلی بلند

نشده هروقت آن ساز وآواز در صوامع ملکوت گوش زد اهل راز گردد آن اقليم باهتزاز

آيد وصبح هدی چنان بدرخشد که ظلام ضلال بکلی متلاشی گردد وکار درست شود ورقه

مبارکه والده محترمه رااز قبل من تحيت ابدع ابهی برسان و عليک البهاءالابهی

عبدالبهاء عباس مقابله شد

شيراز جناب آقاسيد محمد حسين افنان جناب آقا ميرزابزرک افنان جناب آقا ميرزا

حبيب الله افنان جناب حاجی ميرزا ضياءالله افنان جناب شاهزاده محمد رضا ميرزا

جناب محمد باقرخان جناب ميرزا محمد عليخان جناب آقا ميرزا آقای طبيب جناب

آقاشيخ آقای پيش نماز جناب شهريار وفادار جناب ميرزا فضل الله خان

ص ٤١٥

جناب دکتر ضياء عليهم بهاءالله الابهی

خط کاتب امضاءمبارک ٤٧٣

هوالله

ای نفوس مبارکه مقرب درگاه کبريا نامه شمارسيد واز مضمون نهايت روح وريحان رخ

داد زيرا برثبوت بر صراط مستقيم برهان مبين بود وبراتحاد واتفاق برعهد قويم دليل

جليل الحمد لله ياران شيراز دراين سالهای جنگ براز و نياز همراز بودند و همواره

بالفت و محبت دمساز عبدالبهاء از خلوص نيت وثبوت واستقامت ياران شيراز پر اهتزاز

است وازملکوت ابهی تائيد وتوفيق ميطلبد که در اين ايام شعله تازه بر افروزند و

آهنگی بملاءاعلی رسانند نفوسرا بوجد وطرب آرند ومستمعين را بتعاليم الهيه تربيت

نمايند بنورانيت اخلاق وعلويت فطرت وشدت امانت وکثرت محبت ومهربانی بعموم انسانی

تبليغ امرالله نمايند وترويج دين الله کنند چندی پيش مکاتيبی بشيراز ارسال گرديد

واسطه جناب افنان سدره مبارکه آقاميرزا حبيب الله طلب مغفرت از برای عموم

متصاعدين احبای شيراز گرديد ونامهء‌بحضرت عندليب نگاشته شد وهمچنين بچند نفر ديگر

اميدوارم که خبر وصول برسد وآنخطه مبارکه موطن حضرت اعلی روحی له الفداست اينعبد

راآرزو چنان که بهشت برين گردد و غبطه روی زمين شود بنص صريح ميفرمايد ونراکم من

افقی الابهی وننصر من قام علی نصرة‌امری بجنود من الملاءالاعلی وقبيل من

الملائکة المقربين جند منصور

ص ٤١٦

در اين ظهور نفوسی هستند که بقوتی آلهی وتائيدی آسمانی و همتی ربانی واطوار و

رفتاری که سبب حيات عالم انسانيست موفقند اميدوارم که مرکز اين جند شيراز گردد

٢١ شعبان سنه ١٣٣٧ مقابله شد

آلهی آلهی هولاء عبادک المخلصون المنجذبون بنفحات قدسک المشتعلون بنار محبتک

الناطقون بالثناء عليک المبينون بحجتک وبرهانک المروجون لدينک ابتهل اليک واسئلک

ان تويدهم بما وعدتهم بتائيدات صمدانيتک و نصرة جنود ملاک الاعلی و قبيل ملائکتک

المقربين رب نور وجوههم بنور لامع و عطر مشامهم بطيب ساطع واقر اعينهم بمشاهدة

آياتک واسمع آذانهم ندائک الاحلی من ملکوتک الابهی حتی يکونوا عونة لعبدک هذا فی

نشر نفحاتک بين الوری وانک لتعلم يا محبوبی اننی احب عبادک المخلصين فی ارض شين

و افديهم بروحی ونفسی وابتهل اليک فی جنح الليالی وبطون الاسحار ان تجعل هولاء

الابرار سرجاًنورانية ساطعة بالانوار انک انت العزيز المختار انک انت الکريم

المتعال و عليکم البهاء الابهی عبدالبهاء عباس مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٤٧٤

ايها الفرع العظيم من الشجرة المبارکة التی اصلها ثابت فی الارض

و فرعها فی السماء وانها نطقت باننی اناالله لااله الاانا قل يا عبادی ايای

فاعبدون هرچند مسافت مابين صد هزار فرسنگ است و بسی کوه و صحرا و دشت ودريا

حائل و حاجز

ص ٤١٧

ولکن در محفل انس حاظريد ودر مجامع قدس موجود وناظردر انجمن ياران آلهی واحبای

معنوی شمع روشن است وذکر وفکرشان در صحرای قلوب گلزارو گلشن پس بفضل عظيم آلهی

مستبشر باش وبخلق کريم احبايش مسرور ومنشرح دردلها لانه وآشيانه داری ودر جانها

خانه و کاشانه ديگر چه جوئی وچه خواهی بالطاف حضرت محبوب آفاق مطمئن باش و

بعنايات ملکوت ابهی مسرور ومنسبسط ؟ عنقريب نفحات تائيد ميوزد وانوار توحيد بدرخشد

وشمع آلهی برافروزد وقلوب زجاجهای انوار گردد ونفوس مصابيح ؟ اسرار منا لک

يستبشر المخلصون والبهاء عليک ع ع مقابله شد

جناب علی اکبر هوالله

خط مبارک ٤٧٥

رب ايد کل من توجه الی مطلع وحدانيتک بتائيدات قدس رحمانيتک

وافتح ابواب البرگات من سائرالجهات انک انت المقتدر العزيز الوهاب ع ع

هوالابهی

ش جناب علی اکير عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک هوالابهی

هل سمع النداء قد تزلزلت ارکان الملاء الاولی لما ارتفع النداء من الملاء الاعلی

و تری القوم سکاری من الراجفة التی ارتجفت بها قوات الارض کلها وتتبعها رادفة

کبری کانت امروادهی فزادوا اغراقا وانصعاقا الا من رحم ربک فهم نالوا انتباها

و زاد وايقظة واستبصار؟ فهم فی رياض العلم يرتعون ومن عين التسنيم يشربون وفی ما

اشتبهت انفسهم خالدون

ص ٤١٨

والبهاء علی الذين هم الفائزون ع ع

هوالابهی

ش اخوان جناب آقامرتضی الذی صعدالی الله جناب آقا غلامحسين ؟ وجناب آقامحمد کريم

عليهما بهاءالله الابهی

خط مبارک ٤٧٧

هوالله

آلهی ومجيری تعاليت و تجللت بعزة‌الوهيتک و عظمة ربوبيتک من ثنائی وثناء کل شئی

و تقدست و تنزهت بحقيقة احديتک عن محامدی و نعوتی ونعوت کل شئی فما احلی

ياآلهی فی موارد العجز الاعتراف بالذل والانکسار والاقبناب عن العزةو‌الاستکبار

کفانی ياآلهی عجزی وفقری وذلی وهوانی وفنائی واضمحلالی وحسبی يا محبوبی الطافک

واحسانک وجودک واکرامک ايرب اغنيتی بفضلک القديم وجودک المبين و فيضک

العظيم عماسواک بماهديتنی‌الی معين رحمانيتک واوردتنی علی شريعة فردانيتک و

انزلتنی منزل صدقٍ‌بسلطان وهابيتک وسقيتنی من کاس العطاء من يد ساقی عنايتک

ورزقتنی مائدة السماء علی خوان موهبتک ايرب لک لحمد علی ذلک ولک الشکر علی هذه

الموهبة‌التی اختصصت بها المخلصين من ارقائک ويشهد روحی وذاتی وکينونتی

بانک اتممت علی الرحمة واکملت علی النعمه واسبغت علی العطاء واکثرت

علی النعماء ولکن ياالهی اتذلل اليک وابتهل بين يدک واتضرع الی ملکوتک الابهی

ص ٤١٩

واترجی من سلطان جبروتک‌الاسمی‌ان تقدرلی غاية منائی ومنتهی رجائی؟ وماهوجلاد بصری

وصفاءقلبی وراحة روحی واعظم فتوحی ومسرة‌فوادی واکبر رشادی ونور جبينی وافق مبينی

وهوسفک دمی وانفاق روحی فی سبيل محبتک واحتراقی بنار عذاب اعدائک

فی سبيلک وذلی وتبلبل جسمی علی التراب اشتياقاًالی ملکوت لقائک ايرب

قدرلی هذا المنی واسقنی هذه الکاس الطافحة بصهبا الالطاف من فيض رحمتک

الکبری واطعمنی من هذه المائدة‌التی رزقت جمالک الاعلی و توج رای بهذاالاکليل

الذی تتلئلا جواهره الباهرة فی قطب العوالم کلها واجعنلی من عبادک المخلصين

والمستشهدين انک انت الرحمن الرحيم ايرب هذان عبدان انتسبا؟ الی عبدک الذی انجذت

بنفحات قدس احديتک واشتعل بنارمحبتک واهتز من نسائم التی هاجت من رياض

معرفتک واستبشر بانوار سطعت من مشرق موهبتک وهام فی هيماءالشعف

فی جمالک وتوغل؟ فی صحراء صاح وناح فيه المشتاقون لزيارة طلعتک وثمل

من کاس عطائک حتی سرع الی مشهد الفداء فی سبيلک ورکض الی ميدان الفدا حباً

بجمالک وانفق روحه شوقاًالی لقائک ايرب احببت عليه السجن بسلطانک

و جعلته جنة غناء وروضه غلباله بقدرتک وبرهانک واستقام فيه سنين متواليات

ص ٤٢٠

تحت السلاسل والاغلال المشقات ؟ وهو يستبشر بذلک ويتهيج فيکل ذلک الی ان ايدية

بفضلک و جودک ان يتصاعدالی ملکوت قدسک فاخرجوه طغاة خلقک من قعرالسحون‌الی فضائه

الفداءفی سبيلک ياحی يا قيوم فخاطب وقال يا ايها الحاضرون لقتلی فی سبيل ربی

المحبوب ليس لی شئی ابدی لکم لهذه‌البشارة‌التی بشربمونی بهاالا هذاالغطاءلراسی

فابديه لکم مقابلة لعرفکم فتظاهر بين الملاء کاسد الشری بطائرفی السماء توجهاً

الی الافق الاعلی وصعد روحه الی ملکوتک الابهی وجبروتک الاسمی طوبی له ثم طوبی

ايرب هذان المنتسبان اليه ايدهما علی الثبوت علی عهدک وميثاقک ووفقهما علی طاعة

امرک واخلصهما فی دينک انک انت الکريم الرحيم الوهاب ع ع مقابله شد

جناب ميرزا فتحعلی خان عليه بهاءالله

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٤٧٨

هوالله

يااباالفتوح هنياً لک هذا الصبوح هر چند فتح ملوک خونريزی مملوکست

لکن فتح اهل بها سلوک در سبيل هدی وخدمت اصفيا وعبوديت درگاه کبريا و تمشيت مهام

امور و حسن نيت و خير خواهی جمهور الحمدلله شما موفق بان بشهادت عموم علی الخصوص

جناب خان بينهايت ازشما شادمان ومسروراست حتی عبدالبهاء از ستايش ايشان آسايش

دل و جان يافت که الحمدلله سروستان چنين سروآزاد دارد و چنين نفسی نفيس معدن عدل

ص ٤٢١

وداد واميدم وطيد است که بهمت آن يار روحانی احبای رحمن در نهايت روح و ريحان

باشند وعليک البهاء الابهی ع ع

سه سطرعقبه لوح ٤٧٨ خط مبارکست

هوالله

آله کل بسيد رسل انا فتحنالک فتحاًمبينا خطاب فرمود هرچند اين فتح درعالم رويا

بشارت داده شده بود ولی چون تاخير افتاد بعضيرا ترديد حاصل گشت و چون مکه مفتوح

شد ياران مسرور شدند حال من نيز ترافتوحی خواهم ربانی رحمانی سبحانی کامرانی دو

جهانی ع ع

هوالله

احبای سروستان عليهم بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٤٧٩

هوالله

ای ياران حقيقی چنديست خبری ازشما نرسيد و صبح پيامی از آنجهت ندميد حضرت

طير حديقه ملکوت جناب مرتضی روحی له الفداء را ملاحظه فرمائيد که چه نار موقده

در قطب آفاق برافروخت که شعله اش تا دامنه ملکوت ابهی رسيد و چنان پرتوی ساطع

کرد که آفاق کائنات را روشن کرد پس معلوم گرديد تا نسوزی نيفروزی وتا چون شمع

نگدازی جمعرا روشن نسازی ايدوستان انصاف بايد بدهيم که در چه دوريم ودر چه کور در

بحر الطاف الهيه مستغرقيم چرا پر بشارت نباشيم ودرظل سدره رحمانيه آراميده ايم چرا

پر مسرت نگرديم بر کنز مخفی پی برديم چرا کيسه تهی گذاريم ودر سايه آن سرو سهی ؟

؟ چرا بيچاره ومنحنی مانيم لطف و عنايت حضرت مقصود باهل سروستان زياد بود ولحظات

ص ٤٢٢

؟اين عنايت شامل حال ايشان در جميع احيان اظهارالطاف ميفرمودند ومنتهی لطف مبذول

؟ميفرمودند ديگر چه غم داريد و چه غصه آنچه را ملاءمقربين آرزو مينمودند شما بان

فائز گرديد ؟ هر چه را که اهل عليين در حسرتش مردند شما بان محظوظ و مزروق شديد

جميع ملاء اعلی ؟ آرزوی يک خطاب جمال قدمرا مينمودند که بشرف اصغافائزشوند وشما از

سدره ؟ سينا اينخطابرا اصغا نموديد وندای آلهی را بسمع قبول استماع گرديد آيا

ميدانيد ؟ اين چه فيضی بود و ساکتيد وآيا ميدانيد اين چه موهبتی بود وصامتيد

مسرور باشيد ؟مستبشر گرديد ع ع مقابله شد

هوالابهی

؟ جناب حيدرعلی سروستانی جناب علی اکبر سروستانی جناب علی سروستانی جناب

اسفنديار سروستانی ؟ جناب حسن سروستانی جناب ميرزا عليمحمد سروستانی جناب علی

بابای سروستانی جناب ؟ ميرزا تاج الدين سروستانی جناب محمد حسنخان سروستانی عليهم

بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٤٨٠

؟ هوالله ای ياران آلهی آنچه مرقوم نموده بوديد ملاحظه گرديد معانيش

؟ دال برثبوت بر عهد و پيمان بود مبانيش موسس برمحبت جمال بيمثال حقائقش

؟ عائق رياض عرفان بود دقائقش اشارات انجذابات جان و وجدان

؟ ايدوستان همتی نمائيد که مظاهر آيات توحيد گرديد ومطالع اسرار تجريد سرج ؟

ص ٤٢٣

زجاجات امکان گرديد و نجوم ساطعه مشرق ايقان خدام آستان مبارک شويد و خزان

کنوز عنايت آيات بينات کتاب مبين شويد ورايات شاهرات ظهورعظيم

نسائم رياض حدائق قدس گرديد و روائح معطره غياض انس مبشر بالطاف جليله

رب قديم باشيد ومبلغ امر خداوند کريم ايدوستان وقت گلگشت بوستان

آلهی راازدست ندهيد فرصترا غنيمت شمريد جهدی نمائيد که دراين جهان فانی شمع

روشن جهان جاودانی گرديد وگل گلشن عالم باقی اگر بخدمت امرالله کمر را محکم

بنديد وبکمال ثبوت ورسوخ بر ميثاق نير آفاق نماز؟ نمائيد واز زوابع واعصار

امتحانات وافتتانات شديده نلغزيد قسم بنوربهاء که هريک آيت کبری گرديد ورايت

ملاءاعلی والبهاء عليکم يااحباءالله روحی لکم الفدا ع ع مقابله شد

استدعای طواف مطاف عالميانرا نموده بوديد انشاءالله در وقتش اجازه خواهد

داده شد حال همت رابا کمال حکمت بر نشر نفحات الله بگماريد ودراين امرمهم

بکوشيد چه که اليوم اين قضيه مغناطيس تائيد ملکوت است وجاذب الطاف

اسم اعظم از حيز جبروت والبهاء عليکم ع ع مقابله شد

جناب محمد صادق بيک وجناب ملاسليمان وجناب عبدالله بيک عليهم بهاءالله الابهی

ص ٤٢٤

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٤٨١

هوالله

ای ياران روحانی گويند که نسرطائر دراين فلک باهر عبارت

ازسه ستاره روشنست حال ازالطاف ذوالمنن ميطلبم که آن سه شخص محترم مانند آن

سه نجوم از افق هدايت درخشنده و روشن باشند جناب خان از محبت و خلوص

شما نهايت شکرانه مينمايد که فی الحقيقه بهائی پرستيد وخدام هرسرمست پيمانه

بدست ياران بايد چنين باشند که يکديگر را بنده کمترين گردند آئين وحدت عالم

انسانی گيرند وبروش اهل عليين سلوک کنند الحمدالله شما چنينيد و عليکم

البهاءالابهی ع ع مقابله شد

هوالله

سروستان جناب ميرزا فتحعليخان کلامتر عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤٨٢

هوالابهی

ای فتح بهاء رق منشورت وصول يافت و چون کاس

طهور مورث سرور شد حمد کن خدارا که موفق بهدايت کبری گشتی ومويد بمنقبت عظمی

از جام بشارات حضرت اعلی سرمست شدی و از صهبای محبت طلعت ابهی بوجد

و طرب آمدی و درانجمن عاشقان شمع روشن گشتی واز نفحات قدس رياض ميثاق مشام

معطر نمودی چون جبل ثابتی وچون شجر نابت پس چون حلق در حلقهای زلف دلبرابهی

بدام افتاد بالب خندان و پيرهن چاک و غزلخوان در قربانگاه عشق برقص درا و

فرياد واطوبی لی واطربالی وسرورالی از جان و دل برآر تابشکرانه آن فضل

ص ٤٢٥

وعطا زبان بگشائی وبوفا رسم جفارا از صفحه کائنات براندازی ونفحه خوش بوزانی

و جمع يارانرا حصن حصين گردی وانجمن دوسانرا ملجاء امين شب و روز نارمحبت

برافروزی وچون شمع با چشمی اشکباربنارمحبت الله بسوزی وتاازافروختن وسوختنت

انوار برآن اقطار ساطع گردد وعلم ميثاق برآن آفاق موج زند ازفضل و عنايت حق

اميد است که از اين نويد چون خورشيد بدرخشی ودر آن ميدان فارس فريد گردی

و عليک البهاء ع ع

هوالله

خط مبارک ٤٨٣

سروستان احبای آلهی عليهم بهاءالله الابهی

الله‌ابهی

ايدوستان سروستان جمال قديم حضرت نورمبين بياران آن اقليم کمال عنايت را

داشتند وچون چند نفرازآن ديار دريوم لقا حاضر شدند الطاف بينهايت فرمودند

واظهار عنايت نمودند وچنديکه در حضور بودند مورد رعايت حضرت احديت گشتند

ومظهر آيات موهبت شدند اين دليلست که بی حذرآتش محبت الله درآنکشور شعله

پرشرر خواهد زد ونورمعرفت الله درآن بوم وبراشراق شمس وقمر خواهد نمود واين

يقين ومحتوم است چه که مشيت وقضای حی قيومست ولی ای دوستان موجود

ازخدا بخواهيد که آنشعله در امروز زند واز حرارت الله واعتدال خلق وخوی

ص ٤٢٦

نوروز گردد ودلها پرسوزشود وهدف غمزه دلدوز گردد تا مظاهرآيات توحيد گرديم

و مطالع بينات و مورد توجهات شويم ومشمول نظر عنايات چه که فضل جمال ابهی

عظيمست عظيم وفيض اسم اعظم قديمست قديم والبهاء علی الثابتين ع ع مقابله شد

بواسطه جناب زائر آقارضا عليه بهاءالله

احبای سروستان احبای نيريز احبای جهرم احبای خانکهدان احبای داريان عليهم

بهاءالله الابهی

خط کاتب مهروامضاء مبارک ٤٨٤

هوالله

ای ياران عبدالبهاء الحمدالله از سروستان نفحات گلستان محبت الله منتشر

ورايحه معرفت الله ساطع ونور هدی لامع وآيات کبری ظاهر وباهر اقليم جليل

فارس چون مطلع نيرآفاق بود عبدالبهاء رانهايت آرزو چنان که درقطب عالم خيمه

برافرازد وعلم سبقت وپيشی برکل اقاليم بلند فرمايدالحمدلله دراين ايام حرکتی

نموده بالاخص سروستان ونيزيز حال از آن کشور هزيزارياح لواقح محبت الله بگوش

جان ميرسد طوبی لکم و حسن ماب وبشری لکم بفيض من رب الارباب

عبدالبهاء بملکوت ابهی عجز ونياز مينمايد وتضرع وابتهال ميکند که کشت آلهی

در آن کوه و دشت روز بروز نشو ونما نمايد وسبز و خرم گردد و خوشه ودانه

ص ٤٢٧

وخرمن فرمايد کزرع اخرج شطاه فاستغلظ واستوی علی سوقه يعجب الزراع واميدم

چنانست که هر خوشهء خرمن گردد وهردانه فيض وبرکت حضرت ذوالمنن شود ايياران

جميع طوائف وامم منجمد ومخمود وجميع قبائل وملل گرفتارياس وقنوط اهل بهابايد

چنان حرکت و جنبشی نمايند که کافه اهل ارض را باهتزاز آرند و چنان پرتوی

افروزند که شرق وغرب رامنورنمايند وبرفتاروکرداری پردازند که شهيرآفاق شوند

ومظاهر فيض کوکب اشراق گردند وعليکم البهاءالابهی ع ع مقابله شد

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤٨٥

شيراز سروستان جناب مهدی سروستانی عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ای منجذب بنفحات الله نامه مرقوم واصل گرديد ومضمون مفهوم شد تمنای

تحريری از عبدالبهاء نموده بودی من نيز فوراًبترقيم اين نامه پرداختم وازفضل

والطاف جمال ابهی اميد داشته ودارم که ياران آلهی چنان انجذابی حاصل نمايند

که بينامه اسرار آلهی اقتباس کنند و کاشف راز گردند فيوضات ملکوت ابهی لوح

محفوظ و کتاب مسطور ورق منشوراست و جميع اسرار در آن نامه مرقوم آن نامه

مفصل را بدقت مطالعه نمائيد تا براسرارماکان ومايکون مطلع گرديد جناب خان بابا

و جناب ضياءالله وامة‌الله والده شانرا بذکر ابدع ابهی جان و وجدان مسرور

ص ٤٢٨

شادمان گردانيد وجميع احبای آلهی راازشدت محبت اين عبد خبردهيد وبالطاف بينهايت

حضرت مقصود بشارت فرمائيد وعليک وعليهم البهاء الابهی ع ع مقابله شد

بواسطه جناب زائر جناب آقا غلامحسين خان سروستانی جناب آقا علی‌اکبرعليه بهاءالله

الابهی هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤٨٦

ای ثابت برپيمان اياميکه درارض اقدی بودی وبشرف طواف تربت مقدسه

فائزدر خاطراست ايامی بنهايت محبت والفت بامابسر بردی ودرنهايت تبتل وتضرع

بودی اوقاتی که بروح وريحان وشادمانی وکامرانی گذرد هرگزازخاطرنرود يقين است

که فراموش ننمودی بلکه شب وروز درخاطر داری وبموجب وصاياونصايح که القا شد

عمل مينمائی امروزهربهائی حقيقی رانشان وبرهان اعمال وافعالی که بموجب تعاليم

آلهيست اگربان موفق شوند هرروزموهبتی جديد يابند وعنايتی بديع جويندفرصت بسيار

کم است لهذا مجبورباختصار هستم ولی هرکلمه فی الحقيقه نامه ايست نفس مطمئنه را

يک کلمه کفايت مينمايد جميع احبای آلهيرا تحيت ابدع ابهی برسان وعليک البهاء

الابهی امة‌الله الموقنه ضجيع محترمه را نهايت مهربانی نما وتحيت ابدع ابهی

ابلاغ کن ع ع مقابله شد

شيراز ؟ جناب بشيرآلهی جناب آقا رضای سروستانی

هوالله

ص ٤٢٩

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤٨٧

ايزائر مطاف ملاءاعلی نامه شما رسيد الحمدلله دلالت برثبوت ورسوخ احبای آلهی

در امر جمال مبارک روحی لعتبة المقدسة فدا مينمود امروز جميع کائنات از فيوضات

اسم اعظم درنشو وحرکت است ودراستمداد واهتزاز سروستان الحمدلله گلستان گرديده

وبگل ورياحين معرفت الله حدائق حقايق ومعانی گشته اميد چنانست که آن سروها

روز بروز نشو و نما نموده در نهايت لطافت و خرمی از فيض سحاب عنايت آلهی

در جويبار حقيقت باهتزاز وحرکت آيند جناب آقا ميرزا عبدالرسول راازقبل من تحيت

ابدع ابهی برسان و جناب درويش ابن شهيد را نهايت تمجيد ازاين وحيد فريد بکن

وعليک البهاء الابهی ع ع

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤٨٨

سروستان جناب زائرآقارضا عليه بهاءالله ملاحظه نمايند

مناجات طلب مغفرت بجهت جناب آقا محمدکريم اخوی حضرت آقامرتضای شهيد جناب

حاجی خان ابن حيدرعلی جناب قباد خان جناب عباسقلی جناب ميرزا حسين بنا جناب

حاجی هادی جناب حاجی علينقی جناب آقا علی ابن آقا حسين اعمی جناب آقامهدی جناب

علی رضا جناب مشهدی فضل الله جناب آقا محمد اسمعيل جناب کربلائی ناد علی

هوالله

حمداًلک ياربی الجليل شکراًلک ياربی العظيم علی مافتحت ابواب الغفران

ص ٤٣٠

بمقاليدالعفووالاحسان ومفاتيح الفضل والامتنان رب اخترت من عبادک الصالحين

اناساً؟ وفقتهم علی الدخول فی ظلک الظليل والوصول الی الفوزالعظيم وارويتهم من

ماءمعين وسقيتهم من عين التسنيم فالتذت آذانهم باستماع النداء و قرت اعينهم

بمشاهدة نورالهدی واطمئنت نفوسهم بالاية الکبری وانشرحت صدورهم بکلماتک العلياو

اضطرمت قلوبهم باجيج نار محبتک فارتفع منهم الضجيج بالتکبير والتهليل الی ملکوتک

الجليل وانتشرت منهم نفحات حبک فيکل صقع واقليم اولئک ياآلهی نفوس لم تتخذهم

لومة لائم فی امرک ولازلزلتهم شماتة کل عنود فی ذکرک ولاارعدتهم شتائم کل عتل

زينم فی مملکتک بل ثبتوا علی الصراط ونبتوا برشحات سحاب الاطاف ياربی الارباب و

ذکروک جهاراًبين الابرار والاشرار وما فترت السنهم عن الاذکار وابتهلوا بخفی

الاسرار و حشروا مع الاخيار وتبتلوا الی ملکوتک يا عزيز يا جبار رب انهم تجرعوا

کاس المنون بماقلت وقولک الحق انک ميت وهم ميتون وقدرت لهم المقام المصون وانعمت

عليهم بالسر المکنون وارجعتهم اليک فضلاًمن عندک ياربی الحنون رب اکرم لهم

المثوی واد خلهم فی ظل سدرة‌المنتهی واخلدهم فی جنة الماوی وادرعليهم کاس العطا

وقدرلهم الموهبة العظمی وشرفهم باللقاء ياربی الاعلی انک انت العفو الغفور وانک

انت الکريم الرحيم

ص ٤٣١

البرالروف لااله الاانت الغنی المعطی لکل عبد شکور ع ع مقابله شد

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٤٨٩

هوالله

سروستان عموم احبای آلهی عليهم بهاءالله الابهی

هوالابهی

ای شيدائيان نيرآفاق وثابتان بر ميثاق جناب حيدر علی عليه بهاءالله نامه نگاشته

و ذکر احبای آلهی نموده که سروستان گلستان گشته و دوستان شب و روز بذکر رحمن

مشغول اين خبرسبب سرور و حبور شد واين نفحه مشام يارانرا معطر نمود که الحمدلله

درآن اقليم محترم که وطن حضرت اعلی روحی له الفداء بود نفحات قدس در انتشار است

ونسيم جانپرور رياض عنايت دراهتزازباران عرفان درفيضانست وانوارمواهب درخشنده و

تابان ايدوستان همتی نمائيد تا کشورشيراز مظهر مواهب خداوند بينياز گردد واز

حضيضش نغمه وآهنگ سبحان ربی الاعلی بملکوت ابهی رسد مطلع آيات توحيد گردد ومهبط

الهامات رب فريد تا شعله نار محبت الله ازآن اقليم بسائراقاليم سرايت نمايد و

نفحات رياض قلوب آن ياران ولايات مجاوره را دلالت برگلشن هدايت کند واين مواهب

ميسر نگردد مگر بانقطاع ازما سوی الله وانجذاب بنفحات الله واشتعال بنار محبت

الله و محويت وفنا و خضوع و خشوع بين يدی احباءالله و خدمت ياران و عبوديت

دوستان والبهاء عليکم جناب ميرزا حسين بنا را که خادم انجمن احبااست

ص ٤٣٢

تکبيرابدع ابهی ابلاغ نمائيد وبگوئيد که خانه توآشيانه مرغان چمن آلهی گشته

و کاشانه سودائيان جمال رحمانی طوبی لک من ذلک والبهاء عليک ع ع مقابله شد

سروستان احبای آلهی عليهم بهاءالله الابهی

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤٩٠

هوالله

ای ياران عبدالبهاء هر چند مدتيست که بواسطه قلم ومداد باشما گفتگوئی ننمودم ولی

درعالم روح وفواد هميشه بياد ياران جمال آلهی مالوف بودم دمی فراموش ننمودم و

نفسی نياسودم بلکه در نهايت تضرع وابتهال بودم که آن احبای رحمانی و دوستان آلهی

از ملال جسمانی و روحانی در جميع شئون واحوال محفوظ ومصون باشند وموفق بان گردند

که بگفتار ورفتار و کردار بر ابرار واشرار هر دو ثابت ومحقق گردد که اين حزب

مظلوم مفتون جمال ابهی هستند ومنجذب نفحات قدس ازافق اعلی زيرااين بيان وتبيان

و خلق و خوی و روش وسکوک وفضايئل وکمالات ازفيوضات نورقدم واشراقات اسم اعظمست

مقصد آنست که حقيقت انسانيه بايد مانند آئينه از شعاع آفتاب حقيقت روشن باشد

والا سنک سياهی وظلمت اندرظلمت است وشعاع شمس حقيقت عرفانست ايمانست ايقانست

اطمينانست انجذابست التهابست واستمراردرنشر نفحاتست ای ياران آلهی ايام بسرعت

اتمام يابد مالک ومملوک گمنام گردد نه اثری نه ثمری نه برگی نه شکوفه ئی جميع

مظهر هل اتی علی الانسان

ص ٤٣٣

حين من الدهر لم يکن شيئاً مذکورا گردند مگر نفوسيکه بکلی ازنفس وهوی بيزار شدند

ومطلع انوار هدی گشتند مهبط اسرارشدند وسر حلقه ابرارگرديدند آنان مانند نجم

زاهرازافق حقيقت تاابد آلاباد باهرند پس بکوشيد تاازصهباءاستقامت کبری بنوشيد و

بنهايت قوت در جميع موارد مقاومت اهل غفلت نمائيد ولواجتمع عليکم من علی الارض

کلة لا تخافوا ولاتهنوا واعتمدوا علی انجاد جنود من ملکوت الله راحت ايامی چند

نجوئيد در عاقبت نگريد ملاحظه نمائيد که نتايج محمود دراعمال واطوار چه نفوسی

موجود اين دقت سبب عبرت شود وانسان بحقيقت پی برد آلهی آلهی هولاءارقاءلک اذلاء

ببابک فقراءاليک ضعفاء بين يديک قدرلهم کل خير واحفظهم عن کل ضير؟ واجعلهم حماة

حصنک الحصين ورعاة‌اغنامک فی تلک الاقاليم ورماة‌ناقض عهدک بسهام سلطان مبين و

برهان عظيم واجعلهم سرجاًساطعة بفيض النورالمبين حتی يقوموااشدالقيام علی اعلاء

کلمتک فيذلک القطرالسحيق رب رب هولاء طيورضعاف اجعلهم نسوراًفی اوج الالطاف و

صقورالفضل والانصاف وجمهم من الااعتساف انك انت القوي الوهاب وانك انت العزيز

المهيمن المتعال ع ع

هوالله

سروستان احبای آلهی عليهم بهاءالله الابهی

هوالله

ص ٤٣٤

خط کاتب مهروامضاء مبارک ٤٩١

ای ياران رحمانی شمس حقيقت بر آفاق قلوب اشراق نورانيت محبت نمود وغمام

موهبت باران الفت مبذول داشت نسيم عنايت از مهب ملاطفت بمرور آمد

ودريای رحمانی امواج تعلق رحمانی زد تاياران آلهی بمثابه فيض آسمانی قطرات

جمع شده سيل فيض نامتناهی گردند وصحرا ودشت آفاقرا سبز وخرم نمايند مقصداز

ظهور مظاهر مقدسه الفت ومحبت عالم انسانی بود حال احباء بايد دراين ميدان

جانفشانی نمايند تا عالم انسانيرا بصهبای محبت يکديگر سرمست کنند وقلوب

آفاق را شادمانی بخشند آنچه درالفت بيشتر کوشند بيشترپويند وآنچه دراتحاد

همت مبذول دارند عون و عنايت بيشتر مشاهده کنند حضرت مسيح خطاب

بحواريين ميفرمايدانتم ملح الارض فاذ افسدالملح بماذايملح ميفرمايد شمانمک

عالميانيداگرشما فاسد گرديد جهان بچه مليح ونمکين گردد حال اگراحبای آلهی شمع

محبت والفت ويگانگی واتحاد درمحفل خويش نيفروزند چگونه جهانرا بنورانيت الهيه

روشن نمايند و چگونه سبب الفت قلوب اهل عالم گردند ای ياران عبدالبهاء شما را

بملاحت وصباحت جمال ابهی قسم ميدهم که مانند نجوم ثريامجتمع وموتلف گرديد وسبب

اتحاد ويگانگی عالميان شويد بنياد خلاف براندازيد وبنيان ائتلاف بلند سازيد و

بذيل محبت الهيه

ص ٤٣٥

در آويزيد وساحت قلب رااز مغايرت و مخالفت بپردازيد تا محل اشراق شمس حقيقت

گردد ونورموهبت بدرخشد هريک خادم يکديگر شويد و هرکدام در ره ديگر جانفشانی

نمائيد جان ومال‌ازيکديگردريغ مداريد تايرليغ عطاازملکوت ابهی رسد ومنشورسرور

وحبورازملاء اعلی صادرگردد وعليکم التحية والثاء ع ع ١٥ ج ١ مقابله شد

سروستان جناب زائر ميرزا حيدرعلی سروستان عليه بهاءالله‌الابهی

هوالله

خط کاتب مهرو امضاء مبارک ٤٩٢

ای ثابت برپيمان نامه نامی رسيد ازمضامين آشکار وپديدار گشت که حين

رجوع و وصول ازآشنا وبيگانه حسن استقبال ورعايت موفور يافتی

العزة‌لله ولعباده‌المخلصين عنقريب ملاحظه خواهيد نمود که‌انوارعزت ابديه

بر روس ياران چنان بتابد که شرق و غرب روشن شود وجميع احزاب ببندگان

جمال قدم خطاب نمايند وتالله لقدآثرکم‌الله علينا گويند سئوال‌اززوجات ثلاثه نموده

بوديد البته بايد زوجه ثالثه را طلاق داد وعليک البهاء الابهی ع ع

سروستان جناب آقا حيدرعلی زائر عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٤٩٣

ای ثابت برپيمان بمجرد قرائت نامه شما سفارش در خصوص آقا ميرزافتحعليخان

بنفس مبارکی تحرير يافت فی الحقيقه آنمظلوم گرفتار گشته است

ص ٤٣٦

هر چند مسجون است ولی مقرب درگاه حضرت بيچون اميدوارم عنقريب گشايش

حاصل گردد و بخشايش رخ دهد فرصت بيش از اين نيست جناب آقا رضا وجناب

بقاءالله واهل بيت محترمه راازقبل من تحيت ابدع ابهی‌ابلاغ داروعليک البهاء

الابهی ع ع مقابله شد

سروستان بواسطه جناب زائر آقا حيدرعلی

والده‌امة‌الله فاطمه ضلع امة‌الله هاجر صباياامة طاهره‌امة‌الله منيره‌امة‌الله

فائزه بقاءالله کبری طوبی والد مرحوم قباد خان جناب آقاميرزا علی محمد جناب

مشهدی علی اصغر جناب آقا محمد صادق جناب آقامحمد حسن

هوالله

خط کاتب مهروامضاء مبارک ٤٩٤

ای مومنين ومومنات وثابتين وثابتات جناب حيدرعلی بدرگاه حضرت کبريا

پناه‌آورد وبکمال عجز ونيازازبرای شماموهبت کبری رجانمود وآن موهبت کبری موفقيت

بر گفتار ورفتاريست که مطابق تعاليم آلهی ووصايای جمال مبارک ونصايح اسم‌اعظمست

اگرباين موهبت موفق شويد بهر خيری مويديد آرزوی اين عبد چنانست که هريک ازشما

آيت هدی گردد و نخلی باسق دربوستان آلهی شود ودرکمالات انسانی برکل فائق گردد

سليل علی اصغر که در سبيل آلهی شهيد گشت سراج آن قبيله است و مرکز مباهات

جميع آن خاندان عنقريب تائيدات غيبيه بسبب خون مطهر آن بزرگوار که در سبيل

ص ٤٣٧

آلهی سبيل شد آندودمان رااحيانمايد پس بشکرانه پردازيد که الحمدلله نفس مبارکی

از آنخاندان درسبيل آلهی شهيد شد واين شهادت سبب مفخرت ومباهات در جميع عوالم

آلهيست و عليکم و عليکن البهاءالابهی ع ع

نيريز بوايطه جناب ملا احمد علی

سروستان احبای آلهی

جناب آقا حيدر علی جناب آقاميرزا علی محمد جناب جناب آقاميرزا عليرضاخان جناب

آقا سيد ميراحمد جناب آقا علی نقی جناب آقاميرتاج الدين جناب حاجی محمد جناب آقا

علی اکبر جناب کربلائی باقر جناب آقا علی نقی جناب آقا علی جناب آقا عطاءالله

جناب کربلائی شکرالله جناب آقا غلامعلی جناب آقاميراسمعيل جناب آقا ميرزا حسين بنا

جناب آقاموسی جناب آقا مهدی محمد حسين جناب غلامحسين خان جناب آقا ميرزا فتحعلی

خان کلانتر جناب آقا مشهدی عابد جناب عباسعلی خان خادم جناب ملاقربانعلی عليهم

بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهروامضاء مبارک ٤٩٥

ای ياران عبدالبهاء بشارت کبری رسيد وخبر پرمسرتی عبدالبهاء شنيد مژده الفت

ياران سبب مسرت دل و جان گشت و خبر اتحاد واتفاق دوستان پيک فرخ بيپايان

گرديد عبدالبهاء نهايت روح و ريحان يافت زيرا چون رايحه اغبرار؟ دربين قلوب

ابراراستشمام نمايد چنان احزان واکدار هجوم کند که بتقرير و تحريربيان نتواند؟

ص ٤٣٨

وچون نفحه مشکبارالفت واتحاد استشمام کند چنان سرور وحبوری احاطه کند که قلب

باهتزاز وجان بپرواز آيد زيرا تجلی اشراق بجهت الفت اهل وفاقست تانفوس آفاق در

ظل رايت اتفاق درآيند وچنان نورانيت وحدت بدرخشد که حکم يکروح دريکجسم يابند و

چون دلبر موهبت الفت درانجمن ياران جلوه کند تائيدات آلهيه وتوفيقات صمدانيه از

جميع جهات احاطه فرمايد انوار توحيد بتابد ونسيم تجريد بوزد وپرتو عنايت بدرخشد

وحيات روحانی مبذول گردد هذا هوالفوزالعظيم وهذا هوالفيض المبين ياران عبدالبهاء

را بسبب الفت واتحاد جديد بسيار راضی نمايد وسبب شوند که لسان تضرع وزاری بگشايد

واز درگاه احديت طلب تائيد نمايد وعليکم التحية والثناء ع ع مقابله شد

شيراز بواسطه حضرت عندليب سروستان جناب حيدرعلی سروستانی

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٤٩٦

هوالله

ايثابت برميثاق مکتوب واصل گرديد مضمون سبب انشراح صدور بود ودليل بر

حصول فضل موفور ازتاسيس مشرق الاذکار نهايت سرور حاصل گرديد وهمچنين ازترک

زرع ترياک وترک دخان زيرا افيون جز در معالجه امراض معلومه سبب هلاک

نفوس وموت ابدی انسان گردد وهمچنين از شرب دخان نتيجه وثمری جز

تضييع اوقات وحصول امراض فائده نه الحمد لله که احبای آنسامان از همه اينها

ص ٤٣٩

گذشتند ای بنده‌آلهی وقت را غنيمت دانيد وفرصت از دست ندهيد بنشرنفحات

آلهی پردازيد وبه نيريز رفت وآمد نمائيد تا اين مراوده طرفين سبب انجذاب ؟

گردد وهريک ديگريرا تشويق وتحريض بر استقامت وثبوت و انجذاب قلوب نايد جناب

کاتب ميرزا حسين را از قبل من نهايت محبت ابلاغ نما وجناب حاجی خان وآقارضا

وبقاءالله جميعرا تحيت مشتاقانه برسان اميدوارم که موفی بخدمت ياران آلهی واحبای

رحمانی و تربيت وتنظيم مشرق الاذکار باشند وعليک التحية والثناء ع ع

سروستان بواسطه جناب زائر آقا حيدر علی

جناب آقا عبدالله جناب آقا علی جناب آقا محمود جناب احمد علی جناب آقاميرزا آقا

جناب آقا عبدالحسين جناب سهراب خان جناب آقا مصطفی جناب صادقعلی جناب

کربلائی شکرالله جناب مشهدی اسدالله جناب حاجی آقا جناب کربلائی علی حسين جناب

هدايت الله جناب آقا علی عرب جناب ملامحمد رفيع جناب هادی جناب عبدالرحيم

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٤٩٧

ای ياران رحمانی جناب حيدر علی در نهايت عجز ونياز بدرگاه بينياز تضرع وابتهال

نمود وازبرای شما رحمت بيپايان وعنايت بيکران طلب کرد چون اين خواهش ورجا در

عتبه

ص ٤٤٠

مقدسه واقع البته رواگردد ونتايج ممدوحه حاصل شوداينعبد نيزدرآستان کبريا بهمين

رجا قائم واميدم چنان است که نورانيت تعاليم آلهيه ووصايای ربانيه چنان در بين

احبا جلوه نمايد که رويها روشن شود وجانها بشارت يابد ودلها منور گردد واز اعضاء

وارکان آثارايمان وايقان ظاهر شود تا توانيد بشيم حق پردازيد وبدرگاه احديت

تضرع وزاری نمائيد که اخلاق نير اشراق پرتوی برقلوب اندازد و سنوحات رحمانيه در

حقايق انسانيه جلوه نمايد وعليکم البهاءالابهی ع ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٤٩٨

سروستان جناب حيدرعلی وميرزا علی محمد وجناب ميرزا حسين عليهم بهاءالله الابهی

هوالابهی

ای ياران چه خوش بخت و بلند اختر وهمايون طالع بوديد که در چنين

کور ودوری مولود ودر چنين قرن وعصری موجود وبر چنين موردی وارد ودر چنين آستانی

ساجد و در سايه چنين شجری مستريح واز چنين ثمری مستفيد شده ايد کور کور جمال

قدم قرن عصراسم اعظم مورد مورد شريعت الله آستان درگاه جمال ابهی شجرشجر

انيسا ثمر ثمر سدره منتهی طوبی للفائزين بشری للواردين فرحاًللواصلين

سروراًللمستظلين والحمد لله رب العالمين جميع دوستانرا تکبيرابدع ابهی

٤٤١

ابلاغ نمائيد ع ع مقابله شد

درخصوص زرع ترياک استفسار نموده بوديد زرع ترياک جزبجهت علاج جائز نه زيرا

دراکثر معالجات مستعمل واز عددايام رضوان سئوال نموده بوديد دوازده روزاست

ويوم اولش همان يوم دوساعت بغروب مانده است ديگر در جميع اوقات بايد

دوستان آلهی بايکديگربا کمال حکمت معاشرت وملاقات نمايند وبذکر حق مشغول گردند

وازيکديگر رائحه طيبه محبت الله استشمام کنند ع ع

هوالله

جناب محمد جعفر جناب آقا باقر جناب حاجی آقا جناب آقا بهائی جناب آقا يحيی

جناب آقا علی خان جناب حاجی امين جناب محمد ابراهيم جناب حبيب الله جناب آقا

علينقی جناب حيدرعلی جناب ميرزا عليمحمد جناب آقا غلامحسين جناب عطاءالله

جناب ميرزا عليرضا جناب ميرزا فتح الله جناب محمد حسنخان جناب عليخان جناب مشهدی

سليمان جناب محمد باقر جناب محمد رفيع جناب محمد تقی جناب علی اکبر جناب موسی

جناب بديع الله جناب عليمحمد جناب محمد کريم جناب تاج الدين جناب علی بابا جناب

اکبر جناب محمود جناب ميرزا حسين جناب احمد جناب حسن جناب علی نقی حاجی محمد

جناب فضل الله جناب نوروزعلی جناب اسدالله جناب علی نقی جناب رضا جناب حسن جناب

مصطفی جناب علی بابا جناب نعمت الله جناب قربان علی جناب هدايت

ص ٤٤٢

جناب مصطفی جناب علی جان جناب رضا عليرضا جناب مشهدی عابد جناب فتحعلی جناب

حسين قلی جناب علی جناب مشهدی محمد حسين جناب مشهدی باقر جناب آقابابا جناب قاسم

جناب جعفر جناب محمد اسمعيل جناب محمد باقر جناب استاد حسن جناب غلامعلی جناب

حاجی جنابان غلامحسين وصفر عليهم بهاءالله الابهی

خط مبارک ٤٩٩

هوالله

ايدوستان آلهی چندی پيش آشفته جمال حق آقا غلامرضااستدعانمود که بان ياران‌آلهی

تحريری مرقوم گردد باکمال اشتياق وشوق نامه مرقوم گرديد وحال نيز رجای نگاشتن

مينمايد واين بنده‌آستانه ابهی را چندان مشاغل وغوائل که فرصت نگارش کلمهء‌نه با

وجوداين چون ذکر ياران آلهی را نموده بود چنان حالتی دست داد که بی اختيار خامه

برداشته ويذکرياران پرداختم ای عاشقان جمال قديم وقت جوش وخروش چون دريای بی

پايانست وهنگام احتراق باتش سدره رحمن چشم بملکوت آلهی باز کنيد وگوش به آهنگ

هاتف رحمانی دهيد تااز ملکوت غيب صلای بيداری شنويد وتحسين ملاءاعلی استماع

نمائيد ايدوستان اسم اعظم جميع بلايای مبرم را حمل فرمود وتحمل کرد تا از ماء

معين هدی بنوشيم ودر سبيل تقوی سلوک نمائيم وبانوار موهبت کبری در بسيط غبرا

مبعوث شويم ودر ظل کلمه وحدانيت بنشر نفحات الله مشغول گرديم ودر هردمی بروحی

جديد زنده شويم ع ع مقابله شد

ص ٤٤٣

هوالله

جناب ميرزامحمد باقر خان جناب محمد حسن خان امة الله بگم امة‌الله گوهر عليهم

بهاءالله الابهی

خط مبارک ٥٠٠ الله ابهی

ای ياران حقيقی چه نويسم که قلب در نهايت انجذابست وروح در غايت اشتياق

آتشی ازمحبت الله در دل افروخته وشمعی در زجاجه قلب روشن گشته که چون ياد

ياران خطورکند شعله‌اش جهانسوزگردد وزبانه اش عالم افروزملاحظه کنيد که دراين

بساط چه قدرمحترميد زيرا بندگی جمال قدم بگردن داريد وحلقه عبوديت اسم ؟اعظم

در گوش پس بانچه سزاواراين عبوديت وبندگيست مجری داريد تا رخ در ملکوت ابهی بر

افروزيد ع ع مقابله شد

خط مبارک ٥٠١ هوالابهی

سروستان جناب ميرزا فتحعلی عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

ای حامی اغنام آلهی خدمات و زحمات ومشقات تودراين انجمن مذکور ومعروف

علی الخصوص که درآستان آلهی مثل غلامرضا خان وکيل مخصوص داريد دائماًورد زبانش

بلکه کلمات نمازش ذکرشماست وياد شما گاهی يعنی اکثر اوقات لساناًو دائماً

مستمراًقلباً من اين شهادت را ميدهم واز عهده نتايجش بعون و عنايت جمال

ابهی برميايم تومسرور باش ومشعوف که در چنين آستانی رحمانی مطاف

ص ٤٤٤

ملاء اعلی چنين يار صادقی ودعاگوی موافقی که الان حاضر وهمدمست داری وليس هذا

الا فضل ربک وجوده‌العظيم ع ع مقابله شد

هوالابهی

سروستان جناب ميرزا فتحعلی عليه بهاءالله‌الابهی

خط مبارک ٥٠٢

هوالابهی

ايبنده آستان حضرت احديت عريضه واصل وملاحظه گرديد حديقه انيقه بود

بگلهای معانی مزين بود وبرياحين عين اليقين مشحون ومطرز مشام جان رائحه خوش

عرفان استشمام نمود ودماغ وجدان انفاس طيبه طيب ايقان استنشاق

کرد اگرتائيد ملکوت جمال ابهی جوئی برعهد وميثاق ثابت باش وديگرانرا

راسخ دار اگر عزت قديمه پايدار جوئی ترويج امرالله کن زيرا تبليغ امرالله

عبارت ازافشاندن تخم پاک در زمين طيب طاهراست والبهاء عليک ع ع مقابله شد

سروستان بواسطه جناب آقا علی اکبر زائر

جناب وکيل الرعايا جناب آقا سيد ميراحمد جناب آقاموسی جناب آقامحمود

جناب آقا مهدی جناب آقابديع الله جناب آقا حبيب الله جناب آقا حسين

جناب آقازين العابدين جناب خانی جناب آقا عبدالحسين جناب آقا علی

ص ٤٤٥

جناب حاجی علی جناب آقا محمد جعفر جناب حاجی امين جناب مشهدی قربانعلی جناب

مشهدی حسن جناب آقابهائی جناب حاجی خان جناب آقا هدايت جناب خان بابا

جناب حاجی آقا جناب آقا علی اکبر جناب آقاعلی جناب استاد علينقی جناب کاکاجان

جناب آقا علی شاه جناب آقا نجف علی جناب آقا محمد حسن جناب آقا محمد کريم جناب

آقا عبدالوهاب جناب آقافتعلی جناب آقا محمد تقی جناب آقارسول جناب آقامشهدی

محمدتقی جناب کاکاخان جناب آقا محمدحسن جناب آقا عبدالله جناب سياه خان جناب

مشهدی عابد جناب محمدعلی جناب عباسعلی خان جناب عطا جناب عباس جناب حسين آقا

جناب آقا کوچک جناب هادی جناب کربلائی محمد علی حسين والده بديع الله

ضجيع حاجی محمد شفيع ضجيع مشهدی سليمان ضجيع آقامهدی ضجيع آقاموسی ضجيع آقا علی

اکبر ضجيع مشهدی محمد هاشم ضجيع بديع الله بهيه خانم فائزه خانم رضوانيه خانم

هوالله

خط کاتب امضاءمبارک ٥٠٣

لک الحمد ياآلهی بما شغضت الاحبا حباًبجمالک وتجليت علی الاصفياءفی يوم

الوصال بايات جلالک ونفخت روح الحيواة فی قلوب الاوليا بفضلک و رحمتک

وانزلت عليهم مائدة السماء بجودک وموهبتک واصطفيتهم من بين الوری

لاعلاء کلمتک واجتبتيهم من بين الاحزاب لنشر نفحاتک وارتضيت لهم مقامات ؟

ص ٤٤٦

القدس فی ايامک ورشحتهم لتبليغ امرک وانتجبتهم لانتشار ذکرک فقاموا فيکل الجهات

علی بث الايات البينات ورفعوا الرايات ونشروا الکلمات وهتکوا الحجبات ونطقوا

بالبرهان فی اثبات ظهورک وانقطعوا عن الراحة والرخاء و احتملوا کل شدة

وعناء وصبروا علی الزرية والبلاء منجذبين الی ملکوت احديتک ومشتعلين بالنار

الموقدة فی سدرة فردانيتک ومشتغلين بترتيل آيات التوحيد اثباتاً لوحدانيتک

رب اخترهم للوفود عليک فی حديقة‌البقاء والورود علی ساحتک فی جنة‌اللقاء وبطلوع

من افق عنايتک فی عالم العماء والصعود الی اعلی فرع من فروع سدرتک المنتهی

حتی يترنموابابدع الانغام واحلی الايقاع فی جنة الماوی بذکرک وثنائک فی ملکوتک

الابهی انک انت المعطی الکريم العزيز الوهاب وانک انت القوی القدير الفاتح

للابواب لا اله الا انت المعطی بلا حساب ای دوستان حقيقی وبندگان آستان

آلهی حضرات زائرين چون بسجن نور مبين رسيدند بنهايت سرور بستايش موفور

از آن طيور حديقه آلهی لب گشودند که ياران سروستان راستانند وسر باستان

رسوائيند وشيدائی سودائيند وحريص در جان فشانی مفتون روی يارند

ومجنون زلف مشکبار اسير رنجير محبتند وامير سرير کشور عبوديت هريک

ص ٤٤٧

رااز عشق دلبر مهربان تاجی برسر و خلعتی ازالطاف مبارک دربر واله وحيرانند و

سرمست صهبای رحمن شب وروز نهايت آرزو دارند که برضای اسم اعظم موفق شوند ودر

سبيل جمال قدم جان فدا نمايند اين بيان نهايت روح و ريحان به اسيران

اين زندان بخشيد که الحمدلله موطن حضرت اعلی ولايت شيراز پرنغمه وآوازاست

واز پرندگان آن چمنستان شهناز بلند است احباءالله در جوش و خروشند

و ياران از دست ساقی عنايت باده نوش ورندان آلهی سرمست ومدهوش اميد چنين است

که عنقريب نور مبين آن کشور و زمين را باشراق بهشت برين نمايد وهريک ازياران

مانند طاوس عليين شهپر تقديس بگشايند و جلوه نمايد وشب وروز بجان ودل بکوشد

که بيگانگی بکلی از ميان برخيزد وپرتو يگانگی بدرخشد وحدت اصليه جلوه نمايد

وموهبت قديمه پرده براندازد تااين اتحاد واتفاق و وحدت ومحبت سرايت بديگران

نمايد وبيگانگان آشنا گردند ومحرومان محرم راز شوند وبی نصيبان از فيض قدم بهره

گيرند ودوران بملکوت حق نزديک شوند ای ياران آلهی بموجب وصايا ونصايح ربانی بايد

سبب وحدت عالم انسانی گرديد وبنيان بيگانگی براندازيد اگر در بين خود غباری

باقی گذاريد چگونه موفق باين بزرگواری گرديد پس ازدل و جان سعی بليغ نمائيد

ص ٤٤٨

وجهدی عظيم مبذول داريد که کل در ظل خباء توحيد محشور شويد وآيات تفريد تلاوت

کنيد و بمقامات تجريد رسيد لعمرالله ان عبدالبهاء يشتاق رويائکم ويتمنی اتحادکم

وائتلافکم ويضيق صدراًاذا لم يسمع بشرئکم وعليکم البهاء الابهی ع ع مقابله شد

هوالله

بواسطه جناب ميرزا جلال

جناب محمد حسن خان وجناب ملا جعفر سروستانی عليهما بهاءالله الابهی

خط مبارک ٥٠٤

هوالابهی

ای دونفس زکيه ندای شما بسمع اشتياق مسموع شد ولقای شما محبوب و مرغوب

گشت هرچند بصر محرومست الحمدلله بصيرت محرم اسرار حی قيوم در محضر حاضريد ودر

انجمن آلهی موجود و مشهود پس ملاحظه فرمائيد که مواهب حضرت احديت چه تاثيری در

عالم وجود نموده وفيوضات اسم اعظم چه قدرتی نموده که اين عبد را با آن ياران در

محفلی جمع فرموده وصد هزارفرسنگ را حکم قدمی داده اين چه محبت است واين چه

الفت اين چه انسيت است واين چه اتحاد ويگانگی و وحدت عنقريب ملاحظه

نمائی که صد هزار نفوس حکم يک نفس يابد وصد کرور اشخاص درظل يک خيمه

در آيند پس ای ياران با کمال ثبوت بر ميثاق در نشر نفحات بکوشيد تا اين گوی

ص ٤٤٩

خدمت امرالله را شما ازميدان بريائيد ع ع

شيراز بواسطه حضرت بشير آلهی جناب آقا محمد علی سروستانی ملاحظه نمايند

هوالله

خط کاتب امضاء مبارک ٥٠٥

آلهی آلهی قد سبقت رحمتک وتمت نعمتک و کملت موهبتک علی الذين

اعترفوا بوحدانيتک و اغترفوا من بحر رحمانيتک واقتبسوا من نار محبتک

رب ان عبدک محمد علی يرجوا لمغفرة لابيه واخته الذين ؟ ؟ باالدعاء ورجعا

اليک بقلب مطمئن بالفضل والعطاء رب اغفر لهما برحمتک التی سبقت الاشياء

وادخلهمافی جوار رحمتک الکبری انک الطيف بعبادک الفقراء وانک انت الرحمن الرحيم

عبدالهاء عباس

بواسطه جناب آقاميرزا هادی افنان عليه بهاءالله الابهی

سروستان جناب زائر حضرت حيدر علی سروستانی عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب امضاءمبارک ٥٠٦

ای ثابت برپيمان در ايام جنگ ابر سياه حرب عرصه را بر جميع تنگ نمود مخابره

مقطوع وراه مسدود شد و وسائل روابط مفقود وهر انسان بالطبع منجمد ومخمود نه خبری

ونه اثری نه پيامی نه سلامی ارواح امداد خواهد ونفوسرا انفس رحمانی شايد

الحمد لله ابرسياه حرب متلاشی شد وصبح صلح عموميرا بدايت طلوع متلالی گشت

ص ٤٥٠

راههای بسته باز شد ودلهای خسته آسوده گشت مشامها برائحه طيبه معطر گرديد و

ابصار بمشاهده‌آثارمنورآمد دوباره نسيم جان پرور وزيد ونفوس به آرزوی

خويش رسيد واز ظلمات حرمان برهيد مرقوم نموده بوديد که از قلم عبدالبهاء

تا بحال اثری بان ديار نرسيد حال آنکه مکاتيب متعدده بجهت نفوس ارسال شده

ولی هنوز چاپار وبريد انتظام نيافته اميدواريم که من بعد منتظم گردد و مخابره

دمبدم شود اما جان عبدالبهاء در آن اوان هميشه بنفحات رحمن که از قلوب

دوستان ميوزيد در نهايت روح وريحان بود ودر آستان يزدان تضرع مينمود

وياران روحانی وياوران رحمانی را تائيد سبحانی ميطلبيد که از فضل جليل مربی

امکان آفتاب لامکان نير پنهان هريک چون حضرت خليل در نيران فراق برد

وسلام يابند ايدوستان حقيقی من ياران سروستانرا فيوضات عهد وپيمان

والطاف رب الايات جويم اميدم چنان است که همواره مسلک ابرار پويند

واز اغيار بيزار باشند الحمدلله زنجيرمحبت وثيق است وعلاقه قلب شديد

وياران ثابت سرمست از رحيق کاس انيق زادکم الله ثبوتاًو رسوخاً

وانار وجهکم بضياء شمس الحقيقه وافاض عليکم فی يوم الميثاق فيضاًواشراقاً

ص ٤٥١

وسطوعاًوعليکم البهاءالابهی ٢٠ صفر ١٣٣٨ حيفا عبدالبهاء عباس مقابله شد

بواسطه جناب بشير آلهی

جناب آقا حيدرعلی سروستانی عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب امضاء مبارک ٥٠٧

ای ثابت نابت اثر خامه مشکين حلاوت شهد وانگبين داشت لهذا

مذاق روحانی شيرين گشت ازسختی و گرانی ايران ناله وفغان نموده بوديد

اما هيچ ميدانی که ايرانيان چه کرده اند وهنوز غافلند در اقصی بلاد امريکا نفوس

بيدارشده‌اند واهل ايران هنوز در خواب غفلت گرفتارسختی و گرانی ازگران جانيست ؟

که‌مورث هربلائی وسبب هرابتلائی شمادعا کنيد که نفوس بيدارگردند وبدرگاه پروردگار

راه يابند همه‌اين زخمهامرهم يابد وجميع اين درد ها درمان جويد جناب حاجی آقارضا

وبقاءالله را تحيت ابدع ابهی برسان جناب علی اصغر را از قبل عبدالبهاء تهنيت و

رعايت ابلاغ نما حضرت آقا ميرزامحمد باقر خان فی الحقيقه ثابت برپيمان ومعين

مظلومان وفرياد رس بيچارگانست درآنچه ميتواند قصور نمينمايد جناب استاد حسن فخار

و جناب استاد عبدالله سلمانی را تحيت روحانی برسانيد اين قلم ضعيف بايد با جميع

احبای آلهی مخابره نمايد ملاحظه کنيد اگراسم تنها بنگارد البته از عهده برنيايد

ص ٤٥٢

لهذا از حضرات عذر بخواهيد که فرصت مکاتيب عليحده نيست وعليک البهاءالابهی

عبدالبهاء عباس مقابله شد

هوالله

حضرة ورقه مبارکه حرم جناب افنان شجره رحمانيه آقاميرزا عبدالوهاب عليه بهاءالله

الابهی

خط مبارک ٥٠٨ هوالله

ای ورقه مبارکه جناب فرع سدره مقدسه افنان دوحه رحمانيه عازم رجوع بانصفحاتست

و متذکر بايات بينات لهذا ارمغانی بجهت تو خواست و در وجود اعظم ارمغان الطاف

حضرت رحمن و بشارت عنايت رب يزدانست الحمد لله فضل وجود سلطان

وجود در حق شما وايشان بی پايانست و عبدالبهاء با نهايت تضرع وابتهال افنان

سدره وجود را درهردم فضلی مشهود خواهد جميع منتسبين دوحه تقديس را از

قبل من تحيت ابدع ابهی ابلاغدار وعليک البهاءالابهی ع ع مقابله شد

هوالله

ارض يا حضرت فرع جليل سدره مبارکه جناب حاجی ميرزا محمد تقی عليه بهاءالله

الابهی هوالابهی

خط مبارک ٥٠٩

ايها الفرع الجليل من السدرة الالهيه الحمد لله که فيوضات ملکوت ابهی ازجميع

ارجاء و انحاء چون باران نيسان متتابع ورايت ميثاق در قطب آفاق

ص ٤٥٣

مرتفع نير امرالله در اوج عزت ساطع وبساط امن وامان درکل بلاد مفروش واز

جميع طوائف از شرق و غرب در ظل امرالله داخل عنقريب سطوت کلمة الله

کائنات را بحرکت آرد و هيکل عالم را مرتعش کند وقلوب را منتعش نمايد

حمداًثم شکراًسبحان الله اهل فتور همت گماشته اند که اين نور مبين را

ازديده‌ها سترنمايند واين بدرمنير را مخفی کنند علوامرالله راانکار نمايند وسمو

کلمات الله را احتجاج کنند قصد آنرا دارند اين گلپارها؟ کز غمه؟ پوشند

خورشيد ترا هيهات هيهات ايعمی الناضرون عن الضياء باری اگر حزب

شبهات بانصفحات با جنود مفتريات والواح محرفه هجوم آرند البته

آنحضرت بايد بکمال قوت مقاومت فرمايند که مبادا حلول در ضعفاءنمايد

علی الخصوص نساء را بايد بسيار محافظه از مسائل اوراق شبهات نمود

چه که آنان کينوناتشان بسيار رقيق است اندک غباری تاثير نمايد باری اهل

فتورشب و روز باکمال الحاح در سعی وکوششند که نار محبت الله را خواموش

نمايند و کتاب عهد و کتاب اقدسرا که ناسخ جميع الواح و زبراست فراموش کنند

ايفرع تير عدوان آشنايان ازسهم بيگانگان مسمومتر و زخم تيغ مدعيان

ص ٤٥٤

از شمشير دشمنان شديدتر درهردمی سهمی ودرهرنفسی سنانی انما اشکويثی وحزنی

الی الله‌ای افنان سدره رحمانی اين طيرآشيان آلهی رازاغان جفا احاطه نموده‌اند

و جغدان بی وفا هجوم کرده واين غزال مرغزار رحمانی را ذآب کاسره مسلط شده

اندازهر سمتی صد هزار تيرافتراپران واز هرجهتی هزاران شمشير بغضاء تند وتيز

و بران واين جسم نحيف بی نصير ومعين وبيسر وسامان جميع طوائف عالم متصل

در هجومند وياران وآشنايان بيش ازکل دراشد طغيان ديگرملاحظه فرمائيد که‌اينمظلوم

دربين احزاب چگونه مبتلا رب ايدنی علی حمل ثقل البلاء وتحمل هذا الجفاء والتجلذ

فيموارد الباساء والضرآء ايرب قرب ايام صعودی اليک و وفودی عليک

و حضوری بين يديک حتی انجومن ظلام ظلم هولاء وادخل فی فضاء انوار

قربک ياربی الابهی و استريح فيجوار رحمتک الکبری ايرب ضاقت علی الارض

برجها واشتدت علی الازمة باسرها وتفاقمت الامور وهجم جمهور اهل الفتور

بسهام و سنان وسيوف البغی والطغيان و جعلونی هدفاًللنبال و غرضاًللنصال

ايرب انت معينی ونصيری وانت ولی ومجيری اجرنی من ظلم هولاء الذين

لم يراعوا عهدک وميثاقک ولم يحفظوا حرمتک ولم يصونوا حماک هل ؟؟ وا

ص ٤٥٥

اليک الخطاء وادعوالانفسهم الصواب وقالوا ان المنصوص فی کتاب يستحق

السب والاجتناب واول من نقض الميثاق وترک امرک وخالف عهدک يستحق

الاطاعة والانقياد ولوقام باشد الاحتجاج علی مطلع انوار عهدک السراج الوهاج

ای رب افتح ابصارهم المطموسه وشق آذانهم المسدوده وطهر قلوبهم المظلمة

المحجوبه انک انت القوی القدير ع ع مقابله شد

جميع ياران آلهی را تکبير ابدع ابهی ابلاغ فرمائيد والبهاءعليک ع ع

هوالابهی

يزد حضرت افنان سدره مبارکه جناب حاجی ميرزا محمد تقی عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی الابهی

خط مبارک ٥١٠

آلهی آلهی انی اناجيک بلسان الابتهال متذللاًمتصدعاًمتمسکاًبحبل‌التذلل والانکسار

خاضعاًخاشعاًلعظمتک وسلطانک و ربوبيتک يا عزيز يا غفار واستغفرک

ياآلهی عن ذنوبی و خطيئاتی التی اخجلتنی وثقلت علی واشغلتنی عن‌الفناءفی فناباب ؟

احديتک ومنعتنی عن الصعود الی ملکوت الشهود و حجبتنی عن مشاهدة آياتک

الکبری فی حيز الشهود و حالت دونی و دون ملاحظة انوار قدسک التی نورت

الاقطار و شاعت و ذاعت بها الاثار وسدت مشامی عن استشمام

ص ٤٥٦

روائح تقديسک‌التی عطرت الارجاء واحييت بهاالقلوب والارواح ايرب

استغرقت فی بحارالغفلة والخطاء هل من منقذ الاانت وقد وفعت فی

وهدة‌الذلة والفناء وهل لی من مغيث الاانت وابتليت وغشت الابصار

غطاء الحرمان وهل لی من کاشف الاانت فو عزتک قد ضاقت الافاق

نجنی بفضلک و عنايتک ياعظيم‌الوفاءقداشتدت ظلمات الاکدارانقذنی وارفعنی

الی جواررحمتک الکبری واحرسنی بجنود کلائتک ياذالرحمة‌العظمی واحمنی من

سهام اهل الشبهات المصوبة‌الی من جميع الجهات لا ستريح بباب احديتک

فی ملکوتک الابهی واسترزق من موائداللقاءانک‌انت‌الکريم ذولعطاء ع ع مقابله شد

هوالابهی

يزد حضرت‌افنان سدره‌مبارکه‌الفرع‌الجليل جناب حاجی ميرزامحمد تقی عليه بهاءالله

خط مبارک ٥١١

هوالابهی

ای افنان سدره مبارکه آلهيه الان که درذيل جبل کرمل درکمال

بشارت بخدمت استان مقدس مشغول ودر رفع بنيان مطاف قدسيان

منهمک ومالوف شب وروزباين عبوديت جديده مسرورومشعوف که نامه روحانی

آنحضرت رسيد وازاخباراستقامت جميع افنان سدره مبارکه‌آن سامان نهايت

ص ٤٥٧

انبساط حاصل گشت وحضرات ديگر ترويج امرالله را فراموش نموده خدمات

آستان مقدس را کنار گذاشته اعلاء کلمة‌الله را نسيان نموده وتخلق

باخلاق راعبث پنداشته عزت قديمه سرمديه بثوت برميثاق رااوهام‌انگاشته

شب و روز بنشراراجيف مشغول گشته ودر نشر اوراق شبهات کوشيده

ازبعدازصعودالی الان جميع اهل فتور يک نفس را تبليغ ننموده سبحان‌الله

اين چه مسلکی واين چه غفلتی واين چه نادانی واين چه بدبختی وفلاکتی ؟قسم بجمال

قديم که قلب چنان بجهت اين قوم متاسف که وصف نتوان نمود چاه را بينند باز

خودرا دراندازند وسم رامشاهده کنند باوجود اين بی جرعه نوشند رسوائی

وذلت وخسران دنيا وآخرت را مشاهده کنند با وجود اين خودرا دراندازند

باری الحمد لله که احباب يزد بهمت آن حضرت جميع ثابت وراسخ انشاءالله

سائرافنان متزلزلزل نيز ثابت گردند در خصوص مشرق الاذکار عشق آباد هرنوع

مصلحت بدانيد امرفرمائيد تا مجری دارند ع ع مقابله شد

ورقه جوف را ملاحظه نمائيد بعد بحضرت افنان بدهيد چون مشغول ببنيان مرقد

مقدس مطهريم اگر چنانچه دونفراز حضرات افنان سدره مقدسه که ثابت بر پيمانند

ص ٤٥٨

حاضرگردند وبااين عبد بخاک کشی وسنگ کشی درمقام مبارک مشغول شوند بسيار

سبب سرور قلب است ودرخصوص مجلس در يزد هرنوع آنحضرت مصلحت دانند

مجری فرمايند وکل بايداطاعت کنند ع ع مقابله شد

(٩) يزد کنيزعزيزآلهی فرح انگيز ورقه سدره رحمانيه عليها بهاءالله

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٥١٢

ای ورقه شجره طوبی منظومه بليغه وابيات فصيحه شمارسيد ودرنهايت روحانيت

در محفل تبتل ترتيل گرديد فی الحقيقه فصيح بود وبليغ وبديع ومليح مضمون‌اشارات

بايات توحيد بود ومفهوم شعله نار محبت حی قدير ازخدا خواهم که بابی از حقايق

ومعانی برروی تو بگشايد وآن دل پاک را بجواهر معارف بيارايد تا زبانی

بگشائی که‌اهل ملاءاعلی را حيران نمائی وروزبروز برايمان وايقان وعرفان

بيفزائی مويد باشی وموفق گردی ع ع مقابله شد

هو

حضرات افنان شجره رحمانيه جناب آقاميرزاآقا وجناب آقاميرزامحمود وجناب

آقا ميرزاباقر عليهم بهاءالله‌الابهی

هوالله

خط مبارک ٥١٣

جناب امين عليه بهاءالله حاضر وزبان بستايش آن افنان شجره مبارکه گشوده

که الحمدلله هريک درافق عرفان مه تابانند وهرکدام درثبات برپيمان مانند

ص ٤٥٩

جبل ثابت راسخ قوی البنيان ازفضل حق روشن ونورانی و روحانيند وازرشحات سحاب

عنايت بمثابه اشجارفردوس احديت در نهايت طراوت ولطافت وتازگی اين ستايش

در جهان آفرينش اعظم زينت وآرايش است رب ايد افنان سدرة رحمانيتک

علی اعظم من هذا ع ع مقابله شد

شيراز حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزاآقا نجل جليل من فازبالرفيق الاعلی

عليه بهاءالله

هوالله

خط کاتب مهروامضاء مبارک ٥١٤

ايهاالفرع‌الرفيع من‌السدرة‌الرحمانية هميشه بدرگاه حضرت‌احديه بکمال تضرع وابتهال

مناجات ميگردد که آن فرع رفيع را نشوونما بخشد وطراوت ولطافت عنايت کند

تاسايه برآن اقليم افکند واثمار شجره طوبی ببار آرد ان ربی هوالمويد الکريم

الرحيم مطاف ربانيان وکعبه روحانيان يعنی بيت مقدس را از هرجهت محافظه

وصيانت لازم وواجب وخدمتی اليوم اعظم ازاين در آستان مقدس نه کل بايد

بان قيام نمائيم لهذا بقدرامکان بکوشيد که محلی در جوارتعلق به بيت مقدس داشته

باشد ومسکن خادم ومحل طائفين حول آن کعبه مقصود شود خانه که حضرت افنان سدره

آلهيه جناب‌آقاسيد مهدی عليه بهاءالله‌ابتياع فرموده‌انداگرممکن باشد ومستحسن شمرند

ص ٤٦٠

بهرنوعی که رضای مبارکشان باشد خوبست تعلق به بيت مقدس يابد بسيار عمل

مبروريست زيرا بيتوتت در بيت مقدس جائز نه بهر عنوانی باشد بايد بيت مقدس

فارغ باشد وعليک التحی والثناء ع ع مقابله شد

اين دوسطر آخر لوح ٥١٤ بخط مبارک است

مقصود اينست که خادم درآنمحل منزل نمايداماملک جناب آقاسيد مهدی باشد

مگر آنکه خود ايشان بکمال روح وريحان آنرا وقف بيت مقدس فرمايند ع ع

شيراز حضرات افنان سدره منتهی عليهم بهاءالله‌الابهی ملاحظه نمايند

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٥١٥

لم ادرياآلهی ان اشکواليک ای بلائی وابث ای حزنی وابتلائی ارثيت يا محبوبی

علی ای مصيبتی‌ابکی وعلی ای بينتی اتاوه وانتحب فی غدوی وآصالی اارفع

يخلبی علی تتابع البلاء وهجوم الاعداء بهذاالاثناءام‌اسيل الدموع من آلاماق

علی مااشتدالساق بالساق من اهل النفاق علی عبدک الذی هو هلال الانحلال

عند المحاق ء اتاوه واتحسر بماودعتنی تحت مخالب الصقورالصاقرة وودعتنی

فريداًوحيداًتحت براثن الذئاب الکاسره وقطعت علی السبل والطرائق واخذنی

حسد الخصماء الالداءالمتشبثين بکل الوثائق ان يرمونی فی بئرٍليس لهاقرارمن

اعلی الشوائق ام اتحسر علی توالی المصائب القاصمة للظهور الراعدة للفرائض

ص ٤٦١

رب ترانی مغلوباًمقهوراًتتلاعب بی ايدی الابا عدوالاقارب فما من يوم الاسهم

مفوق مرشوق ومامن صبح الاوسنان مصوب مشروع ومامن مساء الا وسيف

شاهر مسلول ومامن عشاءالاوکاس مرير مسموم وانافی هذه‌البلية‌العظمی ذامل الفکر

والنهی واذاصوت الناعی ينبغی بالمصيبة الکبری وينبأعن الزرية العظمی وهی

شهادة فرع دوحک الرفيع وماتم افنان سدرة رحمانيتک الجليل سمی رسولک الکريم

احمد المحمود القوی المتين الذی انبته من شجرة فردانيتک ولشاونما فی ظل

سدرة رحمانيتک و سمع ندائک وآمن بک وباياتک وصدق بکلماتک

وطفح قلبه سروراًببشاراتک وقام علی خدمتک واستقام علی عبوديتک وتحمل

کل بلاء فی سبيلک وتجلد علی کل مشثة فی محبتک فهاجر البلاد حباًبالرشاد

الی ان ورد فی السجن الاعظم واستجار جمال القدم ودخل محفل التجلی وشاهد انوار

المتجلی وسمع الخطاب وسلک منهج الصواب وتشرف بالمثول بين يدی العزيز

الوهاب ودام فی الجوار متمتعاًبمشاهدة‌الانوار الی ان ذاق امر المذاق

فی يوم الفراق عند ما اظلمت آلافاق بافول نورالاشراق وتضعضع ارکانه

وترعرع اعضائه وتسعسع اجزائه وذاب لحمه واندق عظمه من تلک المصيبته الدهما

ص ٤٦٢

والرزية‌الظلماء ثم هاجرالی البلادالشاسعة فی آلافاق خدمةً‌لامرک بين اهل الوفاق

وقدومن عظمه وانحی ظهره وابيض شعره فی خدمتک بين الوری وله غاية‌امی ان يرجع

الی الارض البيضاء ويتواری حول البقعة المبارکة النوراء ويرجع اليک مستبشراً

بالبشارة‌الکبری ولکن ياآلهی سبق منک القضاء وتمت کلمتک عليه ان يستشهد

فی سبيلک فی موطن النقطة اولاولی روحی له الفداء فثلت يدا من اعتدی وبعداًوسحقا

لمن تصدی علی هذه الخطيته التی اندفقت بها دموع الدم من آماق الاحباء رب

افرغ الصبرالجميل علی الفرع الجليل وافنان سدرةر‌حمانيتک فی ماتم ذلک القتيل

النبيل وکن سلوةً‌لقلوبهم وضماد لجروحهم ووفقهم علی الرضاء بالقضاء والتجلد

فيهذا البلاء والصبر علی الجمرالمحترق للاکباد رب نور جدث ذلک الفرع المجيد و

طيب رمس ذلک الشهيد الوحيد بصيب رحمتک المنهمرالمدار من سحاب الغفران وابسط

قوادم الانجذاب وابامرالاشتياق وخوافی الارتياح حتی يرفرف ذلک الطير الصداح

فی سماء علاء بهاءالارواح ويصل الی اعلی ذروة ملکوت الابهی ويواوی الی السدرة

المنتهی ويترنم بابدع الانعام فی قطب الجنان ويدخل فی محفل التجلی ويشهد نور

الجمال المتلالی ويتخلد فی جنة اللقاء ويرتزق نعمة البقاءالی ابدالابادانک انت

الکريم

ص ٤٦٣

العزيز الوهاب وانک انت المعطی الغفور الرحيم الرئوف ع ع مقابله شد

شيراز بواسطه بشيرآلهی جناب آقاميرزا آقای افنان عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهروامضاء مبارک ٥١٦

ايهاالفرع الرفيع من سدرة الرحمانيه نامه ١١رجب بعد ازمدتی واصل گرديد لذا در

جواب تاخيرافتاد ازيوم حرکت الی الان اين نامه رسيده اما عبدالبهاء همواره بياد

تومشغول وبذکر تومالوف واز آستان مقدس ترا تائيد وتوفيق طلبم تا در قطب امکان

ثابت ومحقق نمائی که فرع آنسدره مبارکه ئی وشرف اعراق وعلويت اخلاق را جمع نموده

ئی نسبت حقيقی است وبعبوديت آستان سهيم وشريک منی ای حبيب روحانی حضرت

بزرگوار افنان سدره مبارکه جناب ابوی محترم سرور ابرار بود واز ملکوت اسرار

نظر وتوجه تام بشما دارد وآرزوی آن ميفرمايد که از رشحات سحاب عنايت وحرارت

شمس حقيقت ونسيم جانپرور عنايت در جويبار امر مبارک چنان نشوونما نمائی که شاخ

وبرگ بعنان آسمان رسانی تا عزت ابديه رخ بگشايد افنان سدره ربانيه جناب

ميرزا کوچک را از قبل من روی وموی ببوس وتشويق وتحريص نما که شب وروز

بخدمت آستان پردازد وعليک البهاءالابهی ع ع مقابله شد

عشق آباد حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا ميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

ص ٤٦٤

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٥١٧

هوالله

ايهاالفرع الرفيع من الشجرة‌الرحمانيه مصائب جان سوزنی ريزالبته بسمع شريف رسيده

نفوس مقدسه وهياکل منزهه ئی از جواهر وجود وسروران اهل سجود بمشهد فدا منجذباً

الی الملکوت الابهی شتافتند و جان رايگان در ره يزدان فدا نمودند بکت عليهم

السماء والارض وارتفع نحيب اهل البهاء فيهذه المصيبة الکبری واشتد الضجيج من

الملکوت الاعلی فيهذه الزرية العظمی فيااسفی علی تلک الوجوه‌النورانيه ويا حسرتی

علی تلک النجوم الرحمانيه ويا ظمای للتجرع من تلک الکاس الطافحة فی مشهد الفدا

ويا شوقی للفوز بذاک المقام الاعلی رب ان هولاء نفوس زکت عناصرها وصفت ضمائرها و

لطفت سرائرها وانجذبت الی ملکوت الجمال محفل اللقاء مرکز البقاء معرض التجلی

يانوارالبها رب انهم اشتقاقوا السيوف المسلوله والسهام المسمومه والرماح النواهل

فی سبيلک حبا بجمالک و طلباً لوصالک وشوقاًالی رحابک رب اجعلهم کواکب ساطعة

من افق البقاء وسرجاً لامعة فی الاوج الاعلی وآيات باهرة من ملکوت الابهی

و رايات شاهرة فی قطب الوفا انک انت المويد الموفق من تشاء علی ما تشاء لااله

الا انت العزيز الوهاب ايفرع جليل بازماندگان شهدا بيسر وسامانند

ص ٤٦٥

و آوارگان متفرق وپريشان لهذا بايد فکری نمود احبای شيراز همتی نموده اند وياران

طهران اعانتی کرده‌اند ولی کفاف کی کند اين باده ها بمستی ما علی العجاله بوسائلی

تشبث شد وهزارتومان واندکی تهيه وتدارک گشت از بادکوبه نزد شما ارسال ميدارند

فوراًحواله شيراز دهيد که صدتومان بجناب عندليب برسانند وما بقی را ببازماندگان

شهدا وآوارگان تقسيم نمايند تا بعد به بينيم خدا چه تقدير ميفرمايد الامرله فی

جميع الامور والاحوال وعليک البهاء الابهی ع ع

هوالابهی

جناب حاجی شعبان عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٥١٨

هوالابهی

ای خادم افنان سدره‌آلهيه شکر کن حی قديمرا که بزيارت روضه مبارکه مشرف شدی

واز نفحات آن گلستان آلهی مشامرا معطر نمودی ديده راروشن وقلب را رشک

گلزار وچمن کردی از خدا بخواه که بانچه سزاواراين شرف اعظم است موفق شوی

وبجان ودل بخدمت افنان قيام نمائی چون نيت لله ميگردد هرخدمتی راجع باصل

شجره ميشود پس تواصل نيت را خالص کن البته باجرجزيل ورضای آلهی موفق ميگردی

والبهاء عليک وعلی کل ثابت راسخ علی عهدالله وميثاقه ع ع مقابله شد

هوالابهی

ص ٤٦٦

هنکانک حضرات‌افنان سدره‌آلهيه جناب فرع جليل حاجی ميرزامحمد علی عليه بهاءالله

الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٥١٩

هوالابهی

ايهاالفرع الجليل من‌السدرة‌المبارکة‌المرتفعه فی سيناءالظهورقد غاب صبح الفرح

والسرور وخاب اهل الحبور وانطفاء سرج الصدور وناحت الحور فی اعلی غرفات

القصور و نادت اواه اواه ان الناعی نعی قد وقعت مصيبة ومنت بها

شدائد القوی قد انخسف بدر آلامال وانتشرت نجوم الجمال ومورت شموس الجلال

وصاح اهل سرادق الاجلال واحزنا واويلا قد صدمت زرية بها اندام بنيان‌الاصطبار

و خسفت بها صروح الافراح قد اشتدت ارياح البلاء وهاجت زوابع الابتلاء

ومرت عواصف القضاء واقتعلت اشجار الوفا فنادت الطيور علی افنان

سدرة‌المنتهی يا اسفا علی تلک الوجهه النوراء والعزة‌الغراء والخريدة الفريدة

فی اکليل العلياء قد سالت العبرات وتسعرت نيران الحسرات واظلم انوار المسرات

وشقت الجيوب طلعات مقدسات و نحن وارتفع ضجيجهن بالعويل يا حسرتا بما انهدام

الرکن الشديد ونکس علم مجيد وطوی شراع رفيع وانخدمت نيران الافراح اگر چه

اين ماتم رابا چشم گريان وقلب سوزان وبريان اهل سرادق رحمن تلقی نمودند وازآه

ص ٤٦٧

وانين وتاوه وحنين انجمن يزدان دقيقهء‌آرام نگرفتند دراينصورت تسلی مشکل است

ولی چون آن طير حديقه بقاء برياض ملکوت ابهی پرواز نمود وآن بلبل باغ بها

بفردوس ملاءاعلی عروج فرمود بايد آنحضرت جميع فروع سدره را تسلی بخشند

ودلداری دهند ازفضل قديم وجديد رب مجيد اميدواريم که عنقريب کل درآن انجمن

رحمن مجتمع گرديم ودرآن ظل ظليل مستظل شويم از عين تسنيم بنوشيم

ودربساط اهل ملاء عالين داخل گرديم انه هوالموفی‌المويدالکريم ع ع مقابله شد

هوالله

مناجات درذکرفرع جليل حضرت حاجی ميرزا محمد علی افنان عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٥٢٠

هوالله

وانت الذی يا آلهی خلقت وبرئت و ذرئت بفيض جودک وصوب غمام رحمتک

حقائق نورانية رحمانية و رقائق کينونات ربانية صمدانيه وربيتها فی عوالم

قدسک بيد ربوبيتک وانشئتها بصرف فضلک وانبتها من سدرة فردانيتک

واخرجتها من دوحة صمدانيتک و جعلتها آيتک الکبری وموهبتک العظمی بين

خلقک ومن تلک الحقائق هذا الفرع الکريم والاسم العظيم والنور المبين

ص ٤٦٨

ذوالخلق البديع والوجه المنير ای رب اسمعته ندائک واريته جمالک وهديته

الی صراطک وشرفته بلقائک والقيت عليه خطابک وجعلته مظهر الطافک

ومطلع احسانک و مهبط الهامک واضئت وجهه بنورعرفانک وعطرت

مشامه بنفحاتک وانطقة بثنائک وشرحت صدره باياتک وارحت روحه

بجودک وروحک وروجک وشميم نسيم حديقة اسرارک و اثبة علی عهدک

وميثاقک ومکنت له فی الارض الوجود بقوتک واقتدارک ای رب لما هديته الی

النارالموقدة فی سدرة‌البقاء واصطلی بنارالهدی فی سيناءالاعلی شرب کاس

الوفا وثمل من سورة‌المشمولة الصهباء وصاح ونادی ياربی الاعلی وفقنی علی

ماتحب وترضی وبيض وجهی فی النشاة‌الاخری کما نورته فی النشاة‌الاولی فلما

تنفس صبح الهدی واشرقت شمس ملکوتک الابهی وانتشرت انوارک علی کل

الارجاء توجه الی ضياء جمالک توجه الحرباء واجاب ندائک ببلی وهام فی بيداء

الولاء واستهام فی نور جمالک الساطع علی الانحاء وقام بالثناء بين ملا الاحباء

وتوکل عليک وتوجه اليک و وفد عليک وتمثل بين يدک وتشرف بالاصغاء

باذن واعيه واحتظی بالمشاهدة واللقاء ببصيرة حديده کافية وشغفته حبا وملائتگ ؟

ص ٤٦٩

عشقاًوغراما وناجاک صباحاًومساء وغدوا وآصالاای رب اکمل ايامه وانتهی القاسه؟

وترک قميصه وخلع ثيابه و رجع اليک طيباً طاهراًعرياناًخالصاًمشتعلاًمنجذباً

متشوقاًمهتزاًبنفحاتک اکرم مثواه وانزله منزلاًمبارکاًخير نزل فی جوار رحمتک

الکبری وارفعه الی مقعد صدق مکمن قدس فی ملکوتک الابهی و ظلل عليه سدرتک المنتهی

واحشره مع الملاء الاعلی واسقه کاس اللقاء وقدر کل خير لمن يزور رمسه الطاهر

المسکی الشذاء واجب دعاء من يدعوک فی بقعة روضة الغناء انک انت الکريم الرحيم

العظيم الوفاء وانک انت الرحمن ياربی الاعلی ع ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٥١٢

جناب افنان حضرت آقاميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

رب مولائی وسيدی ومنائی انت رجائی وانت بهائی فضلک غاية امالی

و جودک اعظم سئوالی ذکرک سراجی وشوقک سبيلی ومنهاجی حبک روحی

وفيضک فتوحی عرفانک ايمانی وافنانک سلوتی واطمينانی اسئلک بموهبتک

التی حضرت بها کل الاشجار واثمرت بها کل حدائق الجنان وانتشت بها کل رياض

واهتزتت وربت وانبتت کل غياض بان تجعل هذاالفرع خضلاً؟نضراًمخضراً

ص ٤٧٠

زياناًمولقاً؟ فی ايکة قدس فردانيتک و روضة انس رحمانيتک حتی تبهر الابصار وتحير

الافکار وتشخص الانظار نظارته ولطافته وطراوته انک انت المقتدر المتصرف المعطی

الجود؟ الکريم ع ع مقابله شد

هوالابهی

حضرت فرع شجره مبارکه جناب حاجی ميرزامحمد علی عليه بهاءالله الابهی ملاحظه

نمايند هوالابهی

خط مبارک ٥٢٢

ايها الفرع الجليل من السدرة الرحمانيه چندروزی پيش مکتوبی ارسال شد وحال چون

قلب وروح بنفحات روحانی محبت احبای آلهی مستبشر خامه ومداد حاضر نموده وبذکر آن

محبوب فواد مشغول گرديدم واز الطاف خفيه سلطان احديه اميدواريم که آن فرع مبارک

شجره رحمانيه درجميع احيان بنفحات قدس رحمن مهتز وزنده وتروتازه باشند وبنسائم

رياض جمال وانفاس طيبه طيب فردوس يزدان مستبشر ومنشرح گردند درمدينه عشق آباد

امرالله مشتهر وواضح وباهر وبهيچوجه ستروحجابی درميان نه حضرات در آنجا در بيت

اعظم اساس مشرق الاذکاری نهادند وناتمام گذاشتند حال جميع طوائف سائره در آنجا

حتی بعضی اجزاء حکومت سئوال واستفسار مينمايند که چرا ناتمام گذاشته اند وبعضی

حمل برعجز اين طائفه نموده اند که تابحال قدرت بنای يک مشرق الاذکار ندارند چه

که در آن مدينه

ص ٤٧١

تقيه نمانده که مداراعتذارباشد واز قضا مقداريکه تعمير شده آن نيزبرقواعد واصول

مشرق‌الاذکاربنانگشته لهذانقشه آن دراينجا کشيده شد که درهرجا بخواهند که بناکنند

براين منوال تاسيس نمايند حال مقصداينست که‌ازآنحضرت دراين خصوص مشورت گردد که چه

مصلحت ميدانيد ونقشه نيزارسال ميشود اين نقشه نه باب ونه خيابان ونه باغچه ونه

حوض ونه ظلع ونه عمود ونه رکن ونه غلامگردش ونه رواق ازداخل است

که جمعاًنه اندرنه است که ترتيب روضه مظهره خواهد بود حال چون اسباب مهيانه

مقصداينست که محلی درارض اعظم عبارت از نه رکن در وسط ارض بنا شود من بعد

بمقتضای وقت واسباب اکمال گردد وآن بنا که از پيش شده درکناره واقع

بان بهيچوجه تعرض نشود برحال خود باقی ماند والبهاء عليک ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش حضرت افنان سدرهر‌حمانيه جناب آقاميرزاآقا عليه بهاءالله‌الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٥٢٣

هوالابهی

ايهاالفرع الرفيع من السدرة‌المبارکه چنديست که خبری ازآن فرع رفيع نرسيده ونفحه

معطری بمشام مشتاقان نرسيده از الطاف خفيه وعنايات جليله ملکوت ابهی اميدواريم

ص ٤٧٢

که در جميع امور مويد بتائيدات غيبيه آلهيه گرديد وسبب نشر نفحات رحمانيه جناب

عندليب عليه بهاءربه الجليل ببلاياء وضراء واضرار مبتلا شدند واز هرجهت

دلتنگی ودستنگی بجهتشان فراهم آمده است ملاحظه ايشان از هر جهت لازم

وواجب لهذا اگر چنانچه از حقوق چيزی نزد آنحضرت حاضر گردد مبلع هشتاد تومان

تقديم جناب عندليب فرمائيد ع ع مقابله شد

هوالابهی

حضرت افنان دوحه بقا جناب ميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٥٢٤

هوالابهی

ايهاالفرع الکريم من الشجرة‌المبارکه چون دراين‌ايام‌سيل شديد درنيريزشده واهل و

عيال جناب حاجی ميرزا حسين عليه بهاءالله الابهی آنچه داشته کل معدوم ومفقود

گشته درنهايت درجه مشقتند لهذااگراز حقوق چيزی نزدآنجناب موجود مبلغ سی تومان

بعيال جناب مشاراليه وسی تومان بجناب آقاميرزااحمد علی که درنيريزاست بهر وسيله

که ممکن باشد برسانيد واين کيفيت سبب حصول رضای جمال مبارک روحی لاحبائه فداست

والبهاء عليک ع ع مقابله شد

هوالابهی

حضرت افنان سدره منتهی جناب آقاميرزاآق عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

ص ٤٧٣

خط مبارک ٥٢٥

هوالابهی

ايهاالفرع الرفيع من‌السدرة‌المبارکه مکاتيب متعدده‌ارسال گشت وحال نيزبذکروفکرشما

مشغوليم ملاحظه فرمائيد که قلب در چه مقام از وله وانجذابست که صد هزار مشاغل و

متاعب وموانع ومصائب دقيقهءئ‌ی اين قلب وروحرا ازياد و ذکرافنان دوحه بقا مانع

وحائل نگردد پس چون موج اين بحرعبوديت وفنای ساحت کبرياء بان سواحل

وشواطی ظماء وعطاش رسد دامن طلب واشتياق را از لئالی انجذاب مملوفرما

وبتمجيد وتوحيد وتسبيح وتقديس جمال قدم واسم اعظم روحی وماملکنی الله فی سبيل

احبائه فدا زبان بگشا که اين چه لطف عميم وفضل عظيمست که هياکل فنارا مظاهر

انوار بقا فرمودی ونفوس مسکين را درظل سدره منتهی ماوی دادی عليلان را درمان

عنايت مبذول داشتی ودرماندگان را مرهم فضل ورحمت احسان کردی بال وپرشکستگان را

جناح قوت دادی وموران را برتخت سليمانی نشاندی ما بنده ضعيفيم وبنهايت نحيف

وحقير عبدالبهاء ع مقابله شد

چون لطف ورافت شما در حق دوستان مثبوت ومسلمست لهذا از حق ميطلبيم که

شمارا در جميع شئون موفق فرمايد حتی در تحصيل حقوق جناب درويش ازبرادر بيمروت

ص ٤٧٤

وکيش واين عمل رااجر جزيل درپی والبهاء عليک ايهاالفرع العزيز عبدالبهاء ع

مقابله شد

هوالابهی

حضرت‌افنان‌الشجرة‌الرحمانيه جناب حاجی ميرزامحمد علی عليه بهاءالله‌الابهی ملاحظه

نمايند هوالابهی

خط مبارک ٥٢٦

آلهی آلهی هذافرع من فروع سدرة رحمانيتک و دوحة من حدائق کلمة وحدانيتک وسراج

موقد ملتهب بالنارالمتسعرة‌فی شجرة فردانيتک ای رب قد قضی الايام وهومتبتل اليک

وسهرالليالی وهو متضرع بين يديک ويتقظ فی الاسحار وهو متبهل الی ملکوتک متوکلاً

عليک کم هوناجاک فی جنح الظلام و کم هوناداک فی خلوات الليالی والايام راجياً

ان تحفظه من سهام الشبهات وتثبت قدمه علی صراطک القويم ومنهجک المستقيم

بالايات الباهرات و وضوح البشارات ای رب انه آوی الی کهف عونک و عنايتک

والتجاء الی جوار صونک و حمايتک ولاذ بحصن حفظک وکلائتک ايرب احرسه

بجنود غيبک وملائکتک ولاحظه بعين رعايتک وصيانتک واحی قلبه بنفحات

قدسک واشرح صدره بروحات انسک وانعش فواده بنسائم تقديسک ونور

وجهه بانوار توحيدک واقرر عينه بمشاهدة آثار تائيدک واسيغ عليه نعمتک واشمله

ص ٤٧٥

بلحظات طرف عنايتک وافتح عليه ابواب برکتک واجعله مظهر آيات رحمتک بين

بريتک انک انت المقتدرالمتعالی العزيزالکريم ع ع مقابله شد

خط مبارک ٥٢٧ هوالابهی

جناب افنان ميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی وجناب حاجی ميرزا علی افنان عليه

بهاءالله الابهی جناب حاجی غلامحسين خان عليه بهاءالله الابهی جناب فاضل عليه

بهاءالله الابهی جناب آقاميرزامحمد باقرعليه بهاءالله‌الابهی جناب آقاميرزابزرگ

عليه بهاءالله‌الابهی جناب آقاسيد محمد علی عليه بهاءالله الابهی اگر چه شمس

حقيقت بظاهر بغمام غيبت مجلل لکن چون بچشم بينانگری وگوش شنوا بشنوی وقلب آگاه

بينديشی انوارنيراعظم شديد تر شد وشعاع سراج آلهی روشنتر بحراعظم کبريا امواجش

عظيمتر گشت وفيوضات سماء رحمن قويتر و ظاهرتر چه که تا بحال غمام هيکل بشری

مانع مشاهدهء‌آفتاب حقيقت بود حال آن بدر منير وآفتاب فلک اثير از افق اعلی

وملکوت ابهی فی الحقيقه مقدس از جميع شئون طالع ولائحست ونريکم من افقی الابهی

وننصرمن قام علی نصرة‌امری بجنود من الملاءالاعلی وقبيل من الملايکة‌المقربين نص

قاطع چنانچه در ظهور مظاهر احديه من قبل مشهود وواضح گشت که بعد از صعود وعروج

عظمت امرالله مشهود وسلطنت کلمة الله معلوم و واضح گشت مثلاًدر کور روح

ص ٤٧٦

بعد از عرزج معدودی قليل وبحسب ظاهر عديدی ذليل بودند چون اين نفوس ضعيفه

باستقامت کبری قيام نمودند ازتائيد وتوفيق آلهی وفيوضات روح القدس معنوی

از مشرق امکان چنان طالع ولائح گشتند که انوار سرمديه اش آفاق جهان

فانی وجهان باقيرا روشن ومنير مينمايد البدار البدار يااحباءالله وامنائه

الی هذا الفضل الاعظم الوحی الوحی يا خيرة‌الخلق وصفوتهم الی هذا المقام

المتعالی المفخم ع ع مقابله شد

٥٢٨ هوالابهی

ايها الفرع المبارک من السدرة المنتهی نورالله وجهک بالانوار الساطعة

من ملکوت الابهی اگر چه خزان احزانست وخريف اشجان وقت ناله و فغانست

وهنگام طوفان چشم گريان با وجود اين عندليب وفا چگونه آغاز راز ونياز

کند ونغمه وآوازی برآرد که قلوبرا تسلی بخشد ونفوسرا سکون وقراری وارواحرا

شکيب واصطباری ارزانی کند ولکن چون عنايات سلطان احديت ومواهب

وفيوضات حضرت رحمانيت در جميع شئون شامل آن افنون شجره مبارکه بوده

و هست وانوار هدی ازافق ابهی ساطع ولامع وفيض حقيقی وتائيدآلهی از ملکوت

اعلی متتابع بايد بشکرانه اين نعمت عظمی وعنايت ابهی دست ستايش برافراخت

ص ٤٧٧

وزبان نيايش گشود وبمحامد ونعوت آلهيه درمابين بريه مشغول گشت تا آناًفاناً

اين تائيد تزييد يابد واين فيض تمديد شود احبای آلهی را جميعاًيعنی هرکس که در

آنجاست بتکبير ابدع ابهی مذکريم والبهاء عليک ايهاالفرع المبارک العظيم ع ع

مقابله شد

هوالابهی

هند حضرت افنان سدره مبارکه جناب حاجی ميرزا محمدعلی عليه بهاءالله الابهی

ملاحظه فرمايند

هوالابهی

خط مبارک ٥٢٩

ايهاالفرع الجليل من‌السدرة‌المبارکه قلب مشتاق طالب ومائل که درهرساعتی؟ ورقی

نگارد ودر هر دمی رقمی زند مراتب اشتياقرا بيانی کند وانبعاثات دل وجانرا شرح

وتشريحی نمايد لکن فرصت دست ندهد وزمان کفايت نکند يک نقطه است

الواح وزبری تفصيل وتفسير در هر آن لازم ويک خدوه است صدهزار شعله در هردمی

واجب در هردقيقه اين معين مداد اگر چون بحر محيط امواجی چون

جبال زند کفايت نکند ودر هر نفسی اين خامه اگر چون سيل عرم فيضان نمايد از عهده

برنيايد مقصد اينست اگر فرصتی بود در هر طرفة العين کتاب مبينی ارسال ميشد اما

فی الحقيقه در عوالم روح و فواد در جميع اوقات مکاتبات و مخابرات مستدام ؟

ص ٤٧٨

برقراراست فتوری ابداًنيست ودر کل حين وآن بکمال عجز وابتهال بملکوت ابهی

تضرع ونياز ميشود که آن فرع رفيع باوراق تائيد وازهار توفيق واثمارتجريد

وروايح توحيد مويد شوند واز افق اين کور اعظم بانوارساطعه بثبوت ورسوخ

وقيام بر خدمت امرالله چنان مشرق ولامع گردند که آفاق اکوان را روشن

نمايد رب ايده بتائيداتک و وفقه بتوفيقاتک انک انت الکريم الرحيم ع ع

مقابله شد

هوالابهی

حضرت افنان سدره آلهيه جناب حاجی ميرزامحمد علی عليه بهاءالله‌الابهی ملاحظه

نمايند

خط مبارک ٥٣٠ هوالابهی

ايهاالفرع الجليل من السدرة المنتهی عليک بهاءالله وثنائه ونوره وضيائه

وفضله وجوده ونواله در اين وقت که هويت قلب از خفيف سدره منتهی در

اهتزاز است و حقيقت روح از نفحات ماکوت ابهی در نهايت انجذاب چشم

از مشاهده آيات کبری روشن وجان و وجدان بياد آن شاخ بزرگوار سدره

رحمانيت گلزار وگلشن اين عبد خامه برداشته که نامه نگارد وآنچه در حقيقت

فواد مودع ومستقر است بيان نمايد وحال آنکه قلم ومداد ازعهده بيان

ص ٤٧٩

اشواق قلب وفواد برنيايد وصفحه واوراق حقيقت هيجان دل وجانرا نگنجد بلکه جوهر

تبيان اين موهبت رحمن منوط بفيض روحانی وارتباط معنويست که در سروجود مودوع و

مستوراست رب وسلطانی ومولای ورحمانی هذافرع جليل من سدرةر‌حمانيتک وفنن رفيع من

شجرة وحدانيتک اشمله بلحظات عين عنايتک وارسل اليه کل حين نسائم؟ رياض احديتک

وادرعليه غمام فيض صمدانيتک والق عليه شعاع شمس حقيقتک حتی نحضر؟ باوراق

الطافک ويزهر بازهار؟ احسانک ويثمر باثمار عرفانک ويتشافی رياض آثارک و ؟

الی سماء جودک واکرامک ای رب خصصه بايات فضلک وعطائک وايده بمظاهر

الطافک وانعامک وانصره بحنود ملکوتک وانجده بملائکة قدسک واجعله آية باهرة

فی ملکک وراية متدفقة فی اعلی الاعلام بين عبادک ونور وجهه بانوارتوحيدک واشرح

صدره باسرار تفريدك واسمعه من نغمات طيورالقدس من جبروت تقديسك واجعله

مظهر نورک ومقتبساًمن نار طورک واثر ظهورک ونفحة رياضتک و جرية مياه حياضک

وآية فيضک وفضلک لعبادک انک انت المعطی الکريم الوهاب عبدالبهاء ع مقابله شد

هوالابهی

قاب نقره که ازصنايع بديعه چين وبجهت وضع اثر شمائل جمال انور بود بواسطه جناب

ص ٤٨٠

حاجی سيد جواد عليه بهاءالله الابهی رسيد وبانوارساطعه از شمايل مقدسه مزين

گرديد ودر حين زيارت بياد آنجناب مشغول ميشويم فی الحقيقه آنحضرت موفق بدين

موهبت شده‌اند سه قاب موجود دوتابه شمائل مبارکه جمال قدم ويکی بشمائل مبارکه

حضرت اعلی روحی لاحبائهم الفداءمشرف شده‌اند وهرسه مرسله آنحضرتند لعمرک هذا فضل

عظيم وجود مبين والبهاء عليک عبدالبهاء ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٥٣١

حضرت افنان سدره منتهی جناب حاجی ميرزا محمد علی عليه بهاءالله الابهی ملاحظه

نمايند هوالابهی

ياآلهی ورجائی تعلم سری وعلاينتی وخفائی وجهاری وتعرف مبلغ حبی و شغف ودی بفرع

سدرة فردانيتک وافنون شجرة و حدانيتک وفصيلة دوحة رحمانيتک ای رب

طيب منبة بصيب ؟ الطافک و رطب اوراقه بفيض سحاب احسانک و اجعله

مورقاًبامطار ربيع اکرامک ومزمراًبنسائم جنة عنايتک ومثمراًفی فردوس

قدس وفائک ايرب عطر آلافاق بفوحات رياض قلبه و نور الارجاء

بسطوع شعاع شوقه واشعل الافئدة من النار الموقدة التی اشتدت لواعجها

من نيران محبتک وارح الارواح من استماع نداء الذی ارتفع من عشقک

ص ٤٨١

وشوقک ايرب ادم عليه انعامک ؟ وتمم عليه نعمک وآلائک انک انت الکريم

الجواد الرحيم ع ع مقابله شد

هوالابهی

در خصوص مشرق الاذکار جواب مرقوم فرموده بود بسيار مقبول انشاءالله

بهمين قسم مجری ميشود واز فضل وعنايت جمال قدم روحی لتراب تربته فدا

اميدواريم که در جميع امورمويد وموفق ؟ گرديد وابواب کل خير بروجه آن جناب

مفتوح گردد والبهاء عليک وعلی کل ثابت راسخ علی ميثاق الله ع ع مقابله شد

هوالابهی

حضرت افنان سدره مبارکه الهيه جناب حاجی ميرزا محمد علی عليه بهاءالله الابهی

ملاحظه فرمايند هوالابهی

خط مبارک ٥٣٢

ايها الفرع المجيد من الشجرة المبارکة الناطقة فی سدرة السينا عليک بهاءالله

وثنائه وفضله وجوده واحسانه حضرت افنان کبير فرع جليل عليه بهاء ربه العظيم

ومحبوبه الکريم ازاين ظلمتکده فراق بخلوتگاه محبوب آفاق صعود فرمودند

وبمنتهای شوق رب ادرکنی گويان بملکوت ابهی وافق اعلی شتافند

آن منچذب الی الله ازبدايت نشئت بچه فضل وموهبتی موفق ومويد شدند

ص ٤٨٢

و بچه خلعتی مخلع گشتند ازاشرف اعراق بودند وباکمل ؟ اخلاق مشهود شدند ازسن

طفوليت وبدو صباوت منجذب ملکوت اعلی بودند ومتوجه جبروت اسمی وچون نشو؟ ونما

نمانمودند در تحصيل علوم و حکم کوشيدند وجام عرفان راازيد ساقی عنايت چشيدند

و چون انوار صبح آلهی بفيض نامتناهی آفاق اکوانرا منور نمود ونفحات قدس مشام

مشتاقانرا معطر کرد چشمی روشن نمودند و جانی گلشن کردند اقتباس انواراز مشکاة

آلهی نمودند واکتساب فيض نامتناهی ازغمام رحمانی و چون شمس قدم ازافق اسم اعظم

طالع ولائح گرديد چون نجم بازغ باز استفاضه انوارازآن نير بزرگوار نمودند وبنور

هدی در بقعه سينا مهتدی شدند فرع جليل اين سدره مبارکه شدند وافنون رفيع اين

دوحه مقدسه سائق توفيق ودليل موهبت رب کريم در آفاق گرداند تا آنکه درظل جمال

قدم وپناه اسم اعظم روحی لاحبائه فدا منزل وماوی عنايت فرمود مدتی از عمررا

در جوار جمال مبين وسايه حصن حصين بسربردند ومظهر الطاف جليله و عنايات

عظيمه واحسانات متتابعه بودند وچون زلزله بر ارکان وجود افتاد و کينونت

اکوان وامکان از فراق جمال رحمن بگداخت واين جهان سرور ظلمتکده غموم

گشت واين گلشن ازهار گلخن آتشبار گشت ارکان حقائق نفوس مقدسه

ص ٤٨٣

متلاشی شد وبنيان حيات ذوات منجذبه مهدوم گشت صبر نماند وقرار؟ بباد رفت

از آن ايام حضرت افنان حالش دگر گون شد وشدت حرقتش آناًفاناً افزون

گشت تاآنکه فی الحقيقه مدتی بود مدهوش وبيهوش بودند تا آنکه در اين ايام

پراشتياق بازنمودند وبرفيق اعلی وافق ابهی پرواز نمودند ودرآن گلشن تقديس

در سدره منتهی آشيانه ساختند ودر جوار رحمت کبری منزل وماوی گرفتند ومظهر

آيه مبارکه والسلام علی يوم ولدت ويوم اموت ويوم ابعث حيا شدند

طوبی له ثم طوبی له بشری له ثم بشری له رب ورجائی ومنجی وملاذی هذا افنون

من افنان شجرة رحمانيتک وفرع من فروع سدرة ربانيتک قد احترقت کبده

من نارالفراق وهزته نسائم الاشتياق حتی تاجحت نيران الاشواق بين الضلوع

والاحشاء وابتهل الی ملکوتک الابهی رب ارجعنی اليک ونجنی من وهدة ؟

النوی وشدة‌الجوی و ورطة الاسی بفضلک و جودک يا جمال الاعلی ورب

آلاخرةو‌الاولی وادرکنی ادرکنی وفی جوار رحمتک اسکنی ومن موائد لقائک

ارزقنی ومن موائد عنايتک اطعمنی وبروح مشاهدتک احينی وبنور وصلک

نورنی ومن کاس البقاء فی ساحة اللقاء اسقنی ومن نغمات طيور القدس

ص ٤٨٤

فاسمعنی رب اجب دعائه واستجب مسئوله ويسرله امره واشرح صدره ونور وجهه

وافرح قلبه وسرروحه برحمتک الکبری وفضلک وجودک يامن بيدک ملکوت الاشياء

انک انت الفضال المتعالی الکريم ع ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٥٣٣

ای افنون منشعب از سدره آلهيه جعلک الله خضرانضرا رطبا طريامزهراًمثمرا

اين جهان ترابی هرچند نزد نادانان وسيع و دلگشاست لکن فی الحقيقه بسی تنگ

وتاريک است شرابش سرابست وعذبش عذاب شهدش خنظل است وحياتش

ممات معجل راحت وسرورش دميست ودريای پر خروشش عبارت

از شبنمی بقسمی تنگ است که گياه ضعيف ريشه ندواند وحتی مرغ حقير لانه

وآشيانه نتواند لهذا افنان سدره مبارکه بايد انشاءالله در فردوس آلهی

قدری بفرازند و در حديقه بقا سبز وخرم گردند وباثمار وله وجذب واشتعال مزين

گردند در انجمن دوستان شمع فروزان باشند ودر مجامع تقديس وشبستان

توحيد مشعلی سوزان ای افنان شجره مبارکه شما مطالع آيات رب مجيديد

ومشارق انوار رب فريد سرو بوستان عنايتيد و گل گلستان سلطان

ص ٤٨٥

احديت لئالی اصداف عزت قديمه ايد وجواهر معادن حضرت وحدانيت بايد

در جميع احيان از افق امکان کوکب لامع باشيد وستاره هدايت ساطع

ان فضل ربکم عليکم عظيم عظيم والبهاء عليک ع ع مقابله شد

خط مبارک ٥٣٤

هوالابهی

ايتهاالورقة المبارکه حضرت فرع شجره رحمانيه آقا ميرزا عبدالوهاب دربقعه مبارکه

بزيارت عتبه مقدسه مشرف وفائزاست وبقبله ملاءاعلی ساجد وراکع ودر جميع

اوقات بياد شما مشغول وبذکر شما مالوف اميدوارم که من بعد شما نيز مشرف گردی

الحمد لله از سدره مقدسه نابتی ودر ظل عصمت فرع دوحه مبارکه طيبه آلهيه

ومومنه وموقنه وثابته وراسخه فاشکری الله علی هذا الفضل العظيم ع ع مقابله شد

خط مبارک ٥٣٥

هوالله

ايهاالفرع النجيب من السدرة‌الرحمانيه در کمال استعجال مرقوم ميشود نفوس مقدسی

در نيريز هدف سهام درندگان خونريز گرديدند ودر سبيل فدا جام لبريز نوشيدند

وبمنتهای آرزوی مقربين رسيدند ولی بازماندگان بی سروسامان وآوارگان

نيريز در سروستان در نهايت احتياج لهذا بقد هزارتومان وکسری تدبير شد

ص ٤٨٦

واز بادکوبه نزد آنحضرت ارسال خواهند داشت بوصول حواله بشيراز دهيد که

تاخير نشود صد تومان ازاينوجه تعلق بجناب عندليب دارد تسليم ايشان نمائيد

ومابقی تعلق ببازماندگان شهدا وآوارگان نيريزدارد و عليک البهاءالابهی ع ع

مقابله شد

هوالابهی

حضرت‌افنان شجره‌مبارکه جناب حاجی ميرزامحمد علی عليه بهاءالله‌الابهی ملاحظه

نمايند هوالابهی

خط مبارک ٥٣٦

ايها الفرع الرفيع المنشعب من سدرة‌المنتهی عليک بهاءالله وثنائه ونوره وضيائه

وفضله وجوده و علائه قد تلوت ماناجيت به ربک المجيد وتضرعت الی مولاک

القديم وابتهلت الی ساحة قدس محبوبک العظيم و رتلت آيات شوقک

والواح انجذابک وسمعت انينک وحنينک شوقاًالی لقاء ربک وتوقاًالی

الملکوت الابهی فهنيناًلک بما ثبت علی امرالله واستقمت علی حبه و رسخت قد ماک

فی موقف الرجفة الکبری والرادفة العظمی اذ تزلزلت ارکان الارض والسماء وزلت

اقدام اولی النهی وانفصمت ظهورالفحول من شدائد الامتحان وقوة الافتنان

من وقوع المصيبة الدهما الصماء والعمياء اذاايها الفرع المجيد فاحفظ احباءالله

ص ٤٨٧

واودائه لوتهفت فراش شبهات اهل البيان حول سراج قلوبهم يتحرق جناحهم وان ؟

يسترق السمع شياطينهم فلتکن نفحات قلوب احباءالله وانواراسراهم شهباً؟ ثاقبة

تطردهم ونتضرع الی الملکوت الابهی ان يحشر الموحدين فی هذه الايام تحت لواء

الاستقامة‌الکبری والثبوت والرسوخ علی امرالله ويجعلهم مطالع ذکره ومشارق

نوره ومظاهر برهانه ومهابط الهامه حتی يتنور الامکان بانوار وجوههم و يشتعل

قلب الاکوان بنار حبهم وينجذب ارواح الوجود من شوقهم وتوقهم لعمرالله

يتهلل وجه السماء بوجود هولاء ويصبح وجه الغبراءجنة الابهی بوجوه هولاء وصلی

اللهم علی شجرة وحدانيتک واغصانها وافنانها واوراقها وازهارها واثمارها

بدوام سلطنتک العظمی انک انت المقتدر القدير ع ع مقابله شد

هوالابهی

قونسول ايران در بمبئی وچند نفس مجهولی خيال رخنه درامرالله دارند افنان سدره

منتهی مظهرآيه مبارکه وقل جاءالحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقاالحمدلله

هستند لکن مع ذلک در جميع هندوستان بايد مواظب بود که دسائس و حيل و خداع

اين حزب تاثير ننمايد دراسلامبول چند نفربيسروپا بودند جناب افنان آقا سيداحمد

ص ٤٨٨

را بسيار اذيت نمودند جناب آقاسيد احمد مظلوم بودند نهايت فساد را

از جميع جهات در حق ايشان ازطعن وافتراء وتحريک الواط وجهال وظلام نمودند

حال دربمبئی وسائر بلاد هند نيز چون دستی پيدا نمايند بانواع دسائس يفتنه

و فساد مشغول خواهند شد لهذا حضرات افنان سدره مبارکه در جميع اوقات

بايد منتبه وبيدار باشند که اين حزب بمفتريات وشبهات والقاآت خويش

رخنه ننمايند آنچه ارسال فرموده بوديد رسيد والبهاء والروح عليکم

ياافنان سدرة‌المنتهی مقابله شد

هوالابهی

حضرت فرع جليل شجره مبارکه جناب حاجی ميرزا محمد علی عليه بهاءالله الابهی

ملاحظه نمايند هوالابهی

خط مبارک ٥٣٧

ايهاالفرع الجليل من السدرة‌الرحمانيه در چندی پيش در تعزيت فرع شجره مبارکه

نامه مرقوم وارسال گرديد اميد از فضل ومواهب رب مجيد چنان است که بنفحات

قدس از ملکوت ابهی تسلی در اين مصيبت عظمی حاصل گردد و چنان روايح رحمانيه

اصل شجره‌مبارکه مشام آنفرع جليل رامعطر دارد که‌اين فراق بخاطر نيايد عنقريب

بفضل و جود سلطان وجود کل در آن ظل ممدود ومقام محمود جمع شويم ودر ملکوت

ص ٤٨٩

ابهی وافق اعلی وحديقه بقا در جوار ؟ ؟ روحی لاحبائه الفدا انجمن يابيم ؟ رب

قرب يوم لقائک و عجل فی صعودی و وفودی علی باب رحمانيتک و ورودی

فی ملکوت فردانيتک وارزقنی بمشاهدة جمالک و مبتعنی ؟ بوصالک انک انت

الکريم الرحيم بحضرت فرع شجره مبارکه جناب آقا ميرزاآقا عليه بهاءالله الابهی

امر بفرمائيد که بقدرالامکان اعانتی بجناب عندليب عليه بهاءالله الابهی

بفرمايند چه که بسيار پريشانست ومعاونت مقبول درگاه حضرت کبريا ع ع

صندوق هاي چاي مذاق ومشام دوستانرا شيرين ومعطر نمود وميوه چين كام

آشنايان را شيرين کرد در نزد مامورين عثمانيين بسيار جلوه نمود متصرف خواهش کرده

اگر چنانچه بسهولت ممکن قدری ارسال شود

هوالله

زيارت حضرت فرع جليل سدره منتهی الذی طار روحه الی ملکوت الابهی جناب حاجی ميرزا

محمد علی افنان عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٥٣٨

هوالابهی

ايا نفحات الله تنسمی ايا نسمات الله تنفسی واقصدی ديارالطرف القبلی ارضافيها

توارت نفس نفث فی رو ؟ روح من الله وتضنمت هيکلاًحشرتحت راية الله

وقلباًانجذب بنفحات الله واحشاء واضالع تسعرت بينها نار محبت الله و حيی

ص ٤٩٠

ذلک القبرالمنور والرمس الطاهر المطهر وقولی النور الساطع من الافق الاعلی

والشعاع اللامع من ملکوت الابهی جلل ضريحک المعطر وسطع فوق رمسک المعنبر

وتتابعت طبقات النور من شمس الظهور بالنزول علی بقعة تنورت بجسدک

وتضمنت جسمک واحتوت بهيکلک الزکی الطاهر المجلل الکريم المظلل بغمام الطاف

ربک الرحمن الرحيم طوبی لديار اغتربت فيها وبشری لبقاع اقربت اليها

ويا شرفاًلارض تواريت فيها وعزاًلبقعة اختفيت فيها عليک بهاءالله

و رحمته و رضی الله عنک وخصک بموهبته واراح روحک بنفحات فاحت من

رياض احديته والاح وجهک فی حدائق رحمانيته و تنور بصرک بمشاهدة جمال

هويته وسمع اذنک من الحان طيور القدس الصادقحة فی فردوس رويته علی سدرة

فردانيته بما سمعت النداء واجبت الدعاء ولبيت لربک الاعلی وخضعت

لسلطنة محبوبک الابهی واشتعلت بنار محبة‌الله وتوکلت علی الله واحترقت

بنيران الهجران ولظی الحرمان حتی رجعت الی الله وتوجهت اليه واستجرت جوار

رحمته الکبری کل ذلک بما وفيت بميثاق الله وثبت ورسخ قدماک علی عهدالله

والتحية والسلام والثناء عليک فی الاولی والاخری ع ع مقابله شد

ص ٤٩١

خط مبارک ٥٣٩

هوالابهی

هنگانگ حضرت‌افنان جناب حاجی ميرزا بزرگ عليه بهاءالله الابهی ملاحظه فرمايند

هوالابهی

اللهم ياآلهی هذا فرع خضل نضرا خضر ريان من سدرة فردانيتک رشيق انيق مزين

بازهارالهيام فی جمال وحدانيتک والغرام فی محبوبيتک ومتوجه بکله اليک

ومتوکل عليک ومنقاد بين يدک و راجع منک اليک ومبتهل الی ملکوتک الابهی

وجبروتک الاسمی اسئلک ان تجعل تائيداتک العظمی کاشف عمته وشفاء وعلته ورا ؟

غلته وبرد لوعته وان تجعل الطافک الکبری عذب فراته وروح نجاته وروح حياته

وحيات زفاته فاجعله يا آلهی آية حبک الباهره وراية معرفتک الخافقه الرافعه

وطبة قدرتک الشاهره واجعله ناطقاًبثنائک فی جميع الشئون حتی يدل عليک بلسانه

و خبائه وارکانه هذا الافنون الذی انبته من شجرة وحدانيتک انک انت المعطی

الروف الرحيم ع ع مقابله شد

هوالابهی

حضرت افنان سدره منتهی جناب آقاميرزا آقا عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

ص ٤٩٢

خط مبارک ٥٤٠

ايهاالفرع الرفيع من السدرة‌المبارکه هر چند مکاتيب متعدده تابحال ارسال گشته است

با وجود اين قلب سکون ندارد وبلکه منجذب نفحات محبت کليه بافنان سدره

مبارکه است بقسميکه در کل اوقات وساعات بذکرشان روح وريحان جويد

وبيادشان شادمان گردد قسم بجمال قدم که چون لفظ افنان برزبان گذرد دريای

حب بجوش آيد وقلوب در حرکت وخروش آيد که خدايااين افنان دوحه

رحمانيت را در جنت رضوان مستقر گردان واين فروع طوبای عنايت را

اشجار بارورکن اين نهال های بوستان موهبت را نشو ونمائی بخش واين شاخهای

سرو رحمانی را سبزی وخرمی عطا فرما وبرعهد وميثاق عظيمت باقی واستوار بدار

انک انت الکريم ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش حضرت افنان جناب آقاميرزا آقا عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٥٤١

هوالابهی

ايهاالفرع الرفيع من الشجرة‌المبارکه نغمات حمامه حديقه ذکر که بر شاخسار رياض

ايقان نمود بسمع مشتاقان رسيد ازآن لحن بديع جذب لطيفی درقلوب پيدا گشت

واز آن رياض نفحه خوشی در مشام آمد لسان بشکر جمال رحمان مشغول شد

ص ٤٩٣

که الحمدلله آن فرع طری لطيف از فيوضات غمام الطاف رب جليل مهتز است

ومظهر آيه مبارکه وانبته نباتً‌حسناًای فرع لطيف شکرکن جمال مبين ونباء

عظيم را که‌ازفروع سدره منتهی هستی ودرظل عنايت جمال ابهی جهدی کن که دراين

حدائق موهبت آلهی بطروات ولطافتی موفق گردی که زينت اين رياض باشی

وموهبت اين غياض از نفحات قدس متحرک گردی واز جذبات انس متمايل

مستمد از اصل کريم باشی و مستفيض ازغمام مبين ذلک خير لک عما فی الوجود

من الغيب والشهود والبهاء عليک وعلی المتمسکين بالحبل متين ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش حضرت افنان سدره منتهی جناب آقاميرزاآقای افنان عليه بهاءالله‌الابهی ملاحظه

نمايد هوالابهی

خط مبارک ٥٤٢

ايهاالفرع الرفيع من السدرة الرحمانيه لوتعلم بعين اليقين ما يختلج فی هذا

القلب الحزين والفوادابحريح من احساسات الحب لافنان دوحة البقاء وفروع سدرة

السينا تالله الحق لشققت الجيب وازلت الريب وفعلت الغذار وهتکت الاستار

وفکک الازرار وعريت البدن وناديت بالسر والعلن هلموا؟يااهل الارض الی

ص ٤٩٤

مغين ؟ موهبة الله هلموا الی کوثر رحمة‌الله هلمو؟ الی فيض سحاب عنايته الله

هلمواالی رياض منحة الله هلموا الی الحياض الطافحة بفيض عناية الله هلمواالی

غياض مخضرة بغبث نعمة‌الله واسئل الله ان يجعلک مشعلاًنورانياًوسرجاًمنيرا ومعينا

صافيا وفننا مثمراًمزهراًمورقا والبهاء عليك عبدالبهاء عباس مقابله شد

زيارت حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا سيد احمد عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٥٤٣

ايا نسمات الالطاف و ايانفحات قدس الاسرار رهبتی ای اشرف الاوطان بقعة

الرحمن موطن الکوکب الساطع اللامع علی الاکوان وايا سحائب الرحمة والرضوان

مری علی اقليم الشين من ايران وفيضی بالديم المدرار والدموع الغدق المنهمر؟

انسيب الدافق السيل فی الوهاد والمهاد من کل واد علی ذلک اجدث المطهر

والرمس المنور وانصريح المعطر المتضمن للجسد المعنبر وطيبی بغيث الغفران‌الهاطل

وحيی بديم الرضوان الوابل وقولی عليک البهاء وعليک الثناء ايها الفرع الجليل

من السدرة‌الرحممانيه والقضيب الرشيق الرشيد من الشجرة الربانيه والسراج

المضيی فی الزجاجة النورانيه والثمرة اليانعة من الدوحة الفردانية اشهد انک

ص ٤٩٥

ولدت من الاصلاب الطيبه والارحام الطاهرة و رضعت من ثدی العناية ونشئت

فی حضن الرعايته وتربيت فی حجر الولايه وبلغت الرشد فی الظل الظليامن الدوح

الجليل وسمعت نداءالله المرتفع بين الارض والسماء ولبيت دعوة رب

السموات العلی وآمنت بالرب الاعلی و حشرت تحت لواء رب مايری

ومالايری ولما قامت القيامة الکبری و زلزلت الارض وانفطرت السماء

وکورت الشمس وانتشرت النجوم وامتد الصراط و وضع الميزان وازلفت

الجنان و سعرت النيران وانشقت الاقمار و ذاعت الاخبار وشاعت آلاثار

وهتک الاستار واشرقت الشمس فی رابعة النهار وانتشرت اجنحة الطاوس

ونعب الغراب سرعت الی اليمين وتبرئت من الشمال و آمنت بالنور الساطع

من ملکوت الابهی و قمت علی خدمته ربک العزيز المختار و حشرت مع الابرار بوجه

سطعت منه الانوار ودعوت الی ربک بلسان يندفق منه الاذکار وقلب طافح

يتفجر منا الانهار وقصدت مشارق الارض ومغاربها وسعيت فی اعلاء کلمة‌الله

فی جنوبها وشمالها وعاشرت المخلصين بوجه مستبشر بطلوع النورالمبين

وانست المقربين بلسان دافق بالماء المعين وقمت علی عبوديةر‌بک الرحمن الرحيم

ص ٤٩٦

بقلب قوی متين وفزت باللقاء وسمعت النداء وخوطبت بخطاب اشهی واحلی من عسل ؟

مصفی و حضرت بين يدی نير آلافاق وشاهدت تجلی الاشراق و دخلت محفل الوفاق

وسلکت ؟ فی سلسلة العشاق و سالت بالدموع منک آلاماق ورايت مالا يتم ذکره

بالاوراق الی ان غابت الشمس وهی فی نقطة الاحتراق عن الاعين والاحداق

وليس لها افول ولابکور ولا غياب بل انما تغشی الافاق سحائب الغبته والفراق

وتحرم الابصار عن المشاهدة والابصار واشهد ايها الفرع الجليل انک وفيت

بالميثاق وناديت به بين اهل الوفاق وابيت النفاق واجتنبت الشقاق

وجنيت اثمار الوفا من شجرة الحيات النابتة فی الحديقة النوراء و حميت الحصن

الحصين من سهام الناکثين وسنان المارقين الی ان سرعت الی الخطة التی

سفکت فيها دماء الشهداء وبذلت الجدوالجهد فی اعانة الذرية الضعاف من تلک

النفوس المقدسة التی يتباهی بتربتها ملائکة السماء من ملکوت الابهی ثم سعيت

الی الموطن المبارک الاسنی منيت الشجرة المبرکة النقطة الاولی حتی تجری

الاقتران بين الافنان والورقات المبارکة من سدرة السيناء ووفقک الله

بهذا ولعلو شانک و سمو علاک قدر الله لک ان تتجرع کاس الفداء

ص ٤٩٧

وتشهد فی مشهد الکبرياء فهنيئاًلک هذه الکاس الممزوجة بکافور العطاء ومريئاً

لک هذه المائدة النازلة من السماء فاشکر ربک الاعلی بما قد جعل ختام الحوة‌الدنيا

مسکاًذکيا يتعطر بطيب انفاسه کل الارجاء فطوبی لمن يزورمرقدک المسکی

المشام ويدور فی مضجعک المنير فی اشرف ايام ويدعوالله بخضوع و خشوع

ويتمنی الغفران ويرجوالعفو والرضوان وعليک البهاءالابهی ع ع مقابله شد

خط مبارک ٥٤٤

هوالله

حضرت افنان سدره‌مبارکه جناب ميرزا عبدالوهاب عليه بهاءالله‌الابهی ملاحظه نمايند

ای موقن بايات الله گويند که قوای اعظم عالم قوه سلطنت قاهره وسطوت

حکومت باهره است وحال آنکه نهايت اقتدارش اينست که اجسامرا

محاصره نمايد وقلاع حصينه را مسخر کند واين قوت وقدرت نيز بواسطه

جيوش جراره و جنود قهاره ظاهر ميشود اما تو در قوت وقدرت و سطوت

وسلطنت اسم اعظم ملاحظه نما وتفکر کن که باوجود آنکه وحيد وفريد وبی ناصر

ومعين بود بقوتی الهيه وقدرتی ربانيه و سطوتی ملکوتيه ملکوت وجود را مسخر

فرمود ومدائن قلوبرا فتح نمود آفاق امکانرا بگشود وکشور هستی را در تحت

ص ٤٩٨

تصرف آورد يکسواره بر صف عالم زد وتنها جنود عنود ضلالت را شکست داد ولی آثار

اين فتوح اليوم در غيب وجود است و در استقبال در حيره شهود خواهد آمد آنوقت

ملاحظه خواهد شد جند هنالک مهزوم من الاحزاب ميفرمايد در صحرا ها سير وتماشا

نمائيد مثل مدائن صالح وثمود واحقاف قرارگاه قوم هود ومدائن لوط ومدينه

سبا ومدائن اصحاب رس ومدين وسائر جهات را سير وتماشا نمائيد که مثل اردوهای

شکسته در اين بيابان ريخته وپاشيده اند مقصد اينست که انبيای آلهی واوليای

رحمانی در هر عهد وعصری ولواينکه فريد وحيد بودند وجميع قبائل وشعوب مهاجم

باوجود اين نورشان ساطع شد وکوکبشان لامع وسراجهای عالم جميع

خاموش شد ع ع مقابله شد

هوالله

ايها الفرع الزکی من السدرة‌الرحمانيه آنفرع جليل اگرچه ازباغ امکان منفصل شد

اما بسدره منتهی متصل گرديد ودر حديقه لامکان سبز و خرم شد ازعين تسنيم

سقايه گشت واز نسيم حدائق ملکوت ابهی مهتز گرديد در جنت لقا وارد شد

ودر سايه کبريا وارد گشت ودر خير نزل ذوالجلال مقريافت وحال ازملاء؟اعلی

ص ٤٩٩

ورفيق ابهی ناظر ببازماندگان است ونداء غيبی ميفرمايد که گوش جان استماع کند

وسمع وجدان ادراک نمايد که ای باز ماندگان آنچه من بدست ايمان وايقان

کشتم شما سقايه نمائيد وآنچه من غرس نمودم شما تربيت نمائيد شما شاخ اين شجريد

وثمر اين درخت پربرکت بايد طعم ورائحه اصل بدهيد و گوهر ببارآريد از ارياح

امتحان متزلزل نشويد و از عواصف افتتان متحرک نگرديد ريشه در ارض

ميثاق دوانيد واز جويبار عهد نيرآفاق نشو ونما نمائيد تمسک بحبل متين جوئيد و

تشبث بذيل پيمان رب العالمين کنيد تافرع پرطراوت ولطافت شويد وميوه

پرحلاوت ببار آريد اينست وصيت من ونصيحت من والبهاء عليکم ع ع مقابله شد

هوالله

خط مبارک ٥٤٥

ش افنان سدره مبارکه جناب ميرزا بهاءالدين ابن جناب

آقاميرزا آقای افنان عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

ای افنون سدره مبارکه جناب واسطه توصيف مينمود که چون شاخه مخضره

بنفحات ميثاق تر و تازهء و چون اوراق نضره سبز و خرم از فيض ابر

رحمانی وغيث سبحانی اميدواريم که در اين بهار روحانی پرگل وشکوفه گردی

ص ٥٠٠

و ميوه خوشگوار بار آوری ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش جناب ميرزا عليرضا عله بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٥٤٦ هوالابهی

اللهم يا وله قلوب التی اضطرمت فيها نار محبتک ويا جذبة افئدة التی ذابت

والتهبت من لواعج الاشتياق فی فراقک قدر لعبدک هذا اجرمن تشرف

بلقائک و حضر تلقاء عرشک وشاهد انوار جمالک وشرب صهباء وصالک

و سکر من حرارة خطابک ونشأة قربک و عطائک وايده علی الاستقامة

علی امرک والثبوت علی حبک انک انت العزيز المعطی الرحيم ع ع

امة‌الله ورقه عليا والده را بابدع اذکار ذاکريم مقابله شد

جناب عليرضاخان عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٥٤٧

هوالله

ايها الروح البديع والمقام الرفيع ايدک الله وسددک وشدد ازرک

؟ د عصبة الضلال بسعيک وجهدک و شتت شمل ثلة الغرور واصحاب القبور

؟ حزب الفتور بباسک منشط کالاسواد الکاسره وازئرفی هذه الغياض وتجلد

؟ بنور الصاقره و صفر فی هذا الهواء واصدح بانغام ورقاءالقدس فی هذه الرياض

ص ٥٠١

واسبح کحيتان بحر الاحدية فی هذه الحياض ع ع

هوالله

ای جناب ناظم دراری اشعار آقا ميرزا علی اکبر اشعار آبدار قرائت گرديد

مليح بود وشيرين وشکرين بليغ بود و فصيح ودلنشين ولی در مذاق عبدالبهاء

انگبين عبوديت گوارا تا توانی مخمس عبوديت ومسدس رقيت ومثمن محو وفنای

صرف انشا نما كه چون مسمن مرغ بهشت لذيذ و خوش طعم است ولي بشرط

آنکه خورش ديگر درميان نباشد ع ع مقابله شد

هوالله

خط مبارک ٥٤٨

ای شيدای جمال آلهی مکتوب قرائت گرديد معانی بديع بود ومضامين دلنشين

ولی خطاب بعبدالبهاء بايد سر عبوديت باشد ع ع مقابله شد

ای پرده نشينان بنده حق شکر کنيد که در سايه عصمت نفسی هستيد

که مقبول درگاه احديت است ع ع مقابله شد

ايدو طفل خان مشمول نظر عنايت حق گرديد ومحبت الله ميراث ازپدر بريد

ع ع

ای دو اخوات بنده آلهی همشيره وپاک شير آن آشفته جمال ابهی هستيد

ص ٥٠٢

بايد در کمال روح و ريحان و عصمت و عفت و ايقان وانقطاع در بين

اماءالله محشور گرديد ع ع

ای برادر پاک گوهر آن آشفته موی محبوب ابهی اخوی خواهش خطابی

بشما نمودند اين رجامقبول گرديد و اختصار از کثرت مشاغل وغوائل

حاصل البته معاف ميداريد العذر مقبول ع ع

اللهم يا آلهی اسئلک العفو والصفح عن عبدک الذی قضی ايامه متذکراًباياتک

واغرقه فی بحار رحمتک واجره فی جوار رحمتک واهده الی جنة لقائک کما

سميته هادياًبين عبادک ع ع مقابله شد

ش جناب عليرضا خان عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

خط مبارک ٥٤٩

يامن ثبت علی العهد القديم فابسط اکف الابتهال الی ملکوت الجلال ومطلع الجمال

وقل لک الحمد يا ربی المتعال علی ما اوليت واعطيت واطعمت وارويت

و دللت و هديت و عافيت و شفيت اوليت احبائک اعظم شاءن فی

الابداع واعطيتهم عطاءًموفوراًفی عالم الاختراع واطعمتهم من موايد قدسک

ص ٥٠٣

النازلة من السماء وسقيتهم من معين صاف عذب فرات و دللتهم الی

مشرق رحمانيتک يافالق الاصباح وهديتهم الی سبيل فردانيتک يا محيی

الارواح و شفيتهم من امراض النقض واعراض النکث يارب الميثاق

والبهاء عليک وعلی کل منجذب الی نير آلافاق ع ع مقابله شد

شيراز جناب عليرضا خان عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٥٥٠

ای خان عزيز آقای مشهدی حسين الان حاضر محفل ودليل واضح برآينکه شمارا فراموش

ننموده است همين تحرير مختصر است زيرا الان ذکرشما را مينمايد ع ع

هوالابهی

خط مبارک ٥٥١

آلهی آلهی هولاء عباد انجذبوا بنفحات قدسک فی ايامک واشتغلوا يالنار

الموقده فی سدرة فردانيتک ولبولندائک ونطقوا بثنائک وانتبهوا من

نسماتک واهتزوا من نفحاتک وشاهدوا آياتک وادرکوا بيناتک وسمعوا

کلماتک و ايقنوا بظهورک واطمئنوا بعنايتک ای رب اعينهم شاخصة

الی ملکوتک الابهی و وجوههم متوجهة الی جبروتک الاعلی وقلوبهم خافقة من

شغف حب جمالک الانوار الاسنی واکبادهم محترقة بنار محبتک يارب

ص ٥٠٤

الاخرة والاولی واحشائهم مضطرمة بنيران الشوق الملتهبة اللطنی ؟ ودموعهم منسجمة

کالديم المدرار من السماء فاحفظهم فی حصن صونک وحمايتک واحرسهم فی کهف

حفضک وکلائک وانظرهم بعين وقايتک و رعايتک واجعلهم آيات

توحيدک الباهرة فی ارجاء الانشاء و رايات تجريدک فوق صروح الکبرياء

والسراج الموقدة بدهن حکمتک فی زجاجة الهدی و طيور حديقة معرفتک

الصادحة علی اعلی فروع الاشجار فی الجنة الماوی وحيتان بحر موهبتک

الخائضة فی العمق الاکبر برحمتک الکبری ای رب هولاء عباد ارقاء

اجعلهم کبراء فی ملکوتک الاعلی وضعفاء اجعلهم اقوياء بقدرتک العظمی

واذلاء اجعلهم اعزاء فی اقليمک الجليل والفقراءاجعلهم اغنياء فی ملکک

العظيم ثم قدر لهم کل خير قدرته فی عالم الغيب والشهود وهيالهم من امرهم

رشداًفی حيز الوجود واشرح منهم الصدور بالهامک يا مالک کل موجود

ونور قلوبهم ببشارتک المنتشرة من المقام المحمود وثبت اقدامهم علی

ميثاقک العظيم يا عزيز يا ودود و قو ظهرهم علی عهدک الوثيق بجودک

وفضلک الموعود انک انت الکريم الفضال المعبود ع ع مقابله شد

ص ٥٠٥

خط مبارک ٥٥٢

هوالابهی

يامن انجذب بنفحات القدس المنتشرة من ملکوت الابهی قد رتلت آيات

الشکرلله لما تلوت بلحن طيور حدائق القدس تلک الکلمات وقرئت

تلک العبارات الناطقة بانجذابک بنفحات الله واشتغالک بنار محبة‌الله

وثنائک علی العهد وميثاق الله وتمسکک بالعروة‌الوثقی واهتزازقلبک من

نسائم موهبته الله ولمثلک ينبغی هذاالشان الجليل ويليق هذاالتائيد العظيم

لعمر ربک لواطلعت بما قدرالله لک فی کتاب العليين وصحف ملکوته

القديم لنزعت ثياب الامکان وهرعت الی مقعد صدق فی ظل الطاف ربک

الرحمن الرحيم وترکت هذا المرکز الادنی وصعدت بجناح النجاح شوقاًالی

الملکوت الاعلی وتوقاًالی الجبروت الابهی فطهر ثيبک ونزه مشامک

قو سماعک وحدد نظرک ودقق بصرک وقدس قلبک ولطف روحک

لتسمع نداء ربک من ملکوت الغيب طوبی للثابتين علی عهدی وميثاقی

طوبی للمتمسکين باوثق عروتی طوبی للمتشبثين بحبلی المتين ع ع مقابله شد

جناب عليرضا خان عليه بهاءالله الابهی بزيارت مطاف ملاء اعلی فائز

ص ٥٠٦

وبنفحات مقدسه آن تربت پاک مشام جانرا خوشبو فرمودند و حال بمراجعت

ماذون گشتند ازالطاف الهيه و عنايات رحمانيه مستدعی وملتمسيم که آنجناب

وجميع منتسبين را بانچه اليوم لائق وسزاواراست مويد وموفق فرمايد اليوم اعظم

امور ثبوت و رسوخ بر عهد وميثاق الله است ونشر نفحات الله چه که امر مويد

بجنود ملکوت ابهی اين امر اعظمست حمد خدارا که تائيدات چون امواج قلزم

اکبر متتابع است و توفيقات چون فيض محيط اعظم متوالی در يوم لقاء يوم سرور

وصفاست در زمان غيبت وقت ثبوت ورسوخ و سعی دراعلاء کلمة‌الله ع ع مقابله شد

ش جناب قاسم خ ا عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

خط مبارک ٥٥٣

آلهی آلهی هذا روح اهتز من تجليات يوم لقائک وهذا سراج اشتعل من النار

الموقدة من سدرة رحمانيتک ای رب ايده فی جميع الشئون واجعله مطلعاًباسرار

لوحک المنشور واشد وازره علی اعلاء کلمتک يا حی يا قيوم وانطق لسانه ببيان

حججک وبرهانک ياذالعزه والجبروت و وفق ابنائه واشباله وسلالله علی خدمة

امرک يارب الايات والملکوی انک انت الميد الموفق الکريم ع ع

ص ٥٠٧

بجهت زيارت روضه مبارکه مسافرت اگر بکمال امنيت وراحت و روح و ريحان

در موسم حج ميسر بسيارمقبول واگرسبب مشقت وهجوم اعداء ميگردد صبرداشته باشند

انی اتضرع من کل روحی الی الملکوت الابهی ان يقبل زيارتک وقصدک ويقدرلک

اجر من فاز باللقاء والبهاء علی اهل البهاء ع ع مقابله شد

جناب آقا لطفعلی خان عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

خط مبارک ٥٥٤

ای ناظر الی الله جناب عليرضا خان عليه بهاءالله الابهی حاضر وخواهش تحريری

نمودند اين بنده درگاه جمال ابهی نيز قلم برداشته وبنگاشتن پرداخته که شايد؟از

اثر خامه ونقوش نامه رائحه وفا ساطع گردد ومشام آن مشتاق ملکوت ابهی را

معطر نمايد ای سرگشته صحرای محبت الله دماغ جانرا از رطوبات فاضله عالم

امکان منزه وپاک نما تا عطر گلستان ملکوت ابهی معطر نمايد و چشم را از حجبات

ساتره اهل اوهام بری کن تا مشاهدهء‌آيات کبری نمايد واقدامرا برعهد وميثاق

آلهی محکم واستوار نما تا در بين انجمن مقربين مشهور ومحشور گردی والبهاء

عليک وعلی کل ثابت جسور ع ع مقابله شد

ص ٥٠٨

هوالله

ش جناب ميرزا عليرضا خان عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٥٥٥

هوالابهی

ای ثابت برميثاق آنچه مرقوم نمودی ملاحظه گرديد نشئه روحانی و نفحه

رحمانی واثر کلک مشکبار بود وريزش ابر عنبر بار فی الحقيقه معانی بود وسنوحات

وجدانی سبحان الله خامه ونامه که حکايتی از جهان جان و دل مينمود حکم رق منشور

و ورق مسطور يافته بوداز فضل وجود و جمال احديت ميطلبيم که معانی لطيفه وحقايق

بديعه در کينونت آن جناب تحقق يابد تا آثار باهره اش در سماء رفيع

ساطع ولامع گردد انه ولی المخلصين ع ع مقابله شد

جناب عليرضا خان عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٥٥٦

هوالابهی

قد القيت نفسی يا آلهی علی عتبتک الطاهره ومرغت وجهی وناصيتی علی تلک الحضرة

القدسية الباهره منکسراًاليک ومناجياًبين يدک متذللاًبباب احديتک طالباًشمول

عواطف رحمانيتک لعبدک الذی تمسک بذيل تقديسک وتعلق باهداب رداء توحيدک

و راجياًان تويده علی السلوک فی سبيل رضائک والثبوت فی قديم عهدک وميثاقک

ص ٥٠٩

والنهوض لاعلاء امرک بين عبادک والرسوخ علی کلمتک بين ارقائک ای رب هذا

مستجير اجره فی جوار بيت احديتک واسير طلقه فی فضاء مملتک ؟ وضعيف

ايده بقوتک القاهره وسقيم عالجه بدرياق موهبتک الباهره انک انت الکريم

الرحيم الوهاب والبهاء عليه فی المبدء وآلماب ع ع

هوالله

خط مبارک ٥٥٧

ش کربلائی محمد هادی عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

يا من استنشق رائحه العرفان دراين ساعت که جمعی از دوستان حاضر وناظر

اينعبد خامه برداشته واين نامه نگاشته تا بخوانی وبدانی ويقين نمائی که رفيق

روحانيت ونديم ربانيت جناب عليرضا خان چقدر از تو ستايش نموده که مرا

مجبور کرده که در مجمع ومحفل بنگارش اين نامه پردازم پس بدان که آن يار

مهربان ترا چون دل و جان عزيز ومحترم دارد واز هر جهت علو وسمو از برای توخواهد

محبت و دوستی چنين شايد از لطف حضرت دوست اميد است که مطلع

انوار فضل گردی ع ع

هوالابهی

امة‌الله ورقه طيبه والده عليرضا خان

ص ٥١٠

هوالابهی

خط مبارک ٥٥٨

ای کنيزآستان ابهائی شکرکن خدارا که موفق بپسری گشتی که متوجهاًالی الله کوه

ودشت وبيابان طی نمود و چون باد باديه پيمود تا آنکه بتراب تربت پاک

بصيرترا روشن نمود وبصر را مجلا وپاک از هر غبار کرد چنين مادری را چنين پسری

لازم و چنان پسريرا چنين مادری واجب طوبی ثديی را که شير داد وخوشا باغوشی که

اورا پرورش نمود طوبی لک وله فی کل الاحوال ع ع مقابله شد

امة‌الله ورقه طيبه ضلع خان عليها بهاءالله الابهی

هوالابهی

خط مبارک ٥٥٩

ای موقنه بايات الله از فراق نورديدگان ناله وفغان منما واز هجران

جگر پارها آه و حنين مکن اگربدانی که آن در دانهای محبت الله درصدف

چه بحری مکنونست وآن نوگلهای الطاف در چه رياضی شکفته البته از شدت

سرور پرواز نمائی والبهاء عليک ع ع مقابله شد

امة‌الله ورقه طيبه همشيره خان شمس عليها بهاءالله الابهی

هوالابهی

ص ٥١١

خط مبارک ٥٦٠

ای مشتعله بنار محبت الله در اين قرن آلهی وحشر رحمانی نسائی مبعوث شدند که چون

هژبر؟ صائب وغضنفر غالب و مردان باسل در ميدان معرفت حمله نمودند وصفوف

جهل را بسطوتی از حجة بالغه الهيه بدريدند انشاءالله تويکی ازآنها گردی واز قوت

آن دردانه بحر محبت الله محزون ودلخون مباش اگر نفحه ازآنعالم بمشام انسان

رسد ابداًاز عروج پدر وصعود پسر وفوت امهات وموت بنات مغموم ومکدر

نگردد جميع اين آه وفغان ها وزاری ونالها از عدم اطلاع از مواهب الهيه

در عوالم غيب رحمانيه حاصل ميگردد وعلبها عليک ع ع مقابله شد

شيراز جناب علی رضا خان عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٥٦١

هوالله

ای ثابت بر پيمان نميقه غراء واصل وبکمال روح وريحان قرائت گرديد مدتيست

که اين قلم بظاهر بذکر آن يار مهربان مشغول نگشته واين از کثرت هجوم اعدا

وفظايع وتعديات اهل شرور وظلم حزب غرور واصحاب فتور رخ داده

والادمی بی ياد ياران نياسايم ودل جزبمحبت حضرت رحمان نيارايم واز فضل

وعنايت حی قيوم رجاءمحتوم است که همواره در ظل ممدود مستريح باشيد

ص ٥١٢

وجميع يارانراتکبيرابدع ابهی ؟ابلاغ نمائيد وعليک التحية والثناء ع ع مقايله شد

ش جناب ميرزا علی رضا خان عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمائيد

هوالله

خط مبارک ٥٦٢

ای ثابت بر ميثاق ورق مسطور منظور گرديد وفغان وشکوی مسموع هيچ

دانی که در چه طوفان بلا غوطه ورم ودر چه بيابان ابتلا سرگشته وگمگشته اثر مشاغل

خارج و داخل خارج از حصر ومهام امرالله بيش از تصور بشر و مکاتبات و سئوالات

و جوابات احباء چون موج بحر وهجوم اعداء و فتنه احزاب چون جراد منتشر

وفساد اهل عناد چون آتش پرشرر اوراق شبهات در جميع جهات جزو جزو

مشتهر وآيات متشابهات مرجع هر بيخبر عهد وميثاق آلهی از نفوس مغرضه

متروک و غير معتبر وطوفان تزلزل ونقض مسلط با وجود اين صدمات وآفات

اين فريد وحيد در اين چار موج اضطراب مستغرق ديگر کجا فرصت تحرير

و تقرير ونگاشتن جواب هر حبيب وسمير والبهاء عليک و علی کل ثابت

مستقيم ع ع مقابله شد

حضرت حبيب روحانی جناب محمد قبل ق را از قبل اين عبد تکبيرابدع

ص ٥١٣

ابهی ابلاغ داريد والبهاء عليه ع ع

از صعود ورقه منجذبه متصاعدهء بملکوت ابهی محزون مباشيد ودلشکسته نگرديد چه که

آن موقنه در جوار رحمت کبری مقر گرفت ودر ظل سدره منتهی مستقر يافت

والبهاء عليها فی محضر اللقاء ع ع مقابله شد

شيراز بواسطه جناب عبدالحسين خان جناب مويد جناب عليرضا خان

جناب بهائی و ساير احبای آلهی عليهم بهاءالله الابهی

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٥٦٣

هوالله

ای عزيزان عبدالبهاء جناب عبدالحسين خان وطن مالوف را فراموش نمود

وسرگشته کوه وبيابان گشت ودر سبيل حق بيسر وسامان شد تا آنکه بان صفحات

بنيت نشر نفحات توجه کرد وبقدر امکان قصور وفتور ننمود سرگردانی سبب پريشانی

شد وبيقراری علت بيماری گرديد رنجور گشت وناتوان ومهجور گرديد وبيدرمان

تا آنکه آن ياران مهربان جويای حال او گشتند و جستجوی راحت وآسايش

او نمودند و بمنتهای همت بر پرستاری برخاستند ودر ايام بيماری نوازش

ومهربانی نمودند فی الحقيقه درد اورا درمان شدند وزخم اورا مرهم نهادند

ونهايت ممنونيت را از همت شما بيان نمودند اين پرستاری خدمت

ص ٥١٤

بحق بوده واين مهربانی از مقتضای عبوديت آستان مقدس زحمات و مشقات شما

در درگاه کبريا مقبول ومحبت ومهربانی شما در ملکوت ابهی ممدوح ومرغوب وعليکم

التحية والثناء ع ع مقابله شد

بواسطه جناب ميرزا علی رضا خان عليه بهاءالله

شيراز جناب ميرزا جلال الدين خان ناظم دفتر عليه بهاءالله

هوالله

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٥٦٤

ای سرمست جام هدی شکرکن حضرت کبريا را که از ضلالت وظلماء نجات يافتی و

بنورانيت هدی موفق گشتی ازجهالت وعمی رهائی يافتی وببصر هدايت بينا شدی گوشرا

از تلقين شبهات مقدس نمودی وهوشرا از توجه بمفتريات منزه کردی شاهراه شريعت

و طريقت پيمودی تا بحقيقت رسيدی از اوهام ديگران خلاص شدی وبجوهر عرفان

پی بردی ملاحظه کن چه بسيار نفوس که دعوی عرفان مينمودند و بخيال خويش سالها

سلوک نمودند وآرزوی ديدار بزرگواری ميکردند ومنتظر اشراق انوار بودند و تجلی

شمس حقيقت را در جماد ونبات و حيوان قائل بودند از خار شميم گل گلزاراستشمام

مينمودند واز زهر شهد فايق ميچشيدند چنين ميگفتند حال که آن آفتاب جهان افروز

ص ٥٠٥

در يوم نوروز از مطلع انوار ظاهر وسلطان گل با خيل و حشم و چتر و علم در

وسط گلشنی خيمه برافراخت و حلاوت شهد آلهی جهانرا شيرين نمود آن عرفای

کهنه سربرهنه پابرهنه فراراختيار فرمودند وعار وننگ هرعارفی ؟ کشتند يکی

گفت اين آفتاب مانند چراغ کور سير سلوک نمود ديگری گفت اين محيط

عظيم گنجايش يک جرعه صهبا نفرمود ديگری گفت اين مشرق بر آفاق

و انفس نو هوس است ديگری گفت اين نفس نفيس خدمت يک مرشد

خسيس نکرد باری هريک بهانهء فرموده بحفره خمول و خمود دويدند و عاقبت کل

محو و ناپديد شدند اما پاک يزدان تورا بيدار کرد وهوشيار نمود و واقف براسرار

کرد پس ستايش باد اورا که جان و دل يارانرا بنور هدايت آرايش بخشيد وبپرستش

و نيايش شمس حقيقت موفق فرمود اين ايام حضور در اين حدود وثغور از شدت

تعرض اهل غرور معسور ومخدور است انشاءالله در آينده مقصد حاصل گردد

جناب سر حلقه راستان عليرضا خانرا تحيت واشتياق من برسان از خدا

خواهم که هميشه در پناه حق مصون ومحفوظ باشد و عليک التحية والثناء ع ع

هوالله

ص ٥١٦

ش طلب مغفرت بجهة ورقه متصاعده الی الله امة الله والده ميرزا عليرضا خان

عليها بهاءالله الابهی

هوالله

ای پروردگار يک ورقه از سدره رحمانيت ترک گلخن فانی نمود وبگلشن

باقيت پرواز کرد و چون حمامه حنين وانين نمود تا بشاخسار احديتت

سدره نشين گشت ای آمرزگار غفرانی ای کردگار احسانی ای بزرگوار

عطای بی پايانی والبهاء عليها ع ع مقابله شد

هوالله

شيراز بواسطه جناب ميرزا علی رضا خان ميرزا علی محمد و ميرزا صدرالدين وصبابای

جناب خان عليهما و عليهن بهاءالله

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٥٦٦

هوالله

ای سلاله بنده درگاه بها شکر کنيد خدارا که از اصلاب طيبه وارحام طاهره

تولد يافتيد از پستان محبت الله شير خورديد ودر آغوش معرفت الله

پرورش يافتيد البته قدر اين موهبت را خواهيد دانست وبشکرانه اين

رحمت خواهيد بر خواست از فضل حق اميد چنانست که در جنت ابهی گل

و رياحين شويد و شکوفه رنگين برآريد و ميوه شکرين بدهيد ودر ظل حفظ و حمايت

ص ٥١٧

حق محفوظ ومصون مانيد ع ع مقابله شد

هوالله

شيراز جناب ميرزا عليرضا خان عليه بهاءالله‌الابهی

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٥٦٧

هوالله

ای بنده صادق جمال ابهی خدماتی که در صعود حضرت افنان سدره مبارکه جناب

آقا ميرزا آقا مجری داشتيد در عتبه مقدسه جمال ابهی مقبول ومحبوب افتاد

اميدوارم که همواره موفق ومويد بخدمات گردی اينست سبب روشنائی روی

انسان در عالم امکان شکر کن خدارا که ملحوظ نظر عنايتی و مشمول الطاف

حضرت احديت و عليک التحية والثناء ع ع مقابله گرديد

شيراز بواسطه جناب قابل جناب ميرزا عليرضا خان

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٥٦٨

هوالله

ای مونس عبدالبهاء دمی ازيادت فارغ ننشينم وبذکر روی و خويت

همدم وهمنشينم واز خدا ميطلبم که آيت هدی شوی وموهبت ملکوت ابهی

ومنقطع ازدنيا ومنجذب ملاءاعلی وناطق بثناء دومظهراسماء حسنی وجميع‌اين

فضائل طائف حول محبت الله است وعليک التحيةو‌الثناء ع ع مقابله شد

ص ٥١٨

هوالله

بواسطه علی رضاخان

ش امة‌الله ضجيع قديم وامة‌الله همشيره عليرضاخان عليهما بهاءالله الابهی

خط مبارک ٥٦٩

هوالابهی

ای دو خادمهء‌احباءالله سزاواراين است که افتخار ومباهات برملکه های

اقطارنمائيد زيرا سلطنت باقی وسرمدی شما راست که بکنيزی جمال ابهی وخدمت

اصفياءالله فائزيد اين کنيزی جمال قدم خدمت دوستان اوست الحمدلله

بان فائزيد واين عقد لئالی کريمه را در گردن داريد واين طوق مرصع را

بر ترائب مزين حمد کنيد اورا که بچنين موهبتی موفق شديد ع ع مقابله شد

بواسطه علی رضاخان هوالله

ش جناب کربلائی محمد هادی عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٥٧٠

هوالابهی

ای دوست حقيقی تا چند اهل نقض در وساوسند وتا چند اهل شقاق

مخمور خمرنفاق سبحان الله برهان واضح ودليل لائح وسبيل واسع وانوار

ساطع وسراج لامع ورحمت سابق ونعمت کامل وحجت قاطع وپيمان

ظاهر و حکم اطاعت صارم مع ذلک الوضوح اهل نقض بوساوس اوهن

ص ٥١٩

از بيت عنکبوت متوسل واز موهبت ميثاق محروم جهول وظلوم در وادی

خسران وخذلان مبعوث و محشورند دعهم فی خوضهم العظيم ع ع مقابله شد

عليرضاخان (هو)

ش امة‌الله ضجيع جديدهء‌علی رضاخان عليها بهاءالله الابهی

خط مبارک ٥٧١

هوالابهی

ای امة‌الله در ظل عصمت مومن بالله وموقن بايات الله درآمدی و

ازکاس عطا نوشيدی ومظهر الطاف حضرت اعلی ومطلع انواربخشش

جمال ابهی گشتی چه خوش بخت وخوش طالع بودی که مطلع چنين عنايتی

شدی که بانوهای ملوک وملکه های آفاق آرزو مينمودند ومينمايند حال

ندانند ولی عنقريب آگاه گردند ع ع مقابله شد

عليرضا خان هوالله

ش مناجات طلب مغفرت لمن عرج الی الله مرحوم محمد قاسم خان

عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٥٧٢

هوالابهی

آلهی آلهی انک انت الغفور انک انت العفو ان عبدک هذا آمن بکلمة

ص ٥٢٠

رحمانيتک وتوجه الی ملکوت فردانيتک وانجذب بايات قدسک واشتعل

بالنار الموقدة فی شجرة وحدانيتک وسمع خطابک ولبی لندائک وتحمل

کل مشغة وبلاء فی سبيلک ثم عرج اليک وصعد الی المقعد الصدق فی

ملکوتک ای رب اجره فی جوار رحمتک الکبری واسکنه فی فئ شجرة الطوبی

واسقه من کوثر اللقاء واجعله آية رحمانيتک فی ملکوتک الابهی انک

انت سامع الدعاء يا جمال الابهی ع ع مقابله شد

خط مبارک ٥٧٣

هوالله

ای رب تری هجوم الامم وجولتها وغرور الملل وصولتها علی عبدک الفريد الوحيد

الغريب فی سجنک الاعظم وتنظر توارد السهام وتتابع الرماح وتکاثر

السيوف وتکاثف الصفوف من کل الارجاء والانحاء فاصبحت النصال

هالةً‌حول الجسم النحيل کالهلال وغدت تکاثر توارد السيوف الحداد تجعله

تحت الظلال ومع هذه البلية الدهماء والمصيبة العمياء قام الاحباء علی اشدالجفاء

ودخلوا ياآلهی فی ميدان الکفاح بسهام وسنان وسيوف ورماح وصوبوا

النبال الی عبدک الاعزل من السلاح وظنواياآلهی بان هذا هو الفلاح والنجاح

ص ٥٢١

هيهات هيهات فسوف يرون انفسهم فی مهادی الردی وحفرات الشقی؟ وغمرات العمی

وينوحون ويبکون علی ما فرطوا فی جنب الله وهتکوا حرمة‌الله و نقضوا ميثاق الله

ونکسو راية‌الله وفرقوا کلمة‌الله وشتتوا شمل مرکز العهد ونثروامانظمه يدالفضل

ای رب اتخذوا ميثاقک هزواًوعهدک صعباً؟وصعودک مغنماًومرکز ميثاقک سخرياًای رب

اغفر ذنوبهم واستر عيوبهم وکفر عنهم سيئاتهم وارجعهم اليک واجمعهم تحت لواء

ميثاقک واخلع عنهم القميص الرثيث والبسهم رداء التقديس انک انت

الکريم الرحيم ع ع

ای رفيق اگر بدانی که بچه حبی قلم گرفته وبتحرير اين نميقه پرداخته البته

بمجرد ملاحظه در شوق وشعف آئی ووجد وطرب کنی که الحمد الله چنين غمخواروغمگساری

دارم وچنين يار مهربانی که در چنين احزانی وبلايا و مصائب بی کرانی وگرداب عذابی

باين محبت ؟ بنگارش جواب نامه پرداخته وبا ياد ياران همدم گشته در يوميکه تذمل

کل مرضعة عماًارضعت وتضع کل ذات حمل حملها وتری الناس سکاری وماهم بسکاری ولکن

عذاب الله شديد اوبذکربديع دوستان سديد؟ پرداخته وبدرگاه احديت عجز ونيازمينمايد

که تائيد وتوفيق بخش وعنايت فرما ع ع مقابله شد

ص ٥٢٢

ای رفيق آيا يادت ميايد که در ايام تشرف بلقاءالله بچه اشتعال وانجذاب باتو

ملاقات مينمودم وبچه مهربانی صحبت ميکردم و چه قدرمحبت بشما داشتم آن الفت ومحبت

وموانست فراموش نشود قدرآنرا بدان اگر تو فراموش نمائی من ننمايم واز فضل و جود

حضرت احديت ملتمسم که آثار وآيات آن ملاقات را اليوم ظاهر و عيان فرمايد ای رفيق

در هر کوراگر چه امرالله ظاهر ولی بوضوح اين کور اعظم در هيچ کوری امر واضح و

عيان نبود چه که اين دور مبين در جميع شئون ممتاز و در کل مراتب بيمثل وبی نظائر

واشباه ودراين کور نيز هيچ امری بوضوح وثبوت وقوت وعظمت عهد وميثاق نه جمال قدم

واسم اعظم روحی لعباده الفدا ازجميع جهات ابواب وساوس ودسائس وشبهاترا مسدود

فرمودند واز برای نفسی محل تردد نگذاشتند سی سال قبل از صعود در مواضع متعدده از

کتاب اقدس که ناسخ ومهيمن بر جميع کتب است بصراحت وتوضيح من دون تاويل وتلويح

سبيلرا واضح ودليل را لائح فرمودند وتکليف آلهی ودينی وروحی وظاهری وباطنی کل را

تعيين کردند وسی سال جميع اطفال ملکوت را از پستان کتاب اقدس شير عنايت فرمودند

تا اين ضوابط و روابط آلهيه در کينونات بشريه تمکن تام حاصل نمايد و حصن رزين

امرالله چون سد سديد حديد حصين ومتين شود و کسی رخنه نتواند مبين کتاب را باوضح

تصريح تعيين فرمودند ومرکز ميثاق را

ص ٥٢٣

شهره آفاق کردند وگذشته ازبيان شفاهی باثر قلم اعلی ونص صريح ابهی کتاب عهد نازل

و جميع شبهات محتمله را زائل فرمودند بقسميکه دور ونزديک واهل افريک وامريک وترک

وتاجيک کل ازاين آوازه در غلغله و ولوله افتادند وصيت اين عهد وصوت اين ميثاق

گوشزد جميع اهل آفاق شد با وجود اين معدودی محدود هوس سروری نمودند واوهام

مهتری با کلاه تتری تاج برتری جويند وبقوتی چون بعوض نفوذ در ميثاق خواهند وراه

ستمگری پويند که مرکز ميثاق را منسی آفاق کنند و قطب دائره عهد را خارج

از محيط اشراق هيهات هيهات هرگز آفتاب عهد بقوت اهل مهد پوشيده نشود

و رخ مهر تابان بهمسات خفاشان رنجيده نگردد وسيل فيض بهاران مشتی خاک مسدود

نشود ونسيم رياض ميثاق مقطوع نگردد فسوف يسمعون نقرات هذاالنار قور

ونغمات هذا السافور من الملاء الاعلی سبحان ربی الابهی هنالک ينطقون المومنون

والمتزلزون تالله لقد آثرک الله علينا حال ملاحظه فرمائيد که اين تزلزل وتردد

چه ثمری بجهت اهل فتور دارد آيا دربحر رحمت اخروی مخمور؟ گردند يا خود در شئون

دنيوی معمور شوند لاولله بلکه عاقبت هر متزلزلی در تحت اطباق خذلان ابدی مطمور

گردد يالله نسيان عهد وعصيان ميثاق سبب نورانيت وجه درجبروت اعلی وملکوت ابهيست

ص ٥٢٤

ياافترای برمرکز ميثاق وابتلای وحيد فريد آفاق سبب روشنائی روی درملاءاعليست اگر

باين دلائل وبراهين کفايت نه نص کتاب اقدس وکتاب عهد را نشان هرملتی ازملل عالم

ميدهيم وبدون گفتگو سئوال مينمائيم که بموجب اين نصوص آلهيه چه‌اقتضامينمايد آيا

چه حکم خواهند نمود خواهد گفت که اين نصوص بجهت اطاعت است يا مخالفت بجهت اعانت

است يااهانت بجهت خصومت است يارعايت آيا در هيچ کوری نصوص کتاب اقدسی بود ويا

فصوص خاتم عهدی بود با وجود اين آباه واجداد حضرت اعلی و جمال قدم واسم اعظم

روحی لهم الفداء چون شيعه بودند بجهت کلمه من کنت مولاه فهذا علی مولاه‌ازسائرين

متنفربودند وحال حضرات متزلزلين آباء واجداد جمال قدم وحضرت اعلی را بجهت اينکه

عمری نبودند شيعه شنيعه دانند ودر جميع اوراق شبهاتشان تکفير حزب شيعه نموده اند

بلی درآثار مبارک ذکر شيعه شنيعه هست ولی مراد از شيعيانی بود که اعراض از حضرت

اعلی دريوم ظهورش نمودند وصد هزار نفوس شهيد کردند نه شيعيانيکه تابع حضرت امير

وائمه اطهار عليهم السلام بودند چه که جميع اجداد جمال قدم واسم اعظم و حضرت

اعلی روحی لعباد هما الفدا شيعه بودند وبری از هر مخالفی پس در اينصورت اصلاب

طاهره چه شد بايد گفت اين دوشمس حقيقت استغفرالله ازاصلاب شنيعه بودند

ص ٥٢٥

سبحان الله ملاحظه فرمائيد که غرض چه ميکند که بکلی انسان کور ميشود وتميز ميان

صحيح وسقيم وغث وثمين نميدهد واين كلمه كفايت كتاب من دون مبين اصلش ازعمراست كه

گفت حسبنا کتاب الله وبچيزديگر محتاج يعنی مبين نيستيم واساس نزاع وجدال و

خصومت و تشتت و تفريق را گذاشت و عداوت و بغضاء بين دوستان

واصحاب حضرت انداخت اين کلمه اساس جميع ظلمها وطغيانها وعصيانها بلکه

سبب خونريزيها گشت و چون مطلع بر حقايق وقايع بعد از حضرت رسول گرديد

شهادت ميدهد که اس اساس دين الله ازاين کلمه برهم خورد وجنود نفس وهوی

هجوم آورد وراسخ در علم معزول ومهمول گشت وهر شخص مجهول ومخمول چون

ابوهريره وابوشعيون معزز ومقبول گرديد اللهم وال من والاه وعاد من عاد اه

اسير وحقير وخانه نشين شد ولعن الله الناقة وراکبها وقائدها يار دلنشين گشت

لا فتی الاعلی لاسيف الاذوالفقار سرگشته تلال وقفار شد ولشجرة الملعونة

فی القران برعرش خلافت وسرير سلطنت استقرار يافت الفاطمة بعضة؟منی من اذاها

فقد اذانی در بيت الحزن گريست تا هلاک شد وعايشه بی باک بحرب آن جان پاک

باقومی سفاک وهتاک شتافت وبه تبغلت وتجمت ولو عشت تضيلت معزز ومکرم گشت

٥٢٦

اين کلمه حسبنا کتاب الله تيغ وشمسير شد وبرسرمبارک حضرت امير خورد وسيف صارم

اين آکلة‌الاکباد گشت اين کلمه درليلة ازمرير؟نارسعيربرافروخت وچهارهزارنفر حفظهء

قرآن اجله اصحاب حضرت امير را هزله و رزله وخذله خوارج کرد اين کلمه تشتيت

شمل احبا نمود وتفريق جمع اهل ولا کرد اين کلمه حب احبای جمال محمدی را بسيف

وسنان وحيف و عدوان تبديل نمود اين کلمه خنجر کين شد ودر ارض طف حنجر

جمال مبين را قطع کرد و خاک را بخون مطهرش رنگين نموداين کلمه در صحرای کربلاء

آن مصيبت کبری وآن فضيحه عظمی را برپا نمود اين کلمه جميع ائمه اطهار را اسير

ومسجون ومظلوم ومحکوم هر غدار کرد اين کلمه سبب شد که در بين امت مرحومه

جدال ونزاع وقتال وحرب وضرب انداخت و خون کرورها از مسلمانان ريخت

اين کلمه کور فرقان را زيرو زبر نمود وبوستان آلهی و جنت محمديرا جنگل سباع

و ذاءب تيز چنگ کرد اين کلمه هزاردويست سال بخونريزی غبراء را گلگون و حمراء

نمود اين کلمه صد هزار گلوله گشت وبر سينه مبارک حضرت اعلی خورد اين کلمه زنجير

شد ودر گردن مقدس جمال قدم افتاد اين کلمه غربت عراق وکربت بلغار ومصيبت

سجن اعظم شد زيرا خليفه ثانی چون خواست که مبين کتاب حضرت امير را مقهور

ص ٥٢٧

ودر زاويه نسيان محصور نمايد و راسخ در علمرا مبتذل و فاسق پرجهل را معزز ومحترم

کند ومنصوص من کنت مولاه فهذا علی مولاه را محتقر در مقابل نطق يکفينا کتاب الله

و حسبنا القرآن گفت واستدلال بلا رطب ولايابس الا فی کتاب مبين نمود وتمسک

باليوم اکملت لکم دينکم جست وتشبث باولم يکفيهم انا انزلنا اليک الکتاب

کرد ومبين کتاب راسخ در علم حضرت امير را خانه نشين نمود وهر راوی ضعيف

را شير گير کرد يکی لوکان نبی من بعدی لکان عمر روايت کرد ديگری حديث

عشره مبشره قرائت نمود ديگری عثمان ذوالنورين وعثمان رفيقی فی ا ؟؟بضه

تلاوت کرد ديگری لو اتخذت غيرالله خليلاًلا تخذت ابابکر خليلاًاز قول حضرت

حکايت نمود خلاصه مجتهد زياد شد و فتاوی بيشمار گشت غبار کذب واراجيف

بلند شد و نور آفتاب صدق مکدر گشت اختلاف شديد شد وايتلاف ناپديد گشت

آراء مختلفه بميان آمد و اختلاف کلمه عيان شد شريعت الله متروک شد

ومبين کتاب الله مخذول گشت ابن غفان مقتول شد ابن آکلة الاکباد منصوب

گشت حرب جمل بر خواست مکر و دغل بميان آمد حميراء برناقه شهبا؟ سوارشد

و جولان در ميدان عصيان نمود و خونخواهی ابن غفان کرد معاويه سراز زاويه

ص ٥٢٨

بيرون کرد و درماتم عثمان از ديده خون بباريد بر منبر رفت واصبع مقطوع دختر

پيغمبر بنمود پيرهن پرخون عثمان نشرکرد وباچشمی گريان آغاز فرياد وفغان نمود که

اين قميص پرخون ذوالنورين است واين اصبع مقطوع نور عين واويلا وا دينا

و شريعتا جميع حاضرين گريستند ودر مقاومت بحضرت امير زيستند

غبار تيرهء ليلة‌الهرير بفلک اثير رسيد وهزاران از نخبهء اصحاب رسول

در خاک و خون مقتول افتاد وعلی هذا المنوال سائر الاحوال واگر خليفه ثانی

اطاعت براسخ در علم ومبين کتاب حضرت امير مينمود و حسبنا کتاب الله

بر زبان نميراند ابداًاين فتن وفساد رخ نمينمود واين فتک وهتک

بميان نميامد وسی هزار مجتهد درمقابل راسخ درعلم بمنازعه ومحججه برنميخواست

چه که هريک از اصحاب رسول خويشرا مجتهد مستقل شمرده از آيات واحاديث

استنباط احکام وعبادات واعتقادات مينمود دراين ميان کسيکه مهمول ومعزول

بود حضرت امير بود وهمچنين ملامحمد ممقانی وسائر مجتهدين حسبناکتاب الله

ميدانستند واز مبين کتاب حضرت اعلی روحی له الفداء خويشرا مستغنی ميشمردند

لهذا بايه مبارکه ولکنه رسول الله وخاتم النبيين تشبث وتمسک جسته فتوی

ص ٥٢٩

بر قتل حضرت اعلی دادند واگر چنانچه از برای کتاب مبينی واجب ميدانستند اعتماد

برفهم خويش نميکردند در حکم قتل تردد مينمودند پس معلوم وواضح گشت که جميع اين

فساد وفتن وبلايا ومحن از عدم اطاعت مبين مبين وعبارت حسبنا کتاب الله

منبعث گشت باری اگر چنانچه کتاب کفايت ميکرد مبين منصوص چه لزوم

وآيه کتاب اقدس چه لازم کتاب عهد بجهت چه اين آيات که در نزد کل احباء

موجود ميخواندند وبموجبش عمل مينمودند نهايت هريک از احباءمجتهدی ميشد

واستنباطی ميکرد وحکمی مجری ميداشت ونهايتش اين بود که استنباطها مختلف

ميگشت کار بمجادله ميرسيد مجادله بمنازعه منجرميشد ومنازعه بمقاتله ميانجاميد

وعاقبت صدهزار خون ريخته ميشد وچيز ديگر نميشد حال با وجود عهد وميثاق

نير آفاق حسبنا کتاب الله ميگويند وای اگر آيات کتاب اقدس

و کتاب عهد در ميان نبود آنوقت والله گوشت وپوست اين عبد را

با درفش فوراًپاره پاره مينمودند واز غرائب وقوعات اينکه يکی از احباب

گفته بود که اين رساله چگونه اوراق شبهات است باوجود آنکه صدآيه درآن

مندرج چگونه آيات بينات شبهات ميشود در جواب بفرمائيد تير شهاب رداً

ص ٥٣٠

علی الباب تاليف شخص کرمانی نيز محتوی برصد آيات بينات قرآن دراين

صورت تيرشهاب را كتاب صواب بايد خواند گذشته ازاين رساله يكي

از يحيائی که دررد جمال مبين ونباء عظيم مرقوم نموده جميع اعتراضات واحتجاجات

خويشرا مستند برآيات بيان نموده وبزعم خود نصوص بيانرا رد قاطع برجمال

مبارک شمرده وآيات حضرت اعلی روحی له الفداء را درج کرده در اينصورت

بايد گفت آن رساله مهمله آن شخص کتاب مبين است ياالهام عليين

وازاغراب غرائب آنکه اعتراضات اهل زلزال براين عبد مطابق احتجاجات

اهل ضلال برجمال ذوالجلال است طابقوالنعل بالنعل ولی ازبرای‌اين عبد مفترياتی

جعل کردند وبرآن رد نوشته اند و ولوله در آفاق انداخته اند وآتشی

برافروختند وخرمن بيگانه وخويش بسوختند واذا قيل لهم لا تفسدوا فی

الارض قالوانما نحن مصلحون الاانهم هم المفسدون ولکن لايشعرون

ملاحظه نمائيد ادعائی از برای اين عبد خلق نمودند پس محاججه بايه من

يدعی قبل الالف نمودند وحال آنکه جمال قدم واسم اعظم روحی لتربته الفدااين عبد

را از کودکی رضيع ثدی عبوديت فرمود ودر آغوش خضوع وخشوع و رقيت

ص ٥٣١

پرورش داد وبخلعت بندگی درگاه احديت الهيه هيکل محويت را زينت بخشيد

تادرقطب امکان علم ميثاق بنسيم عبوديت کبری مواج گردد وسراج عهد در زجاج

رقيت بمحويت عظمی وهاج شود عبوديتی درابداع ظاهر گردد که در جميع عوالم تحقق

يابد وشبه ومثيل ونظيری در اين عهد نداشته باشد لهذا اين عبد سلطنت عزت ابديه

را باين عبوديت صميمه تبديل ننمايم و سريراثير را باين حصير حقير مبادله ننمايم

واين حضيض ادنی را باوج اعلی تحويل نجويم راه بندگی پويم واسرار عبوديت گويم

دردامن کبريا در آويزم واشک حسرت ريزم وعجز ونياز آرم که ای دلبر ؟يکتايم و

خداوند بيهمتايم قوت وقدرتی بخش وتاب وتوانی عطا فرما قوی ؟ را نيروی ملاء

اعلی بخش واعضارا تائيد ملکوت ابهی جوار حمرا سوانح غيبی ده وارکان را لوائح

ملکوتی فرما تا برعبوديت جمال احديت چنانکه لائق وسزاوار مويد گردم وبر بندگی

آستان مقدست چنان که بايد وشايد موفق شوم ای محيط در بسيط فقر وفنا راه ده

ای مهيمن در خلوتکده محو وهبا مسکن بخش خاک ره دوستانت کن

وغبار آستانت فرما عبوديت ملکوتی بخش که فوق توانائی بشريست ورقيت

ناسوتی ده که انزل مراتب بندگيست توئی قوی وقدير توئی مقتدر وبی نظير

ص ٥٣٢

شمعی برافروز که پرتوش روشنی آفاق شود وناری ايقاد کن که حرارتش شعله

بر سبع طباق زند دلها را محبط الهام کن وجانهارا مشرق انوارای پروردگاردرد

مندان را درمان کن وهوشمندانرا محرم ايوان افق عليين را بنور مبين روشن

نما وساحت دلها را رشگ گلزار وگلشن کن هريک از احبا را نجم هدی

نما و هريک ازاهل وفارا کوکبی ساطع در افق اعلی نهالهای حديقه رحمانيت

را طراوت ولطافت بخش ونورسيدگان بارگاه احديت را صباحت

وملاحت ده بندگان ديرينت را انوار عليين فرما وآزادگان قديم را

شهرياران اقليم نعيم کن رويشان برافروز وخوليشانرا ؟ مشک جان فرما

وآفاقرا معطر ومعنبر نما دستشان يد بيضاءنما ولفظشان لولولئلاء

برهانشان ثعبان مبين کن ودليلشان سنوحات عليين ظهيرشان

شديد القوی کن ونصيرشان جنود ملکوت ابهی باری مقصد متزلزلين اين

که باين وسائل واراجيف بنيان ميثاقرا بکلی از بنياد براندازند واساس

عهد را ازبيخ وبن برکنند ولی ازاين غافل که فيض شامل نجم آفل نگردد

وغيث هاطل شئی باطل نشود انوار ملکوت ظلمات ليل ديجور نشود وآيات

ص ٥٣٣

لاهوت منسوخ اهل غرور نگردد و عنقريب رايات آيات عهد مواج گردد وانوار

ساطع ميثاق کوکب وهاج اين سيل عظيم آبياری هفت اقليم نمايد واين

نور مبين پرتو افشانی بر روی زمين بسيط غبراءومحيط سماء گردد وکشور خاک

سپهر افلاک شود آبجوی ماءمعين شود وشعله دلجوی نور مبين باری

ای همدم قديم اين عبد را اميد وطيد بود که ياران مهربان در تهاجم بلاياء

وتتابع رزاياء وهجوم عموم برايا وشدت مصيبت کبری وبليئه عظمی وتسلط

اعداء و تموج بحرقضا هريک زهر هلاهل را درمان گردند وزخم هائل را مرهم

کامل شوند عدو صائل را سپر حائل گردند وتير وشمشير دشمنانرا مانع ودافع

حال آنان نيز تيغ جفا کشيدند ونصيحت مير وفا نشنيدند ومحو واضمحلال

اين عبد بهارا پسنديدند عهد وميثاق را مدار شقاق کردند وواسطه ايتلاف

رااس اختلاف نمودند نورمبين را ليل بهيم خواندند واشراق عليين رااحراق

سجين شمردند حصن حصين را گذاشتند ودخمه گلين را ملجاء متين گمان نمودند

نص قاطعرا نسياً منسيا نمودند وبرهان لامع را هزاًسخريا گرفتند مبين

منصوص را مقصوص انحباح کردند وبنيان مرصوص را مهدوم الاساس انگاشتند

ص ٥٣٤

انگاشتند يکی رئيس المشرکين ناميد وديگری عدومبين شمرد يکی بی عصمت گفت

وديگری بی عفت خواند يکی شکايت کرد وديگری روايت ازبدو صعود آتش فساد

برافروخت ومرکز جحد نقض عهد آموخت اطفال مهد آئين سروری گذاشتند وبوهم

و گمان مهتری خواستند وبرتری جستند وبهر وسيله تخديش اذهان وتشويش

ياران نمودند جميع اوراق واخبار دراقطار واشطار خبر صعود نيرآفاق رابا نقض

ميثاق توام اعلان نمود از جمله اختر روزنامه ايرانيان در اسلامبول اين خبر

مهمول را باطبل ودهل اعلان کرد و در اروپا بعضی رساله تاليف نمودند واين

متاع کثيف را در انظار عموم عرضه کردند اين ناقضين مدتی در کمين نشستند

عاقبت بعد از سه سال ادعائی از برای اين عبد فرض وتخمين نمودند

وباکوس وکرنا عربده در روی زمين انداختند واين عبد را مصداق آيه

مبارکه من يدعی امراًقبل اتمام الف سنة کاملة انه کذاب مفتر نسئل الله

ان يويده علی الرجوع ان تاب انه هوالتواب وان اصر علی ما قال يبعث الله

عليه من لايرحمه انه شديد العقاب دانسته اند واين آيه را در کل رسائل خويش

باقلم جلی مرقوم نموده‌اند ولی دقت نمائيد که چه فتوی در حق اينعبد فريد وحيد

داده اند

ص ٥٣٥

دردرون رساله ذکرادعای الوهيت وربوبيت وشرکت با جمال مبارک مرا نموده اند

ودرظهر رسالها وداخل اين ايه را مرقوم نموده‌اند ديگرتاکی اين فتوای مجری گردد

ومن لابرحمه بشديد حديد حبل وريد اين وحيد رامقطوع نمايد ولی اينعبد درحق نفسی

فتوی ندهم وتکفير وتفسيق ننمايم واسناد شرک ندهم نهايت اينست که نصيحت

کنم وبرجوع برميثاق دلالت نمايم فمن شاء فليعمل ومن شاءفليترک ان الله

غنی عن العالمين وماانت عليهم بوکيل گويم ولست عليهم اساطير خوانم وعليکم

بانفسکم دانم ودست تضرع گشايم وزبان ابتهال باز کنم ورب اهد قومی

فانهم لا يعلمون گويم وسينه را هدف صد هزارتير جفا نمايم وچهره وفا تيره ننمايم

و زخم افترا را مرهم ابتهال نهم ودرد اهل بغضارا درمان سريع العلاج جويم صبر

و تحمل خواهم ونسک وتبتل جويم گريه و زاری کنم ومويه وبيقراری نمايم عجز

ونياز آرم وفرياد وفغان نمايم که ای پاک يزدان اين قوم در ظل سدره

منتها بودند ودر رياض جنت ماوی آتشی در قلوبشان شعله زد ومغلوب

الهوی ومسلوب النهی عربده انداختند وعلم ولوله افراختند ونرد اوهامی

باختند که شايد علم ميثاق منکوس گردد و حقيقت رجا مايوس نور مبين

ص ٥٣٦

افول نمايد وظلام ليل بهيم جويد مرکزپيمان فراموش شود ونارالله الموقده خواموش

گردد زمام عهد در دست اطفال مهد افتد وشمع شب افروز پيمان از ارياح بعضاء

مخمود گردد نير ميثاق غروب کند و خفاش شقاق خيمه به بيرون زند پرتو حقيقت

مفقود و مکنون گردد و ظلمت مجاز سراپرده بگردون زند مرکز عهد تبديل يابد

و محور ميثاق تحويل حال اينعبد را در صون حمايت مصون نمودی و ميثاقت

را محفوظ ومثبوت بنيان پيمانرا بر افراختی و دست تطاول ناقضين را کوته

ساختی ولی نقض عهد گردن گير شده ومانند اغلال و زنجير وانا جعلنا فی اعناقهم

الاغلال فهی الی الاذقان فهم مقمحون تحقق يافت ای پروردگار بقوت واقتدار

اين زنجير بردار و اعناقرا از اغلال رهائی بخش گردنها را آزاد کن و دلهای

قير گون را روشن و شاد فرما خفتگانرا بيدار کن و بيهوشانرا هوشيار

اطفال رضيع را بثدی عزيز دلالت فرما کودکان بيخرد را بدبستان عنايت

هدايت نما مست باده غرور را رسم خضوع و خشوع آموز و زنجير شکن کبر

و محن را آداب عبوديت تعليم نما اين بيچارگان نادانند واين کودکان

نو هوسان و بی خردان ندانند و نشناسند و انجام نبينند نام جويند

ص ٥٣٧

وراه جفائويند تو انتباه بخش واشتباه را ازميان بردار هدايت ؟ کن وعنايت

فرما وبظل سدره ميثاق دلالت نما تا کل در سايه شجره انيسا راحت جان يابند

وکام دل جويند وبمسرت بی پايان رسند ومقامشان بلند گردد وقدرشان

ارجمند عزت قديم يابند وموهبت عظيم ازآغاز سرفرازتر گردند واز پيش

عنايت بيشتر يابند ای پروردگار تائيد بخش وتوفيق عنايت کن اين ابر

تيره را زائل کن واينغمام حامل را متلاشی وباطل نسيم جان بخش بوزان

ودلهای مرده را زنده کن باران رحمتی ببار واين گياه‌افسرده راتروتازه نما

حدائق قلوب را جنت ابهی کن وحقائق نفوسرا رياض ملاءاعلی ای قدير رجای

اين عبد بپذير توئی توانا توئی بيهمتا واز اغرب غرائب آنکه سه سال

قبل نوشتهء‌ازمدينة‌الله عراق نزد جناب آقا محمد مصطفی عليه بهاءالله ارسال ميشود

واز ايشان سئوال مينمايند که اين لوح مبارک است يا دون آن جناب

مذکور آنورق مزبور را نزد جناب آقاميرزا اسدالله ارسال مينمايند واستفسار

از حقيقت کيفيت ميکنند آنورقه چون ملاحظه گرديد بعضی از آثار مبارکه را

پراکنده‌نفسی جمع نموده‌يعنی چند فقره‌ازاينجا چند فقره‌ازآنجا جمع نمودهودر ميان

ص ٥٣٨

اينفقرات ع ع مرقوم نموده وآن ورقه بعضی فقراتش اينست سرالله من سدرة

النار من وراء قلزم‌النور علی بقعة لامر قدکان بالروح مشهودا وبعد اين مرقوم

فسبحانک اللهم اسئلک بذاتک الغيب فی مکمن ؟البقا وبذکرک العلی الاعلی ع ع

وبجمال القدس فی فردوسک الابهی باری در جواب باقا ميرزا اسدالله تاکيد شد

وباقا محمد مصطفی عليه بهاءالله مرقوم گرديد که اين لوح بعضی فقراتش از جمال قدم

وبعضی نه اين را بعضی از متزلزلين مخصوص ترتيب داده اند ودر افواه احبای

آلهی انداخته اند تا شيوع يابد وچون شايع گشت خواهند گفت که اينرا ثابتين

ترتيب داده اند واينرا سبب تخديش اذهان ضعفا خواهند نمود پس بايد

هرکس اين نوشته در دستش آمد محونمايد اين قضيه در سه سال پيش واقع

والان جواب در بغداد موجود وجميع احبای بغداد مطلع وچون جناب فروغی

دراين ارض بزيارت آستان مقدس مشرف شد در نزد جمعی ذکراين نوشته

شد بکرات ومرات وتکرار گفته شد وتاکيد گشت که اين نوشته اصل

ندارد بلکه ترتيب متزلزلين است وبايد بکلی محوشود حال اين ايام سرمکتوم

مکشوف شد حضرات آن نوشته را دست آويز کرده وضعفا را تشويش

ص ٥٣٩

ميدهند که تحريف شده وحال آنکه تحريف متزلزلين چون آفتاب مشهود وواضح

ومطبوع ودر جميع آفاق منتشر آيات سوره هيکل بعضی را بکلی ازسوره هيکل

برداشته وبعضيرا تغيير داده‌اند حال ملاحظه فرمائيد که اين مظلوم ساکت

وصامت واهل فتور چقدر جسور واعظم شرور را بثابتين نسبت داده اند وحال

آنکه در اکثر اوراق بخط کاتب تحريف واقع وآنچه خواستند کرده اند وبنص

جليل اين عبد مبين کتاب مبين است وآثار آنچه در تحت تصديق اينعبد نه

شايان اعتماد نيست مگرباثر قلم‌اعلی آن نيزبايد نهايت دقت وفحص دقيق شود

که نقطه تزييد وتنقيص وتصحيف نگردد قضيه فاقبلوا بتصحيف فاقتلوه

شد از خاطر نرود وپادشاه شام نورالدين سلجوقی امرنامهء‌بحلب نگاشت

عبارتش اين اذاوصلکم امری هذا فاحصواکل اليهود فی حلب يعنی جميع يهود

حلب را بشماريد کاتب بعداز توقيع وتمهير فرمان غفلت نمود مگسی نقطه ءاز

فضلات بلای حای احصوا گذاشت اخصوا شد بورود فرمان جميع يهود

مظلومرا جمع نموده بلای عظيمی برآن بيچارگان وارد آوردند چون کيفيت

منتشر ومسموع پادشاه گشت بسيار برآشفت ودشنام گفت واز غضب

ص ٥٤٠

برافروخت وکاتب را مورد عتاب ساخت چون حقيقت مسئله معلوم گشت مشهود شد

که اين تصحيف وتحريف را يک ذبابه ضعيف نموده ملاحظه فرمائيد تصحيف وتزئيد

نقطه چه ظلم عظيم وفساد شديد برپا نمود ازاين قياس کنيد علی الخصوص جميع

امانات واوراق اين عبد را متزلزلين غصب وضبط نمودند حقيقت اين قضيه

آنکه جمال قدم واسم اعظم روحی وذاتی وکينونتی لعتبة‌المقدسة‌الفدا

در ايام اخيره وقتيکه در فراش تشريف داشتند اينعبد بقصر رفت وشب

وروز درساحت اقدس بودم دلها پرخون واشک مانند جيحون وبااين حالت

باکثر خدمات مبارک مشغول بودم روزی فرمودند اوراق من را جمع کن ازاين

فرمايش چنان طپش واضطرابی در قلب حاصل گشت که شرح نتوانم مکرر

امر قطعی فرمودند محض اطاعت باکمال ارتعاش دل ودست مباشرت بجمع

اوراق نمودم ودو جانطه بسيار بزرگ بود که در وقت تشريف بردن بقصر

ومراجعت بعکا جميع اوراق وما يتعلق محبوب آفاق درآن دوجانطه گذاشته

ميشد باری اينعبد مشغول بجمع کردن بود که ميرزا مجدالدين وارد شداينعبد

چنان متاثر ومضطرب بود که خواست بزودی از تاثرات جميع اوراق خلاص شود

ص ٥٤١

بی اختيارباوگفتم تونيزمعاونت نما باری جميع اوراق وامانات وخواتم وسجعهای

مهرهای مقدس را ؟ دوجانطه گذاشته بستيم فرمودند تعلق بتودارد بعدازرزيه کبری

رخ نمود وارکان عرش متزلزل وظلمت فراق آفاقرا احاطه نمود صبح نورانی

بشام ظلمانی تبديل گشت شمس حقيقت بظاهر از ابصار افول نمود وبر

آفاق بصائر سطوع فرمود سراج هدی ازملاء ادنی صعود نمود ودر

زجاجه ملاء اعلی بر افروخت دلها غرق خون شد وجگرها پرسوز وگداز

گشت ناله وحنين بلند شد وگريه وزاری باوج اثير رسيد جميع ملل از

وضيع وشريف در قصر جمع شدند وکافه متاثر ومتحسر مصيبت کبری ولاتسمع

لهم همسا فضلا وعلما وادبای ملل شتا از سنه و شيعه ونصاری قصائد

غرا درماتم ورزيه کبری انشانموده در کمال تاثر وتاسف وتحسر علی ملاالاشهاد

قرائت وتلاوت مينمودند وجميع درستايش ونيايش وبزرگواری نير آفاق

بود واعتراف برعظمت وجلال وکمال حضرت کبرياءوالفضل ما شهدت

به کل البرايا باری اينعبد در اين فزع عظيم واضطراب شديد با چشمی گريان

وقلبی سوزان وکبدی بريان وارد غرفه مبارک بااغصان شد چون خواستيم

ص ٥٤٢

جسد مطهر را غسل وآب پاک وماءطهور را بنفحات آن تن چون بلور معطر

نمائيم يکی از اهل بايعبد گفت اين دو جانطه را بدهيد بدهم ميرزا بديع الله

بفرفه؟ خويش برد ومحافظه نمايد زيرا در اينجا آب موج خواهد زد اينعبد

ازشدت صدمه کبری و قوت رزيه عظمی مدهوش ومحو وفانی گشته

وبهيچ وجه گمان چنين ظلم نميگشت لهذا آن دوجانطه را بتمامه تسليم نمودم

باری ديگر مپرس که در آن روز چه حسرت وماتمی بود وآن بامداد چگونه

شام گشت گر بگويم قلبها پرخون شود ورنويسم اشگها جيحون شود

قسم بجمال قدم که بکلی از حواس واحساس بيزار وبيگانه گشتم وتا الی

صباح گريستم ويوم ثاني وثالث نيز براين منوال گذشت ليله

رابع نصف شب از بستر باخون جگر بر خواستم که قدری مشی نمايم بلکه فتوری

در حرقت وسوزش جگر حاصل شود ملاحظه کردم که اوراقرا باز نموده اند

وجستجو مينمايند چنان حالتی دست داد که وصف نتوانم دوباره رجوع

بفراش نمودم که مبادا ملتفت شوند که اين عبد اين قضيه را مشاهده

نمود در پيش خود گفتم چون حضرات کتاب عهد جمال قدم را نديده اند گمان

ص ٥٤٣

ميکنند که بواسطه اوراق مبارک ميتوانند در امرالله اخلالی کنند لهذا بهتر اينست

که اينعبد سکوت نمايد ويوم تاسع کتاب عهد تلاوت شود آنوقت اهل فتور نادم

و پشيمان خواهند گشت واين اوراقرا اعاده خواهند نمود چون يوم تاسع

تلاوت کتاب عهد گشت ومعانی ميثاق در مذاق اهل وفاق حلاوت شهد بخشيد

حزبی مسرور ومستبشر گشتند وبعضی مغموم ومتحسر آثار بشارت کبری در

وجوه احبا ظاهر گشت و غبار کدورت عظمی در بشره اهل هوی نمودار گرديد

بقسميکه جميع حاضرين ملتفت شدند واز همان يوم اساس نقض گذاشته

شد ودريای وهم بموج آمد آتش فساد برافروخت وقلوب مخلصين

بسوخت روز بروز اين آتش شعله ورگشت واين غبار بلند ترشد تا يکی

از حضرات افنان توقيعی جديد داشت واستدعا نمود که فوق توقيعش

بخاتم مبارک مزين گردد ذکرشد که يک خاتم ازخاتمهای مبارک بدهيد تااين

توقيع را مزين نمايم در جواب گفتند خبری از خاتمهای مبارک ندارم گفته شد

که جميع خاتمهای مقدس در جانطه ودر کنجه مبارک بود وجانطه را من تسليم شما

نمودم گفت من نديدم ونميدانم ازاين جواب قسم بروح صواب چنان ارتعاشی

ص ٥٤٤

دربدن حاصل شد که وصف نتوانم حيران وسرگردان ماندم وگريان ونالان شدم که اين

چه فتنهء‌عظمی بود وچه ظلمت دهما که ظاهر گشت باری جميع آثارمقدسه والواح متعلقه

باين عبد وساير دوستان جميعرا ازميان بردند حتی احکاميکه تعديلش در نزد اين عبد

موجود ملاحظه فرمائيد که تعدی بچه درجه رسيد واينعبد ساکت وصامت بود که

مبادا اين رائحه کريهه بکلی نشر در آفاق گردد واين حوادث نحيفه بتمامه معروف

در نزد اهل شقاق شود در آتش ميسوختم وميساختم ميگريستم و ميزيستم بعد ملاحظه

شد که بلايائی که بر جمال قدم وارد يک يک پی در پی مستولی براين عبد ميگردد

تا آنچه در علو ربوبيت ظاهر گشته انعکاساتش در دنو عبوديت نمايان وعيان

شود صورتی در زير دارد آنچه دربالاستی چون اين مصيبت بعينها بر جمال قدم وارد

پس بايد صدمهء‌ازآن نصيب اين عبد گردد تا عبدی اطعنی حتی اجعلک مثلی

تحقق يابد چنانچه در مناجات بيان ميفرمايد وفی الحقيقه اين فقره مناجات ازلسان

اينعبد است قال وقوله‌الحق قداخذتنی الاحزان علی شان منع القلم الاعلی عن الجريان

ولسان الابهی عن الذکر والبيان وقدرايت ياآلهی فی حبک مالا رايت عيون الاولين

وسمعت مالاسمعت اذن العالمين وقداری ياآلهی عبادک الذين نزلت عليهم البيان

ص ٥٤٥

و خلقتهم لنفسی احجب من ملل القبل کلها بحيث يفتخرون بخاتمک ويضربونه ؟ علی

الالواح لاثبات رياساتهم بعد الذی انی ارسلته اليهم لعل يستشعرون لا فوعزتک

لم يکن خاتمک الافی اصيعی؟ ولا يفارق منی ابداًولن يقدراحدان ياخذه منی طوبی من

يفرء ما نقش فيه من اسرارک المستوره وآياتک الاحديه وثناياک المستودعه

انتهی بيانه‌البديع ملاحظه بفرمائيد که چگونه‌اينعبد راازبلاياء وارده بر جمال قدم

نصيب عظيم است آنچه بر آن مطلع انوار وارد بعينه براين خاکسار وارد وقد تجلت

دموع الملاء الاعلی لبلائی و تلهبت زفرات اهل الملکوت الابهی لکربی وابتلائی

واعين اهل سرادق القدس تذرف بالعبرات من حسراتی واکباد الملاء العالين

تتفتت من احزانی وآلامی آلهی آلهی تری اجيج ناری وضجيج شعری؟ واحتراق

کبدی وشعلة قلبی وکی احشائی وفيض دموعی وسيل عيونی و شدة کربی وبلائی

و حرقة فئوادی وابتلائی ايرب اکمنوالی المراصد وفوقواالی سهام المفاسد

وسلوا علی سيف العدوان من کل جانب واطلقواالعنان واشرعوا اتسنان ؟

واغار واعلی هذا العبد الذليل بکل طغيان ايرب ليس لی نصير ولا ظهير

ولامجير الاانت وبقيت فريداًوحيداًاسيراًذليلاًبين احبائک وحيرا؟؟

ص ٥٤٦

فی امری کلماانظری‌الی اليمين اری نبالاً؟ طائره وانظرالی اليساراری نصالاً

متتابعه والتفت الی الامام اجد سيوفاًشاهره واتوجه الی الخلف احس وحاً؟نافذه

وارفع راسی اری غيوماًمتکاثفه و اطرق الی الارض اری حبائل واشراک

متواصله وضعوها لی مصامد اولی العدوان حتی يرمونی فی اخدود النيران وبعويونی ؟

باشد هوان ای رب و غاية رجائی اتضرع اليک وابتهل اليک وضجيجی يرتفع

الی ملکوتک الابهی وصريخی يتصاعد ای ملئک الاعلی ان تقرب ايام رجوعی

اليک و ورودی عليک و وفودی بين يدک ای رب ضاقت علی الارض

بوجها و اشتدت علی الازمة باسرها واحاطتنی جنود الشبهات من جميع الجهات

واغارت علی جموع الخصماء منکل الانحاء انجدنی بقبيل من الملائکة المقربين

من ملکوتک الابهی وانصرنی بنزول جيوش متوسمين من ملئک الاعلی کما

وعدتنی حين اندک طور وجودی من تجليک علی سيناء الظهور مشهد اللقاء

وانی مطمئن القلب متقين الفواد انک تبخر وعدک الحق وقولک الصدق

يا محبوب من فی الارص والسماء فاخلق اللهم نفوساًزکية وقلوباًصافية

و وجوهاًنورآء و جباهاً بيضاء وصدوراًمنشرحةً‌بايات قدسک ياربی الابهی

ص ٥٤٧

والسناًناطقة بذکرک يا ذالاسماءالحسنی ؟ وکينونات لطيفة صافية مستنبة عنک

يارب السموات العلی ليقوموا علی نشر آلايات واعلاءالکلمة واشهار البينات

متمسکين بالميثاق ومتشبثين بعهدک يارب الرايات ويفتحوا قلاع القلوب

ومعاقل النفوس ويسخروا الارواح فانهم جنود ملکوتک الاعلی ياربی الابهی

اينعبد در ساحت اقدس جمال قدم از شدت خجلت وشرمساری سربر ندارد

واز کثرت قصور در حسرت فتور نيارد چه که با دستی تهی وگناهی عظيم وذنوب

وعصيان ونسيان قائم در آستانم و جز عفو و غفران ملجاء وپناه ندارم

ای يزدان مهربان سرا پا گنهيم و خاک رهيم ومتضرع در هرصبحگهيم ای

بزرگوار خطا بپوش و عطا ببخش وفا بفرما صفا عنايت کن تا نورهدايت

تابد وپرتو موهبت بيفزايد شمع غفران برافروزد پرده عصيان بسوزد صبح

اميد دمد ظلمت نوميد زائل گردد نسيم الطاف بوزد شميم احسان مرورنمايد

مشامها معطر گردد رويها منور شود توئی بخشنده ومهربان ودرخشنده وتابان

انتهی ولی حمد نمايم حضرت احديترا که اهل فتور پس از پنج سال غور وشور وشو

فصوری که براين عبد وارد آوردند اين بود که بکنايه واشاره وعباره وتلويح

ص ٥٤٨

و حال بتوضيح تفهيم کل مينمايند که اينعبد مدعی مقامی وشانی وظهورجديدی وطلوع

بديعی هستم يعنی خود را مطلع وحی ميدانم ومظهر الهام ؟ م وبنص کتاب الله وحی

مختص بحضرت اعلی و جمال مبارک است وتا هزارسال وحی منقطع وبعث

مظاهر ممتنع است پس بسبب اين ادعاءوحی کفرثابت وحکم يبعث الله

عليه من لايرحمه لاحق چه که اين متمم آيه من يدعی امراًقبل اتمام الف سنة

کامله است باری چنين افتراء صريحی زدند وتهمت شديدی روا داشتند

وفتوای عظيمی دادند فنعم ماقال طوعاًلقاضٍ‌اتی فی حمکه عجبا افتی بسفک

دمی فی الحل والحرم چون قلم در دست غداری فتاد لاجرم آن ياربرداری فتاد

باری در سنهء صعود بعراق مکتوبی ارسال گشت که مضمونش باين معانی

مشحون اعلم ان العبودية فی عتبة الساميه هی تاجی الوهاج واکليلی الجليل

وبها افتخر بين الملاء العالمين و همچنين صفحه مرقوم گشت که از عنوان تا ختام

عبدالبهاء بود ومضمونش ازاين عبارات داله بر فقر وفنا اعلم ان اسمی عبدالبهاء

ولقبی عبدالبهاء رفعتی عبدالبهاء؟ وکينونتی عبدالبهاء وذاتيتی عبدالبهاء ومسجدی

الاقصی عبدالبهاء وسدرتی المنتهی عبدالبهاء وجنتی الماوی عبدالبهاء

ص ٥٤٩

وامثال ذالک الی الانتهاء واين دو نوشته در عراق الان بخط اين عبد موجود

و همچنين مکتوبی که سه چهار سنه فبل بجناب آقامحمد علی المشهور برجال الغيب

مرقوم گرديد صورتش اينست هوالابهی ای طالب صادق و حبيب موافق

آنچه مرقوم نموده بودی ملاحظه گشت وبمنتهای دقت تلاوت گرديد اليوم

تکليف کل اينست که آنچه از قلم اعلی نازل آنرا اتباع نمايند وآنچه بيان

صريح واضح اين عبد است اعتفاد كنند ابداًتاويل وتفسير ننمايند

وتلويح ندانند قسم بمربی غيب وشهود هر نفسی تصوری نمايد ويا تخطری

کند سبب احتجاب او گردد وعلت ارتياب شود اينست اعتقاد صميمی

حقيقی صريحی بديهی اهل ملکوت ابهی وسکان جبروت اعلی که ظهورات کليه

که نقاط اوليه وشموس حقيقيه ومبادی فيوضات رحمانيه هستند

منتهی بظهوراعظم و جمال قدم روحی لاقدام احبائه الفدا شد تا قبل

از موعد مذکور در کتاب الله يعنی الف سنه جميع نفوس مقدسه

موجود شوند ادلاء و عباد وارقاء بل تراب آستان جمال مبارکند کل

در نزد آن آفتاب حفيقی بمنزله سرج مستضئيه ونجوم مستنيره هستند

ص ٥٥٠

که بشعاعی ازاشعه آن شمس حقيقت مستفيض گشتند کل عباد له وکل بامره يعملون

سبحان الله چه نسبت است بين تراب و رب الارباب و چه مشابهت است

بين ذره و آفتاب جهانتاب واما اينعبد مقامش عبد عبدالبهاء ست و ذرهء

از خاک آستان جمال ابهی در ساحت احبايش محو و نابودم و در آستان

بندگانش تراب بی وجود استغفرالله عن دون ذلک يا احباءالله

ولی اين مطلب را بکمال محبت ورافت تفهيم کل نمائيد نه بعنف وزجر که سبب

اختلاف شود عبدالبهاء ع ملاحظه بفرمائيد که اين عبد در چه مقام قائم

ودر چه فکر وانديشه مستغرق بحور متلاطم باقوت تائيد ملکوت ابهی چون

اضعف ناس فانی ومحو و نابود و با ظهور قوت نصرت جمال ابهی چون احقر

عباد در صقع وجود مشهود باوجود اين اهل فتور چه قدر مفری و جسور

که انتشار ميدهند اين عبد نعوذ بالله مقامی فوق مقام جمال ابهی

ادعا نموده واين قضيه بر اهل فتور گران آمده آلهی انت تعلم وتشاهد

وتشهد بان طينة عبدک مخمرة بماء العبودية لعتبتک العاليه وجبلة

رقيفک مربية بروح الفناء والمحوية فی حضرتک القدسيه و حقيقة عبدک

ص ٥٥١

کالطفل الرضيع قد رضع من ثدی العبودية و نما فی حصن التعبد لطلعتک

المنيره ونشاء فی حجر التخشع لسلطنتک القديمه مع ذلک کيف سلوا سيوف

السنتهم الموتفکه علی عبدک ورشفوا سهام الطعن المسمومه علی ابن امتک

ايرب افتح بصيرتهم وطيب سريرتهم ونظف ضمائرهم ولطف بواطنهم وظواهرهم

وابدههم الی المنهج القويم وصراطک المستقيم انک انت الکريم الرحيم

باری ملاحظه فرمائيد که اين قضيه بعينهابرجمال قدم درعراق وارد که صد هزار

تير طعن بر سينه مبارک زدند ومفترياتی چند اعلان نمودند که ناس راازماء

معين محروم نمايند واز نور مبين محجوب کنند چنانکه در مناجات قلم بيان

ميفرمايند بل قضيت علی ما لا قضی علی احدٍمن قبلی واجريت مالايجری علی

نفس من بعدی ولکن لن يعرفه احد دونک ولن تحصيه نفس سواک

لانک کمالا تعرف بالابصار وکذلک فعلک لا يدرک بالافکار وانک

انت العزيز الجبار ونزل کل ذلک حين الذی استعنی اختلاف عبادک

فی شانی بعدالذی ما قدرت لی شان دون العبودية لنفسک

والخضوع لدی باب رحمتک والخشوع عند ظهورات انوار وجهتک

ص ٥٥٢

لانک لم تزل کنت سلطاناًعلی ولا تزال کنت عابداً لوجهک وکنت مالکاً

لنفسی و کنت مملوکاً لنفسک وذليلاً عند جنابک و حقيراً لسلطنتک

و معدوماً لدی ظهور قدرتک ومفقوداً عند تجلی انوار عز ازليتک

رغماًالمذين يريدون ان يفسدون فی ارضک ويعملون فی بلادک

ويحدثون فی الملک ما لا قدرت لانفسهم ومراتبهم فسبحانک سبحانک عن کل

ذلک وعن کل ما وصفتک به لانک ؟ ١ لا تدرک حتی تذکر بالوصف

ولا تعرف لکی تدرک بالنعت بل ان عبدک هذا يکون عابداًلمن يعبدک

وساجداًلمن يسجدک ؟ وخادماً لنفسک وخاضعاً لسلطنتک و معيناًلمن

يطلبک وناصراًلمن ينصرک فی سمائک ويريد نصرک فی بلادک فوعزتک

لم اجد لنفسی عزاًاکبر من ذلک ولا رتبة اعظم من هذا ومن کان فی

قلبه وله من شوقک وشعف فی حبک يعرف حب الذی شرفتنی به

من جواهر رحمتک ومجرد مکرمتک ويستنشق من هذه الورقة الوردية

ارياح حديقة البقاء واطياب مدينه الوفاء ويشهد کيف يحرق ويذوب

هذاالشمع فی مصباح قلبه فيما ورد عليه ونزل فی امرمولاه‌انتهی باری

ص ٥٥٣

اين عبد بااين عبوديت عظمی در کمال محويت وفنا در آستان اقدس قائم

و چون ذره مفقود ومعدوم ونابود درمقام بندگی ثابت وراسخ ودائم هيچ

اسمی نخواستم وخويشرا بهيچ لقبی نياراستم وادعای وحی ننمودم حتی خويشرا

ملهم نخواندم نه مستضيئی دانستم ونه مستنير نه مستشرق نه مستبرق در جميع

احيان خود را عباس ناميدم ودر بين ناس خود را باين اسم شهير نمودم

بلکه منتهای آرزوی اينعبد انعدام صرف وفناء بحت است که بينام و گمنام

شوم وبی اثر و بينشان گردم تا بحقيقت عبوديت که عدم بحت وفنای

صرف است متحقق شوم ولي بانصاف ملاحظه نمائيد كه نفوسيكه افتري

باين عبد روا داشتند چه ادعا ها نموده‌اند وچه عربده ها کرده‌اند وچگونه

دعوای ظهور جديد نموده اند و چه قسم ادعای نزول آيات و وحی کرده اند

بقسمی تعجيل نمودند که فرصت صعود بجمال مبارک روحی لمرقده المطهر فدا

ندادند در وقتيکه آن شمس حقيقت در افق مبين طالع ولائح وسلطان

ملکوت توحيد بر سرير تفريد در حيز شهود جالس پرتو آفتاب اوج عزت

شرق و غرب را منور نموده ونير اعظم باشد اشراق ابصار را خيره فرموده

ص ٥٥٤

در چنين وقتی وچنين روز فيروزی اظهار وجود نموده‌اند وعلم ادعا برافراختند و

دعوی وحی نمودند و چنان عربدهء معهود در فزوين انداختند وتوقيعات نوشتند

و عبارات خود را آيات الهيه خواندند و خويشرا سلطان روح ناميدند

و چون ازاين تفوهات و حرکات آشوب و فتنه در قزوين بر خواست

تقيع ساطع چون سيف قاطع صادر گشت قوله جل ذکره اگر آنی

از ظل امر منحرف شود معدوم صرف بوده وخواهد بود انتهی واين سواد کلماتيست

که بخط ومهر مدعی عيناًموجود هوالعزيز

ان يا علی اسمع ندائی ولاتکن من الغافلين قد انزلنا اليک کتابا بلسان

عربی مبين وما ارسلناه لحکمة لن نيالها الاالذين انفطعو عن کل من فی

السموات والارضين فسوف نرسله عندک اذا شاء الله واراد وانه

من اله الا هو يحکم ما يشاء وانه لعليم حکيم مهر محمد علی هوالبديع فی

افق عزمنيع ح ع ب د

تبارک الذی ارتفع السموات بغير عمد واستوی علی الما عرشه وانه بکلشئی

شهيدا وانه لا اله الا هو وانه بکل علم عليما قل يا عبد اتبع ما ينطق لک

ص ٥٥٥

الروح بلسان صدق عظيما ثم ابلغ الناس بهذه آلايات ليذکروا فی انفسهم

ولن يتبعوا خطوات کل کافراًاثيما قل ياقوم آمنوا بالله لذی خلقکم ورزقکم؟

ولا تعترضوا به علی قدر فقيرا وقطمير اقل ياسلالم تکفرون بالله بارئکم وتعرضون

بهذاالايات لان هذا قد نزل من عندالله المقتدر العليم الحکيما ثم قل يا قوم

تالله قد ظهر غضنفر الله فی الارض وفر منه کل حميرذی رصبين وملا قلوبهم

من خيفة الله المقتدر القديرا وما امن احد منهم اياکم ان لا تکونوا بمثلهم

مشرکاًمرتدا کفورا الی ان قال ثم اشرب ما يسقيک ساقی الروح

من هذا الکوب الذی کان من ذهب الايقان مصنوعا ثم ارزق من

ثمرات هذه الشجرة‌التی غرست فيهذا لسيناءبيد ربک العليم الحليم الحکيم

الرحيما ثم قل يا قوم اسمعوا نداء هذا الذی ظهر بين السموات والارض

ويقول بان ياقوم امنوا بالله الذی خلقکم بامره وکونوا بقوله سماعا سامعا

سميعا وبجماله بصارا باصراًبصيرا وبجلاله نظارا ناظراًنظيرا الی ان

قال وانه توابا کريماًعلاما رحيمامن النبيل قبل علی مهر محمد علی هوالله الارفع

الابهی الاعلی ذکرالله عبده عليا ليستقيم علی امرمولاه ويکون بربه صديقاالی

ص ٥٥٦

ان قال ان يا عبداسمع ندائی ثم انقطع عن نفسک وهواک و وجه بشطر مولاک

وان هذاالقول الصدق ان انت له سميعا والروح عليک و علی من استشرق

من هذه‌النورالذی ظهر عن هذه‌الشمس التی کانت فی قطب الزوال مضيئاً

عبدالله‌العلی محمدعلی مانزل علی فواد محمد قبل علی ان يا غلام‌الروح‌اسمع

نداء ربک الکريم عن هذا المنظرالعظيم الی ان قال ثم ابلغ الکائنات الی

مولاک فمن صدق بقولک وآمن بايات الله بشره بلقاء ربک الرحمن

الرحيم ومن کفر فاندزه بالنار وان ربک سيجزيه عذاب عظيم وما عقبی

الظالمين الاالحجيم والله مخبر عليم قل يا عبداسمع مايلهمک قلم‌الامرفی‌آخر

اللوح ان استقم علی امره ان يمطر علی راسک السيف لاتبتع خطوات

الشيطان واتبع ملة‌الرحمن وانه لا اله الا هو وانه لسلطان حق مبينا

ثم اشکر ربک بانه ينصرک بنصره وانه ينصر من يشاء وانه لعلی کل شئی

شهيدا وانه لناصر کل عبد فقير والروح والتکبير والبهاء عليک وعلی کل

مومن منيامانزل علی فواد محمد قبل علی هوالبهی الابهی فی الافق الاعلی

ع م ص

ص ٥٥٧

سبحان الذی خلق کل شئی بمقدارهم وانه لعلی کل شئی قديرا وانه لااله الاهو

وانه لعلی کل خلق عليماان ياقوم‌آمنوابالله وصدقواباياته بانه لااله الاالذی

فطرالسموات بفير عمد واستوی عليه عرش العلی عظيما قل ياقوم اسمعوا ندائی

وکونوا علی صراط الله قائماًمستقيماًيا ملاءآمنو بالله الذی خلقکم ورزقکم

و صور کم وانه بکل شئی شهيدا له الخلق والامر من قبل ومن بعد وانه لسلطاناً

مقتدرا عزيزا عظيما کبيرا ان يا ملاء البيان اسمعوا ندائی ولاتکونوا

کالملاءالفرقان کافراًمرتداًاثيما ثم اشهدوا بانه لااله الاهو وانه لسلطان

حق مبينا يا قوم اسمعوا ندائی ولا تکفرواباياته وبيناته بانه قد خلقکم

من قبل من قطرة‌ماء وطينا آمنوبالله ياملاءالمشرکين ولا تکذبوا

بهذاالايات لان هذا قد نزل من عند الله المقتدر العليم القدير وانه لاصرف

الطوفان عن فلک النوح وانه لاصرف ريح العاصف عن الهود والذين

معه واورد المشرکين فی الجحيم وانه جعل نار الخليل رضوانا وانه لاغلب

علی النمرود بعوضة من السماء قتله وانه لجعل البحر للنبی اسرائيل سبيلا

و غرق الفرعون وملا کلهم اجمعينا وانه لارسل علی الخلق من عنده الانبيا

ص ٥٥٨

حتی يدعوا الخلق اليه وانه لقادر عليما ياقوم هذه آيات الله لاتکفروا به ولا

تعرضوابالله نازله هنيئا لمن صدق به ويشهد بانه لااله الاهو وانه لعلی کلشئی

قديرا ان يا معشر البشر تالله قد اشرق شمس الله اکبر وانتم اعرضتم

عنه و کنتم من اصحاب الکفر وانه لااله الاهو وانه لسلطانا مقتدر وکل

خلقتم بقولی وانه لعلی قاهر مقتدر لا اله الاهو وانه لسرالله المستسر

قد ورد فی الجحيم کل من اعرض به ثم ادبر ان ملاءالمشرکين لم تضرون

من هذا المشرق الانور تالله لم يکن لاحد مفر لااله الاهو سبحانه وتعالی

عما يصفون هولاء الکفر فسبحانک اللهم يا آلهی انت الذی خلقتنی ورزقتنی

وانک لقادرا مقتدر يامن لااله الاانت فاطهر لناسرالمستسر وانک

لسلطان ملک الوهاب لن تنهر قل يا قوم تالله قد ظهر ظهورالله الاکبر عن

مشرق القدس کشمس لائح انور و کشف النقاب عن وجهه الاطهر وانه من

کل الشموس والاقمار والنجوم انوراکبر بل انه لسلطان السموات

والارض وانه لنور الله الانور بل الشمس عنده من کل صغير اصغر قل

يا ملاءالبيان اليوم قد غفرالله ذنوبکم الله الذی کان بکل شئی عليما

ص ٥٥٩

اياکم‌ان لا تفتروا علی کماافترواالمشرکين من قبل ولا تقولوافی حقی بانک درست

کما قالواالکفار اذجاء علی بالحق بايات الله وبيناته خافوا عن الله ولا تفتروا

علی وانی کتبت هذااللوح حين الذی کنت صغيرا يا قوم انتم کبراء فی الارض

اياکم ان لا تختلفوا فی الدين وکونوا علی صراط الله قائماًمستقيما

ومکتوب ديگر چون مفصل بود اين مختصری از آن است که نوشته ميشود

قل يا قوم انی سمندرناری امشی فی النار واکل من النار واسير فی النار وان

مقصودی من النار هو حب الله المهيمن القيوم ومن اکل النار هو اکل معارف

ربی والمشی فی النار هوالمشی فی سبيل حبه والسير فی النار هو السير فی درجات

شوقی و جذبی الی محبوبی الباقی المحبوب اذاًلا تقتلونی باسياف شرککم اتقوالله

ولا تنکرونی ولا آياتی التی او حيت الی من عند ربی وانزله علی لسانی ونطقت

بها فی ايام صغری اذا فارحموا علی ولا تقطعوا راسی بسيوف النفس والهوی

وهذا ما نصحتکم به بما امرت من لدی الله المقتدر القيوم ان انتم تسمعون

حال ای اهل انصاف قدری انصاف دهيد نفسی که نوشته است واضحاًمشهوداً

قل ياقوم تالله ظهر ظهور الله اکبر عن مشرق القدس کشمس لائح انور وکشف

ص ٥٦٠

النقاب عن وجهه الاطهر وانه من کل الشموس والاقمار والنجوم انور واکبر وهمچنين

بل شمس عنده من کل صغيراصغر و همچنين کل خلفتم بقولی و همچنين ولاتنکرونی وآياتی

التی اوحيت الی من عند ربی وانزله علی لسانی اين نفس اعتراض بر نفسی که خويشرا

عبد عبد بهاء خواند مينمايد که تو دعوی الوهيت نمودی و خود را صاحب آيات و وحی

دانستی و شريک جمال قدم روحی له الفدا شمردی ای منصفين انصاف دهيد

ای بی بصران قدری تبصر در امور نمائيد کسيکه طينتش و فطرتش بماء حيات

عبوديت جمال قدم مخمر متهوم بادعاست و نفسيکه واضحاًمشهوداًدر

ايام مبارک ادعا نموده ودر حقش نازل شد که اگر آنی ازظل امر منحرف شود

معدوم صرف خواهد بود اين شخص حال مثبت توحيد شده و قولش ميزان گشته

ومرکز ميثاق که کل مامورند حتی اين شخص باطاعتش مهان ومضطهد و مبغوض

فاعتبروا يااولی الابصار برهان از اين واضحتر ودليل ازاين لائحتر لاوالله

ولکن لا تغنی الايات والنذر ولو تايتهم بکل آية لن يومنوا بها ملاحظه نمائيد

که امر چگونه بر اشتباه است وافترا بچه درجه است قسم بان روی

و خوی مبارک جمال ابهی روحی لعباده الفدا که جميع متزلزلين عکا بحق اليقين

ص ٥٦١

ميدانند که اين عبد در عالم روح وقلب وفواد و کينونيت هيچ آرزوئی جز

عبوديت جمال ابهی نداشته وندارد يعرفون نعمة الله ثم ينکرونها ولی

متزلزلين هريک در هوائی پرواز مينمايد وهر يک را هوس اوج

وسمائی ای رب تعلم وتشهد ان هذا المتذلل مکب بوجهه علی التراب

ويناجيک فی خفيات سره ويقول آلهی آلهی حققنی بعبوديته عتبتک الطيبة

الطاهره و ثبت رقيتی بحضرتک المقدسة العاطره واجعلنی فانيا فی ساحة

احبتک الرحيبة و قانتاًفی رحبة ارقائک الفسيحه ای رب قدر لی

الفناء البحت والاضمحلال الصرف فی امرک حتی يندک طود وجودی

عند سجودی بباب احديتک من سطوات آيات فردانيتک ويضمحل حقيقة

ذاتی عند مناجاتی بفناء حضرت ربوبيتک ايرب ليس لی نار اشد من بقائی

عند ظهور آيات توحيدک وليس لی جحيم اعظم من وجودی عند تلئلأ

انوار تفريدک ايرب خلصنی من هذه الورطة الموحشة ونجنی من هذه اللجة

المدهشه انک انت الکريم انک انت الرحيم يا ذاالفضل العظيم

باری ملاحظه فرمائيد که اين عبد در چه عالمی ومتزلزلين در چه وادی شتان

ص ٥٦٢

بين مشرق ومغرب هرگز انوار چنين عبوديتی مستورنماند وشمع چنين محويتی

خاموش نگردد امواج چنين بحری ساکن نشود و هبوب چنين نسيمی مقطوع

نشود فباطل ماهم يعملون ملاحظه فرمائيد که متزلزلين هريک از دوستان

ارض مقدسه را ميکوشند که بانواع وسائل متزلزلين نمايند وباطراف

مينويسند که اين عبد بزخرف دنيا نفوسرا بميثاق آلهی دلالت مينمايد شمارا بحق قسم

ميدهم در آن سفر که بساحت اقدس مشرف شديد در نزد اينعبد آثار زخرف

مشاهده نموديد واينعبد را باين هوسها مبتلا ديديد ويا متزلزلين را اين دائم

روش متزلزلين بود والان نيز واضح ومشهود جميع داخل وخارج ميدانند

خلاصه شخص مکرمی نوشته بيکی از احباب که مبلغ سيصد تومان بفلان

يعنی شما داده شده است که ثابت بر ميثاق شويد والان خط آن شخص حاضر وموجود

و کله ازاين عبد نموده‌اين کيفيت اگر چنانچه بر کل مشتبه باشد برشما که مشتبه

نميشود که کذب است ملاحظه نمائيد که بچه افتراها ميخواهند که بنيان ميثاقرا بر

اندازند هيهات هيهات بنيان ميثاق از زبر حديد است واساس پيمان تاسيس خداوند

مجيد اگر جميع من علی الارض جمع شوند وبقوای وجود قيام نمايند در اين اساس

ص ٥٦٣

متين رخنه نتوانند قدری ملاحظه نمائيد که ملوک بنی اميه بچه دسائس ووساسی ؟

بر خواستند و چه روات کذبه از بعضی از اصحاب حضرت ترتيب دادند و چه ولوله

در عالم انداختند و چه فتنها برپا نمودند بقسميکه نائره فساد وعناد بعنان

آسمان رسيد وبقوت حکومت نفدقرا؟ در آفاق منتشر نمودند و جميع خلقرا

بر بغض من کنت مولاه فهذا علی مولاه دلالت نمودند تا آنکه آن مظلومرا مقهور

نمايند حضرت امير طعمه شمشير شد و حضرت سيد الشهداء هدف صد هزار

تير بغضا ءگشت آل و حريمش دستگير واسير شدند وهفتاد سال در کل

منابر اسلام سب ولعن آنجمال منير نمودند با وجود اين عاقبت چه شد حضرت

امير چون بدر منير تابان شد وسر شهادت حضرت سيد الشهداء آفاقرا عنبر

بار کرد چشمها در مصيبتش گريان شد و دلها سوزان گشت خاندان اموی

برافتاد و دودمان سفيانی محو و نابود شد حتب ابناء نفس اعداء بنکوهش

آبا واجداد برخواستند نور تقديس بتابيد وظلمت تبيس محو و نابود شد

و جاءالحق و زهق الباطل تحقق يافت منکری باقی نماند ومعرضی استقرار

نيافت باوجود آنکه نه عهد وميثاقی بود ونه پيمان وايمانی بلکه حضرت فرموده

بودند

ص ٥٦٤

که هر کس مرا دوست دارد بايد علی را دوست بدارد حال در اين کور عظيم

ايمان و پيمان آلهيست وعد و ميثاق حضرت ربانی جام الست است

که بيد جمال ابهی در بزم آلهی بدورآمد ونوشانوش در گرفت هرکس سرمست

آن صهباء شد باهنگ ملکوت ابهی لک الحمد ياربی الابهی گفت و هرکس

محروم شد هروز بهانه جست و هردم بدام و دانه افتاد نه نصيحت تاثير

داشت و نه ملاطفت تغيير داد عاقبت در غمرات نقض مستغرق

شد و در باديه رفض سرگردان گشت ای احبای آلهی ملاحظه فرمائيد

که نص عهد آلهی متروک ومهمول وقول عمر وعمربن عاص يکفينا کتاب الله

مقبول فاعتبروا يا اولی الابصار وهمچنين عند الاختلاف مرجع منصوص

مخصوص در کتاب عهد مرکز ميثاقست و مبين آيات نير آفاق و حال

مرجع و مبين سائر جهات و حال آنکه بنص صريح کل مامور بتوجه علی

الخصوص اغصان وافنان وآل حال بعوض توجه رد بر مرکز ميثاق مرقوم

ميشود ونشر در آفاق ميگردد فانتبهوا يا اصحاب القلوب آيا بگمان ميرفت

که بعد از نص صريح کتاب اقدس که مهيمن بر کل کتب است وسلطان

ص ٥٦٥

مبين کتاب عهد که مبين آيات کتاب اقدس است ديگر کسی اشتباه نمايد ويا نفسی

رخنه نمايد لاوالله حال آيات صريحه کتاب اقدس نسياًمنسيا شد ونص قاطع

کتاب عهد اضغاث احلام گشت وفول ؟ عمر شريعت الله شده دسيسه عمروبن

عاص روش وسلوک عام و خاص گرديد ميگويند آيات الله ميزان است

که ميگويد نيست لکن ازبرای اين آيات مبين منصوص مخصوص تعيين شده

نه آنکه هر مغل مبغضی ويا جاهل طالب عوض دخل وتصرف در آيات الله

نمايد وبهوای خود معنی نمايد لايعلم تاويله الاالله والراسخون فی العلم

حال راسخ در علم بموجب نص صريح کتاب عهد و کتاب اقدس واضح

و مشهود با وجود اين چگونه جائز که مبغوض ومتروک گردد وابوشعيون

وابو هريره ومالک مبين کتاب ومجتهد العصر والزمان گردند ای احباب

شمارا بخدا قسم تبسم نمائيد اذا غيض بحرالوصال وقضی کتاب المبدء

فی المال توجهواالی من اراده‌الله الذی انشعب من هذاالاصل القديم

منسوخ گشت و حسبنا کتاب الله عمر مثبوت شد وآيه منصوصه يا اهل

الانشاء اذا طارت الورقاء عن ايک الثناء وقصدت المقصد

ص ٥٦٦

الاقصی الاخفی ارجعوا مالاعرفتموه من الکتاب الی الفرع المنشعب من هذاالاصل

القويم مهمول وفراموش شد و دسيسه عمروبن عاص که قرآن سرنيزه کرد

وندعوکم الی کتاب الله گفت مقبول و معمول شد و وصيت الله آنکه بايد

اغصان وافنان و منتسبين طراًبغصن اعظم ناظرباشند انظروا ماانزلناه

فی کتابی الاقدس اذا غيض بحر الوصال وقضی کتاب المبدء فی المال توجهوا

الی من اراده الله الذی انشعب من هذا الاصل القويم مقصود ازاين آيه

مبارکه غصن اعظم بوده کذلک اظهرناالامرفضلاًمن عندنا واناالفضال الکريم

ازلوح قلوب محوشد و روايات کعب الاخبار مشهور اقطار شد والبهاء

عليک و علی يخدمک ويطوف حولک والويل والعذاب لمن

يخالفک ويوذيک هباهً‌منبثا شد واقوال هر بی تمکين منتشردرروی زمين گرديد

طوبی لمن والاک والسقر؟ لمن عاداک منسی هر خس و خاشاک شد و مبغوض

حق بمنزله خواجه لولاک گشت وهوالناطق علی ما يشاء يا غصنی الاعطم قد حضر

لدی المظلوم کتابک وسمعناما ناجيت به الله رب العالمين انا جعلناک

حرزاًللعالمين وحفظاًلمن فی السموات والارضين وحصناًلمن آمن بالله‌الفردالخبير

ص ٥٦٧

نسئل الله بان يحفظهم بک ويغنيهم بک و يلهمک ما يکون مطلع الغنی لاهل الانشاء

وبحر الکرم لمن فی العالم ومشرق الفضل علی الامم انه لهو المقتدر العليم الحکيم

و نسئله ان يسقی بک الارض وما عليها لتنبت منها کل ؟ ا لحکمة والبيان

وسنبلات العلم والعرفان انه ولی من والاه ومعين من ناجاه لااله الاهو

العزيز الحميد ازافکار زائل شد و حکايات وقصص موتفکه ورد زبان

حاضر و غايب گرديد و امثال اين بسيار حال نص کتاب اقدس و صريح

کتاب عهد که اس اساس شريعت الله ودين الله وحکم الله وامرالله است

مهجور ومهمول و غير مذکور واموری مشهور ومنشور که حتی اهل قبور ازآن منفور

تاچه رسد باصحاب رب غفور ای خدا تو بينائی که در چه عذابی وبلائی گرفتارم

واز چه درد ومحنتی مضطرب وبيقرار يار واغيار هر دو تير وکمان کشيده وآشنا

وبيگانه هردو بهانه جسته بلکه يار سهمش مسمومتر از اغيار وآشنا زخمش

شديد تر از بيگانه ای پروردگار تو گواهی که درد هر يک را درمان بودم وزخم

هريک را مرهم دل و جان هر بيماری را طبيب وپرستار بودم وهر بيقراريرا

حبيب اشکبار هر دلشکسته را سبب تسلی بودم وهر ماتم ديده را وسيله

ص ٥٦٨

تعزی هر مسموميرا درياق بودم وهر مغموميرا علت سرور درآفاق خادم کل

بودم و صادق کل غمخوار کل بودم و دوست غمگسار کل وچون مبتلا بهجران

جمالت گشتم و در وادی حرمان افتادم و بنيران فراق بسوختم و چون

شعله آتش برافروختم مرهمی نديدم جز صد هزار تير پرتاب داروئی

نديدم جز صد هزار خروار زهر سريع الاهلاک ای پروردگار تو بيامرز

و عفو فرما چه که نادانند و صبيان کودکانند وبيخردان شب و روز

اين عبد بخدمت امرت مشغول وآنان در صدد اذيت عبدت که بتدبير

وتعميق چه فتنه برپا نمايند مختصر اينکه ازاول ابداع تا بحال چنين عهد

صريحي وپيمان واضحي وميثاق آشكاري واقع نشد وظهور نيافت و همچنين

نقضی و چنين نکثی ديده و شنيده نشد بلی عهود واقع ولی در ظل شجره

انيسا نه در سايه سدره منتهی نه ومرکزميثاق مجهول بود ومرجع پيمان غير

معروف ابداًتصريح وتوضيح نشده بود بلکه باشاره تلويح گشته

که در اواخر ايام شخصی ظاهر گردد با علامات عظيمه آسمانی وشروط

شديده قهر وسطوت نامتناهی واو مرجع اين عبد است لکن در اين کور عظيم

ص ٥٦٩

و دور مبين چنين نه بلکه مرجع ميثاق مشهور آفاق ومرکز پيمان معروف اهل

جهان ابداً گمان نميرفت که چنين فتنه وولوله در ميان افتد و چنين

اشتباه کاری پيش آيد اينست که ميفرمايد روحی وروح الوجود لاحبائه الفداء

قوله تعالی هل يمکن بعد اشراق شمس و صيتک من افق اکبر الواحک تنزل

قدم احد عن صراطک المستقيم قلنا يا قلمی الاعلی ينبغی لک ان تشتغل بما

امرت من لدی الله العلی العظيم ولاتسئل عما يذوب به قلبک وقلوب

اهل الفردوس الذين کانوا حول امری البديع لا ينبغی لک ان تطلع علی

ما سترناه ان ربک لهوالستار العليم ملاحظه بفرمائيد که چه ميفرمايد آيا ممکن است

که بعد از اشراق شمس وصيت تو از افق بزرگترين الواحت ديگر قدم

کسی بلغزد يعنی ديگر نفسی نقض ميثاق کند پس ميفرمايد ای قلم اعلی بانچه

ماموری مشغول باش وسئوال مکن از چيزيکه دل مبارکت از آن ميسوزد

و ميگدازد وقلب منير اهل فردوس از استماعش خون ميگردد سزاوار نيست

اطلاع شود بانچه بعد از شمس وصيت واقع خواهد شد وما ستر نموديم

؟ ردگارستار عليم است ملاحظه فرمائيد که جمالقدم روحی لاحبائه الفداء

ص ٥٧٠

که چگونه اخباراز وقوعات نقض ونکث فرموده و قلب مبارک چگونه محزون بوده

حال ملاحظه کنيد که تير جفا چگونه از جميع جهات پرانست وآتش فتنه

چگونه سوزان هنوز از صعود چند روزی نگذشته بود وقميص مبارک هنوز

تربود که درروزنامه هانقض واختلاف رااعلان نمودند از جمله روزنامه

اختر بمجرد وصول خبر صعود اختلافرانيزاعلان نمود ملاحظه فرمائيد چه قدر

اهل نقض سريع النکث بودند فسوف تری الناقضين فی خسران مبين

والحمد لله رب العالمين ع ع مقابله شد

هوالله

بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه جناب ميرزابزرگ

شيراز جناب ميرزا محمد ابراهيم عليه بهاءالله

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٥٧٤

هوالله

ای بنده‌آلهی اثر کلک آن ثابت بر پيمان سبب روح وريحان گرديد

مضمون بديع بود ومعانی مطبوع وشيرين چه که دلالت برجوهرهدايت

ميکرد وحکايت مراتب عشق ومحبت مينمود سبحان الله صهبای بيان چون

در خمخانه محبت الله پرورده شود چه نشئه خوشی دارد وچه نشاط وطربی انگيزد

ص ٥٧١

دل را مسرت بخشد ورخ را طراوت دهد وچهره را حلاوت عنايت کند ونطق را

ملاحت دهد جميع از موهبت بديع جمال ابهی روحی لاحبائه الفداء ست

وعليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

شيراز بلبل گلشن معانی عندليب آلهی عليه بهاءالله‌الابهی

هوالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٥٧٥

ای بلبل خوش الحان اشعارفصيح بليغ ملاحظه گرديد الحان بديع بود ومليح وابيات

بليغ بود وفصيح هر چند عبدالبهاء ابداًفرصت ندارد باوجود اين بنگارش اين

نامه پردازد تا سبب سرور آنحبيب روحانی گردد وباعث ازدياد جريان

وسريان قريحه روحانی گردد ودر محامد جمال مبارک روحی لاحبائه الفداء

قصائد بنظم آری واهل ملاء اعلی را بوجد وطرب آری در خطه ماه کنعانی

بذکر ياران رحمانی مشغوليم وبنهايت عجز ونياز از الطاف حضرت

يزدان استدعا مينمائيم که ياران موفق گردند تا از شيراز شهنازی بلند

گردد که آذان اهل آفاقرا متلذذ نمايد وقلوب شرق و غرب را

باهتزازآرد نجل سعيد را در حيفا درمدرسه ئی نهادم وبتحصيل لسان وعلوم

ص ٥٧٢

مشغول است ع ع

هوالله

خط مبارک ٥٧٦

ای عندليب حديقه معانی اشعار فصيح معانی بديع داشت

ودر ثنای آستان اسم اعظم جامع جميع صنايع شعريه بود ياران و آماء

رحمن درنهايت وجد وسرور ترتيل وترنيم نمودند اين عبد باعدم فرصت

بخط خويش تحسين مينگارد عيد رضوان چون بدايت اعلان ظهورمن يظهره‌الله

بود و جمال قدم با وجود آنکه نفی وسرگون بودند درکمال سرور وعظمت وعزت

آلهيه درباغ نجيب پاشا در خارج عکاء تجلی واشراق بکل آفاق فرمودند

و جميع اعناق خاضع بود وکافه اصوات خاشع لهذا اين ايام بسيار

مبارک است احبا بايد نهايت وجد وسرور مجری دارند سبحان الله

الی الان در هيچ تاريخی ديده نشده است که با وجود آنکه حرکت اسم

اعظم از بغداد بعنوان نفی وسرگون بود ولی بدرجه ئی عزت واقتدار

و عظمت حضرت کبرياء ظاهر وآشکار بود که والی ومشير نامق پاشا

با جميع ارکان ولايت وامراءلشگر کافة خاضع و خاشع بودند ولله العزه

من قبل ومن بعد مشهود جميع انظار وابصار بود کافه دوستان را

ص ٥٧٣

بجهت حلول اين يوم مبارک از قبل عبدالبهاء تحيت ابدع ابهی و تهنيت کبری

ابلاغ داريد وعليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

آقاميرزا عبدالحسين درحيفا درمدرسه معتبری بتحصيل لسان عربی وفرانساوی مشغولست ع

هوالله

ش جناب مشهدی شکرالله عليه بهاءالله الابهی

هوالله

يا من لسجن فی سبيل الله مع من استشهد فی سبيل الله ان الذی ثمل من

سلاف الشهادة‌الکبری يخاطبک من الرفيق الابهی ويقول يا صاحبی وخدينی ؟

وقرينی فی السجن عليک التحية والثناء و عليک الرحمة والبهاء من هذا

الملاءالاعلی قبيل الشهداء وجيش السعداء فوعزتک لما ضيقوا علی الفضا

و عاملونی بالجفاء واخرجونی من سجن النقمة العظمی وربصونی بفم جحيمی ناری

ينفث بالنيران فانفجرت تلک المواد الجحيميه انفجارالجهنم‌الحمراء و وارعدت

کصوت الرعود فی الاصفاء وطيرتنی فی الهواء کالکرة المندفعة الی العلی

وتلاشت منی الاعضاء وتناثرت منی الجوارح والاجزاء لعمرک

ماادرکت حالی الا وانا فی الافق الاعلی جالساً علی سريرالعزة‌الکبری فی الملکوت

ص ٥٧٤

الابهی مکللاًبکليل السلطنة العظمی ومجللاًبتاج الموهبة الکبری مظللاً

بغمام رحمته ربک‌الکريم متمتعاًبالمشاهدةو‌اللقاء لعمرک يا خليلی المحبوب

ان الحوريات من بحبوحة الفردوس اخرجن راوسهن من الغرفات

و هتفن بابدع النغمات ونطقن باحلی کلمات وقلن طوبی لک يا ايها

الشهيد السعيد بشری لک يا ايها القتيل المجيد فی سبيل الله تالله الحق

ان اهل حظائر القدس احتفلوا بقدومه واهل حدائق الانس استبشروا

بوفوده وهو الان فی بحبوحة الجنان بين حياض و رياض يفسر آيات

الرحمة الکبری ويشرح صحيفة الموهبة العظمی بين الملاءالاعلی والسلام

عليه يوم دخل فی النشاة الدنيا ويوم استشهد فی سبيل الله ونال

النشاة الابدية الکبری انه لبا الافق الاعلی فی ظل السدرة‌المنتهی طوبی

له ثم طوبی ع ع مقابله شد

ازجهت شدت عسرت مرقوم نموده بوديد بکاری چون مشغول گرديد

انشاءالله باب رزق مفتوح ميگردد وبدون تشبث اسباب

سنة‌الله جاری نشده است ما در روضه مبارک دعا خواهيم نمود

ص ٥٧٥

والبها عليک ع ع

هوالله

لاهيجان جناب آقامحمد تقی صهر حضرت عندليب عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط مبارک ٥٧٨

ای ربيب حضرت عندليب از حضرت دوست استدعای شب وروز

اينست که دوستان راستان را ثابت بر عهد وپيمان فرمايد وراسخ

برميثاق حضرت رحمن چه طوفان امتحان شديد است و لوح سنه شداد

عبرة‌للناظرين پس ای سرمست صهباء الست بنص وبيانی موفق باش

که چون اشعه ساطعه سحاب وهم هرمتزلزلی را خارق و چون نوربارق

باشی مظهر تائيد گردی ومطلع توفيق و مشرق انوارتوحيد والبهاء عليک

ع ع مقابله شد

بواسطه حضرت عندليب هوالله

ش جناب خواجه محمد رضای کازرونی عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٥٧٩

الله ابهی

الحمد لله الذی اصطفی و اجبتتی نفوساًقدسية رحمانيه و حقائق انسية

نورانيه وجعلهاآية‌التوحيد وسمة‌التفريد وارومة‌الايقان وجرثومة‌العرفان

ص ٥٧٦

اين صفحه موجود نيست

ص ٥٧٧

خط مبارک ٥٨٠

ياصغيرالسن ومنيرالوجه ازقرار معلوم نقاهتی ازبرای شما حاصل لهذامجبور

بر راحت شدهئ‌ی ضرر ندارد گاه گاهی راحت لازمست والا مانند

عبدالبهاءاز شدت تحمل مشقات بنيه بکلی ضعيف وناتوان شود وازکار باز

مانی حال چند روز راحت کنی ضرر ندارد اميد وارم که در حفظ وحمايت

جمال مبارک باشی ع ع مقابله شد

هوالله

مناجات طلب مغفرت بجهت متصاعد الی الله جناب آقا ميرزا

نصرالله نجل شهيد سعيد عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٥٨١

هوالله

آلهی آلهی قد خلقت نفوساًمن جواهرالوجود فامنوابک وباياتک وطفحت

قلوبهم بسلسبيل عرفانک وانشرحت صدورهم بايات توحيدک فاطمنئوا

بموهبتک ورجعوا اليک تلک نفوس راضية مرضيه بنتهجة ؟ مستبشرة

بالدخول فی ملکوتک والصعود الی مقعد الصدق بفضلک واستجارت

جوار رحمتک واحسانک ومنهم هذاالعبدالذی تهلل وجهه بانوارهدايتک

و قرت عينيه بمشاهدة آياتک ورنحته صهباء محبتک وانتهت انفاس ؟

ص ٥٧٨

فی خدمتک ای رب انر جبينه بنور مغفرتک المبين وبيض وجهه فی ملکوتک

الکريم والبسه رداء العفو بفضلک العظيم واحشره مع عبادک المقربين

واسقه من الماء المعين و اروه من عين التسنيم وارزقه لقائک

فی جنة‌النعيم انک انت العفوالغفورالرحيم وانک انت الروف الرحمن‌الکريم

ع ع مقابله شد

رشت جناب عندليب عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب امضاءمبارک ٥٨٢

ای عندليب گلشن رحمانی حمد خدارا که دراين سفر موفقی ستايشيکه ازترقی

احبای رشت نموده بودی بسيار سبب سرور شد چون اين سفر باراده ء

عبدالبهاء نمودهئ‌ی اميدوارم که تائيدات غيبيه متتابعاًبرسد وسبب

سرور وحبور جميع ياران گردد و خاطرت از هر جهت راحت وفارغ باشد

آنچه بجناب بشيرآلهی مرقوم شد جواب نوشته اند که انشاءالله طبق

مطلوب معمول ميگردد باری شما بايد در نهايت بشاشت وسرور

وگشايش قلب ومنانت تام بتبليغ امرالله مشغول شويد در نزد عبدالبهاء

ص ٥٧٩

محبوب ومقبول وبهرستايشی نفوسی منعوت هستند که باعلاء کلمة‌الله مشغولند

اينست موهبت عظمی اينست منقبت کبری اينست قوه جاذبه تائيدات

ملکوت ابهی و عليک البهاء الابهی عبدالبهاء عباس مقابله شد

بواسطه جناب بشير آلهی

خط کاتب امضاءمبارک ٥٨٣

جناب عندليب عليه بهاءالله‌الابهی

هوالله

ای عندليب معنوی همواره در نغمه وترانه ئی ودر گلشن معانی گلبانگ

ميزنی فصاحت وبلاغت اشعار واضح وآشکار است اما آرزوی عبدالبهاء

خاکساری در عتبه بهاءالله است هذه نهاية آمالی وغاية منائی و نور جبينی

وصبح مبينی وماء معينی پس تا توانی دراين گلستان نغمه سرائی کن

واز عبوديت حقيقی عبدالبهاء بدون تاويل و تفسير ترانه ئی بنواز و عليک

البهاء الابهی عبدالبهاء عباس مقابله شد

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٥٨٤

شيراز جناب عندليب عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ای عندليب گلشن معانی نامه ئيکه بعداز رجوع از سروستان مرقوم

ص ٥٨٠

نموده بوديد ملاحظه گرديد از عدم فرصت مختصر جواب مرقوم ميشود الحمدلله ياران

سروستان الفتی يافتند اميدوارم که ديگر کلفتی حصول نيابد ياران بايد

سبب اتحاد ملل وقبائل من علی الارض شوند البته خود بايد متحد باشند

تا ديگران را متحد کنند شمع خواموش شمعهای ديگر روشن نکند

و شخص بيهوش ديگرانرا علم ودانش نياموزد پس بايد ياران اول مابين

خويش بکلی بيگانگی بر اندازند ويگانگی عالم انسانی را ثابت نمايند از قبل

من جميعرا تحيت ابدع ابهی برسان اميدم چنان است که جناب آقا

حيدر علی صفدر گردد و غضنفری بنمايد تا دلها بربايد قصيده ئيکه در تهنيت

عيد رضوان انشاءفرموده بوديد انشاد شد ودر محفل ياران ترتيل گشت

حضرت بشير آلهی فی الحقيقه خادم صادق ويار موافق است در حق کل قصور

نمينمايد الان در دبلين هستم وشب وروز مشغول نداء بنور مبين

انجمنهای خوش تشکيل ميشود ونفوس مهم قابل ولايقی حاضر ميشوند در هر محفل

در بدايت صحبتی از امرالله ميشود بعد هرکس سئوالی دارد جواب داده ميشود

از جمله ديروز سئوال از حقيقت حضرت رسول عليه السلام بود زيرا آن حضرت

ص ٥٨١

در اينصفحات بنهايت توهين ذکر ميشدند ومفتريات بسيار بود در هزليات ضرب

المثل بودند آن نور پاک را قسيسای اين خاک چنان نکوهش نموده اند

که جز قوه روح القدس اين اوهاماترا زائل ننمايد باری ديروز صحبت

مفصلی دراثبات آنحضرت وقوه کلمه ونفوذ کليه او گرديد وبراهين واضحه

و دلائل ساطعه بيان گشت و عليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

هوالله

شيراز جناب عندليب گلشن معانی ملاحظه نمايند

مناجات طلب مغفرت بجهة امة‌الله المتصاعدة‌الی مقعد الصدق والده حضرت

عندليب گلبن رحمانی عليها بهاء الله

خط مبارک ٥٨٥ هو

آلهی آلهی ان امتک الرحمانيه والورقة النورانية المنتسبة الی طير حديقة

العرفان و عندليب ايکه الايقان قد رجعت اليک اواته توابة مبتهلة

مشتاقة لمشاهدة جمالک محترقة بنار فراقک مضطرمة القلب بنار

محبتک منصرمة الصبر من فرقتک ايرب اوردها علی الورود المورود

وانلها الرفد المرفود و اغرقها فی بحار رحمتک ياربی الودود وادخلها

ص ٥٨٢

فی بحبوحة جنتک بفضلک الموعود وارزقها لقائک فی ملکوتک المحمود واکتب

لها ما کتبته لورقات القدس فی الملاءالاعلی و قدرلها ما قدرته لطلعات

الانس فی المحفل الاسمی انک انت العفو الغفور الرحمن الرحيم ع ع

مقابله شد

هو

جناب عندليب گلشن معانی عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٥٨٦

هوالابهی

ای بلبل معانی قصيده غراء وفريده نوراء ملاحظه گرديد در نهايت فصاحت

و بلاغت بود و ورقات مبارکه بالحان بديع در نهايت ملاحت قرائت

نمودند و ورقه عليا جائزه خواست يعنی بقلم ميثاق تحسين مرقوم شود

من نيز کلک ضعيف بر داشته و بچند سطر وجيز تصديع مينمايم که قدح

باده معانی را بايد خالص بذکر محبوب آفاق نمود عليک بها صرفاً

وان شئت مزجها فعدلک عن ظلم الحبيب هو الظلم و عليک

البهاء ع ع مقابله شد

بواسطه جناب عندليب

ضجيع محترمه امة‌الله المنجذبه والده ميرزا عبدالحسين عليها بهاءالله الابهی

ص ٥٨٣

هوالله

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٥٨٧

ياامة‌الله المقربه الورقة‌النورانيه حضرت عندليب دراعياد آلهيه قصائدی

تنظيم نموده ارسال ميفرمايند از جمله قصيده نوروزی در اين سنه مبارکه

ارسال نموده اند فی الحقيقه عاشقانه و مشتاقانه و بی؟ نه بود در محفل

ياران بابدع الحان ترتيل وترنيم گرديد قلوب شادمانی يافت

و نفوس متلذذ از حقايق ومعانی گشت اميد چنان است که آن

عندليب گلشن آلهی دائماًبگلبانگ معنوی ونغمه روحانی وآهنگ

ملکوتی ساز وآواز جهان ابدی بمحامد و نعوت اسم اعظم و ستايش

ونيايش جمال قدم موفق ومويد باشد و ستايش خداوند آفرينش

بايد محصور در محامد ونعوت جمال قدم واسم اعظم باشد ومادون

آن ضمناًدر ظل مذکور ستايش مخصوص نبايد باده رحمانيرا صرف

بايد نوشيد وتونيزازاين بحر بيکران نصيبی گيری وازاين قلزم بيپايان

بهرهئ‌ی بری وعليک البهاء الابهی ع ع

شيراز بواسطه جناب محمد رضا ميرزا عليه بهاءالله الابهی

ص ٥٨٤

حضرت عندليب گلشن آلهی عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب عقبه آن دوسطر خط مبارک است ٥٨٨

هوالله

يارقديما ومونس ونديما مدتيست که موسم خزان بود و حرب عوان لهذا طيور

شکور در آشيان صحت وسکوت غنوده بايکديگر مخابره ننموديم ولی حال بهار

جانپرورآمد نسيم سحری ميوزد صبح اميد ميدمد باد صبا پيام يارمهربان ميدهد

ابر نيسان ميگريد و چمنستان ميخندد تمام وقت ساز و آواز است

وآهنگ وشهناز تا گلبانگ عندليب بملکوت راز واصل گردد اگر چه

مصيبت وارده و رزيه حاصله مورث احزانست و مکدر دل و جان ولی

الطاف حضرت رحمن شامل و فيض ابدی حاصل وکامل هر چند شب تاراست

ولی شمع پرانوار ملکوت اسرار بفيض عظيم آشکار تائيدات جمال ابهی

روحی لاحبائه الفداء هر محزون دلخونی را سرور وحبوربخشد وهرساکت وصامتی

را بنطق آورد و عليک البهاء الابهی عبدالبهاء عباس ١١ آذر ١٩١٩

جمال مبارک روحی لتراب اقدام احبائه الفداء وقتی مزاحاًحکايتی ميفرمودند اگر

ممکن بشود پياماًآن حکايت گفته خواهد شد لهذا محزون مباشيد مقابله شد

ص ٥٨٥

مناجات

طلب مغفرت بجهت حضرت اديب لبيب جناب عندليب ايده الله بالرفيق

الاعلی وانا له مفعد صدق عليا

هوالله

خط کاتب امضاءمبارک ٥٨٩

ربی ربی ترانی ان اقصی اربی واعظم آمالی التبتل اليک وترتيل

آيات رحمتک بين بريتک حتی يتجلی صفة رحمانيتک بابدع معانيها

بين خلقک واناجيک يا ربی القريب واقول ان عبدک عندليب

الحبيب قداقتر بوحدانيتک واعترف بفردانيتک ولبی لندائک بولهٍ

وانجذاب الی عتبة رحمانيتک وقال لبيک اللهم يا قريب ويا مجيب

ونطق بالثناء عليک وقضی لحبه ؟بالمحامد والنعوت بين يديک وما

فترفی اعلاء کلمتک واقامة الحجة والبرهان للطالبين واظهر ببينة

وسلطان للراغبين وتحمل کل مشقةً‌فی وطنه المالوف واجبران يهاجر

الی مرکزالظهور معهد الطور مطلع النورالکينونة الرحمانيه والحقيقة الصمدانيه

النير اللائح الساطع الفجر علی الافاق الشاسعه رب انه تحمل فی زاوية الخمول

کل مشقة و ذبول وقلبه مشتعل بنار محبتک ولسانه ناطق بذکرک

ص ٥٨٦

و قريحة سيالة بمحامدک ونعوتک بين احبتک رب اجعل له مقاماً علياً

ورياض قرب عبهريا؟ حتی يستجير بذيل غفرانک فی جوارک و يدخل فی

فردوس لقائک و يستغرق فی بحر عفوک و احسانک وانزل السلوة

والتعزيه علی اهله و احفظهم بجودک و رحمتک انک انت القوی المقتدر

العزيز الوهاب عبدالبهاء عباس ٢٠ جمادی الاولی ١٣٣٨ حيفا مقابله شد

شيراز حضرت عندليب گلشن آلهی عليه بهاءالله الابهی

هوالله

خط کاتب امضاءمبارک ٥٩٠

ای هزار گلزار آلهی هميشه منظور نظر عنايت رحمانيه بوده ئی و مشمول الطاف

سبحانيه خواهی بود در ايام الله بابدع الحان در گلشن توحيد تغنی فرمودی

و بمدح و ستايش يزدان لب گشودی ياران رحمانيرا سبب سرور

وشادمانی بودی ومحفل انس روحانيرا مطرب خوش آهنگ ملکوتی

گشتی الحمدلله مظهرالطافی و منظور لحظات عين رحمانيت پروردگار در عهد

وپيمان ثابتی و مانند جبال راسيه مستقيم وراسخ همواره در مجامع عليا

و محافل روحانی بستايش و ثنای جمال ابهی لب بگشا وبابدع انغام

ص ٥٨٧

نغمه وآوازی بلند کن که روحانيان بشور و وله وانجذاب آيند وکل بنشر نفحات

قدس مشغول گردند تا آوازه شيراز بملکوت بينياز رسد وصيت محبت الله

ازآن اقليم در روی زمين منتشر گردد و عليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

اين چند سطر عقب لوح ٥٩٠ خط مبارک است

ای حضرت عندليب ناله و حنين عبدالبهاء را سببی عظيم بود وموجبی شديد

هر چند بعضی اوقات ياران ازيکديگربلسان ادب مختصر شکوه‌مينمودند ولی بعد

اظهار رضايت نيز ميفرمودند اما دريک پوسته شکايت نامهای متعدده درنهايت

قدح وارد ولی از اشخاص ديگر بمحض قرائت چنان حزن و حسرتی دست داد

که قلمی بفرياد آمد مقصوداين بود که بعضی نفوس مهمله دست ازاين شکايت ها

بر دارند والحمدلله قطع شد احبای آلهی بايد از کل ستايش نمايند

آنحضرت بايد کل را بيدار نمايد که ستايش احبا در حق يکديگر سبب روح

و ريحان عبدالبهاء است آنچه اين عبد مرقوم مينمايد مقصد نهايت محبت است

ونتيجه اش مستحسن و عليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

جناب ابن عندليب ميرزا عبدالحسين خان عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ص ٥٨٨

خط کاتب امضاءمبارک ٥٩١

يابن عندليب نامه شمارسيد مضمون معلوم گرديد که جناب عندليب ازاين جهان

تنگ و تاريک بعالم وسيع شتافتند هر چند از اين واقعه حزن شديد

رخ داد ولی ازينجهت که آنروح عزيز از باده محبت الله جام لبريز بود

از مشقت عظمی درين حيز ادنی نجات يافت وباوج عزت ابديه شتافت

اين ملاحظه سبب تسلی خاطر گشت شما نيز محزون مباشيد مغموم نمانيد

مناجاتی طلب مغفرت در حق آن حضرت بدرگاه احديت گرديد واز پيش

فرستاده شد البته تا حال رسيده بر حجر قبرآنذات محترم اينعبارت

مرقوم داريد ان عندليب الحبيب قد ضاق عليه الفضاء فی وکر هذه

الدنيا فطارالی مطارالملاءالاعلی اوج لا يتناهی حتی يتغرد علی افنان

شجره طوبی بفنون الالحان عليه التحية والرضوان باخوی آقا ميرزا

عبدالعلی وامة‌الله نوراء خانم وهمشيره های صغير و اخوی کوچک

ازقبل من نهايت نوازش ومهربانی مجری داريد وعليک البهاء الابهی

عبدالبهاء عباس ٦ ج ٢ سنه ١٣٣٨ حيفا مقابله شد

شيراز سليل جناب عندليب جناب آقا ميرزا عبدالحسين عليه بهاءالله الابهی

ص ٥٨٩

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٥٩٢

هوالله

ای سليل عندليب جليل ناله وفغان از فراق بگوش اين مشتاق رسيد

وتاثير شديد نمود حمد خدارا که زاده جان ودل آن پدری نه همين ازعنصر

آب و گل مظهر الولد سرابيه هستی و نسبت حقيقی داری و اخلاق مطابق

اعراق من نيز مشتاق ديدن روی توام ولی پدر مهربان بايد اين ايام

انفکاک از آنسامان ننمايد زيرا امروز روز خدمت است يوم؟ زيارت

آيد وآن عندليب آلهی دراين گلشن بسرايد حال بجان ودل بايد بعبوديت

ودرآن باغ ؟ وراغ تا تواند گلبانگ زند واز حقايق ومعانی دم زند حال

صبر كن انشاء الله روزگاري در نهايت حلاوت روي دهد و آنچه منتهاي

آرزوی تو وپدر مهربان است حاصل گردد و عليک البهاءالابهی ع ع

مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٥٩٣

امة‌الله ورقه موقنه همشيره حضرت عندليب عليها بهاءالله الابهی

هوالله

ای ورقه متبهلهء موقنه قومی بر آنند که رجال افضل از نساء

وبايه مبارکه الرجال قوامون علی النساء استدلال نمايند ولی اين عبد را

ص ٥٩٠

يقين چون نور مبين است که اين حکم قاطبةً‌نه بسانساء که‌اليوم برميثاق

ثابت گوهر انور صدف فضائل است وبسا رجال متزلزل که خزف

قعر بحار رزائل پس فضيلت بذکور واناثی نه بمواهب اسم اعظمست

روحی لاحبائه الفداء تا توانی قدم بر عهد ثابت نما وآماء سائره را

راسخ گردان ع ع مقابله شد

هوالله

خط مبارک ٤٩٤

لاهيجان جناب مشهدی غلامعلی صهر حضرت عندليب عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

ای متوجه الی الله حضرت عندليب خواهش نگارش اين سطور نمودند

ولی فرصت صدور کجا باوجوداين از جذب محبت ايشان بتحريرپرداختم

ولی تقرير عاجز از آنچه در ضمير اينقدر بدان که موفقيت حضرت

عندليب و من انتسب اليه را از آستان مقدس جمال مبارک روحی

لاحبائه الفداء را خواسته وميخواهم رب ايد من انتسب الی حمامة‌ايکة

ثنائک و عندليب حديقة وفائک علی ماتحب وترضی فی جميع الشئون

والاطوار ياربی المتعال ع ع مقابله شد

هو

ص ٥٩١

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٥٩٥

جناب عندليب عليه بهاءالله الابهی

هو

عندليبا حبيبا اريبا لبيبا ازکثرت مشاغل موفق الی الان بقرائت جميع

اشعار نشدم انشاء الله جميعرا خواهم خواند چون اندکی الان وقت دارم

بتحرير جواب پردازم از قريحه آن حضرت معانی صريحه وابيات مليحه ؟

مانند آب زلال ؟ جاری و ساريست و زجاج قصائد و غزل را اين بلاغت

سراج بيمثال منظوم بايد چنين لولو منثور باشد والا فلا الحمدلله

که ابيات اشعار شما آيات حقايق ومعانی است و کلمات مانند دررغوالی ؟

وعليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

اين دوسطر خط مبارکست

ای غزلخوان محامد ونعوت را رونق بحصر معانی در ستايش

جمال ابهائی بقول ملا چون کرور آيد يک نيز پيش ماست ع ع مقابله شد

شيراز حضرت عندليب گلشن محبت الله عليه بهاءالله

خط کاتب مهروامضاءمبارک ٥٩٦

هوالله

ای ثابت برپيمان مکاتيب ملاحظه گرديد وبر معانی اطلاع حاصل گشت

ص ٥٩٢

فی الحقيقه مدتيست درآنصفحات مشغول بخدمات هست ؟ ومالوف بترتيل آيات بينات

مکث وسکون درمحلی معلوم چون امتداد يابد لابد قدری ملال حاصل گردد حق باشمااست

جميع کائنات متحرکند و بسبب حرکت عموميه انتظام عالم وجود بر قرار هر

کائنی از کائنات اگر در مقری استقرار يابد واز حرکت بازماند لابد فتوری

حاصل شود نسيم بايد دائماًبوزد دريا بايد موج وحرکت نمايد نجوم بايد انتقال

در بروج کند پس ازبرای انسان نيز گاهی حرکت لازم لهذا همچنانکه مرقوم

نموده بوديد اگر ممکن گردد که براحت وآسايش مدتی ازجهات ؟ ديگر سفر نمائيد

بسيار مقبول و همچنين جناب ميرزا شکوهی اگر بصفحات لرستان

و کردستان و بختياری مرور و عبور فرمايند شکوهی تازه يابند واميدوارم

که فتوحی جديد فرمايند زيرا در طرف لرستان وايليات آنصفحات و بختياری

نفوس مستعدی موجود ولی مبلغی عبور ومرور ننمود اگر جناب شکوهی بشکوهی

يعنی در نهايت تنزيه وتقديس بلباس عرفان بان نواحی سفر نمايند

اميد است که ثمر حاصل گردد وليس ذلک علی الله بعزيز ع ع مقابله شد

شيراز جناب عندليب گلشن رحمانی عليه بهاءالله الابهی

ص ٥٩٣

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٥٩٧

هوالله

ای بلبل معانی در خصوص مطلوب شما از جناب صحيح فروش

بحضرت بشير آلهی سفارشی مرقوم گرديد حال مکتوب ايشان رسيده که صد تومان

تحصيل نموده ارسال داشتند وبا ساير احبا همت نموده مابقی مطلوب را نيز

انشاء الله کاری خواهند نمود مقصود اينست که بجهت امور آنجناب

نهايت سعی وکوشش خواهد گرديد وعليک البهاء الابهی ع ع مقابله شد

شيراز جناب عندليب آلهی عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٥٩٨

هوالله

ای يار مهربان ازکثرت مشاغل مجبوربراختصارم بيقين بدان که اشتياق

عبدالبهاء بيش از شماست همواره از درگاه حی قديم رجای عظيم مينمايم

که در وقتی قريب مشاهده آن وجه مليحرا مقدر فرمايد و حکمت موافق اذن

حضور گردد اماالان قدری تامل فرما زيرا کل رااز حضورمنع نموديم واهل

فتور بفساد مانع از فيض حضورند تباًلقوم خاسرين وسحقاًللناقضين

وتعساًللناکثين وعليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

ص ٥٩٤

هوالله

خط مبارک ٥٩٩

شيراز جناب عندليب جنت ابهی عليه بهاءالله الابهی

هوالله

ای عندليب حديقه حقايق ومعانی فی الحقيقه بانواع بلايا ومصائب معذب

و مبتلائی و معرض باساء و ضرائی ولی اميد چنين است که قدری اين

مشقت من بعد خفت يابد ونوعاًمارا حتی حاصل گردد اين بلاياء بجهت

اين است که قدری شريک وسهيم عبدالبهاء گردی ضرری ندارد ملاحظه فرما

که جمال مقصود دمی نياسود ونفسی راحت نفرمود چون خورشيد رخشنده

وماه درخشنده را چنين کسوف وخسوفی ديگرامثال ما بينوايان را از بلا چه

پروائی باری مطمئن باش که عبدالبهاء غمگسار تو وشب وروز بياد

ديدار تو و عليک البهاء ع ع مقابله شد

هوالله

خط مبارک ٦٠٠

حضرت عندليب ورق مسطور رق منشور شد بر مضمون مطلع گرديدم مقصود

اينست که بهر قسم واسباب ممکنه که باشد ملاحظه نفوسرا بايد داشت

خبر ازحال عبدالبهاء نداری ولوکنت فظاًغليظ القلب لا نفضوا من حولک

ص ٥٩٥

باری قدوم مولود مبارک و محمود باد در شهود و عالم غيب وجودالبته سبب

ميمنت است ونامش درملکوت بندهء حضرت مقصود يعنی عبدالبهاء ودر بين

خلق عبدالعلی وعليک التحية والثناء ع ع مقابله شد

هوالله

خط مبارک ٦٠١

ش امة‌البهاء ورقه طيبه بلقيس اخت حضرت عندليب عليها بهاءالله الابهی

هوالله

ياامة‌البهاء فاستبشری بما فاض عليک سحاب رحمة و سبغت عليک النعمه

و اشرقت عليک انوار الهدی وتموجت عليک بحورالموهبة الکبری

فامنت بالله و صدقت بکلمة الله و اطمئنت بايات الله وتوجهت

الی الملکوت و دخلت فی خيام العز حمی ربک العزيز الودود توکلی علی

مولاک و تشبثی بذيل العطاء تالله الحق ان فضله احاط عباده

المخلصين والحمد لله رب العالمين والبهاء عليک وعلی کل

ورقة ثابتة علی العهد القويم ع ع مقابله شد

هوالله

ای رب هاتان الورقتان انتبتا من سدرة رحمتک و تحرکتا من نسيم

ص ٥٩٦

خط مبارک ٦٠٢

عبق من وادی معرفتک وانجذبتا الی ملکوتک ؟ تک ای رب اشرح

صدرهما بمشاهدة ظهور آيات عظمتك و خفوق رايات قدرتك وقرر؟

عينها بوصولهماالی کهف حفظک وانامک انک انت المليک الحی القدير

وانک انت الرحمن الرحيم ع ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٦٠٣

ش حبيب دوستان آلهی جناب عندليب بوستان رحمانی

عليه بهاء الله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

اللهم اشرح صدور عبادک المخلصين بنفحات التائيد واحی قلوبهم بروح التقديس

و نور وجوههم بنور التوحيد والغش نفوسهم بنسائم التفريد و حدد

ارواحهم بفوائح التجريد ليستعدوا فيکل الشئون لظهور مواهبک

و يستحقوا فيکل الاطوار والاحوال لحصول عواطفک ياحی يا قيوم واعطف

علی عبدک هذا بلحظات اعين رحمانيتک وايده بقوتک القاهره وقدرتک

الظاهره علی نصرة امرک ونشر اوامرک بين خلقک وانطقه بثنائک

بين عبادک واجذبه بنفحاتک بين ارقائک واجعل باطنه ظاهره قلبه

ص ٥٩٧

و روحه و جسمه وعظمه ولحمه ودمه ملتهبة بنار محبتک التهاباًيسلب منه السکون

والقرار حتی يرتفع منه ضجيج النداءباسمک فی قطب الامکان و صريخ الثناء

بذکرک بين ملاء الاکوان و حتی يتلئهلا وجهه فی ملکوت الانشاء انک انت

المويد الکريم ای عندليب حديقه رحمانی اگر چه بظاهر دور ومهجور

وآواره دريا وصحرا وهامون شدی لکن در جميع اوقات در انجمن دوستان

مذکوريد از ياد دوستان حقيقی فراغتی نه ازخدا بطلبيد که موفق برآن

فرمايد که بانچه اليوم لائق وسزاواراست قيام نمائيد ودر سبيل آلهی

بنثار دل وجان موفق گرديم تا چون سراج پرنور تسليم ورضا آقامرتضی

جان رايگان در مشهد فدا نثار کنيم تد در زجاجه تقديس برافروزيم

ودر مشکاة ملکوت روشن شويم ودر افق ابهی و ملکوت اعلی چون زهره

زهراءبدرخشيم هنيئاله ومرئياله هذه الکاس التی طفحت وفاضت برحيق

محبة‌الله والبهاء عليک ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش جناب عندليب گلستان رحمن عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

ص ٥٩٨

خط مبارک ٦.٤

ای شمع انجمن عرفان در اين ساعت که طير حديقه وفا بال وپر گشوده که در فضای

جانفزای ياد ياران پروازی نمايد وبر شاخسار ذکر وثنا لحنی آغاز کند که بحر

اعظم محبت الله چنان موجی زد که طوفان از سر بگذشت و نار موقده

در سدره رحمن چنان شعله ئی بر افروخت که خامه ونامه وفواد ومداد را

جميعاًبسوخت لکن چون امطار رحمت نازل بود ومعين عنايت نابع

آن حرارت باين فيض رحمت اعتدال يافت ومجال تحرير حاصل

گشت از عدم ارسال جواب شکوه فرموده بوديد واين را دليل

فتور در آنچه محکمتر از بنيان مرصوص است نموده بوديد وحال آنکه آنی نميگذرد

مگر آنکه بخاطر مياييد فراغت از ذکر احبای آلهی ممکن نه و بيقين مبين خود

مطلعيد که از کثرت اشغال مجال آه وناله ندارم وزاری وفغان مهلت

نيست وفرصت وآرامی آنی ميسر نه باوجود اين مکتوبی بشيراز

ارسال شد که وصول يافت وحال نيز بتحرير اين ورقه پرداختم

بيقين مبين بدان که بلحاظ فضل ملحوظی وبمنتهای حب اين قلوب مشمول

از فضل جمال قدم سائليم واز صميم قلب آمل که موفق برضای آلهی

ص ٥٩٩

شوی و مويد بر اثبات وبيان قوت وسلطان عهد وپيمان حضرت يزدان

گردی اليوم اين امر اعظم امور واهم شئون است چه که اساس

امر آلهی وبنيان دين رحمانيست اليوم ثبوت و رسوخ بر عهد وميثاق

الله چنانکه بايد وشايد لازم و قوت وقدرتش را ادراک و تفهيم واجب

تا حصن حصين امرالله محفوظ و مصون از رخنه شبهات ماند در خصوص مکاتيب

که بهمراه داشتيد مرقوم نموده بوديد همينقدراز جناب آقا عزيزالله سئوال

شد که مکاتيب را ارسال شيراز نموده‌اند ياآنکه پيش خودشانست و بس

واين سئوال نيز بجهت اين شد که بعضی مکتوب فرستاده بودند مقصود

اين بود اگر مکاتيب رسيده است ديگر لزوم مکتوب جديد نه ع ع

مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٦٠٥

ش جناب عندليب حديقه عرفان عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نماپند

هوالابهی

ای عندليب حديقه آلهی چنديست که نغمات آن طير معانی بسمع مشتاقان

نرسيده والحان بديعی استماع نگشته سبب حيرت گرديده باری

ص ٦٠٠

يوم عظيمست وقرن و عصر حضرت رب کريم ؟ وخروش از جميع

جهات بلند است ونفحات از جميع صفحات درنشر وعبوق نسائم

محبت الله ازکل آفاق درمرور وآثارباهره‌از کل اطراف درظهور

آن ارض با وجود آنکه مبدء ظهورفيض آلهی ومشرق آفتاب رحمانی

بود بايد اشراقش شديد وانوارش يوماًفيزماًدر سطوع و مزيد

باشد چگونه افسرده وپژمرده مانده فوران اين تنور وطلوع

اين ظهور وجوش اين خمر طهور ودوراين کاس مزاجها کافور درآن

صقع جليل آغاز شده واين راز پرده برانداخته پس بايد امواج

بحرش باسمان رسد و افواج امرش محيط برعالم امکان سطوع

کوکبش جهانتاب گردد و طلوع موکبش جهان آراء جام محبتش

لبريز باشد و حرارت معرفتش شرر انگيز نهر تقديسش بحر

توحيد گردد وعين تحديدش چشمه سلسبيل آياتش باهره شود

ورايتش شاهره حائقش مونقه گردد وحياظش متدفقه ما منتظراينظهور

و بروزيم وسطوع اين انوار و حظوظ پس آن يار موافق بايد بقوتی

ص ٦٠١

ملکوتی و قدرتی جبروتی ولسانی فصيح وبيانی بليغ و روحی آلهی ونوری

آسمانی و جندی رحمانی و موهبتی ربانی وحرارتی وجدانی وبشاراتی

سبحانی جميع احبای آلهی را بحرکت آريد و بوجد و شور وجذب دلالت فرمائی

که اين شمع روشن امرالله روز بروز روشنتر گردد و آناًفاناًساطعتر

تا عالم امکان منور شود ديگر شايد در آنصفحات باشارات در کمال

ستر و خفی نفحهء شبهاتی بوزد و بعضی القاء سری نمايند بسياردقت

واحتياط لازم که در حصن حصين امرالله رخنه حاصل نگردد و جميعرا

برعهد وميثاق محکم نمائيد ع ع مقابله شد

هوالابهی

خط مبارک ٦٠٦

جناب عندليب حديقه معانی عليه بهاء الله الابهی ملاحظه نمايند

رب و رجائی و غاية مطلبی ومنائی وملاذی وملجئی ومهربی ومجيری و معينی

ومنجدی و ظهيری اسئلک بضجيج قلوب اصفيائک واجيج النار المضطرمة

بن احشاء و ضلوع احبائک و عبرات منهمرات من اعين مشتاقيک

و جمرات مظطرمات فی افئدة عاشقيک بان ترفع زنير ليوث العرفان

ص ٦٠٢

فی غياض مقر ظهورک وسبح حيتان الايقان فی حياص اندفقت منها مياه فيضک

يوم طلوعک و اضرم نيران محبتک فی تلک البقاع و نور تلک الارجاء

بانوار تلئلاًبين الارض والسماء وعطر تلک الانحاء بنفحات قدسک

ياذاالاسماء الحسنی وادر علی تلک الصحاری والربی والمعاهد من نقطتک

الاولی سحاب موهبتک العظمی و غمام عنايتک الکبری و اجعلها من

حدائق رحمتک الغناء ورياض مرحمتک الغلباء ايرب اجعل احبتک

فيها آيات توحيدک الناطقة ورايات تفريدک الشاهرة الباهرة

الباذخه ومعالم دينک المبين الشامخه وشعائر آثارک الظاهرة الزاهره

ايرب اشدد ازرهم بقوتک القاهرة لکل الاشياء و قو ظهرهم

بقدرتک المحيطة علی من فی الارض والسماء واجعلهم انواراًساطعة

فی افقک الابهی و سرجاً لامعة فی زجاجات ذکرک الاحلی انک

انت المقتدر العزيز المنان ع ع مقابله شد

هوالابهی

جناب عندليب گلستان عرفان عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

ص ٦٠٣

خط مبارک ٦٠٧ هوالقيوم

ای عندليب حديقه عرفان آن مربی امکان ومهربان سرور لامکان آن

مرغ چمنستان ايقانرا طير دست آموز فرمود وانواع نغمات و ترنمات

والحان آموخت و درس مقامات معنوی داد که بگلبانگ آلهی

و آهنگ عراقی و مقام حجازی ولحن بياتی وهوای عشاقی وايقاع

رحمانی در گلشن ربانی وگلبن صمدانی آغاز آواز نمائی و دمساز

شهناز گردی ودر اين ايام شور و وله افکنی و مرغان چمن را شوق

و وله دهی و بنغمه وآهنگ آری تا نعوت و محامد حضرت احديت

و ستايش ومدايح جمال مبارک از حيز حضيض ادنی بتهليل و تکبير

تااوج ملکوت ابهی بلند گردد وانوارتنزيل آفاق وجود رااحاطه کند

وصيت جهانگير آلهی باطباق ملاء اعلی تبشير انتشارش رسد و ولوله

در ارکان عالم افتد و زلزله در اعضای آدم افکند و شرق و غرب

امکان گلشن رحمن وگلبن يزدان گردد با وجود اين چه شد که خاموشی

وبی جوش وخروش باری از زاويه خمول بيزار شو واوج قبول بطلب ؟

ص ٦٠٤

واز گوشه سکوت بدر آ والحان بديع در گلستان لطيف آغاز کن

بلکه در جوق طيورشوق وشوراندازی و کل راباهنگ ملاءاعلی دمساز کن

وصيحه يا بهايابها در اطراف گلشن افکنی و نغمات آل داود آموزی

و علم بر اعلام ستايش و ثنای جمال قدم افرازی جميع احبارا

از اين ذکر بديع وبيان فصيح باهتزاز آر ع ع مقابله شد

جناب عندليب اين وجه بيست وپنج تومانشرا خدمت جناب

رفيع يعنی فاضل تقديم نمائيد وبيت وپنج تومانش را خودآنحضرت

صرف فرمائيد ع ع مقابله شذ

هوالله

خط مبارک ٦٠٨

ورقه موقنه والده حضرت عندليب عليها بهاءالله الابهی

هوالله

يا امة‌الله شکر کن حضرت مقصود را که چنين ابن محمود داری که هزار

هزار دستان حديقه وجود وثنا خوان مليک معبود است شب وروز

بستايش جمال قدم واسم اعظم پردازد که بنور توحيد خلوخانه دل را

منور نمودی وبنفحه محبت الله مشامرا معطر ع ع مقابله شد

هوالله

ص ٦٠٥

خط مبارک ٦٠٩

ش جناب عبدالبهاء عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالله

آلهی وملجئی وملاذالمقلبين الی ملکوت تقديسک العظيم ترانی مستغيثا بعتبتک

الساميه ومترحباًبحضرتک القدسيه ان تحفظ وتصون هذا العبد الصغير قرة

عين عبدک عندليب وفلز کبده فی صون حمايتک وتربيه فی حصن عنايتک وحجر

موهبتک ايرب ارصغه من ثدی الطافک و انتبه بناتاًحسناًبفضلک و جودک

واحسانک واجعل له مخرجاًو نور وجهه بنور توحيدک و اشرح صدره بايات

تقديسک و اجعله محشوراًتحت لواء ميثاقک ومستظلاً فی ظل لوائک

الکريم ع ع

ايرب سمه فی ملکوتک باسم عبدالبهاء فی ملکک باسم عبدالحسين حتی يقوم بفرائض

عبوديتک وشرائط رقيتک فی ملکوت الانشاء انک انت المويد لمن تشاء

و موفق من تشاء علی ما تشاء وانک انت الکريم المتعال ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش جناب عندليب حدائق عرفان عليه بهاءالرحمن ملاحظه نمايند

ص ٦٠٦

خط مبارک ٦١٠ هوالابهی

ای عندليب بوستان آلهی ديروز مکتوبی مرقوم وفردا ارسال ميشود

والان حضرت افنان خواهش تکرار فرمودند باوجود تحاريرلازمه بيحد

وشمارومشاغل چون بحر زخار همه را گذاشته بياد وتحرير وذکر تقرير

روی و خوی تو مشغول شدم و اگر بدانی که سورت گرما وشدت تاب

آفتاب دراين گوشه انزوا بچه درجه است يقين فرمائی که ذکر ياران

روحانی هوا رانيز طراوت ولطافت واعتدال بيمنتها بخشد چه که اين

محبت منبعث ازارتباط حب جمال قدم است وفی الحقيقه موجی ازامواج

بحراعظم دراين حشراکبر چون کل در ظل سدره مبارکه محشور وبلحظات

عين رحمانيک منظور ودر جنت ابهی از صهبای طهور مخموريم انبعاثات

وجدانيه وانجذابات قلبيه و روحانيه باين درجه رسيده سبحان

من موج هذه البحور سبحان من ؟جری هذه النهور؟ سبحان من نزل هذه

الغبوث سبحان من احيی هذه النفوس بهذه النفحات المعطرة

الهابة من مهب العناية سبوح قدوس عبدالبهاء ع مقابله شد

ص ٦٠٧

هوالابهی

ش جناب عندليب بوستان عرفان عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٦١١

هوالابهی

ای عندليب گلستان عرفان جمال آلهی مدتی مديد خبری از شما نرسيد

بعد مراسله ئی واصل واز حقيقت حال اطلاعی حاصل گشت حال نيز از جناب

ميرزا عبدالله رقمی بيک دوستی رسيد آن نيزارسال نزداينعبد نمود ذکرآنجناب

در آن بود بادی روح وريحان گشت اليوم امثال آنجناب بايد بقوه

روح تائيد درشب و روز احبای رحمن را چون روح حيات باهتزاز و حرکت

آرند ونار مخموده قلوبرا مشتعل و روشن نمايند چه که اليوم ساعتی خمودت

و جمودت تاثيرات شديده نمايد چه که پيش حرارت شمس بی حجاب

در قلب امکان آتش پرشعله ميزد احتياج باشتعال و شعله ولمعه ئی

نبود لکن حال زمانيست که سراجها بايد پرشعله و افروخته وساطع باشند

تا ظلمات متراکمه را مقاومت توانند وزائل نمايند واليوم اهم امور

بتنبيه بر ثبوت و رسوخ و تشبث بعهد وميثاق آلهيست وبيان قوت

ص ٦٠٨

و عظمت اين عهد وپيمان وايمان والبهاء عليک ع ع مقابله شد

هوالله

ش جناب عندليب حديقه توحيد عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٦١٢

هوالله

ای عندليب حديقه معانی مدتی بود که نغمهء از آن مرغ سحری بسمع مشتاقان

نرسيده بود که ناگاه بريد جديد وارد وبواسطه نميقه ءمرسله ء بجناب آقا

سيد هادی خبر مختصری مسموع وقلب مجروح وکبد مقروح را مرهمی حاصل

گرديد حمد حضرت حی قدير را که بشارت صحت وسلامت داشت

وبر صفحات قلوب نقوش وخطوط محبت قديمه مينگاشت سبب روح

وريحان گرديد وبادی مسرت وجدان چه که ناطق بثنای محبوب

لامکان ودال برثبوت برعهد وپيمان بود اگرازحال اين مظلوم آواره

پرسشی نمائی ويا خواهش شرحی فرمائی بلاياء ورزاياء چون محيط اکبر

و امواج انکار واستکبار دراوج اعلی وطوفان هجوم و جفا درنهايت

اشتداد واين مظلوم چون سفينه شکسته در گرداب صد هزار افتراء

و اسناد؟افتاده و وحيد فريد وبی ناصر ومعين در دست متزلزلين

ص ٦٠٩

مبتلا و مستغرق در بحر بلاء و متضرع بملکوت ابهی که بزودی کاس فنا عنايت

گردد وبعالم ديگر رحلت شود واميد از رحمت سابقه و نعمت سابغه

که اين آمال و آرزو بزودی ميسر گردد و اين کاس عذب

گوارا فوراًعنايت شود چه که جام بلا سرشار شد بلکه جان در ره

جانان ايثار شود ع ع

اللهم يا راوی غليل کل ظماءن من عين عناتک ويا شافی فی کل عليل من درياق

رحمتک ويا کافی کل مستجير بجوار عفوک و مغفرتک قد آويت الی

کهفک المنيع و حصنک الرفيع متذللاًبباب ربوبيتک خاضعاًخاشعاً

بعتبة‌الوهيتک متضرعاًلديک ان ترفعنی اليک وتوفينی و تجعل وفودی

عليک و حضوری بين يديک لاشکوبثی و حزنی اليک عما ورد علی

عبدک البائس الفقير ورقيقک الضعيف الحقير من ناقض ميثاقک

من بعدک المارقين من دينک المبين بعد صعودک المتزلزلين فی

عهدک القديم بعدما تواری شمس جمالک بغمام جلالک العظيم ای رب

فوقت السهام وصوب السنان وتلظی نيران الطغيان فابعث من

ص ٦١٠

اخيتک ؟نفوساًمويدة بقوتک القاهرة وقدرتک الباهرة حتی يصبحوا سداً

متيناًرصيناًمن زبرالحديد هاجزا مانعاًوافياًلياجوج الشبهات وماجوج

الاشارات المتسکين بالمتشابهات ايرب احفظ دينک المبين من شر

المهاجمين المارقين انک انت المقتدر العظيم ع ع مقابله شد

جناب عندليب بوستان عرفان عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٦١٣

هوالابهی

ای عندليب حديقه وفاء آنچه مرقوم فرموده بوديد قرائت وتلاوت

گرديد بستايش حضرت رب قديم و مليک عظيم مشغول گشتم که ايخدای

مهربان شکرترا و نيايش ترا که بندگان درگاه‌احديتت رااز هرآلايش

پاک و مقدس فرمودی وبتائيد ملکوت غيب جمال ابهايت مويد کردی

از بادهء‌آمادهءدر خمخانه وله وانجذاب سرمست نمودی و دربزم ذکروثنايت

مخمور صهبای الست کردی در قلوب شمع افروختی و کل را رسم

ورفتار وگفتارابرارآموختی و جگرها را باتش محبتت سوختی ای پروردگار

وقت هجوم جنود ملکوت ابهئيست وزمان تاييد ونصرت بملايکه ملاء اعلی

ص ٦١١

آنچه وعد فرمودی وفا فرما واين جامهای درد آلود را صهبای عنايت افاضه

کن اين جمع پريشان تواند و اين حزب بيسر وسامان تو ملجاء وپناهی جز

رکن شديد ندارند و مرجع وملاذی جز کهف منيع نجويند اگر ياری وياوری

فرمائی اين مرغان ضعيف عقاب کاسر گردند واگر مدد غيبی رسانی

اين موران نحيف شکوه سليمانی بنمايند ذره نابود در ظل عنايتت آفتاب

انور است وقطره ناچيز بفيض اعظمت بحر اخضر اگر حقريم اگر فقيريم

اگر ذليليم اگر اسيريم در سايه الطاف باسم مبارکت معروف

و شهير وتوئی دستگير و مجير هر مستجير خدايا توافقی ؟ودانا که جز خير نيتی

نداريم وبغيرصلح وصلاح با عموم مقصدی نجوئيم طيوريم بال وپر شکسته

بال وپری عطا فرما تا سبب راحت وآسايش عالم وجود شويم و علت

خير خواهی کل نفوس گرديم خدمت بعالم انسانی کنيم و همت در منفعت

عمومی نمائيم اطاعت و صداقت وامانت وانقياد بحکومت را

فرض و واجب فرمودی خدايا مارا موفق بعمل بگردان تا بانچه امر فرمودی

ص ٦١٢

قيام نمائيم جز تو نجوئيم ونگوئيم وجز در بيان محبت نپوئيم در خصوص فساد

بعضی از مفسدين فرموده بوديد البته ظاهر وآشکار گردد و وجوه اهل فساد

سياه شود خدا حقيقت هر عملی را مشهود نمايد خود سرکار رکن الدوله ميداند

که دشمنش کيست و مقصودش ازاين فساد ها چه فسوف تری للمفسدين

فی خسران مبين فساد عاقبت ندارد و ثمری نبخشد تا بحال نفسی از فساد

خير نديده وفساد هيچ نفسی مکتوم نمانده آفتاب حشر است اسرار مکنونه

را آشکار ميفرمايد اين نفوس هميشه ادعای خير خواهی دولت وملت

مينمودند حال خدا واضح فرمود که مصلح کيست و مفسد که الحمدلله

رب العالمين والبهاء عليک ع ع مقابله شد

هوالابهی

جناب عندليب حديقه رحمانی عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٦١٤

هوالابهی

ای شمع روشن محفل احباءالله آثار قلمه آن ورقاء حديقه عرفان مورث

روح وريحان گرديد حمد جمال قدم روحی لاحبائه فدارا که بموهبت کبری احبای

ص ٦١٣

مخلصين را بر خدمت امرش موفق فرمود ای حمامه رياض عنايت وقت تغنی

وترنی و نغماتست وهنگام اشعال نار محبت الله اگردراين قرن اعظم که چون

آفتاب بين قرون سائره ساطع و روشن است انسان خواموش ومدهوش

ماند در چه قرنی ناطق ومتکلم ومبين گردد واگر نفسی دراين بهار آلهی از

نسائم قدس مهتز نگردد واز فيض سحاب رحمت رحمانی چون گل صد برگ

خندان نشکفد واز اشعه ساطعه شمس حقيقت روشن و منور نگردد

در چه عهد وموسمی بحرکت آيد ودر چه ايامی از افق عالم چون ستارهء

صبحگاهي بدرخشد حكمت مذكوره در الواح مقصود آنست كه واتبواالبيوت ؟

من ابوابها ولا تاتوا البيوت من ظهورها بايد چون شمع در زجاجه حکمت

برافروخت نه آنکه خاموش ومخمود ماند آن دونفر از احباء الله که اذن

زيارت روضه مطهره خواسته اند ماذونند با ولدشان ديگر جميع احبای

آن ارض را از قبل اين عبد تکبير ابدع ابهی ابلاغ فرنائيد جواب مکاتيب

تعويق افتاد اين از جهت ضعف شديد وعلل جسمانی بود حال رفع رفع

شده است ع ع مقابله شد

ص ٦١٤

هوالابهی

ش جناب عندليب حديقه آلهيه عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط مبارک ٦١٥

هوالابهی

يامن اجتهد بروحه وذاته وکينونته فی نشر نفحات الله احسنت احسنت

بمااستقمت علی عهدالله و ميثاقه وثبت بقوة من الله علی هذاالصراط الممدود

لعمرالله يوئدک علی ذلک جنود الملکوت الابهی والملائکة المقربون فاشدد ارزک

بقدرة من الله و قوظهرک بسلطنة من الله ومر علی القلوب مرور نسيم الصبا

وبشرهم بنفحات الله واشعل فی القلوب نار محبة الله ونور الابصار بنور

معرفة‌الله واشرح الصدور بفيض موهبة‌الله واحی الارواح بالمياه

الطافحة من حياض رحمة الله فی رياض امرالله والبهاء عليک و علی کل

من افتقر فی سبيل الله واصابته الضراء والباساء فی محبة‌الله حقيقة

مشقات و زحمات آن جناب بيحد وپايان گشته صبر جميل لازم از

استقامت و ثبوت واشتعال جناب افنان ها مرقوم فرموده

بوديد سبب نهايت روح وريحان گرديد مقابله شد

ص ٦١٥

هوالابهی

ش جناب عندليب حديقه توحيد عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٦١٦

هوالابهی الابهی

ای حمامه حديقه توحيد وعندليب رياض تجريد جمال قديم اوراق بديعه

که باحسن معانی و ابدع حقايق اسرار رحمانی مزين ومطرز بود تلاوت

و قرائت گرديد نشر نفحات روح وريحان شد وسبب گشايش

وسعت وجدان گرديد چه که مشعر بر شوق وشعف وجذب و وله قلوب

ياران آلهی واحبای رحمانی بود ناطق بثبوت و رسوخ کل برامر ربانی

در زمان سکون و سرور ثبوت و رکون هرکس تواند و در وقت آسايش

وسلم بسالت وشجاعت هرکس تواند لکن مويدين بجنود ملکوت ابهی نفوسی

هستند که در طوفان اعظم امتحان و افتتان چون علم مبين مرکوز

و متين وقائم ودر ميدان مجاهده بانفس چون حصن حصين ثابت و راسخ

ومقاوم فنعم ما قال سوی آن دلبر نپويد هيچ دل باآرزو باچنان

گلرخ نخسبد هيچکس در پيرهن يابروهمچون زنان زنگی وبوئی پيش گير

ص ٦١٦

يا چومردان اندراوگوی درميدان فکن حال الحمدلله که احبای آلهی دراطراف

واکناف مستقيماًعلی امرالله وثابتاًعلی محبة‌الله مرد ميدانند و مشتعلين

بنار محبة الله آنجناب بايد در کل حين محرک قلوب باشيد و مبشر نفوس

جسم افسرده امکانرا جان باش و جان پژمرده انسانرا روح وريحان

اگرازبعضی نفوس فتوری مشاهده فرمائيد محزون مشويد ومايوس مگرديد

چه که حرارت در آن نفوس چون شعله در شمع پنهانست وقتی آيد که

روشن گردد وشعله برافرازد وچهره برافروزد والبهاء عليک ع ع مقابله شد

هوالله

ش حضرت عندليب رياض احديه عليه بهاءالله‌الابهی

خط مبارک ٦١٧

هوالله

يامن انجذب بسطوع نوراشرق من مطلع الاسرار حی علی الفوزالعظيم

حی علی‌النورالمبين حی علی‌الخطالجليل حی علی‌الفضل‌البديع حی علی‌البدر

المنير حی علی السراج المضئی حی علی‌العهدالقديم حی علی‌الميثاق‌الغليظ

قداخذت الزلازل وتتابعت النوائب وتفاقم الامتحان وتعاظم الافتتان واظلمت

ص ٦١٧

آفاق قلوب اهل النسيان بغيوم کثيفة من الطغيان و نضب ماءالايقان

ونبع حميم الظنون والاوهام شاعت الشهبات وذاعت المتشابهات قدترکوا

المرکزالمنصوص والبنيان المرصوص واتبعوا کل خابطة عشواء وناطقة

صماء و حاوية عمياء احسبوا انهم تركوا صدي كلااذا صدح الورقاء

فی رياض البقاء وغنت حمامة القدس فی غياض الکبرياء وسطعت

انوارالتائيد فی قطب السماء واشرقت مصابيح التوحيد فی زجاجات

الاصطفاء و جهدت الطرق و استقامت السبل و نفخ فی صور الانجذاب

ونقر فی ناقور الحيات وصال جنود الملکوت الابهی وحال خيل ملائکة

الملاءالاعلی وخفق علم الميثاق وانتشر شراع العهد والوفاق يومئذ

تری الثابتين فی جنة النعيم فی ظل ممدود ومقام محمود وعطاء مشهود

وتری المتزلزلين فی ظل يحموم ومقام مشئوم وضنک و غموم و خسران

الی يوم يبعثون ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش حضرت عندليب حديقه معانی عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

ص ٦١٨

خط مبارک ٦١٨

اللهم ياآلهی ترانی کليل اللسان عن بيان المواهب التی خصصت بها

اصفيائک واختصصت بها من تشاء من احبائک و تشکرت علی الطافک

فی هذه‌الايام التی زلت فيهااقدام المستکبرين علی عهدک و ميثاقک

بحيث يا آلهی اشرقت انوارک واشتهرت آثارک و ظهر اسرارک

و انتشرت نفحاتک وعلت کلمتک وعبق طيب انفاس قدسک

وتعطر الشرق والغرب من رائحة قميص تقديسک واهتزت الاقاليم

لتعليمک ايرب لک الحمد علی ذلک ولک الشکر علی کل ذلک ای رب

ايدالمقربين علی الاجتماع فی محافل الانس لذکرک و ثنائک و وفق

الثابتين علی الاحتفال فی مجامع القدس لحبک و ولائک ای رب

اجمع شملهم ولم شعشعهم وارفع کلمتهم واظهرهم علی‌امم الافاق بعونک

و معرفتک ونفوذ کلمتک واجعل مجامعهم انعکاسات جوامع الملکوت

و محافلهم آيات صوامع اللاهوت ليسجوک و يقدسوک ويمجدوک

و يشکروک انک انت الکريم الودود ع ع مقابله شد

هوالابهی

ص ٦١٩

شيراز حضرت عندليب رياض آلهی عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٦١٩

هوالابهی

ای رب هذا عندليب رياض ثنائک وليث غياض ذکرک و ورقاء فردوس

محامدک ونعوتک قد تغرد علی افنان دوحة‌البيان باحسن التبيان وترنم

فی حديقة‌العرفان بابدع الالحان ونادی بميثاقک فی قطب آلافاق

و ثبت علی عهدک و قاوم اهل الشقاق ايرب ايده فی جميع شئون ياربی

الحنون وانطقه فی محافل التقديس و مجامع التوحيد بذکرک وثنائک

واشدد ازره علی خدمتک والبسه خلع التشريف برحمتک و توجه

بتاج العبودية فی عتبة قدسک العليه وقدرله خيراًيتباهی به بين

الملاءالمقربين ويشرق وجهه بالنورالمبين يارحمن ويارحيم ايرب

هب له هذه الورقة‌البديعه امتک الجديده وسمها فی ملکوتک نوراء

انک انت الواهب المقتدر الکريم وانک انت الرحمن الرحيم ع ع

مقابله شد

هوالله

شيراز حضرت عندليب گلشن آلهی عليه بهاءالله الابهی

ص ٦٢٠

خط مبارک ٦٢٠

الله ابهی

ای عندليب گلستان آلهی موسم بهار آلهی هنوز در نهايت طراوت

ولطافت وگلشن رحمانی در غايت نضارت و حلاوت و دوستان

روحانی چون شاهدان انجمن يزدانی درنهايت ملاحت وصباحت وبلبل

معنوی درابدع الحان فصاحت و بلاغت با وجود اين زاغانی چند

ميدان گرفته‌اند وبنعيق ونعيب عربده دراين چمن‌انداخته اند که‌اين

گلشن رحمانيرا گلخن ظلمانی نمايند واين فردوس آلهی رامزبله شيطانی

نمايند طيور شکور را لاشخور منفور کنند وبازان غيور را زاغان

کفور نمايند طوطيان شکرستان آلهی را کلاغان قبرستان ترابی کنند

وگلزار حقائق ومعانی را خارستان رزائل غير متناهی نمايند دانهء

که دراين دام انداخته اند توحيد عوامست وتفريد متبادر باذهان

انعام که ازامم قديمه کهنه ميراث مانده با وجود آنکه در جميع الواح

وزبرآلهی بيان توحيد بابدع معانی موجود و مشهود حال اين قوم

عنود بذيل تلمود يهود تشبث نموده اند جواب شيخ سلمان عليه

ص ٦٢١

بهاءالله الابهی را ملاحظه نمائيد واگر مقصود عظمت وبزرگواری وبی مثل

ونظيری جمال مبارک روحی لعتبة المقدسه الفداست اين مسلم کل

و متفق عليه عموم اهل هداست لا يختلف فيه اثنان در تصور ذات

اورا گنج کو تا در آيد درتصورمثل او اومقدس ازتوحيد وتکثير واطلاق

وتقليد و ترکيب وبسيط است کل هذا اوصاف ادنی خلقه اين بيچاره ها

نه از بيان اوليای سلف خبر دارند نه از معانی و حقائق حضرت اعلی

روحی له الفدا ونه از جواهر تبيان جمال ابهی فديت احبائه بکل الوجود

والقوی توحيدشان معنی متبادر باوهام ع ع

اليوم اعظم فرائض اتحاد احبای آلهی البته سعی بليغ مبذول بفرمائيد بهروسيله

باشد الفت تامه بين دوستان حاصل گردد اين امررا آنجناب

بايد درنهايت همت بفرمائيد ع ع

واليوم لم تکن خدمة اعظم من هذا ع ع مقابله شد

هوالله

ش حضرت عندليب حديقه ملکوت عليه بهاءالله الابهی

الله ابهی

ص ٦٢٢

خط مبارک ٦٢١

جناب عندليب چون آنجناب اهل رازاين عبد هستيد لهذا ازاسرار

بيانی نمايم وآن‌اينست که اين عبد رانهايت آمال وآرزواينست

که عبوديت خويشرا درآستان مبارک در جميع عوالم ثابت نمايم واين

عبوديت محضه را بهيچ رتبه ومقامی تبديل ننمايم آنچه از عبوديت اين

عبد ذکر شود سبب مسرت دل و جانست و علت روح وريحان

و خيمه امرالله بستون عبوديت بلند گردد و سدره امرالله بعبوديت

صرفه وفناء بحت خدمت شود آزادگي اينعبد دراين بندگيست و عزت

مقدسه‌اش درعبوديت آستان مقدس پس کل بايد بمنتها قوت بربندگی وعبوديت

جمال قدم روحی لاحبائه الفدا قيام نمائيم تابانوارعبوديت آفاقراروشن

نمائيم وبروح فقر وفنا وعجز وابتهال وجود را روح بخشيم و باهنگ

الحان بديع عبوديت زلزله برارکان عالم اندازيم و قلم آنجناب بايد

ترجمان قلم اينعبد باشد وآنچه ازاين قلم ترشح نمايدازآن قلم بتراود

يعنی در ذکر عبوديت اينعبد قلم آنجناب انشاءالله آيت عظمی گردد

اينست که ميفرمايد تا نگردی فانی از وصف وجود ای مرد راه کی

ص ٦٢٣

چشی خمربقاءازلعل نوشين نگار لهذا قصيدهء که تازه بجهت عشق آباد

انشاءفرموده‌ايداين را تبديل بقصيده ذکربندگی و عبوديت اين عبد نمائيد

يعنی از بدايت تا نهايت ذکر عبوديت اين عبد باستان مقدس باشد بهذا

يفرح روحی و ينشرح صدری وتنتعش نفسی وهذا سدرتی المنتهی ومسجدی

الاقصی و جنتی الماوی وهذا مذهبی ودينی وطريقتی وحقيقتی وحياتی

ونجاتی منذنعومة‌اظفاری ع ع مقابله شد

خط مبارک ٦٢٢ هوالابهی

شيراز جناب عندليب گلستان آلهی عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

ای عندليب گلشن ابهی چون روحانيان محفل طرب آرايند و بهائيان

در سايه طوبی آسايند بزم ميثاق برترتيب ظل شجره‌انيسامزين گردد

چنگ آلهی بدست گير وآهنگ ملکوت ابهی ساز کن که ای بهائيان

وجد وطرب نمائيد ای آلهيان جذب ووله خواهيد که نغمه ناقور حق

شرق وغرب را بحرکت آورده وصوت صور وصافور حق جنوب وشمال

را زنده نموده صوت تهليل و تکبير ورنه تقديس و تسبيح از جميع ارجاء؟

ص ٦٢٤

و انحاء بملکوت ابهی متواصل و صيت جمال ابهی بهفت اقليم متتابع

والبهاء علی کل من يستبشر بهذا الحديث ع ع مقابله شد

خط مبارک ٦٢٣

هوالله

شيراز جناب عندليب رياض عرفان عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی الله‌ابهی

ای عندليب حديقه ابهی در اين مدت مديده هرچند با کمال فصاحت و بلاغت

قصائد غرائی انشاءنموديد ولی اين منظوم اخيرلولومنثور منيراست و جواهر

بينظير مقبول واقع شد ولی بعد از تصحيح باری هميشه در چمنستان عرفان

بانواع نغمات وابدع الحان بذکر عبوديت اين عبد تغنی فرما تا روح مهتز

گردد و قلب مستبشر شود و جان روح وريحان يابد و انوار سرور

بتابد وفيض حبور بيفزايد ای عندليب وقت ساز وترانه است

و هنگام چنگ و چغانه دم بشارتست وروز فيروز فيض و عنايت

در شوق وشعف آ و درطرب و شغف وقت آنست که از فيض الطاف

جمال ابهی دم زنی واز اسرار ميثاق قلوب اهل وفاق را زنده

نمائی والبهاء عليک ع ع مقابله شد

ص ٦٢٥

خط مبارک ٦٢٤ هوالابهی

ش حضرت عندليب رياض آلهی عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

جناب عندليب حديقه معانی پيک امين رحمن حضرت شيخ سلمان عليه نفحات

ربه‌المنان خدمات فائقه بامرالله نمود درمجامع روحانيان هميشه بايد ذکرش

باقی باشد زيرا در ملکوت ابهی چون سراج وهاج روشن است حال باز

ماندگانی دارد کل احبا بايد رعايت آنهارا ملحوظ دارند علی العجاله حضرت

افنان آقا سيد حسين عليه بهاءالله وشما بايد مطالبات آن متصاعد

الی الله که درآن حوالی دارد بزودی تحصيل نمائيد وببازماندگان اوبرسانيد

البته نهايت همت نمائيد وتا پاره آخر بزودی برسد وقبض وصول گرفته

شود وارسال ارض اقدس گردد والبهاء عليک ع ع مقابله شد

خط مبارک ٦٢٥ هوالله

ش جناب عندليب حديقه معانی عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

ای عندليب حديقه معانی ای جای توخالی در بقعهء بيضاء ای جای تو خالی

در قبه نوراء ای جای توخالی در موقع منعوت بلسان انبياء ای جای توخالی

(درحاشيه اين صفحه خطی بود که امکان خواندن نداشت )

ص ٦٢٦

درارض اقدس ايجای توخالی دراين وادی ايمن ايجای توخالی در ذروه عليا

ای جای تو خالی درجبل کوم الله ای جای تو خالی در بهترين نقطه حيفا

ای جای تو خالی دربنيان حضرت کبرياء ای جای تو خالی در خاک کشی

بدوش مبارک ای جای تو خالی غصه مخور چند کش بالنيابه از جناب

شيخ الرئيس و جناب افنان و جناب فاضل وجناب غلامرضاخان و جناب شما وجناب

معمارباشی و سائر احباب ميکشم واين نيابت عين عنايت وصرف موهبت

از حضرت احديت است که عبدالبهاء را موفق بان نموده که بالنيابه از نفوس

زکيه دراين مقام قيام نمايد رب اقبل من عبدک الخاضع البائس الفقير هذه

النيابة لاحباءالله انک انت المقتدر العزيز القابل الغفور ع ع

مقابله شد

خط مبارک ٦٢٦ هوالابهی

ش حضرت عندليب رياض توحيد عليه بهاءالله الابهی

هوالابهی

ايهاالطيرالمغرد فی حدائق العرفان لعمرک‌اننی بکل وجدٍواشواق وحنينٍ‌لايطاق

احن الی ايک اللقاء لاسمع صياح ديک الوفاء عند تبلج لوائح الصباح لتتذکر ؟

الارواح تلک الانقه الروحانيه والموانسة الوجدانية التی کانت فی ظل خيام ؟

ص ٦٢٧

الرحمانيه فی‌الروضة‌الفناء؟ والحديقة‌الغلباء والدسکرة‌الخضراءوکل يجتمع کالنجوم ؟

فی تلک البروج ونألف ؟ کالطيور فی تلک المروج ونترنم بابدع الالحان فی

المحامد والنعوت لربنا الرحمن ونتلوقصائد کالفرائدالنوراء والخرائد الغراء ؟

بکل سرور فی ظل ربناالابهی روحی لاحبائه فدا ع ع مقابله شد

خط مبارک ٦٢٧

هوالحق القديم

ای ثابت بر پيمان حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا ميرزا آقا در کمال

روح وريحان وثبوت بر پيمان وخدمت باستان يزدان عازم آنسامان

ميشوند حين ورود بايد حضرات افنان شجره مقدسه و جميع ياران در کمال

حب و احترام بملاقات شتابند وبجميع وسايط حبيه تشبث فرمايند

وابداًاغبرار مامضی را بخاطر خطورندهند وآن حضرت بايد در نهايت همت

واسطه عقداين الفت گردند که انشاءالله کل چون جنود ملاءاعلی بر نصرت

کلمة الله در جميع مراتب وجود وشئون غيب وشهود از اخلاق و اطوار

واحوال وکردار وگفتار قيام نمائيد وشريک ورفيق ووفيق عبدالبهاء درعبوديت

وفنا و رقيت و وفا گردند تا عماد خباء تقديس مرتفع شود وجنت ابهی

ص ٦٢٨

در نهايت طراوت ولطافت ونظافت چهره گشايد ع ع مقابله شد

هوالله

شيراز حضرت عندليب رياض ميثاق عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٦٢٨

هوالابهی الابهی

ايها العندليب فی حديقة‌التوحيد طوبی لک بما تفنيف ؟فی رياض العرفان بابدع

الالحان وتغردت فی غياض الميثاق باحسن الانغام والايقاع تالله الحق يستمع

لالحانک آذان الملاء الاعلی فی التهليل والتسبيح فی ثنائک علی ربک الابهی

اذاًفادلع کديک الملکوت وتغرد کحمامة القدس فی رياض الجبروت مشياً

علی رب العظمة واللاهوت النيرالابهی و مبيناًبعبوديتی لتلک العتبة

الساميه التی اکتب عليها الملاء العالين بالوجوه النوراء ع ع مقابله شد

هوالله

خط مبارک ٦٢٩

ايهاالعندليب الصادح فی رياض الميثاق هرچند اين عبد در تحرير تاخير

مينمايد ولی در عالم قلب و روح دائماًمستمراًبذکر اصفياءالله مشغول

و مسرور زيرا غوائل ومشاغل ؟ بدرجهء که وصف مستحيل وممتنع بلاياء

ورزاياء ليل ونهار چون سيول ونهور وبحار با وجود اين چگونه فرصت

ص ٦٢٩

مخابره باشرق و غرب ومجاوبه با جميع ملل عالم باری مقصود اينست که عبدالبهاء

در آستان مقدس دائماًبياد شما مشغول وطلب تائيد مينمايم که در جميع شئون مويد

بر نشر ميثاق نير آفاق باشيد وسبب تنبيه وتذکر و خضوع وخشوع غافلين شويد ع ع

مقابله شد

هوالابهی

جناب عندليب رياض توحيد عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٦٣٠

هوالابهی الابهی

لا تبهلن اليک ياآلهی واتضرعن بين يديک متذللاًمنکسراًالی ملکوتک الاعلی و جبروت

غيبک الاسمی و ذروتک العلياء و عدوتک القصوی ان تنزل کل برکتک

وتحيتک و موهبتک علی الذين ثبتوا علی ميثاقک من ارقائک ونصروا کلمتک

ونشروا آياتک رب رب انهم فقراء بباب احديتک واذلاء فی رحبة

الوهيتک وساحة ربوبيتک البسهم رداء العزة القديمة بقيوميتک وزبن

هامتهم باکليل جليل من الفرائد النوراء والخرائه الغراء واليتيمه العصماء علی

سرير موهبتک العظمی فی عوالمک الاخری فی الملکوت الاعلی ای رب نور

جبينهم بالنور المبين واسقهم کاوساًمن ماء معين وادخلهم فی جنة‌النعيم و اجعلهم

هداة الی صراطک المستقيم و حماةً لحصنک الحصين و رماةً‌للمردة المذبذبين

ص ٦٣٠

و حراساًلبنيانک ؟ العظيم حتی تلوح وجوههم کالنجوم فی مشارق ارضک ومغاربها

وتنتشر بهم نفحات قدسک فی مطالعها و مناطقها انک انت المويد المقتدر

العزيز الکريم ايرب اجعل کل حبيب سهيما لعبدک هذا فی عبودية عتبة قدسک

السامية النباء والتذلل من جميع الجهات بباب احديتک التی تنزهت

عن المحامد والنعوت و الثناء ای رب اجعلنی فانياً قانتاً ساجداً

متذللاًخادماًخاضعاًخاشعاًمکبا؟ بوجهه علی التراب ثابتاً علی عبودية حقيقة

کينونية ذاتية باطنية ظاهرية اولية آخرية سرمدية ابدية لان هذه

هی ذروتی العليا و منتهی عروجی الی اوج بروج منقبتی العظمی وهذه حياتی

الابديه ونشئتی السرمديه وسروری و حبوری وقرة عينی و شفاء

صدري وبرء علتي وبرد لوعتي وراحة روحي و اعظم فتوحي رب اجعل قلوب

احبائک تتعقد علی هذه الصراحة الکبری واعقيدة المقبولة فی باب موهبتک

العظمی حتی ينطقوا بهذا النص الصريح من غير تاويل او تفسير وتشريح

اوتلويح وايدنی عليها و وفقنی علی الثبوت فيها انک انت مويد من تشاء

علی ما تشاء و انک انت المقتدر القدير

مقابله شد

ص ٦٣١

ای ثابت برميثاق آنچه مرقوم نموده بوديد تلاوت شد ومذاق حلاوت

يافت گلشن قلوبرا چون رشحات غيوم سقايت نمود وطراوت بخشيد

زيرا بشارت توقد شعله سينا در موطن نقطه اولی روحی له الفدا بود

ودلالت برانتشارنفحات الله درآن اطراف بيار حقيقی ميرزا علی اکبرخان

تحيت وثناء برسان وبگوای دوست توفيقات آلهيه تورا در دشت وصحرا

وکوه وهامان گرداند (در کناريک خط نوشته که خوانا نيست )ماءحيات

روزی بخشيد سبيل نجات بنمود و آيات بينات مشهود

کرد واز سهم شبهات محفوظ داشت فاشکر الله علی ذلک انه وليتک ؟

فی دنياک و آخريک ونصيرک و مجيرک و سميرک فی الاسحار گل گلشن

جمال محمدی حفيد مرحوم آقا ميرزا علی جناب آقاميرزا ابوالقاسم را تحيت

کبری برسان و همچنين عم محترمشان را وبگو قد تلونا قصيدتک الغراء

وخريدتک الفريدة‌الزهراء لله درک ما افصحها وابلغها کانها ماء زلال

مسکوب من السماء وشهد فائق مصفا او جزت واعجزت اسبهت

واطربت وان عبدالبهاء يتمنی العبودية الصرفه المحضة‌العظمی من جميع

الجهات فی الساحة السامية الشاسعة الارجاء فان کنت اجبت؟

ص ٦٣٢

ان يطيرقلبی فرحاًوتستقيم ظهری سروراًوينجلی بصری ابتهاجاويهتز نفسی انشراحاً

اطلق اللسان دائناًفی ميدان عبوديتی و فنائی و ؟ محلالی فی کل لشئون

والاحوال عند ذلک تطرب من طربی وتنجذب من فرحی وتطير بجناحی وتتعارج

باباهری وقوادمی وترفرف فی الاوج الاعلی بعبوديتک للحضرة الرحمانيه

فيهذه النشاة الانسانيه انه نشاة‌لامعة‌الصبح ساطعة الفجر فی عالم

الکيان والعيان وبه دو ابناء آقا ميرزا حسين جراح تکبير برسان وبگو

ای دو پسر چون دوپيکر منطقة‌البروج الحمدلله چون مرغ سحر هم

پر پدر شديد و بفضاء بيپايان عرفان طيران نموديد پس بشکرانه

اين فضل وکرم زبان بگشائيد و ممنون پدر گرديد والبهاء عليکما وبحبيب

اديب آقا ميرزا آقای طبيب کمال اشتياق را ابلاغ داريد و بگوئيد ای

طبيب علل وامراض روحانی نفوس انسانرا مريض وعليل نموده معجون

برءالساعه بکار بر و مفرح لاهوتی مبذول دار درياق فاروق بده

و کاس راوق بنوشان بلکه هر مسموم ازاين طيب مشموم

صحت ابدي يابد وهر محروم ازاين فضل نصيب موفور يابد و همچنين

ص ٦٣٣

حکيم حاذق و حبيب صادق يار موافق ميرزا محمد رضای طبيب را تکبير برسان وبگو

ظنرور در ختاست و جدوار در چين ومشک در ختن ولی جميع عقاقير سريع

التاثير شافی امراض و علل در بقعه مبارکه وادی ايمن طور سيناءبقعهء

بيضاءارض ميعاد صحرای طور موجود که هريک ظنرور را مقهور کند

و جدوار را بيدار نمايد و رشک مشک شود ای پزشک دانا ايندرمان

را داروی هر درد نما واين مرهم را ضماد هر زخم کن تا انفس وآفاق

صحت تامه و عافيت كامله يابد و بجناب شمس ابلاغ فرما كه آفتاب

حقيقی جمال ابهی بر آفاق بتافت کوکب فلک اثير حقير شد و فقير گشت

زيرا پرتو اين دائره محدود و اشراق آن در اين فضای غير متناهی

نا محصور دائره کوکب اثير صغيراست ودائره نيراعظم محيط بردوائر

صغير وكبير حال چون موسوم شمسي از حرارت دمسي ؟ بنما ورمس غبرا را

فضاء خضرا کن وديگر يار معنوی جناب محمد کريمخان را تکبير مشتاقانه

برسان وبگو ای دوست مهربان پرتو يزدان دلهارا روشن نموده

رائحه رحمن جانها را گلبن و گلشن کرده نسيم عنايت ميوزد و شميم

ص ٦٣٤

رياض موهبت جان می بخشد آيات توحيد در ترتيل است ورايات تقديس

در تشهير صبح حقيقت افق امکانرا منور نمود صبای جانبخش از سبای ملکوت

ابهی بر بسيط غبراء مرور نمود کون خلق جديد گشت و کائنات بقميص بديع

محشور شد حمد خدا را که از اين فيض موفور نصيب مفروز داشتی ورزق

مقسوم بردی وحضرت پر نياز جناب پيش نماز را با حرارت ابدی در مسجد

بردی ابلاغ اشتياق عبدالبهاء بنمائيد و بگوئيد وقت عجز ونياز است

و ضرب و ساز وآهنگ و آواز وبلندی شهناز باز اوج عزتی صفيری

بزن وطاوس رياض عبوديتی شهپر تقديسی بگشا والبهاء عليک

حضرت جليل جناب رئيس دائماانيس عبدالبهاءست ودمبدم بياد

شان همدمست و شب و روز طلب توفيق مينمايد تا بنصرتی از ملاء اعلی

و موهبتی از ملکوت غيب ابهی جميع حواس و قوای اسرای نفس وهوی

را بجنت ابهی متوجه فرمائيد ان ربه يويده ويوفقه بجنود لم تروها وجيوش

عرمرمة متتابعة من الملاءالاعلی اگر حکمت در حرکت ازآن ولايت دانند

بهتر چنان است که باقاليم ايران بشتابند چه که در آنکشور استعداد

ص ٦٣٥

عظيم حاصل شده وبالاخص در طهران چنان جوش وخروشی است که تصور

نتوان اگرمدتی قليله درآنمدينه بخدمت امرالله قيام نمائيدآذان مستعداست و

ونفوس منتظر وقت خرمن است وهنگام ظهور فيض و برکت والبهاء

عليک و بحضرت شيخ محمد فاضل ابلاغ فرما که وقت خدمت است وهنگام

نشر نفحات درآن مملکت حال درآنجا که موطن حضرت اعلی روحی لاحبائه

الفدا ست امرالله قوامی يافته وسبب سرور قلب عبدالبهاء گشته

زيرا نهايت آمال اين بود که در آنکشور که مطلع مهرانوراست انوار حقيقت

منتشر گردد اگر شما و حضرت رئيس و جناب عندليب از آن اقليم

سفر کنيد شايد رخاوتی در قوت پيدا گردد انشاءالله در وقتش

ميسر خواهد شد ای حضرت عندليب جواب شما دراين ضمن داده شد باواز

هزار الحانت قسم که عبدالبهاء از شدت غوائل و کثرت مشاغل و هجوم

اهل فتور وفتن وفساد اهل غرور فرصت نگارش سطری از سطور

ندارد تا بهر يک ازياران روحانی و دوستان رحمانی نامه مخصوص

نگارد لهذا البته معذور دارند ولی در آستان پاک طلب تائيد

ص ٦٣٦

بهرهر يک مينمايم مطمئن باشيد که تائيدات متتابعاًميرسد والبهاعليکم اجمعين

ع ع مقايله شد

شيراز جناب عندليب گلشن معانی عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٦٣١

هوالله

ای هزار هزار دستان دراين عيد رضوان سنه

قمری شصت ظهور قصيده که انشاء فرموده بوديد فی الحقيقه بديعست و بليغ

و فصيحست ولطيف در نهايت سلاست و حلاوت و بلاغتست و مضمون

در نهايت اعتدال ايدک الله علی ابدع النغمات فی فسيح الجنان

بفنون الالحان انشاءالله همواره محافل ياران را باين ترانه مستغنی

از شراب شبانه والحان چنگ و چغانه نمائی و عليک التحية والثناء ع ع

مقابله شد

ش حضرت عندليب گلستان عرفان عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٦٣٢

هوالله

ای عندليب گلستا ن عرفان مشاغل بی پايان و وقايع ناگهان و مقتضيات

زمان وانتشار عظيم امر رحمن عبدالبهاء را مجبوربر قصورنمود لهذا چنانچه بايد

وشايد از عهده مکاتبه مستمره باياران بر نيايد چکنم جمال ابهی امرش را درآفاق

ص ٦٣٧

منتشر نموده وصيت عبوديت عبدالبهاء را باستان مقدسش جهانگير فرموده

وباين سبب مشاغل را بيحد وپايان کرده لهذا المجبور معذور وقبول العذر

امر مبرور بنور ملکوتش قسم که آرزويم چنان است هر دم بذکر وياد و مکاتبه

ياران رحمانيش پردازم دمی نياسايم و نفسی بر نيارم مگرآنکه همدم رازشان

شوم و هم آهنگ و هم آوازشان از فضل بی منتهايش اميدوارم

که روابط روحانيه را چنان محکم ومتين فرمايد که احتياج بخامه ونامه نماند

مقصود اينست که همواره همدمی و نديم و دائماًجليس وقرين و عليک

التحيةو‌الثناء

رب سم قرة عين احسنت به عليه بالحبيب فی ملکوتک وربه فی مهد الروحانية

فی حيز اشراق انوار لاهوتک انک انت الروف الکريم الوهاب ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش ورقه نورانيه سدره ربانيه والده حاجی ميرزا علی افنان عليها

بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

ص ٦٣٨

خط مبارک ٦٣٣

ايها الورقة الروحانيه من السدرة الربانية از فيض تجلی شمس افق توحيد بانوار

ساطعه مطلع تفريد حقايق نورانيه در ظل کلمه جامعه تربيت شده اند که کواکب مشرق

عالم وجودند ونجوم بازغ فجر شهود آيات باهره جمال قدمند و رايات شاهره

اسم اعظم سرج نورانيه زجاجه امکانند و شهب ثاقبه سماء رحمن

آن حقائق مقدسه بقوتی رحمانيه وقدرتی ربانيه و عزتی صمدانيه

و شوکتی ملکوتيه ونفسی روحانی و انبعاثی وجدانی و روحی ربانی در اعلاء

کلمة الله و نشر نفحات الله کوشند واليوم اين خدمت عظمی را

بجميع شئون بايد نمود يعنی بافعال و اعمال و اخلاق واطوار و اقوال

تاانوار فيوضات قدم از اسم اعظم در هياکل توحيد از جميع جهات

ساطع گردد پس ای ورقه روحيه سدره مبارکه از خدا بخواه که از نفحات

اينمقام مشامرا معطر نمائيد تا آن ورقه نورانيه بطرازی مزين گردد که

نورانيت آن اقليم شود عبدالبهاء ع مقابله شد

هوالله

شيراز امة‌الله المهيمن لبقيوم الورقة المقدسة والده حاجی ميرزا علی افنان

ص ٦٣٩

وامة الله المهيمن القيوم الورقة المقدسه زيور سلطان وامة الله العزيزالرحمن

بنت شيخ علی ميرزا عليهن بهاءالله الابهی

خط کاتب مهر وامضاءمبارک ٦٣٤

هوالله

ای ورقات اوراء آنچه مرقوم داشتيد ملحوظ گرديد وفرياد وفغان

از شدت اشتياق نموده بوديد وآرزوی طواف دومرقد منور آفاق

هرچند در اين ايام موانع بسيار وجميع ممنوع از حضور دراين ديار ولی

نظر بامر محکم متين در کتاب مبين آت ذوی القربی حقه ماذون حضوريد ولی

بشرط ايام معدود تاآن طيور پرواز باين بيت معمور نمائيد وتوجه

ببلدة طيبة ورب غفور لکل عبد شکور کنند جميع افنان سدره مبارکه

را علی الخصوص فرع دوحه بقا جناب حاجی ميرزا علی را تحيت ابدع ابهی

ابلاغ نمائيد و عليکن التحية والثناء ع ع مقابله شد

هوالله

ش جناب آقا ميرزا جعفرخان عليه بهاءالله الابهی

خط کاتب مهر وامضاء مبارک ٦٣٥

هوالله

ای بنده ثابت جمال ابهی خدماتت در يوم عروج حضرت افنان

ص ٦٤٠

در آستان حضرت رحمن رحيم مذکور وممدوح ودر ملاء اعلی معروف و مشهود

ياران آلهی بايد در چنين موقعی جانبازی نمايند تا سبب انتباه اغيار گردد

و علت حيرت بيگانگان شود وعليک التحية والثناء ع ع

مقابله شد

هوالله

جناب ميرزا محمد جعفر منشی عليه بهاءالله الابهی

خط مبارک ٦٣٦

هوالابهی

ای منشی بليغ شعر وانشاء از تعلقات فن بديع وبيانست واين

عيانست که آوارگان را نصيب از ربيع اين بديع نه وتاب و توان

تصور نکات فن بيان نيست ولی الحمدلله حقايق اسرار بيان يزدان

وصحيفه رحمن مشهود وعيان وآن خرق حجاب وهتک نقاب

و کشف سحاب در يوم طلوع آفتاب جهانتاب رب الارباب

انشاءالله ازاين بيان نصيب وفير داريم و بهرهء‌کثير فيوضات ربيع

اين بيان مستغنی از آن بديع وبيان مينمايد پس قلم بليغ را بگير وبرلوح

بسيط جوهر بيان وبديع بنگار تا حق فصاحت وبلاغت وحلاوت

عبارت بدهی ومعجزه بديع بيان آلهی بنمائی والبهاء عليک ع ع مقابله شد

ص ٦٤١

بتاريخ سيزدهم (١٣) شهرالجلال سنه هشتاد وپنج (٨٥)مطابق اول ماه اردی بهشت

سال هزار وسيصد وهفت (١٣٠٧) وسلخ شهر شوال هزار سيصد چهل وشش (١٣٤٦)

جلد اول الواح مبارک حضرت عبدالبهاء ارواحنا لرمسه

الاطهر فدا عبد فانی سيد احمد عطوفت جهرمی استنساخ

نمود

بتاريخ سوم (٣) شهر العظمه سنه نود ويک (٩١) بهائی مطابق بيست نهم (٢٩)

اردی بهشت سال هزار سيصد سيزده (١٣١٣) وتاريخ پنجم شهرصفر سنه

هزار وسيصد پنجاه وسه (١٣٥٣) جلد اول الواح مبارک حضرت عبدالبهاءارواحنا

لرمسه الاطهر فدا استنساخ ثانی بقلم عبد فانی

مصطفی عباسی (شهيد زاده جهرمی )

گرديد